



فصلنامه علمی

مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

- شماره: ۵۴ ● زمستان ۱۴۰۰ ● شاپا: ۲۲۴x - ۱۷۳۵
- صاحب امتیاز: وزارت ورزش و جوانان
- مدیر مسئول: رضا نیک بخش
- سردبیر: سید نصراله سجادی
- مدیر داخلی و ویراستار: زهرا کمالیان
- صفحه آرا: جعفر خدادادی
- چاپ و صحافه: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی

مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی

- بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان
- تلفن: ۲۲۶۶۲۳۶۹، دورنگار: ۲۲۶۶۲۲۶۰
- رایانامه: strategic.studies@msy.gov.ir
- سامانه ارسال مقاله: <http://faslname.msy.gov.ir>
- اقتباس و درج مطالب با ذکر ماخذ آزاد است

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان دارای اعتبار علمی - پژوهشی ۳/۱۸/۸۰۳۳ از ۱۳۹۳/۱/۲۵
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می‌شود.

هیئت تحریریه: (به ترتیب الفبا)

سید عبدالحمید احمدی

دانشیار تربیت بدنی (فیزیولوژی ورزشی) جهاد دانشگاهی

محمد جوادی پور

دانشیار برنامه ریزی درسی گروه روش‌ها و برنامه‌های آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

سید نصراله سجادی

استاد تربیت بدنی (مدیریت و برنامه ریزی) گروه مدیریت ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران

غلامرضا شعبانی بهار

استاد تربیت بدنی (مدیریت و برنامه ریزی) گروه مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی دانشکده تربیت بدنی و

علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی

رسول صادقی

دانشیار جامعه شناسی گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

فرزاد غفوری

دانشیار تربیت بدنی (مدیریت و برنامه ریزی) گروه مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی دانشکده تربیت بدنی و

علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی

کوروش فتحی واجارگاه

استاد برنامه ریزی درسی گروه آموزش عالی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

رضا قراخانو

استاد تربیت بدنی (فیزیولوژی ورزشی) گروه تربیت بدنی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

شهلا کاظمی پور

دانشیار جامعه شناسی گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

عباسعلی گائینی

استاد تربیت بدنی (فیزیولوژی ورزشی) گروه فیزیولوژی ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران

مشاوران علمی و همکاران این شماره:

امیر حسین واعظی، حسن کلاشلو، سید محسن بنی جمالی، حمیدرضا نیکخواه، شهرام فرج زاده موالو، لطیف سعادت‌ی سیدبگلو، مهدی شکرانی، لقمان کشاورز، سید محمد حسین رضوی، علی همتی عقیف، کیوان شعبانی مقدم، حسین اکبری یزدی، مهدی سلیمی، فرشاد امامی، مهدی نادری نسب، سید مصطفی طیبی ثانی، محمد هادی توکلی، محمد سر رشته داری، فراز موسوی، علی فهیمی نژاد، محمد علی نودهی، باقر مرسل، مسعود فریدونی، رسول طریقی، نصراله محمدی، سیاوش خداپرست سرشکه، شهرام نظری، احمد محمودی، امین راجی، جواد یوسفیان، بهنام نقی پورگیوی، کریم زهره وندیان، محمد نصیری، آرام مرادی، سعید امیرنژاد، ستار پروین، جعفر سطوتی، احمد غیاثوند، ناهید طالبی، فاطمه فاضلی دینان، افسانه روحانی، فهیمه مومنی فر، سمیه رهبری، فهیمه میرزائی، مریم کریمی، الهام فسنقری، شهلا کاظمی پور، فهیمه نظری، آذر رشتیانی، فریده عقیلی و لیلا میرآقاسی.

اهداف فصلنامه:

۱. ارتقای دانش علمی و بررسی نقادانه سیاست‌ها و برنامه‌های موجود
۲. کمک به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه ورزش و جوانان
۳. بررسی مسائل و چالش‌های فراروی جوانان و ورزش کشور با ارائه راهکارهای نوین و مفید در این زمینه‌ها
۴. انعکاس جدیدترین یافته‌های جوان پژوهی و ورزشی در داخل و خارج کشور

شرایط چاپ مقالات:

۱. مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال یا در آن‌ها چاپ شده باشد.
۲. مقالات ارسالی، به هیچ وجه مسترد نخواهد شد و پس از طی مراحل ارزیابی و تأیید علمی داوران به چاپ خواهد رسید.
۳. فصلنامه در رد یا پذیرش مقالات و ویرایش مطالب و تغییر عناوین، آزاد است.
۴. مسئولیت مطالب، با نویسندگان است.

راهنمای تنظیم مقالات

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

۱. مقاله‌های قابل پذیرش در فصلنامه عبارت‌اند از گزارش‌های علمی از مطالعات تحقیقی که شامل چکیده فارسی و انگلیسی، مقدمه، روش، یافته‌ها، بحث و تفسیر، نتیجه‌گیری و منابع باشند.
۲. حجم مقاله‌ها باید بین ۱۵ تا ۲۰ صفحه A^۴ (هر صفحه حدود ۴۰۰ واژه) و در فرمت word ۲۰۰۷ به پایین با فونت ۱۴ Blotus تایپ شده باشد.
۳. ساختار مقاله‌ها باید شامل اجزای زیر باشد:
 - صفحه عنوان: ضروری است که عنوان کامل مقاله در کوتاه‌ترین و زیباترین شکل، نام کامل نویسندگان، بالاترین مدرک، مقطع و رشته تحصیلی، دانشگاه یا سازمان متبوع و رتبه علمی یا پست سازمانی هر یک از نویسندگان (به فارسی و انگلیسی)، نشانی پستی، تلفن ثابت، تلفن همراه، نامبر و نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول درج شود.
 - چکیده فارسی و انگلیسی: لازم است که چکیده‌ای سازمان یافته حداکثر در ۲۵۰ واژه، به زبان فارسی و انگلیسی در بر گیرنده بخش‌های هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده و منعکس کننده اهم مطالب مقاله به همراه ۳ تا ۶ کلمه به عنوان واژگان کلیدی (به گونه‌ای که مقاله بر مبنای آن نمایه‌سازی شود) ارائه گردد.
 - مقدمه: شامل طرح مسئله، پیشینه تحقیق، خلاصه‌ای از تعاریف، اصول، تئوری‌ها، مجهولات بجا مانده از تحقیقات قبلی، چارچوب نظری، فرضیه‌ها یا پرسش‌ها، نتایج، بحث و منابع به صورت کامل ارائه گردد.
 - روش: شامل تبیین روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و ابزارهای پژوهش است.
 - یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری می‌تواند به صورت متن، جدول (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودار (شماره و عنوان در زیر آن) ارائه شود- تعداد جدول‌ها و نمودارها نباید بیشتر از ۶ عدد باشد.
 - بحث و نتیجه‌گیری: ضمن مقایسه یافته‌های حاصل از این تحقیق با تحقیقات قبلی از منظر شباهت‌ها و تفاوت‌ها، به درستی یا نادرستی فرضیه‌ها و هدف تحقیق اشاره گردد.
 - منابع: تمامی مقاله‌ها باید دارای منابع مستند، صحیح و مرتبط باشند و از آنجا که بررسی صحت و سقم تمامی منابع برای اعضای هیئت تحریریه و داوران ممکن نیست، مسئولیت این امر بر عهده نویسنده مسئول می‌باشد. همچنین، لازم است که منابع مورد استفاده، جدید و از سال ۲۰۰۵ به بعد باشند.

۴. ارجاعات به منابع فارسی و انگلیسی باید به شیوه درون متنی (APA) در داخل پرانتز و به شیوه زیر باشد: (نام خانوادگی مولف، سال انتشار؛ منبع: شماره صفحه یا صفحات) - چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال، بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
۵. معادل غیر فارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها، کوتاه نوشته‌ها و سر واژه‌ها، در پاورقی هر صفحه با شماره گذاری مستقل ذکر شود.
۶. هر گونه توضیح اضافی ضروری به ترتیب شماره، در پی نوشت انت‌های مقاله، پیش از فهرست منابع بیاید.
۷. فهرست منابع (فارسی یا غیر فارسی) در انت‌های مقاله به ترتیب الفبایی نام خانوادگی مولف به شکل زیر تنظیم شود:
- الف. کتاب: نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). محل انتشار: ناشر
- ب. مقاله: نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) «عنوان مقاله». نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام مجله. سال یا دوره، شماره.
- ج. مجموعه مقالات: نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) «عنوان مقاله». نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). در (in) نام و نام خانوادگی ویراستار مجموعه. عنوان مجموعه. محل انتشار: ناشر.
- د. رساله تحصیلی: نام خانوادگی مولف، نام (سال تدوین) «عنوان مقاله». مقطع تحصیلی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل.
- ه. پایگاه اینترنتی: نام خانوادگی مولف، نام (آخرین زمان به روز نمودن سایت) «عنوان مقاله». نشانی پایگاه اینترنتی (تاریخ مراجعه به پایگاه).

مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی

فهرست

تدوین الگوی نظام مدیریت منابع انسانی کارآفرین در وزارت ورزش و جوانان

حبیب الله قربانی، میرحسن سید عامری، مهدی بشیری ۹

جایابی خرده سیستم های اکوسیستم کارآفرینی در ورزش

عباس فرهمند مهر، فریده شریفی فر، رضا نیک بخش ۳۷

شناسایی چالش های مشارکت بین سازمانی در ورزش به منظور اجرای برنامه های ورزش برای توسعه و صلح

مهندس قلی پور، صدیقه حیدری نژاد، طاهره ازمشا ۵۹

شناسایی عوامل موثر بر شکل گیری فساد در ورزش حرفه ای ایران

مهدی سادات الحسینی، علی زارعی، زهرا حاجی انزهایی ۷۵

شناسایی عوامل موثر بر تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی های المپیک

اکبر بهتری، فریده اشرف گنجویی، محمد رضا اسمعیلی ۹۷

کاوش عوامل مؤثر در توسعه شطرنج ایران با رویکرد بین المللی

احسان قائم مقامی، حبیب هنری، غلامعلی کارگر، جواد شهلایی باقری ۱۱۳

طراحی مدل مدیریت جانشین پروری در وزارت ورزش و جوانان : نظریه داده بنیاد

مریم کریمی، صدیقه حیدری نژاد، یدالله مهرعلی زاده ۱۲۹

تحلیل اکتشافی عوامل موثر بر برنامه راهبردی موفق در فدراسیون های ورزشی المپیک

مرضیه بهادر، مصطفی افشاری، محسن باقریان فرح آبادی ۱۴۹

بررسی چالش های پیش روی توسعه ورزش های همگانی، حرفه ای و قهرمانی، بانوان و تربیتی در استان یزد

جواد یوسفیان ۱۷۱

مدل کیفی توسعه گردشگری ورزش های ماجراجویانه در استان خوزستان

مهدی زنده بودی، سیده ناهید شتاب بوشهری، امین خطیبی ۱۹۳

ارزیابی عملکرد هیئت های ورزشی بر اساس مدل تلفیقی MEA-BSC با داده های منفی

خاطره کریمی، مهدی سلیمی، محمد سلطان حسینی ۲۱۳

مطالعه تأثیر کیفیت ادراک شده بر تصویر برند و وفاداری هواداران به برند تیم های فوتبال لیگ برتر فوتبال ایران

اکبر جابری، محمد سر رشته داری، مهدی مرادی، کوروش قهرمان تهریزی ۲۳۱

شناسایی شرایط علی موثر بر شناخت استعداد های ورزشی مدارس سمای کشور (مطالعه ای با رویکرد گرنند تنوری)

جمشید وزیری، علی محمد صفائی، رضا نیک بخش، علی اصغر درودیان ۲۴۷

تعیین ظرفیت گردشگر پذیری منطقه کوهستانی - ورزشی دربند تهران با رویکرد مدیریت پایدار ورزش

محمد طاهری حسین آبادی، سید مصطفی طبیبی ثانی، علی فهیمی نژاد، هومن بهمن پور ۲۶۵

طراحی مدل پیش بینی موفقیت کشورها در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه با استفاده از روش هوشمند شبکه پرسپترون چندلایه (MLP)

فهیمه میرزائی، مجید جلالی فراهانی، امین قاضی زاهدی، قدرت اله باقری ۲۸۵

ارزیابی عوامل مؤثر بر تأخیر در پروژه های عمرانی ورزشی با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

فهیمه ابراهیمی، زینت نیک آیین، سید حمید سجادی هزاوه ۳۰۵

بررسی تطبیقی اثرگذاری نهادهای جامعه پذیرکننده بر فرهنگ سیاسی جوانان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)

سارا نجف پور، علی تدین راد ۳۱۹

تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین جوان

شیدا رستمی، مهرداد نوابخش، منصور حقیقتیان ۳۳۷

واکاوی تجربه دختران جوان از مزاحمت های مردان در اماکن عمومی

رها پور اسمعیلی، منصور فتحی ۳۵۵



تدوین الگوی نظام مدیریت منابع انسانی کارآفرین در وزارت ورزش و جوانان

حبيب الله قربانی^۱

میرحسن سید عامری^۲

مهدی بشیری^۳

doi 10.22034/SSYS.2022.472

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۴/۱۴

هدف این تحقیق، تدوین الگوی نظام مدیریت منابع انسانی کارآفرین در وزارت ورزش و جوانان است که با روش تحقیق کیفی و با ماهیت اکتشافی - بنیادی بر مبنای روش داده- بنیاد با رویکرد ساخت گرا انجام گرفت. مشارکت کنندگان در تحقیق ۲۸ نفر از مدیران وزارت ورزش و ادارات کل ورزش و جوانان و اساتید دانشگاه بود که از طریق روش نمونه گیری گلوله برفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت.

در این پژوهش برای طراحی نظام مدیریت منابع انسانی کارآفرین ۱۱ مقوله اصلی و ۲۹ مقوله فرعی به دست آمد. ۴ شرط علی (توانایی های سازمانی، ارزش آفرینی و منبع محوری نیروی انسانی کارآفرین، حس بی اعتمادی نسبت به مدیریت منابع انسانی سنتی و ضرورت مدیریت پشتیبان)، ۷ شرط زمینه ای (نگرش مثبت مدیران به کارآفرینی، فرصت ها و تهدیدها، هماهنگی بین راهبردهای مدیریت منابع انسانی با راهبرد بالادستی وزارت ورزش، نقاط قوت و ضعف وزارت ورزش و جوانان، تمرکز وزارت بر متغیرهای کارآفرینانه، پویایی رقابتی بودن محیط، ویژگی های شخصیتی و عوامل فردی)، ۵ عامل مداخله ای (موانع ساختاری، زمینه ای،

۱. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی در سازمان های ورزشی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Dinatala68@yahoo.com

۲. استاد، مدیریت ورزشی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

۳. استادیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

رفتاری، تبدیل ضابطه مندی به رابطه گرایی و عوامل ضد انگیزشی)، ۴ راهبرد (بازطراحی ساختار کلی سازمانی جهت چابکی و پاسخگویی به نیازهای کارکنان کارآفرین، بازطراحی ساختار مدیریت منابع انسانی، توسعه فرایندهای سازمانی جهت حمایت از کارآفرینی منابع انسانی و بهره‌برداری از فرصت‌های شناسایی شده و برنامه عملیاتی) در قالب الگوی پارادایمی شناسایی شدند.

می‌توان نتیجه گرفت که استفاده درست و بهینه از منابع انسانی در راستای ایجاد و توسعه کارآفرینی در وزارت ورزش موجبات بهبود و پیشرفت عملکرد سازمانی، بهبود و پیشرفت منابع انسانی و بهبود و تعالی مشتریان می‌شود.

واژگان کلیدی: مدیریت منابع انسانی، رویکرد کارآفرینانه و وزارت ورزش و جوانان

مقدمه

امروزه سازمان‌ها در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که گرایش به سمت فعالیت‌های کارآفرینانه برای آنها امری ضروری است. در محیط رقابتی امروز که مبتنی بر اقتصاد دانش بنیان است، دانش و سرمایه‌های انسانی به عنوان مزیت رقابتی برای سازمان‌ها شناخته می‌شود و نقش اساسی را در ایجاد تحول، خلاقیت و نوآوری و به ویژه کارآفرینی ایفا می‌نماید (شپرد^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). یکی از حوزه‌هایی که زمینه ظهور کارآفرینی در آن احساس می‌شود و پتانسیل‌های زیادی در آن نهفته است، کارآفرینی در سازمان‌های ورزش است (رضوی و طالب پور، ۱۳۹۶: ۶۸)؛ به طوری که فرایند کارآفرینی در سازمان‌های ورزشی، فرصت‌های جدید برای اشتغال در زمینه ورزش ایجاد می‌کند که با توجه به ابعاد گسترده علوم ورزشی می‌توان آن را در زمره سریع‌ترین بخش‌های رشد و مرتبط با بخش‌های اصلی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جهان مطرح کرد (رضوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۴). باید توجه داشت که فعالیت‌های کارآفرینانه در درون سازمان و توسط افراد آغاز می‌شود و تداوم می‌یابد. در نتیجه سازمان می‌تواند از طریق فعالیت اعضایش، نوآور، پیشرو و ریسک‌پذیر باشد. کارکنان مستعد نوآوری، ریسک‌پذیری و تبادل دانش در سازمان، به عنوان یک ضرورت مطرح هستند (مقدم و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۴). نیروی انسانی با مهارت‌های خود و تکنیک‌هایی که دارد، باعث ایجاد ارزش، جذابیت و مطلوبیت برای عموم جامعه و افراد علاقه‌مند می‌شود. نوآوری و تغییر، عوامل کلیدی ورزش محسوب می‌شوند و ورزش‌فرایندی کارآفرینانه است. کارآفرینی، جزء تفکیک‌ناپذیر مدیریت ورزشی است و مزایای رقابتی بسیاری را برای افراد و سازمان‌های ورزشی در این حوزه، ایجاد می‌کند (راتن^۲، ۲۰۱۰: ۵۸). ونسا^۳ (۲۰۱۰) معتقد است کارآفرینی در ورزش اهمیت بسیار زیادی دارد، چرا که کارآفرینی در این زمینه می‌تواند فعالیت‌های نوآورانه را تشویق کند و موجب تغییرات اجتماعی، توسعه سازمان‌های ورزشی و افزایش تعداد تولیدات و خدمات جدید و اختراعات شود. لذا برای سازگاری با تغییرات روزافزون، سریع و پیچیده و نامطمئن محیط و کشف فرصت‌های بالقوه در عرصه ورزش، وزارت ورزش و جوانان به عنوان متولی اصلی ورزش کشور به کارکنانی کارآفرین نیاز دارد که خلاقیت و نوآوری و توان تبدیل تهدیدها به فرصت‌های جدید از ویژگی‌های بارز تر آنان باشد (ونسا، ۲۰۱۰: ۵۸). با اذعان به جایگاه کارآفرینی در ورزش، از یک طرف و نقش مهم سرمایه‌فکری در محقق شدن کارآفرینی از سوی دیگر، در دهه‌های اخیر گرایش فزاینده‌ای به منابع انسانی به عنوان یک رویکرد سودمند در حوزه مطالعات کارآفرینی به وجود آمده است. تحقیقات صورت گرفته نیز موید آن است که کارآفرینی به شدت با نحوه به کارگیری منابع و به خصوص منابع انسانی گره خورده است (ژانگ^۴ و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۲۸ و موریس^۵ و همکاران، ۲۰۰۹: ۴۲۹). در حال حاضر ورزش کشور، به شدت نیازمند تامین، آموزش و توسعه و نگهداشت کارکنان توانمند و کارآفرین است. از این رو، طراحی الگویی جامع برای مدیریت منابع انسانی کارآفرینان در

1. Shepherd
2. Ratten
3. Vanessa
4. Zhang
5. Morris

این حوزه، یکی از نیازهای اساسی است. در این پژوهش، تلاش می‌شود نظام مدیریت منابع انسانی از منظر و رویکرد کارآفرینانه، بر اساس نظریه داده-بنیاد و در قالب الگوی پارادیمی که از عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، بستر، راهبردها و پیامدها تشکیل شده است، برای وزارت ورزش و جوانان طراحی و تبیین گردد.

کارآفرینی، موضوعی جذاب در میان اهالی حوزه کسب و کار و دانش پژوهان بوده و ترکیب آن با منابع انسانی در میان دانشمندان مدیریت و محققان، از موضوعات مورد علاقه است (مونتر و سانچس و رایبرو سوریانو^۱، ۲۰۱۱: ۷). لذا باید به دنبال راهکارهای جدید سازمانی با ساختارهای نوین بود. برای شناخت فرصت‌های جدید و افزایش بهره‌وری نیاز مبرم به شناخت رابطه بین نظام مدیریت منابع انسانی و توسعه کارآفرینی سازمانی درون سازمان‌ها احساس می‌شود (کیاکجوری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). کارآفرینی با سرعت بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی و خلق شغل‌ها و کارهای جدید، نقش راهبردی در توسعه اقتصادی ایفا می‌کند (هاسن^۲ و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۸۵). مدیریت منابع انسانی نیز به طور کلی یک تابع راهبردی و جامع از کارمندان را برای کمک موثر و مولد به نفع سازمان و در جهت اهداف سازمان و رونق کسب و کار، در فضای رقابتی امروز فراهم می‌آورد (حسنی صدرآبادی، ۱۳۹۶: ۹۵). کارآفرینی سازمانی، یک جنبه مهم در عملکرد سازمان است و تحت تاثیر سیستم‌های مدیریت منابع انسانی قرار دارد (دیانتی و زارع زیدی، ۱۳۹۶: ۴). شیوه‌های مدیریت منابع انسانی به عنوان مکانیسم کلیدی جهت برانگیختن طرح‌های کارآفرینی در سازمان‌ها شناخته شده است (دهقان دهنوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴).

اقدامات منابع انسانی تنها زمانی می‌تواند به کارآفرینی اثربخش در سیستم کلان سازمانی منجر شود که هم دارای انسجام افقی در سطح واحد منابع انسانی باشد و هم انسجام عمودی میان اقدامات این واحد با اهداف سازمانی مشاهده شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲-۳). فراهم کردن انگیزه‌ها و پاداش‌هایی برای ریسک‌پذیری-زمانی که نقش مشارکت‌های آگاهانه افراد در کارآفرینی سازمانی مورد توجه است- یک موضوع محوری است (جنسن^۳ و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۰۴۷). کارکنان چنین سازمان‌هایی، باید فرصت‌گراتر، خلاق‌تر و موفقیت‌گراتر بوده و از سطح تحمل ابهام و تمایل به ریسک‌پذیری بالاتری برخوردار باشند. نظر دیگری که به واسطه تحقیقات در زمینه سیستم‌های منابع انسانی مورد تاکید قرار گرفته، این است که فعالیت‌های مدیریت منابع انسانی می‌تواند محیطی ایجاد کند که حامی همکاری و مشارکت کارکنان باشد و موجب شکل‌گیری و ارتقای توسعه سرمایه‌های انسانی و سازمانی شود (جونز^۴ و همکاران، ۱۹۹۵: ۸۷).

تحقیقات نشان می‌دهد که مدیریت منابع انسانی می‌تواند از راه ایجاد «محیط حمایتی نوآوری» به طور غیرمستقیم بر کارآفرینی سازمانی تاثیر بگذارد (دیانتی و زارع زیدی، ۱۳۹۶: ۷). در پژوهشی رابطه بین هر یک از شیوه‌های مدیریت منابع انسانی، برنامه‌ریزی، قابل دسترس بودن افراد برای سازمان‌ها، ارزیابی کردن، پاداش دادن، آموزش و توسعه ارتباط مدیران و کارکنان با کارآفرینی سازمانی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این

1. Montoro-Sánchez & Ribeiro Soriano

2. Hansen

3. Jensen

4. Jones

مطالعه نشان می‌دهد تفاوت در شیوه‌های مدیریت منابع انسانی ممکن است با تغییرات در سطح کارآفرینی مشاهده شده در سراسر سازمان مرتبط باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های کارکنان با تلاش‌های کارآفرینانه از قبیل رفتارهای ابتکاری، انعطاف‌پذیری در مقابل تغییرات، همکاری، رفتار مستقل، تحمل ابهام و پیش قدم شدن برای به عهده گرفتن مسئولیت مرتبط است (جنسن و همکاران، ۲۰۱۰: ۸۶).

چن و هونگ^۱ (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان تأثیر کارکردهای مدیریت راهبردی منابع انسانی بر نوآوری سازمانی» نشان داد که بین کارکردهای مدیریت منابع راهبردی منابع انسانی و نوآوری اداری و فنی رابطه معناداری وجود دارد. رتبرگ^۲ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مدیریت منابع انسانی در عملکرد اجتماعی شرکت‌ها» نشان دادند کارایی و نوآوری منابع انسانی در عملکرد تجاری شرکت‌ها نقش دارد. لی و وانگ^۳ (۲۰۱۷) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که توسعه منابع انسانی می‌تواند باعث رشد کارآفرینی در سازمان شود. کی هیندز^۴ (۲۰۱۴) در تحقیقی نشان داد که بین مدیریت منابع انسانی و توسعه کارآفرینی ارتباط متوسطی وجود دارد و این نشان می‌دهد که مدیریت منابع انسانی می‌تواند توسعه کارآفرینی را در سازمان تسهیل کند. از این رو، مدیران منابع انسانی باید اقدامات احتمالی را نیز در نظر بگیرند تا اطمینان حاصل شود که منابع انسانی آنها به اندازه کافی جبران خدمت می‌شوند و پاداش دریافتی انگیزه‌ای برای ارتقای عملکردشان است - این می‌تواند بر عملکرد آنها و عملکرد کلی سازمان تأثیر بگذارد. سالوم^۵ و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی عوامل پیش‌برنده پایداری در کسب و کارهای ورزشی پرداختند و دریافتند که عواملی مانند نگرش‌ها و ارزش‌های شخصی و مدیریتی، به دست آوردن مزیت‌های رقابتی و ارتقای اعتبار باعث گرایش کارآفرینان ورزشی به پایداری می‌شوند. نقی زاده و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که کانون کنترل درونی، چالش طلبی، سلاست فکری، عمل‌گرایی، نیاز به موفقیت، تحمل ابهام، ریسک‌پذیری و رویاپردازی به ترتیب مهمترین روحیات کارآفرینانه کارشناسان فدراسیون‌های ورزشی به شمار می‌آیند. کاظمی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «شناسایی و تحلیل موانع رفتاری کارآفرینی در وزارت ورزش و جوانان» بیان کردند که موانع رفتاری کارآفرینی در این وزارتخانه عبارت‌اند از: «سبک رهبری»، «فرهنگ سازمانی»، «ویژگی‌های شخصیتی مدیران»، «ویژگی‌های شخصیتی کارکنان» و «تضاد سازمانی»... بیگلری و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی ارتباط فرهنگ سازمانی و مدیریت دانش با کارآفرینی سازمانی کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان خراسان رضوی» نشان دادند که فرهنگ سازمانی بر مدیریت دانش و کارآفرینی سازمانی تأثیر مستقیم و معناداری دارد. مدیریت دانش نیز از اثری مثبت و مستقیم بر کارآفرینی سازمانی برخوردار است. رضوی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کارآفرینی در ورزش با رویکرد منسجم تحلیل چند معیاره و کپ‌لند» نشان دادند که به ترتیب عوامل تدوین برنامه‌ریزی جامع در

زمینه کارآفرینی ورزشی، وجود وزارت ورزش و جوانان در کشور و وجود شبکه های تلویزیونی ورزش در کشور سبب توسعه کارآفرینی در ورزش کشور خواهد شد. سعادت طلب و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر رویکردهای منابع انسانی راهبردی بر عملکرد کارآفرینانه و نوآورانه در آموزش عالی ایران» دریافتند که ابعاد راهبردی و کارکردی منابع انسانی اثر متفاوتی بر عملکرد سازمانی دارند. همچنین درجه موفقیت کارآفرینی فردی و گروهی بر حسب این دو بعد متفاوت است.

با توجه به اینکه صنعت کشور و به تبع آن صنعت ورزش به شدت نیازمند تأمین، آموزش و بهسازی و نگهداشت کارکنان توانمند و کارآفرین است، طراحی الگویی جامع برای مدیریت منابع انسانی کارآفرینانه در این حوزه، یکی از نیازهای اساسی است. با وجود تاکید فراوان بر نقش تاثیرگذار منابع انسانی بر کارآفرینی در مبانی نظری مدیریت، اما متأسفانه الگویی که بتواند به صورت یکپارچه تاثیر زیر سامانه های منابع انسانی بر کارآفرینی را بسنجد، در وزارت ورزش ایجاد نشده است.

از سوی دیگر، بسیاری از کارکنان خلاق و کارآفرین به دلیل نبود سیستم های مناسب در منابع انسانی یا به دلیل ضعف مدیریتی، دچار سکوت سازمانی شده اند. لذا توجه به منابع انسانی در جهت تقویت روحیه کارآفرینی و همچنین شناخت و حمایت از کارکنان خلاق و توانمند ضروری به نظر می رسد.

در سطح کلان نیز این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است؛ به گونه ای که دستیابی به اهداف مشخص شده در سند چشم انداز بیست ساله کشور و نیز اهداف برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی، ضرورت تحول در نظام اداری کشور را قطعی می سازد. روند کلی در بسیاری از سازمان های از جمله وزارت ورزش و جوانان مؤید این مطلب است که وضعیت حاکم در این سازمان ها، سنتی و غیرکارآفرینانه است و یکی از مهم ترین دلایل ناکارآمدی آن، فقدان نوآوری و کارآفرینی منابع انسانی در آن ها باشد. با توجه به اهمیت نقش منابع سازمانی و کارآفرینی آنها در سازمان و ضرورت آنها در توسعه سازمان و جامعه، تردیدی در تربیت کارآفرینان سازمانی جهت تحقق این هدف بزرگ باقی نمی ماند.

مبانی نظری پیرامون این موضوع فاقد یکپارچگی مفهومی است و در مورد اینکه کدام یک از اقدامات منابع انسانی بر کارآفرینی سازمانی تأثیر گذار است بین محققان اجماع نظری وجود ندارد. نکته دوم اینکه هنوز الگوی کلی و جامع آزمون شده ای برای سنجش نقش نظام مدیریت منابع انسانی با رویکرد کارآفرینانه در وزارت ورزش و جوانان ارائه نشده است.

بدین ترتیب، محقق بر آن شد که با نگاهی وسیع، الگویی در زمینه نظام مدیریت منابع انسانی کارآفرین در وزارت ورزش و جوانان از دیدگاه نخبگان و مدیران کلان وزارت ورزش و جوانان و اساتید دانشگاهی کشور ارائه کند.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر جزو پژوهش های کیفی است که با استفاده از رویکرد مبتنی بر نظریه داده-بنیاد^۱ انجام شد.

1. Grounded Theory

مشارکت کنندگان در این تحقیق شامل اعضای هیئت علمی رشته مدیریت ورزشی و مدیریت منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان و مدیران کل ادارات ورزش و جوانان بود که از میان آنها تعداد ۲۸ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ و تکنیک نمونه‌گیری گلوله برفی^۲ انتخاب شدند. با اینکه در رویکرد نظریه پردازی داده-بنیاد قاعده خاصی برای تعیین حجم نمونه وجود ندارد، اما برای گروه‌های همگون ۶ تا ۸ و برای گروه‌های ناهمگون ۱۲ تا ۲۰ واحد پیشنهاد شد (هومن، ۱۳۸۸؛ به نقل از خداپنده و همکاران، ۱۳۹۷). برای اجرای نمونه‌گیری ابتدا فهرستی از خبرگان و متخصصان شامل استادان دانشگاه و مدیران و دست‌اندرکاران سازمان‌های ورزشی تهیه و سپس با آن‌ها مصاحبه عمیق برگزار شد. پس از اتمام هر مصاحبه، از افراد مورد مصاحبه خواسته شد تا سایر خبرگان را به محقق معرفی کنند. این کار تا زمانی ادامه یافت که با تمام افراد معرفی شده از سوی خبرگان، مصاحبه انجام گرفت. اعتبار پذیری پژوهش از طریق بررسی دیدگاه‌های مختلف صورت پذیرفت؛ به طوری که بررسی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و با افراد صاحب‌نظر از گروه‌های متفاوت انجام گرفت. توجه به زمان و مکان مختلف به منظور پرهیز از هر گونه سوگیری در گردآوری داده‌ها بود و در نظر گرفتن افراد از گروه‌های مختلف شامل اعضای هیئت علمی رشته مدیریت ورزشی و مدیریت منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان و مدیران کل ادارات ورزش و جوانان نیز به منظور رسیدن به داده‌های با اعتبار بیشتر صورت پذیرفت. برای تقویت تاییدپذیری پژوهش تلاش شد تا در حد امکان از تبادل نظر با همتایان (پژوهشگرانی که تجربه انجام پژوهش کیفی داشتند) در فرایند تحلیل داده‌ها استفاده و از دخالت دادن قضاوت‌ها و ارزش‌های شخصی در تحلیل محتوای متون مصاحبه پرهیز شود. در این تحقیق بنا به ماهیت و روش مورد استفاده، تحلیل اطلاعات مبتنی بر سه روش کدگذاری باز، محوری و متمرکز است. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا و به شیوه مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی و برقراری ارتباط مفهومی بین خصوصیات مشترک کدهای باز، مفاهیم و مقولات مشخص شدند. بعد از انجام عملیات «کدگذاری باز» که داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها به صورت سطر به سطر جهت استخراج مفاهیم اولیه کدگذاری شدند، در مرحله دوم موسوم به «کدگذاری محوری»، مفاهیم و کدهای باز مشترک و مشابه از نظر معنایی در قالب مقوله‌های عمده طبقه‌بندی گردیدند. در مرحله آخر یا «کدگذاری گزینشی» مقوله هسته انتخاب شد و ارتباط بین کلیه مقولات عمده حول محور مقوله هسته مورد بررسی قرار گرفت. سپس الگوی برخاسته از داده‌ها براساس خط سیر داستان ترسیم شد. در پایان، براساس مبانی نظریه داده-بنیاد پدیده-محوری، شرایط علی، زمینه‌ای و میانجی (مداخله‌گر)، راهبردها و پیامدهای حاصل ارائه گردید.

یافته‌های پژوهش

برای پاسخگویی به سوال اصلی پژوهش (مدیریت منابع انسانی کارآفرین) داده‌های کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۲۸ نفر گردآوری شد که ویژگی جمعیت شناختی آنها در جدول ۱ آمده است:

1. Purposive

2. Snow ball

جدول ۱: ویژگی‌های توصیفی مشارکت کنندگان پژوهش (مصاحبه شوندگان)

شماره	سمت	تحصیلات	حوزه فعالیت		سن	جنسیت	سابقه (سال)	شماره	سمت	تحصیلات	حوزه فعالیت		سن	جنسیت	سابقه (سال)	شماره	سمت	تحصیلات
			دانشگاهی	اجرائی							دانشگاهی	اجرائی						
P1	استاد دانشگاه	دکتری	*		۴۷	زن	۱۰	M3	مدیرکل	دکتری	*		۵۳	مرد	۲۲			
P2	استاد دانشگاه	دکتری	*		۵۲	مرد	۱۵	M4	مدیرکل	دکتری	*		۵۶	مرد	۲۳			
P3	استاد دانشگاه	دکتری	*		۵۰	مرد	۱۷	M5	مدیرکل	ارشد	*		۵۷	مرد	۲۵			
P4	استاد دانشگاه	دکتری	*		۴۹	زن	۱۸	M6	مدیرکل	دکتری	*		۵۲	مرد	۲۰			
P5	استاد دانشگاه	دکتری	*		۴۷	مرد	۱۸	M7	مدیرکل	دکتری	*		۴۶	مرد	۱۵			
P6	استاد دانشگاه	دکتری	*	*	۵۴	زن	۲۰	M8	مدیرکل	ارشد	*		۴۹	مرد	۱۵			
P7	استاد دانشگاه	دکتری	*	*	۵۰	مرد	۱۹	M9	مدیرکل	دکتری	*		۵۲	مرد	۱۹			
P8	استاد دانشگاه	دکتری	*		۵۲	زن	۲۲	E1	وزارت ورزش	دکتری	*	*	۴۷	مرد	۱۴			
P9	استاد دانشگاه	دکتری	*		۵۴	مرد	۲۲	E2	وزارت ورزش	دکتری	*	*	۴۹	مرد	۱۴			
P10	استاد دانشگاه	دکتری	*		۴۹	مرد	۱۶	E3	وزارت ورزش	دکتری	*		۵۶	زن	۲۲			
P11	استاد دانشگاه	دکتری	*		۵۰	زن	۱۹	E4	وزارت ورزش	ارشد	*		۵۱	مرد	۲۰			
P12	استاد دانشگاه	دکتری	*		۴۷	مرد	۱۲	E5	وزارت ورزش	دکتری	*		۴۹	مرد	۱۹			
M1	مدیرکل	دکتری	*	*	۵۲	مرد	۱۹	E6	وزارت ورزش	دکتری	*	*	۵۰	مرد	۱۹			
M2	مدیرکل	ارشد	*		۴۸	مرد	۱۷	E7	وزارت ورزش	ارشد	*		۵۲	زن	۲۳			

با توجه به نتایج جدول ۱، ۱۲ نفر از مشارکت کنندگان استاد دانشگاه بودند که ۲ نفر از آنها سابقه فعالیت اجرایی و ۱۰ نفر از آنها نیز سابقه فعالیت در دانشگاه داشتند. همچنین، ۹ نفر از مشارکت کنندگان مدیرکل ادارات ورزش و جوانان و ۷ نفر در حال فعالیت در وزارت ورزش و جوانان بودند. ۵ نفر از مشارکت کنندگان دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و ۲۳ نفر دارای مدرک تحصیلی دکتری بودند. ۷ نفر از افراد نمونه را زنان و ۲۱ نفر را مردان تشکیل می دادند. دامنه سنی مشارکت کنندگان از ۴۶ سال تا ۵۷ سال بود.

پدیده محوری

پدیده محوری در این پژوهش، مدیریت منابع انسانی کارآفرین شامل ۱۱ مقوله اصلی (ساختار سازمانی، حمایت مدیریت عالی، برنامه ریزی و تامین نیروی انسانی، فرهنگ سازمانی، راهبرد سازمانی، ارتباطات اثربخش، سیستم های سازمانی، آموزش کارکنان، رویکرد راهبردی، فناوری اطلاعات و کنترل و ارزیابی) و ۲۹ مقوله فرعی (کار تیمی، مشارکت دهی کارکنان، شبکه های غیررسمی، پیچیدگی/ارسمیت/تمرکز کم، خطرپذیری مدیران، باورها و درک مدیریت عالی، تعهد مدیریت عالی، کارمندیابی و جذب، طراحی شغل، مخاطره پذیری، یادگیری

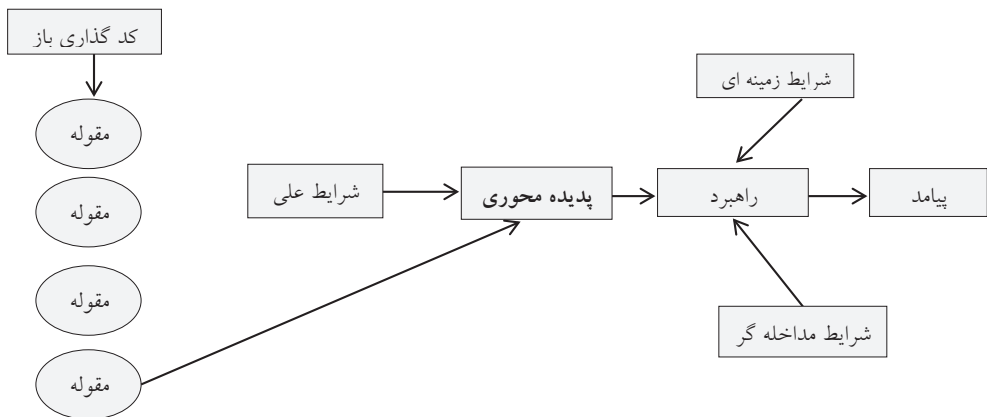
سازمانی، اعتماد سازمانی، احساس هویت سازمانی، تحمل تعارض، یکپارچگی و انسجام سازمانی، رسالت و مأموریت روشن، آینده‌نگری، برقراری روابط کاری کارآفرینانه، داشتن ارتباطات موثر کارآفرینانه، سیستم‌های مالی، نظام منابع انسانی، سیستم پژوهش و توسعه، ظرفیت‌سازی کارکنان، توانمندسازی کارکنان، شناسایی محیط داخلی و خارجی، آزادی ارتباطات و اطلاعات، تبادل اطلاعات، سیستم ارزیابی عملکرد و سیستم کنترل) بود.

جدول ۲: پدیده محوری و مقوله‌های مربوط به نظام مدیریت منابع انسانی کارآفرین در وزارت ورزش و جوانان

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدگذاری باز
ساختار سازمانی	کار تیمی	همکاری کارکنان، تشکیل کارگروه‌های کاری و فضای گروه
	مشارکت دهی کارکنان	مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت فعال در امور شغلی
	شبکه‌های غیر رسمی	تشکیل سرمایه‌های اجتماعی، ایجاد شبکه‌های پشتیبانی غیر رسمی، روابط غیر رسمی مستمر و تعامل اجتماعی مداوم کارکنان
	پیچیدگی/رسمیت/تمرکز کم	تفکیک واحدهای سازمانی بر اساس موقعیت اعضای سازمان، کاهش سطوح سلسله مراتب سازمانی، استقلال (خودگردانی)، تفویض اختیار، حرفه‌گرایی، حیطه‌کنترل، تخصص‌گرایی، کم کردن استانداردهای خشک در وزارت، حداقل رویه‌های رسمی و مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری
حمایت مدیریت عالی	خطر پذیری مدیران	پذیرش و تحمل ریسک‌ها، پذیرش شکست موقتی و کشف و به کارگیری فرصت‌ها
	باورها و درک مدیریت عالی	برقراری ارتباطات سازنده، ترغیب همکاری بین کارکنان، حمایت از کارکنان حتی در زمان شکست و بصیرت و انعطاف پذیری
	تعهد مدیریت عالی	گوشزد کردن مزایای گرایش به کارآفرینی به زیردستان، تعهد به حمایت از کارآفرین و با فشاری و اصرار بر کار آفرینی
برنامه ریزی و تامین نیروی انسانی	کارمندپایی و جذب	مدیریت استعداد، نگهداری سرمایه انسانی، تعیین موجودی نیروی انسانی در سازمان، برآورد نیاز سازمان به نیروی انسانی، تعیین کمیت و کیفیت نیروی مورد نیاز از منابع داخلی و خارجی
	طراحی شغل	آموزش، انگیزش و پاداش دهی به کارکنان، توسعه سرمایه انسانی، کمک به کارکنان در پذیرش تغییر در محل کار، به حداقل رساندن نارضایتی، افزایش انگیزه و مشارکت کارکنان در محل کار
فرهنگ سازمانی	مخاطره پذیری	جو برد - برد، کار مفرح‌نوا با هیجان و شوق، رقابتی بودن و مشتری گرایی و تحمل ریسک و شکست
	یادگیری سازمانی	انتخاب آزاد و استقلال عمل، پرورش تیم‌های چند وظیفه‌ای، تعهد مدیریت، دید سیستمی، فضای باز، چشم‌انداز مشترک، کار و یادگیری تیمی، اشتراك دانش، رهبری مشارکتی و توسعه شایستگی کارکنان
	اعتماد سازمانی	اعتماد بین کارکنان به یکدیگر، اعتماد بین کارکنان و مدیر، اعتماد به ساختارها و پردازش‌های خوب، اعتماد به صلاحیت فناوری سازمان و اعتماد به راهبردهای سازمان
	احساس هویت سازمانی	عضویت (احساس تعلق، پیوستگی و کشش احساسی، ارجاع به خود به عنوان عضو سازمان و افتخار به عضویت در سازمان)، بعد وفاداری (وفاداری به سازمان و اشتیاق به تحقق اهداف سازمان) و بعد شباهت (ادراک از داشتن ویژگی‌های مشترک در سازمان)
	تحمل تعارض	تفویض اختیار و مسئولیت، اجتناب از کنترل‌های سخت و سخت، مدیریت صحیح تعارض، شناخت تفاوت‌ها و اختلاف‌های منطقی، غوطه‌ور نشدن در کارها، آزادی عمل در برقراری ارتباط و اطلاع‌رسانی
	یکپارچگی و انسجام سازمانی	وجود همکاری، اتحاد و پیوستگی بین گروه‌ها و واحدهای سازمانی، پاسخگویی، شایسته‌سالاری، نظارت، هماهنگی و جبران خدمات انگیزشی

راهبرد سازمان	رسالت و مأموریت روشن	تمایز نوع، قلمرو عملیات، محصول و بازار سازمان و مشتریان سازمان از دیگر سازمان‌ها، مشخص و روشن بودن هدف‌های کلی سازمان، مشخص و قابل حصول بودن اهداف هر بخش وزارت خانه، دقیق و واقع‌بینانه بودن مأموریت وزارتخانه، تناسب مأموریت و اهداف سازمان با محیط و بازار، استفاده از خلاقیت و نوآوری در تنظیم طرح و تبیین راه حل‌ها و منعطف و مشتری‌گرا بودن مأموریت‌ها
	آینده نگری	دنبال محصولات جدید، استثمار فرصت‌های بازار، انعطاف پذیری بالا، واکنش سریع به تغییرات محیطی، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید و چندگانه، جهت‌گیری بیرونی، استفاده حداکثری از فرصت‌های محیطی برای تأمین نیازهای جدید بازار، داشتن نوآوری، فارغ از قواعد و مقررات محدود کننده سازمانی، استقبال از تغییرات، نگاه با اطمینان به محیط، جستجوی مستمر در پی فرصت‌های جدید در محیط خود و توان پیش‌بینی تغییرات در بازار
ارتباطات اثربخش	برقراری روابط کاری کارآفرینانه	فهم مشترک کارکنان، برقراری ارتباطات غیررسمی، کاهش سلسله مراتب در ارتباطات، هماهنگی درون بخشی، تقویت مهارت‌های ارتباطی کارکنان و ایجاد ساختار ارگانیک در سازمان
	داشتن ارتباطات موثر کارآفرینانه	شبکه‌سازی در وزارتخانه، کنترل به صورت کاملاً دوستانه، عادلانه و بدون منحرف کردن آن‌ها، دقت به حالت چهره و چشم‌ها و زبان بدن در زمان ارتباط، استفاده از کلمات قوی و ارائه چشم‌اندازی روشن با لحنی آرام، داشتن اعتماد به نفس و ارائه تصویری موفق از خود
سیستم‌های سازمانی	سیستم‌های مالی	سیستم پرداخت مبتنی بر ریسک‌پذیری و نوآوری، استفاده از پاداش‌های متنوع، توجه به اصل برابری و تخصیص مناسب بودجه
	نظام منابع انسانی	کار تیمی، تفویض اختیار، پرداخت مبتنی بر عملکرد، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و انسانی، تیم‌های مستقل و چندرشته‌ای، استخدام و رشد مسیر شغلی و طراحی شغل و استفاده از بازاریابی داخلی
	سیستم پژوهش و توسعه	انجام طرح‌های تحقیقاتی، حمایت از طرح‌های دانشجویی، همکاری با سازمان‌ها و پژوهشکده‌های تحقیقاتی (همچون آکادمی ملی المپیک، پژوهشکده تربیت بدنی و ...)، اختصاص بودجه به طرح‌های تحقیقی و تجاری سازی تحقیقات
آموزش کارکنان	ظرفیت‌سازی کارکنان	به کارگیری موفقیت‌آمیز مهارت‌ها و منابع سازمانی، توسعه مهارت‌های فردی کارکنان، هدایت استعدادها بالقوه به طرف سازمان، رعایت تعادل و تناسب زمانی، ارزیابی مدام نیازهای سازمانی، ایجاد شبکه‌های علمی بین‌المللی و مشارکت در جامعه جهانی اطلاعات، نظارت بر عملکرد، تقویت آموزش علمی و توسعه تحقیقات نظام‌مند و راهبردی
	توانمندسازی کارکنان	استفاده از مدیریت مشارکتی، تفویض اختیار، استقلال دادن به کارکنان، ایجاد فضای باز ارتباطی در سازمان، گسترش روحیه همکاری و کارگروهی و مساعدت در سازمان، تسهیم اطلاعات در سازمان، اعتماد به مهارت‌های کارکنان و مشارکت کارکنان در سازمان
رویکرد راهبردی	شناسایی محیط داخلی و خارجی	مرتبط ساختن سیاست‌ها و روش‌های منابع انسانی با اهداف راهبردی و اهداف سازمان، فراهم کردن منابع انسانی مناسب و هماهنگ، استخدام و انتخاب، آموزش و توسعه و جبران خسارت و پاداش، اتخاذ و اجرای سیاست‌های منابع انسانی کارآفرینانه، آموزش و ارزیابی عملکرد، تشخیص فرصت‌ها در محیط خارجی، تلفیق کارآفرینی و دانش مدیریت راهبردی، تحلیل منابع و محیط، همسو کردن راهبرد منابع انسانی با راهبرد وزارتخانه، داشتن چشم‌انداز و مأموریت و اهداف راهبردی، نگاه راهبردی به منابع انسانی و کارآفرینی، جوان‌سازی سازمانی و معماری سازمان حمایتگر از کارآفرینی
فناوری اطلاعات	آزادی ارتباطات و اطلاعات	استفاده از استانداردها و شیوه‌نامه‌های مناسب در مبادله اطلاعات بین سازمانی و استفاده از سیستم‌ها و فناوری اطلاعاتی و ارتباطی مدرن
	تبادل اطلاعات	استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تسهیم دانش در بین سازمان و کارکنان، تبادل دانش بین وزارتخانه و دانشگاه‌ها، تبادل دانش بین وزارتخانه با کمیته ملی المپیک، فدراسیون‌ها، ادارات ورزش و جوانان استان‌ها، وزارت بهداشت و علوم پزشکی و سایر وزارتخانه‌ها
کنترل و ارزیابی	سیستم ارزیابی عملکرد	نظارت بر کار کارکنان، سنجش و ارزیابی عملکرد آنها در دروه‌های مختلف و استفاده از انواع سیستم‌های بازخوردی
	سیستم کنترل	وضوح نقش‌ها، وضوح اهداف، مدیران مسئول و پاسخگو، پاداش برای عملکرد خوب، سیستم بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد، شفافیت نقش‌ها و تأکید بر خلاقیت و نوآوری‌های افراد

پس از شناسایی مقوله‌ها در مرحله کدگذاری محوری، بر پایه مبانی نظریه داده-بنیاد به برقراری ارتباط بین مقوله‌ها با پدیده محوری (مدیریت منابع انسانی کارآفرین) پرداخته شد. برای این کار لازم بود که رابطه میان مقوله‌ها با شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر یا واسطه‌ای، راهبردها و پیامدهای حاصل به گونه‌ای که اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) مشخص کرده‌اند، ترسیم شود (شکل ۱).



شکل ۱: نحوه کدگذاری داده‌ها در نظریه داده بنیاد

جدول ۳: شرایط علی مربوط به نظام مدیریت منابع انسانی کارآفرین در وزارت ورزش و جوانان

کد گذاری باز	کد گذاری محوری	کدگذاری انتخابی
توانایی‌های مدیریتی، حرفه‌ای بودن سازمان و پختگی فرایندها و رویه‌های اداری، حذف بروکراسی، داشتن ابزار و امکانات لازم، رقابتی بودن محیط سازمان، پیشرفت فناوری، نیاز به مدیریت دانش در سازمان، خروج و جابجایی نیروهای انسانی کارآفرین از سازمان، اهمیت سازمان به مدیریت دانش.	توانایی‌های سازمانی	شرایط علی
ارزشمند بودن سرمایه انسانی کارآفرین، خاص بودن و عدم امکان جایگزینی منابع انسانی کارآفرین، هزینه‌بر بودن آموزش کارآفرینی، کمبود نیروی انسانی کارآفرین، رشد سریع تعداد رقبای جدید و مجهز، غیر قابل تقلید و غیر قابل جایگزینی.	ارزش آفرینی و منبع محوری نیروی انسانی کارآفرین	
بی اثر بودن شیوه‌های مدیریتی سنتی، دست و پا گیر قوانین و مقررات، بی اثر بودن برنامه‌ها، عدم تطابق با شرایط تصمیم‌گیری، پاسخگون بودن سیستم به تغییرات سریع، کند بودن سیستم مدیریت سنتی، ناتوان بودن سیستم در توسعه فردی و شغلی کارکنان، سیستم‌های گزارش‌گیری و سلسله‌مراتبی، شفاف و روشن نبودن معیارهای ارزیابی، عدم امکان دسترسی به منابع، عدم پرداخت مبتنی بر شایستگی، نشوینی و مبتنی بر عملکرد کارآفرینی سازمانی.	حس بی اعتمادی نسبت به مدیریت منابع انسانی سنتی	
تنوع در حمایت‌های مالی مدیریت، حمایت مدیریت از طرح‌های کوچک آزمایشی، به کارگیری ایده‌های جدید کارکنان، تغذیه مالی برای شروع و حرکت طرح‌های نو و قدرت تصمیم‌گیری مدیریت، باور به مباحث منابع انسانی، اولویت قائل شدن سازمان برای جذب افراد نخبه، جذب افراد با سطح بالایی از خودباوری و هوش عاطفی، تاکید مدیران بر عملکرد بلند مدت و خلق فضای پویا برای انتقال ایده‌های جدید.	ضرورت مدیریت پشتیبان	

شرایط علی

مجموعه شرایطی است که سبب پیدایش پدیده مورد مطالعه می شود. (کوربن و اشتراوس، ۲۰۰۸) نتایج تحلیل محتوای مصاحبه ها بیانگر چهار مقوله است که شرایط علی نظام مدیریت منابع انسانی کارآفرین به عنوان پدیده مورد مطالعه را تبیین می کند. این شرایط شامل توانایی های سازمانی، ارزش آفرینی و منبع محوری نیروی انسانی کار آفرین، حس بی اعتمادی نسبت به مدیریت منابع انسانی سنتی و ضرورت مدیریت پشتیبان می باشد.

جدول ۴: شرایط زمینه ای مربوط به نظام مدیریت منابع انسانی کارآفرین در وزارت ورزش و جوانان

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
۹ ۳ ۳ ۳ ۳ ۳	نگرش مثبت مدیران به کار آفرینی	نگاه مثبت به توانایی کارکنان کار آفرین، حمایت از ایده های کارآفرینانه، ریسک پذیری مدیران، چالش طلبی مدیران، بالا بودن آستانه تحمل ریسک، نگاه ارزشی به کارکنان، درک اهمیت و نیاز به مدیریت دانش توسط مدیریت ارشد.
	فرصت ها و تهدیدهای بیرونی	وجود فرصت های کارآفرینی در بخش های مختلف ورزش کشور، پیچیده بودن محیط رقابتی، پیشرفت فناوری های نوین، وجود ساختار و فرایندهای مناسب، فشارها و تحریم های بین المللی، عوامل سیاسی/حقوقی، پیچیدگی قانونی و بودجه کم.
	هماهنگی بین راهبردهای مدیریت منابع انسانی با راهبرد بالادستی وزارت ورزش	هماهنگی بین ساختار منابع انسانی با ساختار سازمان و ساختار بالادستی، هماهنگی راهبرد منابع انسانی با راهبرد زیرنظام های منابع انسانی و هماهنگی زیر نظام های منابع انسانی با یکدیگر.
	نقاط قوت و ضعف درونی وزارت ورزش	نبود آموزش های ویژه کارآفرینی، تأکید بر نقش ارزش های فرهنگی، درک و نگرش مثبت مدیران به وقایع، سیستم تشویق و ارایه پاداش مناسب، سطح تحصیلات آکادمیک بالای کارکنان، کمبود زیرساخت، ضعف برنامه ریزی راهبردی منابع انسانی، عدم تناسب سرمایه انسانی با سازمان، ضعف در سیستم کارمندیابی، ضعف در روابط کارکنان، مکمل نبودن سرمایه های انسانی در وزارت، ضعف در انتقال دانش بین کارکنان، عدم جذابیت محیط کار به عنوان عامل نگهداشت، انعطاف ناپذیری معیارهای ارزیابی و اهمیت ندادن به اطلاعات و دانش فرد.
	تمرکز وزارت بر متغیرهای کارآفرینانه	انعطاف پذیری ساختن ساختارهای جبران خدمات، برنامه ریزی مسیر شغلی بر اساس خلاقیت، انعطاف پذیری معیارهای ارزیابی، جذابیت محیط کار، فرهنگ سازمانی کار آفرین، اختصاص منابع برای انجام فعالیت ها، شناسایی ظرفیت های موجود کارآفرینی، توسعه بانک های اطلاعاتی کارآفرینان در راستای افزایش امکان دسترسی منابع انسانی به آن، تولید دانش تخصصی کارآفرینی در وزارت، ایجاد گروه های تحقیق برای ارزیابی فرصت های کار آفرین، حمایت از برگزاری همایش های علمی در سطح ملی و بین المللی، برگزاری کارگاه های کارآفرینی سازمانی، ارائه وام برای ابتکارات کارکنان، عملیاتی نمودن تفاهم نامه منعقد شده با دیگر نهادهای کارآفرین و توانایی ساخت تیم های کاری.
	پویایی و رقابتی بودن محیط	عوامل سیاسی متعدد، انعطاف پذیری در کشف فرصت های جدید، یک تازی در خلاقیت و نوآوری و رقابت شدید بین سازمان های ملی و بین المللی.
	ویژگی های شخصیتی و عوامل فردی	استقلال طلبی، تحمل ابهام، مرکز کنترل درونی، توفیق طلبی (نیاز به موفقیت)، خلاقیت و نوآوری، مخاطره پذیری، هوشیاری، ریسک پذیری، نوآوری، آینده پژوهی و توفیق طلبی.

شرایط زمینه‌ای

نشان دهنده شرایط ویژه‌ای است که پدیده در آن قرار دارد. به عبارتی، محل حوادث یا وقایع مرتبط با پدیده است که در آن کنش متقابل برای کنترل، اداره و پاسخ به پدیده صورت می‌پذیرد (استراوس و کوربین، ۲۰۰۸). شرایط زمینه‌ای شناسایی شده در این تحقیق شامل ۷ مولفه تمرکز وزارت بر متغیرهای کار آفرینانه، پویایی و رقابتی بودن محیط، ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی، نقاط قوت و ضعف درونی وزارت ورزش، هماهنگی بین راهبردهای مدیریت منابع انسانی با راهبرد بالادستی وزارت ورزش، فرصت‌ها و تهدیدات بیرونی و نگرش مثبت مدیران به کارآفرینی می‌باشد.

جدول ۵: شرایط مداخله‌گر مربوط به نظام مدیریت منابع انسانی کارآفرین در وزارت ورزش

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
عوامل مداخله‌گر	موانع ساختاری (ارتباطات عمودی و افقی)	ارتباط افراد برای خلق ایده نو، ارتباطات افقی غیر رسمی، رعایت سلسله مراتب، عدم کارایی جرائم و مشوق‌های مالیاتی، عدم وجود روش‌های اجرایی کارآمد و نظام ارزشیابی معیوب.
	موانع زمینه‌ای (فرهنگی - قانونی)	پاداش به خطرپذیری، حمایت مدیریتی و تأمین افکار جدید، حمایت مادی و معنوی سازمان از ایده‌های جدید، فعالیت گروهی، جو اعتماد، تحمل اختلاف سلیقه، مجوز قانونی سرمایه گذاری جدید، قانون جهت ثبت اختراعات، ثبات قوانین، قوانین متضاد، قانون کار، قانون تجارت، فقدان زیرساخت، عدم حمایت هنجارهای اجتماعی و فرهنگی از کارآفرینی، فقدان وجود حمایت مالی، نبود فضای آزاد، اسناد بالادستی و الزامات قانونی شامل برنامه‌های توسعه کشور
	موانع رفتاری (شخصیتی - نگرشی)	نگرش به تغییر، باور به محدودیت‌ها، تفکر راهبردی، موافقت با تغییر، ابهام‌پذیری، تبدیل محدودیت به فرصت، تحلیل‌گری کانون کنترل، نوآوری، ریسک‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، غرور، ویژگی‌های شخصیتی مدیران، ویژگی‌های شخصیتی کارکنان، تنش و تضاد سازمانی (وجود تضارب افکار و اختلاف سلیقه بین کارکنان با یکدیگر و کارکنان با مدیریت، استقبال مدیریت سازمان از وجود اختلاف سلیقه و تضارب افکار در سازمان، تضارب افکار و اختلاف سلیقه‌ها در جهت دستیابی به اهداف سازمانی)، شاخص‌های فرهنگ سازمانی (ریسک‌گریزی، سازمان‌های غیر رسمی، افراد کار را همانند تفریح می‌دانند، فرهنگ استاندار سازی زیاد)، شاخص‌های سبک رهبری (تفویض کارها به افراد خلاق و نوآور در سازمان، مشارکت افراد سازمان در تصمیم‌گیری توسط مدیران، استقرار نظام پذیرش و بررسی پیشنهادها در سازمان، نتایج گرایش به مدیریت وظیفه‌ای)، تمایل به کنترل شدید، فرهنگ محافظه کار و عدم گرایش به پاداش بر اساس عملکرد.
	تبدیل ضابطه مندی به رابطه‌گرایی	کانال‌های غیر رسمی ارتباط نادرست در سازمان، انتصاب‌ها و انتخاب‌های نادرست افراد و ارتقای نابجای افراد.
	عوامل ضد انگیزشی	ترس از دست دادن سرمایه شخصی، ترس از ناتوانی در تأمین مالی برای راه اندازی کسب و کار، نگرانی از عدم امکان تأمین الزامات قانونی، نگرانی از فقدان اجتماعی امنیت اجتماعی، فساد اداری و ترس از نداشتن مهارت و تجربه مناسب و کافی.

شرایط میانجی

زمینه ساختاری، گستره‌ای است که پدیده (مقوله) در آن رخ می‌دهد و بر چگونگی واکنش نشان دادن به آن یا پیامدهای آن مؤثر است. شرایط میانجی در این پژوهش شامل پنج مقوله موانع ساختاری (ارتباطات عمودی

و افقی)، موانع زمینه‌ای (فرهنگی - قانونی)، موانع رفتاری (شخصیتی - نگرشی)، تبدیل ضابطه مندی به رابطه‌گرایی و عوامل ضد انگیزشی می باشد.

جدول ۶: راهبردهای مربوط به نظام مدیریت منابع انسانی کارآفرین در وزارت ورزش و جوانان

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
۲۲	باز طراحی ساختار کلی سازمانی جهت چابکی و پاسخگویی به نیازهای کارکنان کار آفرین	م تفاوت بودن ساز و کارهای جذب، آموزش و بهسازی، حذف قوانین و مقررات دست و پاگیر، تصویب قوانین حمایت از کار آفرینی، انعطاف پذیری در ساختار سازمانی، حذف سلسله مراتب، گسترش افقی سازمان، مدیریت و ایجاد انگیزش در نیروی انسانی، تمرکز زایی و اتخاذ ساختارهای منعطف، ترویج فرهنگ تحول و تغییر، تربیت و آموزش کارکنان در مهارت‌های مختلف، آموزش منابع انسانی، تکیه بر آموزش، تمرکز بر فعالیتهای گروهی و فرهنگ مشارکت، سرمایه‌گذاری روی فناوری‌های سخت افزاری مناسب و مدرن، استفاده از استانداردها و شیوه نامه های مناسب در مبادله اطلاعات بین سازمانی، ایجاد فرهنگ تفکر و نو اندیشی در سازمان، تمرکز رهبری بر آماده‌سازی، هدایت، اثرگذاری، تفویض اختیار و متقاعد سازی، سهولت پاسخگویی در برابر تغییرات و تقاضاهای غیر قابل پیش بینی و داشتن راهبرد منبع یابی.
	باز طراحی ساختار مدیریت منابع انسانی	افزایش ظرفیت جذب نیروهای تخصصی و توانمند، نظام مندرکدن نظام انتصاب و جانشین پروری براساس شایستگی، استقرار نظام جامع برنامه ریزی نیروی انسانی، یکپارچه و قانونمند کردن قوانین و مقررات و بخشنامه‌های نیروی انسانی، کاهش فاصله بین مدیران و کارکنان از طریق اصلاح نظام حقوق، دستمزدها و پاداش براساس عملکرد، گزینش و ارزیابی علمی و اصولی نیروهای تحصیل کرده و کاهش مداخلات در مدیریت از طریق راه اندازی نظام هدف مند ارتقای شغلی.
	توسعه‌فرایندهای سازمانی جهت حمایت از کارآفرینی منابع انسانی	انعطاف پذیر کردن ساختار، خلق ارزش‌ها در سازمان، توسعه مدیریت دانش، توسعه نوآوری و خلاقیت، سرمایه‌گذاری و تقدیر از اندیشه‌های نو و ایجاد فرهنگ تفکر و نو اندیشی در سازمان.
	بهره برداری از فرصت‌های شناسایی شده و برنامه عملیاتی	استفاده از فناوری‌های روز، استفاده از نیروی جوان در ورزش کشور، استفاده از ظرفیت های بالقوه در ورزش، استفاده از حمایت‌های سازمان و نهادهای بین المللی در عرصه ورزش، استفاده از ظرفیت های علمی دانشکده‌های تربیت بدنی و به کارگیری و اخذ کمک از دانشجویان و ورزشکاران.

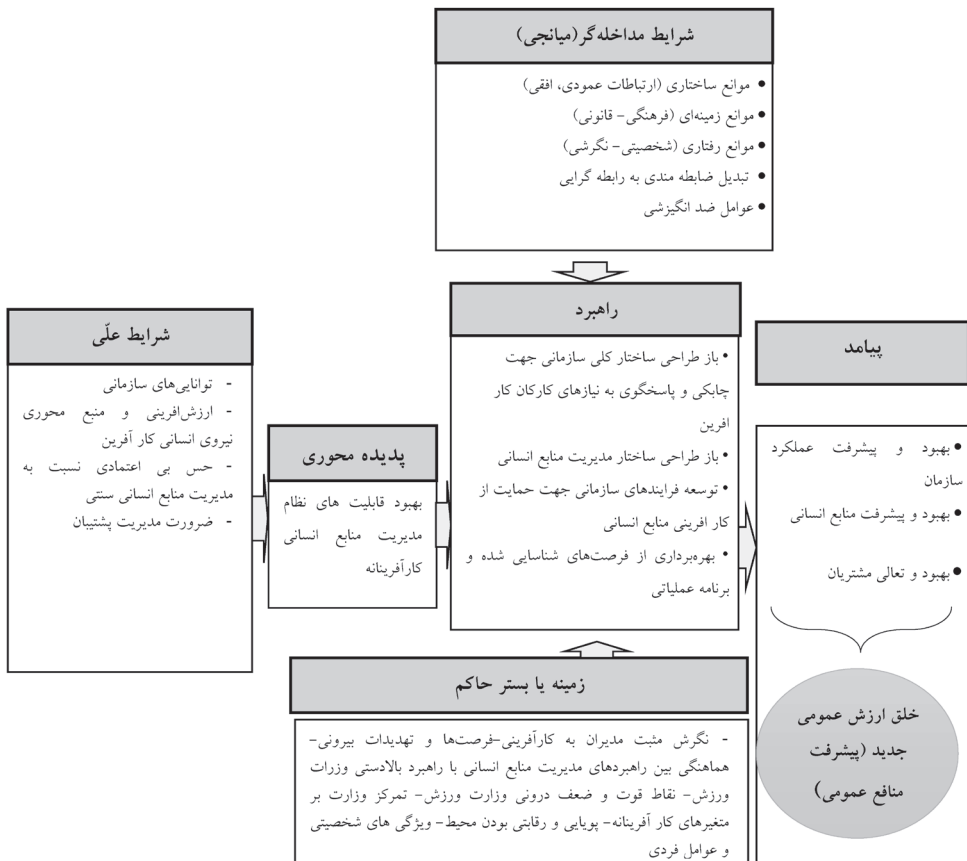
راهبردها

راهبردها یا کنش ها، اقدامات هدفمندی هستند که راه‌حل‌هایی برای پدیده مورد نظر فراهم می سازند و منجر به ایجاد پیامدها و نتایجی می‌شوند. با توجه به یافته‌ها و داده‌های حاصل از پژوهش، راهبردهای تحقیق شامل ۴ راهبرد برای نظام مدیریت منابع انسانی شناسایی شدند این راهبردها شامل باز طراحی ساختار کلی سازمانی جهت چابکی و پاسخگویی به نیازهای کارکنان کارآفرین، باز طراحی ساختار مدیریت منابع انسانی، توسعه فرایندهای سازمانی جهت حمایت از کارآفرینی منابع انسانی و بهره برداری از فرصت‌های شناسایی شده و برنامه عملیاتی می باشد.

جدول ۷: پیامدهای مربوط به نظام مدیریت منابع انسانی کارآفرین در وزارت ورزش و جوانان

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
۳۲ ۳ ۳	بهبود و پیشرفت عملکرد سازمان	خدمات بهتر، خدمات ارزان، خدمات سریع، اطلاع رسانی بهتر، نوآوری در خدمات، بالندگی سازمان، جلوگیری از اینرسی سازمانی، رشد و پیشرفت ورزش ملی و بین المللی، تصویر خوب اجتماعی سازمان، رشد سازمانی ادارات ورزش و جوانان، سهولت در سطح های مختلف زندگی جامعه به خصوص ورزشکاران چه در سطح ملی و محلی و بین المللی.
	بهبود و پیشرفت منابع انسانی	انگیزه بیشتر، یادگیری سازمانی، انعطاف پذیری بالاتر، پذیرش تغییر، ارتقاء رضایت شغلی کارکنان کار آفرین، کاهش ترک خدمت، تعهد و وفاداری به سازمان، مشارکت کارکنان.
	بهبود و تعالی مشتریان	القای عقاید، رضایت مردم، رضایت و وفاداری مشتریان.

۲۳



شکل ۲: فرایند کارآفرینی نظام مدیریت منابع انسانی کارآفرین در وزارت ورزش و جوانان

بحث و نتیجه گیری

ایجاد و تقویت کارآفرینی در هر سازمانی با نظام مدیریت منابع انسانی آن ارتباط تنگاتنگی دارد. همچنین سیاست‌های نظام مدیریت منابع انسانی تابع عوامل زیادی در محیط داخل و بیرون سازمان است. هدف از این تحقیق، تدوین الگوی نظام مدیریت منابع انسانی کارآفرین در وزارت ورزش و جوانان بود. تفاوت پژوهش حاضر با مطالعات قبلی در این است که در این پژوهش در چارچوب یک دیدگاه نظام‌مند به بررسی کارآفرینی مدیریت منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان پرداخته شده است. در این راستا عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، شرایط علی، راهبردها و پیامدها، شناسایی و بررسی شده‌اند. در ادامه با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای کاربردی و اجرایی برای وزارت ورزش و جوانان ارائه می‌شود.

براساس مدل برخاسته از داده‌های تحقیق، «ساختار سازمانی» به‌عنوان یکی از مقوله‌های اصلی شناخته شده در حیطه منابع انسانی کارآفرین شناخته شد. برای دستیابی به کارآفرینی نیاز به ابزار است و یکی از ابزارهای لازم برای رشد کارآفرینی، وجود ساختار سازمانی منطبق با مفاهیم کارآفرینی می‌باشد. ساختار نامناسب موجب تنش و تعارض در سازمان و نیز مانع ابتکار و خلاقیت می‌شود که اساسی‌ترین ویژگی کارآفرینی در یک سازمان به شمار می‌آید. در بخش کارآفرینی سازمانی مدل جامع کوراتکو^۱ و همکاران (۲۰۱۴)، عوامل حمایت مدیریت، پاداش و تقویت، توانمندی، ریسک‌پذیری و رهبری بر کارآفرینی سازمانی مؤثر شناخته شده‌اند، زیرا این عوامل جو سازمان را متأثر می‌سازند و محیطی را ایجاد می‌کنند که تمایل به اقدامات کارآفرینانه و حمایت از آن‌ها را در یک سازمان تعیین می‌نمایند (کوراتکو و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۷). موسوی راد و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند ساختار سازمانی در وزارت ورزش و جوانان به شدت مکانیکی است و گرایش‌های کارآفرینانه در سطحی پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد بین ساختار سازمانی با گرایش کارآفرینانه سازمانی ارتباطی مثبت و معنادار وجود دارد. ساختار سازمانی مناسب در وزارت ورزش و جوانان توان تسریع و تسهیل در تصمیم‌گیری و واکنش مناسب نسبت به محیط و چالش‌های آن را ایجاد می‌کند. چنانچه وزارت ورزش در سطح افقی (تعداد مشاغل و وظایف) و یا در سطح عمودی (تعدد پست‌های مدیریتی) از پیچیدگی برخوردار باشد و ارتباطات سازمانی آن قانونمندتر و رسمی‌تر شود، امکان تعامل گروهی در سازمان به شدت کاسته، این امر سازمان را از دستیابی به اهداف کارآفرینی خود دور می‌کند. بررسی‌های رسمی، کنترل‌ها و ساختارهای سخت به عنوان مانعی در برابر رفتار کارآفرینانه در سازمان محسوب می‌شوند که به موجب آن عملکرد افراد نیز محدود می‌گردد. رابطه‌ای مثبت میان ساختار غیر متمرکز و جهت‌گیری کارآفرینانه در سازمان وجود دارد. این رابطه مثبت مشتمل بر قدرت اختیار بالا و نفوذ و کنترل بر منابع سازمانی است و اعضای سازمان را در راه اندازی و آزمایش مخاطرات جدید توانمند می‌کند (مایلز و آرنولد^۲، ۱۹۹۱). از این رو، نتیجه می‌گیریم که هر قدر ساختار سازمان ارگانیک‌تر باشد - یعنی انعطاف‌پذیری بیشتر، تعداد عناوین شغلی کمتر، کنترل اجرای شرح شغل‌ها کمتر، تکراری بودن امور کمتر، اختیار اعطای پاداش بیشتر، تعداد واحدهای سازمان کمتر، فاصله واحدهای سازمانی

1. Kuratko

2. Miles & Arnold

کمتر کرده و وجود شرح شغل های مدون کمتر باشد- در کارآفرین تر شدن سازمان گام بلندی برداشته ایم. یکی دیگر از مقوله های اصلی، «حمایت مدیران عالی از کارآفرینی» است. ابراهام^۱ (۲۰۰۹) بیان می کند که همراه با یک جوسازمانی حمایت کننده، فردگرایی افقی که به عنوان وجود یک خود برابری مستقل از دیگران تعریف می گردد با عملکرد تیمی و جمعی مرتبط است. در نهایت، چاندلر^۲ و همکارانش (۲۰۰۲) پیشنهاد نمودند که HRM با ایجاد یک فرهنگ حمایتی، بر خلاقیت و نوآوری تأثیر می گذارد. آن ها دریافتند که پشتیبانی مدیریت درک شده و سیستم های پاداش سازمانی، یک فرهنگ پشتیبان نوآوری را ارتقا می دهد. به منظور ایجاد کارآفرینی، مدیران ارشد وزارت ورزش باید طوری انتخاب شوند که نسبت به سازمان خود و مقوله کارآفرینی از تعهد بالایی برخوردار باشند. مدیران باید به اصل مخاطره پذیری به عنوان یک خصیصه مثبت بنگرند. حمایت های مالی در مورد طرح های آزمایشی، ایجاد صندوق سرمایه کارآفرینی، ایجاد سیستم نظام پیشنهادات، حمایت از تغییر و حمایت از حذف موانع نوآورانه نیز باید از اولویت های این مدیران باشد. همچنین به منظور دستیابی به کارآفرینی سازمانی، باید پاداش بر اساس شایستگی، تشویق نوآوری مبتنی بر نیاز کارکنان، پرداخت بر اساس تلاش کاری و بر اساس رضایت ارباب رجوع، و پاداش به فعالیت های داوطلبانه پرداخت گردد تا موجبات کارآفرینی سازمانی را فراهم نماید. سیستم پاداش سازمان نباید نسبت به مخاطره پذیری و نوآوری بی تفاوت باشد و باید از ساز و کارهای مختلفی برای حمایت از آن استفاده شود. همچنین پاداش ها درست و به موقع داده شوند تا کارکنان احساس کنند که پاداش ها به طور واضح و دقیق توزیع می شوند. تعادل و عدالت در پاداش ها مورد توجه واقع شود. کارها و وظایف افراد طوری طراحی شوند که پاداش های درونی برای رفتارهای کارآفرینانه قابل حصول باشد.

یکی دیگر از مقوله های شناسایی شده در این تحقیق «برنامه ریزی و تامین منابع انسانی» است. از دیدگاه اسفهر^۳ (۱۹۹۹) مدیریت منابع انسانی به معنای استفاده صحیح از منابع انسانی برای دستیابی به اهداف و مقاصد سازمانی می باشد. مدیریت مؤثر منابع انسانی شامل پنج بخش ویژه برنامه ریزی، استخدام، انتخاب، توسعه کارکنان، پاداش دهی، ایجاد امنیت و سلامت و روابط بین کارکنان می باشد. فعالیت های مرتبط با مدیریت منابع انسانی در جهت تسهیل و یکپارچه سازی فعالیت های کارکنان، شکل گیری سرمایه انسانی ارزشمند و رهبری فعالیت ها جهت دستیابی به مزیت های رقابتی ارزشمند است (رایت^۴ و همکاران، ۲۰۰۱). این مولفه در تحقیقات زیادی مورد تأکید قرار گرفته است. آفاجانی (۱۳۹۴)، رضائیان (۱۳۹۴)، میرسپاسی (۱۳۸۸)، یاداو و دابهید (۲۰۱۴) و مقدم و همکاران (۱۳۹۴) هر کدام در تحقیقات خود به نقش برنامه ریزی در راهبردهای منابع انسانی اذعان داشتند. شناسایی ویژگی ها و بسترهای مناسب برای جذب و رشد کارآفرینان، یکی از اساسی ترین مسائل روز سازمان هاست (تقی زاده و همکاران، ۱۳۹۱). مشاهده می شود که گرچه در ادبیات پژوهش، فعالیت های جذب منابع انسانی مورد توجه قرار گرفته است و حتی به طور مشخص تر نیاز به ایجاد بستر لازم برای جذب منابع انسانی برخوردار از ویژگی های کارآفرینانه نیز ذکر شده است، جذب

1. Abraham

2. Chanhdlr

3. Spbr

4. Wright

افراد برخوردار از مهارت‌های شغلی و اجتماعی و همچنین جذب افراد خلاق برخوردار از روحیه کارآفرینانه، ضرورت دارد. این افراد باید مسئولیت‌پذیری بالایی داشته باشند و از نظر مهارت‌ها دارای تنوع و فرآیند جذب آنان مبتنی بر کارایی در زمان و هزینه باشد. اولویت جذب در این سازمان‌ها جذب نیرو از درون سازمان از میان افراد دارای سابقه بالاست. علت آن است که در یک نظام مدیریت منابع انسانی کارآفرینانه، جذب نیروهای دارای سابقه کار بالا، به معنای کاستن از هزینه‌های آموزش و خطاهای متداول نیروهای تازه کار است (مقدم و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین لازم است انتخاب و به کارگماری افراد بر اساس ویژگی‌های شغل باشد و انتخاب بر اساس برخورداری از روحیات کارآفرینانه و بر اساس توانمندی و سوابق عملیاتی فرد و درجه خلاقیت، خودباوری و سطح هوش عاطفی آنان صورت گیرد. در وزارت ورزش و جوانان هم باید نیازها و فرایندهای جذب و به کارگماری بر مبنای یک دیدگاه فوق فعال تعریف شود. مسائل و محدودیت‌های فرایند جذب و به کارگماری را باید شناسایی کرد و به عنوان بخشی از فرایند برنامه‌ریزی مورد توجه قرار داد.

یکی از مقوله‌های مهم دیگری که در این تحقیق نمونه آماری به آن اشاره داشتند، «فرهنگ سازمانی» بود. زهرا، هایتون و سالواتو^۱ (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای که فرهنگ‌های سازمانی سازمان‌های خانوادگی را به عملکرد کارآفرینانه آن‌ها ارتباط می‌داد، به نتایج مشابهی دست یافتند. در سازمان‌های نوآور، فرهنگ و راهبرد صنفی، نوآوری را حمایت می‌کند. راهبرد‌های سازمان، بر بصیرت و ارزش‌های مدیریت ارشد و چارچوب خط‌مشی‌ها و انتظارات بر روحیه نوآوری تاکید می‌ورزد. فرهنگ سازمانی با برخورداری از مشارکت جویی بالای کارکنان در اداره سازمان، انگیزه بالا کارکنان، تعهد آن‌ها برای انجام کار و به ثمر رساندن آن، تعلق سازمانی بالا، عدم تعارض جدی سازمانی، ایثار، تعامل بالا، رقابت سال، روحیه خوب و مناسب و با رویکرد خدمت به جامعه، همکاری خوب میان کارکنان، حساسیت بالا نسبت به پیگیری مسائل و موضوع‌های مهم سازمان و عدم حاشیه‌سازی در انجام مأموریت‌ها و وظایف، شرایطی را فراهم نموده است که فعالیت‌های کارآفرینانه با اثرگذاری بالاتر بتواند در وزارت ورزش و جوانان انجام شود. این مجموعه از عوامل در قالب فرهنگ سازمانی و به عنوان یکی از عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر روند شکل‌گیری، اجرا و به نتیجه رسیدن فعالیت‌های کارآفرینانه منابع انسانی مطرح می‌باشد. یکی دیگر از مقوله‌های شناسایی شده در این تحقیق، «بهره‌گیری از فناوری اطلاعات» بود. استفاده از فناوری اطلاعات در دنیای امروز، ضامن بقا و تداوم فعالیت‌های یک سازمان است و بدون بهره‌مندی از آن نه تنها امکان استفاده از روش‌های نوین در سازمان فراهم نمی‌شود، بلکه امکان رقابت با سازمان‌های دیگر نیز از میان خواهد رفت. در زمینه نقش فناوری اطلاعات در بهبود و توسعه مدیریت منابع انسانی در تحقیقات مختلف به این موضوع اشاره شده و تأثیر آن به عنوان یک عامل مهم مورد تأیید قرار گرفته است؛ به طوری که میرسپاسی و همکاران (۱۳۸۸)، نریمانی و همکاران (۱۳۹۰) مصباحی و همکاران (۱۳۹۰)، بردبار و کنجکاو منفرد (۱۳۹۰)، ظفر و همکاران (۲۰۱۰)، کلاس^۲ و همکاران (۲۰۱۲) و ووریان^۳ و همکاران (۲۰۱۲) در

1. Zahra, Hayton & Salvato

2. Klass

3. Verreynne

تحقیقات خود از فناوری اطلاعات به عنوان یک عامل مهم در این زمینه یاد کرده اند. ظفر^۱ و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که استفاده از فناوری اطلاعات در منابع انسانی باعث بهبود خدمات و کارایی و اثربخشی منابع انسانی می شود. در مطالعه مصباحی و همکاران (۱۳۹۰)، عوامل اثرگذار بر توسعه منابع انسانی مدیران شامل ایجاد آرمان مشترک، ترویج نگرش نظام مند، آزادی ارتباطات و تبادل اطلاعات، ارزیابی عملکرد، اخذ پیشنهادها، افزایش بینش کاری و دسترسی به سوابق عملکردی و آموزشی کارکنان بوده و براساس نظر خبرگان، سازمان یادگیرنده بهترین رویکرد برای توسعه منابع انسانی شناخته شده است.

یکی دیگر از مقوله های شناسایی شده در این تحقیق، «آموزش منابع انسانی» بود. جزنی و همکاران (۱۳۸۹)، بردبار و کنجکاو منفرد (۱۳۹۰) و پرز لوپر و همکاران (۲۰۰۶) نیز بر نقش آموزش و دانش در مدیریت منابع انسانی تاکید داشته اند. تاثیر آموزش بر ویژگی های کارآفرینانه کسب و کار، حتی در مراحل آغازین جذب و انتخاب افراد نیز وجود دارد. در فرآیند انتخاب، مصاحبه کنندگانی که آموزش بیشتر و در نتیجه آمادگی بهتری برای انجام مصاحبه داشتند، نسبت به افرادی که آموزش کمتری دیده بودند، کمتر تحت تاثیر متقاضیان کار قرار می گرفتند که از تاکتیک های نفوذ بر مدیران استفاده می کردند.

در دنیای در حال تغییر کنونی، ضرورت آموزش در سازمان ها به دلایل فراوان پذیرفته شده است. تغییرات سریع و عمیق علمی سبب شده تا هر از چند گاهی مطالب و نظریه های جدیدی مطرح شود که برای ارائه حیات به ناچار باید علوم و معارف جدید را آموخت. همچنین، تغییرات فناوری سبب دگرگونی در شبکه ها و روش های سازمان می شود و هر تغییری کسب دانش و مهارت های جدید را ضروری می سازد. بی شک، هر چه دانش و مهارت کارکنان با نیازهای جامعه و پیشرفت های علمی و تغییرات فناوری هماهنگی و انطباق بیشتری داشته باشد، درجه اطمینان از موفقیت فرد و سازمان بالاتر می رود.

از مقوله های مهم دیگر که در این تحقیق به آن اشاره شده «سیستم های سازمانی» است. سیستمی که منابع انسانی رکن اساسی آن هستند، اطلاعات کافی برای انجام مشاغل در اختیار کارکنان قرار می دهد، حقوق و دستمزد متناسب با فعالیت وجود دارد، تمام کارکنان در تصمیم گیری های مرتبط با شغلشان مشارکت داده می شوند، مدیریت و سرپرستی بازخوردهای واضح و روشنی را در اختیار زیردستان قرار می دهد و اینها همگی منجر به افزایش انگیزش شغلی می گردد که خود پیش در آمدی برای بروز حس نوآوری و به تبع آن کارآفرینی است. از آنجا که سیستم های سازمانی، رویه ها و فرآیندهایی است که برای افزایش کارایی و یا اثربخشی سازمان شکل می گیرد، وزارت ورزش و جوانان هم می تواند با فراهم کردن زمینه ایجاد فرهنگ سالم و مشوق نوآوری در محیط کاری، بستر لازم را برای بهبود و توانمندسازی نیروی کار فراهم آورد- چراکه منفعت سازمان در انجام عملکرد فرا نقشی و مفید منابع انسانی آن می باشد. بر این اساس با تاکید بر اینکه انسان ها ارکان اصلی سازمان ها محسوب می شوند، توجه به نیازهای روانی و فیزیولوژیک آن ها در وزارت می تواند عملکرد مطلوب اعضا را در پی داشته باشد. زمانی که نقش مشارکت های آگاهانه افراد به عنوان منابع سازمانی در کارآفرینی مورد توجه است، فراهم کردن انگیزه ها برای ریسک پذیری، یک موضوع محوری است. لذا کارکنان

در وزارت ورزش و جوانان به عنوان منابع انسانی باید فرصت گراتر، خلاق تر و موفقیت گرا بوده، از سطح تحمل ابهام و تمایل به ریسک پذیری بالاتری برخوردار باشند. به منظور تشویق محافظه کاران برای انجام اقدامات مخاطره آمیز و نوآورانه، سطوح پرداخت به این افراد باید بالاتر و بخشی از کل پرداخت، باید بر مبنای سطوح ریسک پذیری باشد نه اینکه بر ستاده های نوآوری مانند سود متکی باشد. برای اینکه پروژه های کارآفرینانه در وزارت ورزش و جوانان از حمایت مالی متنوعی برخوردار شوند، باید فرایند تخصیص بودجه تسهیل و تسریع گردد. یکی از راهکارهای بهبود سیستم مالی این وزارتخانه در حوزه کارآفرینی، اولویت دادن و تأمین مالی هزینه های واحد تحقیق و توسعه و بازاریابی محصولات و خدمات جدید است. وجود منابعی علاوه بر منابع عادی سازمان که برای کارکردهای برنامه ریزی شده سیستم لازم است، عامل مهمی در ترغیب نوآوری در سازمان است. لذا پیشنهاد می گردد سیستم پاداش بر مبنای انگیزاننده های وزارت ورزش و جوانان، معیارهای پرداخت پاداش و فرایند توزیع پاداش طراحی شود. سیستم پاداش، با مشخص نمودن نوع مشارکت و تلاش مورد انتظار از افراد و انتظارات آن ها در قبال عملکردشان و از طرف دیگر ارزش ها و هنجارهای یک سازمان، رابطه اهداف مورد نظر سازمان و مطالبات سازمان از اعضای خود را مشخص می سازد.

یکی دیگر از مقوله های شناخته شده در این تحقیق، «ارزیابی عملکرد» بود. مدیران باید برای برنامه ریزی، سازماندهی و اجرا تصمیم گیری کنند. این تصمیم گیری باید بر اساس نتایج ارزیابی های انجام شده و متناسب با فرایندهای کاری سازمان باشد. ارزیابی مستمر عملکرد منجر به پیدایش اطلاعات مستند، به هنگام و با ارزش برای تصمیم گیری هایی خواهد شد که با هدف ارتقای سازمان و افزایش بهره وری در آن، توسط مدیران اتخاذ می شود (صفری و همکاران، ۱۳۹۵). برای بررسی و سنجش میزان دستیابی سازمان به حصول نتایج کارآفرینی و تدارک زیرساخت های لازم برای رسیدن به این هدف از قبیل حقوق و دستمزد، منابع مالی مختص کارآفرینی، تحقیق و توسعه و غیره باید تمامی اهداف مورد نظر و نتایج، مورد پایش قرار گیرند. از این رو، اهداف ارزیابی عملکرد باید مبتنی بر رسالت و راهبرد سازمان باشد. به طور کلی، ارزیابی عملکرد در وزارت ورزش و جوانان باید دارای ویژگی هایی همچون: وضوح نقش، وضوح هدف، مدیران مسئول و پاسخگو، پاداش بر مبنای عملکرد خوب، سیستم مدیریتی و بودجه ریزی که عملکرد را حمایت می کند، مسئولیت پذیری شفافیت، توانمندی های مناسب کارکنان و فرهنگ و ارزش های همراستا با عملکرد سازمانی باشد تا خلاقیت و کارآفرینی در وزارت ورزش بهتر پرورش یابند (فردوسی و همکاران، ۱۳۹۴). لذا پیشنهاد می گردد ارزیابی عملکرد منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان با رویکرد کارآفرینی سازمانی، معیارهای مختلف کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت خاصی را برای خلاقیت ها مدنظر قرار دهد. این نتیجه با یافته های حق شناس (۱۳۸۶)، رضوانی (۱۳۹۱) و فردوسی و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی دارد.

بخش دیگر از نتایج نشان داد که «ارتباطات اثر بخش» از مقوله های اصلی این تحقیق بود. در فضای پویای سازمانی، تعاملات بین مدیران و کارکنان به خصوص برای انتقال جریان دانشی، ایده های جدید و نوآوری از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در مورد محورهای ارتباطی در سازمان های کارآفرین باید گفت که مضمون ارتباطات در سازمان های کارآفرین وظیفه ای و بیشتر ابتکاری است، مسیر ارتباطات افقی، عمودی و همه

جانبه است، معجای ارتباطات نیز همه جانبه (رو در رو، تلفنی و...) و سبک ارتباطات نیز غیررسمی می باشد (الوانی و همکاران، ۱۳۹۲). سازمانی که دارای شبکه ارتباطات اثربخش باشد، می تواند با تأثیری که بر روی تبادل اطلاعات و انتقال دانش ضمنی و صریح می گذارد، موجب شکوفایی ایده های جدید در افراد شود و این ایده های جدید باعث خلاقیت در افراد شده و این خلاقیت موجب نوآوری و کارآفرینی در سازمان گردد. (بودارس^۱، ۲۰۱۰). پوتنام^۲ در مطالعه خود بیان داشت عضویت در شبکه های ارتباطات باعث تقویت فعالیت کارآفرینانه می شود، چرا که این عضویت، منابع مفید اطلاعات را در اختیار شخص قرار می دهد. ویکلاین^۳ بیان می کند که عوامل غیراقتصادی نظیر شبکه روابط اجتماعی نیز می توانند بر پدیده کارآفرینی تأثیرگذار باشند (تانوس و جیلان^۴، ۲۰۰۷). مطالعه تسلیمی و همکاران (۱۳۸۵) در یک شرکت صنعتی نشان داد که بین ارتباطات سازمانی و کارآفرینی سازمانی رابطه معنی داری وجود ندارد. نتیجه مطالعه ربیعی و صادق زاده (۱۳۹۰) نیز نشان داد که شبکه ارتباطات سازمانی با کارآفرینی در سازمان رابطه مستقیمی دارند، ولی این ارتباط چندان قدرتمند نیست و کارآفرینی از عوامل دیگری همچون ساختار سازمانی، بیشتر تأثیر می پذیرد. نتایج مطالعات دیگری در خارج از کشور بیانگر رابطه مستقیم و معنی دار بعد ارتباطی سرمایه اجتماعی و کارآفرینی سازمانی بود (ولمان^۵ و همکاران، ۲۰۰۱).

با توجه به مقوله ها و همچنین موانع شناسایی شده، راهبردهایی برای توسعه منابع انسانی کارآفرینی ارائه گردید که حول محور باز طراحی ساختار سازمانی در سطح کلان وزارت ورزش و جوانان و همچنین ساختار درون سازمانی منابع انسانی توسعه فرایندهای سازمانی و بهره برداری از فرصت های شناسایی شده و برنامه عملیاتی می چرخید. همان گونه که پیش از این نیز بیان شد ساختار سازمان باید به گونه ای باشد که بتواند از فعالیت های کارآفرینی حمایت و پشتیبانی کند. به نظر می رسد اولین اقدام برای توسعه کارآفرینی در هر سازمانی، طراحی ساختار است. لذا راهبرد اساسی، بازنگری در ساختار وزارت ورزش و جوانان است. یکی دیگر از راهبردهای مهم در این تحقیق، توسعه فرایندهای سازمانی است که از کارآفرینی حمایت کند. این راهبرد شامل نظام پرداختی و پاداش، سیستم ارزیابی عملکرد، تحقیق و توسعه، شرایط لازم برای ارتباط و همفکری واحد تحقیق و توسعه با سایر واحدها، طراحی شغل، آزادی عمل بیشتر برای کارکنان و پاداش های درونی (مادی) و بیرونی (غیر مادی) برای اقدامات کارآفرینانه است - ضمن اینکه به منظور تشویق ریسک پذیری و نوآوری در سازمان، بخشی از کل پرداخت باید بر سطح نوآوری و ریسک پذیری مبتنی باشد، نه بر پیامدها و دستاوردهای نوآوری مثل افزایش سود. همچنین با توجه به نقش کلیدی ارتباطات سازمانی، باید گفت به دلیل از پایین به بالا بودن جریان نوآوری، ارتباطات در وزارت ورزش و جوانان بهتر است تنها از بالا به پایین نباشد، بلکه دوجانبه، باز و افقی باشد. همچنین به جای تأکید بر رسمی بودن ارتباطات بیشتر بر پربازده و اثربخش بودن آن تمرکز شود؛

1. Burdus
2. Putnam
3. Wicklin
4. Tanas & Gillin
5. Wellman

به طوری که کارکنان بتوانند در مورد ایده‌های جدید ارتباط چهره به چهره برقرار کنند، ضمن اینکه سعی شود به ایده‌های جدید کارکنان به سرعت بازخورد داده شود. با فراهم سازی زمینه و توجه بیشتر به مولفه‌های سازمانی فوق، می‌توان کارآفرینی را در سازمان‌ها نهادینه کرد و به اجرای راهبردهای متنوع ابعاد کارآفرینی سازمانی پرداخت. یکی دیگر از راهبردهای مطرح شده، دربرگیرنده دو متغیر اصلی شامل بهره‌برداری از فرصت‌های شناسایی شده و برنامه عملیاتی براساس برنامه راهبردی می‌باشد. بهره‌برداری از فرصت‌ها بیانگر آن است که در الگو، فرصت‌های موجود مورد شناسایی قرار گرفته برای پیشبرد برنامه راهبردی کارآفرینانه استفاده شود. همچنین برنامه عملیاتی برای اجرای برنامه راهبردی می‌باشد که متأثر از عوامل مداخله‌گر و عوامل زمینه‌ای است. با توجه به مشکلات در زمینه ورزش کشور و کمبودها و نواقص موجود در این حوزه، توجه به فرصت‌ها و مزیت‌ها که می‌تواند در قالب الگوی کارآفرینی راهبردی تحقق یابد ضرورت پیدا می‌کند، زیرا توسعه ورزش کشور مستلزم استفاده از همه فرصت‌ها و بهره‌برداری از همه مزیت‌ها در این وزارتخانه است.

به طور کلی تمامی راهبردهای موجود موجب سه پیامد اصلی در وزارت ورزش و جوانان خواهد شد: بهبود و پیشرفت عملکرد سازمان، بهبود و پیشرفت منابع انسانی و بهبود و تعالی. با توجه به شرایط موجود، وظایف و نقش دستگاه‌های حاکمیتی به عنوان نقش آفرینان خدمت رسان به جامعه تغییر کرده است. هدف نهایی راهبرد در سازمان‌ها، خلق ارزش عمومی است. ایجاد ارزش عمومی^۱ به معنی ایجاد سیاست، طرح‌ها و خدماتی است که سبب پیشرفت منافع عمومی می‌شود. این الگو بیانگر این است که سازمان چگونه می‌تواند از آنجایی که هست به جایی که می‌خواهد، برود (دیس^۲ و همکاران، ۲۰۰۵). اساساً کارآفرینی منجر به ایجاد ارزش‌های جدید در سازمان می‌شود (دیس و همکاران، ۲۰۰۳). کارآفرینی باعث ارائه خدمات بهتر و با کیفیت به شهروندان و جامعه ورزش خواهد شد، سبب ارائه خدمات سریع‌تر و کاهش فاصله زمانی بین زمان تقاضا خدمات و عرضه خدمات، ارائه خدمات ارزان‌تر و توجه به اقتصاد خانواده و شهروندان، خدمات روان‌تر که به تسهیل فرایند خدمت‌رسانی به شهروندان کمک کند، اطلاع‌رسانی بهتر بر اساس فناوری اطلاعات، نوآوری در خدمات، انگیزه بیشتر برای کارکنان، یادگیری سازمانی، انعطاف‌پذیری بالا و پذیرش تغییرات در حیطه منابع انسانی خواهد شد. نکته آخر این که رضایت‌مندی شهروندان و القای عقاید و طرز تلقی جدید به شهروندان نسبت به وزارت ورزش و جوانان به خدماتی که باید دریافت کنند و نحوه استفاده از خدمات ارائه شده و در نتیجه گرایش به ورزش و توسعه و رشد ورزش به ویژه ورزش همگانی و تربیتی که پایه و اساس ورزش قهرمانی است، بستگی دارد.

در مجموع می‌توان گفت که برای داشتن منابع انسانی با رویکرد کارآفرین باید مجموعه‌ای از پیش‌نیازها را فراهم نمود تا مسیر دستیابی به کارآفرینی در محیط سازمان نیز هموار شود. وزارت ورزش و جوانان به عنوان متولی اصلی ورزش کشور هم باید با در نظر گرفتن این عوامل بستر لازم را برای داشتن منابع انسانی پویا و فعال فراهم کند. به نظر می‌رسد برای رسیدن به این مهم موانعی بر سر راه وزارت ورزش و جوانان قرار دارد که بخشی از آنها فرهنگی، بخشی ساختاری و بخشی دیگر شخصیتی و نگرشی است. با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت

1. Public Value

2. Dess

وزارت ورزش و جوانان باید ابتدا ساختار و نمودار سازمانی خود را به سمت یک ساختار پهن و ارگانیک سوق دهد تا از بروکراسی های دست و پا گیر جلوگیری شود. سپس از طریق آموزش، استخدام افراد کار آفرین و ارتباط مستقیم با دانشگاه و محیط های آکادمیک زمینه را برای تغییر نگرش کارکنان هموار کند. سپس موانع فرهنگی که از بافت فرهنگی و ساختار حکومت تاثیر پذیرند، برطرف نماید. زمانی که موانع برطرف شود، می توان شاهد بهبود و تعالی عملکرد منابع انسانی و در نهایت تعالی مشتریان که هدف اصلی هر سازمان و به تبع آن وزارت ورزش و جوانان است، بود.

بدین ترتیب، می توان انتظار داشت که مشتریان اصلی وزارت ورزش و جوانان شامل گروه های سنی حساس جامعه (کودکان، معلولان، زنان، پیشکسوتان و...)، ورزشکاران، مربیان، کارکنان و منابع انسانی آن از عملکرد این وزارتخانه رضایت داشته باشند و تغییرات اجتماعی، توسعه ورزش و افزایش تعداد تولیدات و خدمات جدید و اختراعات در زمینه ورزش به وقوع بپیوندد.

منابع

- احمدی، پرویز؛ نائیجی، محمدجواد و باباشاهی، جبار. (۱۳۹۱). «زیرسامانه‌های منابع انسانی و کارآفرینی سازمانی: تبیین الگویی در صنعت نفت ایران». فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی. ۱۲(۱)، صص ۲۰-۱.
- امیری، مجتبی و نوروزی سیدحسینی، رسول. (۱۳۹۴). درآمدی بر روش تحقیق کیفی در ورزش. تهران: دانشگاه تهران
- باباشاهی، جبار؛ غلام‌شاهی، ابراهیم و افخمی، مهدی. (۱۳۹۲). «تأثیر راهبردهای مدیریت منابع انسانی نوآورانه بر کارآفرینی سازمانی: تبیین نقش جو نوآوری». فصلنامه توسعه کارآفرینی. ۲۱، صص ۸۷-۱۰۴.
- بردبار، غلام‌رضا و کنجکاو منفرد، امیررضا. (۱۳۹۰). «بررسی نقش هوش عاطفی در راهبردهای مدیریت منابع انسانی». توسعه انسانی پلیس. ۱۸(۱)، صص ۱۲۱-۱۴۵.
- بیگلری، نسرین؛ پارسا اصل، مرضیه و بحرالعلوم، حسن. (۱۳۹۶). «بررسی ارتباط فرهنگ سازمانی و مدیریت دانش با کارآفرینی سازمانی کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان خراسان رضوی». نشریه مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. ۴(۴ - پیاپی ۱۶)، صص ۹۱-۱۰۰.
- پورسعید، سیدمسعود. (۱۳۸۸). «طراحی الگوی توسعه منابع انسانی کارآفرین بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی». فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع). ۱(۳)، صص ۸۱-۱۰۰.
- تسلیمی، محمد سعید؛ منوریان، عباس و آشنا، مصطفی. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کارآفرینی درون سازمانی». مدیریت فرهنگ سازمانی. ۴(۱۴)، صص ۲۷-۵۶.
- حسینی صدرآبادی، جلال. (۱۳۹۶). «کارآفرینی و اثربخشی مدیریت منابع انسانی». فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری. ۱۳(۱)، صص ۹۳-۱۰۰.
- حق شناس، اصغر؛ جمشیدیان، مهدی؛ شائمی، علی؛ شاهین، آرش و یزدان شناس، مهدی. (۱۳۸۶). «الگوی کارآفرینی سازمانی در بخش دولتی ایران». فصلنامه علوم مدیریت ایران. ۲(۸)، صص ۳۱-۷۳.
- دهقان دهنوی، حسن؛ دهقان، فثانه و انتظاری، سمیه. (۱۳۹۰). «نقش مدیریت منابع انسانی در کارآفرینی سازمانی». کنفرانس ملی کارآفرینی تعاون جهاد اقتصادی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ناین.
- دیانتی، ربابه و زارع زیدی، علیرضا. (۱۳۹۶). «نقش مدیریت منابع انسانی در تقویت کارآفرینی سازمانی». دو ماهنامه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه. ۴(۲، پیاپی ۶)، صص ۱-۱۲.
- ربیعی، علی و صادق زاده، حکیمه. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی بر کارآفرینی». رفاه اجتماعی. ۱۱(۴۱)، صص ۱۹۱-۲۲۲.
- رضوانی، مهران؛ خداداد حسینی، حمید و طغرابی، محمدتقی. (۱۳۹۱). «نگاشت مفهومی سرمایه اجتماعی در بازاریابی بنگاه‌های کارآفرین: صنایع غذایی». پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی. ۲(۱)، صص ۶۷-۹۰.
- رضوی، سید محمدجواد و طالب پور، مهدی. (۱۳۹۷). «تبیین نقش راهبردهای مؤثر بر توسعه منابع انسانی، میزان کارآفرینی سازمانی و توسعه سازمانی (مورد مطالعه: کارکنان وزارت ورزش و جوانان کشور ایران)». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. ۶(۲۰)، صص ۶۷-۷۹.
- رضوی، سید محمدجواد؛ زارعی، محمد و قهرمان تبریزی، کوروش. (۱۳۹۵). «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کارآفرینی در ورزش با رویکرد منسجم تحلیل چند معیاره و کپ‌لند». پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۲۳، صص ۱۱۳-۱۳۰.
- سعادت طلب، آیت؛ یاسینی، علی و شیرعلی، اسماعیل. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر رویکردهای منابع انسانی راهبردی بر عملکرد کارآفرینانه و نوآورانه در آموزش عالی ایران (مورد مطالعه: دانشگاه‌های شهید بهشتی و

- تهران). بررسی مسائل اجتماعی ایران. ۶(۲)، صص ۲۶۳-۲۸۰.
- شائمی، علی؛ شاهین، آرش و یزدان شناس، مهدی. (۱۳۸۷). «نقش نظام مدیریت منابع انسانی در کارآفرینی سازمانی». فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین. ۱۱(۱)، صص ۱۷۷-۲۲۰.
 - شریفیان، اسماعیل. (۱۳۸۷). «طراحی الگوی فرایندی انگیزه کارآفرینی دانشجویان تربیت بدنی». رساله دوره دکتری، تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تربیت مدرس.
 - صفری، سعید؛ عباسی، رضا و سلطانی علی آبادی، مژگان. (۱۳۹۵). «شناسایی شاخص‌های ارزیابی عملکرد کارفرینی سازمانی». نشریه رشد فناوری. ۱۲(۴۶)، صص ۶۱-۶۷.
 - فردوسی، محمدحسن؛ فراهانی، ابوالفضل و کشاورز، لقمان. (۱۳۹۴). «طراحی الگوی کارآفرینی سازمانی مبتنی بر مؤلفه‌های سیستم سازمانی در وزارت ورزش و جوانان». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. ۱۰(۱)، صص ۴۷-۵۹.
 - کیاکجوری، داود و جعفریان، سحر. (۱۳۹۱). «بررسی نقش نظام مدیریت منابع انسانی در توسعه کارآفرینی سازمانی». کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کار و کارهای دانش بنیان.
 - محمد کاظمی، رضا؛ قاسمی، حمید و رستم‌بخش، محمدرضا. (۱۳۹۰). «شناسایی و تحلیل موانع رفتاری کارآفرینی سازمانی در سازمان تربیت بدنی (وزارت ورزش) کشور». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. ۱۱(۲)، صص ۸۹-۱۰۰.
 - مصباحی، مریم؛ توفیقی، شهرام و عباس زاده، عباس. (۱۳۹۰). «تعیین رویکردی برای توسعه منابع انسانی در مدیریت پرستاری». پژوهش پرستاری ایران. ۶(۱)، صص ۱۷-۲۹.
 - مقدم، ابوالفضل؛ کمالیان، امین رضا؛ اورعی یزدانی، بدرالدین؛ کرد، باقر و روشن، سید علیقلی. (۱۳۹۵). «تبیین و طراحی مدل مدیریت منابع انسانی کارآفرینانه: رویکرد داده-بنیاد (مطالعه‌ای در صنعت برق، گروه شرکت‌های ایران ترانسفو)». نشریه علمی-پژوهشی بهبود مدیریت. ۱۰(۴) پیاپی ۳۴، صص ۱۲۳-۱۵۷.
 - مقدم، ابوالفضل و کمالیان، امین رضا. (۱۳۹۷). «ارائه یک مدل مفهومی مبتنی بر رویکرد کارآفرینانه در جهت بهبود بهره‌وری نظام مدیریت منابع انسانی». پژوهش در نظام‌های آموزشی (ویژه‌نامه). صص ۵۵۹-۵۷۸.
 - موسوی راد، سیدطاهر؛ فراهانی، ابوالفضل؛ هنری، حبیب و سلطانی، حسین پور. (۱۳۹۴). «طراحی مدل کارآفرینی سازمانی مبتنی بر رابطه ساختار سازمانی با ابعاد گرایش‌های کارآفرینانه سازمانی در سازمان تربیت بدنی». مطالعات مدیریت ورزشی. ۲، صص ۵۵-۶۶.
 - میرسپاسی، ناصر؛ معمارزاده طهران، غلام رضا و شفیع زاده، رضا. (۱۳۸۸). «مدل مدیریت منابع انسانی بخش تعاون». نشریه تعاون. ۲۰(۶)، صص ۸۹-۵۳.
 - الوانی، سید مهدی؛ کهن هوش نژاد، رضا؛ صفری، سعید و خدامرادی، سعید. (۱۳۹۰). «شناسایی و اولویت بندی عوامل سازمانی موثر بر اجرایی کردن ابعاد کارآفرینی سازمانی با تبیین نقش نهادهای سازی کارآفرینی». مطالعات مدیریت (بهبود و تحول). ۲۳(۷۰)، صص ۱-۲۴.

- Abraham, R. (2006). "The Relationship of Individualism and Collectivism to Intrapreneurship and Venturing". Strategic Management Journal, (4), 179-186.
- Becker, B.E., Huselid, M.A., & Ulrich, D. (2001). "The HR scorecard: Linking people strategy and performance". Boston: Harvard Business School Press
- Burdus, E. (2010). "Fundamentals of entrepreneurship". Review of International Comparative Management, 11(1), 33-42.

- Charmaz, K. (2006). **Grounding Grounded Theory: A Practical Guide through Qualitative Analysis**. London: Sage Publications, 47-65.
- Chen, C.J. & Huang, J.W. (2009). **“Strategic human resource practices and innovation performance - the mediating role of knowledge management capacity”**. Journal of Business Research, 62,104–114.
- Dess, G., Lumpkin, G.T., Eisner, A. (2005). **Strtegic Management: Creating Competitive Advantagesm**. McGraw-Hill-irwin, 2nd Edition
- Dess, G.G., Ireland, R.D., Zahra, S.A., Floyd, S.W., Janney, J.J., & Lane, P.J. (2003). **“Emerging issues incorporate entrepreneurship”**. Journal of Management, 29(3), 351–378
- Dolles, H. Soderman, S. (2011). **Sport as Business, (International, Professional and Commercial Aspects**. Printed and Bound in Great Britain by CPI Antony Rowe, Chippenham and Eastbourne.
- Hansen, D. J., Shrader, R., & Monllor, J. (2011). **“Defragmenting Definitions of Entrepreneurial Opportunity”**. Journal of Small Business Management, 49(2), 283-304.
- Hayton, J. C., George, G., & Zahra, S. A. (2004). **“National Culture and Entrepreneurship”**. A Review of Behavioral Research, 26 (4), 33-52.
- Jensen, S. H., Poulfelt, F., & Kraus, S. (2010). **“Managerial Routines in Professional Service Firms: Transforming Knowledge into Competitive Advantages”**. Service Industries Journal, 30(12), 2045-2062
- Jones, f.f., Morris, M.H., Rockmore, W. (1995). **“HR practices that promote entrepreneurship”**. HR Magazine, 22(1), 86-91
- Kehinde A. Obasan. (2014). **“Impact of Human Resources Management on Entrepreneurship Development”**. Acta Universitatis Danubius. Economica,10(1), 83-93.
- Kuratko, D. F., Hornsby, J. S., & Covin, J. G. (2014). **“Diagnosing a firm’s internal environment for corporate entrepreneurship”**. Business Horizons, 57, 37-47
- Lee, Jin; Wang, Jia. (2017). **“Developing entrepreneurial resilience: implications for human resource development”**. European Journal of Training and Development, 41 (6), 519-539
- Miles, M.P. Arnold, D. (1991). **“The relationships between marketing orientation and entrepreneurial orientation”**. Entrepreneurship: Theory & Practice, 15(4), 49-65
- Montoro-Sánchez Á., Ribeiro Soriano, D. (2011). **“Human resource management and corporate entrepreneurship”**. International Journal of Manpower, 32 (1), 6 - 13
- Morris, M. H., van Vuuren, J., Cornwall, J. R., Scheepers, R. (2009). **“Corporate entrepreneurship”**. Business Horizons, 52(5), 429-440.
- Naghizadeh, H., Katbi, F., & Keshtidar, M. (2015). **“The prioritization and determine the**

relationship between spiritual entrepreneurial experts' sports federations". Journal of Sport Management Syudies, 7(28), 55-70.

- Putnam, R.D. (2002). **Democracies in flux, the evolution of social capital in contemporary society.** Oxford New York: University Press.
- Ratten, V. (2010). **"Sport-based entrepreneurship: towards a new theory, of entrepreneurship and sport management"**. Int Entrep Manag J, 7(1): 57-69
- Rothenberg, S., Hull, C. E., Tang, Z. (2017). **"The impact of human resource management on corporate social performance strengths and concerns"**. Business & Society, 56(3), 391-418.
- Salome, L. R., M. V. Bottenburg, et al. (2012). **"We are as green as possible: environmental responsibility in commercial artificial setting for lifestyle sports"**. Leisure Studies, 1: 1-18.
- Sphr, R.W. (1999). **Human Resource Management.** New Jersey: Prentice Hall, Inc.
- Tanas, J., Gillin, M. (2007). **"Entrepreneurs & social capital: Strategic leadership in the 21st century firms"**. Regional Frontiers of Entrepreneurship Research, 13(4), 635-49.
- Vanessa, R. (2010). **"Sport-based entrepreneurship: towards a new theory of entrepreneurship and sport management"**. Springer Science & Business Media, 7(1), 57-69.
- Verreynne, M. L., Parker, P., & Wilson, M. (2011). **"Employment systems in small firms: A multilevel analysis"**. International Small Business Journal, 31(4), 405- 431
- Wellman B, Anabel Q, James W, Keith, H. (2001). **"Does the Internet increase, decrease, or supplement social capital? Social networks, participation, and community commitment"**. American Behavioral Scientist, 45(3), 436-55.
- Wright, P., Dunford, B. & Snell, S. (2001). **"Human Resources and the Resource Based View of the Firm"**. Journal of Management, 27, 701-721
- Zafar, J., Shaukat, M., & Mat, N. (2010). **"An Analysis of E-Human Resource Management Practices: A Case Study of State Bank of Pakistan"**. European Journal of Social Sciences, 15(1), 18-26.
- Zhang Z. Wan, D and Jia, M; (2008). **"Do high-performance human resource practices help corporate entrepreneurship? The mediating role of organizational citizenship behavior"**. The Journal of High Technology Management Research, 19(2), 128-138.

جایابی خرده سیستم های اکوسیستم کارآفرینی در ورزش

عباس فرهمند مهر^۱

فریده شریفی فر^۲

رضا نیک بخش^۳

 10.22034/SSYS.2022.473

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۸/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱/۱۴

هدف این پژوهش، شناسایی و جایابی خرده سیستم های اکوسیستم کارآفرینی در صنعت ورزش کشور است. روش تحقیق از نوع کیفی بود که در پنج مرحله انجام گرفت. در مرحله اول، به منظور شناخت وضعیت موجود کارآفرینی در ورزش و همچنین شناخت عوامل تأثیرگذار در اکوسیستم کارآفرینی ورزشی از روش پژوهش اسنادی استفاده شد. در مرحله دوم از سایر اکوسیستم های کارآفرینی (اکوسیستم استارت آپی، کشاورزی و توریسم) اقتباس صورت گرفت. در مرحله سوم، مصاحبه ای نیمه ساختاریافته با ۲۰ نفر از صاحب نظران صورت گرفت که با شیوه نظریه زمینه - محور داده های حاصل از مصاحبه ها تحلیل شدند. در مرحله چهارم با توجه به اطلاعات سه مرحله قبل، خرده سیستم های مؤثر در اکوسیستم کارآفرینی در ورزش شناسایی شدند و چارچوب پیشنهادی و مفهومی اکوسیستم کارآفرینی در ورزش به همراه خرده سیستم ها طراحی گردید. در مرحله آخر با استفاده از روش دلفی دو مرحله ای، الگوی طراحی شده اکوسیستم کارآفرینی در ورزش اعتباریابی شد و جایگاه و نقش هرکدام از خرده سیستم ها با توجه به زیرسیستم ها و عناصر اصلی مورد تأیید قرار گرفت. روایی هر یک از ابزارهای پژوهش براساس ضریب توافق بین متخصصان و خبرگان مورد تأیید قرار گرفت. یافته ها نشان

۱. دکترای مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: F_sharififar@hotmail.com

۳. دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

داد که اکوسیستم کارآفرینی ورزشی در کشور با چالش های زیادی مواجه است و تنها در صورت توجه همه جانبه به تمامی عوامل درگیر در اکوسیستم در یک چارچوب جامع است که می توان شرایط مناسب برای توسعه فعالیت های کارآفرینانه (ایجاد، حفظ و بقا) در صنعت ورزش را به وجود آورد. بنابراین چارچوب تبیین شده در این پژوهش می تواند به عنوان نقشه راه ایجاد اکوسیستم مطلوب کارآفرینی ورزشی مورد استفاده قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: صنعت ورزش، کارآفرینی ورزشی، خرده سیستم و اکوسیستم کارآفرینی

مقدمه

توسعه کارآفرینی نیازمند آمادگی زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، همکاری نظام‌های آموزشی، ساختارهای اداری و مالی و سایر ساز و کارهای حمایتی می‌باشد؛ به این معنی که کارآفرینی با در نظر گرفتن ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مستلزم برنامه‌ریزی و اتخاذ رویکردهای راهبردی است (کمیسون اروپا، ۲۰۰۸: ۲۸). در همین راستا گستردگی کارکرد کارآفرینی در حوزه‌های متعدد علمی و اجتماعی منجر به ظهور نظریه‌پردازان و شکل‌گیری تئوری‌ها و نظریات اقتصادی، رفتاری، مدیریتی، اجتماعی و اخیراً منجر به شکل‌گیری نظریه اکوسیستم کارآفرینی شده است (خوشکاب و رستگار، ۲۰۱۳: ۱۷۸). کوهن^۱ (۲۰۰۶) نخستین کسی بود که مفهوم امروزی اکوسیستم کارآفرینی را به این ترتیب بیان کرد: «اکوسیستم کارآفرینی شامل یک گروه از عوامل مرتبط به یکدیگر در یک جامعه و منطقه جغرافیایی می‌شود که همگی متعهد به توسعه پایدار از طریق حمایت و تسهیل سرمایه‌گذاری‌های پایدار جدید هستند» (کوهن، ۲۰۰۶: ۱۱). مرور مبانی نظری اکوسیستم کارآفرینی نشان می‌دهد که اکوسیستم با تعیین شاخص‌ها و عناصر مرتبط در مناطق، فرصت‌ها و تهدیدها را شناسایی و زمینه را برای رشد فعالیت‌های کارآفرینانه فراهم می‌کند. از این رو، توجه به شرایط مرتبط با توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در ورزش ایران و مطالعه در حوزه عوامل تأثیرگذار بر اکوسیستم کارآفرینی در ورزش می‌تواند نقش بسزایی در شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه حیطه‌های گوناگون صنعت ورزش ایفا نماید. براین اساس بدیهی است که اولین قدم برای پیاده‌سازی سیاست‌های توسعه کارآفرینی، شناخت اکوسیستم کارآفرینی در سطوح مختلف ملی و استانی و تشخیص گلوگاه‌هایی است که از ایجاد مزیت رقابتی جلوگیری می‌کند (گزارش وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، ۲۰۱۶: ۸۱). آیزنبرگ^۲ (۲۰۱۱) نیز معتقد است اکوسیستم‌ها قابل تقلید نیستند و در توسعه کارآفرینی باید مزیت‌های کشورهای منطقه‌ای مورد توجه قرار بگیرد و از تقلید اکوسیستم‌های موفق اجتناب کرد (آیزنبرگ، ۲۰۱۱: ۶). به همین سبب است که در این رویکرد، استفاده کورکورانه از الگوی توسعه کارآفرینانه یک کشور یا یک منطقه و اعمال آن برای کشورمان دیگر ناکاراست. محققان در ایران عوامل اصلی فعال و درگیر در اکوسیستم کارآفرینی را شامل ایده‌ها و استعدادها، ساختارهای حمایتی و زیرساخت‌ها، جامعه استارت‌آپی، سیاست‌گذاری، تامین مالی، گرایش‌ات عمومی و بازار نام برده‌اند (آراستی و غلامی، ۲۰۱۰: ۱۶۸). در همین راستا سازمان همکاری‌ها و توسعه اقتصادی (OECD)^۳ اکوسیستم کارآفرینی را شامل چارچوب‌های تنظیمی، شرایط بازار، دسترسی به منابع مالی، تحقیق و توسعه و فناوری، فرهنگ و قابلیت‌های کارآفرینانه معرفی کرده است (پایش و بهبود نظام کارآفرینی ایران، ۲۰۱۶: ۹). فورفاس^۴ (۲۰۰۹) بیان می‌کند که برای موفقیت کارآفرینان، اکوسیستم کارآفرینی باید شامل ساختار مناسب بازار، در دسترس بودن منابع مالی، کیفیت بالای سرمایه اجتماعی و انسانی، فرهنگ تحمل شکست، حقوق دارایی قوی در زمان شروع، خروج و فروش

1. European Commission

2. Cohen

3. Isenberg

4. The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

5. Forfas

کسب و کار و از همه مهمتر میل دولت به ایجاد محیطی توانمند باشد (فوراس، ۲۰۰۹: ۲۶). دنیل ایزنبرگ (۲۰۱۲) اکوسیستم کارآفرینی را شامل صدها عنصر می‌داند که در قالب شش قلمرو اصلی گروه‌بندی شوند: ۱) بازار (مشتری‌های اولیه و شبکه‌هایی همچون شبکه‌های کارآفرینی و شرکت‌های بین‌المللی)؛ ۲) سیاست (شیوه‌های رهبری مستحکم و پشتیبانی از ساختارهای دولت در چارچوب نهادها؛ چارچوب مقرراتی مشوق‌ها و قانون‌گذاری سرمایه‌پسند)؛ ۳) سرمایه مالی (وام‌های خرد، تأمین بودجه سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر و سرمایه‌گذاران فرشته)؛ ۴) فرهنگ (موفقیت‌های قابل مشاهده، تحمل ریسک و شکست و موقعیت اجتماعی کارآفرینان)؛ ۵) حمایت‌ها (زیرساخت‌ها، حمایت‌های حرفه‌ای همچون قانونی و حسابداری و سازمان‌های غیردولتی)؛ ۶) سرمایه انسانی (مؤسسات آموزشی و نیروی کار (آیزنبرگ، ۲۰۱۲: ۳).

کویین^۱ و همکاران (۲۰۱۳) بیان کردند که عملکرد مناسب یک اکوسیستم کارآفرینی وابسته به تعاملات بین سه جزء: افراد، سازمان‌ها و مؤسسات است که می‌بایست به بهترین شکل اقدامات و فعالیت‌های یکدیگر را مورد حمایت قرار دهند. میسون^۲ و براون^۳ (۲۰۱۴) نیز با جزئیات دقیق‌تر اکوسیستم کارآفرینی را به عنوان "مجموعه‌ایی از بازیگران به هم مرتبط (هم کارآفرینان موجود و هم بالقوه)، سازمان‌های کارآفرینی (به عنوان مثال شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران خطرپذیر، فرشتگان کسب و کار، بانک‌ها)، مؤسسات (دانشگاه‌ها، آژانس‌های بخش عمومی، مؤسسات مالی)، و فرآیندهای کارآفرینی (به عنوان مثال، نرخ تولید کسب و کار، تعداد شرکت‌های با رشد بالا، تعداد کارآفرینان سریالی، میزان فروش ذهنی شرکت‌ها و سطوح جاه طلبی کارآفرینان) می‌داند که تلفیق اتصال و مداخله این عناصر به طور رسمی یا غیر رسمی باعث بهبود مدیریت عملکرد در محیط کارآفرینی محلی می‌گردد (میسون و براون، ۲۰۱۴: ۲۳). در ادامه، اشپیگل^۴ (۲۰۱۵) بیان کرد اکوسیستم کارآفرینی مجموعه‌ای از بازیگران و عوامل وابسته به هم هستند؛ به طوری که کارآفرینی مولد را در یک منطقه خاص فعال کنند (استم^۵ و اشپیگل، ۲۰۱۶: ۱۱). ویل (۲۰۱۷) در پژوهش خود در زمینه عناصر تأثیرگذار بر اکوسیستم کارآفرینی شش عنصر فرهنگ، دانشگاه‌ها، سرمایه انسانی، سازمان‌های حمایت‌کننده، سیاست، شرکت‌های بزرگ و بازار را معرفی نمود (ویل^۶، ۲۰۱۷: ۲۸). البته، باید توجه داشت که کارآفرینی در حوزه ورزش نیز از این موارد مستثنی نبوده و کسانی که قصد شروع کسب و کار و کارآفرینی در ورزش را دارند باید علاوه بر شناخت ویژگی‌های فضای کسب و کار در ایران، ویژگی‌های اختصاصی ورزش در کشور را نیز بدانند. فرهمندمهر (۲۰۱۸) در یک پژوهش کیفی با تحلیل فضای کارآفرینی در ورزش کشور، اکوسیستم کارآفرینی در ورزش کشور را طراحی و تبیین نمود و دریافت که آن شامل شش عنصر اصلی و سی و یک زیرسیستم به شرح ذیل می‌باشد: محیط کارآفرینانه (فرهنگ جامعه، فرصت‌های کسب و کار در ورزش، رویدادهای کارآفرینی ورزشی، الگوهای نقش در کارآفرینی ورزشی، اختیارات محلی، دانشگاه‌ها)؛ سرمایه‌های انسانی (جامعه‌یادگیرنده، مربیگری،

1. Qian
2. Mason
3. Brown
4. Spigel
5. Stam
6. Wiele

شبکه سازی، مدارس و دانشگاه ها، ظرفیت سازی، انجمن های تخصصی ورزشی، ویژگی های شخصیتی، دوره های آموزشی؛ رهبری کارآفرینانه (مشروعیت اجتماعی، راهبرد کارآفرینی)؛ اماکن، تجهیزات و خدمات ورزشی (خدمات تفریحی، آموزشی و گردشگری، خدمات حرفه ای ورزشی، اماکن ورزشی، لوازم ورزشی)؛ تأمین مالی (سرویس های غیرمالی، سرویس های مالی، صندوق حمایت از کارآفرینان ورزشی، سرمایه) و زیرساخت های کارآفرینی (خدمات حرفه ای، ایجاد شهرک های صنعتی و حمایت از خوشه های اقتصادی و صنعتی، ایجاد محیط رقابتی، توجه به شاخص های سهولت کسب و کار، کوچک سازی دولت و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، اجرای سیاست های کارآفرینی و برقراری ارتباطات بین بخشی) (فرهمنده مهر، ۲۰۱۸: ۱۲۸). از نظر توماس فانکی^۱ (۲۰۱۵) برای رسیدن به این نقطه، چهار لایه از اکوسیستم کارآفرینی باید مورد توجه قرار گیرد: در لایه اول، اکوسیستم به صورت یک راهنما برای فعالان در آن عمل می کند که به آنها یادآور می شود به کل اکوسیستم خود نگاه جامع داشته باشند و با تمرکز بیش از حد بر برنامه های خود هماهنگی با یکدیگر را از دست ندهند. در لایه دوم به عنوان یک نقشه راه راهبرد برای کلیه عاملان اکوسیستم عمل می کند و باید در سطوح ساختاری، فرایندی و سیستمی پیاده سازی شود. در لایه سوم، این بوم به تمامی کشش گران جامعه کارآفرینی با یک روش دیداری به صورت همزمان نمای کلی، نقش مستقل هر واحد و وابستگی های متقابل آنها را نمایش می دهد. در لایه چهارم، این بوم به شناسایی فرصت های جدید رشد، ارزیابی سودمندی برنامه های حمایتی جدید و انتشار روش های شتاب بخشیدن به پیشرفت اکوسیستم کمک می نماید (فانکی^۲، ۲۰۱۵: ۱۴۳). با این تفاسیر باید به نحوه شکل گیری و همچنین خرده سیستم های لازم برای پایداری چنین اکوسیستمی در صنعت ورزش کشور توجه داشت و مشخص نمود طی چه فرآیندی ایجاد و توسعه چنین عناصر زیرسیستم هایی امکان پذیر است. از این رو، بازنگری در نظام ساختاری و کارکردی اکوسیستم کارآفرینی در صنعت ورزش در سطح عملیاتی و اجرایی و به اصطلاح «خرده سیستم ها» ضرورت دارد. همچنین از آنجا باید اکوسیستم کارآفرینی ورزشی را به صورت سیستمی مورد بررسی قرار داد که ترسیم ساختار در این حالت مبتنی بر عناصر، نهادها، نقش ها، مسیرها، راهبردها و سایر ابعاد و همچنین تعیین شفاف نقش و وظیفه برای هریک از خرده سیستم ها می باشد. به علاوه، تعیین نقش و وظیفه برای تمامی عناصر تأثیرگذار در کارآفرینی ورزشی در یک محیط ساختاری- عملیاتی به عنوان اکوسیستم کارآفرینی ورزشی و همچنین ترسیم و پیاده سازی یک ساختار مطلوب و متناسب با ویژگی های منطقه ای و ملی اولین گام در توسعه پایدار اشتغال، کسب و کار و کارآفرینی در ورزش محسوب می شود. گفتنی است که اکوسیستم کارآفرینی برای توصیف روابط چندگانه متعدد موجود میان عناصر می باشد و نباید به دلیل ساده سازی پیچیدگی ارتباطات متقابل موجود در اکوسیستم نادیده گرفته شود، (فانکی، ۲۰۱۵: ۱۲۵). به همین سبب هدف این تحقیق، تعیین خرده سیستم های اکوسیستم کارآفرینی در ورزش کشور برای شکل گیری یک اکوسیستم مطلوب کارآفرینی در ورزش می باشد و همان طور که فانکی (۲۰۱۵) بیان نمود شناسایی و ترسیم تمامی عناصر تأثیرگذار در اکوسیستم کارآفرینی به فعالان

1. Thomas Funke

2. Funke

اکوسیستم اجازه می‌دهد تا نقش اساسی خود در اکوسیستم محلی متبوعشان را به طور واضح درک نمایند و به جای عمل کردن به صورت واحدهای مستقل و مجزا همگی در یک تلاش مشترک مشارکت نمایند. همچنین این مهم به فعالان کمک می‌کند تا وابستگی‌های متقابل درون سیستم را برای خود ترسیم نمایند و تصویری از وضع موجود و وضع مطلوب را تصور کنند (فانکی، ۲۰۱۵: ۱۵۲).

روش شناسی پژوهش

در این تحقیق از روش کیفی نظام‌مند برای شناسایی، جمع‌آوری و چارچوب‌بندی و جایابی خرده‌سیستم‌های تأثیرگذار در اکوسیستم کارآفرینی ورزشی استفاده شد (کاپچ، ۲۰۰۲: ۸۰). این روش شامل فرآیند ساخت یک نظریه مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده است که به پرسش‌های نوین در زمینه‌های فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون پاسخ می‌دهد. (استراوس و کوربین، ۲۰۱۵: ۲۲). مسئله اصلی پژوهش، عدم وجود شفافیت مناسب در نقش‌ها و اقدامات لازم برای ایجاد یک اکوسیستم کارآفرینی در ورزش ایران بود. بنابراین منطق و تئوری اصلی این تحقیق، نظریه اکوسیستم کارآفرینی در ورزش (فرهمندمهر، ۲۰۱۸: ۶۴) با استفاده از روش کیفی نظام‌مند چند مرحله‌ای طی پنج مرحله به‌دست آمده است. به دلیل ماهیت ارزیابی عملکرد در این پژوهش، از چند نوع ابزار شامل مطالعه کتابخانه‌ای، مصاحبه، چک لیست و پرسشنامه و تکنیک دلفی استفاده شد. مشخصات مربوط به ابزارها در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۱: ابزارهای پژوهش

ابزارها				
مطالعه کتابخانه‌ای	مصاحبه	چک لیست و کدگذاری	تکنیک دلفی	
مورد مراجعه	مطالعه کتب، مقالات، طرح‌ها، و ... مرتبط با موضوع پژوهش	نظرخواهی از صاحب‌نظران و ذینفعان	نظرخواهی از صاحب‌نظران و ذینفعان	جلسات خبرگان و متخصصان
گردآوری	کتابخانه‌ای و نظری	میدانی و تجربی	میدانی و تجربی	میدانی و تجربی

گفتنی است در پژوهش کیفی، روایی بیشتر بر روی صحت داده‌ها (روایی درونی) تأکید دارد (استراوس و کوربین، ۲۰۱۵: ۳۶) که در این پژوهش، با ارائه بازخورد به مصاحبه‌شوندگان و قراردادن آن‌ها در مسیر پژوهش - به طوری که بر نحوه پاسخگویی آن‌ها تأثیر نگذارد - روایی درونی پژوهش تأیید شد. به علاوه، برای سنجش پایایی در این پژوهش، از روش توافق بین دو کدگذار بر اساس ضریب کاپای کوهن^۳ استفاده

1. Coppedge

2. Strauss & Corbin

3. Cohen's Kappa Value

گردید. ضریب کاپا در شرایط معناداری بیش از ۰/۷ به دست آمد که بیانگر توافق میان کدگذاران بود (سیگل و کاستلان^۱، ۱۹۸۸).

جامعه آماری پژوهش را تمامی اساتید، مدیران، صاحبان کسب و کار، کارآفرینان، مشاوران حوزه صنعت ورزش، مخترعان و نوآوران در خدمات و تولیدات ورزشی و صاحب نظر در موضوع پژوهش، تشکیل می دادند. روش نمونه گیری برای انتخاب مشارکت کنندگان در مصاحبه به صورت نمونه گیری نظری^۲ بود، زیرا انتخاب این افراد بر اساس دآوری و قضاوت گروه پژوهشی صورت گرفت و نمونه هایی انتخاب شدند که به نظر محققان برای ارائه اطلاعات مورد نیاز در بهترین موقعیت قرار داشتند (استراوس و کربین، ۲۰۱۵: ۴۵). نمونه آماری به صورت غیر تصادفی، هدفمند و در دسترس بر مبنای میزان ارتباط با موضوع و اعتبار علمی انتخاب و نظرخواهی شد. از آنجا که مصاحبه ها با دو نفر آخر (نفر ۱۹ و ۲۰) به اشباع نظری^۳ رسید و با توجه به اینکه مبنای اتمام مصاحبه ها در این روش، اشباع نظری است، بنابراین نمونه آماری ۲۰ نفر در نظر گرفته شد.

در مرحله اول، به منظور شناخت وضعیت موجود کارآفرینی در ورزش و همچنین شناخت عوامل تأثیرگذار در اکوسیستم کارآفرینی ورزشی، از روش پژوهش اسنادی^۴ استفاده شد. در مرحله دوم، از سایر اکوسیستم های کارآفرینی مانند اکوسیستم استارت آپی (فلد، ۲۰۱۶/۲۰۱۸: ۸۸)، کشاورزی (قنبری و همکاران، ۲۰۱۶: ۴۳) و توریسم (آتالا و نصر^۵، ۲۰۱۳: ۵) اقتباس صورت گرفت و موانع و فرصت های توسعه کارآفرینی در برخی کشورهای جهان مثل کانادا (مشیری، ۲۰۱۵: ۱۵)، کره جنوبی (سوسان، دیلی و کیم، ۲۰۱۶ و استرالیا (اوکانر و رید، ۲۰۱۵: ۷۸۰) براساس اطلاعات در دسترس جهت غنی سازی محتوای سوالات مصاحبه ها مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله سوم، مصاحبه ای نیمه ساختاریافته^۶ با ۲۰ نفر از صاحب نظران (اعضای هیئت علمی دانشگاه ها، مدیران، صاحبان کسب و کار، کارآفرینان، مشاوران حوزه صنعت ورزش، مخترعان، و نوآوران در خدمات و تولیدات ورزشی) به منظور شناخت خرده سیستم های اکوسیستم کارآفرینی در ورزش صورت گرفت. در ادامه، یافته های حاصل از مصاحبه با استفاده از شیوه نظریه زمینه - محور^۷ (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) تحلیل شدند. در کدگذاری باز، داده ها به صورت دقیق و خط به خط خوانده و به کوچک ترین جزء ممکن شکسته شدند. پس از استخراج کدها، از طریق کدگذاری محوری کدها طبقه بندی شدند. در کدگذاری انتخابی، پژوهشگر با توجه به کدها و مفاهیم شناسایی شده در دو مرحله قبل، به گزینش و انتخاب مفاهیم پرداخت و با تأکید بر بخش ها و متغیرهایی که براساس نظر کارشناسان در تدوین تئوری می توانند نقش مهم تری ایفا کنند، فرایندها کشف شد، طبقات اصلی تعیین گردید و تمام طبقات فرعی که به آن باز می گردند مشخص و مبنای چارچوب پنداشتی نظریه ساخته شد. پس از آن تفسیر یافته ها آغاز و در ادامه

1. Siegel & Castellan
2. Theoretical sampling
3. Theoretical Saturation
4. Documentary Research
5. Atalla & Nasr
6. Semi Structured Interview
7. Grounded Theory (GT)

چارچوب بندی و تحلیل ساختاری و نظام مند انجام شد (استراوس و کوربین، ۲۰۱۵: ۱۱۲). در مرحله چهارم با توجه به اطلاعات سه مرحله قبل، خرده سیستم های مؤثر در اکوسیستم کارآفرینی در ورزش شناسایی شدند و چارچوب نهایی و مفهومی اکوسیستم کارآفرینی در ورزش به همراه خرده سیستم ها طراحی گردید. در مرحله آخر با استفاده از روش دلفی^۱ دو مرحله ای، الگوی طراحی شده اکوسیستم کارآفرینی در ورزش اعتباریابی شد و جایگاه و نقش هر کدام از خرده سیستم ها با توجه به زیرسیستم ها و عناصر اصلی مورد تأیید قرار گرفت.

یافته های پژوهش

پس از تحلیل داده های گردآوری شده براساس روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی، چارچوب بندی مفهومی و تحلیل سیستمی و نظام مند و شناسایی خرده سیستم ها در اکوسیستم کارآفرینی در صنعت ورزش برای توسعه پایدار فعالیت های کارآفرینانه در این صنعت، بومی سازی و معتبرسازی عوامل به دست آمده در این اکوسیستم صورت گرفت (شکل ۱). برای چارچوب اکوسیستم کارآفرینی در ورزش که توسط فرهنگمهر (۲۰۱۸) طراحی شد، شش عنصر اصلی و ۳۱ زیر سیستم به دست آمد. در مجموع با نظر کارشناسان، ۵۵ خرده سیستم حاصل به شرح زیر است:

(۱) محیط کارآفرینانه: الگوهای نقش در کارآفرینی ورزشی (تشویق عمومی به کارآفرینی)؛ رویدادهای کارآفرینی ورزشی (رسانه و رویدادهای منظم کارآفرینی)؛ فرهنگ جامعه (نوآوری فرهنگی، عوامل زمینه ای و خانوادگی، ارزش اجتماعی کارآفرینی و ریشه های تاریخی، اقتصادی و فرهنگی در زمینه کارآفرینی)؛ دانشگاه ها (نظام ارتقای اساتید، ارزشیابی دانشگاه ها، ارتباط مناسب صنعت ورزش با دانشگاه، سیستم پاداش دانشگاهی، نوآوری های ورزشی در دانشگاه در زمینه های منابع، محصول و علوم کاربردی در ورزش و تجاری سازی فناوری).

(۲) سرمایه انسانی: شبکه سازی (ایجاد محیط جذاب برای گردهمایی، کارآفرینان و استارت آپ ها و تشکیل گروه های مکمل افراد با توانایی های مختلف)؛ ظرفیت سازی (برنامه های فرادرس، تمرین های کارآفرینی، مهارت در محصول سازی و ایجاد محیطی برای تجربه، کشف استعداد و پرورش).

(۳) زیرساخت های کارآفرینی: سیاست های کارآفرینی (بازنگری در قوانین، نظارت بر بازار، سازمان تخصصی نظام ورزش، تقویت و ایجاد مؤسسات کارآفرینی غیردولتی ورزشی، تقویت موسسه های تأمین مالی و سرمایه گذاری، احصای مشاغل ورزشی، توانمندسازی بازارهای محلی، شفافیت جریان اطلاعات و در دسترس بودن اطلاعات و روندها)؛ ارتباطات بین بخشی (فدراسیون های ورزشی، سازمان های ورزش شهرداری ها و کلیه ادارات مرتبط با ورزش، بانک ها و مؤسسات مالی).

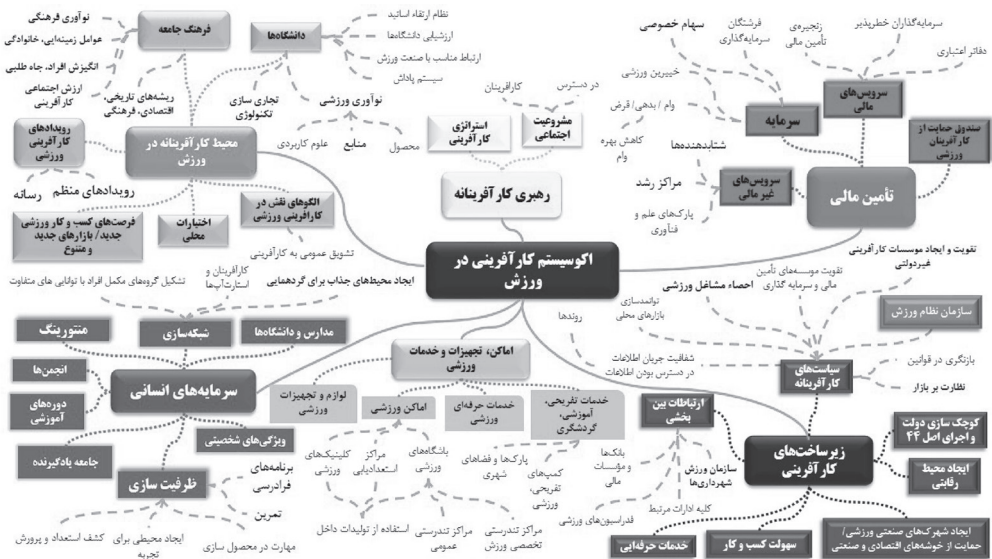
(۴) رهبری کارآفرینانه: برخورداری از مشروعیت اجتماعی (از کارآفرینان باشند، در دسترس باشند).

(۵) تأمین مالی: سرویس های مالی (دفاتر اعتباری، سرمایه گذاران خطرپذیر و زنجیره تأمین مالی)؛ مساعدت های غیرمالی (پارک های علم و فناوری، شتاب دهنده ها و مراکز رشد)؛ سرمایه (فرشتگان

سرمایه‌گذاری، سهامی خاص، خیران ورزشی، وام/ بدهی/ قرض، کاهش بهره وام).

۶) اماکن، تجهیزات و خدمات ورزشی: خدمات تفریحی، آموزشی و گردشگری (کمپ‌های تفریحی و ورزشی، پارک‌ها و فضاهای شهری)؛ اماکن ورزشی (باشگاه‌های ورزشی، مراکز تندرستی تخصصی ورزشی، مراکز تندرستی عمومی ورزشی، مراکز استعدادیابی و کلینیک‌های ورزشی).

اهمیت نقش و وظیفه بعضی از زیرسیستم‌ها به گونه‌ای بود که کارشناسان در مورد آن‌ها، خرده سیستمی را در نظر نگرفتند و بر اجرای نقش دقیق و صحیح آن زیرسیستم‌ها در شکل‌گیری اکوسیستم مطلوب کارآفرینی در ورزش تاکید داشتند. گفتنی است که در شکل ۱ تمامی حیطه‌های اصلی، زیرسیستم‌ها و خرده سیستم‌ها با رنگ‌ها و خطوط متفاوت به یکدیگر متصل شده‌اند. حیطه‌های اصلی با خط کامل سبز رنگ، زیرسیستم‌ها با خط چین ریز و هم رنگ با حیطه‌های اصلی مربوط به خود و تمامی خرده سیستم‌ها با خط چین درشت و رنگ سبز به زیرسیستم‌های مربوطه متصل شده‌اند.



شکل ۱. اکوسیستم کارآفرینی در ورزش (به دست آمده از روش دلفی دو مرحله‌ای)

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از اجرای این پژوهش، طراحی و تبیین تمامی اجزا و عناصر تأثیرگذار در اکوسیستم کارآفرینی در ورزش و ارائه راهکار برای ایجاد یک اکوسیستم کارآفرینی مطلوب در ورزش کشور مبتنی بر یک پیمایش کیفی نظام‌مند و چند مرحله‌ای بود که پس از انجام سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی)، در نهایت با استفاده از روش دلفی دو مرحله‌ای ساختار اکوسیستم مطلوب کارآفرینی در ورزش کشور به تأیید متخصصان رسید. پژوهش حاضر تلاشی عمیق در راستای ترسیم یک ساختار عملیاتی جهت ایجاد یک اکوسیستم مطلوب

کارآفرینی در ورزش به حساب می‌آید. با این پیشینه، به تفسیر یافته‌های پژوهش که در بخش خرده سیستم‌های این ساختار گزارش شده است پرداخته می‌شود. در ادبیات کارآفرینی منظور از محیط کارآفرینانه، عوامل محیطی مؤثر بر تصمیم فرد برای حرکت به سمت فعالیت‌های کارآفرینانه می‌باشد (رازقندی و درانی، ۲۰۱۰: ۴۱). در این پژوهش زیر سیستم‌های اصلی محیط کارآفرینانه در ورزش شامل فرهنگ کارآفرینی، فرصت‌های کسب و کار ورزشی و وجود بازارهای متنوع و جدید، رویدادهای کارآفرینی ورزشی، الگوهای نقش، اختیارات محلی و دانشگاه تعیین گردید. باید توجه داشت که زیرسیستم فرهنگ کارآفرینی متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه به دست آمد. کارآفرینان به عنوان بخشی از جامعه پیرامونی، از مجموعه ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهای متمایزی برخوردارند که می‌توان به آن اصطلاح «خرده فرهنگ کارآفرینی» اطلاق نمود (احمدپور داریانی، ۲۰۰۲: ۱۲).

در واقع، هرچه ارزش‌ها و عقاید موجود در جامعه، افراد را به کار، تولید مداوم، فکر و اندیشه خلاق، یادگیری و کسب دانش سوق دهد، فرهنگ کارآفرینی در آن جامعه اشاعه و درون افراد نهادینه می‌شود (احمدپور داریانی، ۲۰۰۲: ۱۳). بنابراین، لازمه داشتن محیطی که کارآفرینی را تشویق کند، وجود فرهنگ مناسب کارآفرینی در محیط می‌باشد. مک گوایر (۱۹۶۴: ۲۳) نقش کارآفرینی در جوامع مختلف را با توجه به تنوع فرهنگی، متفاوت می‌داند و عواملی همچون: عقاید اجتماعی، هنجارها، پاداش رفتارها، آرمان‌های فردی و ملی و مکاتب دینی را مهم قلمداد می‌نماید (مک گوایر^۱، ۱۹۶۴: ۲۳). اگر بخواهیم عمل کارآفرینان در جامعه با دلگرمی انجام پذیرد، باید محیط را انعطاف پذیر، پویا و خلاق نماییم تا میزان اعتماد به محیط افزایش یابد. یافته‌های پژوهش خرده سیستم انگیزش افراد برای شروع کارآفرینی را برای ایجاد فرهنگ مناسب کارآفرینی در ورزش ضروری دانسته است. این کار با توجه به سابقه تاریخی و ریشه‌های ضعف فرهنگ کار در ایران به سادگی امکان‌پذیر نیست و باید در فرهنگ عمومی تحولات اساسی ایجاد شود تا جامعه از فعالیت‌های کارآفرینانه حمایت کند و پذیرای تلاش خلاق آن‌ها باشد (مقیمی، ۲۰۰۴: ۸۰). در واقع، یافته‌های پژوهش در زمینه خرده سیستم ریشه‌های تاریخی، اقتصادی و فرهنگی و خرده سیستم ارزش اجتماعی کارآفرینی توجه و تمرکز به ایجاد چنین گفتمانی در فضای فرهنگی جامعه در حوزه کارآفرینی در ورزش دارد. این گفتمان باید به شکلی باشد که کارآفرین خود را در جامعه، غریبه احساس نکند و خود را به عنوان عضو مؤثر جامعه - نه به عنوان عضوی حاشیه نشین و فراموش شده - قلمداد کند. برای رسیدن به چنین نقطه‌ای جامعه ایران نیازمند یک نوآوری فرهنگی در زمینه‌های نگرش به کسب و کار و کارآفرینی است؛ چنان‌که لازم است فرهنگی که در هر جامعه‌ای ریشه تاریخی و اقتصادی دارد و پایه‌های آن در خانواده شکل می‌گیرد، از همان ابتدا به درستی شکل داده شود و انگیزش و حس جاه طلبی در کسب و کار و کارآفرینی از همان آغاز در وجود افراد تقویت گردد.

زیرسیستم رویدادهای کارآفرینی ورزشی، یک گردهمایی کوتاه مدت چند ساعته تا چند روزه است که شرکت‌کنندگان مفاهیم کارآفرینی را آموزش می‌بینند. در حال حاضر، رویدادهای بسیاری در زمینه‌های گوناگون از جمله: IT، پزشکی، توریسم، محیط زیست، حمل و نقل و... در حال برگزاری هستند و تعداد آن‌ها

به بیش از ۵۰ مورد می‌رسد؛ اما نکته جالب توجه آن، سهم تقریباً صفر درصدی ورزش از این رویدادهاست. خرده سیستم رویدادهای منظم بیان می‌دارد که وجود رویدادهای منظم با حضور دانشجویان و فعالان کسب و کارهای ورزشی از اهمیت بسیاری در جهت فراهم آوردن محیط پویا در کارآفرینی ورزشی برخوردار است. همچنین خرده سیستم رسانه بیان می‌دارد که تمامی رویدادهای کارآفرینی در ورزش باید از طریق رسانه‌های جمعی به تمامی فعالان این حوزه اطلاع رسانی شوند و شبکه‌های استانی، سازمان‌های مرتبط و غیرمرتبط، دانشگاه‌ها و هر رسانه‌ای باید بتواند با اطلاع رسانی خود موجب ترویج نگاه کارآفرینانه به ورزش گردد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که زیرسیستم الگوهای نقش در کارآفرینی ورزشی، نقش مهمی در ایجاد محیط مساعد کارآفرینی ایفا می‌نماید، چرا که آشنایی با سرگذشت و تاریخچه کارآفرینان، نوآوران و صاحبان کسب و کارهای ورزشی می‌تواند منبعی از تجربیات ارزشمند برای کارآفرینان جوان به حساب آید. نتایج پژوهش حاضر نقش خرده سیستم تشویق عمومی به کارآفرینی را مهم نشان داد، چراکه وجود شرایط الگوبرداری از مسیری کارآفرینانه در بخشی از زندگی یک فرد، از دو جنبه مشخص شدن راه برای دیگران و همچنین تقویت احساس اعتماد به نفس می‌تواند به افزایش تمایلات و احساسات مثبت روانشناختی در ارتباط با پدیده مورد نظر بینجامد (لاویولته^۱ و همکاران، ۲۰۱۲: ۷۲۱). همچنین محققان اذعان داشته‌اند که الگوی نقش، مهمترین متغیر پیش‌بین بر تمایل و خواست کارآفرینان بالقوه در هدایت کسب و کار شخصی به شمار می‌آید (وَن آوکن^۲ و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۶۳).

در اکوسیستم کارآفرینی در ورزش، زیرسیستم دانشگاه‌ها به ویژه دانشکده‌های تربیت بدنی بخشی مهم و تأثیرگذار هستند که نقش تغذیه‌کننده این اکوسیستم را بر عهده دارند و حداقل توانایی شان وارد کردن مجموعه‌ای از افراد جدید به اکوسیستم کارآفرینی است (فلد^۳، ۲۰۱۲/۲۰۱۶: ۶۲) و برای موفقیت در این عرصه، اقدامات زیرساختی بسیاری باید توسط دانشگاه انجام گیرد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که خرده سیستم‌های بازنگری در نظام ارتقای اساتید علوم ورزشی، ارتباط صنعت ورزش با دانشگاه‌ها، نوآوری‌های دانشگاهی و امتیازبندی دانشگاه‌ها از اقدامات مهم در جهت ساخت دانشگاه‌های کارآفرین می‌باشد که همگی این اقدامات باید در جهت کاهش فاصله آموزش‌های دانشگاهی در رشته علوم ورزشی با بازار کار و ایجاد محیط مطلوب کارآفرینی در دانشگاه‌ها سازماندهی گردد. اقداماتی که اساتید و دانشجویان را به سمت مهارت آموزی و راه‌اندازی کسب و کار سوق می‌دهد و در نهایت محیطی را ایجاد می‌کند که فضای رقابتی اساتید و دانشجویان به سمت کارآفرینی حرکت نماید. درکنار این موارد می‌توان خرده سیستم پاداش - پاداش‌هایی برای اساتید و دانشجویان مخترع، نوآور و کارآفرین چه در محصولات، چه در منابع و چه در علوم کاربردی - را در نظر گرفت که این اقدام خود عاملی برای تشویق حرکت به سمت کارآفرینی و ساخت محیطی مستعد برای خلاقیت و نوآوری از درون دانشگاه‌ها به شمار می‌آید. در مجموع عملکرد دانشگاه‌ها باید از همین طریق سنجیده شود و

1. Laviolette

2. Van Auken

3. Feld

امتیاز بندی دانشگاه‌ها روند دیگری به خود بگیرد؛ به طوری که دانشگاه‌ها نیز تمرکز، بودجه و انرژی بخش‌های مختلف را در اختیار اساتید و دانشجویان خود قرار دهند تا بتوانند رتبه بالاتری را در بین دیگر دانشگاه‌ها در زمینه شاخص‌های کارآفرینی به خود اختصاص دهند. از طرف دیگر، همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای تشویق دانشگاه‌ها به سمت فعالیت‌های کارآفرینانه می‌تواند این چرخه را کامل نماید. حتی می‌توان بودجه سالانه واحدهای دانشگاهی را براساس شاخص‌های کسب و کار و کارآفرینی بنیان کرد تا فضای رقابتی به سمتی غیر از پژوهش صرف تغییر کند. همچنین برپایی نشست‌هایی با صاحبان صنایع ورزشی به صورت مدون و منظم در دانشگاه‌ها برای بررسی نیازهای صنعت ورزش، نوآوری‌های دانشگاهی در این حوزه و بیان تجربیات به دانشجویان منجر به تجاری سازی فناوری‌های ورزشی خروجی از دانشگاه می‌شود که در این پژوهش از مهم‌ترین دستاوردهای اینگونه فعالیت‌های دانشگاهی به دست آمده است. در واقع، تمامی این فعالیت‌ها در فضای دانشگاه منجر به ایجاد محیطی با پتانسیل ایجاد کسب و کار و کارآفرینی در ورزش خواهد شد. در پایان باید توجه داشت که محیط نهادی می‌تواند نگرش، قصد، تمایلات، فرصت‌ها و فعالیت‌های کارآفرینی را ایجاد، تسهیل یا محدود کند. به علاوه، حمایت‌ها و موانع محیطی بر نگرش و قصد کارآفرینانه افراد تأثیر دارند (کریمی و همکاران، ۲۰۱۴: ۷۲۲).

سانچز^۱ (۲۰۱۲) بیان می‌کند که سرمایه‌های انسانی به عنوان مهم‌ترین منبع در اقتصاد مبتنی بر نوآوری و کارآفرینی قلمداد می‌شوند و کارآفرینان بالقوه یا همان سرمایه‌های انسانی از جایگاهی ویژه در اکوسیستم کارآفرینی برخوردارند و عامل اصلی ایجاد و پایداری یک اکوسیستم کارآفرینی به شمار می‌آید (اکز^۲ و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۸۳). براین اساس، ابعاد عنصر اصلی سرمایه‌های انسانی در این پژوهش عبارت‌اند از: جامعه یادگیرنده، منتورینگ، شبکه‌سازی، مدارس و دانشگاه‌ها، ظرفیت‌سازی، انجمن‌های تخصصی علوم ورزشی، ویژگی‌های شخصیتی و دوره‌های آموزشی. نباید از نظر دور داشت که سرمایه انسانی برخاسته از یک جامعه یادگیرنده است.

شبکه‌سازی یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتقای سرمایه انسانی در عصر حاضر می‌باشد. شبکه‌سازی یک برنامه هدفمند، تلاش‌مند و متداوم می‌باشد که هدف آن ساختن روابطی است که شخص کارآفرین، به نوعی از آن برای جمع‌آوری اطلاعات مفید و موثر استفاده می‌کند. خرده سیستم ایجاد محیط‌های جذاب برای گردهمایی بیان می‌دارد که چنین محیط‌هایی فرصتی برای کارآفرینان، صاحبان کسب و کار، دانشجویان، طراحان و سرمایه‌گذاران و سایر افراد علاقمند به این حوزه است که به شبکه‌سازی، تبادل نظر و یادگیری از یکدیگر بپردازند. به علاوه، یافته‌های پژوهش خرده سیستم کارآفرینان و استارت‌آپ‌ها را به عنوان بخش مهم مرتبط با سرمایه‌های انسانی اکوسیستم کارآفرینی در ورزش معرفی نمود. شبکه‌سازی چنین افرادی در صنعت ورزش کشور و ایجاد محیطی با هدف شبکه‌سازی و ارتباط مناسب با کارآفرینان و استارت‌آپ‌های حوزه ورزش و حضور ایشان در گردهمایی‌هایی با موضوعات جذاب در زمینه کسب و کارهای ورزشی و

1. Sanchez

2. Acs

شبکه‌سازی کارآفرینان بالقوه با فعالان صنعت ورزش گام بسیار حیاتی و مهم در زمینه تقویت سرمایه‌های انسانی اکوسیستم می‌باشد. همچنین، خرده سیستم تشکیل گروه‌های مکمل افراد با توانایی‌های متفاوت بیان می‌دارد که در شبکه‌سازی افراد با توانمندی‌های متفاوت گرد هم می‌آیند، تیم‌سازی صورت می‌پذیرد، افراد با استعداد جدید معرفی می‌شوند، مهارت‌های افراد توسعه می‌یابد، فرصت‌های جدید ظهور پیدا می‌کنند و در نهایت با کنار هم قرار گرفتن افراد، سرمایه انسانی اکوسیستم کارآفرینی در ورزش افزایش می‌یابد.

ظرفیت‌سازی، ایجاد یک راه و روش نظام‌گرا و برنامه‌ریزی شده برای دگرگون کردن باورها، نگرش‌ها، ساختار و برنامه‌های آموزشی تعریف می‌شود که به موجب آن فرد قادر می‌گردد تا با آهنگ گنج‌کننده تغییرات محیطی سازش بهتری پیدا نماید (هداوند، ۲۰۱۰: ۷۲). تا زمانی که نگرش فعالان ورزشی نسبت به پتانسیل‌های خود و صنعت ورزش در جهت راه‌اندازی کسب و کار مناسب نباشد، تمام اقدامات بخش‌های دیگر بی‌فایده خواهد بود. بنابراین در گام‌های اولیه در زمینه آماده‌سازی افراد برای ورود به فضای کارآفرینی باید تمرکز ویژه بر روی ظرفیت‌سازی ایشان صورت پذیرد که در این پژوهش خرده سیستم‌های مهارت محصول‌سازی، فراهم آوردن محیطی برای تجربه نمون مشاغل و حرفه‌های گوناگون ورزشی، کشف و پرورش استعداد‌های دانش‌آموخته‌گان علوم ورزشی، برنامه‌های فرادرس و طراحی تمرینات گوناگون و مناسب کسب و کار در ورزش مورد تأیید کارشناسان حاضر پژوهش قرار گرفت. باید توجه داشت که در کشورهای دارای اقتصاد پویا و کارآمد، ظرفیت‌سازی به صورت مستمر و سیستمی توسط سازمان‌های حرفه‌ای و فعال در کسب و کار و کارآفرینی صورت می‌گیرد- سازمان‌هایی که نبودشان در ورزش به شدت احساس می‌شود.

بخش سوم از حیطه‌های تعیین شده در اکوسیستم کارآفرینی، مقوله رهبری کارآفرینانه در اکوسیستم است. اولین بار شولز مفهوم «رهبری کارآفرینانه» را در سال ۱۹۹۳ مطرح کرد (ترابیشی^۱ و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۱). در رهبری کارآفرینانه تمرکز بر ایجاد فرصت و ایجاد کسب و کارهای جدید یا توسعه کسب و کارهای موجود است (ثورنبری^۲، ۲۰۰۶: ۸۶). کسانی باید رهبری این اکوسیستم را بر عهده بگیرند که در درجه اول از مشروعیت اجتماعی برای حضور در این جایگاه برخوردار باشند، خرده سیستم کارآفرینان به این موضوع اشاره دارد که خود نیز از کارآفرینان ورزشی باشند. همچنین خرده سیستم رهبران در دسترس بیان می‌دارد که درب اتاق این رهبران باید همیشه به روی کارآفرینان جوان باز باشد. از همه مهم‌تر رهبرانی توانایی هدایت اکوسیستم کارآفرینی به سمت مطلوب را دارند که راهبرد کارآفرینی داشته باشند و به خوبی بتوانند فرصت‌های سودمند در بازارهای پویا را شناسایی کنند (فرنالد^۳ و همکاران، ۲۰۰۹: ۸).

بخش چهارم شامل اماکن، تجهیزات و خدمات لازم برای فعالیت‌های کارآفرینانه در اکوسیستم کارآفرینی در ورزش است. زیرسیستم‌های این حیطه اصلی شامل اماکن، تجهیزات و خدمات حرفه‌ای و خدمات تفریحی، آموزشی و گردشگری ورزشی می‌باشند. زیرسیستم اماکن ورزشی در حالت کلی به خرده سیستم‌های

1. Tarabishy
2. Thornberry
3. Fernald

باشگاه های ورزشی، مراکز تندرستی تخصصی و عمومی و مشاوره ورزشی، خرده سیستم کلینیک های ورزشی، خرده سیستم مراکز استعدادیابی و هر نوع مکانی که در آن فعالیت ورزشی صورت پذیرد اطلاق می شود. از آنجا که تمامی این مراکز نیازمند تأمین تجهیزات مورد نیاز خود هستند، اگر این اقلام از تولیدات داخل تأمین گردد، در ایجاد فرصت های کسب و کار و کارآفرینی در فضای ورزشی بسیار تأثیرگذار است.

در زیرسیستم خدمات تفریحی، آموزشی و گردشگری، یافته های پژوهش پیرامون خرده سیستم پارک ها و فضاهای شهری و خرده سیستم کمپ های تفریحی و ورزشی مورد تأیید قرار داد. برای تقویت این خرده سیستم ها باید فرصت های کارآفرینی و کسب و کار در این حوزه ها برای دانشجویان و فعالان ورزشی بازگو گردد، سمینارها و همایش هایی با این موضوعات برگزار شود و توجهات را به سمت کسب و کارهای این چنینی جلب کرد. کمپ های تفریحی، ورزشی، پارک های و فضاهای شهری و کلیه خدمات در حوزه گردشگری و توریسم از جمله فضاهای کسب و کار و کارآفرینانه است که با توجه به پتانسیل کشور از ظرفیت بسیار بالایی در این حوزه برخوردار است. همچنین در زمینه لوازم و تجهیزات ورزشی می توان توجه فعالان صنعت ورزش را به سمت فرصت های کارآفرینی و کسب و کارهای این حوزه جلب نمود و نیاز به محصولات و تجهیزات وارداتی را با استفاده از تولیدات داخلی تأمین کرد.

بخش پنجم در برگیرنده فرایندهای تأمین مالی و منابع در اکوسیستم کارآفرینی در ورزش است. در پژوهش حاضر از زیرسیستم های حیطه اصلی منابع تأمین مالی در کسب و کارهای ورزشی قابل اجرا در ایران می توان از صندوق حمایت از کارآفرینان ورزشی، انواع سرویس های مالی، انواع سرویس های غیر مالی و روش های متفاوت جذب سرمایه را نام برد.

نتایج پژوهش لزوم وجود خرده سیستم های دفاتر اعتباری مالی، سرمایه گذاران خطرپذیر و زنجیره تأمین مالی را در زیرسیستم سرویس های مالی مورد تأیید قرار داد. دفاتر اعتباری مالی که در این پژوهش به عنوان خرده سیستم در نظر گرفته شده اند، با استفاده از جذب سپرده های مجاز و استفاده از برخی ابزارهای مالی دیگر اقدام به تجهیز منابع متقاضیان می کنند و به عنوان واسطه بین عرضه کنندگان و متقاضیان منابع مالی به کار می پردازند. سرمایه گذاران خطرپذیر در واقع سرمایه گذاران حرفه ای هستند که معمولاً در صنایع جوان و دارای فناوری بالا سرمایه گذاری می کنند و پتانسیل بالایی نیز برای رشد سریع دارند. آن ها نوعی از سرمایه گذاران غیربورسی هستند که سرمایه گذاری آن ها در بازارهای عمومی قابل معامله نیست (متریک و یاسودا، ۲۰۱۲: ۳۹). خرده سیستم زنجیره تأمین مالی بیان می کند با توجه به اینکه رویکردهای مختلفی برای تأمین مالی وجود دارد، بر همین اساس نیز بنگاه ها می توانند منابع مورد نیاز خود را از طرق گوناگون مانند صاحبان و سهامداران (منابع داخلی و سود تقسیم نشده) یا از طریق منابع خارجی که منبعی غیر از سهامداران باشد و یا از طریق بازارهای پول و سرمایه در مراحل مختلف کسب و کار خود تأمین نمایند (فتح اله و نجفی، ۲۰۱۶: ۲۶۰). بنابراین کسب و کارهای ورزشی نیازمند اتخاذ سیاست های مناسب برای مدیریت مؤثر جریان مالی در طول زنجیره تأمین مالی است. زیرسیستم مساعدت های غیر مالی به خرده سیستم های مانند پارک های علم و

فناوری، مراکز رشد دانشگاهی و سازمان‌ها و شرکت‌های شتاب دهنده تقسیم گردید که هریک به فراخور توان خود و نیاز نوآوران و مخترعان و کارآفرینان در ابتدای کسب و کار آن‌ها امکانات مختلفی را در اختیارشان قرار می‌دهند.

در نهایت زیرسیستم روش‌های مختلف جذب سرمایه و پول را می‌توان نام برد که با توجه به یافته‌های تحقیق خرده سیستم‌های فرشتگان سرمایه‌گذاری، سهام خصوصی و خیران ورزشی از مهم‌ترین منابع جذب تأمین مالی برای کسب و کارهای کارآفرینانه ورزشی به شمار می‌آیند. سرمایه‌گذار فرشته، شخصی با سرمایه خالص بالاست که از سرمایه شخصی خود برای سرمایه‌گذاری استفاده می‌کند و برای این سرمایه‌گذاری تنها به تصمیمات خود متکی است. فرشتگان سرمایه‌گذار معمولاً به امید رسیدن به سود، در کسب و کار شما سرمایه‌گذاری می‌کنند. درمورد سهام خصوصی باید سازوکارهای لازم برای تسهیل ورود بیشتر کسب و کارهای ورزشی در فرابورس صورت گیرد تا بتوانند منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین کنند.

خرده سیستم خیران ورزشی نیز بیان می‌دارد که اقدامات مناسب و حضور کارآفرینان و کسب و کارهای ورزشی در تمامی مراسمات خیریه و حساس نمودن خیران به فضای صنعت ورزش و بازگو نمودن فرصت‌های موجود در صنعت ورزش می‌تواند یکی از مناسب‌ترین گزینه‌های کارآفرینان ورزشی برای تأمین مالی باشد. بخش آخر شامل زیرساخت‌های کارآفرینی در اکوسیستم کارآفرینی در ورزش است. زیرساخت‌ها را می‌توان خط‌مشی‌ها، استانداردها و مقررات بنیادی اجتماعی، سیاسی و قانونی تعریف کرد که دامنه وسیعی از رفتارها و اقدامات فردی و از جمله کارآفرینی را تسهیل یا محدود می‌کنند (نورث^۱، ۱۹۹۰: ۹۸). همان‌طور که ولتر و اسمالبنون^۲ (۲۰۱۱) بیان می‌کنند به منظور شناخت فرایند و رفتار کارآفرینی باید نقش زیرساخت‌ها را در مطالعات خود لحاظ کرد (والتر و اسمالبنون، ۲۰۱۱: ۱۲۰). براین اساس و با توجه به نظر کارشناسان، زیرسیستم‌های حیطه اصلی زیرساخت‌های کارآفرینانه در اکوسیستم کارآفرینی در ورزش به شرح ذیل تعیین گردید: سیاست‌های کارآفرینی؛ ارتباطات بین بخشی؛ خدمات حرفه‌ای؛ سهولت کسب و کار؛ ایجاد شهرک‌های صنعتی ورزشی و حمایت از خوشه‌های کسب و کار؛ ایجاد محیط رقابتی و کوچک سازی دولت و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی.

با توجه به یافته‌های تحقیق، در دو زیرسیستم سیاست‌های کارآفرینانه و ارتباطات بین بخشی با نظر کارشناسان خرده سیستم‌هایی در نظر گرفته شد. بی‌تردید می‌توان از چالش‌های کسب و کارهای ورزشی به فضای بسته و ثابت، قوانینی که آزادسازی نشده، قوانین و مقررات ناظر بر این بازار و عدم تخصص‌گرایی در مشاغل ورزشی نام برد. همچنین واردات بی‌رویه و قاچاق کالاها و ورزشی باعث شده تقاضای بازار نسبت به تولیدات داخل، غیرمنعطف و با مشکل مواجه شود. برای داشتن یک بازار مناسب در اکوسیستم کارآفرینی ورزشی می‌توان با رفع موانع تولید و ارائه خدمات ورزشی، نظارت بر قیمت‌گذاری کالاها و خدمات ورزشی، جلوگیری از واردات بی‌رویه کالاها و ورزشی، حمایت از مالکیت معنوی و سرمایه‌گذاری در ورزش - از طریق

1. North

2. Welter & Smallbone

ساماندهی فضای کسب و کار در ورزش، کاهش ریسک سرمایه گذاری از طریق فراهم نمودن امنیت اقتصادی و سیاسی و ایجاد هماهنگی بین نظام آموزشی و نیازهای بازار کار - وضعیت بازار و صنعت ورزش را ساماندهی و بهبود بخشید که خرده سیستم نظارت بر بازار دقیقاً به این امر اختصاص دارد.

خرده سیستم بازنگری در قوانین در مورد یکی از ارکان مهم آزادسازی اقتصادی یا به عبارتی، ساده سازی و پالایش قوانین و مقررات در جهت بهبود فضای کسب و کار بحث می کند. باید توجه داشت که بازنگری در قوانین و مقررات موجود در جهت کاهش مداخلات غیرموجه حاکمیت اکیداً توصیه می شود. به نظر می رسد بازنگری قواعد بازی در صنعت ورزش - اعم از: قوانین، مقررات، دستورالعمل ها، آیین نامه ها و رویه های کاری - از ضرورت های مهم برای بهبود فضای کسب و کارهای ورزشی است. به تعبیری دیگر، در این مقطع لزوم تنقیح قوانین جهت تسهیل مشارکت بخش خصوصی در ورزش به وضوح احساس می گردد.

صاحب نظران اعتقاد داشتند که خرده سیستم سازمان نظام ورزش موجب برنامه ریزی در جهت تقویت و توسعه فرهنگ ورزش، برنامه ریزی به منظور رشد و اعتلای حرفه ای، ارتقای دانش فنی و کیفیت کار شاغلان، نظارت بر حسن انجام خدمات، ارائه خدمات کارشناسی، پیشبرد و اصلاح امور، تنظیم روابط شاغلان حرف، حمایت از حقوق صنفی شاغلان و غیره خواهد شد.

خرده سیستم تقویت و ایجاد موسسات کارآفرینی غیردولتی بر این نکته تمرکز دارد که برای شکل گیری یک اکوسیستم مطلوب نیازمند موسسات کارآفرینی غیردولتی هستیم که با هدف ارائه خدمات گوناگون و ویژه به کارآفرینان و نوآوران ورزشی و در راستای کمک به فعالیت های پژوهشی، علمی و فناوری بخش غیردولتی تأسیس گردند. در صورتی که سیاست های کارآفرینانه در جهت تقویت موسساتی باشند که در طرح های کارآفرینانه ورزشی سرمایه گذاری و مشارکت می کنند، یکی از مهم ترین دلایل شکست کسب و کارها یعنی عدم تأمین مالی مناسب را با سیاست گذاری مناسب در یک اکوسیستم مطلوب کارآفرینی ورزشی از بین خواهیم برد. در واقع، خرده سیستم تقویت موسسات تأمین مالی و سرمایه گذاری سیاست هایی را تقویت می کند که افراد برای تأمین مالی خود با کمترین مسئله رو به رو شوند.

خرده سیستم احصای مشاغل ورزشی، یکی از سیاست های مهم کارآفرینانه می باشد. وجود اشتغال پایدار منوط به ساز و کارهای لازم قانونی است که یکی از آنها تعریف استانداردهای شغلی و ارزیابی و طبقه بندی آنها می باشد تا صاحبان کسب و کارها با اعتماد و تکیه بر تخصص ها، مهارت ها و استانداردهای تعریف شده نسبت به تضمین عدم انقطاع روند تولید و سرمایه گذاری و حفظ و نگهداری نیروی متخصص نسبت به سرمایه گذاری اقدام نمایند. لذا یکی از عوامل اصلی توسعه پایدار هر صنعتی، منطبق و هماهنگ کردن قانونی عوامل تولید و خدمات از جمله منابع انسانی با این قوانین است و صنعت نوپای ورزش هم از این قاعده مستثنی نیست. توجه به خرده سیستم توانمندسازی بازارهای محلی باعث فراهم ساختن زیرساخت هایی می گردد که منجر به توانمندسازی و رونق این بازارها می شود - فعالیت هایی که تنها از طریق سیاست گذاری کارآفرینانه قابل اجراست. در واقع، ارائه فرصت و امکانات اولیه و کم هزینه به شهروندان محلی جهت بروز ایده های کسب و کار خلاقانه و کارآفرینانه، یکی از رویکردهای سیاست های کارآفرینانه می باشد. بر همین اساس بسیاری

از مناطق کشور پتانسیل فراوانی برای تبدیل شدن به قطب گردشگری ورزشی کشور حتی در بین کشورهای منطقه را دارا هستند. همچنین هر شهر به فراخور شهرک‌های صنعتی موجود در آن، پتانسیل زیادی برای تبدیل شدن به قطب تولید تجهیزات ورزشی را دارد. با نگاه فرصت‌گرایانه به چنین مناطقی و اعمال سیاست‌های حمایتی مالی و غیر مالی از افراد، رونق اقتصادی و ایجاد کسب و کارهای ورزشی و کارآفرینی محقق می‌گردد که تمام این فرآیند منجر به ایجاد محیطی با فرصت‌های بی‌شمار کسب و کار ورزشی خواهد شد. البته بوشما (۲۰۱۵) اذعان دارد که برای داشتن یک اکوسیستم کارآفرینی موفق، مکان‌هایی نیاز است که منافع و مزیت‌های آن‌جا به خوبی نمایان نباشد و نهادهای محلی نتوانند بر فعالیت‌ها تسلط داشته باشند (بوشما، ۲۰۱۵: ۱۹۰). خرده سیستم شفاف سازی جریان اطلاعات با تاکید بر شفافیت و در دسترس بودن این اطلاعات برای کارآفرینان بالقوه در نظر دارد تا این افراد بتوانند روندهای بازار را به درستی بشناسند و با تحلیل و تشخیص مناسب وارد یک کسب و کار شوند- موضوعی که در ورزش کشور به شدت نیاز به آن احساس می‌گردد. زیر سیستم ارتباطات بین بخشی بیان می‌دارد که اکوسیستم کارآفرینی نیازمند وجود قابلیت‌های شبکه‌ای و ارتباطات بین بخشی است. دهشان و همکاران^۲ (۲۰۱۲) نیز به بررسی اکوسیستم کارآفرینی در مصر پرداختند. نتایج نشان داد که سازمان‌های حمایتی موجود، هماهنگی ندارند و اغلب در انجام وظایف شان دچار دوباره کاری هستند (دهشان و همکاران، ۲۰۱۲: ۹۹). باید توجه داشت که میزان تأثیر رشد یک بخش بر رشد سایر بخش‌های اقتصادی و در نهایت بر کل اقتصاد، به اندازه پیوندهای بین بخشی بستگی دارد- حلقه مفقوده‌ای که سال‌هاست ورزش کشور از فقدان آن رنج می‌برد و در عمل هیچ هماهنگی و نظمی در بین این فعالیت‌ها دیده نمی‌شود. لازم است که خرده سیستم‌های فدراسیون‌های ورزشی، سازمان ورزش شهرداری‌ها با داشتن اماکن ورزشی، خرده سیستم بانک‌ها و موسسات مالی با در اختیار گذاشتن سرمایه و خرده سیستم ادارات مرتبط و سازمان‌هایی که به هر طریقی در اکوسیستم کارآفرینی در ورزش تأثیرگذار هستند، ارتباطات مناسب بین بخشی با یکدیگر داشته باشند تا با کمترین هدر رفت انرژی به سمت تحقق اهداف اکوسیستم کارآفرینی در ورزش حرکت نمایند. امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند برقراری این ارتباطات بین بخشی هستیم.

باید توجه داشت که ایجاد محیطی مشوق کارآفرینی، شانس یا تصادفی نیست. اکوسیستم‌های کارآفرینانه معمولاً نتیجه تشخیص درست، مناطق مناسب و افرادی هستند که بر تغییر کارآفرینانه اثر بگذارند. همچنین به سیاست‌هایی نیازمند است که موجب شود سیستم‌ها در مسیر درست قرار گیرند و ساختارها را پشتیبانی نمایند تا زمینه موفقیت افراد فراهم آید. باید در نظر داشت که اکوسیستم کارآفرینی در ورزش مفهوم نوینی است و یک الگوی رشد را برای کارآفرینان بالقوه و صاحبان کسب و کارهای ورزشی فراهم می‌کند و زمینه را برای رشد فعالیت‌های کارآفرینانه مهیا می‌نماید.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد که محققان در آینده بر شناخت بیشتر ۶ حیطه اصلی و

1. Boschma, R, A

2. Dahshan, M.

۳۱ زیرسیستم و ۵۵ خرده سیستم یاد شده در اکوسیستم کارآفرینی در ورزش تمرکز نمایند و برای رسیدن به نقطه مطلوب در هر یک از عوامل راهکارهای راهبردی و عملیاتی ارائه دهند. همچنین شناخت موانع و راهکارهای ایجاد چنین اکوسیستم کارآفرینی در صنعت ورزش می تواند مورد توجه محققان آتی قرار گیرد. از محدودیت های تحقیق نیز می توان به در دسترس نبودن تمامی افرادی که بر اساس اولویت در فهرست اولیه متخصصان برای انجام مصاحبه در نظر گرفته شده بودند اشاره کرد. به علاوه، کم بودن تحقیقات مربوط به اکوسیستم کارآفرینی در داخل کشور از دیگر محدودیت های این تحقیق بود. در هر حال، باید پذیرفت ایجاد اکوسیستم کارآفرینی در ورزش کار ساده ای نیست و شناخت و بررسی عوامل تأثیرگذار در کارآفرینی ورزشی، یکی از مهم ترین مسائل عصر حاضر در جامعه علوم ورزشی کشور می باشد.

منابع

- احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۸۱). کارآفرینی؛ تعاریف نظریه‌ها و الگوها. تهران: انتشارات پردیس
- خوشکاب، شهربانو و رستگار، عباسعلی. (۱۳۹۲). «کارآفرینی آموزشی، فرهنگ کارآفرینی (چالش‌ها و راهکارها)». مهندسی فرهنگی. سال ۸، شماره ۷۵، صص ۱۷۶-۱۹۲.
- رازقندی، ناهید و درانی، کمال. (۱۳۸۸). «شناسایی عوامل فردی و محیطی موثر بر موفقیت کارآفرینان برتر استان تهران جهت ارائه الگوی آموزشی». فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی. ۲(۴)، صص ۳۹-۵۵.
- گزارش پایش و بهبود نظام کارآفرینی ایران. (۱۳۹۵). گزارش اول: شناخت وضع موجود مبتنی بر شاخص‌های (GEI). معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال دفتر توسعه کارآفرینی، وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی
- فرهنگمهر، عباس. (۱۳۹۶). «اکوسیستم کارآفرینی در ورزش». رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.

۵۵

- فتح اله، مهدی و نجفی، مهدی. (۱۳۹۵). «توسعه الگوی مدیریت مالی زنجیره تامین و تامین مالی زنجیره ای». نشریه پژوهش‌های مهندسی صنایع در سیستم‌های تولید. ۴(۹)، صص ۲۵۷-۲۶۹.
- مقیمی، سید محمد. (۱۳۸۳). «کارآفرینی و عوامل محیطی موثر بر آن». فرهنگ مدیریت. ۲(۵)، صص ۷۷-۱۰۷.
- هداوند، سعید. (۱۳۸۹). ظرفیت‌سازی آموزشی؛ ضرورت یا تشریفات. تهران: شرکت صنایع الکترونیک ایران
- استراوس، انسلم و کربین، جولیت. (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ابراهیم افشار. تهران: نشر نی

- Acs, Z. J., Autio, E., & Szerb, L. (2014). "National systems of entrepreneurship: measurement issues and policy implications". Research Policy, 43 (3). pp. 476-494.
- Arasti, Z., Gholami, M. (2010). "Causes of Failure of Entrepreneurs in Iran". Journal of Entrepreneurship Development, 3(8); 163-184. (Persian).
- Atalla, G., Nasr, A. (2013). Building the tourism ecosystem. Dobai: Booz & Company Publishing
- Boschma, R, A., & Ter Wal, A, L, J. (2007). "Knowledge Networks and Innovative Performance in an Industrial District: The Case of a Footwear District in the South of Italy". Industry and Innovation, 14(2): 177-199.
- Cohen, B. (2006). "Sustainable valley entrepreneurial ecosystems". Business Strategy and the Environment, 15(1): 1-14.
- Coppedge, M. (2002). "Theory Building and Hypothesis Testing Large- vs. Small-N Research on Democratization". Presented at Annual Meeting of the Midwest Political Science Association, Chicago, Illinois, April 25-27 2002.
- Dahshan, M., Tolba, A., & Badreldin, T. (2012). "Enabling entrepreneurship in Egypt: toward a sustainable dynamic model". Innovations: Technology, Governance, Globalization, 7 (2): 83-106.
- European Commission. (2008). "Entrepreneurship in Higher Education Especially Within Non-Business Studies". Final Report of the Expert Group.

- Feld, B. (2016). **Startup communities, an entrepreneurial ecosystem in your city.** (Alireza Kazeminia, Ahmad Word and Mohammad Ali Zahedi, Trans.). Isfahan: Nashryar Publishing
- Fernald, L, W, J., Solomon G, T., & Tarabishy, A. (2009). **“A New Paradigm: Entrepreneurial Leadership”.** The Southern Business Review, 30(2) 1-10.
- Forfas, F. (2009). **“Entrepreneurial Ecosystem: South West Ireland, rethinking entrepreneurship”.** Baseline Data and Analysis, South West Ireland. Dublin. www.forfas.ie
- Funke, T. (2015). **A Canvas that Describes Relationships within an Entrepreneurship Ecosystem.** Germany: The GERN Publisher.
- Ghanbari, R., Agahi, H., Ali B., Amir H., & Zarafshani, K. (2016). **“Analyze the content of policies in line with the dimensions of the entrepreneurship ecosystem”.** Entrepreneurship Development, 9 (1), 39-58.
- Isenberg, D. (2010). **How to start an entrepreneurial revolution.** Harvard Business Review, www.hbr.org.
- Isenberg, D. (2011). **“How to foment an entrepreneurial revolution, The Babson Entrepreneurship Ecosystem Project”.** Presented at 10th international Entrepreneurship Forum Bahrain, January 11, 2011.
- Isenberg, D. (2011). **“The entrepreneurship ecosystem strategy as a new paradigm for economic policy: principles for cultivating entrepreneurship”.** Presented at the Institute of International and European Affairs, May 12, 2011, Dublin, Ireland.
- Isenberg, D. (2012). **Introducing the Babson entrepreneurship ecosystem project.** The Babson Global. <http://www.babson.edu>.
- Karimi, S., Biemans, H. J., Lans, T., Chizari, M., & Mulder, M. (2014). **“Effects of role models and gender on students’ entrepreneurial intentions”.** European Journal of Training and Development, 38(8), 694 - 727.
- Laviolette M.E., Lefebvre, R.M., & Brunel, O. (2012). **“The impact of story bound entrepreneurial role models on self efficacy and entrepreneurial intention”.** International journal of entrepreneurial behavior and research, 18(6) 720-742.
- Mason, C. & R. Brown. (2014). **“Entrepreneurial ecosystems and growth oriented entrepreneurship”.** Presented at the workshop organised by the OECD LEED Programme and the Dutch Ministry of Economic Affairs on Entrepreneurial Ecosystems and Growth Oriented Entrepreneurship, 7th November 2013, The Hague, Netherlands.
- Matric, A., & Yasuda, I. (2012). **Risk Investment and Innovation Financing.** (Reza Jamali & Faredis Samsami, Trans.) Tehran: Sharif Finance and Investment Group.
- McGuire, J. (1964). **Theories of Business Behavior.** Englewood Cliffs, N.J.: Prentice Hall

- Moore, J.F. (1993). **“Predators and Prey: A New Ecology of Competition”**. Harvard Business Review, 71(3): 75-86.
- Moshiri, B. (2015). **“Study of Entrepreneurship Development in Canada”**. Pardis Technology Park, (2). 11-19.
- Nec, H.M., Meyer, G.D., Cohen, B., & Corbett, A.C. (2004). **“An entrepreneurial system view of new venture creation”**. Journal of Small Business Management, 42(2): 190-208.
- North, D. C. (1990). **Institutions, institutional change and economic performance**. Cambridge (UK): Cambridge University Press
- O'Connor, A., Reed, G. (2015). **“Promoting regional entrepreneurship ecosystems: The role of the university sector in Australia”**. In P. Davidsson (Ed.), *Conference Proceedings, Australian Centre for Entrepreneurship Research Exchange Conference 2015* .(pp. 772–788). Adelaide: Queensland University of Technology.
- Pistrucci, D., Blessing, J., & Mekemson, K (2008). **“Building an entrepreneurial engineering ecosystem for future generations: the kern Entrepreneurship education network”**. American Society of Engineering Educators 2008 ASEE Annual Conference and Exposition June 22–25, 2008 - Pittsburgh, PA 11-25.
- Qian, H., Acs, J., Zoltan., Stough, Roger, R. (2013). **“Regional systems of entrepreneurship: the nexus of human capital, knowledge and new firm formation”**. Journal of Economic Geography, 13(4): 559-587.
- Siegel, S., Castellan, J. N. (1998). **Nonparametric statistics for the behavioral sciences**. 2nd edition. New York: McGraw-Hill
- Stam E. & Spigel, B. (2016). **“Entrepreneurial Ecosystems”**. In: Blackburn, R., De Clercq, D., Heinonen, J. & Wang, Z. (Eds) *Handbook for Entrepreneurship and Small Business*. London: SAGE.
- Sussan, F., Daily, L., Kim, K. (2016). **The Entrepreneurial Ecosystem in South Korea: A Review from the 1960s to the 2010s**. UK. Edward Elgar Publishing
- Tarabishy, A.L., Solomon, G., Fernald, Jr. L.W., Sashkin, M. (2005). **“Entrepreneurial Leader’s impact on the organization’s performance in Dynamic Markets”**. The Journal of Private Equity, 8 (4). 20-29.
- Thornberry, N. (2006). **Lead like an Entrepreneur**. New York : McGraw- Hill
- Van Auken, H.F., Fry, L., and Stephens, P. (2006). **“The Influence of Role Models on Entrepreneurial Intentions”**. Journal of Developmental Entrepreneurship, 11(2) 157-167.
- Welter, F., & Smallbone, D. (2011). **“Institutional perspectives on entrepreneurial behavior in challenging environments”**. Journal of Small Business Management, 49(1), 107-125.
- Wiele, Z., V. (2017). **“Entrepreneurship ecosystems: A literature Review”**.

Master's Thesis in Business Engineering. Retrived From: https://lib.ugent.be/fulltxt/RUG01/002/351/155/RUG01-002351155_2017_0001_AC.pdf

شناسایی چالش‌های مشارکت بین سازمانی در ورزش به منظور اجرای برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح

مهشید قلی پور^۱

صدیقه حیدری نژاد^۲

طاہره ازمشا^۳

doi 10.22034/SSYS.2022.474

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۳/۲۴

هدف از این پژوهش، شناسایی چالش‌های مشارکت بین سازمانی در ورزش به منظور اجرای برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح بود. روش تحقیق این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف، کاربردی بود که برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک دلفی استفاده شد. به این منظور ۲۵ نفر از خبرگان دارای سمت اجرایی در سازمان‌های ورزشی به روش غیرتصادفی هدفمند انتخاب شدند و تکنیک دلفی تا ۳ دور برای برقراری توافق نظری میان آن‌ها ادامه یافت. برای تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی و جهت بررسی توافق نظری میان خبرگان از آزمون ناپارامتریک W کندانال استفاده گردید. در نهایت یافته‌های تحقیق ۲۲ چالش در زمینه مشارکت بین سازمانی به منظور اجرای برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح را شناسایی کرد که مهمترین آنها عبارت بودند از: عدم وجود یک سازمان منسجم در جهت برنامه‌های توسعه و صلح، پرهزینه و زمانبر بودن پروژه‌های ورزش برای توسعه و صلح، بی‌اعتمادی مسئولان نسبت به تاثیر ورزش بر توسعه و صلح، عدم رسمیت برنامه‌های توسعه و صلح و عدم آگاهی مسئولان و کارکنان سازمان‌های ورزشی از برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح. امید است متولیان ورزش کشور با استفاده از نتایج این تحقیق، زمینه مشارکت سازمان‌های ورزشی در اجرای برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح را فراهم نمایند.

واژگان کلیدی: مشارکت بین سازمانی، ورزش، توسعه و صلح، توانمندسازی و روش دلفی

۱. کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: Mahshidghoulipoor@gmail.com

۲. استاد، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۳. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

مقدمه

در سال‌های اخیر زمینه‌های ورزش برای توسعه و صلح^۱ رشد چشم‌گیری داشته و سازمان‌ها و دانشگاه‌های بیشتری، سهم قابل توجه ورزش در برنامه‌ها و تغییرات اجتماعی را درک کرده‌اند. در حال حاضر، هزاران سازمان در سراسر جهان به نوعی در حوزه ورزش برای توسعه و صلح فعالیت می‌کنند و سازمان ملل نیز توانایی‌های ورزش در برنامه‌های توسعه و صلح را به رسمیت می‌شناسد. در این راستا ورزش به عنوان موتور توسعه از طریق تبادل بین فرهنگی، حل منازعات و ایجاد صلح، کمک به جمعیت‌های حاشیه‌ای و یا تمرکز بر سلامت عمومی نیز تعریف می‌شود (ولتی پیچی و بورتون^۲، ۲۰۱۷). مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۳، روز ۶ آوریل را «روز بین‌المللی ورزش برای توسعه و صلح» اعلام نمود تا از این طریق بر تأثیر ورزش در بهبود آموزش، توسعه انسانی، تدوین روش‌های زندگی سالم و ایجاد صلح جهانی تأکید کند (جیلیانوتی^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). کمیته بین‌المللی المپیک نیز بیان می‌کند که ابتکاراتی نظیر روز جهانی ورزش برای توسعه و صلح، فرصتی جدید برای ترویج ورزش و فعالیت جسمانی به عنوان یک ابزار مقرون به صرفه و معنی‌دار را داراست که می‌تواند به طیف گسترده‌ای از نیازهای مربوط به آموزش، بهداشت، توسعه جوانان، برابری جنسیتی، ایجاد صلح و توسعه پایدار کمک کند (اسکولنکورف^۴، ۲۰۱۶). به طور کلی ورزش برای توسعه و صلح به هفت زمینه معلولیت، آموزش، برابری جنسیتی، سلامت، معیشت (رفاه)، صلح و انسجام اجتماعی اشاره دارد پیچی^۵ و همکاران (۲۰۱۷) که در راستای توانمندسازی همه افراد جامعه تعریف شده است. واژه توانمندسازی به معنای «افزایش دسترسی مردم به لایه‌های تصمیم‌گیری» است. امروزه برنامه‌های توسعه از واژه توانمندسازی به معنای مشارکت استفاده کرده‌اند (شینک و هانراهان^۶، ۱۳۹۳). در تعریف سنتی ورزش برای توسعه، ارائه مربیگری در ورزش‌های پایه، تجهیزات و زیرساخت‌ها در همه مناطق به خصوص مناطق محروم و همچنین فراهم کردن شرایط مناسب برای افراد و گروه‌های محروم (ایتام، افراد فقیر، افرادی که در شرایط اجتماعی ضعیف زندگی می‌کنند، بانوان و...)، نگرانی اصلی می‌باشد (کاید^۷، ۲۰۰۸). همچنین محققان بر اهمیت عواملی مانند ظرفیت سازمانی، رهبری و ارزیابی ابتکار برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح جهت دستیابی به موفقیت تأکید کرده‌اند. مشارکت همه سازمان‌هایی که در حوزه ورزش برای توسعه و صلح فعالیت می‌کنند به دلایلی چون: تأمین بودجه، کمک به طراحی، تحویل و اجرای برنامه، نظارت و ارزشیابی و در نهایت دستیابی به اهدافی که برای هر یک از سازمان‌ها به صورت مستقل غیرممکن است، حائز اهمیت می‌باشد (پیچی و همکاران، ۲۰۱۷).

در مورد برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح در سطح جهان تحقیقات زیادی صورت گرفته است، ولی

1. sport for development and peace

2. Welty Peachey & Burton

3. Giulianotti

4. Schulenkorf

5. Peachey

6. Shiink & Hanrahan

7. Kidd

تفاوت فرهنگی - اجتماعی جوامع مورد بررسی، تفاوت روش های اجرای تحقیقات و گستردگی موضوعات زمینه ای این برنامه ها موجب شده نتایج متفاوتی به دست آید. در این باره لیندزی و دربی^۱ (۲۰۱۸) اظهار کردند که بین یکپارچگی سیاست ورزش و اهداف خاص توسعه پایدار، ارتباطات مهمی وجود دارد که این تعهد برای توسعه و مسیر اصلی ورزش اهمیت دارد. جیلیانوتی و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند که نظارت و ارزیابی پروژه های مربوط به ورزش برای توسعه و صلح به جای تکیه بر معیارهای قبلی که در مکان های متنوع فرهنگی انجام شده، به دقت نظرهای ملی و محلی نیاز دارد. پیچی و همکاران (۲۰۱۷) نیز برای مشارکت های بین سازمانی در ورزش برای توسعه و صلح، پنج چالش اصلی شامل رقابت برای منابع، تردید درباره ورزش به عنوان یک ابزار توسعه، روابط قدرت ناکارآمد، ناسازگاری یا تغییر اهداف و بی اراده کار کردن در مورد مأموریت و چالش های اجرایی و توسعه را شناسایی کردند. اسکولنکورف و همکاران (۲۰۱۶) نیز در تحقیقی مروری درباره طرح های ورزش برای توسعه دریافتند ارزیابی این برنامه ها نیازمند توجه به نقاط قوت ورزشی در بهبود اهداف توسعه نظیر حل منازعات، درک فرهنگی، توسعه زیربنایی، آگاهی تحصیلی، توانمندسازی و ارتقای سلامت جسمی و روانی است، در عین حال باید به چالش های این برنامه ها نیز توجه شود. از طرف دیگر، موفقیت در این برنامه ها هم همکاری همه سازمان های متولی ورزش با یکدیگر و حمایت از این برنامه ها را می طلبد. گاجه^۲ (۲۰۰۴) پنج اصل همکاری را این گونه بیان می کند:

اصل اول: همکاری برای آغاز گفت و گو بین سازمان ها و به اشتراک گذاشتن منابع کمیاب در میان یکدیگر ضروری است؛

اصل دوم: از آنجا که همکاری دارای تنوع و پیچیدگی است، اصطلاحات مختلف از جمله: سرمایه گذاری های مشترک، شبکه ها، مشارکت ها، اتحادیه ها و انجمن ها به کار می رود؛

اصل سوم: همکاری یک سفر نیست، بلکه یک مقصد است؛

اصل چهارم: افراد در هر دو طرف همکاری مهم هستند؛

اصل پنجم: پیشرفت ها در مراحل مختلف همکاری تکمیل می شود.

در سال های اخیر ورزش کشور در بخش قهرمانی و حرفه ای تا حدود زیادی توسعه پیدا کرده و ورزشکاران توانسته اند موفقیت های خوبی را در سطوح مختلف به دست آورند. این موفقیت ها به دور از گرایش های سیاسی، قومی، زبانی و مذهبی، زمینه ساز انسجام اجتماعی و وحدت ملی در کشور شده اند. به عنوان نمونه بارز آن می توان به پیروزی تیم ملی فوتبال مقابل مراکش در جام جهانی و ایجاد شور ملی در کشور اشاره کرد (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۷). همچنین در بخش ورزش همگانی و اوقات فراغت فعال با تاکید بر فعالیت های ورزشی نیز با وجود کمی و کاستی های فراوان (تنها حدود ۲۰ درصد از افراد جامعه ورزش می کنند) تمهیداتی جهت بهبود شرایط اندیشیده شد که تدوین سند توسعه ورزش همگانی از جمله این موفقیت ها به شمار می رود (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶). به علاوه، در زمینه ورزش بانوان هم از نظر ورزش

1. Lindsey & Darby

2. Gajda

قهرمانی و هم از نظر ورزش همگانی و مشارکت در برنامه‌های اوقات فراغت فعال پیشرفت‌های چشمگیری حاصل شده است. این در حالی است که جامعه ایران همچنان با مشکلاتی در زمینه‌های برابری جنسیتی (علی بیگی، افشار و شاهمرادی، ۱۳۹۶)، مشکلات معلولان در جامعه (خبرگزاری خانه ملت، ۱۳۹۶)، مشکلات اساسی در امر آموزش و وضعیت نامناسب بهداشتی در مناطق روستایی و محروم (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳) و وجود تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی دست به گریبان است (باوند و همکاران، ۱۳۸۱). از طرف دیگر، وجود سازمان‌های متعدد به عنوان متولی ورزش کشور و موازی کاری و پراکندگی منابع موجب شده تا در همگانی کردن ورزش - به این معنا که همه افراد جامعه به فضا و امکانات ورزشی دسترسی داشته و زمینه لازم برای مشارکت آن‌ها در برنامه‌های ورزشی فراهم باشد - تا حدود زیادی ناموفق عمل شود و برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح در راستای تحقق ورزش برای همه، توانمندی افراد جامعه و دستیابی به توسعه پایدار جامعه آن گونه که باید اجرا نمی‌شوند. علیرغم وجود دفتری به نام «توسعه پایدار» در وزارت ورزش و جوانان - براساس تعاریف و بخش‌های مختلف برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح در سطح جهان - فعالیت درخور توجهی در مورد برنامه‌های توسعه و صلح در این دفتر صورت نمی‌گیرد. همچنین با وجود مزایای بسیار در همکاری و مشارکت‌های بین‌سازمانی، سازمان‌های ورزشی متعدد در کشور برای شکل‌گیری و پایداری این مشارکت‌ها در جهت اجرای برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح با چالش‌های بسیاری روبه‌رو هستند. بدین ترتیب، تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به سوال زیر است:

چالش‌ها و موانع مشارکت بین‌سازمانی در ورزش جهت اجرای برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح در کشور ایران کدام‌اند؟

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از روش دلفی انجام گرفته است. روش دلفی، روش منحصربه‌فرد جمع‌آوری نظرات و تصمیم‌گیری‌ها از طریق یک‌روند تکراری با استفاده از توزیع پرسشنامه است (استنت و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین یک روش ترکیبی است که قابلیت جمع‌آوری داده‌های کمی و کیفی را به‌طور هم‌زمان دارد (کینی^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). روش دلفی از چندین دور تشکیل می‌شود که ملاک اتمام دورها، برقراری توافق نظری میان شرکت‌کنندگان است. برای بررسی توافق نظری اعضای گروه از ضریب توافق کندال استفاده می‌شود که با نماد w نشان داده می‌شود و یک آزمون ناپارامتریک است و برای تعیین میزان هماهنگی میان نظرات کاربرد دارد (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲ و ملک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲). ضریب کندال بین ۰ و ۱ متغیر است. اگر ضریب کندال صفر باشد، یعنی عدم توافق کامل و اگر یک باشد، یعنی توافق کامل وجود دارد (حبیبی، ۱۳۸۶). معمولاً مقادیر بالاتر از ۰/۷ این ضریب به عنوان توافق نظری قوی پذیرفته می‌شود و ملاکی برای تأیید روایی و پایایی موجود میان داوران است (غلامی قاجاری و همکاران، ۱۳۹۶). بدین ترتیب، ۲۵ نفر از خبرگان که همگی در سازمان‌های ورزشی سمت اجرایی داشتند

به روش غیر تصادفی هدفمند انتخاب شدند تا با استفاده از تکنیک دلفی و تا محدوده توافق نظری به شناسایی چالش‌های ایجاد و حمایت از مشارکت‌های بین‌سازمانی در ورزش به منظور اجرای برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح بپردازند. روش جمع‌آوری داده‌ها شامل مطالعات کتابخانه‌ای و روش دلفی بود؛ به طوری که ابتدا به روش کتابخانه‌ای، اطلاعاتی در حوزه ورزش برای توسعه و صلح و مشارکت‌های بین‌سازمانی در این حوزه گردآوری شد. سپس از روش دلفی در جهت ایجاد اجماع و جمع‌آوری گروهی اطلاعات با توجه به عدم قطعیت استفاده گردید. در این روش، ابتدا (دور اول دلفی) با نظر سنجی از تک تک متخصصان، چالش‌ها و موانع مشارکت‌های بین‌سازمانی در ورزش برای اجرای برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح که به وسیله مطالعات کتابخانه‌ای تدوین شده بودند، مشخص گردید. در دور دوم تحقیق دلفی با توجه به نتایج دور اول، پرسشنامه ساختاریافته‌ای متشکل از ۲۶ عامل، طراحی و جهت اظهار نظر برای گروه دلفی ارسال گردید. پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل پرسشنامه دور دوم، عواملی که درصدی کمتر از ۶۰ کسب کردند، از تحقیق حذف شدند. همچنین ضریب هماهنگی w کندال محاسبه و با توجه به اینکه مقدار توافق نظری ضعیف ($w=0/319$) گزارش شد، دورهای دلفی ادامه یافتند - نکته قابل توجه آن که مقدار w ، $0/1$ توافق نظری بسیار ضعیف، $0/3$ توافق نظری ضعیف، $0/5$ توافق نظری متوسط، $0/7$ توافق نظری قوی و $0/9$ توافق نظری بسیار قوی محسوب می‌شوند (شجاعی، نقشبته و خسروجردی، ۱۳۸۷).

در دور سوم تحقیق دلفی، پرسشنامه‌ای ساختاریافته با طیف سه گزینه‌ای (۱-۳) تهیه و مجدد در اختیار گروه دلفی قرار گرفت. پس از پایان این دور، توافق نظری قوی ($w=0/899$) گزارش شد. بنابراین، این دور آخرین دور دلفی بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش آمار توصیفی استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

در راستای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، ابتدا به توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان پرداخته شد. نتایج نشان داد که از نظر جنسیت، بیشترین فراوانی را مردان (۱۷ نفر با ۶۸ درصد)، از نظر سن بیشترین فراوانی را افراد ۴۰ تا ۵۰ سال (۱۱ نفر با ۴۴ درصد)، از نظر تحصیلات بیشترین فراوانی را دکتری (۱۸ نفر با ۷۲ درصد)، از نظر مسئولیت اجرایی بیشترین فراوانی را عضو هیئت علمی دانشگاه (دارای سابقه اجرایی در سازمان ورزشی) (۷ نفر با ۲۸ درصد) و از نظر سابقه مدیریتی (اجرایی) بیشترین فراوانی را ۱۰ تا ۱۵ سال (۹ نفر با ۳۶ درصد) تشکیل می‌دادند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: توصیف ویژگی‌های فردی مصاحبه‌شوندگان

متغیر	ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۸	۳۲
	مرد	۱۷	۶۸
سن	۲۰ تا ۳۰ سال	۱	۴
	۳۰ تا ۴۰ سال	۶	۲۴
	۴۰ تا ۵۰ سال	۱۱	۴۴
	۵۰ سال به بالا	۷	۲۸
تحصیلات	کارشناسی	۱	۴
	کارشناسی ارشد	۶	۲۴
	دکتری	۱۸	۷۲
مسئولیت اجرایی	هیئت علمی دانشگاه (دارای سابقه اجرایی در سازمان ورزشی)	۷	۲۸
	شاغل در فدراسیون‌های ورزشی	۶	۲۴
	شاغل در وزارت ورزش و جوانان	۳	۱۲
	کارمندان ادارات کل ورزش و جوانان استان‌ها	۴	۱۶
	شاغل در سازمان‌های دیگری که دارای بخش ورزشی بودند	۵	۲۰
سابقه مدیریتی (اجرایی)	زیر ۵ سال	۱	۴
	۵ تا ۱۰ سال	۳	۱۲
	۱۰ تا ۱۵ سال	۹	۳۶
	۱۵ تا ۲۰ سال	۶	۲۴
	۲۰ سال به بالا	۶	۲۴

از آنجا که شناسایی چالش‌های مشارکت‌های بین‌سازمانی در ورزش به منظور اجرای برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح در ۳ دور صورت گرفته، یافته‌های هر دور به صورت جداگانه ارائه شده است.

یافته‌های دور اول تحقیق دلفی

در دور اول تحقیق دلفی، پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش (مطالعات کتابخانه‌ای) و اظهارنظر تیم تحقیق درباره تک تک مولفه‌های به دست آمده، از گروه دلفی (خبرگان انتخاب شده برای اجرای پژوهش) نظرخواهی شد و در نهایت ۲۶ چالش شناسایی گردید.

یافته‌های دور دوم تحقیق دلفی

در دور دوم از تحقیق دلفی، با توجه به مولفه‌های به دست آمده در دور اول، پرسشنامه‌ای با ۲۶ مولفه با طیف دو گزینه‌ای (۱-۲) تهیه و در اختیار گروه دلفی قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد که در صورتی که با متغیرهای شناسایی شده موافقت دارند، گزینه "بلی" و در صورت عدم موافقت، گزینه "خیر" را علامت بزنند.

در این مرحله از تحقیق، همه اعضای گروه دلفی پرسشنامه را تکمیل کردند. نتایج حاصل از دور دوم دلفی پیرامون چالش‌های مشارکت‌های بین‌سازمانی برای اجرای برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح در جدول ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲: نتایج دور دوم دلفی

چالش‌ها	بلی	خیر
۱. عدم وجود یک سازمان منسجم در جهت برنامه‌های توسعه و صلح	٪۷۲	٪۲۸
۲. فقدان سرمایه‌گذاری زیربنایی	٪۵۲	٪۴۸
۳. آداب و رسوم خاص و شیوه‌های رفتار سنتی	٪۹۲	٪۸
۴. کمبود مشارکت گروه‌های اجتماعی پایین	٪۸۰	٪۲۰
۵. عدم اطمینان از نتایج مثبت برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح (زیرا احتمالاً افراد بعد از پایان فعالیتشان پراکنده می‌شوند)	٪۷۶	٪۲۴
۶. پرهزینه و زمانبر بودن پروژه‌های ورزش برای توسعه و صلح	٪۸۴	٪۱۶
۷. دشواری تبدیل حامیان تجاری به حامیان برنامه‌های توسعه و صلح	٪۶۸	٪۳۲
۸. علاقه نداشتن حامیان ورزشی به شرکت در برنامه‌های صلح و توسعه به دلیل نداشتن سود و منفعت	٪۶۴	٪۳۶
۹. عدم تعامل بین سایر سازمان‌ها که دارای امکانات ورزشی هستند (نظیر شرکت نفت، ملی حفاری، پتروشیمی و...) جهت استفاده عموم مردم از امکانات ورزشی آن سازمان‌ها	٪۷۶	٪۲۴
۱۰. عدم تعامل با مردم	٪۶۴	٪۳۶
۱۱. نبودن ظرفیت و زیرساخت‌های لازم	٪۹۲	٪۸
۱۲. رقابت برای منابع محدود	٪۸۸	٪۱۲
۱۳. قدرت نابرابر سازمان‌های متفاوت	٪۴۴	٪۵۶
۱۴. روابط قدرت ناکارآمد	٪۸۸	٪۱۲
۱۵. منابع نابرابر سازمان‌های متفاوت	٪۵۶	٪۴۴
۱۶. بی‌اعتمادی مسئولان نسبت به تاثیر ورزش بر توسعه و صلح	٪۸۴	٪۱۶
۱۷. عدم رسمیت برنامه‌های توسعه و صلح	٪۸۸	٪۱۲
۱۸. نبودن فرهنگ سازمانی لازم در سازمان‌های ورزشی	٪۸۸	٪۱۲
۱۹. عدم وجود جامعه‌شناس ورزشی در بیشتر سازمان‌های متولی ورزش	٪۷۲	٪۲۸
۲۰. عدم تلاش برای دستیابی به یک فرهنگ صلح‌آمیز	٪۴۸	٪۵۲
۲۱. تمرکز بیش از حد مدیران بر عملیات روزانه به جای تمرکز بر برنامه راهبردی سازمان	٪۸۴	٪۱۶
۲۲. ناسازگاری و تغییر اهداف نسبت به ماموریت اصلی سازمان	٪۷۲	٪۲۸

۲۳. بی انگیزگی و عدم علاقه نسبت به مأموریت اصلی سازمان	٪۶۰	٪۴۰
۲۴. عدم آگاهی لازم مسئولان و کارکنان سازمان‌های ورزشی	٪۷۲	٪۲۸
۲۵. مشکل بودن تغییر دیدگاه	٪۸۸	٪۱۲
۲۶. تفاوت‌های نگرشی در مدیران سازمان‌های ورزشی	٪۷۶	٪۲۴

بعد از پایان دور دوم روش دلفی، متغیرهایی که ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان به آن‌ها جواب مثبت دادند، در تحقیق باقی ماندند و متغیرهایی که کمتر از این مقدار جواب مثبت دریافت کردند، از چرخه تحقیق حذف شدند. در این مرحله با توجه به جدول ۲ چالش‌های شماره ۲، ۱۳، ۱۵ و ۲۰ از تحقیق حذف شدند. همچنین با توجه به اینکه در پایان دور دوم ضریب توافق W کندال معادل ۰/۳۱۹ به دست آمد، جهت رسیدن به توافق نظری، تحقیق در دور سوم نیز ادامه یافت.

یافته‌های دور سوم تحقیق دلفی

در دور سوم دلفی، تیم بازیبن پرسشنامه‌ای متشکل از ۲۲ مولفه با طیف ۳ گزینه‌ای را به همراه راهنمای دور دوم شامل میانگین، میانه، چارک اول و چارک سوم آماده و برای خبرگان ارائه کرد. همچنین در دور سوم دلفی از خبرگان درخواست شد فقط عواملی را انتخاب کنند که معتقدند قطعاً در برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح سازمان‌های ورزشی موثر هستند. در این مرحله از تحقیق، ۲۰ تن از متخصصان و خبرگان پرسشنامه را تکمیل کردند. پس از جمع‌آوری و بازیبن پرسشنامه‌ها، ضریب توافق W کندال در سطح معنی داری ۰/۰۰۱ معادل ۰/۸۹۹ گزارش شد. بنابراین اتفاق نظر قوی میان خبرگان در دور سوم حاصل شد و دورهای دلفی پس از اجرای دور سوم خاتمه یافت. جدول ۳ نشان‌دهنده نتایج توافقی در دورهای دوم و سوم دلفی است:

جدول ۳: نتایج توافقی میان خبرگان در دور دوم و سوم دلفی

چالش‌ها	نتایج دور دوم	نتایج دور سوم
۱. عدم وجود یک سازمان منسجم در جهت برنامه‌های توسعه و صلح		
۲. آداب و رسوم خاص و شیوه‌های رفتار سنتی		
۳. کمبود مشارکت گروه‌های اجتماعی پایین		
۴. عدم اطمینان از نتایج مثبت برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح (زیرا احتمالاً افراد بعد از پایان فعالیت شان پراکنده می‌شوند)		
۵. پرهزینه و زمانبر بودن پروژه‌های ورزش برای توسعه و صلح		
۶. دشواری تبدیل حامیان تجاری به حامیان برنامه‌های توسعه و صلح		
۷. علاقه نداشتن حامیان ورزشی به شرکت در برنامه‌های صلح و توسعه به دلیل نداشتن سود و منفعت		
۸. عدم تعامل بین سایر سازمان‌ها که دارای امکانات ورزشی هستند (نظیر شرکت نفت، ملی حفاری، پتروشیمی و...) جهت استفاده عموم مردم از امکانات ورزشی آن سازمان‌ها		

۹.	عدم تعامل با مردم	
۱۰.	نبودن ظرفیت و زیرساخت های لازم	
۱۱.	رقابت برای منابع محدود	
۱۲.	روابط قدرت ناکارآمد	
۱۳.	بی اعتمادی مسئولان نسبت به تاثیر ورزش بر توسعه و صلح	
۱۴.	عدم رسمیت برنامه های توسعه و صلح	
۱۵.	نبودن فرهنگ سازمانی لازم در سازمان های ورزشی	
۱۶.	عدم وجود جامعه شناس ورزشی در بیشتر سازمان های متولی ورزش	
۱۷.	تمرکز بیش از حد مدیران بر عملیات روزانه به جای تمرکز بر برنامه راهبردی سازمان	
۱۸.	ناسازگاری و تغییر اهداف نسبت به ماموریت اصلی سازمان	
۱۹.	بی انگیزگی و عدم علاقه نسبت به ماموریت اصلی سازمان	
۲۰.	عدم آگاهی لازم مسئولان و کارکنان سازمان های ورزشی	
۲۱.	مشکل بودن تغییر دیدگاه	
۲۲.	تفاوت های نگرشی در مدیران سازمان های ورزشی	

بحث و نتیجه گیری

در کشورهای مختلف تحقیقات زیادی در حوزه مدیریت ورزشی به ویژه مشارکت و همکاری بین سازمان های ورزشی و ادارات دولتی انجام شده و بر اهمیت مشارکت بین سازمانی تاکید داشته اند (الکساندر و همکاران^۱، ۲۰۰۸؛ میسنر و دوهرتی^۲، ۲۰۱۳). ایجاد مشارکت های بین سازمانی در سازمان های ورزشی به منظور پیشبرد برنامه های ورزش برای توسعه و صلح از جنبه های مثبت فراوانی در جهت کمک به امر آموزش، بهداشت، برابری جنسیتی، سلامت و همچنین بهبود شرایط معلولان، صلح و انسجام اجتماعی و در نهایت توسعه پایدار جامعه برخوردار است، در حالی که برقراری این مشارکت ها و همکاری در ورزش کشورمان با چالش ها و محدودیت های بسیار رو به روست. اغلب تحقیقات پیشین در مورد برنامه های ورزشی بر بخش قهرمانی و جنبه تفریحی ورزش تمرکز کرده اند و کمتر تحقیقی به برنامه های جامع ورزش برای توسعه و صلح و چالش های مشارکت بین سازمانی در سازمان های ورزشی به منظور پیشبرد این برنامه ها، پرداخته است.

براساس یافته های این تحقیق، عدم وجود یک سازمان منسجم در جهت برنامه های ورزش برای توسعه و صلح، از مهم ترین عوامل عدم اجرای برنامه های ورزش برای توسعه و صلح در کشورمان می باشد. همان گونه

1. Alexander

2. Misener & Doherty

که قبلاً هم اشاره شد، علیرغم وجود دفتری به نام «توسعه پایدار» در وزارت ورزش و جوانان- براساس تعاریف و بخش‌های مختلف برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح در سطح جهان- فعالیت درخور توجهی در مورد برنامه‌های توسعه و صلح در این دفتر صورت نمی‌گیرد. یکی دیگر از چالش‌های اجرای برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح، فقدان سرمایه‌گذاری زیربنایی می‌باشد که با نتایج تحقیق بلام^۱ و همکاران (۲۰۱۵) همخوان است. بلام، نگرانی مالی را از موانع بالقوه برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح معرفی کرده و گام نهایی در راستای پایداری در این برنامه‌ها را تأمین بودجه پایدار دانست. یافته‌های این تحقیق نشان داد که آداب و رسوم خاص و شیوه رفتار سنتی نیز برای اجرای برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح، موانعی ایجاد می‌کند که با تحقیق اسکونکورف (۲۰۱۲) و کالیسون^۲ و همکاران (۲۰۱۷) همخوان است. براساس نتایج این پژوهش، هنجارها و ارزش‌ها تا حد زیادی تعیین می‌کنند که افراد و گروه‌ها در فعالیت‌های اجتماعی همکاری و یا در مقابل آن مقاومت می‌کنند. ذکایی و صدیقی (۱۳۹۴) نیز در تحقیق خود پیرامون چالش‌های ورزش کردن بانوان، به دیدگاه سنتی خانواده‌ها اشاره کردند و به این نتیجه رسیدند که بیشتر خانواده‌های ورزشکاران با ورزش کردن دختران و یا همسرانشان مخالف بودند و رسانه‌ها و مراکز آموزشی نیز که بر اساس نظریه‌ها می‌توانستند از عوامل اجتماعی تأثیرگذار و تسهیل‌گر در این حوزه باشند، نسبت به این امر غفلت و بی‌توجهی کردند. به اعتقاد متخصصان، کمبود مشارکت گروه‌های اجتماعی پایین نیز از چالش‌های اجرای برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح می‌باشد که با نتایج تحقیق اسکونکورف (۲۰۱۲) همخوان است. کریتون^۳ (۱۹۹۵) معتقد است که این مسئله تنها منحصر به افراد فقیر نیست، بلکه شامل همه افراد و گروه‌هایی است که نقش‌های اجتماعی چندانی ندارند. این درحالی است که برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح بیشتر بر روی این افراد متمرکز است. براساس یافته‌های این تحقیق عدم اطمینان از نتایج مثبت برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح- زیرا احتمالاً افراد بعد از پایان فعالیتشان پراکنده می‌شوند- نیز از چالش‌های اجرای این برنامه‌هاست که با نتایج تحقیق بوتس و ون رنسبورگ^۴ (۲۰۰۰) همخوانی دارد. به علاوه، اگر مسئولان برگزارکننده پروژه‌های ورزش برای توسعه و صلح، مشارکت مردم در این برنامه‌ها را به خوبی مدیریت نکنند، ممکن است انتظارات شهروندان برآورده نشود، موجب سرخوردگی آن‌ها گردد و در نتیجه تعداد افراد کمی در آینده تمایل به ادامه فعالیت در این پروژه‌ها را داشته باشند (رید^۵، ۲۰۰۶).

از دیگر چالش‌های ورزش برای توسعه و صلح، پرهزینه و زمانبر بودن این پروژه‌ها می‌باشد که با تحقیق اسکولنکورف (۲۰۱۲) و (۲۰۱۷) همخوان است. به عقیده اسکولنکورف، جوامع به ویژه کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند برنامه‌های توسعه را بدون کمک سازمان‌های دیگر به نتیجه برسانند. همچنین دو چالش دیگر مربوط به حامیان مالی شناسایی شد که شامل دشواری تبدیل حامیان تجاری به حامیان برنامه‌های توسعه و

1. Blom
2. Collison
3. Creighton
4. Botes & Van Rensburg
5. Reid

صلح و علاقه نداشتن حامیان ورزشی به شرکت در برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح به دلیل نداشتن سود و منفعت می‌باشد. آنچه مسلم است، نیاز بالقوه به حمایت‌های مالی برای اجرای هرچه بهتر برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح است. اگرچه حامیان مالی برای اهداف مختلف وارد ورزش می‌شوند، اما این مسئله هم حائز اهمیت است که این حمایت‌ها برای برنامه‌های اجتماعی و توسعه نیز به کار گرفته شوند.

یکی دیگر از چالش‌های اجرایی شناسایی شده در این تحقیق، عدم تعامل بین سایر سازمان‌های بزرگ و دارای امکانات ورزشی (نظیر شرکت نفت، ملی حفاری، پتروشیمی، بانک‌ها، کارخانجات و...) جهت استفاده عموم مردم از امکانات ورزشی آن سازمان‌ها می‌باشد. بیشتر سازمان‌ها دارای سالن‌ها و امکانات ورزشی می‌باشند که قابل استفاده برای تعداد بالایی از افراد است، اما اغلب آنها را تنها در اختیار کارکنان خود قرار می‌دهند و از استفاده سایر افراد جلوگیری می‌کنند- مهمتر این که بعضی از این امکانات در مناطقی ساخته شده‌اند که مردم آن مناطق از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی محروم هستند.

یافته‌های تحقیق نشان داد عدم تعامل سازمان‌های ورزشی با مردم نیز از چالش‌های اجرای برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح محسوب می‌شود. جیلیانوتی (۲۰۱۱) نیز به این نتیجه رسید تنها برنامه‌های توسعه‌ای که سابقه‌ای قوی در فعالیت‌های مردمی داشته باشند، به اهداف خود دست می‌یابند. تحقیقات مربوط به مدیریت سازمان‌های غیرانتفاعی نیز نشان می‌دهند در نبود ساختارهای مناسب و فرایندهای سازمانی، سازمان‌ها قادر به تغییر ساختار داخلی و یا اجرای روش‌های جدید نیستند (شو و لاونتن^۱، ۲۰۰۶). توانایی سازمان در ایجاد تغییر و رسیدن به آن، به عنوان ظرفیت سازمانی تعریف می‌شود (کریستنسن و گازل^۲، ۲۰۰۸). یکی از چالش‌های شناسایی شده در این پژوهش نیز نبودن ظرفیت و زیرساخت‌های لازم در سازمان‌های ورزشی در جهت برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح می‌باشد که با تحقیق سونسون^۳ (۲۰۱۵) و هیورست^۴ و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد.

یافته‌های تحقیق نشان داد رقابت برای منابع محدود، یکی دیگر از چالش‌های مشارکت‌های بین‌سازمانی است. این نتیجه با نتیجه تحقیق پیچی و همکاران (۲۰۱۷) و لیندسی و بندا (۲۰۱۰) همسویی دارد. شواهدی وجود دارد که رقابت برای منابع مالی محدود به خصوص در مرحله ایجاد مشارکت موجب بروز مشکلاتی می‌شود. این مسئله برای سازمان‌هایی که به تازگی می‌خواهند در این زمینه مشارکت کنند و همچنین سازمان‌های دارای مشکلات مالی بیشتر، یک چالش بزرگ محسوب می‌شود (هیورست و فریزبی^۵، ۲۰۱۰). براساس نظر متخصصان و خبرگان، روابط قدرت ناکارآمد و یا عدم تعادل قدرت بین سازمان‌های ورزشی نیز از چالش‌های مشارکت‌های بین‌سازمانی به شمار می‌رود که این نتیجه با نتیجه تحقیق سن-سون و هامبریک^۶ (۲۰۱۶)

1. Schuh & Leviton

2. Christensen & Gazley

3. Svensson

4. Hayhurst

5. Frisby

6. Hambrick

همخوان است. این عدم تعادل شامل دوگانگی درآمد بالا نسبت به درآمد کم و متوسط در سازمان‌های ورزشی مختلف می‌باشد. مسئله عدم تعادل قدرت در سازمان‌های ورزشی ایران در مورد اجرای برنامه‌های توسعه و صلح بسیار زیاد است، زیرا سازمان‌های متولی زیادی در این حوزه هستند که هر یک زیرمجموعه سازمان‌های بزرگ‌تری قرار دارند. به عنوان مثال، فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی استان‌ها زیرمجموعه کمیته ملی المپیک هستند، در حالی که ادارات ورزش و جوانان زیرمجموعه وزارت ورزش و جوانان و سازمان‌های ورزشی دیگر نیز زیرمجموعه واحدهای صنعتی و نظامی و... خود هستند و هر کدام از این سازمان‌ها به تناسب ارتباطات و بزرگی خود قدرت متفاوتی دارند. این تفاوت‌ها به نوبه خود چالش‌هایی برای ایجاد و پایداری مشارکت‌های بین‌سازمانی در جهت برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح به وجود می‌آورند.

نتایج تحقیق همچنین نشان داد یکی از چالش‌های اصلی مشارکت‌های بین‌سازمانی در ورزش به منظور توسعه و صلح، بی‌اعتمادی مسئولان نسبت به تاثیر ورزش بر توسعه و صلح می‌باشد که این نتیجه با نتایج تحقیق پیچی و همکاران (۲۰۱۷) همخوان است. آنان معتقدند در زمان شکل‌گیری مشارکت یکی از مهم‌ترین مشکلات، شک و تردید مسئولان سازمان‌ها درباره ورزش به عنوان یک ابزار توسعه می‌باشد و این مشکل در دو مسئله "کمبود آگاهی" و "دانش محدود" ریشه دارد. علاوه بر این، مشارکت سازمان‌های ورزشی با دیگر سازمان‌ها به منظور توسعه و صلح در ایران بسیار چالش برانگیز است، زیرا آن سازمان‌ها به این منظور شکل نگرفته و تعریف نشده‌اند. لذا ممکن است به دلیل دور بودن این برنامه‌ها از اهدافشان، از مشارکت در برنامه‌های توسعه و صلح خودداری کنند.

نتایج تحقیق نشان داد عدم رسمیت برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح در ایران نیز یکی از چالش‌های مشارکت‌های بین‌سازمانی می‌باشد که با نتیجه تحقیق جیلیانوتی (۲۰۱۱) و سن‌سون و همکاران (۲۰۱۵) همخوانی دارد. علیرغم افزایش استفاده از ورزش برای اهداف توسعه اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان، برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح در کشور ما به صورت رسمی تعریف نشده‌اند و تنها سالانه همایش‌هایی در این باره برگزار شده و سخنرانانی به صورت نظری درباره توانمندسازی جوانان، توسعه اجتماعی و دیگر کارکردهای برنامه‌های توسعه و صلح توضیحاتی ارائه می‌دهند. در واقع، تقریباً هیچ‌گونه اقدام اجرایی در این مورد صورت نگرفته و حتی هیچ برنامه‌ریزی که در آینده منجر به اقدام عملی شود، وجود ندارد.

یافته‌های تحقیق نشان داد عدم وجود فرهنگ سازمانی لازم در سازمان‌های ورزشی نیز موجب بروز مشکلاتی در شکل‌گیری مشارکت‌های بین‌سازمانی می‌شود. آنچه که در ایجاد مشارکت بین‌سازمانی جهت برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح حائز اهمیت می‌باشد این است که جهت اثربخشی بیشتر، این برنامه‌ها باید به صورت طولانی‌مدت و راهبردی تعریف شوند. به همین علت به نظر می‌رسد که برای ایجاد تغییرات پایدار و نتایج بلندمدت اثربخشی سازمانی در سازمان‌های ورزشی باید به دنبال تقویت مکانیسم‌های کلان بود. از این رو، ایجاد و تقویت فرهنگ سازمانی (به مثابه یک متغیر کلان سازمانی) می‌تواند تغییرات پایدار و بلندمدت را در اثربخشی سازمانی داشته باشد، چون خود فرهنگ نیز به صورت مقطعی ایجاد نمی‌شود (شعبانی بهار، لقمانی و قویمی، ۱۳۹۳). براساس نظر متخصصان، یکی دیگر از چالش‌های مشارکت‌های بین‌سازمانی به

منظور برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح، عدم وجود جامعه‌شناس ورزش در بیشتر سازمان‌های متولی ورزش می‌باشد. در واقع، سازمان‌های ورزشی برای تفسیر، فهم و تبیین الگوهای رفتار انسانی و حل مسائل انسان در فعالیت‌های ورزشی، نیاز مبرمی به جامعه‌شناسی ورزش دارند.

این تحقیق همچنین منجر به شناسایی هفت چالش (تمرکز بیش از حد مدیران بر عملیات روزانه به جای تمرکز بر برنامه راهبردی سازمان، ناسازگاری و تغییر اهداف نسبت به مأموریت اصلی سازمان، بی‌انگیزگی و عدم علاقه نسبت به مأموریت اصلی سازمان، عدم آگاهی لازم مسئولان و کارکنان سازمان‌های ورزشی درباره برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح، مشکل بودن تغییر دیدگاه و تفاوت‌های نگرشی در مدیران سازمان‌های ورزشی) در مورد مدیران و کارکنان سازمان‌های ورزشی شد. برنامه‌های ورزش برای توسعه و صلح نیازمند برنامه‌ریزی راهبردی و اجرای این برنامه‌ریزی‌هاست. اجرای راهبردها بدون حمایت همه‌جانبه مدیران ارشد ممکن نیست و باید دغدغه اصلی مدیران ارشد باشد. طبق گزارش‌ها، ۸۵ درصد مدیران ارشد کمتر از یک ساعت از وقت خود را در ماه به بحث درباره راهبردها اختصاص می‌دهند (مکلین^۱، ۲۰۰۶). فتح الهی به نقل از امیرنژاد و همکاران (۱۳۹۱)، آشنا نبودن مدیران به فرآیند برنامه‌ریزی، نداشتن اعتقاد راسخ به ضرورت اجرای برنامه، نبود مدیریت قاطع برای اجرای برنامه، کم‌توجهی به نقش محیط بیرون در برنامه‌ها، عدم بازبینی و بازنگری برنامه‌ها به صورت منظم، بی‌ثباتی مدیران و انگیزه کاری، کم‌توجهی به خلاقیت و نوآوری، ضعف نظام اجرایی و کنترل و نظارت را از جمله عوامل کلیدی ناکامی و شکست برنامه‌ریزی راهبردی در ایران برمی‌شمارد. هرینیاک^۲ (۲۰۰۶)، نبود توانایی در مدیریت تغییر و مشارکت اطلاعاتی ناکافی یا ضعیف و مسئولیت‌های نامشخص و غیرپاسخگو را به عنوان عوامل تأثیرگذار در روند بازداري از اجرای راهبردهای سازمانی گزارش نموده و شاه (۲۰۰۶) نیز ۱۱ مانع را برای اجرای راهبرد سازمانی برشمرده که دانش (مهارت) ناکافی مدیران در بالاترین رتبه قرار داشته است. همچنین وی بیان نمود که تعهد مدیران اصلی‌ترین مؤلفه در اجرای موفقیت‌آمیز راهبردهاست. انعطاف‌پذیری سازمانی مدیران سازمان‌های ورزشی نیز یک جنبه بسیار مهم در زمینه افزایش روابط سازمان و ظرفیت شبکه و در نتیجه مشارکت بین سازمانی است (سن سون، ۲۰۱۵).

در پایان، با توجه به اینکه تعداد بسیاری از افراد جامعه در ابعاد مختلف (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...) دچار محرومیت‌هایی هستند که ورزش می‌تواند در رفع این محرومیت‌ها و توسعه پایدار جامعه نقش مهمی ایفا کند، پیشنهاد می‌شود سازمان‌های ورزشی در کنار وظایف اصلی ورزشی و برگزاری مسابقات، با توجه به چالش‌های شناسایی شده در این تحقیق از ظرفیت‌های خود در جهت مشارکت قشرهای مختلف جامعه در برنامه‌های ورزشی و توانمندسازی آنان استفاده کنند.

1. McLean

2. Hre biniak

منابع

- اشتغال، تحصیل و وضعیت نامناسب بهداشتی مهم‌ترین مشکلات زنان روستایی. (۱۳۹۳). خبرگزاری مهر. mehrnews.com/xqx2R
- امیرنژاد، سعید؛ غلامپور، محمد؛ طالب‌پور، مهدی و منانی، معصومه السادات. (۱۳۹۱). «بررسی میزان تعهد مدیران در اجرای استراتژی سازمان‌های ورزشی». نشریه مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۱۳، صص ۷۹-۹۲.
- ذکایی، محمد سعید و صدیقی، سعیده. (۱۳۹۴). «زنانگی و ورزش». مطالعات اجتماعی-روانشناسی زنان. دوره ۲، شماره ۱۳، صص ۶۷-۹۲.
- پیروزی تیم ملی فوتبال باعث انسجام ملی شد. (۱۳۹۷). خبرگزاری جمهوری اسلامی. www.irna.ir/news/82944643
- حبیبی، آرش. (۱۳۸۶). آموزش کاربردی SPSS. سایت پارس مدیر
- سلطانی، ناصر؛ موسوی، میرنجف و سلامی، هادی. (۱۳۹۲). «راهبردهای توسعه گردشگری از دیدگاه ارائه‌دهندگان خدمات با استفاده از مدل‌های دلفی و فرآیند تحلیل شبکه (مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی)». فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک. پیاپی ۱۲، صص ۱۹-۳۹.
- سند توسعه ورزش تدوین شد. (۱۳۹۶). خبرگزاری تسنیم. https://tn.ai/1671953
- شعبانی بهار، غلامرضا؛ لقمانی، محسن و قویمی، امین. (۱۳۹۳). «نقش ابعاد فرهنگ سازمانی بر اثر بخشی سازمانی ادارات ورزش و جوانان استان همدان». مطالعات مدیریت راهبردی و رفتار سازمانی در ورزش. دوره ۴، شماره ۴، صص ۹۱-۱۰۱.
- شینک، رابرت و هانراهان، استفانی. (۱۳۹۳). ورزش برای توسعه، صلح و عدالت اجتماعی. سید مهدی آقاپور، مهدی شریفی مقدم و زینب آقایی. تهران: انتشارات علمی
- عباسی، همایون؛ سجادی، سید نصراله و کاظم نژاد، انوشیروان. (۱۳۹۳). «اعتباریابی ابزار فرهنگ سازمانی (OCAI) بر مبنای مدل چارچوب ارزش‌های رقابتی (CVF) در سازمان‌ها (فدراسیون‌های ورزشی ایران)». دوفصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. دوره ۳، شماره ۵، صص ۸۵-۹۷.
- علی‌بیگی، امیر حسین؛ افشار، نسرين و شاهمرادی، مهنا. (۱۳۹۶). «مطالعه کیفی مسائل و مشکلات دختران روستایی دهستان بالادریند شهرستان کرمانشاه». زن در توسعه و سیاست. ۱۵(۱).
- غلامی قاجاری، حسن؛ کلاته سیف‌ری، معصومه و شیرخدایی، میثم. (۱۳۹۶). «شناسایی راهکارهای موفقیت استراتژی تقلید در شرکت‌های کارآفرین ورزشی (مطالعه موردی: شرکت طنین پیک سبلان، برند بتا)». نشریه رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. جلد ۵، شماره ۱۹، صص ۳۷-۵۱.
- ۴۵۰ هزار معلول در ایران جسمی-حرکتی هستند. (۱۳۹۶). خبرگزاری خانه ملت. http://www.icana.ir/fa/news/348682/450
- ملک زاده، غلامرضا؛ کاظمی، مصطفی و لگزبان، محمد. (۱۳۹۲). «هوش سازمانی: طراحی مدل سلسله مراتبی برای دانشگاه‌های دولتی ایران با رویکرد دیماتل». پژوهشنامه مدیریت تحول. شماره ۱۰.
- هرمیداس باوند، داوود؛ یوسفی، علی؛ قیصری، نورالله؛ ابریشمی، عبدالله؛ عبداللہی، محمد؛ عزیزی بنی طرف، یوسف؛ فکوهی، ناصر؛ هوشنگ مهدوی، عبدالرضا و ورجاوند، پرویز. (۱۳۸۱). «میزگرد تنوع قومی در ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها». فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۹.
- Alexander, T., Thibault, L., & Frisby, W. (2008). "Avoiding separation: Sport partner perspectives on a long-term inter-organizational relationship". International Journal of

Sport Management and Marketing, 3(3), 263-280.

- Beutler, I. (2008). **“Sport serving development and peace: Achieving the goals of the United Nations through sport”**. Sport in society, 11(4), 359-369.
- Blom, L. C., Judge, L., Whitley, M. A., Gerstein, L., Huffman, A., & Hillyer, S. (2015). **“Sport for development and peace: Experiences conducting US and international programs”**. Journal of Sport Psychology in Action, 6(1), 1-16.
- Christensen, R. K., & Gazley, B. (2008). **“Capacity for public administration: Analysis of meaning and measurement”**. Public Administration and Development: The International Journal of Management Research and Practice, 28(4), 265-279.
- Collison, H., Darnell, S., Giulianotti, R., & Howe, P. D. (2017). **“The inclusion conundrum: A critical account of youth and gender issues within and beyond sport for development and peace interventions”**. Social Inclusion, 5(2), 223-231.
- Creighton, J. L. (1995). **“Trends in the field of public participation in the United States”**. Interact: The Journal of Public Participation, 1(1), 7-23.
- Gajda, R. (2004). **“Utilizing Collaboration Theory to Evaluate Strategic Alliances”**. The American Journal of Evaluation, 25(1), 65-77. doi:https://doi.org/10.1016/j.ameval.2003.11.002
- Giulianotti, R. (2011). **“Sport, peacemaking and conflict resolution: a contextual analysis and modelling of the sport, development and peace sector”**. Ethnic and racial studies, 34(2), 207-228.
- Giulianotti, R., Hognestad, H., & Spaaij, R. (2016). **“Sport for development and peace: Power, politics, and patronage”**. Journal of Global Sport Management, 1(3-4), 129-141.
- Hayhurst, L. M., & Frisby, W. (2010). **“Inevitable tensions: Swiss and Canadian sport for development NGO perspectives on partnerships with high performance sport”**. European sport management quarterly, 10(1), 75-96.
- Hrebiniak, L. G. (2006). **“Obstacles to effective strategy implementation”**. Organizational dynamics, 35(1), 12-31.
- Keeney, S., McKenna, H., & Hasson, F. (2010). **The Delphi technique in nursing and health research**. John Wiley & Sons.
- Kidd, B. (2008). **“A new social movement: Sport for development and peace”**. Sport in society, 11(4), 370-380.
- Lindsey, I., & Banda, D. (2010). **“Sport and the fight against HIV/AIDS in Zambia: A ‘partnership approach’?”** International review for the sociology of sport, 46(1), 90-107.
- Lindsey, I., & Darby, P. (2018). **“Sport and the Sustainable Development Goals: Where is the policy coherence?”** International review for the sociology of sport, 1012690217752651.
- McLean, R. (2006). **“Alignment: Using the balanced scorecard to create corporate**

- synergies**". Australian Journal of Management, 31(2), 367-369.
- Misener, K., & Doherty, A. (2013). **"Understanding capacity through the processes and outcomes of interorganizational relationships in nonprofit community sport organizations"**. Sport management review, 16(2), 135-147.
 - Peachey, J. W., Cohen, A., Shin, N., & Fusaro, B. (2017). **"Challenges and strategies of building and sustaining inter-organizational partnerships in sport for development and peace"**. Sport management review, 21(2), 160-175.
 - Reid, S. (2006). **"The social consequences of community events in rural areas: A stakeholder perspective"**. PhD thesis, University of Queensland, Brisbane, Brisbane.
 - Schuh, R. G., & Leviton, L. C. (2006). **"A framework to assess the development and capacity of non-profit agencies"**. Evaluation and Program Planning, 29(2), 171-179.
 - Schulenkorf, N. (2012). **"Sustainable community development through sport and events: A conceptual framework for Sport-for-Development projects"**. Sport management review, 15(1), 1-12.
 - Schulenkorf, N. (2016). **"Managing sport-for-development: Reflections and outlook"**. Sport management review, 20(3), 243-251.
 - Schulenkorf, N., Sherry, E., & Rowe, K. (2016). **"Sport for development: An integrated literature review"**. Journal of Sport Management, 30(1), 22-39.
 - Shah, A. M. (2006). **"The foundations of successful strategy implementation: Overcoming the obstacles"**. Global Business Review, 6(2), 293-302.
 - Stennett, A., De Souza, L., & Norris, M. (2018). **"Physical activity and exercise priorities in community dwelling people with multiple sclerosis: a Delphi study"**. Disability and rehabilitation, 40(14), 1686-1693.
 - Svensson, P. G. (2015). **"Exploring organizational capacity in a Sport for Development and Peace setting"**. (Doctor of Philosophy in Educational Leadership and Organizational Development), University of Louisville, A Dissertation Submitted to the Faculty of the College of Education and Human Development.
 - Svensson, P. G., & Hambrick, M. E. (2015). **"Pick and choose our battles—Understanding organizational capacity in a sport for development and peace organization"**. Sport management review, 19(2), 120-132.
 - Welty Peachey, J., & Burton, L. (2017). **"Servant leadership in sport for development and peace: A way forward"**. Quest, 69(1), 125-139.

شناسایی عوامل موثر بر شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران

مهدی سادات الحسینی^۱

علی زارعی^۲

زهره حاجی انزهایی^۳

doi: 10.22034/SSYS.2022.475

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱

هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل موثر بر شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران بود. روش پژوهش کیفی (نظریه داده-بنیاد) بود. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق و نیمه ساختارمند با ۱۹ نفر از صاحب نظران (اعضای هیئت علمی دانشگاه، مدیران باشگاه ورزشی، معاونان وزارت ورزش و جوانان، روسای فدراسیون‌های ورزشی، ورزشکاران و اصحاب رسانه) انجام و همزمان با جمع‌آوری داده‌ها و انجام فرایند کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) تحلیل انجام گرفت. پس از اشباع نظری و با تکمیل یافته‌ها، مدلی با رویکرد سیستماتیک طراحی گردید. نتایج نشان داد بعد از کدگذاری مرحله به مرحله، تعداد ۲۵۴ کد اولیه غیرتکراری به دست آمد که در قالب ۴۰ مقوله طبقه‌بندی شدند. می‌توان گفت که شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران بر مبنای عوامل مختلفی قرار دارد. لذا زمانی که مکانیسم اثر این عوامل به درستی شناسایی و تشخیص داده شود می‌توان شاهد رشد علمی و پیشگیری از شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران بود. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود که فدراسیون‌ها و حتی باشگاه‌های ورزشی به ایجاد یک سیستم نظارتی مشخص بر عملکرد مربیان، داوران، ورزشکاران و مدیران بپردازند. همچنین با توجه به اینکه یکی از عوامل به وجود آمدن فساد در ورزش حرفه‌ای ایران وجود بسترهای قانونی، مقررات پیچیده، قوانین مبهم و سایر موارد مشابه است، پیشنهاد می‌شود با تدوین قوانین و سیاست‌های ورزش حرفه‌ای بر اساس قوانین بین‌المللی موجود در فدراسیون‌ها و قوانین رسمی کشور در جهت کاهش فساد در ورزش حرفه‌ای گام برداشت.

واژگان کلیدی: ورزش حرفه‌ای، فساد در ورزش، فساد در تیم‌های ورزشی، دلالتی در ورزش و شرط‌بندی

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. دانشیار، مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Dr_alizarei@yahoo.com

۳. استادیار، مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

در دهه اخیر، با شکل‌گیری انواع سازمان‌ها و اداره‌ها جهت ارضای نیاز افراد، شاهد بروز ناهنجاری‌های سازمانی و در اصطلاح «فساد اداری» به مثابه شکل جدیدی از انحرافات اجتماعی بوده‌ایم (کمپبل و گوریتز^۱، ۲۰۱۴؛ گروس^۲، ۲۰۱۱؛ لو^۳، ۲۰۰۵). کالینز، اولنبرک و رودریگز^۴ (۲۰۰۹) فساد را یک عمل انجام شده با هدف دریافت سود و مزایای شخصی نامیدند که هیچ‌گونه همخوانی و ارتباطی با وظیفه اصلی و حقوق افراد در سازمان‌ها ندارد و به نوعی پایمال شدن حق دیگران است (کالینز و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین، دن نئوونبوئر و کاپتین^۵ (۲۰۰۸)، رابیوسی و سانتانگو^۶ (۲۰۱۹)، رزآکرمن و پالیفکا^۷ (۲۰۱۶)، گورسیرا، استگ، دنکرز و هوسمن^۸ (۲۰۱۸) و مین^۹ (۲۰۱۹) فساد را استفاده از قدرت شخصی در سازمان در جهت کسب منافع نامشروع تعریف نمودند (دن نئوونبوئر و کاپتین، ۲۰۰۸؛ رابیوسی و سانتانگو، ۲۰۱۹؛ رزآکرمن و پالیفکا، ۲۰۱۶؛ گورسیرا و همکاران، ۲۰۱۸ و مین، ۲۰۱۹). می‌توان اذعان داشت که فساد یک پدیده ناهنجار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که امروزه گریبان ورزش را گرفته است (ماینگ^{۱۰}، ۲۰۰۵). جهانی شدن صنعت ورزش منجر به یک فرایند تجاری به وسیله درآمدهای نهفته برای سهامداران، حامیان مالی، مسئولان دولتی (سیاسیون) و ورزشکاران شده است. این درآمد نهفته منجر به این شده که بسیاری از ورزشکاران و مسئولان به منظور کسب سود و منفعت بیشتر، دچار ارتکاب فساد شوند (مین، ۲۰۱۹).

در این زمینه نیکا و پتوکووارو^{۱۱} (۲۰۱۴) معتقد بودند که فساد در ورزش به ویژه ورزش حرفه‌ای اشاره به نگرانی‌های اساسی و نیز پول‌های کلانی دارد که می‌تواند مسئولیت اقتصادی و اجتماعی بزرگی را سبب ساز شود و امروزه، به یکی از مشکلات ورزش تبدیل شده است و باید بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. فساد می‌تواند به شکل‌های مختلف، کل سیستم ورزش را نابود کند. فساد در ورزش را می‌توان به هر نوع ناهنجاری در ورزش که طبق قانون ممنوع است، تعریف کرد (نیکا و پتوکووارو، ۲۰۱۴). جنینگ^{۱۲} (۲۰۰۶) بیان کرد که فساد در سازمان‌های ورزشی شامل موارد زیر است: ۱) رشوه به مقامات، ۲) تبانی با شرکت‌کنندگان در مسابقه و ۳) استفاده ورزشکاران از داروهایی غیر مجاز (دوپینگ) که عملکردشان را بالا می‌برد. این اشکال فساد توسط افرادی که مدیر نیستند، صورت می‌پذیرد و در دسته سازمان‌های با افراد فاسد جای می‌گیرند (جنینگ، ۲۰۰۶). همچنین مانینگ (۲۰۰۵) موارد فساد موجود در ورزش را تجزیه و تحلیل کرد و مفاسد ورزشی را به

1. Campbell & Görtz
2. Gross
3. Luo
4. Collins, Uhlenbruck & Rodriguez
5. Den Nieuwenboer, & Kaptein
6. Rabbiosi & Santangelo
7. Rose-Ackerman & Palifka
8. Gorsira, Steg, Denkers & Huisman
9. Min
10. Maennig
11. Nica & Potcovaru
12. Jennings

دو دسته تقسیم نمود: دسته اول مربوط به نتایج رقابت است که به موجب آن ارائه‌دهنده و دریافت‌کننده رشوه می‌توانند ورزشکاران، مسئولان ورزش و غیرورزشکاران مانند داوران باشد. دسته دوم مربوط به فساد مربوط به انجمن‌های ورزشی و مسئولان در زمینه محل برگزاری میزبان مسابقات مهم، تخصیص حقوق یا نامزدی در سمت‌ها و غیره می‌باشد. همچنین گورس و چادویک^۱ (۲۰۱۱) فساد در ورزش را به چهار گروه (۱) رشوه، (۲) تبانی ورزشی، (۳) سوء استفاده از اطلاعات به منظور شرط‌بندی و (۴) دوپینگ تقسیم کردند (گورس و چادویک، ۲۰۱۱). مسترز^۲ (۲۰۱۵) مهم‌ترین مصادیق فساد در ورزش را تبانی در نتیجه بازی، دوپینگ، رشوه‌خواری جهت کسب میزبانی رویدادهای بزرگ و شرط‌بندی بیان نمودند (مسترز، ۲۰۱۵). در زمینه پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون فساد در ورزش، لام^۳ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «فساد در ورزش» به این نتیجه رسید که فساد در ورزش شامل ۵ بخش است: (۱) مفهوم فساد، (۲) علل فساد ورزشی، (۳) عواقب فساد ورزشی، (۴) اصلاحات و (۵) چالش‌های مبارزه با فساد. مانولی، آنتونوپولوس و بایرر^۴ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «اجتناب‌ناپذیر بودن فساد در فوتبال یونان» بیان نمودند که تبانی، ترفندهای بلیط‌فروشی و گواهی‌نامه جعلی مالیاتی از جمله مصادیق بروز فساد در فوتبال یونان هستند و عمده مشکل فوتبال در این کشور عوامل سیاسی، ساختاری، اقتصادی و مدیریتی است (مانولی و همکاران، ۲۰۱۹). یلماز، مانولی و آنتونوپولوس^۵ (۲۰۱۸) در پژوهش خود با عنوان «آنانومی تبانی در فوتبال ترکیه» گزارش نمودند که تبانی در ۱۷ مسابقه در فصل ۲۰۱۱-۲۰۱۰ اتفاق افتاده بود و منجر به تشکیل ۴ پرونده جنایی، ۷ کمیته انضباطی و ۹۳ مظنون و منجر به حذف دو تیم از مسابقات اروپایی شده بود. همچنین در این تبانی‌ها اثری از سیاسیون و شخص رئیس‌جمهور این کشور برای کسب نتیجه دلخواه باشگاه مورد علاقه خود نیز دیده می‌شد (یلماز و همکاران، ۲۰۱۸). هنری و محمودی (۱۳۹۸) در پژوهشی به تبیین الگوی کمی عوامل بروز فساد در صنعت فوتبال ایران با رویکرد نظریه داده-بنیاد پرداختند. نتایج بررسی آنها نشان داد که کلیه عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردی و پیامد از مدل ساختاری، بر پدیده محوری (فساد) دارای تأثیر معنادار و در جهت مثبت بودند و تنها ارتباط بین مقوله‌های علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و راهبردی بر پیامد اثر معنادار و در جهت معکوس (منفی) بود. محمودی، هنری، یونسی و شهلایی باقری (۱۳۹۷) در پژوهشی به کاوش عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر بروز فساد در صنعت فوتبال ایران پرداختند. پس از تحلیل یافته‌ها، عوامل زمینه‌ای (بستر ساز) و عوامل مداخله‌گر (تأثیرگذار) شناسایی شدند. بر اساس همین یافته‌ها، بی‌اخلاقی، بی‌تعهدی، عدم تعامل و هم‌افزایی سازمانی و فراهم نبودن محیط حقوقی و قانونی به عنوان مقوله محوری شناسایی شدند. یافته‌های مربوط به عوامل زمینه‌ای بیانگر ۲۵ مقوله فرعی حاصل از کدگذاری محوری در ۷ مفهوم کلی حاصل از کدگذاری گزینشی همچون شکاف قوانین، انگیزه مالی، کارکرد نامناسب رسانه‌ها، تضعیف مجامع تصمیم‌گیری، ضعف قوانین نقل و انتقالات، فقدان

1. Gorse S & Chadwick

2. Masters

3. Lam

4. Manoli, Antonopoulos & Bairner

5. Yilmaz, Manoli & Antonopoulos

معیارهای رفتاری و شفاف نبودن فرایندها دسته‌بندی شدند. یافته‌های عوامل مداخله‌گر (تأثیرگذار) نیز در ۷ مقوله فرعی حاصل از کدگذاری محوری در ۳ مفهوم کلی از کدگذاری گزینشی تداخل وظایف، عدم اراده فساد ستیزی و عدم هماهنگی طبقه‌بندی شدند. به طور کلی شناسایی عوامل زمینه‌ای و تأثیرگذار بروز فساد می‌تواند به مسئولان در پیشگیری از وقوع فساد و بهبود سلامت سازمانی فوتبال کمک بسیاری کند. شفيعی و افروزه (۱۳۹۷) در پژوهشی به شناسایی و تبیین مولفه‌های موثر در بروز فساد در فوتبال ایران پرداختند. یافته‌ها نشان داد که متغیرهای مدیریتی - اداری و آموزشی - تربیتی بیشترین تأثیر را در همه ابعاد داشتند. همچنین، بالاترین رتبه شکل‌های فساد از دیدگاه بازیکنان، مربیان، داوران، کادر فنی و مدیریتی و اصحاب رسانه، تباری و از دیدگاه اعضای آکادمی فوتبال تحصیل مال از طریق نامشروع بود. یافته‌ها نشان داد که بعد کلان تبیین‌کننده بروز فساد در فوتبال است و سطوح میانی تأثیرگذاری ضعیفی بر فساد دارند - شاید تأثیرگذاری ضعیف به سبب قدرت تأثیر بعد کلان بر فساد در مقایسه با عوامل میانی و خرد باشد. همچنین زارع، حیدری نژاد و شتاب بوشهری (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر بروز فساد اداری و روش‌های کنترل آن در وزارت ورزش و جوانان پرداختند. نتایج نشان داد که عوامل سازمانی با مقدار ۵/۸۸ بیشترین و عوامل آگاهی‌دهنده با مقدار ۲/۴۰ کمترین تأثیر را بر بروز فساد اداری دارند. در بخش کنترل فساد اداری نتایج پژوهش نشان داد که عوامل اثر بخشی قانونی با مقدار ۳/۶۳ بیشترین تأثیر و عوامل مدیریتی - اداری با مقدار ۱/۴۲ کمترین تأثیر را بر روش‌های کنترل فساد اداری دارا هستند.

با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان گفت که نمونه‌هایی از فساد را کم و بیش می‌توان در هر سازمانی مشاهده کرد. سازمان‌های ورزشی در ایران نیز از این امر مستثنی نیستند که با توجه به نقش و مسئولیت مهمی که در امر توسعه ورزش و تأمین سلامت مردم دارند، فساد در ورزش بخصوص ورزش حرفه‌ای ایران می‌تواند تأثیرات مخرب زیادی را به بار آورد. با توجه به اینکه در ایران کمتر پژوهشی به فساد در ورزش پرداخته و اکثر پژوهش‌های انجام شده در زمینه فساد در صنعت فوتبال ایران - نظیر هنری و محمودی (۱۳۹۸)، محمودی و همکاران (۱۳۹۷)، شفيعی و افروزه (۱۳۹۷) و محمودی و همکاران (۱۳۹۶) - بوده و تعداد اندک این پژوهش‌ها موجب شده به رفع مشکل فساد کمک چندانی نشود، می‌توان گفت عدم نبود الگو و مدلی مناسب در این زمینه می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری برای ورزش حرفه‌ای ایران در پی داشته باشد. بنابراین کنکاش درباره این موضوع از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است. پس سوال اصلی این پژوهش آن است: چه عواملی بر شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران موثر هستند؟

روش شناسایی پژوهش

پژوهش حاضر کیفی، از نوع پژوهش‌های اکتشافی می‌باشد و هدف کشف پدیده‌هایی است که چندان قابل درک نیستند. این پژوهش به دنبال شناسایی عوامل موثر بر شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران بود. لذا پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی است. این پژوهش بر مبنای جستجوی داده، دارای ماهیت کیفی است که از روش نظریه داده - بنیاد استفاده می‌کند. سئوالات مصاحبه بر اساس مدل سیستماتیک و رهیافت

نظامند اشتراوس و کوربین^۱ (۱۹۹۷) طراحی شده است؛ بدین صورت که ابتدا از طریق مطالعات اسناد، فهرستی از عوامل مؤثر با موضوع پژوهش شناسایی شد. فهرست مقدماتی به عنوان سئوالات مصاحبه و ابزار اولیه گردآوری داده‌ها مد نظر قرار گرفت. سپس راهنمای مصاحبه تدوین و پژوهشگر قبل از انجام مصاحبه با هر یک از صاحب نظران آگاه، راهنمای مصاحبه را برای آنان ارسال کرد. همچنین سئوالاتی بر اساس پاسخ مشارکت‌کنندگان به منظور کشف جنبه‌های خاص و عمیق‌تر فساد در ورزش از طریق مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختارمند پرسیده شد. مصاحبه با برخی سئوالات توصیفی همچون: سن، سابقه فعالیت و همچنین شناخت دقیق از سمت یا جایگاه مصاحبه‌شوندگان آغاز می‌شد و در ادامه سئوالات اصلی پژوهش پرسیده و در پایان نیز از مصاحبه‌شوندگان با سئوال باز مانند فکر می‌کنید مطلبی هست که به آن در این حوزه نپرداخته‌اید؟ خاتمه می‌یافت. مدت زمان مصاحبه بین ۷۰ الی ۱۲۰ دقیقه بود که در پژوهش حاضر میانگین مصاحبه با نمونه‌ها ۹۰ دقیقه بود. ذکر این نکته ضروری است که به منظور ثبت اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، علاوه بر نکته‌برداری، از دستگاه ویژه ضبط صدا نیز استفاده گردید. به دلیل مسائل اخلاقی، قبل از شروع هر مصاحبه، برای ضبط گفتگو از مصاحبه‌شوندگان اجازه گرفته می‌شد. مصاحبه در مکان مورد توافق مصاحبه‌شونده و پژوهشگر بود. تعداد ۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان به شکل هدفمند و با توجه به شناخت تیم پژوهش و مطالعه و بررسی مقالات و پژوهش‌های علمی و تعداد ۱۲ نفر هم به شیوه گلوله برفی و با معرفی گروه اول انتخاب شدند. برای هر یک از مشارکت‌کنندگان بعد از هماهنگی زمان مصاحبه، به منظور حداکثر استفاده از اطلاعات صاحب نظران و آشنایی با کلیت موضوع و جوانب آن، نامه‌ای همراه با جزئیات و اهداف اصلی پژوهش و سئوالات مرتبط با آن توسط پست الکترونیکی یا شبکه‌های اجتماعی به مصاحبه‌شوندگان ارسال شد تا با مطالعه و آمادگی ذهنی بیشتر در مصاحبه پاسخگوی سئوالات پژوهشگر باشند. البته تغییرات لازم در سئوالات برای هر یک از مصاحبه‌شوندگان قبل و حتی حین گفتگو و با توجه به شرایط مصاحبه انجام می‌شد. پس از انجام ۱۹ مصاحبه، پژوهشگر به اشباع نظری رسید. مصاحبه‌شوندگان شامل ۴ نفر عضو هیئت علمی دانشگاه که دارای مقاله علمی چاپ شده یا کتاب تالیفی یا ترجمه‌ای بودند، ۳ نفر از مدیران باشگاه‌های ورزشی، ۳ نفر از روسای فدراسیون‌های ورزشی، ۲ نفر از مدیران رسانه‌های ورزشی، ۳ نفر از مدیران عالی وزارت ورزش و جوانان، ۲ نفر از مدیران آکادمی ملی المپیک و ۲ نفر از ورزشکاران معروف در رشته‌های مختلف بودند. انجام مصاحبه‌ها تا حد کفایت یا اشباع نظری ادامه یافت. اشباع نظری مرحله‌ای است که در آن داده‌های جدیدی در مورد مقوله پدید نیاید و روابط بین مقوله‌ها برقرار و تأیید شده است (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۷). از آنجا که نظریه‌هایی که در عرصه علوم انسانی و رفتاری ارائه می‌شوند در طول زمان قابل، اصلاح و تعدیل هستند، پژوهشگران کیفی به جای واژه اعتبار و روایی، از واژه‌های «مقبولیت» «انتقال پذیری» و «تأییدپذیری» استفاده می‌کنند که داده‌ها مورد تأیید قرار گرفتند. همچنین از پایایی بازآزمون استفاده شد و پایایی معادل ۸۸ درصد گزارش گردید. بدین شکل که ۳ مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب و هر کدام از آن‌ها توسط یک نفر متخصص مدیریت ورزشی آشنا به حیطه بازاریابی مجدد کُدگذاری شدند. سپس کُدهای مشخص شده

برای هر کدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه گردیدند. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که بین دو کدگذار با هم مشابه بودند به عنوان "توافق" و کدهای غیر مشابه به عنوان "عدم توافق" مشخص شدند. با توجه به استفاده از روش کیفی نظریه داده-بنیاد در این پژوهش، گالدینک^۱ (۲۰۰۲) بیان می‌دارد بیشتر مطالعات الگوی کدگذاری پارادایمی را برای تحلیل داده‌های حاصل از روش داده-بنیاد معرفی می‌کنند که در قالب یک فرایند کدگذاری سیستماتیک^۲ شامل سه مرحله اولیه^۳، محوری^۴ و گزینشی^۵ منجر به ایجاد این مدل می‌شود (گالدینک، ۲۰۰۲). در این تحقیق پژوهشگر سعی نموده است بر اساس نظرات صاحب نظران از پدیده مورد مطالعه (شناسایی عوامل موثر بر شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران) مقولاتی را استخراج کند و در بخش بحث و نتیجه‌گیری به بررسی گسترده‌تر هر یک از مقوله‌ها بپردازد.

یافته‌های پژوهش

۸۰

جدول ۱: کدهای اولیه و کدبندی متمرکز

ردیف	کد اولیه	کد محوری	مقوله اصلی
۱	عدم شایسته سالاری در انتخاب مدیران	ضعف مدیریتی	شرایط علی
۲	ابهام در انتصابات مدیریتی		
۳	عدم ثبات مدیریتی		
۴	نتیجه‌گرا بودن مدیران		
۵	وجود مدیران غیر ورزشی		
۶	عدم استقلال کاری		
۷	عدم مسئولیت‌پذیری		
۸	چند شغله بودن مدیران		
۹	تفویض اختیار خارج از مسئولیت		
۱۰	آشنا نبودن با قوانین و مقررات		
۱۱	عدم وجود چشم‌انداز		
۱۲	عدم برنامه‌ریزی		
۱۳	عدم وجود برنامه‌های کاری	بی‌عدالتی سازمانی	شرایط علی
۱۴	عدم توجه به نگرش و تفکرات		
۱۵	تصمیمات غلط در سازمان‌های ورزشی		
۱۶	عدم توجه به پاداش‌ها		
۱۷	عدم وجود مزایا		

1. Goulding
2. Coding systematic
3. Open coding
4. Axial coding
5. Selective coding

شرایط زمینه‌ای	نبود اخلاق حرفه‌ای	قضاوت در مورد ورزشکاران	۱۸
		بی انضباطی از سوی مدیران	۱۹
		بی انضباطی از سوی مربیان	۲۰
		بی انضباطی از سوی ورزشکاران	۲۱
		بی انضباطی از سوی عوامل اجرایی	۲۲
		عدم وجود تعهد حرفه‌ای	۲۳
		عدم وجود ایدئولوژی اخلاقی	۲۴
		در نظر گرفتن منافع شخصی	۲۵
		عدم تعهد به تیم	۲۶
		زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی	۲۷
		الگو و سرمشق از پیشکسوتان	۲۸
		عدم وفاداری به تیم	۲۹
		نهادینه کردن فرهنگ پهلوانی	۳۰
		رفتار مناسب با شئون اسلامی	۳۱
راهبرد	فرهنگ‌سازی	فرهنگ سازی از طریق توسعه رفتارهای مطلوب	۳۲
		توجیه مسئولیت‌های آگاهانه	۳۳
		احیای حس مسئولیت‌پذیری	۳۴
شرایط زمینه‌ای	باند بازی	وجود دلالان در ورزش	۳۵
		وجود باندهای مافیایی در ورزش	۳۶
		وجود خویشاوندی در ورزش	۳۷
شرایط علی	فساد سیستمی	وجود منافع ناعادلانه در ورزش	۳۸
		عدم وجود نظام دموکراتیک در ورزش	۳۹
		انحصارگرایی در قدرت	۴۰
		عدم شفافیت	۴۱
		عدم رعایت قانون	۴۲
		سوء استفاده از قدرت	۴۳
		انحصارطلبی	۴۴
		فساد در سطح کلان ورزش	۴۵
شرایط علی	عوامل ساختاری	ضعف در تشکیلات اداری	۴۶
		ضعف سیستم‌ها و روش‌ها	۴۷
شرایط علی	عوامل سازمانی	استفاده نکردن از منشور اخلاقی	۴۸
		پنهان کاری	۴۹
		نقض هنجارها	۵۰
		استفاده نادرست از الگوها	۵۱
شرایط مداخله‌گر	خلاء قوانین و مقررات	ضعف در قوانین و مقررات	۵۲
		دور زدن قوانین	۵۳
		اجرای سلیقه‌ای قوانین	۵۴
		تغییرات مداوم قوانین	۵۵
		پیروی نکردن از قوانین فدراسیون‌های ورزشی	۵۶
		سوء استفاده از قوانین	۵۷
		عدم به روز بودن قوانین	۵۸
		کمبود نظارت بر قوانین و مقررات	۵۹

شرایط علی	نقش عوامل اجرایی در ورزش	مقام پرستی	۶۰
		نفوذ و ارتباطات عوامل اجرایی	۶۱
		سهم خواهی عوامل اجرایی	۶۲
شرایط علی	سیاست سازمانی	عدم ثبات سیاسی	۶۳
		عدم تقسیم قدرت به صورت عادلانه	۶۴
		ساختار سیاسی نادرست	۶۵
		قدرت مسئولیت سیاستمداران در ورزش	۶۶
شرایط زمینه‌ای	ویژگی‌های فردی	منفعت طلبی	۶۷
		خود شیفتگی	۶۸
		میل به اختلاس	۶۹
		رانت خواری	۷۰
		جاه طلبی	۷۱
شرایط علی	منفعت و سود	نفع شخصی	۷۲
		نفع مالی	۷۳
		نفع تیمی	۷۴
		بستن قراردادهای هنگفت	۷۵
شرایط زمینه‌ای	فساد سیاسی	فضای باز سیاسی	۷۶
		پیشنهاد رشوه از سوی سیاستمداران	۷۷
		نبود آزادی رسانه‌ای برای ارائه گزارش‌های مربوط به فساد	۷۸
عوامل مداخله‌گر	فساد رسانه‌ای	انتصابات رسانه‌ای	۷۹
		گسترش شایعات فساد در رسانه‌ها	۸۰
		اعمال قدرت در رسانه‌ها	۸۱
		عدم انعکاس اخبار	۸۲
		مشارکت رسانه‌ها در فساد	۸۳
		سوق دادن نگرش افکار عمومی به دیگر مسائل در ورزش	۸۴
شرایط زمینه‌ای	فساد مالی	مستند سازی‌های مالی	۸۵
		عدم صداقت و پاک دستی مدیران	۸۶
		ابهام در صورت‌های مالی	۸۷
		فقدان سیستم ارزیابی و نرخ گذاری بازیکنان	۸۸
		عدم تفکیک بازرس قانونی از حسابرس	۸۹
		کمبود آیین نامه‌های مالی	۹۰
		عدم شفافیت‌های مالی	۹۱
		قراردادهای جعلی	۹۲
شرایط علی	نبود نظارت	کاهش نظارت	۹۳
		کمبود بازرس	۹۴
		نبود بازرس مستقل در ورزش حرفه‌ای	۹۵
شرایط مداخله‌گر	فساد در بخش خصوصی	سوء استفاده مدیران خصوصی از مدیران دولتی	۹۶
		پیشنهاد رشوه دادن مدیران شرکت‌های خصوصی به مدیران دولتی	۹۷
		لایبگری	۹۸
		پولشویی	۹۹

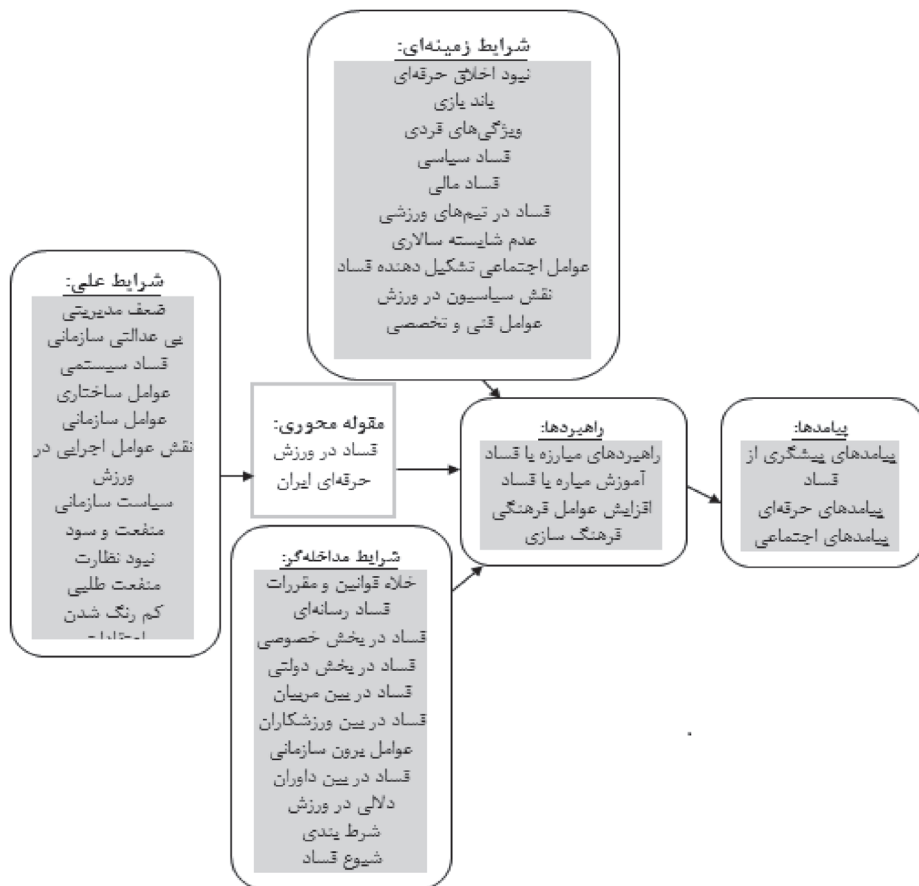
شرایط مداخله‌گر	فساد در بخش دولتی	رانت خواری از قدرت	۱۰۰
		اختلاس مدیران دولتی	۱۰۱
		عقد قرار دادهای زیان‌آور	۱۰۲
		ارتباط با	۱۰۳
		چاپلوسی برای حفظ سمت	۱۰۴
شرایط زمینه‌ای	فساد در تیم‌های ورزشی	وابستگی‌های حزبی	۱۰۵
		تبانی در نتیجه	۱۰۶
		تبانی در خرید بازیکن	۱۰۷
		رعایت نکردن بازی جوانمردانه	۱۰۸
شرایط زمینه‌ای	فساد در تیم‌های ورزشی	تخریب دیگر تیم‌ها و باشگاه‌های ورزشی	۱۰۹
		عدم وازین اخلاقی در تیم‌های ورزشی	۱۱۰
		توجه به سطح درآمد خانواده‌ها	۱۱۱
		عدم توجه به تیم‌های پایه	۱۱۲
شرایط مداخله‌گر	فساد در بین مربیان	عدم توجه به بازیکنان با درآمد پایین	۱۱۳
		تخریب مربیان	۱۱۴
		ارتباط با دلالان ورزشی	۱۱۵
		جذب بازیکنان سفارش شده	۱۱۶
		انحصاری شده نیمکت مربیگری	۱۱۷
		عدم مسئولیت‌پذیری در بین مربیان	۱۱۸
		درآمدزایی‌های نامتعارف از فروش بازیکنان	۱۱۹
		عدم رعایت احراز شرایط حرفه‌ای مربیان	۱۲۰
شرایط مداخله‌گر	فساد در بین ورزشکاران	شهرت طلبی در بین بازیکنان	۱۲۱
		شرط بندی بازیکنان با عوامل خارج از ورزش	۱۲۲
		دوپینگ بازیکنان	۱۲۳
		میل به پولدار شدن در بین بازیکنان	۱۲۴
		اعتماد به نفس کاذب در بین بازیکنان	۱۲۵
		پایبند نبود بازیکنان به باشگاه	۱۲۶
		بازیکن سالاری	۱۲۷
		جذب بازیکنان پولی	۱۲۸
		رابطه پنهان بازیکنان با دلالان	۱۲۹
		وجود مافیای در نقل و انتقالات بازیکنان	۱۳۰
		کم شدن تعصب در میان ورزشکاران	۱۳۱
شرایط مداخله‌گر	عوامل برون سازمانی	استفاده از بیت المال	۱۳۲
		نبود نظام بانکی فعال	۱۳۳
		نبود سیستم مالیاتی فعال	۱۳۴
		خصوصی سازی بدون توجه به زیرساخت‌ها	۱۳۵
		ساختار شکننده نظام مالی - اداری	۱۳۶
		سهامدار نکردن هواداران	۱۳۷
شرایط مداخله‌گر	فساد در بین داوران	عدم پرداخت حقوق داوران	۱۳۸
		چیدمان داوری بر اساس شهرت بدون توجه به زحمت داوران	۱۳۹
		ضعف مالی داوران	۱۴۰
		عدم آموزش داوران در مبارزه با فساد	۱۴۱
		نبود انسجام در تشکیلات داوری	۱۴۲

شرایط مداخلگر	دلالتی در ورزش	سوء استفاده از مدیران ناموفق	۱۴۳
		نفوذ و قدرت در رسانه‌ها ورزشی	۱۴۴
		جابه جایی مداوم بازیکنان	۱۴۵
		جابه جایی مداوم مربیان	۱۴۶
شرایط مداخلگر	شرط بندی	عدم توجه به سایت های شرط بندی از سوی مراجع قضایی	۱۴۷
		حضور مربیان، بازیکنان و داوران در سایت های شرط بندی	۱۴۸
		عضویت ارکان های اصلی ورزش در سایت های شرط بندی	۱۴۹
		شرط بندی در لیگ های پایین تر	۱۵۰
شرایط علی	منفعت طلبی	سهم خواهی مدیران و مربیان از قرارداد بازیکنان	۱۵۱
		سودجویی مدیران	۱۵۲
		میل به ستاره سازی در ورزش	۱۵۳
		نتیجه گرایی از سوی هواداران	۱۵۴
شرایط زمینه ای	عدم شایسته سالاری	انتصابات حاکمیتی در ورزش	۱۵۵
		انتصابات سیاسی در ورزش	۱۵۶
		انتصابات نابجا در ورزش	۱۵۷
		انتصابات پولی در ورزش	۱۵۸
		لایبگری در انتصابات	۱۵۹
شرایط زمینه ای	عوامل اجتماعی تشکیل دهنده فساد	پایین بودن سطح سلامت اجتماعی افراد در جامعه	۱۶۰
		از بین رفتن سرمایه های اجتماعی	۱۶۱
		از بین رفتن اعتماد اجتماعی	۱۶۲
		افزایش فاصله طبقاتی	۱۶۳
		از بین رفتن مشارکت اجتماعی	۱۶۴
		بی بند و باری از سوی افراد مشهور	۱۶۵
		نبود دموکراسی در ورزش	۱۶۶
شرایط علی	کم رنگ شدن اعتقادات	پایین آمدن تقوای افراد	۱۶۷
		دور شدن از اهداف ورزش	۱۶۸
		کم رنگ شدن ارزش های دینی	۱۶۹
		لوده سازی فضای ورزش	۱۷۰
راهبرد	راهبردهای مبارزه بافساد	نظارت و کنترل	۱۷۱
		راهبردهای حقوقی	۱۷۲
		کنترل مالی تیم های حرفه ای	۱۷۳
		پرداخت به موقع حق و حقوق	۱۷۴
		احزار شرایط حرفه ای مدیران و مربیان	۱۷۵
		حذف دلالتان در ورزش	۱۷۶
		ترویج بازی جوانمردانه	۱۷۷
		گسترش بستر رقابت طلبی	۱۷۸

راهبرد	راهبردهای مبارزه با فساد	از بین بردن روابط خارج از عرف	۱۷۹
		تشکیل بنگاه‌های اقتصادی در ورزش	۱۸۰
		استفاده از تجارب کشورهای دیگر در مبارزه با فساد	۱۸۱
		افزایش عوامل اجتماعی در ورزش	۱۸۲
		صدور به موقه و سریع احکام انضباطی	۱۸۳
		ورود نهادهای قضایی در ورزش	۱۸۴
		برخورد قضایی با مافیای دلالان ورزشی	۱۸۵
		برخورد جدی با صاحبان سایت‌های شرط بندی	۱۸۶
		توجه به تیم‌های پایه	۱۸۷
		کاهش تهدیدات سازمانی و برون سازمانی	۱۸۸
		کانال قانونی فروش و خرید بازیکن	۱۸۹
		افزایش مجازات‌ها	۱۹۰
		افزایش ارتباط با نهادهای بین المللی مبارزه با فساد	۱۹۱
		گرفتن تست‌های مکرر دوپینگ	۱۹۲
		توسعه کمیته‌های اخلاقی در ورزش	۱۹۳
		جلوگیری از قانون کپی رایت	۱۹۴
		افزایش بازرسان در سازمان‌های ورزشی	۱۹۵
		تشکیل کمیته‌های فنی	۱۹۶
		توجه به انتصابات	۱۹۷
		افزایش نهادهای مبارزه با فساد	۱۹۸
		ایجاد نهادهای مستقل برای مبارزه با فساد سازمانی	۱۹۹
راهبرد	آموزش مبارزه با فساد	جلوگیری از قدرت طلبی مدیران	۲۰۰
		افزایش کمیته‌های انضباطی در تیم‌ها	۲۰۱
		ایجاد کمیته مبارزه با فساد در تیم‌های ورزشی	۲۰۲
		توجه به آموزش ارزش‌های اخلاقی به بازیکنان	۲۰۳
راهبرد	افزایش عوامل فرهنگی	کسترش آموزش‌های اخلاقی در تیم‌های پایه	۲۰۴
		برگزاری دوره‌های آموزشی مبارزه با فساد	۲۰۵
		آشنایی بازیکنان با قوانین و مقررات	۲۰۶
پیامد	پیامدهای پیشگیری از فساد	جلوگیری از فعالیت‌های عام المنفعه و خریه افراد در عرصه ورزش	۲۰۷
		تقویت ارزش‌های فرهنگی در جامعه ورزشی	۲۰۸
		توسعه زیر ساخت‌ها	۲۰۹
		از بین بردن بازیکن سالاری	۲۱۰
		حذف دلالان ورزشی	۲۱۱
		افزایش شایسته سالاری در انتصابات	۲۱۳
		جلوگیری از افزایش جیبی قیمت‌های بازیکنان و مربیان	۲۱۴
		جلوگیری از قراردادهای نامتعارف	۲۱۵
		کاهش استفاده نکردن از مدیران بازنشسته	۲۱۶
		کاهش استفاده نکردن از مدیران دوشغله	۲۱۷
پیامد	پیامدهای پیشگیری از فساد	کاهش تخلفات	۲۱۸
		جلوگیری از قطبی شدن ورزش	۲۱۹

پیامد	پیامدهای حرفه‌ای	افزایش تیم‌های سازنده	۲۲۰
		افزایش حس جذابیت و کیفیت بازی‌ها	۲۲۱
		واقعی بودن نتایج	۲۲۲
		توسعه و پیشرفت در ورزش	۲۲۳
		توسعه ورزش حرفه‌ای	۲۲۴
پیامد	پیامدهای اجتماعی	افزایش انگیزه	۲۲۵
		کاهش پول پرستی	۲۲۶
		افزایش هواداران	۲۲۷
		آرامش اجتماعی	۲۲۸
شرایط مداخلگر	شیوع فساد	ممانعت از رقابت سالم	۲۲۹
		دید منفی به ارکان ورزش	۲۳۰
		فساد اداری در بدنه ورزش	۲۳۱
		افزایش بی‌انگیزگی	۲۳۲
		بدبینی هواداران به نتایج	۲۳۳
		پارتی بازی در ورزش	۲۳۴
		کپی رایت در ورزش	۲۳۵
		شهرت طلبی افراد خاص	۲۳۶
		توجه به شهرت طلبی از سوی مدیران	۲۳۷
		حاکم بودن فساد پنهان بر محیط ورزش حرفه‌ای	۲۳۸
شرایط علی	ماهیت فساد	ساختار ناسالم	۲۳۹
		مشکلات سخت افزاری	۲۴۰
		ورود پول هنگفت در ورزش	۲۴۱
		فساد ریشه‌ای	۲۴۲
		تهدیدات سازمانی از سوی افراد با نفوذ	۲۴۳
شرایط زمینه‌ای	نقش سیاسیون در ورزش	نقش آفرینی سیاسیون در ورزش	۲۴۴
		استفاده ابزاری از ورزش در سیاست به عنوان عاملی برای رشد واسطه‌گری	۲۴۵
		سهم خواهی جریان‌ات سیاسی در ورزش	۲۴۶
		نفوذ و دخالت سیاسیون در ورزش	۲۴۷
		رانت سیاسی در ورزش حرفه‌ای	۲۴۸
		وجود ارتباطات سیاسی غیر متعارف	۲۴۹
		سیاست زدگی ساختار ورزش جهت ترویج واسطه‌گری	۲۵۰
شرایط زمینه‌ای	عوامل فنی و تخصصی	نبستن قرار دادهای حرفه‌ای	۲۵۱
		بی‌قاعده بودن دستمزدها	۲۵۲
		ورود مالکان خصوصی گزینش نشده به ورزش	۲۵۳
		نبود بنگاه‌های اقتصادی در بدنه ورزش	۲۵۴

بعد از کدگذاری مرحله به مرحله مفاهیم به دست آمده، تعداد ۲۵۴ کد اولیه غیر تکراری به دست آمد که در قالب ۴۰ مقوله طبقه‌بندی شدند.



شکل ۱: مدل عوامل موثر بر شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، جهان شاهد رشد بی سابقه آگاهی نسبت به پیامدهای گسترش فساد بوده است. سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و نهادهای جامعه مدنی، فساد را به عنوان مانعی جدی برای تحقق حقوق شهروندی، دموکراسی، رشد کیفی و ثبات ملی و بین‌المللی مورد ارزیابی قرار می‌دهند. فساد، گذشته از آن که از نظر اخلاقی ناپسند است، بیشتر به آن علت که سبب بروز بسیاری از ناکارآمدی‌ها و دشواری‌ها برای تحول و توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌شود، به کانون توجه بسیاری از اقتصاددانان، متخصصان علوم سیاسی و پژوهشگران علوم مدیریت تبدیل شده است (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹). از این رو، پژوهش حاضر به دنبال شناسایی عوامل موثر بر شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران است. نتایج حاصل از کدگذاری‌ها نشان داد که شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران بر مبنای عوامل مختلفی قرار دارد. لذا زمانی که مکانیسم اثر این

عوامل به‌درستی شناسایی و تشخیص داده شود می‌توان شاهد رشد علمی و پیشگیری از شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران بود. در ادامه این عوامل به صورت جداگانه مطرح و در مورد آنها بحث می‌شود.

در این پژوهش یکی از عواملی که در خصوص شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران مورد بررسی قرار گرفت، شرایط علی بود. شرایط علی، مجموعه‌ای از عوامل اصلی به وجود آورنده پدیده مورد مطالعه می‌باشند (اشتراوش و کوربین، ۱۹۹۰). در این پژوهش شرایط علی شامل دوازده عامل بود: ۱) ضعف مدیریتی، ۲) بی‌عدالتی سازمانی، ۳) فساد سیستمی، ۴) عوامل ساختاری، ۵) عوامل سازمانی، ۶) نقش عوامل اجرایی در ورزش، ۷) سیاست سازمانی، ۸) منفعت و سود، ۹) نبود نظارت، ۱۰) منفعت طلبی، ۱۱) کم‌رنگ شدن اعتقادات و ۱۲) ماهیت فساد. این یافته‌ها با نتایج مطالعات هنری و محمودی (۱۳۹۸)، محمودی و همکاران (۱۳۹۷)، لام (۲۰۱۹)، تیگو^۱ (۲۰۱۶)، مسترز^۲ (۲۰۱۵) و زویتر^۳ (۲۰۱۴) همخوان بود. یکی از مهم‌ترین این عوامل با عنوان «ضعف مدیریتی» بود شامل موارد زیر بود: عدم شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران، ابهام در انتصابات مدیریتی، عدم ثبات مدیریتی، نتیجه‌گرا بودن مدیران، وجود مدیران غیر ورزشی، عدم استقلال کاری، عدم مسئولیت‌پذیری، چند شغله بودن مدیران، تقویض اختیار خارج از مسئولیت، آشنا نبودن با قوانین و مقررات، عدم وجود چشم‌انداز و عدم برنامه‌ریزی. پینتو و همکاران^۴ (۲۰۰۸) بیان کردند زمانی که در سازمان طرح وظایف و تفکیک فعالیت‌های افراد یا بخش‌ها وجود ندارد، زمینه برای بروز سوء استفاده در افراد سازمان ایجاد می‌شود (پینتو و همکاران، ۲۰۰۸). در تبیین این نتایج می‌توان گفت برای جلوگیری از فساد در ورزش حرفه‌ای ایران، مسئولان ارشد و در سطوح پایین‌تر مدیران تیم‌های پایه و مدیران باشگاه‌های ورزشی باید مدیران شایسته‌ای را انتخاب نمایند. باید این فرصت را برای مدیران فراهم کنند تا زیر بناهای مهم را ایجاد و بتوانند با چشم‌انداز دراز مدت فساد را از بدنه سیستم ورزش حذف کنند. همچنین برای مدیران جوان‌تر باید دوره‌های آموزشی در نظر گرفته شود و آنان را با قوانین و مقررات جدید آشنا کرد تا بتوانند در سازمان ورزشی خود راه‌های پیشگیری و مبارزه با فساد را شناسایی کنند و قدم‌های مثبتی بردارند. از دیگر عوامل مهم شرایط علی، فقدان نظارت بود که شامل موارد زیر است: کاهش نظارت، کمبود بازرس و نبود بازرس مستقل در ورزش حرفه‌ای. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که نبود نظارت باعث می‌شود تا نظام‌ها از کار بیفتند و فساد در ورزش حرفه‌ای ایران شکل بگیرد. به نظر می‌رسد باید نگاه ویژه‌ای به این بحث شود، چراکه با اعمال نظارت‌های بیشتر و همچنین افزایش بازرسان مستقل در سازمان‌های ورزشی می‌توان از بروز فساد در ورزش حرفه‌ای ایران جلوگیری کرد.

یکی دیگر از عوامل مهم در زمینه شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران، شرایط زمینه‌ای بود. شرایط زمینه‌ای، مجموعه خصوصیات ویژه است که به پدیده‌ای دلالت می‌کند (اشتراوش و کوربین، ۱۹۹۰). در این پژوهش شرایط زمینه‌ای شامل ۱۰ عامل بود: ۱) نبود اخلاق در ورزش حرفه‌ای، ۲) باندبازی، ۳) ویژگی‌های

1. Teague
2. Masters
3. Zitzewitz
4. Pinto et al.

فردی، ۴) فساد سیاسی، ۵) فساد مالی، ۶) فساد در تیم‌های ورزشی، ۷) عدم شایسته سالاری، ۸) عوامل اجتماعی تشکیل دهنده فساد، ۹) نقش سیاسیون در ورزش و ۱۰) عوامل فنی و تخصصی. این یافته‌ها با نتایج مطالعات شفيعی و افروزه (۱۳۹۷)، محمودی و همکاران (۱۳۹۷)، وو و تانگ^۱ (۲۰۱۹) آتونوپولوس و بایرر (۲۰۱۹)، مانولیو همکاران (۲۰۱۹)، یلماز و همکاران (۲۰۱۸) و مانینگ (۲۰۰۵) همخوان بود. یکی از مهم‌ترین این عوامل فساد مالی بود. فساد مالی در این پژوهش شامل مستند سازی های مالی، عدم صداقت و پاک دستی مدیران، ابهام در صورت‌های مالی، فقدان سیستم ارزیابی و نرخ گذاری بازیکنان، عدم تفکیک بازرس قانونی از حسابرس، کمبود آیین نامه‌های مالی، عدم شفافیت‌های مالی و قراردادهای جعلی بود. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که طی سال‌های اخیر شاهد کشف و آشکار سازی موارد متعددی از مفاسد مالی کلان در ورزش حرفه‌ای کشور بوده‌ایم. از طرف دیگر، جایگاه ورزش کشور در شاخص‌های فساد منتشر شده توسط سازمان شفافیت بین‌الملل، مطلوب نیست. بارها مقام معظم رهبری و سایر مسئولان عالی کشور بر تلاش در جهت پیشگیری و برخورد با مفاسد اقتصادی تاکید نموده و دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های متعددی در این زمینه تصویب و کمیسیون‌ها و کارگروه‌های متعددی جهت پیگیری ایجاد شده است. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری نیز بر نظارت و پیشگیری و مقابله با مفاسد اقتصادی در جهت ایجاد رونق اقتصادی تاکید شده است. به نظر می‌رسد عدم توجه به ریشه‌های بروز فساد در ورزش و عدم تدوین راهکارهای مناسب جهت تضعیف یا محدود کردن این ریشه‌ها، از دلایل عدم کسب نتیجه مطلوب در مبارزه با فساد مالی می‌باشد. از دیگر موارد مهم شرایط زمینه‌ای، فساد سیاسی بود. فساد سیاسی در این پژوهش شامل فضای باز سیاسی، پیشنهاد رشوه از سوی سیاستمداران و نبود آزادی رسانه‌ای بود. آکتان^۲ (۱۹۹۳) فساد سیاسی را به استفاده از قدرت از جانب مقامات دولتی در بالاترین سطوح و افراد منتخب شامل قانون‌گذاران یا شبکه مرتبط با ایشان به منظور کسب منافع نامشروع خصوصی (فردی یا گروهی) تعریف کرده است (آکتان، ۱۹۹۳). فساد سیاسی مشخصاتی را نشان می‌دهد که به تمامی بخش‌های جامعه گسترش می‌یابد. فساد اقتصادی، فساد علمی و غیره همگی فسادهای سیاسی هستند که در نهادها و قوانین سیاسی ظاهر می‌شوند که به درستی شکل نگرفته است. فساد سیاسی در فرآیندهای سیاسی ظاهر می‌شود و در ارتباط بین بازیگران سیاسی رخ می‌دهد که در فرآیندهای سیاسی نقش دارند. بازیگر سیاسی که به دلیل فساد سیاسی، از حق تصمیم‌گیری برخوردار شده، از قدرت سیاسی و اختیاراتش برای نقض قوانین، قواعد و همچنین معیارهای اخلاقی استفاده می‌کند (آکتان، ۱۹۹۷). در تبیین این نتایج می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین زمینه‌های اصلی ایجاد فساد سیاسی در جامعه، رواج رابطه سالاری است که در جامعه دو آفت مهم را دامن می‌زند: نخست آن که مردم به شدت نسبت به نخبگان سیاسی بدبین می‌شوند که چنین پدیده‌ای به ضرر نظام و حاکمیت تمام می‌شود. دومین اثر نیز بی‌اعتمادی به ساختار و ناامیدی از آن است که در روندی زمانی به تمایز، فاصله گذاری و انقطاع افراد جامعه از حکومت می‌انجامد. بنابراین مقابله با زمینه‌های شکل‌گیری فساد سیاسی در ورزش

1. Wu & Tang

2. Aktan

می‌تواند هم زمان با مقابله با فساد سیاسی، فساد اقتصادی را نیز کاهش دهد. از این رو، الزام به پاسخگویی، پذیرش مسئولیت، شفافیت و عمل به قانون در کنار اصلاح قوانین نظارتی و پیگیری و کنترل مستمر فعالیت‌های سازمان‌ها و نهادهای مختلف می‌تواند تا میزان بالایی زمینه‌های فساد سیاسی در ورزش را از بین ببرد.

یکی دیگر از عواملی که در زمینه شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران مورد بررسی قرار گرفت، شرایط مداخله‌گر بود. شرایط مداخله‌گر، عواملی هستند که بر راهبردها اثرگذار هستند (اشتراوش و کوربین، ۱۹۹۰). در این پژوهش شرایط مداخله‌گر شامل ۱۱ عامل بود: (۱) خلاء قوانین و مقررات، (۲) فساد رسانه‌ای، (۳) فساد در بخش خصوصی، (۴) فساد در بخش دولتی، (۵) فساد در بین مربیان، (۶) فساد در بین ورزشکاران، (۷) فساد در بین داوران، (۸) عوامل برون سازمانی، (۹) دلالتی در ورزش، (۱۰) شرط‌بندی و (۱۱) شیوع فساد. این یافته‌ها با نتایج شفیع‌ی و افروزه (۱۳۹۷)، محمودی و همکاران (۱۳۹۶)، مسترز (۲۰۱۵) و گورس، چادویک (۲۰۱۰) و راموس^۱ (۲۰۰۹) همخوان بود. از مهم‌ترین عوامل مداخله‌گر می‌توان به خلاء قوانین و مقررات اشاره کرد. خلاء قوانین و مقررات در این پژوهش شامل ضعف در قوانین و مقررات، دور زدن قوانین، اجرای سلیقه‌ای قوانین، تغییرات مداوم قوانین، پیروی نکردن از قوانین فدراسیون‌های ورزشی، سو استفاده از قوانین، عدم به روز بودن قوانین و کمبود نظارت بر قوانین و مقررات بود. به نظر می‌رسد که وجود قوانینی که از جامعیت کاملی برخوردار نیست، راه فرار از قانون و عدم اجرای آن را در کشور تشدید کرده است. از سوی دیگر، برخی مجریان قوانین خوب و بازدارنده را به درستی اجرا نمی‌کنند. لذا هسته فساد اداری و غیره شکل گرفته است. بنابراین باید در قوانین تجدید نظر کرد و قوانین سختی برای مبارزه با فساد در ورزش حرفه‌ای کشور اتخاذ نمود و برای افراد خاطی نیز مجازات‌های سنگینی در نظر گرفت. از دیگر عوامل مهم می‌توان به فساد در بین مربیان، ورزشکاران و داوران اشاره کرد.

یکی دیگر از عوامل شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران راهبردها بود. راهبردها، راه‌حل‌هایی هستند که برای مواجهه با پدیده ارائه می‌شوند (اشتراوش و کوربین، ۱۹۹۰). راهبردها در این پژوهش شامل ۴ عامل بود: (۱) راهبردهای مبارزه با فساد، (۲) آموزش مبارزه با فساد، (۳) افزایش عوامل و (۴) فرهنگ‌سازی. از عوامل مهم راهبردها می‌توان به راهبردهای مبارزه با فساد اشاره کرد. این یافته‌ها با نتایج محمودی و همکاران (۱۳۹۷) و حسنی و شمس (۱۳۹۱) همخوان است. حسنی و شمس (۱۳۹۱) بیان کردند شفافیت‌گرایی، ترویج فرهنگ وظیفه‌گرایی و احیای حس مسئولیت‌پذیری از عوامل مبارزه با فساد است. راهبردهای مبارزه با فساد در این پژوهش شامل موارد زیر بود: نظارت و کنترل، راهبردهای حقوقی، کنترل مالی تیم‌های حرفه‌ای، پرداخت به موقع حق و حقوق، احراز شرایط حرفه‌ای مدیران و مربیان، حذف دلالان در ورزش، ترویج بازی جوانمردانه، گسترش بستر رقابت طلبی، از بین بردن روابط خارج از عرف، تشکیل بنگاه‌های اقتصادی در ورزش، استفاده از تجارب کشورهای دیگر در مبارزه با فساد، افزایش عوامل اجتماعی در ورزش، صدور به موقع و صریح احکام انضباطی، ورود نهادهای قضایی در ورزش، برخورد قضایی با مافیا و دلالان ورزشی، برخورد جدی با صاحبان سایت‌های شرط‌بندی، توجه به تیم‌های پایه، کاهش تهدیدات سازمانی و برون سازمانی، کانال قانونی فروش و

خرید بازیکن، افزایش مجازات‌ها، افزایش ارتباط با نهادهای بین‌المللی مبارزه با فساد، گرفتن تست‌های مکرر دوپینگ، توسعه کمیته‌های اخلاقی در ورزش، جلوگیری از قانون کپی‌رایت، افزایش بازرسان در سازمان‌های ورزشی، تشکیل کمیته‌های فنی، توجه به انتصابات، افزایش نهادهای مبارزه با فساد، ایجاد نهادهای مستقل برای مبارزه با فساد سازمانی، جلوگیری از قدرت طلبی مدیران، افزایش کمیته‌های انضباطی در تیم‌ها و ایجاد کمیته مبارزه با فساد در تیم‌های ورزشی. می‌توان گفت برای اینکه فساد در ورزش حرفه‌ای ایران ریشه کن شود باید به راهبردها توجه شایانی کرد. همچنین یکی دیگر از عوامل مهم در راهبردها، فرهنگ‌سازی است. فرهنگ‌سازی در این پژوهش شامل فرهنگ‌سازی از طریق توسعه رفتارهای مطلوب، توجیه مسئولیت‌های آگاهانه و احیای حس مسئولیت‌پذیری بود. می‌توان گفت که یکی از عوامل موثر با فساد فرهنگ‌سازی است. فرهنگ‌سازی در سنین پایه بنیان‌گذاری اصول اخلاقی در جامعه است، چرا که چنانچه افراد یک جامعه به اصول اخلاقی پایبند باشند، ناهنجاری آن جامعه به شدت کاهش خواهد یافت.

آخرین عاملی که در زمینه شکل‌گیری فساد در ورزش حرفه‌ای ایران مورد بررسی قرار گرفت، پیامدها بود. پیامدها، شرایطی هستند که در صورت شکل‌گیری پدیده وجود می‌آیند (اشتراوش و کوربین، ۱۹۹۰). پیامدها در این پژوهش شامل سه عامل (۱) پیامدهای پیشگیری از فساد، (۲) پیامدهای حرفه‌ای و (۳) پیامدهای اجتماعی بود. با توجه به نظر صاحب‌نظران پیامدهای پیشگیری از فساد از مهم‌ترین عوامل هستند. در این پژوهش پیامدهای پیشگیری از فساد شامل موارد زیر بود: توسعه زیرساخت‌ها، از بین بردن بازیکن سالاری، حذف دلالتان ورزشی، افزایش شایسته‌سالاری در انتصابات، جلوگیری از افزایش حبابی قیمت‌های بازیکنان و مربیان، جلوگیری از قراردادهای نامتعارف، کاهش استفاده نکردن از مدیران بازنشسته، کاهش استفاده نکردن از مدیران دوشغله، کاهش تخلفات و جلوگیری از قطعی شدن ورزش.

امید است که مسئولان و مدیران ورزشی بتوانند از این پیامدهای به دست آمده نهایت بهره‌وری را ببرند و شاهد بروز اتفاقات مثبتی در راستای مبارزه با فساد در ورزش حرفه‌ای ایران بود.

با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود که فدراسیون‌ها و حتی باشگاه‌های ورزشی به ایجاد یک سیستم نظارتی مشخص بر عملکرد مربیان، داوران، ورزشکاران و مدیران بپردازند. همچنین با توجه به اینکه یکی از عوامل به وجود آمدن فساد در ورزش حرفه‌ای ایران وجود بسترهای قانونی، مقررات پیچیده، قوانین مبهم و سایر موارد مشابه است، پیشنهاد می‌شود با تدوین قوانین و سیاست‌های ورزش حرفه‌ای بر اساس قوانین بین‌المللی موجود در فدراسیون‌ها و قوانین رسمی کشور در جهت کاهش فساد در ورزش حرفه‌ای گام برداشته شود.

منابع

- زارع، علیرضا؛ حیدری نژاد، صدیقه و شتاب بوشهری، سیده ناهید. (۱۳۹۵). «عوامل موثر بر بروز فساد اداری و روش‌های کنترل آن در وزارت ورزش و جوانان». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. ۳ (۴)، صص ۴۵-۵۵.
- شفیعی، شهرام و حکیمه، افروزه. (۱۳۹۷). «شناسایی و تبیین مولفه‌های موثر در بروز فساد در فوتبال ایران». دو ماهنامه مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۰ (۴۷)، صص ۳۹-۶۶.
- محمودی، احمد؛ هنری، حبیب؛ یونسی، جلیل و شهلائی باقری، جواد. (۱۳۹۶). «تدوین الگوی عوامل بروز فساد در صنعت فوتبال». فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۳۸، صص ۵۵-۷۲.
- محمودی، احمد؛ هنری، حبیب؛ یونسی، جلیل و شهلائی باقری، جواد. (۱۳۹۷). «کاوش عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر بروز فساد در صنعت فوتبال ایران». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۰ (۴)، صص ۶۶۱-۶۸۵.
- هنری، حبیب و محمودی، احمد. (۱۳۹۸). «تبیین الگوی کمی عوامل بروز فساد در صنعت فوتبال ایران با رویکرد نظریه داده بنیاد». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. ۶ (۲)، صص ۱۴۵-۱۶۳.
- تفت، آرین. (۱۳۹۳). «مقایسه تطبیقی محدودیت‌های حاکم بر آزادی مطبوعات در نظام حقوقی ایران و انگلستان». فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی.
- Aktan, C. (1997). "Siyasal Patoloji ve Siyasal Yozlaşma". Yeni Türkiye: Siyasette Yozlaşma Özel Sayısı, 11(14), 66-75.
- Aktan, C. C. (1993). "Posta Ve Telekomünikasyon Hizmetlerinde Yeniden Yapılanma Ve Özelleştirme Uygulamaları (Abd İngiltere Örnekleri)". İktisat İşletme ve Finans, 8(92), 55-73.
- Andvig, J. C., Fjeldstad, O. H., Weltzien, Å., Amundsen, I., Sissener, T. K., & Soreide, T. (2001). **Corruption. A review of contemporary research.**
- Ashforth, B. E., & Anand, V. (2003). "The normalization of corruption in organizations". Research in organizational behavior, 25, 1-52.
- Bac, M. (1998). "The scope, timing, and type of corruption". International Review of Law and Economics, 18(1), 101-120.
- Becker, G. S., & Stigler, G. J. (1974). "Law enforcement, malfeasance, and compensation of enforcers". The Journal of Legal Studies, 3(1), 1-18.
- Brasz, H. A. (1970). **The sociology of corruption.** In A. J. Heidenheimer (Ed.), **Political corruption: Readings in comparative analysis.** N.Y.: Holt, Rinehart and Winston.
- Bricknell, S. (2015). "Corruption in Australian sport". Trends and issues in crime and criminal justice, (490), 1.
- Brooks, G., Aleem, A., & Button, M. (2013). "Introduction: Fraud, Corruption and Sport". In *Fraud, Corruption and Sport (pp. 1-11)*. Palgrave Macmillan, London.
- Buraimo, B., Migali, G., & Simmons, R. (2016). "An analysis of consumer response to corruption: Italy's Calciopoli scandal". Oxford Bulletin of Economics and Statistics,

78(1), 22-41.

- Campbell, J. L., & Göritz, A. S. (2014). **“Culture corrupts! A qualitative study of organizational culture in corrupt organizations”**. Journal of business ethics, 120(3), 291-311.
- Cashmore, Ellis, and Jamie Cleland. (2014). **Football’s Dark Side: Corruption, Homophobia, Violence and Racism in the Beautiful Game**. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Collins, J. D., Uhlenbruck, K., & Rodriguez, P. (2009). **“Why firms engage in corruption: A top management perspective”**. Journal of Business Ethics, 87(1), 89-108.
- Den Nieuwenboer, N. A., & Kaptein, M. (2008). **“Spiraling down into corruption: A dynamic analysis of the social identity processes that cause corruption in organizations to grow”**. Journal of Business Ethics, 83(2), 133-146.
- Dimant, E., & Deutscher, C. (2015). **“The economics of corruption in sports: the special case of doping”**. Edmond J. Safra Working Papers, (55).
- Gardiner, J. A (2002). **“Defining Corruption”**. In: A.J. Heidenheimer, and M. Johnston (Eds.), *Political Corruption: Concepts and Contexts*. New Brunswick and London: Transaction Publishers. pp: 25–40.
- Gorse S, Chadwick S. (2011). **“The prevalence of corruption in international sport”**. Report Gambling Association, 11: 1-41.
- Gorse, S., & Chadwick, S. (2010). **“Conceptualizing corruption in sport: Implications for sponsorship programmers”**. The European Business Review, 2010, 40-45.
- Gorsira, M., Steg, L., Denkers, A., & Huisman, W. (2018). **“Corruption in organizations: Ethical climate and individual motives”**. Administrative Sciences, 8(1), 4.
- Goulding, C. (2002). **Grounded theory: A practical guide for management, business and market researchers**. Sage.
- Gross, M. (2011). **Organizations of corrupt individuals: a study of corruption in international cricket and the Catholic Church**.
- Hacker, F. (1981). **“Sozial psychologische Bedingungen der Korruption”**. In C. Brnner (Ed.), *Korruption und Kontrolle*. Böhlau, Wien.
- Heidenheimer, A. J. (2002). **“Perspectives on the perception of corruption”**. In A. J. Heidenheimer, & M. Johnston (Eds.), *Political corruption: Concepts and contexts*. N.J.: Transaction Publisher, New Brunswick.
- Jennings, A. (2006). **Foul! The secret world of FIFA: Bribes, vote rigging and ticket scandals**. (p. 61). London: HarperSport.
- Johnston, M. (2005). **Syndromes of corruption: wealth, power, and democracy**. Cambridge University Press.
- Karapetian, S. (2001). **“Russian law and the struggle against corruption, Russia on-**

- Russia**". 4. Corruption in Russia. March. Moscow: Moscow School of Political Studies. Centre for Post-Collectivist Studies, pp: 21-25.
- Khan, M. H. (1996). **"A typology of corrupt transactions in developing countries"**. *Ids Bulletin*, 27(2), 12-21.
 - Lam, E. T. (2019). **Corruption in Sport: Causes, Consequences, and Reform**.
 - Liu, J., & Lin, B. (2012). **"Government auditing and corruption control: Evidence from China's provincial panel data"**. *China Journal of Accounting Research*, 5(2), 163-186.
 - Luo, Y. (2005). **"An organizational perspective of corruption"**. *Management and Organization Review*, 1(1), 119-154.
 - Maennig, W. (2005). **"Corruption in international sports and sport management: Forms, tendencies, extent and countermeasures"**. *European Sport Management Quarterly*, 5(2), 187-225.
 - Maennig, W. (2005). **"Corruption in international sports and sport management: Forms, tendencies, extent and countermeasures"**. *European Sport Management Quarterly*, 5(2), 187-225.
 - Maennig, W. (2008). **"Corruption in international sports and how it may be combated"**. *International Association of Sports Economists & North American Association of Sports Economists, Working Paper Series*, 08-13.
 - Manoli, A. E., Antonopoulos, G. A., & Bairner, A. (2019). **"The inevitability of corruption in Greek football"**. *Soccer & Society*, 20(2), 199-215.
 - Masters A. (2015). **"Corruption in sport: From the playing field to the field of policy"**. *Policy and Society*, 1;34(2):111-23.
 - McKusker, R. (2006). **"Review of Anti-Corruption Strategies"**. Australian Institute of Criminology: Technical and Background Paper, 23, Canberra: Australian Institute of Criminology.
 - McLaren, R. H. (2008). **"Corruption: Its impact on fair play"**. *Marq. Sports L. Rev.*, 19, 15.
 - Min, K. S. (2019). **"The effectiveness of anti-corruption policies: measuring the impact of anti-corruption policies on integrity in the public organizations of South Korea"**. *Crime, Law and Social Change*, 71(2), 217-239.
 - Myint, U. (2000). **"Corruption: Causes, consequences and cures"**. *Asia pacific development journal*, 7(2), 33-58.
 - Nica, E., & Potcovaru, A. M. (2014). **"The social construction of organizational reality"**. *Psycho sociological Issues in Human Resource Management*, 2(2), 56-61.
 - Numerato, D. (2009). **"The media and sports corruption: An outline of sociological understanding"**. *International Journal of Sport Communication*, 2(3), 261-273.

- Nye, J. S. (1967). **“Corruption and political development: A cost-benefit analysis”**. American political science review, 61(2), 417-427.
- Pitt, L. F., & Abratt, R. (1986). **“Corruption in business—are management attitudes right?”** Journal of Business Ethics, 5(1), 39-44.
- Rabbiosi, L., & Santangelo, G. D. (2019). **“Host country corruption and the organization of HQ–subsidiary relationships”**. Journal of International Business Studies, 50(1), 111-124.
- Rabl, T., & Kühlmann, T. M. (2008). **“Understanding corruption in organizations—development and empirical assessment of an action model”**. Journal of business ethics, 82(2), 477.
- Ramos, M. A. (2009). **Game, set, match-fixing: Will international anti-doping initiatives pave the way for similar reform for corrupt betting in tennis**. Hous. J. Int'l L., 32, 201.
- Rose-Ackerman, S., & Palifka, B. J. (2016). **Corruption and government: Causes, consequences, and reform**. Cambridge university press.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1997). **Grounded theory in practice** Sage. Thousand Oaks CA.
- Tanzi, V. (1998). **“Corruption around the world: Causes, consequences, scope, and cures”**. Staff Papers, 45(4), 559-594.
- Treisman, D. (2000). **“The causes of corruption: a cross-national study”**. Journal of public economics, 76(3), 399-457.
- Van Duyne, P. C. (2001). **“Will caligula go transparent? Corruption in acts and attitudes”**. Forum on Crime and Society, 1, 73-95.
- von Arnim, H. H. (2003). **Korruption in Politik und Verwaltung**.
- Yilmaz S, Manoli AE, Antonopoulos, G.A. (2018). **“An anatomy of Turkish football match-fixing”**. Trends in Organized Crime, 23:1-9.
- Zyglidopoulos, S. C., & Fleming, P. J. (2008). **“Ethical distance in corrupt firms: How do innocent bystanders become guilty perpetrators?”** Journal of Business Ethics, 78(1-2), 265-274.



شناسایی عوامل موثر بر تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی‌های المپیک

اکبر بهتری^۱

فریده اشرف گنجویی^۲

محمد رضا اسمعیلی^۳

doi: 10.22034/SSYS.2022.476

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۳/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۷/۲۸

هدف از این پژوهش، شناسایی عوامل موثر بر تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی‌های المپیک است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی، از نظر روش شناسی کیفی با استفاده از نظریه داده-بنیاد و مبتنی بر روش نوحاسته است. جامعه آماری این پژوهش را اسناد منتشر شده پیرامون عوامل موثر بر تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی‌های المپیک و آرای ۱۹ نفر از صاحب نظران (اعضای هیئت علمی دانشگاه، نایب رئیس فدراسیون کشتی، دبیر فدراسیون کشتی، سرمربی تیم ملی کشتی ایران و کارشناسان کشتی) تشکیل می دادند. نمونه گیری به صورت هدفمند انجام گرفت و تا رسیدن مصاحبه ها به مرحله اشباع نظری ادامه یافت. داده ها از طریق مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته جمع آوری شدند و روایی پژوهش بر اساس معیارهای «مقبولیت»، «انتقال پذیری» و «تأییدپذیری» مورد تایید قرار گرفت. پایایی تحقیق معادل ۸۵ درصد گزارش شد و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار مکس کیودا نسخه ۲۰۱۸ انجام گردید.

نتایج نشان داد که سه عامل (۱) موانع تثبیت، (۲) عوامل تسهیل کننده و (۳) عوامل توسعه دهنده می توانند

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار، مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Ganjoei@yahoo.com

۳. دانشیار، مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

در تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی‌های المپیک تاثیرگذار باشند. نتیجه آن که با نگاهی درست مانند بالا بردن هیجان مسابقات، تصویب قوانین و مقررات جدید، توسعه این ورزش در بین کودکان و نوجوانان و توسعه کشتی در کشورهایی نوپا از سوی فدراسیون جهانی کشتی می‌توان موانع را به حداقل رسانید و راه را برای عوامل تسهیل‌کننده مهیا ساخت تا در نهایت با بهره‌گیری از عوامل توسعه‌دهنده موجبات تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی‌های المپیک هموار شود.

واژگان کلیدی: بازی‌های المپیک، عوامل تسهیل‌کننده، عوامل توسعه‌دهنده، موانع تثبیت و ورزش کشتی

مقدمه

امروزه یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های توسعه و پیشرفت واقعی کشورها ورزش می‌باشد (پرونا، تریبالدوس و بهدور^۱، ۲۰۱۸)، چرا که ورزش یکی از عوامل تامین‌کننده سلامت جسمانی و روانی افراد جامعه محسوب می‌شود (هوگو، ترزا و پیرا دوارته^۲، ۲۰۱۸). در واقع، یکی از علل سرمایه‌گذاری بالای کشورها در زمینه توسعه ورزش، تأثیر بر شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه است (هیوم و استوارت^۳، ۲۰۱۷) که تقویت وجهه و اعتبار آن کشور در عرصه جهانی را نیز در پی خواهد داشت (جانستون، مگ و شاپ^۴، ۲۰۱۸). امروزه ورزش نقش بسزایی را در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کند و به جزء جدانشدنی بسیاری از خانوارهای جهان تبدیل شده است (محمدی، ۱۳۹۵). از جمله فعالیت‌های مرتبط با ورزش، شرکت در بازی‌های المپیک است. المپیک، بزرگ‌ترین و پر مخاطب‌ترین نمایش ورزشی در جهان است (بیلینگز^۵، ۲۰۰۸؛ ساگدن و تاملینسون^۶، ۲۰۰۲ و ونر و بیلینگز^۷، ۲۰۱۷). با این حال، بازی‌های المپیک امروزه به خصوص برای مخاطبان جوان‌تر که الگوهای ورزشی آن‌ها از نسل‌های قبلی متفاوت است، مورد توجه قرار گرفته است (سندرسون، کسینگ و بیلینگز^۸، ۲۰۱۱؛ لاینز^۹، ۲۰۰۰؛ رونه و گیلmour^{۱۰}، ۲۰۱۰؛ تورپ و ویتون^{۱۱}، ۲۰۱۷؛ ونر، ۲۰۱۰ و ونر و بیلینگز^{۱۲}، ۲۰۱۷). همگام با گستره وسیعی از فعالیت‌های روزمره برای پرکردن اوقات فراغت از جمله: اینترنت، موسیقی، و بازی‌های ویدیویی، ورزش‌هایی که در تلویزیون (تلویزیون خانگی) نمایش داده می‌شوند، به طور فزاینده‌ای برای جلب توجه مخاطبان جوان به خصوص پسران نوجوان رقابت می‌کنند. چنین تغییراتی منجر به کاهش تعداد مخاطبان جوان المپیک (چانگ^{۱۳}، ۲۰۱۶) و همچنین موجب کاهش میزان مخاطبان جوان ورزش‌های انفرادی و تیمی محبوب مانند کشتی، بسکتبال و بیس بال در ایالات متحده شده است (کلت و راسل^{۱۴}، ۲۰۰۹ و کورند و کارپ^{۱۵}، ۲۰۱۲). میانگین سنی مخاطبان المپیک، امروزه به یک دغدغه تبدیل شده است (تورپ و ویتون^{۱۵}، ۲۰۱۱). این امر سبب شده که کمیته بین‌المللی سیاست‌ها و تدابیر جدیدی اتخاذ کند و به دنبال اجرای تدابیری برای جذب مخاطبان جوان‌تر مانند معرفی بازی‌های

1. Pruna, Tribaldos & Bahdur
2. Hugo, Teresa & Pereira Duarte
3. Hume & Stewart
4. Janston et al.
5. Billings
6. Sugden & Tomlinson
7. Wenner & Billings
8. Sanderson, Kassing & Billings
9. Lines
10. Rowe & Gilmour
11. Thorpe & Wheaton
12. Chang
13. Kellett & Russell
14. Ourand & Karp
15. Thorpe & Wheaton

المپیک جوانان^۱ (YOG) و کانال تلویزیونی اینترنتی المپیک^۲ (۲۰۱۶) باشد. راهبرد کلیدی دیگر، تمرکز بر ورزش‌های جوان‌پسند در هر دو المپیک تابستانی (به عنوان مثال، موج‌سواری، دوچرخه‌سواری کوهستان و دوچرخه موتورکراس) و نیز زمستانی (به عنوان مثال، ورزش اسنو بردینگ و اسکی کراس) (بیالیک^۳، ۲۰۰۲ و تورپ و ویتون، ۲۰۱۱) بوده است. همچنین در سال‌های گذشته با توجه به اینکه ورزش‌های اکشن علاقه‌مندان زیادی دارد و یک صنعت رو به رشد است (بنت و لاچوتز^۴، ۲۰۰۴، ص. ۲۳۹؛ کلت و راسل^۵، ۲۰۰۹ و واکر، سوروکا، و کلت^۶، ۲۰۰۵)، کمیته بین‌المللی المپیک قصد دارد چنین ورزش‌های را جایگزین ورزش‌هایی مثل کشتی کند تا بتواند از این طریق مخاطبان جوان بیشتری را جذب نماید. کمیته بین‌المللی المپیک تلاش‌هایی راهبردی برای پاسخ به این گرایش‌ها ارائه کرده است، اما این تلاش‌ها بدون حاشیه و نقد نبوده‌اند (تورپ و ویتون، ۲۰۱۱). همچنین کمیته بین‌المللی المپیک در تلاش است که تغییراتی در روند برگزاری و نحوه انتخاب ورزش‌های المپیکی ایجاد کند تا از این طریق بتواند روز به روز بر جذابیت مسابقات بیفزاید و با این تغییرات مخاطبان بیشتری را در سراسر جهان جذب کند (تورپ و ویتون، ۲۰۱۱). برای نشان دادن این تغییرات، کمیته بین‌المللی المپیک راهبرد‌هایی از این دست را در دستور کار خود قرار داده است. به عنوان مثال، می‌توان به ورزش اسنو بردینگ^۷ اشاره کرد که گنجاندن آن در المپیک از نگاه کمیته بین‌المللی المپیک و رسانه‌های جمعی موفقیت آمیز بوده است (دیلمن^۸، ۲۰۱۰).

باید اذعان داشت که کمیته بین‌المللی المپیک تلاش‌های زیادی را انجام داده است؛ چنان‌که در سال ۲۰۱۶، تلاش کرد تا کاری مشابه در بازی‌های المپیک تابستانی انجام دهد و اعلام کرد که موج‌سواری، اسکیت بورد و کوهنوردی در بازی‌های تابستانی ۲۰۲۰ توکیو گنجانده خواهند شد. رئیس کمیته بین‌المللی المپیک توماس باخ گفت: «ما می‌خواهیم ورزش را به سمت جوانان بیاوریم. با انتخاب‌های بسیاری که جوانان دارند، ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که آن‌ها به طور خودکار به سمت ما بیایند، بلکه ما باید به سمت آنها برویم» (برگرفته از مقاله جونز^۹، ۲۰۱۶). در سال‌های گذشته مطالعاتی پیرامون این موضوع انجام گرفته و این مسئله به یک دغدغه برای پژوهشگران تبدیل شده است. معصومی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر در خطر حذف کشتی از بازی‌های المپیک پرداختند. نتایج مطالعات آنها نشان داد که عوامل شش‌گانه مدیریتی، فنی، تجاری، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی به ترتیب از عوامل مهم و موثر خطرزا در حذف کشتی از بازی‌های المپیک هستند. عوامل مدیریتی بیش‌ترین و عوامل سیاسی کم‌ترین رتبه و میزان اهمیت را در این زمینه دارا بودند. بر اساس مدل از نظر تاثیرگذاری، عوامل مدیریتی از بیش‌ترین تاثیرگذاری

1. Youth Olympics Games
2. Olympic Internet TV Channel
3. Bialik
4. Bennett & Lachowetz
5. Kellett & Russell
6. Walker, Soroka, & Kellett
7. Snowboarding
8. Dillman
9. Cited In Jones

و تعامل با متغیرهای دیگر و عوامل فرهنگی نیز از کم‌ترین تاثیرگذاری برخوردار هستند. سازمان‌های متولی ورزش کشتی باید به این عوامل اثرگذار توجه و روش‌ها و ابزارهای مختلفی را به کار گیرند تا با کسب مزیت رقابتی نسبت به سایر ورزش‌ها، حضوری دائمی و مستمر در عرصه بازی‌های المپیک داشته باشند. همچنین تورپ و ویتون (۲۰۱۹) در پژوهشی، تعهد و سیاست تغییرات پیشنهاد شده با دستور کار المپیک ۲۰۲۰ برای مطالعه فرایندهایی گنجانیدن ورزش‌های موج‌سواری، اسکیت بورد و کوه‌نوردی جهت جذاب‌تر شدن بازی‌های المپیک به برنامه توکیو ۲۰۲۰ را بررسی کردند. نتایج حاکی از آن بود که گنجانیدن این سه ورزش جوان‌پسند، همراه با کاراته و بیس بال توسط کمیته بین‌المللی المپیک به عنوان جامع‌ترین برنامه تکاملی المپیک در عصر حاضر است. ریورا رالبس^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی الگوی فرهنگی مشارکت زنان در کشتی را بررسی کرد. نتایج مطالعه او بیانگر آن بود که گفتمان‌های رایج مردان، شیوه‌ها و زیرساخت‌ها هنوز مانع مهمی برای توسعه کشتی زنان در اسپانیاست. در پژوهش دیگری ویتون و تورپ (۲۰۱۸) پیشنهاد کردند که ورزش‌های اکشن می‌تواند به جذب مخاطبان جوان در بازی‌های المپیک تابستانی کمک کند. همچنین معتقد بودند که ورزش اکشن ممکن است کمیته بین‌المللی المپیک را با بازارهای پرسود جدید روبه‌رو سازد (ویتون و تورپ، ۲۰۱۸). تعجب‌آور نیست که کمیته بین‌المللی المپیک به دنبال الهام گرفتن از رویدادهای رسانه‌ای ورزشی موفق مانند بازی‌های X، در تلاش است با مخاطبان جوان‌تر ارتباط برقرار کند (تورپ و ویتون، ۲۰۱۷). با این حال، کمیته بین‌المللی المپیک همواره تلاش می‌کند با گنجانیدن ورزش‌های مانند موج‌سواری، اسکیت بورد و کوه‌نوردی در المپیک تابستانی ۲۰۲۰ توکیو، بین نسل Y و نسل X ارتباط برقرار کند. گنجانیدن این ورزش‌ها (همراه با بیس بال، سافت بال و کاراته) حاصل برنامه کاری المپیک ۲۰۲۰ با هدف جوان‌پسند نشان دادن بازی‌های المپیک است (تورپ و ویتون، ۲۰۱۹).

با آن که ورزش کشتی یکی از اولین ورزش‌ها در المپیک باستان و مدرن بوده است، ولی اکنون در خطر حذف شدن از بازی‌های المپیک قرار دارد و از جایگاه باثباتی برخوردار نیست. از این رو، پژوهش حاضر می‌تواند به تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی‌های المپیک کمک کند. به نظر می‌رسد که کمیته بین‌المللی المپیک در صدد آن است که مخاطبان جوان بیشتری را جذب کند و به دلیل آنچه که در پژوهش‌های پیشین اشاره شد، مخاطبان جوان بیشتر ورزش‌های اکشن و هیجانی را می‌پسندند. به دلیل آنکه در سال‌های اخیر ورزش کشتی در بین ورزش‌دوستان از هیجان کافی برخوردار نبوده، کمیته بین‌المللی المپیک قصد دارد که این ورزش را از بازی‌های المپیک حذف کند و ورزش‌های دیگری را جایگزین کند. در یکصدد و بیست و پنجمین اجلاس کمیته بین‌المللی المپیک در بوینس آیرس آرژانتین (۲۰۱۳) بعد از حذف ورزش‌های بیس بال و اسکواش، ورزش کشتی تا المپیک ۲۰۲۴ ابقا شد، اما هنوز هم خطر حذف از المپیک پابرجاست. بر این اساس باید فدراسیون جهانی کشتی تدابیری اتخاذ کند تا بتواند این ورزش را در بازی‌های المپیک تثبیت کند و جایگاه این رشته را در بازی‌های المپیک حفظ نماید. ورزش کشتی که از قدمت چند هزار ساله در بین جوامع کهن برخوردار است، از دیرباز تا به امروز جایگاه و مرتبه‌ای ویژه دارد (معصومی و همکاران، ۱۳۹۵). کشتی

ورزشی است که در بین بیشتر ملل جهان رواج داشته است و تا قبل از پیدایش نهضت المپیک و قانونمند شدن ورزش در میان جوامع بشری با اندک تفاوتی به آن می پرداخته اند (کریم نژاد، ۱۳۹۳). هنگامی که بازی‌های المپیک در سال ۱۸۹۶ دوباره احیا شد، کشتی به صورت رسمی معرفی شد و عمدتاً به این دلیل بود که ورزش‌های رزمی تن به تن^۱ بخش مهمی از بازی‌های قدیمی یونان باستان را تشکیل می داد. برگزار کنندگان آتن برنامه خود را با گنجاندن مسابقه کشتی به عنوان «فینال بزرگ»^۲ ترتیب دادند، چون کاملاً مشخص بود که این رویه در چارچوب برنامه مسابقات المپیک ۱۵۰۰ سال قبل نیز بوده است. کشتی و بوکس در بازی‌های ۱۹۰۴ و ۱۹۰۸ به عنوان ورزش‌های ثابت در برنامه احیای المپیک گنجانده شدند و در همه بازی‌های المپیک مدرن از سال ۱۹۲۰ به بعد هم برگزار گردیده اند (ساینگا^۳، ۱۹۹۵).

کشتی این ورزش پرطرفدار نیازمند نگاه جدی مسئولان فدراسیون بین‌المللی کشتی و کمیته بین‌المللی المپیک است تا جایگاه آن در مسابقات المپیک حفظ شود. لازم است مسئولان و سازمان‌های مربوط به کشتی ابزارهای مختلف را به کار گیرند و برای حضور دائمی و مستمر این رشته محبوب در بازی‌های المپیک تلاش کنند. بر این اساس در پژوهش حاضر این سوال مطرح است:

عوامل موثر بر تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی‌های المپیک کدام اند؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی، از نظر روش شناسی کیفی با استفاده از نظریه داده-بنیاد و مبتنی بر رویکرد گلیزر (۱۹۷۸) است. جامعه آماری این پژوهش را اسناد منتشر شده پیرامون عوامل موثر بر تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی‌های المپیک و آرای ۱۹ نفر از صاحب‌نظران (اعضای هیئت علمی دانشگاه، نایب رئیس فدراسیون کشتی، دبیر فدراسیون کشتی، سرمربی تیم ملی کشتی ایران و کارشناسان کشتی) تشکیل می دادند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام گرفت و تا رسیدن مصاحبه‌ها به مرحله اشباع نظری ادامه یافت. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شدند.

این پژوهش شامل چندین مرحله بود؛ بدین صورت که پژوهشگر بعد از پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام شده، کدهای مفهومی را از متن مصاحبه‌ها شناسایی کرد. متن مصاحبه‌ها تجزیه و تحلیل شد- تجزیه و تحلیل داده‌ها هم‌زمان و به‌طور مستمر با جمع‌آوری داده‌ها انجام گرفت. با این روش، مفاهیم آشکار و پنهان مشخص شدند. در این پژوهش، سه مرحله کدگذاری شامل کدگذاری باز^۴، کدگذاری محوری^۵ و کدگذاری انتخابی^۶ به اجرا درآمد. در کدگذاری باز، متن هر مصاحبه چند بار خوانده شد و جملات اصلی آن استخراج و به‌صورت کدهایی ثبت شد. در کدگذاری اولیه، پژوهشگر از کلمات مورد استفاده مصاحبه‌شوندگان و

1. Hand-To-Hand
2. Grand Finale
3. Sayenga
4. Open Coding
5. Axial Coding
6. Selective Coding

کدهای دلالت کننده (برداشت های پژوهشگر از گفته ها) استفاده کرد. سپس، کدهایی که به لحاظ مفهومی با یکدیگر مشابه بودند، در یک دسته قرار گرفتند. در فرایند کدگذاری، واحدهای معنایی از بیان و گفته های مشارکت کنندگان که نشان دهنده تجارب آن ها بود، استخراج شدند و پس از کدگذاری و خلاصه کردن داده ها بر اساس تشابهات و تفاوت ها، طبقه بندی کدها انجام گردید. طبقات با هم مقایسه شدند و از تحلیل و تفسیر این داده ها، درون مایه ها یا مقوله های انتزاعی تر استخراج شدند. در کدگذاری محوری، پژوهشگر یک مقوله کدگذاری باز را انتخاب می کند و آن را به عنوان مقوله یا پدیده اصلی، در مرکز فرایند قرار می دهد. سپس، سایر مقوله های مرتبط با آن را در آن دسته قرار می دهد. در این مرحله، کدها و دسته های اولیه که در کدگذاری باز ایجاد شدند، با یکدیگر مقایسه شدند و علاوه بر ادغام موارد مشابه، دسته هایی که به یکدیگر مربوط می شدند، حول محور مشترکی قرار گرفتند. برای توسعه مفاهیم، در مرحله کاستن، طبقه هایی که با هم ارتباط داشتند، در یک طبقه قرار گرفتند. در مرحله آخر، فرایند کدگذاری انتخابی اجرا شد. در این مرحله، طبقه ای که بیشترین فراوانی را داشت، متغیر اصلی در نظر گرفته شد. در این پژوهش، تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی های المپیک، مقوله اصلی در نظر گرفته شد و بقیه متغیرها، حول محور آن قرار گرفتند. از آنجا که نظریه هایی که در عرصه علوم انسانی و رفتاری ارائه می شوند در طول زمان قابل اصلاح و تعدیل هستند، پژوهشگران کیفی به جای واژه اعتبار و روایی، از واژه های «مقبولیت»^۱، «انتقال پذیری»^۲ و «تأیید پذیری»^۳ استفاده کردند و مورد تایید قرار گرفتند. همچنین از پایایی بازآزمون استفاده شد و پایایی معادل ۸۵ درصد گزارش گردید. بدین شکل که سه مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب و هر کدام از آن ها توسط یک نفر متخصص مدیریت ورزشی آشنا به حیطه بازاریابی مجدد کدگذاری شدند. سپس کدهای مشخص شده برای هر کدام از مصاحبه ها با هم مقایسه گردیدند. در هر کدام از مصاحبه ها، کدهایی که بین دو کدگذار با هم مشابه بودند به عنوان «توافق» و کدهای غیر مشابه به عنوان «عدم توافق» مشخص شدند. در این پژوهش به منظور تحلیل داده ها از نرم افزار مکس کیودا^۴ نسخه ۲۰۱۸ بهره گرفته شد.

$$\text{درصد پایایی باز آزمون} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

1. Credibility
2. Transferability
3. Dependability
4. MAXQDA

جدول ۱: میزان درصد پایایی از طریق روش کدگذاری مجدد

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی
۱	P2	۹	۴	۲	۰/۸۸۸
۲	P5	۱۲	۵	۲	۰/۸۳۳
۳	P11	۷	۳	۱	۰/۸۵۷
	کل	۲۸	۱۲	۵	۰/۸۵۷

یافته‌های پژوهش

در این روش پس از گردآوری داده‌ها و تنظیم آنها به صورت نوشتاری، بخش‌هایی از متن‌های نوشتاری مثل عبارت و یا جمله انتخاب و به صورت اطلاعات کدگذاری شده، شماره‌گذاری گردیدند. در ضمن کدگذاری باز، داده‌ها به بخش‌های مجزا خرد شدند و برای به دست آوردن مشابهت‌ها و تفاوت‌ها، با دقت بررسی و پرسش‌هایی درباره پدیده‌ها که داده‌ها حاکی از آن‌اند، مطرح گردید. پس از تلخیص اولیه داده‌ها و حذف جملات زائد و تکراری، مفاهیم اولیه مصاحبه‌ها (مرحله کدگذاری اولیه) شامل ۴۴ کد اولیه به دست آمد:

جدول ۲: کدهای اولیه و کدبندی متمرکز

کد اولیه	کد متمرکز شده	کد محوری
تغییر مقررات	محدودیت‌های مقرراتی	بی‌ثباتی ورزش به دلیل تغییر مقررات
		عدم مقررات مطلوب
		تغییر ساعت برگزاری مسابقات
	محدودیت‌های قانونی	تغییرات علمی و با تفکر در قوانین
		تغییر قوانین کشتی
		ثبات قوانین در کشتی
		رعایت استانداردها
		کم درآمد بودن ورزش کشتی
موانع زمینه‌ای	کمبود درآمد کشتی	
	کمبود تماشاگر ورزش کشتی	
	هزینه بالای شرکت در مسابقات	
	عدم برگزاری لیگ جهانی در ورزش کشتی	
	عدم توسعه و گسترش ورزش کشتی	
	ساختار ضعیف فدراسیون جهانی	
	عدم درآمد زایی کشتی‌گیران بعد از دوران قهرمانی	

کد اولیه	کد متمرکز شده	کد محوری
جذب حامی مالی	جذب حامی مالی	بسترسازی جذب حامی مالی
جذب حامیان مالی جدید		
تشویق حامی مالی با برگزاری مسابقات با کیفیت	اعطای تسهیلات به حامیان مالی	
مجاوب کردن شرکت ها برای جذب حامی مالی		
حمایت مالی از کشورهای فقیر	فرهنگ حمایت مالی	بسترسازی جذب حامی مالی
تغییر مدیریت	استفاده از افراد باتجربه	تأمین منابع انسانی
بهره‌گیری از مدیران خلاق	استفاده از مدیران متخصص	
داشتن مدیر قوی در کمیته بین‌المللی المپیک	داشتن مدیر قوی	
توسعه کشتی در کشورهای توسعه نیافته	توسعه کشتی	پویایی توسعه
توسعه کشتی در قاره‌ها		
توسعه کشتی در کشورهای نوپا		
توسعه ورزش کشتی در مدارس		
توسعه کشتی در سازمان‌هایی دانش‌آموزی		
الگو برداری از دیگر فدراسیون‌ها برای توسعه کشتی		
سرمایه‌گذاری در توسعه ورزش کشتی		
سابقه و قدمت ورزش کشتی در المپیک	سابقه و قدمت در المپیک	پیش زمینه
قدمت ورزش کشتی در المپیک		
برگزاری مسابقات در مکان معروف	برگزاری مسابقات در مکان معروف	برگزاری
برگزاری مسابقات در مدارس و دانشگاه‌ها	برگزاری مسابقات در مدارس و دانشگاه‌ها	
برگزاری مسابقات در کشورهای مختلف	برگزاری مسابقات در کشورهای مختلف	
برگزاری مسابقات جایزه بزرگ	مسابقات جایزه بزرگ	
برگزاری مسابقات به صورت منسجم	مسابقات منسجم	
برنامه‌ریزی برای برگزاری مسابقات	برنامه‌ریزی برای مسابقات	
بالا بردن سطح آگاهی	ارتقاء سطح آگاهی	آگاهی‌رسانی
برگزاری کلاس‌های ارتقای سطح کیفی مربیان و ورزشکاران در سطح جهان	تقویت پتانسیل‌ها	
جذاب کردن کشتی از طریق سایت‌ها و رسانه‌ها	ترغیب و تشویق	همگانی و فراگیر شدن
ایجاد فرهنگ قهرمانی در ورزش کشتی	فراگیر شدن	
به کارگیری نماد در البسه کشتی	ایده‌های نوین	نوگرایی
طراحی جدید سالن برگزاری مسابقات	بهره‌گیری از فناوری	

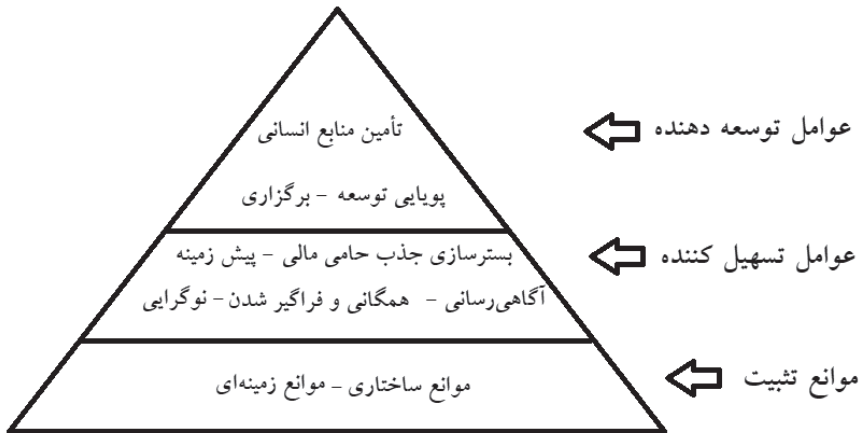
در این قسمت کدگذاری‌های محوری به صورت ترکیبی و محتوای هر یک از آن‌ها در قالب کدهای نظری قرار داده شدند. شیوه کدگذاری‌های نظری به شرح جدول ۳ است:

جدول ۳: کدگذاری نظری (گزینشی)

کد نظری	کد محوری	نشانگر
موانع تثبیت	موانع ساختاری	P1, P2, P3, P12, P18, P19
	موانع زمینه‌ای	P1, P2, P5, P6, P9, P11, P13
عوامل تسهیل کننده	بسترسازی جذب حامی مالی	P1, P3, P4, P5, P7, P10, P16, P17
	پیش زمینه	P2, P4, P8, P10, P14, P15, P19
	آگاهی‌رسانی	P3, P8, P10, P11, P15, P18
	همگانی و فراگیر شدن	P1, P8, P9, P12, P13, P17, P18
	نوگرایی	P1, P3, P4, P6, P9, P11, P13, P14, P16, P17
عوامل توسعه دهنده	تأمین منابع انسانی	P2, P8, P10, P11, P12, P13, P18, P19
	پویایی توسعه	P2, P3, P5, P7, P8, P10, P14, P16
	برگزاری	P3, P4, P8, P9, P11, P12, P15, P18, P19

۱۰۶

در این پژوهش برای نمایش کدهای نظری و قابل فهم بودن آن‌ها لایه‌های تفکیک شده ارائه می‌شود و براساس قرار گرفتن لایه‌ها در کنار هم، مدل نهایی پژوهش عرضه می‌گردد.



شکل ۱: مدل نهایی عوامل موثر بر تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی‌های المپیک

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از کدگذاری ها نشان داد که تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی های المپیک تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار دارد. لذا زمانی که مکانیسم اثر این عوامل به درستی شناسایی و تشخیص داده شود می توان شاهد تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی های المپیک بود. در ادامه این عوامل به صورت جداگانه مطرح و در ارتباط با آنها به بحث پرداخته می شود. از آنجا که در مورد موضوع حاضر مطالعه خاصی انجام نشده یا محقق دریافت نکرده است، در این پژوهش پیرامون مقوله های به دست آمده به صورت کلی بحث خواهد شد.

با توجه به نتایج به دست آمده می توان گفت برای اینکه ساز و کار تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی های المپیک فراهم شود باید سه عامل (۱) موانع تثبیت، (۲) عوامل تسهیل کننده و (۳) عوامل توسعه دهنده مورد توجه قرار گیرند.

نتایج موانع تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی های المپیک بیانگر آن بود که دو مانع (۱) ساختاری و (۲) زمینه ای برای تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی های المپیک وجود دارد. از آنجا که مطالعه ای مرتبط با پژوهش حاضر موجود نمی باشد، نمی توان مقایسه دقیقی با پژوهش های گذشته انجام داد و در بحث، بررسی و مقایسه نتایج به صورت کلی صورت گرفته است. نتایج مطالعه ریورا رالبس (۲۰۱۹) بیانگر این آن بود که گفتمان های رایج مردان، شیوه ها و زیرساخت ها هنوز مانع مهمی برای توسعه کشتی زنان در اسپانیا هستند. همچنین، عدم توسعه ورزش کشتی در دیگر کشورها یا به عبارتی تنزل این کشورها در زمینه کسب عناوین و افتخارات بین المللی در زمینه کشتی آزاد و فرنگی طی دو دهه اخیر ریشه در عوامل ساختاری دارد و با اتخاذ قوانین و مقررات نادرست موانع ساختاری نمود پیدا کرده است. بنابراین تلاش برای بازگشت به دوره شکوفایی این ورزش نیازمند توجه بیشتر به این موانع و اولویت بندی برای حذف آنهاست. در بحث موانع زمینه ای، بیشتر کمبود مربوط به درآمد کشتی و ساختار ضعیف فدراسیون جهانی که به صورت سنتی و سلیقه ای عمل کرده، مطرح شده است. علی رغم وجود شرکت های بزرگ، متاسفانه از آنها حمایت زیادی نمی شوند و توجه مالی و افزایش اعتبارات و جذب حامیان مالی از طریق بخش خصوصی و فرهنگ خصوصی سازی در زمینه ورزش کشتی می توان به پیشرفت این رشته کمک کرد. برای پیشرفت کشتی باید مدیران کارآمد، متخصص و با تجربه در راس امور و برنامه ریزی قرار گیرند.

نتایج نشان داد که عوامل تسهیل کننده زیر در تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی های المپیک نقش دارند: (۱) بستر سازی جذب حامی مالی، (۲) پیش زمینه، (۳) آگاهی رسانی، (۴) همگانی و فراگیر شدن و (۵) نوگرایی. تورپ و ویتون (۲۰۱۱) بیان کردند که کمیته بین المللی المپیک در تلاش است تغییراتی در روند برگزاری و نحوه انتخاب ورزش های المپیکی ایجاد کند تا بتواند از این طریق روز به روز بر جذابیت مسابقات بیفزاید و با این تغییرات مخاطبان بیشتری را در سراسر جهان جذب کند (تورپ و ویتون، ۲۰۱۱). با توجه به این که کمیته ملی المپیک در حال تغییرات برای جذاب کردن بازی های المپیک است، توجه به مسائل تسهیل کننده در تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی های المپیک اهمیت بالایی دارد. یکی از مهم ترین عوامل مهم تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی های المپیک بستر سازی جذب حامیان مالی است. رشیدلیمیر، خیبری، گودرزی و

جلالی فراهانی (۱۳۹۶) در پژوهشی به الگوسازی عوامل درون سازمانی موثر بر جذب حامیان مالی در ورزش کشتی پرداختند. نتایج مطالعه آنها بیانگر آن بود که در بررسی عوامل درون سازمانی هفت عامل به ترتیب بیشترین نقش را در جذب حامیان مالی در کشتی داشتند: (۱) عوامل سیستم بازاریابی، (۲) منابع مالی، (۳) تولید عملیات، (۴) عوامل مدیریتی، (۵) منابع انسانی، (۶) سیستم اطلاعات و تحقیق و (۷) توسعه.

می‌توان گفت که حمایت مالی ورزشی از شیوه‌های مهم سرمایه‌گذاری در ورزش و از محورهای اصلی بازاریابی ورزشی است که در سایه آن رویدادها سازمان‌دهی می‌شوند و مورد حمایت قرار می‌گیرند. حمایت ورزشی از مهم‌ترین منابع درآمدی در ورزش امروزی به شمار می‌رود (بنار، رضائی‌نژاد، اندام، محدث و میرکاظمی، ۱۳۹۱). با توجه به این نتایج می‌توان گفت که با تغییر در قوانین و مقررات فدراسیون کشتی، جذاب کردن مسابقات کشتی در سطح بین‌المللی و همگانی کردن این ورزش در بین کشورهای دنیا می‌توان شاهد حضور پر رنگ شرکت‌کنندگان به این ورزش بود. با حضور این شرکت‌کنندگان شرکت‌ها راغب خواهند بود که در مسابقات بین‌المللی به خصوص مسابقات المپیک از ورزش کشتی حمایت کنند و با انجام چنین اقداماتی شاهد تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی‌های المپیک خواهیم بود. از دیگر عوامل مهم تسهیل‌کننده تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی‌های المپیک می‌توان به نوگرایی اشاره کرد. در زمینه تحول و نوگرایی در ورزش به ویژه ورزش کشتی که مخاطبان فراوانی در سراسر دنیا دارد، می‌توان با بهره‌گیری از ایده‌های نوین و فناوری جایگاه این ورزش را در کشورهای نوپا ارتقا داد تا علاقه‌مندان بیشتری به این رشته گرایش پیدا کنند و با انجام برنامه‌ریزی درست و بلندمدت می‌توان شاهد تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی‌های المپیک بود.

نتایج نشان داد که عوامل توسعه‌دهنده زیر موجب تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی‌های المپیک می‌شوند: (۱) تأمین منابع انسانی، (۲) پویایی توسعه و (۳) برگزاری. فلینت و ورانیکا^۱ (۲۰۱۶) معتقدند که اگر چه کشورهای زیادی به منافع حاصل از پرورش و تقویت سطوح بالای موفقیت‌های ورزشی پی برده‌اند، اما روند سطوح مختلف عملکردها نشان می‌دهد که کسب موفقیت در المپیک و رویدادهای مهم جهانی، روز به روز محتمل‌تر خواهد شد؛ مگر آن که کشف استعدادها، حالتی سازمان‌یافته‌تر یابد و در زمینه ورزش به خصوص ورزش قهرمانی برنامه‌ای برای توسعه وجود داشته باشد. گودرزی و هنری (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود برای تدوین نظام جامع کشتی دریافتند که مدیریت و رعایت اصول علمی آن در اداره فدراسیون و هیئت‌ها، توجه به بعد علمی ورزش کشتی، تهیه و استفاده بهینه و بهره‌ور از امکانات و زیر ساخت‌های کشتی کشور، ایجاد ارتباطات مردمی، دولتی، رسانه‌ای در کشتی، توجه به مسابقات در سطوح مختلف و گرایش به شایسته سالاری در رشد و توسعه این رشته ورزشی بسیار مؤثر اند. یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه‌دهنده، پویایی توسعه بود. در بررسی فرایند پویایی توسعه هر پدیده‌ای، توجه به عوامل و علل تشکیل دهنده آن در دستیابی به نتیجه مورد نیاز مؤثر است. ورزش کشتی نیز به عنوان بخش تفکیک‌ناپذیری از فرایند تعلیم و تربیت، از این قاعده مستثنی نیست. واحد پژوهش و توسعه، از هر دو راه تشخیص مشکل یا ترویج برای توسعه اقدام به تحلیل سیستمی یا بررسی وضعیت‌های سازمانی می‌کند که این وضعیت‌های سازمانی بر اساس عوامل تشکیل دهنده، متنوع و

متغیرند. پویایی توسعه در رشته کشتی به عنوان متغیر مورد بررسی پژوهش نقش محوری دارند و از سه مقوله (۱) توسعه ورزش کشتی در دانش آموزان، ۲، الگو برداری و ۳) سرمایه گذاری تشکیل شده است. یکی دیگر از عوامل توسعه دهنده تأمین منابع انسانی بود. در عصر حاضر، منابع انسانی به عنوان یکی از گرانبهاترین منابع همواره مورد توجه قرار گرفته و مبنایی برای دستیابی به مزیت رقابتی برای شرکت ها و سازمان ها بوده است. طرح جامع توسعه نیروی انسانی ورزش کشتی می تواند راهبرد توسعه این ورزش را در بعد منابع انسانی تبیین کند. کشورهایی که در ورزش پیشرفت داشته اند، سعی کرده اند با ارائه برنامه های توسعه و ایجاد ساختار مناسب در جهت گسترش آن گام بردارند. آخرین عامل توسعه دهنده، برگزاری بود. نتایج مطالعات عسکری، کوزه چیان و ضیائی (۱۳۹۴) بیانگر آن بود که موانع فرهنگی، جغرافیایی و رسانه ای، مسائل مالی، مدیریت و برنامه ریزی، زیرساخت ها، امکانات و تجهیزات، برگزاری مسابقات و اردوها، مسائل آموزشی و فناوری، نیروی انسانی و کشف و پرورش استعداد به ترتیب به عنوان مهم ترین موانع کسب مدال در رشته کشتی در استان های ناموفق ایران می باشند. با توجه به اهمیت این عوامل در توسعه رشته ورزشی کشتی به مسئولان ورزش کشور پیشنهاد می شود با تدارک برنامه های مناسب و حل مشکلات موجود، زمینه مدال آوری کشتی گیران این استان ها در بازی های مهم المپیک را فراهم آورند. می توان گفت که با برگزاری مسابقه در میادین معروف شهرها و مکان های روباز و برگزاری مسابقات در مدارس و دانشگاه ها جذابیت های این ورزش را دوجندان کرد. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می شود با استفاده از شیوه های مناسب در مراکز استعدادیابی به کشف استعداد های کشتی پرداخته شود و سپس با هدایت این افراد فعال در مسیر رو به جلو، در جهت شکوفا کردن این خلاقیت ها تلاش لازم به کار رود تا موجبات همگانی کردن ورزش کشتی در کشورهای نوپا فراهم شود. همچنین از آنجا که مهم ترین عوامل تسهیل کننده تثبیت جایگاه ورزش کشتی در بازی های المپیک بستر سازی جذب حامی مالی بود، با سرمایه گذاری صحیح در بخش دولتی و خصوصی می توان به تسهیل ورزش کشتی کمک کرد. با توجه به این که توسعه ورزش، ایجاد و بهبود فرصت های لازم برای مشارکت ورزشی در سطوح مختلف و دستیابی به اهداف مورد نظر به بهترین وجه به امکانات و تجهیزات مطلوب و مناسب نیاز دارد، لذا به مسئولان و دست اندرکاران ورزش کشتی توصیه می شود که در کسب اطلاعات از آخرین امکانات و تجهیزات به روز دنیا و سپس فراهم نمودن این تجهیزات، در پیشبرد اهداف مورد نظر بکوشند. در نهایت از آنجا که ضعف نظام اطلاع رسانی و تبلیغات مشهود بود و همچنین با توجه به این که رسانه ها می توانند هم به عنوان دشمن و هم به عنوان تسهیل کننده فساد و ایجاد موانع ارتقای ورزش عمل کند، توصیه می شود که با در نظر داشتن تأثیر این مسئله، ضمن دستیابی به منابع مالی بیشتر، موانع رقابتی و پیشرفتی را از میان بردارند.

به پژوهشگران آتی پیشنهاد می شود تا در مورد موانع توسعه کشتی آزاد و فرنگی در دیگر کشورها از دیدگاه مربیان، ورزشکاران و کارشناسان پیراوند و دلایل عدم پیشرفت کشتی را در کشورهای نوپا و کشورهای آفریقایی که از سرمایه انسانی بالایی برخوردارند، دریابند.

منابع

- بنار، نوشین؛ رمضانی نژاد، رحیم؛ اندام، رضا؛ محدث، فاطمه و میرکاظمی، سیده عذرا. (۱۳۹۱). «طراحی مدل تصمیم‌گیری حمایت مالی در ورزش ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۴، صص ۱۳-۲۴.
- رشیدلمیر، امین؛ خیبری، محمد؛ گودرزی، محمود و جلالی فراهانی، مجید. (۱۳۹۶). «الگوسازی عوامل درون سازمانی موثر بر جذب حامیان مالی در ورزش کشتی کشور». پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش. ۹ (۲)، صص ۸۵-۹۹.
- عسگری، بهمن؛ کوزه چیان، هاشم و ضیائی، علی. (۱۳۹۴). «شناسایی و رتبه‌بندی موانع توسعه کشتی در استان‌های ناموفق ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۳۳، صص ۴۷-۶۰.
- کریم‌زاده، افشین. (۱۳۹۳). کشتی آزاد (مجموعه‌ای از تمرین‌های بدنسازی، قوانین کشتی و آسیب‌های ورزش). انتشارات آستان قدس رضوی.
- گودرزی، محمود و هنری، حبیب. (۱۳۸۶). «طراحی و تدوین نظام جامع ورزش کشتی کشور». پژوهش در علوم ورزش. ۱۴، صص ۳۳-۵۳.
- محمدی، حسین. (۱۳۹۵). «سرمایه‌گذاری و اهمیت آن در تحقق اهداف اقتصادی سند پیشرفت». پنجمین کنفرانس اسلامی ایرانی پیشرفت، الگوی پایه پیشرفت.
- معصومی، حسن؛ غرایان‌زند، حسن؛ پاژوند، مهدی و قریشیان، حسین. (۱۳۹۵). «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر در خطر حذف کشتی از بازی‌های المپیک». پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۱۲ (۲۴)، صص ۲۴۳-۲۷۴.
- Bennett, G., & Lachowetz, T. (2004). "Marketing to lifestyles: Action sports and Generation Y". Sport Marketing Quarterly, 13(4), 239-243.
- Bialik, C. (2002). "NBC's bid to woo young to Olympics". Media Life Magazine.
- Billings, A. C. (2008). **Olympic media: Inside the biggest show on television**. Routledge
- Chang, C. (2016, August 17). "How the Olympics lost millennials". New Republic. Retrieved from <https://newrepublic.com/article/136096/olympics-lost-millennials>.
- De Bosscher, V., De Knop, P., Van Bottenburg, M., & Shibli, S. (2006). "A conceptual framework for analyzing sports policy factors leading to international sporting success". European sport management quarterly, 6(2), 185-215.
- De Moraes, L. (2018). "Shaun White's gold lands NBC's highest Pyeong Chang Olympics ratings peak to date". Retrieved from <http://deadline.com/2018/02/shaun-white-gold-nbchighest-pyeongchang-olympics-ratings-peak-to-date-1202288095>.
- Dillman, L. (2010). "Snowboarding goes from X Games to A-list". Los Angeles Times. Retrieved from <http://articles.latimes.com/2010/feb/20/sports/la-sp-olympics-xsports20-2010feb20>.
- Flint, J., & Vranica, S. (2016). "NBC's ratings for Rio Olympics fall behind London".

Wall Street Journal. Retrieved from <https://www.wsj.com/articles/nbcs-ratings-for-rio-olympics-fall-behind-london-1471185907>.

- Glaser, B. (1978). **Theoretical sensitivity. Advances in the methodology of grounded theory.**
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1989). **Fourth generation evaluation.** Sage
- Houlihan, B & Whit, A. (2002). **The Politics of Sport Development: Development Of Sport or development through sport.** London: Routledge
- Hugo, S., Teresa, A., & Pereira Duarte, A. (2018). **“Talent Identification and Development in Male Football: A Systematic Review”.** Sports Medicine, 48(4): 907–931.
- Hume, P. A., & Stewart, D. (2017). **“Physique Assessment in Youth Sports for Talent Identification and Development, Best Practice Protocols for Physique Assessment in Sport”.** Springer, 3-10.
- Janston, K., Mage, M., & Shap, R. (2018). **“Talent Identification in Sport: A Systematic Review”.** Sports Medicine, 48(1): 97–109.
- Jones, I. (2016). **“IOC approves five new sports for Olympic Games Tokyo 2020”.** Retrieved from <https://www.olympic.org/news/ioc-approves-five-new-sports-for-olympic-games-tokyo-2020>.
- Kellett, P., & Russell, R. (2009). **“A comparison between mainstream and action sport industries in Australia: A case study of the skateboarding cluster”.** Sport Management Review, 12(2), 66-78.
- Kellett, P., & Russell, R. (2009). **“A comparison between mainstream and action sport industries in Australia: A case study of the skateboarding cluster”.** Sport Management Review, 12(2), 66-78.
- Lines, G. (2000). **“Media sport audiences-young people and the Summer of Sport'96: revisiting frameworks for analysis”.** Media, Culture & Society, 22(5), 669-680.
- Lombardo, J., & Broughton, D. (2017). **“Going gray: Sports TV viewers skew older”.** Sports Business Daily.
- Ourand, J., & Karp, A. (2012). **“Which sport can say: We are young”.** Street & Smith's SportsBusiness Journal.
- Pruna, R., Tribaldos, L.M., & Bahdur, K. (2018). **“Player talent identification and development in football identificación de talento en el jugador y su desarrollo en el fútbol, Apunts”.** Medicina de l'Esport, 53(198): 43-46.
- Rivera Robles, P. (2019). **“Women's wrestling: A 'fight' for the transformation of cultural schemas in relation to gender”.** Societies, 9(1), 8.
- Rowe, D., & Gilmour, C. (2010). **“Sport, media, and consumption in Asia: A merchandised milieu”.** American Behavioral Scientist, 53(10), 1530-1548.

- Sanderson, J., Kassing, J. W., & Billings, A. C. (2011). **Sports media:**
- Sayenga, D. (1995). **“The problem of wrestling ‘styles’ in the modern Olympic Games: A failure of Olympic philosophy”**. *Citius, Altius, Fortius*, 3(3), 19-29.
- Thorpe, H., & Wheaton, B. (2017). **“The X games: Re-imagining youth and sport”**. *In Sport, media and mega-events (pp. 247-261)*. Routledge.
- Thorpe, H., & Wheaton, B. (2019). **“The Olympic Games, Agenda 2020 and action sports: the promise, politics and performance of organizational change”**. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 1-19.
- Walker, H., Soroka, M., & Kellett, P. (2005, January). **“The profit-driven action sport industry working within the not-for-profit Australian sport system: The case of freestyle BMX Australia and the Australian sports commission”**. In *Proceedings of the 2nd Australasian Nonprofit and Social Marketing Conference (pp. 1-5)*. Bowater School of Management, Deakin University.
- Wenner, L. A. (2010). **Sport, communication, and the culture of consumption: On evolving and emerging markets.**
- Wenner, L. A., & Billings, A. C (2017). **Sport, media and mega-events**. Taylor & Francis

کاوش عوامل مؤثر در توسعه شطرنج ایران با رویکرد بین‌المللی

احسان قائم مقامی^۱

حبیب هنری^۲

غلامعلی کارگر^۳

جواد شهلائی باقری^۴

doi 10.22034/SSYS.2022.477

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۲/۱۴

شناخت مسائل و مشکلات ورزش نیازمند نگاهی علمی، تجربی و توسعه‌ای است. هدف از تحقیق حاضر، کاوش عوامل مؤثر در توسعه شطرنج ایران با رویکرد بین‌المللی بود. روش تحقیق مورد استفاده، روش زمینه‌یابی از نوع اکتشافی بود و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از مطالعات اسنادی و مصاحبه با خبرگان به دست آمد. جامعه آماری تحقیق شامل اساتید دانشگاهی و اساتید مطرح شطرنج کشور با تخصص در زمینه شطرنج کشور در رده‌های مختلف و سطوح ملی و بین‌المللی بود. روش نمونه‌گیری به صورت نظری بود و ابزار تحقیق پروتکل مصاحبه با خبرگان تا رسیدن به اشباع نظری بود (۱۷ مصاحبه با ۱۴ نفر) که از سه نفر از خبرگان دو مرتبه مصاحبه انجام پذیرفت. همچنین، پایایی مصاحبه‌ها از روش بازآزمون (۰/۸۳) به دست آمد. در مجموع، داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی شناسایی و دسته‌بندی شدند. به طور کلی، از میان ۲۲ کد باز، ۷ کد محوری و ۴ کد گزینشی، ۴ مفهوم اصلی توسعه شطرنج ایران با رویکرد بین‌المللی به دست آمد:

۱. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Honari_h@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۴. دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

پیاده سازی الگوی مطلوب توسعه، جهانی سازی، فناوری و دیپلماسی ورزشی. می توان گفت که توجه به عوامل فوق موجب توسعه و پیشرفت شطرنج در سطح بین المللی خواهد شد.

واژگان کلیدی: توسعه شطرنج، فناوری و جهانی سازی

مقدمه

امروزه ورزش نمونه مطالعاتی مهمی برای جامعه جهانی به شمار می‌آید؛ از یک سو نقش آن در تحکیم روابط کشورها و از سوی دیگر نقش ابزاری این پدیده در جهت سنجش و مقایسه کشورها با یکدیگر باعث شده تا پژوهشگران، ورزش را به عنوان مؤلفه‌ای جدانشدنی از تمامی ارتباطات و مبادلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورهای مختلف جهان در نظر گیرند (بوچر^۱ و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۰۱۵-۱۸۵). به عقیده محققان رشد کمی و کیفی یا توسعه یافتگی ورزش، مدیون توسعه یافتگی این مؤلفه‌ها در جوامع مختلف است. به عبارتی، توسعه یافتگی ورزش در تعامل با سایر شاخص‌های توسعه یافتگی موجبات پیشرفت و رفاه هرچه بیشتر کشورها را فراهم می‌سازد (جیانگ^۲، ۲۰۱۰: ۱۸۱-۱۷۰). توسعه امری پویا، فراگیر و چند بعدی است که تمام جنبه‌های زندگی انسان را دربر می‌گیرد. توسعه در ذات خود سه مفهوم اساسی زیر را ارائه می‌کند؛ (۱) تغییر: فرایندی قابل اندازه‌گیری در یک دوره کوتاه مدت که قصد آن تغییر ساختارها و نهادها برای زمینه سازی به سایر مراحل توسعه و نیز ترسیم آینده مطلوب برای جامعه است. (۲) تحول: فرایندی که بعد از مرحله تغییر حادث می‌شود و در یک دوره بلند مدت نتیجه می‌دهد. در این مرحله، تغییر روابط اجتماعی و اقتصادی، رفتارها و نگرش‌ها در بین مردم و مسئولین مدنظر است. (۳) پیشرفت: پویایی، تغییر و حرکت رو به جلو در گذر زمان و نتیجه نهایی تغییر و تحول است، که نتیجه عینی آن در کیفیت زندگی و رفاه جامعه دیده می‌شود (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۸). توسعه ورزش به فرایندها و اقداماتی گفته می‌شود که از ترکیب آنها تلاش می‌شود فرصت‌ها و تجارب ورزشی برای همه افراد جامعه به وجود آید. این تعریف با چند مفهوم دیگر مانند مفهوم ورزش همگانی، مشارکت ورزشی، ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و ورزش نخبه پیوند خورده است (رمضانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰-۱۵). سوتیریادو^۳ و همکاران (۲۰۰۹) توسعه ورزش را مشتمل بر ساختارها، سیستم‌ها، فرصت‌ها و فرایندهایی می‌دانند که افراد جامعه را قادر می‌سازد در گروه‌ها و طبقات خاصی در ورزش و تفریحات شرکت کنند (مفهوم مشارکت ورزشی) و عملکرد خود را تا سطح دلخواه ارتقاء دهند (سوتیریادو و همکاران، ۲۰۰۹: ۷۶-۷۱).

کشورهای آمریکا، استرالیا، انگلستان و چین با توسعه یافتگی نسبتاً بالا در دستیابی به درآمدهای کلان اقتصادی، کسب افتخارات بین‌المللی و جهانی با ارتقای سلامت جامعه در صدر توسعه یافتگی ورزشی قرار دارند (لونیز وفادال^۴، ۲۰۱۰). در این راستا، طبق اعلام کمیته بین‌المللی المپیک^۵ بیش از نیمی از مدال‌ها و افتخارات بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۰۸ پکن توسط ۱۰ کشور توسعه یافته جهان (چین، آمریکا، روسیه، انگلستان، آلمان، استرالیا، کره جنوبی، ژاپن و ایتالیا) کسب شده و در حدود ۵۷ درصد از ۱۹۹ کشور شرکت کننده، هیچ مدالی دریافت نکرده‌اند (کاستونکا و اسکوریچ^۶، ۲۰۱۱: ۱۰۷-۱۰۴). از این رو، برخی معتقدند که

1. Bosscher

2. Jiang

3. Sotiriadou

4. Luiz, Fadal

5. International Olympic Committee (IOC)

6. Custonia, Skoric

دستیابی به توسعه یافتگی و عملکرد ورزشی نسبتاً مطلوب مدیون توسعه یافتگی مؤلفه‌های اقتصادی و صنعتی است (جیانگ^۱، ۲۰۱۰). به هر حال نتایج برخی از مطالعات حاکی است از آن است که عواملی مانند شرایط سیاسی (کریشنا و هاگلند^۲، ۲۰۰۸)، آب و هوا (کاستونکا و اسکوریچ^۳، ۲۰۱۱)، حق میزبانی (لویی و سوئن^۴، ۲۰۰۸) و وضعیت آموزشی - بهداشتی (لونیث و فادال، ۲۰۱۰) وجود دارند که به طور جداگانه یا در تعامل با هم می‌توانند در کسب افتخارات بین‌المللی یا ارتقای عملکرد و توسعه یافتگی ورزشی نقش داشته باشد. از طرف دیگر دستاوردها و پیامدهای توسعه ورزش دایره‌ای گسترده دارد و موجب رونق اقتصادی و شکوفایی اجتماعی می‌شود (پورکیانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۵-۷۲).

توسعه ورزش به عنوان یک مفهوم نظری و عملی به بخشی جدایی ناپذیر از سیاست‌های ملی و بین‌المللی طراحی شده برای مقابله با مسائل اجتماعی گسترده‌تر مانند رفتار ضد اجتماعی، چاقی، بیکاری، سلامت، آموزش و صلح تبدیل شده است. توسعه ورزش دقیقاً به همین موضوع می‌پردازد که خلاء بین آموزش و تحقیق در مورد ورزش را از بین ببرد و تجارب ارزشمندی را برای سیاست‌گذاران و متخصصان این حوزه فراهم می‌کند (لی و لیم^۵، ۲۰۱۹). با این حال، تحقیقات تجربی کمی در مورد نحوه کارآمدی و توسعه یافتگی ورزش بخصوص رشته شطرنج انجام شده است. شطرنج قرن‌ها یک بازی تفریحی برای حاکمان در نظر گرفته می‌شد. نقطه عطف قابل توجه و افزایش محبوبیت این ورزش در اواسط دهه ۱۹۰۰ رخ داد. در سال ۱۹۲۴، فدراسیون جهانی شطرنج^۶ بنیان‌گذاری شده است و تنها سه سال بعد، اولین دوره مسابقات جهانی شطرنج در لندن با شرکت ۱۶ کشور برگزار شد (جرمیک^۷ و همکاران، ۲۰۱۱).

ورزش شطرنج^۸ را می‌توان یک مدل حل وظایف پیچیده در شرایط متغیر و به عنوان روشی کارآمد برای آموزش استفاده از مهارت‌های تفکر برتر و تلاش برای غلبه بر مشکلات فردی و رسیدن به پتانسیل کامل افراد به کار می‌رود، در نظر گرفت. همچنین تحقیقات زیادی نشان‌دهنده مزیت‌های شطرنج در مراکز و آموزشگاه‌ها در سنین پایه است. شطرنج در برنامه درسی آموزش، اولین بار در اواخر قرن بیستم در کانادا و ایالات متحده به کار گرفته شد. در نتیجه این ورزش در مدارس و دانشگاه‌های بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته است (جانکوویچ و نواک^۹، ۲۰۱۹). فدراسیون شطرنج انگلیس در مأموریت و اهداف خود ارتقا و توسعه بازی شطرنج در تمام اشکال به عنوان وسیله‌ای برای پیشرفت فرهنگی و شخصی، کمک به رسیدن به بالاترین درجه موفقیت در بازی، در دسترس قرار دادن خدمات و شرایط عضویت در فدراسیون برای همه بدون محدودیت و

1. Jiang
2. Krishna, Haglund
3. Custonia, Z., & Skoric
4. Lui, H. K., & Suen
5. Lee, Lim
6. World Chess Federation (FIDE)
7. Jermic
8. Chess
9. Jankovic, Novak

ایجاد شرایط مساوی برای همه در حالت مثبت را مد نظر قرار داد (فدراسیون شطرنج انگلیس^۱، ۲۰۰۹). در بیانیه رسمی فدراسیون شطرنج انگلیس آمده است که تشویق مطالعه و تمرین شطرنج در انگلیس، ایجاد و حفظ مسابقات قهرمانی انگلیس، توسعه تورنمنت‌های داخلی و بین‌المللی، تأمین خواسته‌های شطرنج‌بازان انگلیسی در مسابقات و تورنمنت‌های خارجی، حمایت از شطرنج‌نایبانیان و دیگر مؤسسات شطرنج که عضو فدراسیون هستند، برنامه‌ریزی رقابت‌ها، جلسات و غیره مطلوب و فراهم‌آوری جوایز برای رقابت، حفظ و افزایش سرمایه‌گذاری و در دسترس قرار دادن خدمات فدراسیون برای همه بدون تبعیض جزء اهداف فدراسیون شطرنج انگلیس می‌باشد (همان).

میخائیلوفیا^۲ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی شاخص‌های فرهنگ فیزیکی، ورزش شطرنج و گردشگری به عنوان نشانگرهای شاخص توسعه انسانی در فدراسیون روسیه پرداختند. نتایج این پژوهش که با هدف تحلیل محتوای تعدادی از پژوهش‌ها جهت توسعه راهبردهای فدراسیون روسیه در بهبود کیفیت زندگی شهروندان روسیه انجام گرفته است نشان داده است که در سطح جامعه شناختی، تلاش شده است تا سهم قابل توجهی در توسعه سرمایه انسانی و بهبود کیفیت زندگی افراد معلول و همچنین توسعه بالقوه انسانی را از طریق فرهنگ جسمانی و ورزش‌هایی مانند شطرنج تحقق بخشند.

رمضانی نژاد و هژبری (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی ابعاد نظری توسعه ورزش قهرمانی و کاربرد آن در ورزش ایران پرداختند. براساس نتایج این مطالعه، در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه ایران و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران، توسعه ورزش در قالب توسعه فرهنگی مورد تأکید واقع شده است که وجود رویکرد فرهنگی یا تربیتی - اخلاقی به توسعه ورزش ایران را نشان می‌دهد. جوزف^۳ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «تأثیر آموزش شطرنج بر عملکرد تحصیلی کودکان دبستانی در هند» به این نتیجه رسیدند که پس از یک سال تمرین در مهارت‌های شطرنج، پیشرفت‌های تحصیلی دانش‌آموزان در زبان انگلیسی، مطالعات اجتماعی و علوم، بهبود چشمگیری داشته است. ایزو^۴ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «مدل‌های نوآورانه مربیگری در شطرنج نوجوانان» به این نتیجه رسیدند که روش تجربی برای آموزش بازیکنان نوجوانان با استفاده از نرم افزار تخصصی شطرنج، اینترنت و فرم‌های آموزشی مبتنی بر وب، باعث افزایش کارایی جلسات آموزشی و نتایج بیشتر نسبت به روش سنتی می‌شود (ایزو و همکاران، ۲۰۱۶).

ژانگ^۵ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان «بررسی توسعه ورزش‌های چینی»، تأثیر ساختار طراحی شده برای سطوح اجرایی فعالیت‌های ورزشی را در کلیه سنین مهم دانستند و به اهمیت توسعه ورزش‌های پایه‌ای اشاره کردند. همچنین، آنها تأثیر فرهنگ منطقه‌ای هر ورزش در منطقه خود را در پیشرفت آن ورزش زیاد دانستند و بیان کردند که هر ورزشی برای پیشرفت، نیاز به حمایت کردن از دانش‌آموزان همان

1. England Chess Federation

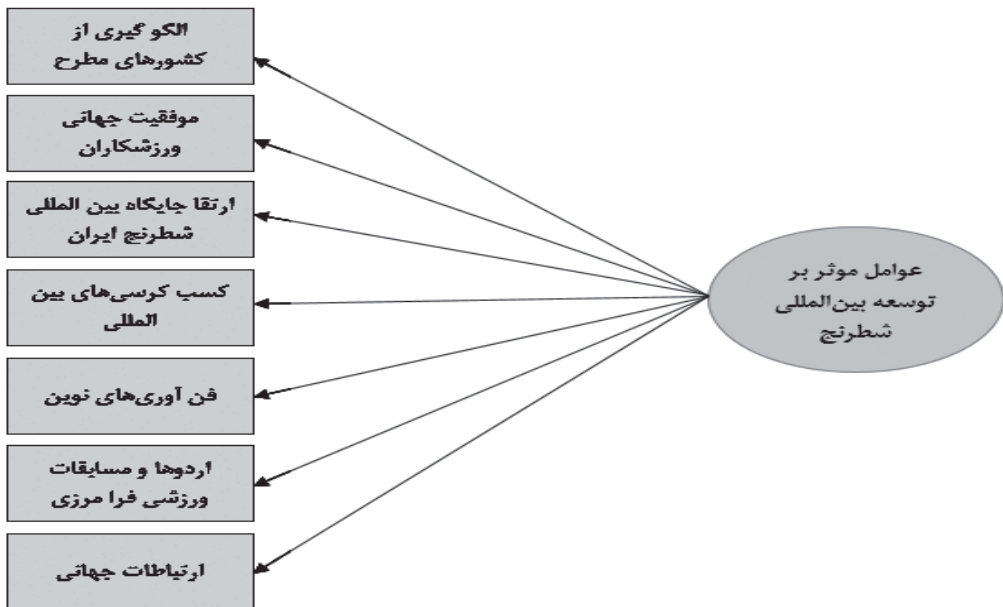
2. Mikhailova

3. Joseph

4. Izov

5. Zhang

منطقه دارد. توکلی و همکاران (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود که به بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی در توسعه ورزش پرداختند نشان دادند که بیشتر تمرکز رسانه‌ها بر ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و نیز تعداد محدودی از رشته‌ها می‌باشد و توجه کافی به ورزش‌های تفریحی و همگانی از طریق رسانه‌های جمعی دیده نمی‌شود. شناخت مسائل و مشکلات رشته شطرنج نیازمند نگاهی علمی و تجربی است. اما باید اذعان کرد که متأسفانه اولویت‌بندی دقیقی در این رشته وجود ندارد و اصولاً برنامه مناسبی برای توسعه بین‌المللی شطرنج مورد توجه قرار نگرفته است. این در حالی است که امر توسعه ورزش شطرنج در بسیاری از کشورها با نگاهی علمی در حال تحقق است و قله‌های بلند یکی پس از دیگری فتح می‌شوند. ایران نیز دریای استعداد انسانی است و از این حیث زمینه مناسبی وجود دارد ولی ظاهراً ریشه مشکل را باید در فقدان برنامه‌ریزی شایسته جستجو کرد. با توجه به آشنایی و همکاری محقق با این فدراسیون تلاش گردید که با شناسایی ابعاد توسعه ملی شطرنج و همچنین با توجه به استفاده از ظرفیت‌های موجود در جهت رشد و توسعه شطرنج در سطح بین‌المللی گامی مؤثر برداشته شود که در نهایت موجب پیشرفت شطرنج بازان در سطوح جهانی شود. بر این پایه و با عنایت به تأثیر اهمیت سازنده ورزش بر موفقیت در عرصه‌های بین‌المللی و توسعه جهات مختلف اجتماعی، این تحقیق درصدد است که عوامل مؤثر بر توسعه ورزش شطرنج را شناسایی نماید و به نقاط ضعف و قوت این امر در عرصه برون مرزی پی ببرد؟



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش شناسی پژوهش

با توجه به هدف پژوهش، روش تحقیق حاضر زمینه یابی از نوع اکتشافی بود؛ بدین صورت که ابتدا مطالعات اسنادی (مطالعه مقالات، کتب، اسناد و وب سایت ها) به منظور تهیه و شناسایی فهرستی از ابعاد توسعه بین المللی شطرنج انجام گرفت، سپس برای شناسایی این ابعاد مصاحبه نیمه ساختارمند با خبرگان صورت پذیرفت. جامعه آماری تحقیق شامل اساتید دانشگاهی با تخصص در زمینه مدیریت ورزش و مسئولان فدراسیون شطرنج و رؤسا هیئت های ورزشی استان ها و قهرمانان ملی این رشته بود. با توجه به ماهیت تحقیق، روش نمونه گیری از نوع نظری (هدفمند) بود. براساس مطالعات و بررسی ها، نمونه گیری از افرادی انجام شد که بیشترین فرصت را برای گردآوری مرتبط ترین داده ها درباره پدیده تحت مطالعه فراهم می کردند. در انتخاب افراد برای انجام مصاحبه، داشتن تجربه و پژوهش در زمینه شطرنج مدنظر بود. زمانی که موضوع به حد اشباع نظری رسید، فرایند انجام مصاحبه و جمع آوری داده ها پایان یافت. در منابع علمی انجام ۱۲ تا ۱۸ مصاحبه را برای رسیدن به اشباع نظری کافی می دانند (بازرگان، ۱۳۹۷). در این تحقیق نیز پس از انجام ۱۷ مصاحبه با ۱۴ نفر (با سه نفر از خبرگان دو مرتبه مصاحبه انجام شد) محقق به اشباع نظری رسید.

جدول ۱: گزارش توصیفی نمونه تحقیق

متغیر	ویژگی جمعیت شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۰	۷۱/۴
	زن	۴	۲۸/۶
تحصیلات	کارشناسی	۴	۲۸/۶
	کارشناسی ارشد	۷	۵۰
	دکتری	۳	۲۱/۴
مدت فعالیت در شطرنج	۱۵-۲۰ سال	۵	۳۵/۷
	۲۱-۲۵ سال	۳	۲۱/۴
	۲۶-۳۰ سال	۳	۲۱/۴
	۳۱-۳۵ سال	۲	۱۴/۳
	بیشتر از ۳۵ سال	۱	۷/۲
پست سازمانی	علمی	۴	۲۸/۶
	اجرایی	۱۰	۷۱/۴
کل		۱۰۰٪	

گردآوری داده ها از طریق مطالعات اسنادی و مصاحبه صورت گرفت. مصاحبه با خبرگان به صورت نیمه ساختارمند و عمیق به منظور کاوش عوامل مؤثر بر توسعه بین المللی ورزش شطرنج کشور انجام شد.

یافته‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری پژوهش‌های کیفی، همزمان با انجام مصاحبه‌ها، تحلیل و کدگذاری آن‌ها نیز انجام شد؛ به طوری که تحلیل هر مصاحبه به همراه یافته‌های قبلی به عنوان راهنمای مصاحبه و معیاری برای انتخاب افراد بعدی بود. انجام مصاحبه‌های کیفی تا حد رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در یک فرآیند شش مرحله‌ای صورت گرفت: ۱. مرور متن نوشتاری داده‌ها، کسب احساس کلی نسبت به آن‌ها و تعیین چگونگی بخش‌بندی متن نوشتاری؛ ۲. انتخاب بخش‌هایی از متن نوشتاری داده‌ها به صورت اطلاعات کدگذاری شده؛ ۳. مرور کدهای تدوین شده و ادغام آن‌ها به صورت دسته‌های عمده‌تر اطلاعات؛ ۴. کاهش دسته‌ها، حذف دسته‌های تکراری و ادغام دسته‌های کوچک‌تر در دسته‌های عمده‌تر؛ ۵. تبدیل دسته‌کدها به ۵ تا ۷ موضوع؛ ۶. انتخاب کدهایی (مقوله‌هایی) به عنوان موضوع بحث و مشخص کردن بقیه مقوله‌ها برای توصیف آن‌ها در گزارش تحقیق (بازرگان، ۱۳۹۷). براساس جدول ۲ تحلیل مصاحبه‌ها در گزیده ابعاد و ویژگی‌ها خلاصه گردید. در ادامه این ابعاد ۷ عامل یا مقوله فرعی استخراج شد. در نهایت از دسته‌های مقوله‌های فرعی ۴ مقوله اصلی به دست آمد. این مقوله‌ها شامل پیاده‌سازی الگوی مطلوب توسعه، جهانی‌سازی، فناوری، دیپلماسی ورزشی می‌باشند.

جدول ۲: یافته‌های پژوهش حاصل از مصاحبه

مفهوم	مقوله	مقوله فرعی
پیاده‌سازی الگوی مطلوب توسعه	الگوگیری از کشورهای مطرح	- توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی - بومی‌سازی الگوها - الگو برداری در ورزش پایه - الگو برداری از کشورهای صاحب نام
جهانی‌سازی	موفقیت جهانی ورزشکاران	- مسائل سیاسی کشور جهت میزبانی - دیدگاه جهانی نسبت به کشور - برگزاری تورنمنت‌های بین‌المللی
	ارتقای جایگاه بین‌المللی شطرنج ایران	- توانایی کسب کرسی بین‌المللی - بهره‌گیری از فنون مدیریت در سطح جهانی - حضور مستمر در رویدادهای مختلف بین‌المللی
	کسب کرسی‌های بین‌المللی	- ارتقای سطح کیفی ورزشکاران در جهان - قضاوت داوران در مسابقات بین‌المللی
فناوری	فناوری‌های نوین	- ابر رایانه قوی - نرم افزارهای تخصصی - به کارگیری فناوری نوین آموزشی

● شرکت در اردوهای مشترک ● اعزام و میزبانی مسابقات بین المللی	اردوها و مسابقات ورزشی فرا مرزی	
● ارتباطات بین المللی ● گفتگوی بین کشورها ● برقراری تفاهم با کشورها ● تبادل نظر مدیران فدراسیون با فدراسیون های مطرح ● شرکت منظم مدیران ارشد فدراسیون در همایش های بین المللی	ارتباطات جهانی	دیپلماسی ورزشی

بحث و نتیجه گیری

هدف از تحقیق حاضر، کاوش عوامل مؤثر در توسعه شطرنج ایران با رویکرد بین المللی بود. پس از انجام مصاحبه ها و تحلیل آن ها، ۴ عامل پیاده سازی الگوی مطلوب توسعه، جهانی سازی، فناوری، دیپلماسی ورزشی به عنوان مفاهیم کلی به دست آمد.

بر اساس نتایج پژوهش یکی از عوامل تأثیرگذار در توسعه بین المللی ورزش شطرنج الگوهای توسعه کشورهای مطرح و صاحب نام در این رشته ورزشی می باشد. نتایج پژوهش با نتایج بابایی و همکاران (۱۳۹۴)، رمضانی نژاد و هژبری (۱۳۹۶) ایزو (۲۰۱۶)، جوزف و همکاران (۲۰۱۶) و میخائیلوفیا و همکاران (۲۰۱۸) همسویی دارد. ورزش جایگاه مناسبی را در توسعه برنامه های فرهنگی، اجتماعی، تفریحی، اوقات فراغت و سرگرمی پیدا کرده است بعلاوه میدان خوبی برای متصدیان اجرایی و ورزشکاران جهت ورود به سایر فعالیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. با توجه به نتایج می توان بیان نمود که برای توسعه شطرنج کشور در سطح بین المللی باید نگاه ویژه به مقوله استعدادیابی در ورزش مدارس کشور داشت تا بتوان با یک آمایش سراسری استعدادهای ورزشی در عرصه های مختلف بین المللی را شناسایی کرد. این امر با مطالعه قابلیت های هر کدام از استان های کشور محقق خواهد شد. بنابراین پیشنهاد می شود که مدیران فدراسیون با نگاه توسعه ای به این مهم توجه کنند. استان هایی که در پرورش استعدادهای در رشته شطرنج در رده های سنی مختلف بخصوص رده سنی پایه پیشرفت خوبی داشته اند توجه بیشتری شود و استان های که در این رشته حضور کم رنگ تری داشته اند را ترغیب نمایند که در این امر تلاش بیشتری کنند. ورزش کشور اعم از قهرمانی و همگانی زمانی به وقوع می پیوندد که برنامه ریزی در تیم های پایه ای ورزشی کشور شکل بگیرد و برای این امر نیز باید نگاه اصولی و منطقی به اجرای همکاری های مستمر وزارتخانه های آموزش و پرورش و ورزش و جوانان و بخصوص فدراسیون شطرنج داشت تا بتوان ورزش مدارس را صرفاً از نگاه زنگ تفریحی خارج کرد. از سویی دیگر بر اساس نظرات صاحب نظران رشته شطرنج، الگوگیری از کشورهای مطرح در رشته شطرنج است. همچنین به مدیران ارشد فدراسیون پیشنهاد می گردد با بررسی استراتژی ها، برنامه ها و رویکردهای توسعه محور کشورهای صاحب نام در این رشته ورزشی و بهره گیری و پیاده سازی این برنامه ها بر اساس شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور در توسعه

هر چه بیشتر این رشته در عرصه بین‌المللی مؤثر واقع شوند.

بر اساس نتایج یافته‌ها یکی از مواردی که در توسعه بین‌المللی ورزش شطرنج مؤثر است عامل جهانی سازی می‌باشد. این نتایج با تحقیقات عیدی و همکاران (۱۳۹۰)، شاه رضایی و شیرزادی (۱۳۹۵)، کشاورز و همکاران (۱۳۹۷)، جکسون^۱ (۲۰۱۳) و توکلی (۲۰۱۳) و تمیر^۲ و همکاران (۲۰۱۵) همسویی دارد. کشورها به منظور رشد اقتصاد داخلی و مقابله با سیاست انزوا و خطر تحریم در جستجوی راه‌هایی برای ایجاد، گسترش و ادامه روابط با کشورهای دیگر در سراسر جهان هستند. یکی از این راه‌ها که مورد توجه برنامه ریزان ورزشی می‌باشد، فتح سکوهاى بین‌المللی و افتخارآفرینی در ورزش است (کشاورز، ۱۳۹۷). برخی از کشورها بسیاری از کرسی‌های مؤثر را تصاحب کرده‌اند، حال آنکه کشور ما در بسیاری از رشته‌ها صاحب سبک می‌باشد، اما در مجامع بین‌المللی صاحب کرسی مؤثر نیست. بر اساس یافته حاضر می‌توان بیان نمود که به نظر می‌رسد یکی از عواملی که منجر به توسعه بین‌المللی ورزش شطرنج می‌شود، برگزاری رویدادهای ورزشی است که فرصت تعامل با فرهنگ‌های خارجی را ایجاد می‌نماید. همچنین حضور ورزشکاران ایرانی در لیگ‌های معتبر خارجی است که می‌تواند موجب شکل‌گیری و ساختن روابط بین‌المللی شود. از طرفی ورزشکاران هنگام سفر به تورنمنت‌های بین‌المللی به تعامل فرهنگی با ملت میزبان و معرفی فرهنگ ملت خود می‌پردازند. در این راستا ایجاد ساختارهای مناسب از امکانات بالقوه ورزش شطرنج، توانایی کسب کرسی بین‌المللی، بهره‌گیری از فنون مدیریت در سطح جهانی، حضور مستمر در رویدادهای مختلف بین‌المللی جهت ارتقای جایگاه بین‌المللی شطرنج، کسب کرسی‌های بین‌المللی در توسعه بین‌المللی شطرنج ایران اثربخش است. همچنین یکی از شاخصه‌های انتخاب افراد در کرسی‌های بین‌المللی، آشنایی با مسائل بین‌المللی و حضور مداوم آن‌ها در جلسات است. می‌توان با انتخاب افراد باصلاحیت و توانمند در رأس فدراسیون این کرسی‌ها را کسب کرد. از نظر صاحب‌نظران رشته شطرنج یکی از عواملی که در توسعه بین‌المللی این رشته مؤثر است، استفاده از فناوری می‌باشد. نتایج با تحقیقات تی سو اهاننا^۳ (۲۰۱۴) و ایزو (۲۰۱۶) همسویی دارد. فناوری نقش اساسی تمامی حوزه‌های ورزش ایفا می‌کند. استفاده مربیان از فناوری باعث افزایش سطح تمرینات و بهبود عملکرد ورزشی ورزشکاران می‌شود. با توجه به نظر خبرگان این رشته ورزشی متأسفانه توجه کمتری به استفاده از فناوری می‌شود و بسیاری از مربیان و ورزشکاران از آن شناخت و آگاهی ندارند. بر این اساس از نظر متخصصان، مربیان رشته شطرنج می‌توانند از فناوری همچون نرم‌افزارهای تخصصی و ابررایانه‌ها در این رشته ورزشی جهت آموزش‌های نوین شطرنج استفاده نمایند. البته باید به این نکته اشاره کرد که مربیان و ورزشکاران بتوانند از فناوری‌های روز جهان استفاده کنند که جا دارد تا فدراسیون با استفاده از مراکز و مدرسين بین‌المللی هرچه سریع‌تر زمینه‌های آشنایی مربیان و ورزشکاران را فناوری‌های به‌روز در حوزه ورزش را مهیا نماید. مربیان فدراسیون و ورزشکاران می‌توانند بیش‌بیشتری نسبت به کارگیری روش‌های نوین آموزشی از طریق استفاده از

1. Jackson

2. Tamir

3. Taesoo Ahna

برنامه‌های مدرن به دست آورند. به عبارت دیگر، اختراعات و فناوری نه تنها این رشته ورزشی تأثیر می‌گذارد، بلکه موجب توسعه و پیشرفت آن خواهد شد.

در نهایت عاملی دیگری که در توسعه بین‌المللی ورزش شطرنج مؤثر است، توانایی دیپلماسی و برقراری ارتباط مؤثر با نهادهای تصمیم‌گیرنده در این رشته می‌باشد. این یافته با تحقیقات بابایی و همکاران (۱۳۹۴)، محمدی عزیزآبادی، التیامی نیا (۱۳۹۴)، باقری و همکاران (۱۳۹۵)، شاه رضایی و شیرزادی (۱۳۹۵)، کشاورز و همکاران (۱۳۹۷)، توکلی (۲۰۱۳)، چا^۱ (۲۰۱۳)، گریکس و هولیهان^۲ (۲۰۱۴) همخوانی دارد. به منظور توسعه راه‌حل‌های دیپلماتیک برای حل مشکلات بین‌المللی از ورزش به عنوان یک روش برای شروع روابط دیپلماتیک استفاده می‌شود. از نقش‌های مهم ورزش در روابط بین‌الملل، نقش دیپلماسی عمومی است، بنابراین ورزش فعالیتی برای همکاری و تعامل بین‌المللی است (محمدی عزیزآبادی، التیامی نیا، ۱۳۹۴). استفاده از ورزش به عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری بر روابط دیپلماتیک، اجتماعی و سیاسی همواره در طول تاریخ مفاهیم مثبت و منفی زیادی در پی داشته است. با عنایت به نقش ورزش به عنوان یک زبان مشترک و فرهنگ متقابل برای ایجاد ارتباطی صلح‌آمیز و پایدار میان ملت‌ها، در جهان امروزی این مقوله بسیار قابل توجه است. ورزش یک علاقه مشترک اجتماعی است که مردم را در سراسر جهان، از هر نژاد و مذهب در رقابت‌های ورزشی شرکت می‌دهد. در عرصه قدرت نرم، ورزش یکی از مهم‌ترین کارکردها را ایفا می‌کند؛ به طوری که کشورها سعی دارند از طریق ورزش به اهداف گسترده خود در کسب قدرت دست یابند. برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی برای ملت میزبان، فرصت‌های مهمی را در قالب دیپلماسی عمومی مهیا می‌کنند. یکی از کارکردهای دیپلماتیک ورزش در عرصه بین‌الملل کسب موقعیت برای کشورهاست. در حقیقت، کسب، حفظ و ارتقای موقعیت یا اعتبار بین‌المللی از جمله مؤلفه‌های اصلی منافع ملی کشورها به حساب می‌آید و می‌توان گفت که دولت‌ها از راه‌های مختلف تلاش می‌کنند که در جامعه جهانی دارای جایگاه و منزلت بالایی باشند و به آن‌ها به عنوان کشورهای قابل احترام نگریسته شود. ورزش بخش اعظمی از زندگی امروزی را به خود اختصاص داده است و مخاطب جهانی دارد و چنانچه وضعیت، تصویر و پیام دیپلماتیک از طریق ارزش‌های ورزشی مثبت منتقل شود، ادراکات از سیاست خارجی می‌تواند به شکل معناداری تغییر و بهبود یابد.

به طور کلی مدیران فدراسیون با برگزاری اردوهای مشترک با کشورهای مطرح در این رشته، کسب میزبانی مسابقات بین‌المللی می‌توانند سطح کیفی مربیان و ورزشکاران را ارتقا دهند. همچنین ارتباطات بین‌المللی، گفتگوی بین کشورها و برقراری تفاهم با سایر کشورها، کسب کرسی‌های بین‌المللی از موضوعات مهم ورزش است که تحقق آن‌ها نیازمند همکاری ارگان‌های مختلف ورزشی و وزارت امور خارجه است. افزایش شناخت و آگاهی و ادراک تصمیم‌گیران مدیران فدراسیون در کنار علاقه‌مندی به رشته ورزشی می‌تواند تصمیم‌سازان استراتژیک این رشته را ترغیب نماید تا برنامه‌ای ویژه برای دیپلماسی ورزشی داشته باشند. همچنین پیشنهاد می‌گردد کشور از ورزشکاران قهرمان خود که شهرت جهانی دارند، به عنوان سفیران ویژه این رشته ورزشی

1. Cha

2. Grix, Houlihan

استفاده کند و به صورت غیررسمی از این ورزشکاران برای حل مسائل بین‌المللی بهره گرفته شود. با توجه به این نتایج ضروری است تلاش بسیاری در زمینه تصاحب کرسی‌های مؤثر بین‌المللی ورزشی صورت بگیرد و کسب سهمیه و جایگاه بین‌المللی در مجامع ورزشی در کنار پیروزی و موفقیت ورزشکاران در سطوح بین‌المللی ورزش و کسب مدال‌های ورزشی به عنوان یکی از استراتژی‌های مهم در عرصه ورزش شطرنج تلقی گردد و این مهم در اولویت‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های استراتژیک فدراسیون قرار گرفته تا کشورمان بتواند از نظر دیپلماسی در سطح بین‌المللی مورد توجه و در سطح بسیار خوب و مهم قرار گیرد.

منابع

- بابایی، محمد؛ سیمبر، رضا؛ رضایی، مریم و سلیمانی کشایه، سجاد. (۱۳۹۴). «تأثیر دیپلماسی ورزشی بر قدرت نرم در نظام بین الملل». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۲۹، صص ۱۵۸-۱۴۳.
- بازرگان هرندی، عباس. (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: انتشارات دیدار
- باقری، یوسف؛ شریعتی فیض آبادی، مهدی و نظریان، عباس. (۱۳۹۵). «مدل‌سازی نرم (ISM) مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش». نشریه مدیریت ورزشی. دوره ۸، شماره ۵، صص ۷۹۷-۸۲۱.
- پورکیانی، محمد؛ حمیدی، مهرزاد؛ گودرزی، محمود و خیبری، محمد. (۱۳۹۶). «تحلیل اثرگذاری ورزش حرفه‌ای و قهرمانی بر توسعه ورزش». نشریه مطالعات مدیریت ورزشی. سال ۹، شماره ۴۲، صص ۵۵-۷۲.
- تودارو، مایکل. (۱۳۹۱). توسعه اقتصادی در جهان سوم. غلامعلی فرجادی. انتشارات کوهسار
- حسینی، علیرضا. (۱۳۸۴). «کاستی‌های توسعه‌نیافتگی برنامه‌ریزی توسعه در ایران». مجموعه مقالات همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران. جلد اول، تهران: مؤسسه عالی آموزشی و پژوهش مدیریت
- رمضان‌نژاد، رحیم؛ هژبری، کاظم؛ عیدی، حسین؛ ریحانی، محمد و عسگری، بهمن. (۱۳۹۴). مدیریت ورزش نخبه: تجارب کشورهای موفق. چاپ اول، آمل: انتشارات شمال پایدار
- رمضان‌نژاد، رحیم و هژبری، کاظم. (۱۳۹۶). «مبانی توسعه ورزش و کاربرد آن در ورزش ایران». فصلنامه مجلس راهبرد. شماره ۹۱، صص ۲۶۳-۲۳۳.
- شاه‌رضایی، فاطمه و شیرزادی، رضا. (۱۳۹۵). «نقش ورزش در گسترش مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۷۶)». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۳۲، صص ۵۸-۳۶.
- شریعتی فیض آبادی، مهدی و گودرزی، محمود. (۱۳۹۰). «ارتباط شاخص‌های جمعیتی - اقتصادی با میزان موفقیت کشورهای شرکت‌کننده در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۰ گوانگجو». فصلنامه پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش. سال ۴، شماره ۲، ص ۳۵.
- عیدی حسین، رمضان‌نژاد رحیم، یوسفی بهرام، سجادی سید نصرالله، ...، ملک خلاق اسماعیل (۱۳۹۰). طراحی مدل اثربخشی سازمانی فدراسیون‌های ورزشی جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد ارزش‌های رقابتی، پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، دوره ۷، شماره ۱۴، صص ۱۵-۳۰.
- کشاورز لقمان، فراهانی ابوالفضل، بهرامی پور بهرام (۱۳۹۷). تحلیل عوامل مؤثر بر رفتار ذی‌نفعان در کسب کرسی‌های ورزشی در مجامع بین‌المللی، مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۴۴-۳۱.
- محمدی عزیزآبادی مهدی، التیامی نیا رضا (۱۳۹۴). نقش تبعی و تسریع‌کننده ورزش در فراهم کردن شرایط صلح در بین دولت‌ها، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دوره ۷، شماره ۲۲، صص ۱۴۹-۱۷۹.
- Cha, V. (2013). "The Asian Games and Diplomacy in Asia: Korea-China-Russia". The International Journal of the History of Sport, 30(10), pp: 1176-1187
- Custonia, Z., & Skoric, S. (2011). "Winning medals at the Olympic Games. Does croatia have any chance?" Journal of Kinesiology, 43(1), 107-104
- De Bosscher, V., De Knop, P., Van Bottenburg, M., & Shibli, S. (2006). "A conceptual

framework for analysing sports policy factors leading to international sporting success.” European sport management quarterly, 6(2): 185-215.

- England Chess Federation. (2009). **English Chess Federation business plan for 2009-2010.** Retrieved from [http:// www.englishchess.org.uk/wpcontent/.../business_plan](http://www.englishchess.org.uk/wpcontent/.../business_plan).
- Grix, J., & Houlihan, B. (2014). **“Sports Mega-Events as Part of a Nation's Soft Power Strategy: The Cases of Germany (2006) and the UK (2012)”**. The British Journal of Politics & International Relations, 16(4), pp: 572-596
- Izov, N., Petkova, V., & Dimitrova, L. (2016). **Innovative Models of Teaching in Training of Adolescents Chess Players.** Journal of Sports Science, 4, 75-79.
- Jackson, S. J. (2013). **“The contested terrain of sport diplomacy in a globalizing world”**. International Area Studies Review, 16(3), pp: 274-284
- Jankovic, A., & Novak, I. (2019). **“Chess as a Powerful Educational Tool for Successful People”**. In *7th International OFEL Conference on Governance, Management and Entrepreneurship: Embracing Diversity in Organisations*. April 5th-6th, 2019, Dubrovnik, Croatia (pp. 425-441). Zagreb: Governance Research and Development Centre (CIRU).
- Jeremic, V., Djokovic, A., Mladenovic, N., & Radojicic, Z. (2011). **New method for ranking chess Olympics teams. BALCOR 2011, 36.**
- Jiang, Y., Ma, T., & Huang, Z. (2010). **The economic factors analysis in olympic game.** International Journal of Sports Science and Engineering, 4(3), 181-170.
- Joseph, E., Easvaradoss, V. V., & Solomon, N. J. (2016). **Impact of chess training on academic performance of rural Indian school children.** Open Journal of Social Sciences, 4(02), 20.
- Krishna, A., & Haglund, E. (2008). **Why do some countries win more Olympic medals? Lessons for social mobility and poverty reduction.** Economic and Political Weekly, 43, 143-51
- Lee, Y., & Lim, S. (2019). **Effects of Sports Activity on Sustainable Social Environment and Juvenile Aggression.** Sustainability, 11(8), 2279.
- Lui, H. K., & Suen, W. C. (2008). **Men, money, and medals: An econometric analysis of the Olympic Games.** Pacific Economic Review, 13(1), 1-16
- Luiz, J. and Fadal, R. (2011). **An economic analysis of sports performance in Africa:** International Journal of Social Economics, 38(10), 869 – 883
- Mikhailova, I., Seselkin, A., Vitale, M., & Solimene, U. (2018). **Indicators of Physical Culture, Chess Sport and Tourism as Actual Markers of the Human Development Index in The Russian Federation.** Economic and Social Development: Book of Proceedings, 611-617.
- Sotiriadou, K. Shilbury, D. Quick, S. (2009). **“The Attraction, Retention/ Transition and**

- Nurturing Process of Sport Development: Some Australian Evidence**". Journal of Sport Management, (22), pp 71-76
- Taesoo Ahna, Moonki Hongb & Paul M. Pedersenc, (2014). **"Effects of perceived interactivity and web organization on user attitudes"**. European Sport Management Quarterly, Vol 14, Issue 2. Pp 111-128.
 - Tamir I, Yehiel (Hilik) L, Yair G. (2015) **Sports: Faster, Higher, Stronger, and Public Relations**. Human Affairs, Volume 25, Issue 1, Pages 93–109
 - Tavakolli, M. Azizi, H. (2013). **Studying role of mass media in sport development**. Advances in Applied Science Research, 4(4): 49-54.
 - **Zhang, j. Bao, y. (2013). My views on the development of China's sports**. Journal of Hebei Institute of Physical Education, (2). 11-123



طراحی مدل مدیریت جانشین پروری در وزارت ورزش و جوانان : نظریه داده بنیاد

مریم کریمی^۱
صدیقه حیدری نژاد^۲
یدالله مهرعلی زاده^۳

doi 10.22034/SSYS.2022.478

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱/۳۱

جانشین پروری برنامه‌ای مدون برای شناسایی، انتصاب و جایگزین کردن افراد شایسته در پست‌های کلیدی برای پیشبرد اهداف سازمان به شمار می‌آید. هدف پژوهش حاضر، طراحی مدل مدیریت جانشین پروری در وزارت ورزش و جوانان است که با روش تحقیق کیفی و با ماهیت اکتشافی بنیادی انجام گرفت. داده‌های تحقیق از طریق نمونه‌گیری هدفمند با تکنیک گلوله‌برفی و بر اساس مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۹ نفر از خبرگان دانشگاهی و افراد دارای تجربیات مدیریتی در وزارت ورزش و جوانان جمع‌آوری شد. سپس داده‌ها بر اساس نظریه داده-بنیاد و با رویکرد کلاسیک گلیزر (۱۹۹۲) طی دو مرحله کدگذاری واقعی و کدگذاری نظری تجزیه و تحلیل شدند و مدل زمینه‌ای طراحی گردید. پس از تحلیل مصاحبه‌ها نتایج تحقیق نشان داد برای پیاده‌سازی جانشین پروری، در ابتدا جهت بسترسازی اولیه یک سری الزامات شامل فرهنگ‌سازی، حمایت و تعهد مدیران ارشد، شفاف‌سازی در امور مدیریت منابع انسانی، الزامات قانونی، پشتیبانی‌های اقتصادی،

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Karimi_7896@yahoo.com

۲. استاد، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۳. استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

استقرار نظام شایسته سالاری مورد نیاز می باشد. همچنین اقدامات اجرایی لازم به ترتیب در شش گام شامل شناسایی پیش برنده ها، تعیین کمیته جانشین پروری، شناسایی پست های کلیدی، تعیین شاخص های ورود افراد به طرح جانشینی، ارزیابی و انتخاب کاندیداها و توانمندسازی کاندیداها دسته بندی شدند. در نهایت، مشخص شد که می توان با استقرار نظام جانشین پروری، کارکنان مستعد و دارای توان و شایستگی های آشکار و نهفته را شناسایی و معرفی کرد.

واژگان کلیدی: وزارت ورزش و جوانان، جانشین پروری، داده بنیاد و تکنیک گلوله برفی

مقدمه

نیروی با کیفیت و با مهارت بالا تنها چیزی است که کپی برداری و تکرار آن در سازمان‌ها تقریباً غیر ممکن است. بنابراین سازمان‌ها با تمرکز بر خزانه استعدادهایشان می‌توانند مزیت رقابتی نسبت به سایر رقبای را دارا گردند. در واقع توانایی جذب و استخدام، نگهداشت، آموزش و توسعه مناسب و به کارگیری توانمندی‌های افراد در تمام سطوح سازمان را می‌توان یکی از مزیت‌های رقابتی پایدار یک سازمان به حساب آورد و از آنجا که تقاضا برای نیروی شایسته بیشتر از عرضه آن می‌باشد، سازمان‌ها با از دست دادن افراد با تجربه و ماهر خود به دلایل گوناگون، متحمل خسارت می‌گردند (ماگر^۱، ۲۰۱۷: ۱۷۳). از طرف دیگر، جداسدن نیروهای انسانی از سطوح گوناگون سازمانی به دلایل مختلفی مانند استعفا، بازنشستگی، ارتقای شغلی، بیماری یا حتی فوت، اجتناب‌ناپذیر است. بی تردید، این ترک خدمت نیروها در مشاغل سازمانی به ویژه در مناصب کلیدی حساس در صورت نداشتن جانشینی هم سطح مهارت و دانش او می‌تواند بر عملکرد سازمان تأثیری منفی برجای بگذارد (کولینز و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۱). همچنین باید در نظر داشت که در اختیار داشتن منابع انسانی ماهر و شایسته را تنها با استخدام نمی‌توان حل کرد و سازمان‌ها برای حل این بحران با جانشین‌پروری می‌توانند نگاه خود را به درون سازمان معطوف داشته باشند تا بتوانند بر توسعه و توانمندسازی و پرورش استعدادهای موجودشان تمرکز کنند (کریمی، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

راث ول^۲ (۲۰۱۰) یکی از این ابزارهای تأمین نیروهای زبده برای مشاغل مهم سازمانی را ایجاد برنامه‌ای به نام «مدیریت جانشین‌پروری»^۳ معرفی می‌کند. از دیدگاه او مدیریت جانشین‌پروری، فرایندی است که طی آن افراد مناسب برای تصدی سمت‌های سازمانی از میان افراد واجد شرایط و با استعداد برگزیده می‌شوند و از طریق برنامه‌های متنوع آموزشی برای تصدی مشاغل و مناصب اصلی در سال‌های آینده آماده می‌گردند. درواقع، برنامه جانشین‌پروری شبیه مسابقه دو امدادی است که مدیر در مسیر و حرکت، مسئولیت را به دیگری واگذار می‌کند- در این مسابقه تیم کسی که چوبش به زمین می‌افتد، مسابقه را می‌بازد. در طی سال‌های اخیر هم، با تغییر دیدگاه‌ها نسبت به راهبردهای توسعه مدیریت منابع انسانی، توسعه منابع فکری و انسانی به عنوان راز بقا و ماندگاری سازمان‌ها و جوامع تلقی می‌شود و مهم‌ترین چالش در عرصه کسب و کار، بهره‌مندی از منابع انسانی هوشمند، مستعد، توانمند و شایسته می‌باشد (مک‌دام^۴، ۲۰۱۲: ۱۴۰). بنابراین سازمان‌های دولتی و غیردولتی امروزی نیازمند مدیرانی هستند که بتوانند با تدوین برنامه‌های مشخصی چون مدیریت جانشین‌پروری و شناسایی و تربیت نیروهای مستعد، هنگام مواجهه با تأثیرات نیرومند محیطی حاصل از خروج نیروهای انسانی با ایفای واکنش مناسب و به موقع زمینه موفقیت و بهره‌وری سازمان را فراهم آورند.

بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که درصد از متخصصان منابع انسانی، فعالیت‌های جانشین‌پروری و استعدادیابی را به خوبی نمی‌شناسند و فقط ۲۱ درصد از آنها این برنامه را به طور رسمی اجرا می‌کنند

1. Meagher

2. Rothwell

3. Succession Management

4. McAdam

(رابلز^۱، ۲۰۱۲: ۴۵۸). قابل توجه آن که بیشتر این تحقیقات در حوزه جانشین پروری، فضای کسب و کارها را مشابه در نظر می گیرند و این حقیقت را که آنها با شکلی متفاوت اداره می شوند و ساختار کارکنان و مدیریت آنها متفاوت است، نادیده می گیرند (سابن^۲، ۲۰۱۵: ۲۲۷). در حالی که به دلیل وجود تفاوت هایی در نوع فعالیت سازمان، اندازه، عمر سازمان، ارزش های مدیریتی مختلف و همچنین میزان زمان، منابع و تخصص در اختیار سازمان، طراحی برنامه های جانشین پروری به اشکال متنوعی امکان پذیر خواهد بود (راثول، ۲۰۱۰: ۱۳). با وجود مدل ها و رویکردهای زیاد در حیطه جانشین پروری هنوز مدل یا رویکرد واحدی برای همه سازمان ها و موقعیت ها وجود ندارد و تأکید صاحب نظران بر باز طراحی کردن مدل بر اساس شرایط خاص هر سازمان می باشد (ریچاردسون^۳، ۲۰۱۴).

در حال حاضر یکی از چالش های اساسی بخش دولتی ایران، نداشتن مدل کارآمد و بومی جانشین پروری خاص هر سازمان است. به اعتقاد میرمحمدی و حسن پور (۱۳۹۰) در نظام اداری ایران، موضوع راهبردی جانشین پروری به بوته فراموشی سپرده شده و برای پرکردن خلأ نیروهای خارج شده از نظام اداری، برنامه ریزی اساسی و پیش بینی کارشناسی صورت نمی پذیرد. همچنین باید گفت که ادبیات موضوع پیرامون مفهوم جانشین پروری در کشور ما بسیار محدود است؛ به طوری که پژوهش های انجام شده در زمینه استعدادیابی و برنامه جانشین پروری در سازمان های دولتی اثرگذار- در حالی که بخش دولتی کشور نیاز مبرم و اساسی تری به برنامه جانشین پروری دارد (مثل وزارتخانه ها، معاونت های ریاست جمهوری و...) - انگشت شمار است. به عنوان مثال، نیلپور و همکاران^۴ (۲۰۱۴) به مطالعه چالش های جانشین پروری در سازمان های دولتی ایران، لطیفی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی الگوی جانشین پروری در سازمان های دولتی از طریق کاربست مدل سازی ساختاری- تفسیری؛ قاسمی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی دشواری ها و موانع استقرار برنامه جانشین پروری در نظام اداری ایران، خوارزمی و همکاران (۱۳۹۵) بررسی تحلیلی شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب پیاده سازی نظام جانشین پروری کارکنان دانشگاهی، دونر و همکاران^۵ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «برنامه ریزی جانشین پروری و مدیریت» به بررسی برنامه های جامع جانشین پروری و توسعه رهبری برای موفقیت در ارتباطات تجاری و منافع مالی شرکت ها در آینده و سنیوولیبیا^۶ (۲۰۱۵) به بررسی برنامه ریزی جانشینی جهت آماده سازی نسل بعدی نیروی کار دانشگاه پرداختند. نادریان (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده در اجرای برنامه جانشین پروری بازیکنان در تیم های فوتبال پرداخت. عاشوری و همکاران (۱۳۹۴) به شناسایی عوامل اثرگذار بر جانشین پروری در چهار فدراسیون منتخب ورزشی همت گماردند. همچنین قلی پور و همکاران (۱۳۸۹) مرشدیت (رابطه استاد- شاگردی) را به عنوان یک مکانیزم برای جانشینی پیشکسوتان و مدال آوران شهر تهران و سابینگ و واشنگتن (۲۰۱۱) تعیین جانشین رهبری تیم را

1. Robels
2. Sabone
3. Richardson
4. Nilipour et al.
5. Donner et al.
6. Seniwoliba

عامل مثبت بر روی عملکرد تیم ورزشی بیان کردند.

اجرای موضوع جانشین‌پروری در وزارت ورزش و جوانان، به عنوان عالی‌ترین مرجع رسیدگی به مسائل ورزشی کشور که بیشتر خدمات‌محورند و نقش انسان به عنوان مهم‌ترین سرمایه سازمان در آن، از سایر منابع پررنگ‌تر است، اهمیت بیشتری دارد. بدون شك ایجاد وقفه در مدیریت صحیح نیروی انسانی به خصوص در بحث جانشین‌پروری صدمات جبران‌ناپذیری را به آن وارد می‌کند، چون نیاز به افراد توانمند يك موضوع مقطعی نیست، بلکه در همه دوره‌های زمانی باید در سازمان وجود داشته باشد. از دیگر عللی که وزرات ورزش و جوانان را به سمت توجه هر چه سریع‌تر به جانشین‌پروری سوق می‌دهد، آمار ارائه شده از سوی واحد منابع انسانی حاکی از قریب‌الوقوع بودن بازنشستگی حدود ۵۰ درصد از مدیران و کارکنان فعلی طی پنج سال آینده و نبود برنامه کاملاً مشخص و مدونی با عنوان «جانشین‌پروری در سازمان» است که خود منجر به استمرار خدمت بسیاری از نیروهای بازنشسته خواهد شد (برگرفته از صحبت‌های کارمندان ارشد واحد منابع انسانی وزرات ورزش و جوانان). همچنین ابلاغ اخیر سازمان بازرسی و سازمان اداری و استخدامی کشور به همه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی از جمله وزرات ورزش و جوانان مبنی بر قانون ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان، اجرای این کار را در وزارت تشدید می‌کند و از آنجایی که محیط‌های ورزشی، محیط‌هایی پویا و فعالی هستند که در آنها انسان‌ها نقش بسیار مهمی دارند، پس طراحی مدل مشخصی جهت ایجاد خزانه‌ای از نیروهای انسانی که بتوان در مواقع ضروری به آن دست یافت بدون شك به بهبود شاخص‌های عملکردی وزرات ورزش و جوانان در سطوح ملی و بین‌المللی منجر خواهد شد.

بررسی مستندات و پیشینه‌ها نشان می‌دهد که مبحث جانشین‌پروری در زمینه ورزش تاکنون به طور منسجم مطالعه نشده و به راهبردها، پیامدها و فرایندهای حاکم بر مدیریت جانشین‌پروری در وزارت ورزش و جوانان توجه دافی مبذول نگردیده است. در واقع، وجه تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های قبلی در این است که اولاً، سعی شده است يك سازمان دولتی که مستقیماً زیر نظر دولت است، بررسی شود؛ ثانیاً، با انجام کار میدانی دقیق و مصاحبه گرفتن از مدیران ارشد، میدانی و کارشناسان زبده این سازمان و خبرگان دانشگاهی، مدل فرآیندی مدیریت جانشین‌پروری در بخش دولتی به روش و قالب علمی مناسب تفهیم و تبیین شود. از این رو، انجام این تحقیق می‌تواند براساس شناخت از وضعیت موجود، مدلی برای توسعه جانشین‌پروری در وزارت ورزش و جوانان ارائه دهد. این مدل می‌تواند نقش مهمی برای مدیران دولتی به ویژه مدیران ورزشی کشور در جهت برنامه‌ریزی راهبردی حوزه منابع انسانی ایفا کند و به عنوان مبنایی مناسب برای تحقیقات آتی کشور در این حوزه باشد.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش داده-بنیاد، يك روش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکا به نظریه‌های موجود، خود به تدوین نظریه اقدام کنند. این نظریه بر اساس داده‌های واقعی تدوین می‌شود و در مواردی که دانش موجود در زمینه‌های محدود است، کاربرد دارد

(مهرعلی زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۵۸). در این پژوهش با توجه به هدف اولیه که طراحی مدل بومی در زمینه مدیریت جانشین پروری در وزارت ورزش و جوانان می باشد- و تا کنون در این حیطه نظریه ای بیان نشده- به منظور ارائه مدلی نظام مند و شماتیک، از راهبرد نظریه داده- بنیاد مبتنی بر روش مصاحبه های عمیق و با تأکید بر رویکرد اکتشافی استفاده شد. مصاحبه ها در سال ۱۳۹۷، به مدت زمان ۵۰ تا ۱۲۰ دقیقه و در دفتر کار مشارکت کنندگان انجام شد و در نهایت بعد از رسیدن به اشباع و کفایت نظری با افرادی که معرفی شده بودند، به اتمام رسید. در مواقع یادداشت برداری یا تعارض بین کدها یا ابهام در مفاهیم، ارتباط کوتاه تلفنی یا مجازی با مصاحبه شونده مجدد صورت می گرفت تا اطلاعات بهتر و غنی تری در دسترس قرار گیرد.

در این تحقیق سعی شد که از رویکرد کلاسیک (طرح خودجوش) که در سال ۱۹۹۲ از جانب گلیزر^۱ در نظریه داده- بنیاد مطرح شد، استفاده شود. گلیزر (۱۹۹۲) معتقد است که نظریه باید از دل داده ها بجوشد و ظهور یابد، نه اینکه محقق از قبل رابطه بین مقوله ها را در قالب کدگذاری محوری در نظر گرفته باشد و بعد از آن به دنبال مقوله هایی باشد که با الگو سازگار باشند. در این پژوهش چون از روش کلاسیک استفاده می گردد، مراحل تجزیه و تحلیل داده های کیفی در قالب دو مرحله: ۱- کدگذاری واقعی^۲ که خود شامل دو مرحله کدگذاری باز و انتخابی (محوری) می باشد و ۲- کدگذاری نظری^۳ انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، مطالب خط به خط خوانده و به هر قسمت از داده ها (که ممکن است یک کلمه، خط یا پاراگراف باشند) یک برچسب اختصاص داده شد. این تکه از داده ها را می توان یک واقعه در نظر گرفت و چندین واقعه، یک مفهوم را شکل می دهند. در اصل هر نکته کلیدی، یک واقعه محسوب می شود. سپس واقعه ها به یک سطح بالاتر یعنی مفهوم انتقال یافتند. بعضی از مفاهیم، از ترکیب چند واقعه به دست می آیند و بعضی، تنها از یک واقعه یا نکته کلیدی حاصل می شوند. در مرحله کدگذاری انتخابی، از طریق مقایسه مستمر کدها و مفاهیم تولید شده در مرحله قبلی، مقوله های فرعی و مقوله محوری یا اصلی شکل می گیرد. کدگذاری انتخابی تا زمانی ادامه پیدا می کند که مقوله اصلی و مقوله های مرتبط اشباع شوند. در این مرحله از تحلیل مصاحبه ها، ۱۴۵ مفهوم به دست آمد که از تلفیق آن ها با یکدیگر ۲۴ مقوله فرعی در ۷ مقوله اصلی دسته بندی شدند و امکان فهم عمیق تر، چرایی و چگونگی مدیریت جانشینی پروری فراهم شد. در مرحله کدگذاری نظری، چگونگی ارتباط مقوله ها با یکدیگر را مفهوم سازی می کنند. کدگذاری نظری معمولاً در زمان مرتب سازی و یکپارچه کردن یادداشت ها اتفاق می افتد. کدگذاری باز و انتخابی، به دسته بندی، طبقه بندی و در واقع تکه تکه کردن داده ها می پردازد، اما در این مرحله و از طریق کدهای نظری، مفاهیم را به یکدیگر ارتباط می دهیم. در واقع این کدها چگونگی ارتباط مقوله ها را با یکدیگر مفهوم سازی می نماید (گلیزر، ۱۹۷۸).

باید خاطرنشان ساخت که به علت ماهیت روش مورد استفاد، تعیین دقیق جامعه و نمونه آماری، مانند روش های تحقیق کمی، در ابتدای کار مشخص نیست و دلیل این امر آن است که محقق مطمئن نیست که

1. Glaser
2. Substantive coding
3. Theoretical coding

فرایند تحقیق او را به کجا می کشاند. در عوض محقق آنقدر به جمع آوری داده ها ادامه می دهد که به نقطه اشباع برسد؛ یعنی جایی که دیگر هیچ اطلاعات جدیدی فراهم نشود. از این رو، نظریه داده- بنیاد انعطاف پذیر است و محقق را قادر می سازد به مسائل جدیدی پردازد که پیش تر در مورد آنها فکر نکرده است (استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۷۸). در این پژوهش انتخاب نمونه بر مبنای نمونه گیری هدفمند یا تکنیک گلوله برفی انجام گردید. برای این کار، ابتدا از میان جامعه آماری پژوهش که شامل کلیه خبرگان دانشگاهی (عضو هیئت علمی دانشگاه ها) و افراد دارای تجربیات مدیریتی در وزارت ورزش و جوانان بودند، فهرستی تهیه و سپس با آنها مصاحبه عمیق برگزار شد. پس از اتمام هر مصاحبه، از هر یک از افراد مورد مصاحبه خواسته شد سایر خبرگان را به محقق معرفی کنند. این کار تا زمانی ادامه یافت که پژوهشگر به نقطه اشباع^۱ رسید؛ جایی که داده های جدید جمع آوری شده با داده هایی که قبلاً جمع آوری شده تفاوتی نداشت و شبیه هم بودند. در نهایت پژوهشگر با تعداد ۱۹ مصاحبه، به اشباع نظری رسید. بنا بر نظر کوال (۱۹۹۶)، با توجه به زمان و منابع قابل دسترس، تعداد (۱۰±۱۵) نمونه برای انجام مصاحبه کافی خواهد بود. پس از مطالعه و بررسی مبانی نظری، داده های خام به صورت استقرایی از مصاحبه های انجام شده بر اساس نظریه داده- بنیاد با رویکرد کلاسیک تجزیه و تحلیل شدند. در جدول ۱، نمونه ای از کدگذاری باز و انتخابی از چند مصاحبه نشان داده شده است:

جدول ۱: نمونه ای از کدگذاری باز و واقعی

کد مصاحبه	واقع‌ه‌ها (برچسب‌زنی اولیه)	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
AR29	چون نیاز این موضوع در این سازمان حس می‌گردد، توجه پذیری و حمایت مسئولان وقت وزارتخانه برای تمامی مراحل جانشین پروری لازم می‌باشد.	آگاه‌سازی مدیران جهت حمایت	حمایت و تعهد مدیران ارشد	الزامات و بسترهای اولیه لازم
CR7	تعهد مدیران ارشد و پشتیبانی آنها عامل اصلی اجرای جانشین پروری می‌باشد.	تعهد و پشتیبانی مدیران ارشد		
AR5	یکی از عمده‌ترین مشکلات ما مشخص نبودن امور مدیریتی در سازمان است	نبود شفافیت در امور مدیریتی	شفاف‌سازی	
BR13	مشخص بودن کلیه اتفاقاتی که افتاده و ممکن است در آینده بیفتد	روشن بودن تمام امور		

برای تعیین موثق بودن داده ها- که در تحقیقات کیفی معادل پایداری و روایی در تحقیقات کمی است- از دوروش بازکدگذاری (پایداری باز آزمون) توسط یک پژوهشگر دیگر و روش بازبینی اعضا استفاده شد (امیری و نوروزی، ۱۳۹۴، ۱۳۵). در روش بازکدگذاری، ۳ مصاحبه در اختیار پژوهشگر دیگری قرار گرفت. ضریب

پایایی بازآزمون ۸۵ درصد بود که نشان دهنده میزان توافق کدگذاری در دو محقق، ثبات و درجه توافق مطلوب در کدگذاری است. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است (کوال، ۱۹۹۶)، قابلیت اعتماد کدگذاری مطلوب و مورد تأیید است. همچنین برای تعیین تأییدپذیری از روش بازبینی اعضا استفاده شد (آندرو، ۲۰۱۱). کدگذاری ها و مدل نهایی در اختیار سه نفر از مصاحبه شوندگان قرار گرفت و آنها نظرات خود را اعمال و در نهایت مدل کلی تحقیق را تأیید کردند.

یافته‌های پژوهش

از آنجا که فرایند تحقیق کیفی ماهیتی غیرخطی دارد، فرایند کدگذاری ها بارها و بارها تکرار شد و براساس رویه‌های مطرح شده در قسمت روش شناسی، کلیه مفاهیم، مقوله‌های فرعی و اصلی به طور منظم- مانند آنچه که در جدول ۲ برای کدگذاری سه مقوله فرعی (حمایت و تعهد مدیران ارشد، لزوم وجود شفافیت در مدیریت منابع انسانی و الزامات قانونی) از الزامات و بسترها نوشته شده است- تنظیم شدند.

جدول ۲: کدگذاری مفاهیم، مقوله فرعی و اصلی مرتبط با سه مقوله از الزامات و بسترهای اولیه

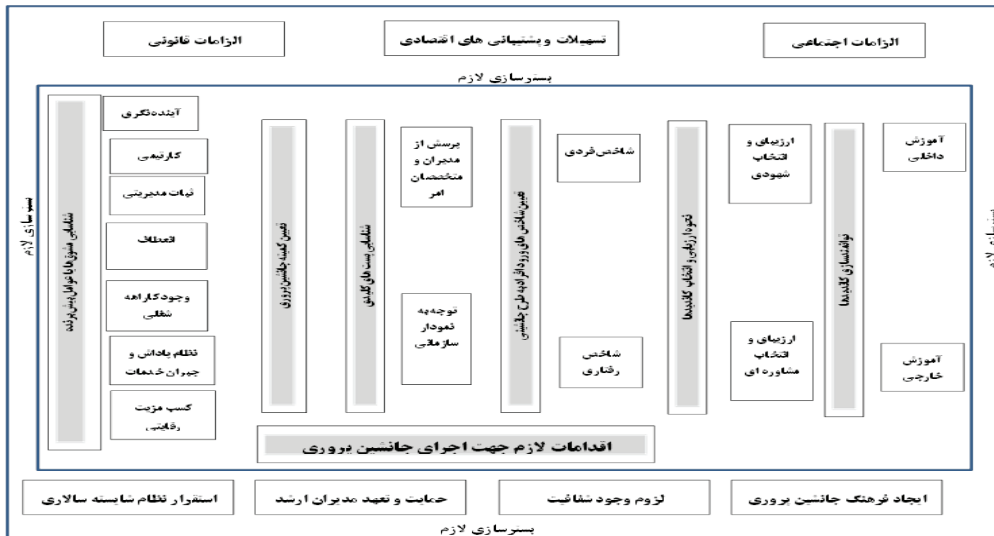
مقوله های اصلی	مقوله های فرعی
الزامات و بسترهای لازم	حمایت و تعهد مدیران ارشد، لزوم وجود شفافیت در مدیریت منابع انسانی، الزامات قانونی، الزامات اجتماعی، تسهیلات و پشتیبانی‌های اقتصادی، استقرار نظام شایسته‌سالاری و ایجاد فرهنگ جانشین پروری
شناسایی مشوق‌ها	آینده نگری، کار تیمی، انعطاف سازمانی، وجود کارراهه شغلی، کسب مزیت رقابتی، نظام پاداش و جبران خدمات و ثبات مدیریتی
تعیین کمیته‌ی جانشین پروری	ایجاد دبیرخانه مشخص و مشخص بودن وظایف
شناسایی پست‌های کلیدی	پرسش از مدیران و متخصصان امر و بر اساس وظیفه حاد و اساسی
تعیین شاخص‌های ورود افراد به طرح جانشینی	شاخص‌های فردی و شاخص‌های رفتاری
نحوه ارزیابی و انتخاب کاندیداها	ارزیابی و انتخاب شهودی و مشاوره‌ای
توانمندسازی کاندیداها	آموزش داخلی و خارجی

در نهایت، با طبقه‌بندی ۱۴۵ مفهوم به دست آمده، ۲۴ مقوله فرعی شکل گرفت که در مرحله کدگذاری نظری حول ۷ مقوله اصلی طبقه‌بندی گردید. در اینجا فقط مقوله‌های فرعی و اصلی مدل بر اساس آنچه در بالا و روش تحقیق بیان شد، در قالب جدول زیر آمده است:

جدول ۳: مقوله های فرعی و اصلی

مقوله اصلی	مقوله های فرعی	مفاهیم
الزامات و بسترهای اولیه	حمایت و تعهد مدیران ارشد	پشتیبانی و حمایت مدیران ارشد از سیاست های جانشین پروری
		پذیرش سیستم مدیریت جانشین پروری توسط مدیران
		آگاه سازی مدیران جهت حمایت
		تعهد منابع انسانی کلیدی وزارت نسبت به جانشین پروری
		تعیین چارچوب حمایتی
	لزوم وجود شفافیت در مدیریت منابع انسانی	نبود ابهام در امور انتصابات
		شفاف سازی کردن در امور سازمان
		شفاف بودن فرایند جانشین پروری
		لزوم تدوین فرایند جانشین پروری به شکل دستورالعمل و شفاف
	الزامات قانونی	الزامات و دستورالعمل های مکتوب قانونی به همراه ضمانت اجرا جهت اجرای جانشین پروری
		قانونی بودن فرآیند اجرا
		تأکید هیئت دولت بر اجرای این موضوع به همراه دستورالعمل های ابلاغی
		ابلاغ الزامات قانونی به همراه ضمانت اجرا به تمام بخش ها

بر مبنای یافته های حاصل از مصاحبه ها، اولین مقوله اصلی الزامات و بستر سازی اولیه است که خود شامل مقوله های فرعی زیر می باشد: حمایت و تعهد مدیران ارشد، لزوم وجود شفافیت در مدیریت منابع انسانی، الزامات قانونی، الزامات اجتماعی، تسهیلات و پشتیبانی های اقتصادی، استقرار نظام شایسته سالاری و ایجاد فرهنگ جانشین پروری. در ادامه تحلیل داده ها و کدگذاری ها، اقدامات اجرایی جانشین پروری در ۶ مقوله اصلی دسته بندی شدند: اولین مقوله اصلی از این اقدامات، شناسایی عوامل مؤثری همچون: آینده نگری، کار تیمی، انعطاف سازمانی، وجود کار راه شغلی، کسب مزیت رقابتی، نظام پاداش و جبران خدمات، ثبات مدیریتی در پیشبرد جانشین پروری بود. دومین مقوله اصلی، تعیین کمیته جانشین پروری شامل دو مقوله فرعی ایجاد دبیرخانه مشخص و مشخص بودن وظایف بود. سومین مقوله، شناسایی پست های کلیدی شامل دو مقوله فرعی پرسش از مدیران و متخصصان امر و توجه به نمودار سازمانی به عنوان روش های شناسایی این پست ها بود. چهارمین مقوله اصلی، تعیین شاخص های ورود افراد به طرح جانشینی بود که تحلیل نتایج مصاحبه ها، دو شاخص فردی و رفتاری را به عنوان شاخص های مؤثر تعیین نمود. پنجمین مقوله اصلی، نحوه ارزیابی و انتخاب کاندیداها با مقوله های فرعی ارزیابی به صورت شهودی و مشاوره ای بود. آخرین مرحله از این اقدامات، توانمندسازی کاندیداها با دو روش آموزش داخلی و خارجی نامگذاری شد. در نهایت پس از تحلیل های مکرر مفاهیم و مقوله های فرعی و اصلی، مدل نهایی زیر تبیین گشت:



شکل ۱: مدل نهایی مدیریت جانشین پروری در وزارت ورزش و جوانان

شکل بالا الگوی جانشین پروری برخاسته از نظریه داده- بنیاد، بر اساس دیدگاه و نقطه نظرات متخصصان و مطلعان کلیدی حوزه وزارت ورزش و دانشگاه ها را نشان می دهد و بیانگر این است که نظام جانشینی در وزارت ورزش و جوانان به دلیل ساختار سنتی از پیچیدگی های زیادی برخوردار است. از این رو، در ابتدا باید برای تسهیل قابلیت اجرایی این مدل به بستر سازی مناسب و قرارگیری الزامات پرداخت تا بتوان در ادامه آن اقدامات اجرایی لازم شامل شش مرحله را پیاده ساخت.

بحث و نتیجه گیری

به نظر مصاحبه شونده گان اولین مرحله برای طراحی مدل جانشین پروری، ایجاد مجموعه ای از الزامات جهت بستر سازی اولیه می باشد تا موضوع قابلیت اجرایی پیدا کند. این الزامات شامل فرهنگ سازی، حمایت و تعهد مدیران ارشد، شفاف سازی در امور مدیریت منابع انسانی، الزامات قانونی، تسهیلات و پشتیبانی های اقتصادی و استقرار نظام شایسته سالاری می باشد. در ادامه، این الزامات به طور مختصر مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

از مصاحبه ها چنین به دست آمد که ابتدا باید به برآورد شرایط اولیه که همان بستر سازی فرهنگی است، مبادرت ورزید؛ چراکه اهمیت فرهنگ سازی بر کسی پوشیده نیست و به نوعی در استقرار هر نظامی در سازمان ها نقش اساسی ایفا می کند و شکل دهنده رفتار و نگرش کارکنان در بستر سازی برای اجرا و نیل به اهداف از پیش تعیین شده است. لذا توجه به بستر سازی فرهنگی برای ایجاد يك تصویر و دیدگاه مثبت لازم است که

خود سبب از بین رفتن ترس کارمندانی می شود که جانشین پروری را خطری برای موقعیت خود در سازمان می دانند. مصاحبه شونده‌گان معتقد بودند تحکیم و تقویت فرهنگ جانشین پروری از طریق تشکیل هم اندیشی و مشارکت، برای جلوگیری از انتصاب به صورت تجربی و نیروی بیرونی در مناصب کلیدی احساس می شود. سینولیا (۲۰۱۵) نیز به نقش فرهنگ در استقرار و بهره‌برداری از نظام مدیریت جانشین پروری اشاره کرده است که خود تأکیدی بر لزوم توجه به این موضوع در اجرای اولیه جانشین پروری می باشد.

از دید مصاحبه شونده‌گان پس از فرهنگ سازی، حمایت و تعهد مدیران ارشد در زمینه فراهم سازی مقدمات اجرای این برنامه و پذیرش آن از سوی دیگران الزامی می باشد. البته این تعهد و التزام نباید فقط به حمایت لفظی و کلامی محدود باشد، بلکه بهتر است بالاترین سطوح سازمانی شامل معاونان و تیم مدیران ارشد وزارت، نقش یک قهرمان مشتاق را در این برنامه‌ها به عهده بگیرند. نتایج تحقیقات واشینگتون (۲۰۱۶)، کیم (۲۰۰۶)، طیفی و همکاران (۱۳۹۵) و ابوالعالی (۱۳۹۳) ضرورت این مقوله را تأیید می کنند. نتایج راثول (۲۰۱۰) نشان می دهد برنامه ریزی جانشین پروری در واقع یک نظام تصمیم سازی است و فقدان باورمندی و حمایت مدیران عالی که استفاده کنندگان اصلی آن هستند، این برنامه را ناکارآمد خواهد ساخت. الزام بعدی در مورد وجود وضوح و شفافیت در کلیه امور مرتبط با مدیریت منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان می باشد؛ به طوری که نظام جانشین پروری باید بتواند زمینه مناسب را برای رشد و ارتقای کارکنان مستعد فراهم نماید و فرصت های یکسان را برای آنان به گونه ای ایجاد نماید که آنها بدانند برای رسیدن به مرحله خاصی در نردبان ترقی چه کارهایی باید انجام دهند و تلاش خود را در چه راستایی معطوف نمایند. از نظر کیم (۲۰۰۶)، شفاف و مشخص بودن اهداف و فرایند جانشین پروری برای کلیه کارکنان سازمان جزو عوامل فرایندی جانشین پروری می باشد که منجر به تسهیل اجرای این برنامه در سازمان می شود. راثول (۲۰۱۰) یکی از معایب برنامه جانشین پروری غیرعلنی، را احتمال ترك سازمان فعلی توسط کارکنان با استعداد و برجسته و نیز محدودیت در كمك به توسعه این افراد به دلیل آگاه نبودن از موقعیت آنها در سازمان می داند.

تدوین دستورالعمل ها و شیوه نامه های مكتوب به همراه ضمانت اجرا، الزامی دیگر برای اجرای این موضوع می باشد. تمامی مصاحبه شونده‌گان هم نظر بودند که وجود دستورالعمل هایی برای این موضوع - اگر از طرف مقامات بالا تنظیم، مهر و امضا شده باشد - زمینه برای اجرای این کار را در این وزارتخانه تسهیل می کند و از جهت گیری نامناسب فعالیت های مرتبط و نیز نابسامانی رویکردها و رویه های اجرایی جلوگیری خواهد نمود. نتایج پژوهش نیلی پور و همکاران (۲۰۱۴) و کیم (۲۰۰۶) مبنی بر وجود ساختار سازمانی مكتوب و شفاف به همراه ضمانت اجرای برنامه جانشین پروری در تمام بخش ها و سطوح مدیریتی جهت اجرای راهبرد جانشین پروری در سازمان، مؤید این موضوع است.

به علاوه، مصاحبه ها نشان داد که نظام اخلاقی - اجتماعی حاکم بر نظام های ارزشی ما، مرد سالارانه است که این که خود جانشین پروری بانوان را محدود می کند. از آنجا که روح کلی حاکم بر ورزش بر مبنای رعایت اصول اخلاقی و تربیتی است، رعایت این اصول اخلاقی و جوانمردانه در وزارتخانه ای که تمام هم و غم آن بر توسعه ورزش است، یکی از الزامات توسعه جانشین پروری در وزارتخانه است. در اصل وجود فرصت های

قانونی برابر و داشتن آزادی‌هایی در انتخاب زنان به عنوان جانشینان مدیر در آینده، از دیگر الزامات اساسی برای بهبود و توسعه جانشین پروری در وزارتخانه است. این الزام مطابق با نظر نیکلسون و هوی (۲۰۰۸) است که بیان می‌کند اگر سیستم‌های اداره کنند ورزش نتوانند فرصت مشارکت فعال تمامی اقشار و توده‌ها را در ورزش فراهم کنند، نمی‌توان انتظار داشت که سرمایه‌های انسانی و قابلیت‌های انسانی در ورزش رشد و توسعه یابد و به توسعه پایدار در ورزش رسید.

اجرای این کار مانند هر کار دیگری نیازمند صرف هزینه برای گماشتن منابع انسانی جهت اجرا و آماده کردن استعدادها و مورد نیاز برای آینده سازمان می‌باشد. برخی از مصاحبه‌شوندگان با توجه به اوضاع اقتصادی کشور و فشار تحریم‌ها، وابسته بودن درآمد کشور به نفت و نگاه وزارتخانه‌ها از جمله وزارت ورزش و جوانان به صندوق دولت را امری نگران‌کننده و بیمناک دانستند، ولی با این حال معتقد بودند سازمان‌ها همگی متأثر از محیط بیرونی و عوامل اثرگذار بر آن هستند. پس وقتی متأثر از محیط هستیم، نمی‌توانیم چشم‌مان را بر روی مسائل و مشکلات اقتصادی ببندیم. بنابراین اجرای برنامه جانشین پروری در وزارت ورزش و جوانان - هر چند کم - نیازمند مجموعه‌ای از تسهیلات و پشتیبانی‌های اقتصادی است. در این راستا کیم (۲۰۰۶) نیز معتقد است که اجرا و پیاده‌سازی برنامه جانشین پروری نیازمند تخصیص بودجه کافی می‌باشد که خود تأییدکننده این الزام در اجرای جانشین پروری می‌باشد. یکی از کاستی‌های موجود در مسیر اجرایی جانشین پروری که حتماً باید از قبل در وزارت ورزش و جوانان گسترش داده شود، انتصاب مدیران و کارکنان لایق و توانمند است. چنانچه از آغاز انتصابات براساس شرایط احراز شغلی و نه بر مبنای روابط در سازمان صورت پذیرد، اجرای جانشین پروری آسان‌تر خواهد بود. بی‌شک، بحث جانشین پروری با شایسته‌سالاری مطابقت دارد، چون منجر به روی کار آمدن افراد شایسته، ایجاد انگیزه و ماندگاری نیروهای توانمند در وزارتخانه خواهد شد.

در مرحله بعدی یک سری اقدامات به عنوان چارچوب‌های لازم برای اجرای جانشین پروری در شش گام نظر گرفته شد: ۱- شناسایی پیش‌برنده‌ها (مشوق‌ها)؛ ۲- تعیین کمیته جانشین پروری؛ ۳- شناسایی پست‌های کلیدی؛ ۴- تعیین شاخص‌های ورود افراد به طرح جانشینی؛ ۵- ارزیابی و انتخاب کاندیداها؛ ۶- توانمندسازی کاندیداها دسته‌بندی گردید.

از دید مصاحبه‌شوندگان اولین مرحله، شناسایی عوامل مؤثر در پیشروی و اجرای این کار به عنوان مشوق‌ها می‌باشد. وجود این عوامل باعث تسریع در روند پیشرفت اجرای این موضوع می‌گردد. اولین عامل پیش‌برنده، آینده‌نگری و تفکر در مورد آینده سازمان می‌باشد. عامل دوم، وجود انعطاف سازمانی در ساختار سازمانی می‌باشد؛ به گونه‌ای که ساختار سازمان قابلیت انطباق با محیط متغیر امروزی را داشته باشد. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند تخصص‌گرایی در ورزش، نفوذ ورزش و سازمان‌های ورزشی در لایه‌های مختلف زندگی جوامع بشری، انطباق‌پذیری با شرایط مختلف و متغیر فعلی را تبدیل به امری اجتناب‌ناپذیر کرده است. از نظر هوگز و ویسبرود (۲۰۱۶)، محیط بازار کار و افزایش رقابت سازمان‌ها را در تتگنا قرار می‌دهد تا نسبت به تغییرات محیطی که به سرعت انجام می‌پذیرد، از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار باشند.

عامل سوم، وجود کارراهه شغلی می‌باشد. معلوم بودن فرآیند پیشرفت افراد در وزارتخانه سبب می‌گردد تا

فرد مطمئن شود که پیشرفت‌ها و انتصابات به رده‌های بالاتر بر اساس یک چارچوب معین و به صورت سلسله‌مراتبی می‌باشد. در واقع، مشخص بودن مسیر شغلی فرد باعث می‌شود که سازمان به راهبرد جانشین‌پروری جامه عمل بپوشاند. پس وزارتخانه باید دارای نظام ارتقای منطقی و کارآمد باشد تا از طریق آن هر یک کارکنان بر اساس شایستگی و عملکرد خود بتوانند نردبان ترقی شغلی را طی کنند. نظر کیم (۲۰۰۶) مبنی بر مؤثر بودن وجود برنامه مسیر پیشرفت شغلی کارکنان سازمان در انتصابات هنگام اجرای برنامه جانشین‌پروری مؤید این عامل در پیشبرد جانشین‌پروری است.

از نظر مصاحبه‌شوندگان، در وزارت ورزش و جوانان نظام پاداش مشوق خوبی برای اجرای جانشین‌پروری خواهد بود. اعطای پاداش به کارکنان در قبال اشتراک دانش، تجربه و آماده کردن فردی به عنوان جانشین، بدون شک انگیزه بیشتری القا می‌کند و اجرای جانشین‌پروری را تسهیل خواهد نمود. از نظر کیم (۲۰۰۶) یکی از عوامل سازمانی مؤثر در اجرای جانشین‌پروری، ایجاد انگیزه در استعدادهای داخلی سازمان از طریق نظام جبران خدمات و پاداش می‌باشد. عامل بعدی گرایش به کار تیمی می‌باشد. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که چون در کارهای تیمی به دلیل مشارکت مؤثر افراد با هم، پیش‌بینی عملکرد بهتری انتظار می‌رود، بنابراین اگر مدیران وزارتخانه، زیردستان زبده، صاحب فکر و اندیشه خود را در تصمیم‌گیری‌ها، جلسات و همایش‌های مهم شرکت دهند یا به آنان مسئولیت توأم با اختیار بدهند، خود به خود جانشینی بهتری صورت می‌گیرد و هنگام بازنشستگی نیروها، با خلاء منابع انسانی در پست‌های کلیدی وزارت روبه‌رو نمی‌شویم. از دیدگاه کانگر و فالمر (۲۰۰۹) یکی از عوامل مؤثر بر حفظ و پرورش نیروی کار به خصوص نیروی کار مستعد، تمایل و اشتیاق مدیر به کار تیمی است. از نظر تعدادی از مصاحبه‌شوندگان یکی از نکات مهم دیگری که در نظام مدیریتی وزارت ورزش و جوانان و حتی کلیه سازمان‌های دولتی ایران رعایت نمی‌شود، عدم ثبات مدیریتی است. در واقع، دوره زمانی مدیریت مدیر مشخص نیست. به همین دلیل مدیر هم هیچ تمایلی به تعیین جانشین ندارد. پس وجود ثبات در مدیریت، مشوق خوبی خواهد بود. طبق گفته موهاهو (۲۰۱۴)، ثبات تیم مدیریتی جهت اجرای مداوم و مستمر برنامه جانشین‌پروری جزو عوامل فرایندی می‌باشد و اگر ثبات در سازمان انجام نشود، افراد فاقد مهارت در نقش‌های حیاتی ظاهر خواهند شد. مشوق آخر، تلاش برای به دست آوردن مزیت رقابتی در دنیای امروزی است که عامل خوبی برای پیش‌روی در فرایند جانشین‌پروری به شمار می‌آید. میستر و ویلرد (۲۰۱۰) معتقدند امروزه سازمان‌ها در شرایط پرقابته، با کمبود قابل توجهی از استعداد مواجه خواهند شد که رقابتی جدی در جذب، استخدام و حفظ این استعدادها به دنبال خواهد داشت. پاسخ‌دهندگان گام دوم را تعیین کمیته‌ای برای اجرای جانشین‌پروری اعلام کردند. همان‌طور که برای تمامی امور در وزارتخانه یک بخش خاصی موظف به اجرا می‌باشد، در این زمینه هم باید از همان اول کار یک واحد خاصی یا کمیته‌ای جهت پیگیری و اجرای امور تشکیل گردد و وظایفشان کاملاً مشخص و ثبت شده باشد. این کمیته مسئولیت رسمی تدوین دستورالعمل‌های اجرایی مدیریت جانشین‌پروری و همچنین نظارت بر حسن اجرای فعالیت‌های حوزه‌های مختلف آن، رفع موانع و مشکلات احتمالی و تهیه و تنظیم گزارش‌های تحلیلی از روند پیشرفت جانشین‌پروری براساس رویه‌های مصوب مدیریت جانشینی را بر عهده

دارد. نیافتن مطلبی در تأیید این عامل خود دلیلی بر جدید بودن آن در مدل جانشین پروری می باشد. در مرحله سوم باید پست های کلیدی در وزارتخانه شناسایی شوند، چون نظام جانشینی بر سمت های محوری و مشاغل که برای فعالیت دراز مدت سازمان ضروری است - پست هایی که در صورت خالی ماندن و نبود جانشین برایشان فعالیت محوری آن بخش متوقف می شود و در عملکرد جاری وزارتخانه اختلال به وجود می آید- تمرکز دارد. میزان تأثیرگذاری این سمت ها در کل سازمانی که فرد در قبالش مسئول است، تعیین کننده جایگاه مهم سمت های کلیدی است. طبق گفته مصاحبه شوندگان در روش برای شناسایی پست های کلیدی در وزارتخانه وجود دارد: یکی روش نمودار (ساختار) سازمانی است که از طریق بررسی جایگاه افراد در ساختار وزارتخانه، مشخص کردن نوع وظیفه و نقش آن پست در اثربخشی مسائل سازمانی و کلیدی بودن آن پست محرز می گردد؛ روش دوم، پرسش از مدیران و متخصصان امر می باشد. در واقع از طریق سؤال از مسئولان با تجربه هر بخش که سال ها در سطوح و مشاغل مختلف، خدمات گوناگونی را ارائه داده اند و اطلاع کافی از نوع مشاغل کلیدی و تأثیرگذار دارند، کلیدی بودن پست مشخص می گردد. راثول (۲۰۱۰) معتقد است که یک برنامه مدیریت جانشین پروری، فقط به مشاغل مدیریتی محدود نمی شود و می تواند همه مشاغل کلیدی در رده های مختلف را در بر بگیرد. همچنین کانن و مک جی (۲۰۱۱) تأکید می کنند که امروزه بیش از پیش بر مشاغل کلیدی در کلیه سطوح سازمانی توجه می شود. با توجه به اینکه در گام پیشین شناسایی پست های کلیدی مورد توجه قرار گرفت، مصاحبه شوندگان معتقد بودند که جهت تسهیل فرایند پیدا کردن نیرو برای این پست ها، باید یک شرایط حداقلی (شاخص ها و معیارها) برای ورود افراد به طرح جانشینی و معرفی شان وجود داشته باشد. در واقع، تهیه فهرستی از معیارها و ملاک ها به گونه ای که جنبه سفارشی نداشته باشد، راه خوبی برای ورود افراد به خزانه جانشینی است. شاخص ها و معیارهای مناسب از دیدگاه مصاحبه شوندگان، به دو دسته شاخص های فردی و مهارتی تقسیم شدند. مهارت و توانمندی های فردی، دانش و تحصیلات، مطالعات فردی، ویژگی های شخصیتی (انگیزه و انرژی بالا، اعتماد به نفس، علاقه مندی و طرز تفکر)، برخورداری از مقبولیت عمومی و الگو بودن، تجربیات و سابقه، استعداد و هوش هیجانی فرد در دسته شاخص های فردی قرار گرفت. از طرفی چون از نظر استورات و لیندسی (۱۹۹۷) شایستگی های رفتاری بر اساس اصطلاحات رفتاری معرفی می شود و عمدتاً به معرفی نوعی از رفتارها می پردازد که با عملکرد عالی ارتباط دارد، در این پژوهش داشتن مهارت های ارتباطی و تعاملات، قدرت قضاوت و تصمیم گیری، قابلیت یادگیری فرد، مهارت کسب اطلاعات، قدرت فهم و تحلیل، خلاق و نوآور بودن، روابط عمومی بالا، آستانه تحمل فردی بالا و مشارکت گروهی در گروه شاخص های رفتاری قرار گرفت. بی تردید، احصا و تدوین این شاخص ها باعث می شود که افراد در وزارت بدانند در صورت داشتن یا مجهز شدن به این شاخص ها می توانند وارد این خزانه بشوند و راه برای پارتی بازی بسته خواهد شد. بعد از اینکه بر اساس شاخص های ورودی افرادی به عنوان کاندیداهای احتمالی انتخاب شدند، نوبت به ارزیابی و انتخاب نهایی آن افراد به عنوان جانشینان احتمالی آینده می رسد. ارزیابی و انتخاب آنان می تواند به صورت شهودی (مستقیم) از طریق مشاهده کردن رفتار فرد به طور عینی یا کنترل نامحسوس در محیط کار، از طریق آزمون های عملی - تئوری و تست های روانشناسی و

یا به روش مشاوره‌ای به نحوی که مستقیماً با فرد مورد نظر در ارتباط نباشیم، انجام گردد. این روش شامل مشورت کردن با متخصصان، کمک گرفتن از مشاوران و روانشناسان شغلی، توصیه و معرفی مدیران و افراد مورد اعتماد و مراکز ارزیابی بیرونی بخش خصوصی می‌باشد. البته تأکید بیشتر بر استفاده از مشاوران و مراکز ارزیابی بیرونی بود، چون استفاده از نظرات مدیران ممکن است منجر به ناراحتی و دلخوری کارکنان گردد. این روش با نتایج سنیوولیا (۲۰۱۵) مبنی بر اینکه شناسایی نامزد تنها یک موضوع برای جایگزینی و تطبیق با چارت سازمانی نیست و نیازمند به جلسات و بحث با رهبران و در صورت امکان یک نماینده از هر گروه، بخش و واحد است، مطابقت دارد. سریواستاوا و همکاران^۱ (۲۰۱۶) روش‌های سنتی جذب مانند آگهی و فراخوان در مورد استعدادها و نیروهای برتر را چندان مؤثر نمی‌دانستند و راهبرد استفاده از سایت‌ها، شبکه‌های فعال در این حوزه و معرفی همکاران را پیشنهاد کردند. داده‌های به دست آمده از انتخاب و ارزیابی در عین اینکه به شناسایی مؤثر افراد کمک می‌کند، اطلاعات لازم در مورد نیازهای آموزشی این کاندیدها را نیز فراهم می‌کند. در واقع، آموزش و توسعه از جنبه‌های مهم مدیریت منابع انسانی هستند (استوارت و بیور، ۲۰۰۴). از نتایج مصاحبه‌ها چنین حاصل شد که گام آخر در اقدامات مؤثر برای اجرای جانشین‌پروری، توانمندسازی و رشد کاندیدهای مورد نظر برای جانشینی می‌باشد. مبحث توانمندسازی، رشد و توسعه کاندیدها تقریباً توسط تمامی مصاحبه‌شوندگان بیان شد. همگی معتقد بودند بعد از انتخاب کاندیدها نباید آنان را به حال خود رها کرد، بلکه باید با تحلیل موشکافانه و تعیین نیازهای آموزشی، مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای آینده شغلی جدیدشان به منظور نیل به مزیت رقابتی و پیشرفت مستمر، آموزش و توسعه آنها مد نظر قرار گیرد. از دید مصاحبه‌شوندگان برنامه‌های توانمندسازی باید در جهت آگاهی و آماده‌سازی کاندیدهای جانشینی طراحی گردند. این برنامه‌ها با توجه به نحوه ارائه‌شان به دو دسته آموزش داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند. آموزش داخلی شامل مواردی چون: برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی و عمومی در خود وزارتخانه، کارگاه‌های آموزشی توانمندسازی در حیطه‌های مورد نیاز، دوره کارورزی، حضور کاندیدها در جلسات مهم مرتبط به حوزه کاری آینده‌شان در وزارت، همراهی کاندیدها در کنار افراد باتجربه قدیمی (استاد-شاگردی)، ایفای نقش، غنی‌سازی و گردش شغلی کاندیدها و آموزش‌های خارجی شامل الزام افراد به شرکت در دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی بیرون از وزارتخانه چه داخل کشور چه خارج، حضور در کنفرانس‌ها، همایش‌های علمی و شرکت در دوره‌های فراگیری زبان‌های زنده دنیا می‌باشد. گروز (۲۰۰۷)، قلی‌پور و همکاران (۱۳۸۹) و راثل (۲۰۰۵) در تحقیقات خود به روش‌های آموزشی یادگیری عملی در کنار یک مدیر، مربیگری، چرخش شغلی و سپردن وظایف با محدودیت و فشار زمانی و کیم (۲۰۰۶) به برگزاری کلاس‌های آموزشی به منظور ارتقای توانایی‌های کارکنان اشاره کرده‌اند. همچنین فالمر و کانگر (۲۰۰۹)، در پژوهش خود بیان کردند که نظام‌های برتر مدیریت جانشینی ارتباط نزدیکی با روش‌ها و شیوه‌های آموزش و یادگیری دارند. گفتنی است که در کلیه مراحل، نبود پیشینه مرتبط با آن خود دلیلی محکم بر جدید بودن مؤلفه‌ها و مراحل و در کل مدل تدوین شده می‌باشد. از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش و همچنین سایر پژوهش‌هایی که به روش

کیفی صورت می گیرد، عدم قابلیت تعمیم یافته ها به سایر جوامع آماری مشابه است و همچنین دشواری های پیشرو جهت ایجاد هماهنگی برای انجام مصاحبه ها که منجر به افزایش زمان کار گردید.

اما در نهایت مدل برآمده از این تحقیق نشان داد که برنامه جانشین پروری، یکی از مهمترین برنامه ها برای کارآمدسازی وزارت ورزش و جوانان در شرایط رقابتی امروزه می باشد، زیرا خلأ و ترك خدمت نیروها در مشاغل حساس و مهم وزارت می تواند در روند حرکت آن اختلال جدی ایجاد کند. بنابراین، وزارتخانه برای جلوگیری از ایجاد اختلال باید برنامه جانشین پروری را به منظور تأمین نیروهای شایسته برای مشاغل مختلف از داخل سازمان به کار گیرد. اجرای این امر مستلزم آن است که وزارتخانه ابتدا بسترها و زمینه های لازم برای پیاده سازی این برنامه را فراهم سازد تا به دنبال آن بتوان عملاً شاهد موفقیت تمامی مراحل اجرایی جانشین پروری بود. اگرچه در وزارت ورزش و جوانان، بحث رقابت تجاری و صنعتی وجود ندارد، اما مانند دیگر سازمان های دولتی خدماتی - به دلیل اینکه محیط پیرامون سازمان دائماً در حال تغییر و تحول است - برای رویارویی و پاسخ دهی متناسب با این تغییرات باید آمادگی بلندمدت و راهبردی در حیطه منابع انسانی به ویژه برای ساماندهی فعالیتهای مربوط به استخدام، ارتقا، انتصاب و ارزیابی کارکنان و مدیران وجود داشته باشد. فرایند استعدادیابی و جانشین پروری، پیشنهاد مناسبی برای تحقق این هدف محسوب می شود و چنانچه وزارتخانه به هر دلیلی نخواهد یا نتواند به انتصابات شایسته بپردازد و کماکان بر شیوه های سنتی انتصاب و ارتقا تکیه کند و رابطه سالاری را به شایسته سالاری ترجیح دهد، محکوم به شکست خواهد بود.

در ادامه به محققان دیگر توصیه می شود با توجه به اینکه جانشین پروری در سطح سازمان منجر به بقا و پیشرفت سازمان و به دنبال آن در سطح دولت نیز موجب توسعه و پیشرفت کشور خواهد شد، در تحقیقات مشابه، به تدوین مدل جامعی از جانشین پروری در سطح ادارات دولتی کشور و حتی مقایسه با یکدیگر پرداخته شود. همچنین توسعه مدل در بخش خصوصی کشور به خصوص در زمینه ورزش و حتی بررسی چالش ها و موانع اجرای موفق جانشین پروری در سازمان های ورزشی کشور پیشنهاد می گردد. از سوی دیگر، می توان با استفاده از دیگر رویکردهای کیفی این موضوع را بیشتر بررسی کرد تا ابعاد پنهان مانده نیز به مدل اضافه و کامل تر شود.

منابع

- ابوالعلائی، بهزاد و غفاری، عباس. (۱۳۹۳). مدیران آینده مبانی نظری و تجارب علمی برنامه‌های استعدادیابی و جانشین‌پروری مدیران. چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی (نظریه‌های مبانی، رویه‌ها و شیوه‌ها). بیوک محمدی. چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- خوارزمی، امیدعلی؛ بیگی نصرآبادی، فاطمه و جوهری، لیلا. (۱۳۹۵). «بررسی تحلیلی شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب پیاده‌سازی نظام جانشین‌پروری در شهرداری مشهد». مطالعات مدیریت شهری. شماره ۲۷، صص ۱۵-۲۸.
- عاشوری، جواد؛ محرم‌زاده، مهرداد و میری، محبوبه. (۱۳۹۴). «طراحی مدل جانشین‌پروری در فدراسیون‌های منتخب ورزشی ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۲۳، صص ۷۸-۵۷.
- قاسمی، راضیه و محمدی، اصغر. (۱۳۹۲). «بررسی میزان احساس امنیت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین شهروندان ۱۵ تا ۴۴ ساله شهرکرد». فصلنامه دانش انتظامی چهارمحال بختیاری. سال ۱، شماره ۲.
- قلی‌پور، آرین؛ سبک‌رو، مهدی؛ استادی، رضا و نقوی حسینی، سید علیرضا. (۱۳۸۹). «مرشدیت مکانیزمی برای برنامه‌ریزی جانشین‌پروری در سازمان‌های ورزشی». نشریه پژوهش‌های مدیریت. سال ۳، شماره ۹، صص ۵-۲۰.
- لطیفی، میثم؛ عبدالحسین‌زاده، محمد و آذرفر، امیر. (۱۳۹۵). «طراحی الگوی جانشین‌پروری در سازمان‌های دولتی از طریق کاربست مدل‌سازی ساختاری-تفسیری». مدیریت سازمان‌های دولتی. دوره ۴، شماره ۴ (پیاپی ۱۶)، صص ۳۳-۵۰.
- مهرعلی‌زاده، یدالله؛ صقایی مقدم، مسعود؛ صالحی عمران، ابراهیم و علم، محمدرضا. (۱۳۹۲). مبانی نظری و عملی پژوهش (کمی، کیفی و آمیخته) در علوم انسانی. چاپ اول، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز
- میرمحمدی، سید محمد و حسن‌پور، اکبر. (۱۳۹۰). «نظام‌اداری ایران: تحلیلی بر مشکلات و چالش‌ها». نشریه چشم‌انداز مدیریت دولتی. شماره ۸، صص ۹-۲۲.
- نادریان، مسعود. (۱۳۹۶). «به کارگیری مدل میدان نیرو در برنامه‌ریزی باشگاه‌ها برای برنامه‌ریزی جانشین‌پروری بازیکنان فوتبال». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. سال ۷، شماره ۱۲، صص ۱۳-۲۲.
- Andrew, D. P., Pedersen, P. M., & McEvoy, C. D. (2011). "Research methods and design in sport management". Human Kinetics, 123-146.
- Cannon, J. A. and McGee, R. (2011). Talent Management and Succession Planning. (2nd ed.), Chartered Institute of Personnel and Development.
- Conger, J., Fulmer, R (2009). "Developing your leadership pipeline". Harvard Business Review, 81(12), 76.
- Donner, E.; Michael, Gridley, D.; Ulrich, S. and Bluth, E. I. (2017). "Succession Planning and Management: The Backbone of the of the Radiology Group's Future". Journal of the American College of Radiology, 14(1), 125-129.
- Glaser, B. (1978). Theoretical sensitivity: Advances in the methodology of grounded theory. Sociology Press. Mill Valley, CA.
- Glaser, Barney G. (1992). Basics of Grounded Theory Analysis. Mill Valley, Ca.: Sociology

Press.

- Groves, K. S. (2007). **“Integrating leadership development and succession planning best practices”**. Journal of Management Development, Vol. 26, No. 3, pp. 239-260.
- Hughes, H., & Weisbrod, B. (Eds.). (2016). **“Human Resources, Employment and Development. New York: Springer. Jackson Food Group: An exemplar case study”**. Journal of Family Business Management, 5(1), 2-16.
- Kim, Y. (2006). **“Measuring the value of succession planning and management: A qualitative study of U.S. affiliates of foreign multinational companies”**. For PhD Degree, The Pennsylvania State University.
- Kvale, Steinar. (1996). **Interviews: An Introduction to qualitative research interviewing**. Thousand Oaks, CA: Sage
- McAdam, R., Moffett, S. and Peng, J. (2012). **“Knowledge sharing in Chinese service organizations: a multi case cultural perspective”**. Journal of Knowledge Management, 16(1), 129-147.
- Meagher, K. A. (2017). **“An examination of the recruitment selection factors for a front desk agent”**. Journal of Human Resources in Hospitality & Tourism, 16(2), 171-191.
- Muhoho, J. M. (2014). **“Challenges facing human resources succession planning in Tanzania's work organizations: The case of public and private work organisations based in Dar es salaam region”**. International Journal of Innovation and Scientific Research, 12(1), 232-247.
- Munro, B. (2005). **“Role Models: Is Anything More Important for Future Development? Role Models Retreat”**. laurels Sport for Good Foundation, 23–24 November, Pretoria, South Africa, 295-314.
- Nicholson. M, Hoyer, H. (2008). **Sport and social capital**. UK, Elsevier, Oxford, 114- 132.
- Nilipour Tabatabaee, sayed Akbar; Abdollahi Lakeh, Azam; Abbasi Tadi, Alireza (2014). **“A study of succession planning challenges in governmental organization”**. Kuwait Chapter of Arabian Journal of Business and Management Review, 3(11).
- Richardson, N. (2014). **“Predictors of Nonprofit Executive Succession Planning: A Secondary Data Analysis”**. A Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy Capella University.
- Robles, M. (2012). **“Executive Perceptions of the Top 10 Soft Skills Needed in Today's Workplace”**. Business Communication Quarterly. 75(4) 453–465.
- Rothwell, W.J. (2010). **Effective succession planning: Ensuring Leadership Continuity and Building Talent from Within**. 4th edition, New York, American Management Association.
- Sabone, O. A. (2015). **“A Synthesis of Effective Practices of Managing Succession**

- Planning in Accounting Firms in Botswana**". Journal of Research in Business, Economics and Management, Volume 3, Issue 3 PP 223-230.
- Seniwoliba A. J. (2015). **"Succession planning: Preparing the next generation workforce for the University for Development Studies"**. Research Journal of Educational Studies and Review, 1(1), 1-10.
 - Soebbing, B. & Washington, M. (2011). **"Leadership Succession and Organizational Performance: Football Coaches and Organizational Issues"**. Journal of Sport Management, vol, 25, pp, 550-561.
 - Srivastava, R., Shukla, S., & Basma, P. (2016). **"An Analysis on Recruitment and Selection Process of Agent adopted by Various Life Insurance Companies"**. Adhyayan: A Journal of Management Sciences, 5(2).
 - Stewart, Jim, & Beaver, Graham. (2004). **HRD in Small Organisations Research and Practice**. Routledge
 - Stuart, R. & Lindsay, P. (1997). **"Beyond the frame of management competenc (i) es: towards a contextually embedded framework of managerial competence in organizations"**. Journal of European Industrial Training, 21(1), 26-34.
 - Washington, C.E. (2016). **"Succession planning in higher education. Paper presented at closing the Gender Gap: Advancing Leadership and Organizations"**. DOI: 10.5703/1288284316079.



تحلیل اکتشافی عوامل موثر بر برنامه راهبردی موفق در فدراسیون های ورزشی المپیک

مرضیه بهادر^۱

مصطفی افشاری^۲

محسن باقریان فرح آبادی^۳

doi 10.22034/SSYS.2022.479

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۸/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱۸

در دهه های اخیر نوعی افزایش هوشیاری درباره ارزش موفقیت ورزش قهرمانی و رویداد المپیک در میان کشورها و دولت ها رخ داده است. ازین رو، پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل موثر بر برنامه راهبردی موفق در فدراسیون های ورزشی المپیک به روش PCA تدوین شد. روش پژوهش حاضر پیمایشی و جامعه آماری آن شامل کلیه مدیران، کارکنان، مسئولان، روسا، دبیرکل، نائب رئیس و کارشناسان ستادی فدراسیون های ورزش المپیک ایران بودند که از آن میان، تعداد ۱۴۳ نفر به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته ۳۱ سوالی بود که بر اساس مصاحبه با خبرگان و مبانی نظری بر اساس تجزیه و تحلیل کیفی طراحی گردید. روایی صوری و محتوایی آن توسط اساتید مدیریت ورزشی مورد بررسی قرار گرفت. روایی سازه پرسشنامه $KMO = 0.792$ و پایایی به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹ محاسبه شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد) و آزمون استنباطی (فریدمن، تحلیل عاملی تاییدی و اکتشافی) با استفاده از نرم افزار SPSS و AMOS نسخه ۲۴ استفاده شده است. بر اساس نتایج تحلیل عاملی، ۵ عامل به عنوان شاخص های موثر بر برنامه راهبردی موفق در فدراسیون های

۱. کارشناس ارشد مدیریت راهبردی در ورزش، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار، گروه علوم ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ورزشی المپیک شناسایی شدند: ۱- تدوین برنامه عملیاتی (۲۳/۲۷۵)؛ ۲- ارزیابی صحیح محیط داخلی سازمان (۹/۴۴۵)؛ ۳- ارزیابی صحیح محیط خارج سازمان (۸/۳۶۵)؛ ۴- تدوین راهبردها، دستورالعمل ها و فرایندها (۶/۹۲۴)؛ ۵- روشن بودن مأموریت ها، اهداف و برنامه ها (۶/۰۸۶) که حدود ۵۴/۰۹۶ درصد از واریانس ها را شامل می شدند.

با توجه به نتایج به دست آمده لازم است عوامل شناسایی شده در این پژوهش در جهت موفقیت و استمرار برنامه راهبردی، مورد بررسی و توجه مدیران و مسئولان قرار گیرد.

واژگان کلیدی: برنامه راهبردی موفق، فدراسیون های المپیک و تحلیل اکتشافی

مقدمه

موفقیت در میادین ورزشی با توجه به ظرفیت آن ها در کمک برای رسیدن به گستره ای از اهداف ورزشی و غیرورزشی منبعی ارزشمند شناخته شده است. موفقیت در میدان های بین المللی ورزشی به دلیل ایجاد حس غرور ملی، ظرفیت سوددهی اقتصادی از طریق میزبانی رویدادهای مختلف و همچنین کاربرد دیپلماتیک آن ارزش های مختلفی یافته است (سیف پناهی، شعبانی و خطیبی^۱، ۱۳۹۶). امروزه المپیک به ایجاد یک مدل سازمانی کمک کرده است که در مقیاس کوچکتر، در سایر رشته ها استفاده می شود که با برگزاری رویدادهای بزرگ بین المللی می تواند مورد توجه عموم مردم قرار گیرد و گسترش بیشتری یابد. المپیک بزرگترین رقابت چندرشته ای در سراسر جهان است که با برگزاری بازی ها، کشور میزبان را بر روی نقشه جهان قرار می دهد، اقتصاد آن را احیا می کند، گردشگری را رونق می بخشد، مدرن سازی می کند و در بهترین موارد، زیرساخت های آن را افزایش می دهد و از همه مهم تر شهری را که میراث خود را حفظ می کند، کاملاً دگرگون می نماید (موسسه جان کرافت^۲، ۲۰۱۶).

در این راستا کشورها دریافته اند که توسعه ورزش قهرمانی و بهره گیری از مزایای مستقیم و غیر مستقیم آن بدون برنامه ریزی و سیاست گذرای مناسب میسر نیست. بنابراین ورزش قهرمانی نیز مانند هر نظام دیگری نیازمند تدوین اهداف کلان، راهبردها و برنامه های عملیاتی است تا ضمن آگاهی از مسیر حرکت بتواند از هرگونه دوباره کاری، بیراهه رفتن و به هدر رفتن منابع مالی، انسانی، فیزیکی و اطلاعاتی خود اجتناب ورزد (مظفری، ۱۳۹۱). سازمان های ورزشی همانند سازمان های غیرورزشی در معرض تغییر و تحولات محیطی و جهانی قرار دارند و با مسائل ویژه خود دست به گریبان اند. برنامه ریزی در سازمان ورزشی سبب می شود تا اهداف همه فعالیت ها و تلاش های گروهی تعیین شده و نحوه دستیابی به آن اهداف طرح ریزی شود (کاتر^۳، ۲۰۱۰). گستردگی فعالیت های ورزش المپیکی ایجاب می کند تا نظامی جامع، راهبردی و مدون بر آن حاکم باشد. دانشمندان بسیاری اهمیت برنامه ریزی راهبردی را از جنبه های مختلف بررسی کرده اند و همگی بر همبستگی برنامه ریزی راهبردی با عملکرد مطلوب سازمان ها توافق نظر دارند و معتقدند که برنامه ریزی راهبردی فرایندی پویا و منطقی است. هدف از تبیین راهبرد این است که چشم اندازی برای توسعه ارائه شود و اینکه راهبرد، اولویت ها، برنامه ها و حمایت های خاص را برای فدراسیون های ورزشی مشخص می سازد (واد^۴، ۲۰۱۵). کریمادیس^۵ (۲۰۱۳) این گونه بیان می کند که نهادهای ورزشی با مشکلاتی همچون: دوره های نزول، قوانین و مقررات دولتی محدود کننده، مشکلات مالی و قرار گرفتن در محیط رقابتی حاصل از تغییرات محیطی مواجه اند. همچنین، کشورهای در حال توسعه به دلیل تحولات جهانی با مسائلی نظیر نوسانات شدید کمک های دولتی به بخش ورزش، نداشتن برنامه های منسجم، ضعف ارتباطات و نبود

1. Grin

2. Johan Cruyff Institute

3. Cater

4. Wade

5. Kreimadis

فرآیندی برای جذب مشارکت دیگران در سازمان های ورزشی مواجه شده اند و این موضوعات محدودیت هایی در رشد و توسعه ورزش آن ها ایجاد کرده است (راجر^۱، ۲۰۱۳).

در دنیای امروزه رقابت بسیار بالاست. بنابراین، سازمان ها برای عملکرد موثر و موفق باید راه هایی را بیابند که آنها را در دستیابی به اهداف خود و رقابت موفق در بازار قادر سازد. هنگام انتخاب مناسب ترین راهبرد، یکی از مهمترین مراحل استفاده از برنامه ریزی فعالیت هاست. در حالی که فرآیند مدیریت سازمان شامل استفاده از فعالیت های برنامه ریزی راهبردی است، تعیین چشم انداز و مأموریت، ایجاد اهداف مشخص و واقعی، تجزیه و تحلیل مداوم محیطی، در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف سازمان، تشکیل راهبرد های فعالیت مشخص و برنامه های دقیق برای تحقق آنها، کنترل دائمی و ارزیابی روند اجرا و همچنین تجدید نظر در راهبرد ها می تواند در موفقیت مدیران ورزشی موثر واقع گردد (پتکویچ و جیسینکاس^۲، ۲۰۱۶). احتمالاً هیچ سازمانی وجود ندارد که برنامه ریزی راهبردی را حداقل تا حدی در فرایند مدیریت اعمال نکند. برخی از سازمان ها در اجرای راهبرد موفق هستند، در حالی که برخی دیگر موفق نیستند. در این راستا موانع مشخصی نیز برای فعالیت های برنامه ریزی راهبردی وجود دارد که می توان به کمبود زمان، تجربه و دانش کافی در مورد فعالیت های برنامه ریزی راهبردی، عدم تمایل به اشتراک گذاری برنامه ها و ایده های راهبردی با کارکنان و با دیگران، نامحدود بودن محیط، اندازه کسب و کار، نوع صنعت، موانع داخلی برای اجرا، چرخه های عمر کسب و کار و سطح توسعه و ... اشاره نمود (وولویکوف^۳، ۲۰۱۱). در نتیجه توجه به برنامه ریزی راهبردی در موفقیت برنامه های ورزشی غیرقابل انکار است و از آنجا که این نوع برنامه ریزی با چالش ها و عوامل موثر متعددی روبرو می شود، شناخت این عوامل موثر جهت دستیابی به الگوی موفق برنامه ریزی راهبردی در فدراسیون های ورزشی ضروری به نظر می رسد. عوامل کلیدی موفقیت، عواملی هستند که باید برای اطمینان از اجرای موفق برنامه ریزی راهبردی سازمان بررسی شوند. این عوامل را می توان برای ایجاد انگیزه و هدایت کارکنان اصلی در اجرای روش مدنظر به کار برد که به عملکرد موفق تمام راهبردهای سازمان منجر می شود (آبدرازاده و همکاران، ۱۳۹۴). عوامل کلیدی موفقیت نشان می دهد که تیم مدیریتی برای انجام سازمان مأموریت خود را انجام می دهد. زمینه های اصلی عوامل موفقیت، زمینه های ایجاد ارزش برای مشتری است که سازمان ها می توانند به طور موفقیت آمیزی به اهداف راهبردی خود نزدیک و در نهایت از آن بهره مند شوند. مناطقی که سازمان ها و رقابت موجود، بهترین ارزش را می تواند بر روی مشتری متمرکز کنند، به عنوان مناطق اولویت دار انتخاب می شوند (پارکر گیتس^۴، ۲۰۱۰). نکته ای که باید در نظر داشت این است که ایجاد راهبرد در سازمان دشوار است و ایجاد و اجرای راهبرد/ راهبردهای موثر در یک سازمان حتی دشوارتر است. بدون اجرای موثر، هیچ راهبرد سازمانی نمی تواند موفق باشد. در حال حاضر، مدیران از طیف گسترده ای از مدل ها و تکنیک های برنامه ریزی در سازمان خود استفاده می کنند. با این حال، عملکرد ضعیف معمولاً به دلیل برنامه ریزی نیست،

1. Roger
2. Petkovic, j. & Jasinskask
3. Volovikov
4. Parker Gates

بلکه به دلیل عدم برنامه ریزی موثر و موفق است (باقری و همکاران، ۲۰۲۰).

از میان تحقیقات انجام شده، باقری و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر مهارت های تفکر راهبردی بر اثربخشی فرایند ایجاد راهبرد در فدراسیون های ورزشی» دریافتند که مهارت های تفکر راهبردی مدیران تأثیر بسزایی در روند ایجاد راهبرد در فدراسیون های ورزشی دارد. بر اساس یافته ها، بهبود مهارت های تفکر راهبردی مدیران در فدراسیون های ورزشی، در فرایند ایجاد راهبرد های موثر بسیار ضروری است. غلامپور و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان دادند که موفقیت تیم ملی فوتبال نیازمند موفقیت در برنامه ریزی راهبردی، راهبرد ها، مدیریت ثبات، مدیریت زمان و سبک رهبری می باشد. نیکویی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی عوامل موثر بر موفقیت برنامه راهبردی وزارت امور جوانان و ورزش پرداختند. نتایج نشان داد که تنها ساختار سازمانی و حفظ همکاری تیمی در برنامه ریزی راهبردی وزارت امور جوانان و ورزش نقش دارند. همچنین اولویت بندی عوامل، ساختار سازمانی، حفظ همکاری تیمی و پذیرش کارکنان به ترتیب دارای رتبه های اول تا سوم بود. آبدارزاده و همکاران (۱۳۹۴) به شناسایی عوامل موثر بر برنامه ریزی راهبردی موفق پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد عوامل تعاملی سازمان به طور مستقیم و غیر مستقیم و عوامل عمومی سازمان به طور مستقیم بر موفقیت برنامه ریزی راهبردی مؤثرند. رحیم نیا و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود به چالش های برنامه ریزی راهبردی و برنامه ریزی شهری موفق پرداختند و دریافتند که فقدان رویکرد برنامه ریزی راهبردی موفق دقیق و مناسب، تدوین برنامه های غیر واقع بینانه، فقدان اجماع میان تصمیم گیران و نیز عدم تناسب راهبردهای تدوین شده با برنامه های بالا دستی در برنامه های توسعه از جمله مهمترین چالش های برنامه ریزی راهبردی موفق در این زمینه است. حقیقی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی عوامل موثر بر موفقیت برنامه ریزی راهبردی در شرکت ملی گاز ایران» از میان هشت عامل عمده، تأثیر پنج عامل مشارکت مدیران ارشد در فرایند برنامه ریزی راهبردی، آگاهی مدیران ارشد از دانش و اهمیت برنامه ریزی راهبردی، مشارکت تیمی کارکنان در فرایند برنامه ریزی راهبردی، مدیریت تغییر در فرایند برنامه ریزی راهبردی و ارزیابی درست محیطی را در موفقیت برنامه ریزی راهبردی در شرکت ملی گاز ایران مورد تایید قرار دادند. کوکسی^۱ (۲۰۱۵) نشان داد که پنج معیار توانایی کسب منابع، جو داخلی، کارایی فرایندهای درونی، تدوین اهداف واقعی و سطوح کلی فعالیت ها، معیارهای اثربخشی باشگاه های ورزشی در فنلاند هستند. بالدوک^۲ (۲۰۱۵) نیز نشان داد که ابعاد رضایت ذی نفعان، کسب اهداف رقابتی، جذب ورزشکاران و مربیان نخبه و روابط و اطلاعات سازمانی، پیش بینی کننده اثربخشی در باشگاه های ورزشی فنلاند هستند. ماچادو^۳ (۲۰۱۴) معتقد است برنامه ریزی راهبردی ورزشی، عنصری کلیدی برای برتری سازمانی و ابزاری بسیار مهم برای اثربخشی سازمان های ورزشی است. گوسلین^۴ (۲۰۱۵) در تحقیق خود به اهمیت و نقش کیفیت نیروی انسانی در تحقق برنامه و راهبرد ورزش های المپیک پرداخته است. انجمن المپیک مالزی با

1. Koski
2. Balduk
3. Machado
4. Goslin

اجرای اولین برنامه ی راهبردی (۲۰۰۳ - ۱۹۹۳) به موقعیت هایی چون: افزایش اعتبار و جایگاه آن، به کارگیری فناوری اطلاعات، بهره مندی از نیروی انسانی متخصص، بازسازی تسهیلات و امکانات، اصلاح اساسنامه طبق نیازهای جدید، تقویت بنیه مالی، قدردانی از ورزشکاران، برگزاری کنفرانس سالانه، و تأسیس آکادمی ملی المپیک دست یافته است (اسکات کوک چی^۱، ۲۰۰۷). همچنین، می توان به برنامه ریزی راهبردی انجمن ووشو چین و انگلستان در بخش های مالی، منابع، تسهیلات و توسعه و استعداد یابی یا برنامه ریزی راهبردی در سازمان ها و انجمن های ورزشی و فدراسیون های ورزشی در دنیا نظیر برنامه ریزی ۴ ساله فدراسیون بین المللی پاورلیف팅 و برنامه ریزی ۵ ساله سازمان ورزش و اوقات فراغت استرالیا اشاره کرد (حسینی، ۱۳۹۴).

به طور کلی امروزه دستیابی به موفقیت در ورزش المپیک تصادفی نیست و شناسایی عوامل موفقیت در ورزش های المپیک برای موفقیت فدراسیون ها امری ضروری است. موفقیت در ورزش های المپیک نشان از اعتقاد به استفاده از برنامه ریزی و راهبردهای بلند مدت دارد. از آنجا که کسب موفقیت در عرصه های بین المللی، جهانی و المپیک در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع نقش بسزایی دارد، ضروری است فدراسیون های ورزشی المپیک برنامه ای راهبردی را برای رسیدن به اهداف راهبردی و پرهیز از شکست و ناکامی در عرصه های بین المللی داشته باشند. شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت یک برنامه راهبردی و همچنین اجرای کارآمد و اثربخش راهبرد می تواند به فدراسیون در جهت نیل به چشم انداز و مأموریت و اهداف منبث شده از آن و در نهایت کسب موفقیت ورزشی در عرصه های داخلی و بین المللی کمک شایانی نماید. با توجه به اینکه تاکنون چنین تحقیقی در فدراسیون المپیک و حتی ورزش صورت نگرفته است، ضرورت انجام پژوهش حاضر دوچندان می شود. با توجه به اهمیت روزافزون برنامه ریزی راهبردی، تدوین و اجرای درست برنامه ریزی راهبردی در گروی شناسایی عواملی است که در موفقیت فرایند برنامه ریزی راهبردی تأثیر می گذارد. عوامل مؤثر بر موفقیت راهبرد را باید مدیرانی که رهبری بخش های عملکردی گوناگون و مهم سازمان به خصوص سازمان های ورزشی و فدراسیون های ورزشی المپیک را برعهده دارند، استخراج کنند و به منظور جلوگیری از اتلاف زمان، سرمایه و انرژی در پیاده سازی برنامه راهبردی و کسب اطمینان از اجرای موفق، آنها را بررسی کنند. بدون شك عدم توجه به عوامل مؤثر بر پدیده های مختلف اجتماعی منجر به آسیب دیدن جامعه خواهد شد. از این رو، فدراسیون های ورزشی المپیک باید قبل از پرداختن به برنامه ریزی راهبردی، عوامل یاد شده را شناسایی کنند و به منظور دستیابی به فرایند برنامه ریزی راهبردی موفق، آنها را در سازمان اعمال کنند. با توجه به تمامی مسائل طرح شده، سازمان های ورزشی برای مقابله با تغییرات محیطی باید به فکر چاره باشند. به همین دلیل بیشتر سازمان های ورزشی و فدراسیون های المپیک به برنامه ریزی راهبردی روی آورده اند و کشور های صاحب نام در عرصه ورزش قهرمانی با تدوین برنامه های راهبردی و اجرای آن توانسته اند حرکت توأم با موفقیت خود را تداوم بخشند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر برنامه ریزی راهبردی موفق در فدراسیون های ورزشی المپیک تدوین شده است.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر توصیفی - پیمایشی و از نظر هدف کاربردی می باشد که داده های آن به صورت میدانی جمع آوری شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مدیران، کارکنان، مسئولان، روسا، دبیرکل، نائب رئیس و کارشناسان ستادی فدراسیون های ورزش المپیک جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۶ (حدود ۳۰۰ نفر) می باشد. با توجه به جدول مورگان، تعداد ۱۶۹ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند که در نهایت تعداد ۱۴۳ نفر به صورت تصادفی ساده پرسشنامه های تحقیق را تکمیل نمودند - این پرسشنامه در بین فدراسیون های ورزشی کشتی آزاد و فرنگی، وزنه برداری، تکواندو، بوکس، تیراندازی، تیر و کمان، قایقرانی، تنیس روی میز، دوچرخه سواری، دوومیدانی، شمشیربازی، والیبال، جودو، شنا و سوارکاری توزیع گردید. در این تحقیق جهت اندازه گیری و شناسایی عوامل موثر بر برنامه راهبردی موفق در فدراسیون های ورزش المپیک از پرسشنامه محقق ساخته ای که بر اساس مصاحبه نیمه ساختار یافته با خبرگان تحقیق به دست آمده بود، استفاده گردید. این پرسشنامه با ۳۱ سوال طراحی گردید. در این ابزار برای پاسخگویی از طیف ۵ ارزشی لیکرت استفاده شده است که کمترین میزان (۱) را خیلی کم و بیشترین میزان (۵) را خیلی زیاد به خود اختصاص داد. روایی صوری و محتوایی آن توسط اساتید دانشگاهی مدیریت ورزشی مورد بررسی و تایید قرار گرفت. همچنین روایی سازه آن توسط روش تحلیل عاملی اکتشافی تایید شد ($KMO = 0/792$). برای برآورد پایایی پرسشنامه تحقیق، پرسشنامه در یک مطالعه مقدماتی بین ۳۰ نفر از نمونه آماری توزیع شد. پس از گردآوری و جمع بندی، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی پرسشنامه به مقدار $0/89$ تعیین شد که با توجه به بالاتر بودن مقدار آن از $0/7$ نشان می دهد دارای پایایی لازم است. در راستای تحلیل داده های استنباطی و آزمون سوالات تحقیق از مدل های آماری کولموگروف اسمیرنوف، آزمون های دو جمله ای، فریدمن، تحلیل عاملی تاییدی و اکتشافی با استفاده از نرم افزار SPSS و AMOS نسخه ۲۴ استفاده گردید.

یافته های پژوهش

بر اساس نتایج تحقیق، میانگین سن نمونه های تحقیق $35/18$ سال با انحراف استاندارد $9/254$ بود. همچنین بالاترین سن در بین نمونه های تحقیق ۷۳ سال و کمترین آن ۲۰ سال بود. $47/6$ درصد (۶۸ نفر) از نمونه های تحقیق بین ۳۱ تا ۴۰ سال سن داشتند که بالاترین فراوانی را در بین گروه های سنی مختلف دارد. همچنین از ۱۴۳ نفر نمونه تحقیق، در مجموع ۹ نفر ($6/3$ درصد) بیشتر از ۵۰ سال سن داشتند. ۸۱ نفر (۵۷ درصد) مرد و ۶۲ نفر (۴۳ درصد) زن بودند. ۶۹ نفر (۴۸ درصد) آن ها مجرد و ۷۴ نفر (۵۲ درصد) متأهل بودند. در نهایت مشاهده شد که ۶۵ نفر ($45/5$ درصد) از نمونه های تحقیق دارای مدرک کارشناسی، ۴۷ نفر ($32/9$ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۲۳ نفر ($16/1$ درصد) دارای مدرک کاردانی و ۸ نفر ($5/6$ درصد) دارای مدرک دکتری بودند.

محقق به منظور بررسی ساختاری عاملی پرسشنامه تحقیق از تحلیل عاملی اکتشافی و روش تحلیل مؤلفه های

اصلی با چرخش واریماکس^۱ استفاده کرد. یکی از روش های معتبر علمی برای اندازه گیری روایی سازه، روش تحلیل عاملی تاییدی است که به برآورد بارعاملی و روابط بین مجموعه ای از شاخص ها و عوامل می پردازد. تایید یا رد معناداری بارهای عاملی با توجه به اعداد معناداری مقدار (T-Value) صورت می گیرد. در صورتی رابطه تایید می شود (در سطح خطای ۰/۰۵) که مقدار t بزرگتر از ۱/۹۶ یا کوچکتر از ۱/۹۶- باشد که به ترتیب رابطه معنادار مثبت و معنادار منفی خواهد بود. به همین دلیل پیش از انجام تحلیل عاملی، به منظور اطمینان از کافی بودن تعداد نمونه از معیار کایرز- می پر- اولکین^۲ (KMO) و برای تعیین همبستگی بین متغیرها (گویه ها) از آزمون بارتلت^۳ استفاده شد.

جدول ۱: نتایج آزمون بارتلت و KMO

مقدار		
۰/۷۹۲	مقدار کایرز - می پر و اولکین (کفایت حجم نمونه)	
۲۷۰۴/۰۴۹	مقدار کای اسکوار (χ^2)	آزمون کرویت بارتلت
۴۶۵	درجه آزادی	
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

با توجه به یافته ها، مقدار KMO به دست آمده ۰/۷۹۲ می باشد. این مقدار بیانگر این موضوع است تعداد نمونه های تحقیق به منظور تحلیل عاملی کفایت می کند و انجام تحلیل عاملی برای داده های مورد نظر امکان پذیر است و می توان داده ها را به یک سری عامل های پنهان تقلیل داد. همچنین نتایج آزمون بارتلت ($\chi^2=2704/049$ ، $Sig=0/001$) نشان می دهند بین گویه ها همبستگی بالایی وجود دارد. از این رو، ادامه و استفاده از سایر مراحل تحلیل عاملی جایز است. به بیان دیگر، تحلیل عاملی برای شناسایی عوامل مؤثر بر برنامه راهبری موفق در فدراسیون های المپیک مناسب است. در ادامه نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی در ماتریس چرخش یافته به تفکیک با مقدار بارعاملی به دست آمده، ارزش ویژه، درصد واریانس، درصد واریانس جمعی و آلفای کرونباخ برای هر عامل ارائه شده است.

1. Varimax
2. Kaiser- Meyer-Oklin measure of sampling adequacy (KMO)
3. Bartlett's Test of Sphericity

جدول ۲: تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس در مورد بار عاملی گویه‌های پرسشنامه (تحلیل عاملی اکتشافی)

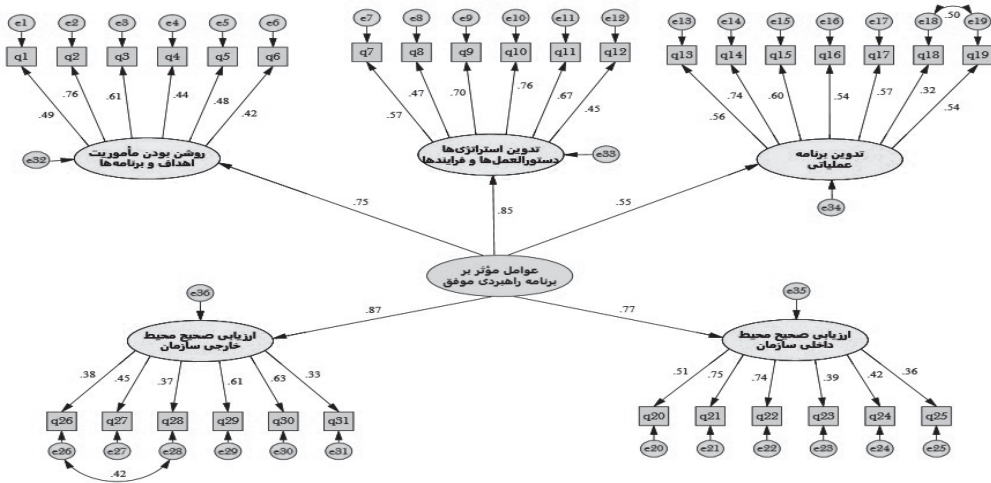
عامل	گویه	عبارت گویه	عامل				
			۱	۲	۳	۴	۵
تدوین برنامه عملیاتی	q13	برنامه های تلفیقی (میان فعالیتی) در موفقیت برنامه های راهبردی مهم است	۰/۵۷۱				
	q14	برآورد های مالی عملیاتی در موفقیت برنامه های راهبردی فدراسیون های ورزشی موثر است	۰/۶۷۷				
	q15	فرایند های گزارش دهی مدون در موفق بودن برنامه های راهبردی فدراسیون های ورزشی موثر است	۰/۷۴۳				
	q16	ایجاد راه حل های متنوع برای حل مسئله، ارزیابی و مقایسه راه حل ها و انتخاب بهترین آنها در موفقیت برنامه های راهبردی فدراسیون ها موثر است	۰/۵۷۱				
	q17	تخصیص منابع و ساختار مربوط به آن تا چه حد در موفق بودن برنامه های راهبردی فدراسیون های ورزشی موثر است	۰/۵۶۹				
	q18	استفاده از کارت امتیازی متوازن (BSC) در تخصیص و ارزیابی از منابع چهار گانه، به موفقیت برنامه های راهبردی کمک شایانی خواهد کرد	۰/۷۷۴				
	q19	در نظر گرفتن موقعیت راهبردی بر اساس ابزار مختلف سنجش آن، در موفقیت برنامه های راهبردی بسیار موثر است.	۰/۶۹۴				
	q20	تعامل با عوامل داخلی در تحلیل نقاط ضعف و قوت یکی از عوامل موثر در موفقیت برنامه ی راهبردی فدراسیون های ورزشی است	۰/۵۱۲				
	q21	تصمیم گیری در فدراسیون های ورزشی بر اساس تحلیل محیط داخلی از عوامل موفقیت برنامه های راهبردی فدراسیون هاست	۰/۴۸۹				
ارزیابی محیط داخلی سازمان	q22	تدوین برنامه زمانی منظم برای تحلیل محیط داخلی از عوامل موفق بودن برنامه های راهبردی فدراسیون های ورزشی است	۰/۵۹۸				
	q23	عکس العمل به نتایج تحلیل محیط داخل در موفقیت برنامه های راهبردی فدراسیون های ورزشی دخیل است	۰/۴۶۴				
	q24	استفاده از ابزار دقیق برای تحلیل محیط خارجی در موفقیت برنامه های راهبردی فدراسیون های ورزشی موثر است	۰/۷۴۰				
	q25	استفاده از ماتریس راهبرد در تحلیل محیط داخلی در موفقیت برنامه های راهبردی فدراسیون های ورزشی موثر است	۰/۴۶۸				

ارزایی صحیح محیط خارج سازمان	q26	تشخیص محیط خارجی در موفقیت برنامه ی راهبردی فدراسیون های ورزشی کاربرد دارد			۰/۷۶۸	
	q27	تدوین برنامه های تعاملی سازنده با دستگاه های مرتبط یکی از عوامل موفقیت برنامه های راهبردی فدراسیون های ورزشی است.			۰/۶۰۴	
	q28	تغییر راهبرد بر اساس تغییرات پویای بین المللی در فدراسیون های ورزشی تا چه حد در موفقیت برنامه های راهبردی آن موثر است			۰/۵۶۲	
	q29	تدوین دسته بندی موضوعی در بررسی محیط خارجی تا چه حد در موفقیت برنامه های راهبردی موثر است.			۰/۵۵۸	
	q30	استفاده از ابزار دقیق برای تحلیل محیط خارجی در موفقیت برنامه های راهبردی فدراسیون های ورزشی موثر است			۰/۴۴۷	
	q31	استفاده از ماتریس راهبرد در تحلیل محیط خارجی، در موفقیت برنامه های راهبردی فدراسیون های ورزشی موثر است			۰/۵۹۹	
تدوین راهبردها، دستورالعمل ها و فرایندها	q7	تهیه بانک اطلاعاتی برنامه راهبردی برای موفقیت برنامه راهبردی ضروری است			۰/۸۰۸	
	q8	تجزیه و تحلیل عوامل درونی و بیرونی فدراسیون ها برای موفقیت برنامه راهبردی مهم است			۰/۶۱	
	q9	فعالیت تدوین و توسعه برنامه راهبردی برای موفقیت برنامه راهبردی فدراسیون ها ضروری است			۰/۶۸۵	
	q10	سنجش نحوه اجرا و عملکرد برنامه راهبردی فدراسیون در موفقیت برنامه موثر است			۰/۴۳۹	
	q11	محتوای برنامه های راهبردی در موفقیت این برنامه ها در فدراسیون های ورزشی موثر است			۰/۵۵۵	
	q12	فرایندهایی که برای برنامه راهبردی فدراسیون های ورزشی المپیک در نظر گرفته می شود، در موفقیت این برنامه ها موثر است.			۰/۶۳۵	

۰/۶۷۲					در نظر گرفتن ماموریت مناسب برای موفقیت برنامه ی راهبردی فدراسیون های ورزشی ضروریست	q1	روشن بودن مأموریت، اهداف، برنامه ها
۰/۵۳۶					اولویت بندی هدف ها و خط مشی ها برای برنامه ی راهبردی موفق در فدراسیون ها نیاز است	q2	
۰/۶۴۱					اهداف بلند مدت در نظر گرفته شده در برنامه راهبردی نظیر سود آوری، توسعه رشته ها، رسیدن به مدال و ..، در موفقیت این برنامه ها تاثیر گذار است	q3	
۰/۴۱۳					پیاده کردن برنامه راهبردی از طریق ایجاد ساختار سازمانی لازم و تدوین برنامه ها و خط مشی های مناسب در موفقیت این برنامه ها موثر است.	q4	
۰/۶۶۰					تعیین بیش استراتژیست برای فدراسیون های ورزشی در موفقیت برنامه های راهبردی این فدراسیون ها مهم است.	q5	
۰/۵۸۰					استفاده از برنامه های راهبردی کشورهای پیشرو در تدوین برنامه های راهبردی فدراسیون های ورزشی در موفق بودن این برنامه ها موثر است.	q6	
۱/۸۸۷	۲/۱۴۶	۲/۵۹۳	۲/۹۲۸	۷/۲۱۵	ارزش ویژه	سهم واریانس عوامل	
۶/۰۸۶	۶/۹۲۴	۸/۳۶۵	۹/۴۴۵	۲۳/۲۷۵	درصد واریانس		
۵۴/۰۹۶	۴۷/۰۰۹	۴۱/۰۸۵	۳۲/۷۲۰	۲۳/۲۷۵	درصد واریانس تجمعی		
۰/۷۸۰	۰/۸۶۴	۰/۷۰۸	۰/۷۸۵	۰/۸۶۴	آلفای رونیباخ		

بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی، ترکیب ۳۱ گویه مورد نظر در تحقیق قابل تقلیل به پنج عامل بوده است. بنابراین می توان چنین گفت که پنج عامل به عنوان عوامل مؤثر برنامه راهبردی موفق در فدراسیون های المپیک شناسایی شدند که بر مبنای گویه هایی که در هر عامل قرار گرفته اند و با در نظر گرفتن مفهوم مشترکی که از این گویه ها برداشت می شود، عامل ها نامگذاری شده اند. همچنین توان پیشگویی این عوامل بر اساس مجموع درصد واریانس جمعی عامل ها برابر با ۵۴/۰۹۶ درصد است. بنابراین برای تدوین مدل عوامل مؤثر بر برنامه راهبردی موفق فدراسیون های المپیک ۵ عامل شناسایی شدند: ۱- تدوین برنامه عملیاتی (۲۳/۲۷۵)؛ ۲- ارزیابی صحیح محیط داخلی سازمان (۹/۴۴۵)؛ ۳- ارزیابی صحیح محیط خارج سازمان (۸/۳۶۵)؛ ۴- تدوین راهبردها، دستورالعمل ها و فرایندها (۶/۹۲۴)؛ ۵- روشن بودن مأموریت ها، اهداف و برنامه ها (۶/۰۸۶). بر اساس پنج عامل یاد شده به عنوان عوامل مؤثر بر برنامه راهبردی موفق، مدل تحقیق ارائه گردید. در مدل عوامل مؤثر بر برنامه راهبردی موفق در فدراسیون های ورزشی المپیک پنج عامل روشن بودن مأموریت، اهداف و برنامه ها، تدوین راهبردها، دستورالعمل ها و فرایندها، تدوین برنامه عملیاتی، ارزیابی صحیح محیط داخلی سازمان و ارزیابی صحیح محیط خارجی سازمان نشان داده شده است:

● تحلیل اکتشافی عوامل مؤثر بر برنامه راهبردی موفق در فدراسیون های ورزشی المپیک



شکل ۱: مدل عوامل مؤثر بر برنامه راهبردی موفق

جدول ۳: شاخص های برازش مدل عوامل مؤثر بر برنامه راهبردی موفق^۱

تفسیر	مقادیر شاخص ها	مقدار مطلوب	شاخص های برازش
-	۱۹۶۶/۵۹۹	-	کای اسکوار (کای دو) ^۱
-	۴۲۷	-	درجه آزادی ^۲
مطلوب	۴/۶۰۶	کمتر از ۵	نسبت کای اسکوار به درجه آزادی (χ^2/df)
مطلوب	۰/۹۱۶	بیشتر از ۰/۹	شاخص نیکویی برازش ^۳ (GFI)
مطلوب	۰/۸۵۹	بیشتر از ۰/۸	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده ^۴ (AGFI)
مطلوب	۰/۰۹۳	کمتر از ۰/۱	ریشه دوم میانگین خطای برآورد ^۵ (RMSEA)
مطلوب	۰/۰۳۳	کمتر از ۰/۰۵	ریشه دوم میانگین مجذورات باقیمانده ^۶ (RMR)
مطلوب	۰/۹۲۲	بیشتر از ۰/۹	شاخص برازش تطبیقی ^۷ (CFI)
مطلوب	۰/۹۰۲	بیشتر از ۰/۹	شاخص برازش هنجار شده ^۸ (NFI)
مطلوب	۰/۹۲۳	بیشتر از ۰/۹	شاخص برازش افزایشی ^۹ (IFI)

1. Chi-Square

2. Degrees of Freedom (df)

3. Goodness of Fit (GFI)

4. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)

5. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

6. Root Mean Squared Residuals (RMR)

7. Comparative Fit Index (CFI)

8. Normed of Fit Index (NFI)

9. Incremental of Fit Index (IFI)

نتایج جدول ۳، برازش مدل عوامل مؤثر بر برنامه راهبردی موفق در فدراسیون‌های ورزشی المپیک را نشان می‌دهد. مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش (GFI) و شاخص برازش تطبیقی (CFI) به عنوان شاخص‌های اصلی برازش بالاتر از ۰/۹ بوده که نشان از برازش مطلوب مدل می‌باشد. همچنین سایر شاخص‌های برازش (AGFI، NFI، IFI) از مقادیر قابل قبولی برخوردار هستند. در نهایت بر اساس مقادیر ریشه میانگین مجذور باقیمانده ($RMR=0/033$) و ریشه دوم میانگین خطای برآورد ($RMSEA=0/093$) می‌توان گفت که مدل از برازش کافی برخوردار است.

جهت بررسی عوامل مؤثر بر اجرای موفق برنامه راهبردی در فدراسیون‌های ورزشی المپیک و اولویت‌بندی متغیرها در این پژوهش متناسب با نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف (غیرنرمال بودن داده‌ها) از آزمون دوجمله‌ای و فریدمن استفاده شد. بر اساس نحوه امتیازگذاری گویه‌های پرسشنامه تحقیق که به صورت طیف ۵ ارزشی لیکرت بود، مقدار میانگین بهینه یا میانگین مبنا ۳ در نظر گرفته شد.

جدول ۴: نتایج آزمون دوجمله‌ای عوامل اجرای موفق برنامه راهبردی در فدراسیون‌های ورزشی المپیک

عوامل شناسایی شده	طبقه	تعداد	نسبت مشاهده شده	نسبت آزمون	سطح معناداری	کای اسکوار	میانگین رتبه
روش بودن مأموریت، اهداف و برنامه‌ها	$3m \leq$ $3m >$	۶ ۱۳۷	۰/۰۴ ۰/۹۶	۰/۵	۰/۰۰۱	۷۹/۵۵۳	۳/۹۷
تدوین راهبردها، دستورالعمل‌ها و فرایندها	$3m \leq$ $3m >$	۲۵ ۱۱۸	۰/۱۷ ۰/۸۳	۰/۵	۰/۰۰۱	۷۹/۵۵۳	۳/۰۲
تدوین برنامه عملیاتی	$3m \leq$ $3m >$	۲۴ ۱۱۹	۰/۱۷ ۰/۸۳	۰/۵	۰/۰۰۱	۷۹/۵۵۳	۲/۷۶
ارزیابی صحیح محیط داخلی سازمان	$3m \leq$ $3m >$	۱۶ ۱۲۷	۰/۱۱ ۰/۸۹	۰/۵	۰/۰۰۱	۷۹/۵۵۳	۲/۶۹
ارزیابی صحیح محیط خارجی سازمان	$3m \leq$ $3m >$	۱۷ ۱۲۶	۰/۱۲ ۰/۸۸	۰/۵	۰/۰۰۱	۷۹/۵۵۳	۲/۵۶

بر اساس یافته‌های این پژوهش این عوامل در سطح معناداری $p < 0/01$ در بخش شاخص‌ها و عوامل اجرای موفق برنامه راهبردی در فدراسیون‌های ورزشی المپیک معنادار می‌باشد.

جدول ۵: اولویت بندی عوامل مؤثر بر برنامه راهبردی موفق

رتبه	گویه	میانگین رتبه	کای اسکوار (۲X)
۱	روشن بودن مأموریت، اهداف و برنامه ها	۳/۹۷	۷۹/۵۵۳
۲	تدوین راهبردها، دستورالعمل ها و فرایندها	۳/۰۲	
۳	تدوین برنامه عملیاتی	۲/۷۶	
۴	ارزیابی صحیح محیط داخلی سازمان	۲/۶۹	
۵	ارزیابی صحیح محیط خارجی سازمان	۲/۵۶	

بر اساس یافته های حاصل از آزمون فریدمن (جدول ۵) بین عوامل مؤثر بر برنامه راهبردی موفق از دیدگاه نمونه های تحقیق تفاوت معناداری وجود دارد ($\chi^2 = 79/553$, $Sig = 0/001$). با توجه به نتایج به دست آمده، مهمترین عامل مؤثر بر برنامه راهبردی موفق در فدراسیون های المپیک «روشن بودن مأموریت، اهداف و برنامه ها» بوده و «ارزیابی صحیح محیط خارجی سازمان» در اولویت آخر قرار داشته است.

بحث و نتیجه گیری

امروزه یک رویداد ورزشی موفق مستلزم درکی عمیق از محیط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که در یک منطقه خاص و در یک زمان خاص اتفاق می افتد. از آنجا که موفقیت رویداد دارای پارامترهای مختلفی است و ذینفعان با انتظارات متفاوت که موفقیت را در شرایط مختلف تعریف می کنند، سازمان دهندگان باید در تشخیص ویژگی های خاص هر رویداد انعطاف پذیر باشند تا از موفقیت رویداد اطمینان حاصل شود. در این محیط سازمانی چند وجهی که سازمان دهندگان رویداد در آن فعالیت می کنند، شناسایی عوامل مؤثر بر برنامه راهبردی موفق برای فدراسیون های ورزشی و المپیک می تواند یک چارچوب مدیریتی برای سازماندهی موفق رویدادها فراهم کند. موفقیت و تداوم موفقیت در ورزش مستلزم بهره گیری از برنامه راهبردی و راهبردی موفق است، زیرا از یک سو تحولات آینده را پیش بینی می کند و از سوی دیگر تمایل دارد که رابطه نزدیکی با محیط خود داشته باشد. بر مبنای برنامه جامع و راهبردی موفق، ورزش قهرمانی و حرفه ای در ایران خواهد توانست بدون تأثیرپذیری از شرایط مدیریتی، حرکت توأم با موفقیت خود را استمرار بخشد. زمانی که مأموریت ها، اهداف و مسیرهای تحقق آن ها مشخص باشد، طبعاً در حرکت سیستم یکپارچگی به وجود می آید و تغییر ناگهانی مدیر، همه حرکت ها را متوقف نخواهد کرد.

بر اساس نتایج پژوهش، پنج عامل زیر به عنوان عوامل مؤثر برنامه راهبردی موفق در فدراسیون های المپیک شناسایی شدند که توان پیشگویی آنها بر اساس مجموع درصد واریانس تجمعی عامل ها برابر با ۵۴/۰۹۶ درصد است:

۱- تدوین برنامه عملیاتی (۲۳/۲۷۵)؛ ۲- ارزیابی صحیح محیط داخلی سازمان (۹/۴۴۵)؛ ۳- ارزیابی

صحیح محیط خارج سازمان (۸/۳۶۵)؛ ۴- تدوین راهبردها، دستورالعمل‌ها و فرایندها (۶/۹۲۴)؛ ۵- روشن بودن مأموریت‌ها، اهداف و برنامه‌ها (۶/۰۸۶). این نتایج با یافته‌های باقری و همکاران (۲۰۲۰)، کوکسی (۲۰۱۵)، آبدارزاده و همکاران (۱۳۹۴)، پاپادمیتریوس و تیلور^۱ (۲۰۱۳) و ماچادو (۲۰۱۴) همسویی دارد. ماچادو (۲۰۱۴) معتقد است برنامه‌ریزی راهبردی عنصری کلیدی برای برتری سازمانی است. این فرایند روی اهداف راهبردی و عملیاتی، اهداف و راهبردهای مبتنی بر خط مشی سازمانی، برنامه‌ها و فعالیت‌های تدوین شده برای دستیابی به اهداف و نتایج مورد انتظار سازمان تمرکز دارد و ابزاری بسیار مهم برای اثربخشی و موفقیت سازمانی است. پاپادمیتریوس و تیلور (۲۰۱۳) نیز برنامه‌ریزی درازمدت را یکی از عوامل مهم در اثربخشی فدراسیون‌های ورزشی یونان بیان کرده‌اند. آبدارزاده و همکاران (۱۳۹۴) به شناسایی عوامل مؤثر بر برنامه‌ریزی راهبردی موفق پرداختند و نتایج پژوهش آنها نشان داد عوامل تعاملی سازمان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم و عوامل عمومی سازمان به‌طور مستقیم بر موفقیت برنامه‌ریزی راهبردی مؤثرند.

در تبیین نتایج می‌توان گفت فرایند برنامه‌ریزی راهبردی موفق با نگرش کامل و تجزیه و تحلیل وضعیت فدراسیون‌های ورزش المپیکی و محیط آن، وضعیت فعلی فدراسیون را گزارش می‌دهد و عوامل کلیدی مؤثر بر موفقیت را شناسایی می‌کند. با تقویت همزمان عوامل موفق در برنامه راهبردی فدراسیون‌های ورزش المپیکی، فدراسیون می‌تواند به نتایج شایان توجهی دست یابد، زیرا تقویت هر عامل بدون تقویت عوامل دیگر در هر حوزه، برای کسب موفقیت در برنامه‌ریزی راهبردی فدراسیون اثر ناچیزی دارد. برگزاری مداوم جلسات میان مدیران ارشد فدراسیون با مدیر تیم و یا کارکنان برنامه‌ریزی راهبردی جهت تعیین خطوط راهبردی برنامه و تشکیل کمیته‌هایی متشکل از کارشناسان کلیدی واحدهای مختلف سازمانی جهت حضور در پروژه برنامه‌ریزی راهبردی باعث سهولت پیاده‌سازی برنامه‌ریزی راهبردی، عدم مقاومت در برابر تغییرات ناشی از اجرای برنامه‌ریزی راهبردی و جامعیت برنامه‌ریزی راهبردی از نقطه نظر درگیر کردن واحدهای مختلف فدراسیون المپیکی می‌گردد. دراین راستا باقری و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که بهبود مهارت‌های تفکر راهبردی مدیران در فدراسیون‌های ورزشی، در فرایند ایجاد راهبرد‌های مؤثر بسیار ضروری است و غلامپور و همکاران (۲۰۱۶) نیز دریافتند که تیم ملی فوتبال برای موفقیت نیازمند برنامه‌ریزی راهبردی، راهبرد‌های مؤثر، مدیریت ثبات، مدیریت زمان و سبک رهبری می‌باشد. تشکیل کمیته‌هایی متشکل از مدیران کلیدی فدراسیون باعث پررنگ کردن حضور آنان در پروژه برنامه‌ریزی راهبردی می‌گردد و با فراهم کردن زمینه جهت آموزش‌های لازم به افراد درگیر در برنامه‌ریزی راهبردی درباره عملیات‌ها و فرایندهای داخلی فدراسیون موجب یکدست کردن تیم پروژه برنامه‌ریزی راهبردی می‌شود. بنابراین لازم است که مولفه‌ها و عوامل شناسایی شده در پژوهش حاضر در جهت موفقیت برنامه راهبردی فدراسیون‌های ورزشی المپیکی مورد بررسی قرار گیرد.

بر اساس نتایج تحقیق، روشن نمودن مأموریت، اهداف و برنامه‌ها به عنوان مهمترین عامل برنامه راهبردی فدراسیون‌های ورزش المپیکی شناسایی شد که با یافته‌های برائسون (۲۰۰۵)، آبدارزاده و همکاران (۱۳۹۴)

و ماچادو (۲۰۱۴) همخوانی دارد. برایسون^۱ (۲۰۰۵) هدف اصلی تدوین مأموریت سازمان را این گونه بیان می کند که سرانجام برنامه ریزی راهبردی یک هدف، معنی، ارزش و فضیلت است و این نکته در هیچ جایی به روشنی تعیین مأموریت سازمان و به دنبال آن تدوین چشم انداز موفقیت نمی باشد. نیکویی و همکاران (۲۰۱۴) نیز نشان دادند که ساختار سازمانی و حفظ همکاری تیمی در برنامه ریزی راهبردی وزارت ورزش و جوانان نقش دارند. از این رو، هدف از رسالت فدراسیون های المپیک، مشخص کردن اهداف فدراسیون و نیز فلسفه و ارزش هایی است که فعالیت های فدراسیون را هدایت می نمایند. همچنین می توان مهمترین فایده تعیین رسالت فدراسیون و توافق بر سر آن را ترویج عادت متمرکز کردن بحث ها بر سر آنچه واقعا مهم است، دانست. از دیگر فوائد آن می توان به مشخص کردن اهداف و نیز توجه صریح به فلسفه و ارزش های سازمانی اشاره نمود که می تواند سبب موفقیت شود. همچنین بسیاری از فدراسیون های ورزشی هم راستا با دیگر فدراسیون ها به تعیین اهداف بلندمدت خود مبادرت نموده اند که سبب موفقیت شده است. به عنوان مثال، اهداف کلیدی کمیسون ورزش استرالیا، صیانت و حفظ ملی ورزش مؤثری است که موجب شرکت بهتر استرالیایی ها در فعالیت های ورزشی کیفی می شود.

دومین عامل موثر بر برنامه راهبردی فدراسیون ورزشی المپیک، تدوین راهبردها، دستورالعمل ها و فرایندهاست که این نتایج با یافته های آبدارزاده و همکاران (۱۳۹۴)، حقیقی و همکاران (۱۳۸۸) و غلامپور و همکاران (۲۰۱۶) همسو می باشد. غلامپور و همکاران (۲۰۱۶) نیز دارا بودن راهبرد را به عنوان یکی از عوامل موفقیت تیم ملی بیان کرده اند. به طور کلی راهبرد به شیوه های مختلف تعریف و تجزیه و تحلیل می شود و برای برنامه ریزی مورد استفاده قرار می گیرد (حمیدی زاده، ۱۳۸۲). دیوید (۱۳۸۸) معتقد است که در تدوین راهبرد باید مأموریت سازمان تعیین شود، عواملی که در محیط خارجی سازمان را تهدید می کنند یا عواملی که فرصت هایی را به وجود می آورند شناسایی شوند، نقاط قوت و ضعف داخلی سازمان مشخص گردد، اهداف بلندمدت تعیین شوند و برای این فعالیت ها راهبردهای گوناگون شناسایی و انتخاب شوند (دیوید فرد آر، ۱۳۸۸). برخی تحقیقات (مایلز^۲، اسنو^۳، مایر^۴، کلمن^۵، ۱۹۷۸؛ و میلر^۶ ۱۹۸۷) نشان دادند که برای رسیدن به موفقیت، سازمان ها باید با انتخاب راهبردهای مناسب به تغییرات محیطی پاسخ دهند (اسلک ترور^۷، ۱۹۹۷). از این رو، برای این که راهبردها در فدراسیون المپیک از اثربخشی لازم برخوردار باشند، باید از ویژگی هایی مانند قابل قبول بودن از نظر تصمیم گیرندگان و مخاطبان اصلی، تأثیرگذاری روی مشتری یا مصرف کننده، مطابقت با رسالت و چشم انداز و ارزش های محوری سازمان، مناسب و مرتبط بودن، انسجام و هماهنگی با سایر راهبردها و برنامه ها و فعالیت ها، قابلیت اجرا از لحاظ تخصصی^۸، قابلیت اجرا از لحاظ هزینه، اثربخشی

1. Bryson
2. Miles
3. Snow
4. Meyer
5. Coleman
6. Miller
7. Slack Trever
8. Technical Feasibility

از نظر هزینه، تأثیر بلندمدت، ارزیابی خطرات، در نظر گرفتن نیازهای کارکنان، انعطاف پذیری، زمان بندی مناسب، تسهیلات مورد نیاز و نیازهای آموزشی برخوردار باشند.

تدوین برنامه عملیاتی نیز یکی از عوامل موثر بر موفقیت فدراسیون شناسایی گردید. این نتیجه با یافته های دیوید (۱۳۸۸)، بوید (۲۰۰۵) و غلامپور و همکاران (۲۰۱۶) همخوانی دارد. غلامپور و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند موفقیت تیم ملی نیازمند موفقیت در برنامه ریزی راهبردی می باشد. بوید^۱ (۲۰۰۵) معتقد است که مرحله نهایی در آماده کردن برنامه راهبردی، تدوین برنامه عملیاتی می باشد. برای این که برنامه راهبردی به طور مؤثر اجرا شود، باید به خط مشی های جزئی و فعالیت هایی تبدیل شود که در سطح عملیاتی قابل درک و فهم باشد. برنامه عملیاتی دید بلندمدت را به فعالیت کوتاه مدت تبدیل می کند. این اولویت های راهبردی، اهداف، راهبردها و شاخص های کلیدی عملکرد را در مجموعه ای از دستورالعمل های کاری روشن و شفاف شکل می دهد. لذا در تدوین برنامه راهبردی، در بخش تعیین برنامه های عملیاتی فدراسیون تمام وظایفی که باید در یک دوره ۱۲ ماهه انجام شوند (یعنی اولویت های فعالیت ۱۲ ماه آینده) از سند برنامه راهبردی جدا و در سند جداگانه ای به نام «سند برنامه عملیاتی» درج شوند. این برنامه، سپس برای هدایت کار کارکنان و داوطلبان، توسط آن ها در طی این زمان تعیین شده مورد استفاده قرار می گیرد تا فدراسیون های المپیکی بتوانند به موفقیت لازم برسند.

همچنین ارزیابی صحیح محیط داخلی سازمان و محیط خارجی به عنوان دو شاخص از عوامل موفقیت در فدراسیون های ورزش المپیکی بوده است. این نتایج همسو با یافته های ماچادو (۲۰۱۴)، توماس و همکاران (۱۹۹۳) و حقیقی و همکاران (۱۳۸۸) می باشد. حقیقی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود نشان داد که یکی از عوامل موثر بر موفقیت برنامه ریزی راهبردی، عامل ارزیابی درست محیطی می باشد که همسو با پژوهش حاضر است. محیط شامل فضای دربرگیرنده و درونی سازمان می شود که در مجموع از انواع کلان، وظیفه ای و داخلی تشکیل شده است (رضاییان، ۱۳۸۴). از نظر اعرابی (۱۳۹۱) بررسی عوامل محیطی شامل نظارت، ارزیابی و نشر اطلاعات به دست آمده درباره محیط سازمانی میان افراد کلیدی و مؤثر سازمان می باشد و ابزاری است که از آن برای جلوگیری از شوک های راهبردی و تأمین سلامت بلندمدت سازمان استفاده می شود. علاوه بر این، توماس و همکاران^۲ (۱۹۹۳) اظهار می دارند که قبل از این که یک سازمان بتواند مرحله تدوین را آغاز کند، باید محیط بیرونی خود را بررسی و پویش کند تا بتواند فرصت ها و تهدیدهای بالقوه را کشف نماید. هم چنین باید محیط داخلی را کاوش کند تا بتواند به نقاط قوت و ضعف خود پی ببرد (به نقل از ابراهیمی، ۱۳۹۲). ازین رو، فرآیندی که باعث تفاوت و موفقیت فدراسیون در واکنش نشان دادن به محیطی یکسان می گردد، میزان توجه یا عدم توجه مدیریت به اتفاقات رخ داده در محیط خواهد بود. در مجموع، این روش یکی از ابزارهای راهبردی است که در آن نقاط قوت و ضعف درون فدراسیون با فرصت ها و تهدیدهای بیرون سازمانی تطبیق داده می شود و تحلیلی سیستماتیک برای شناسایی این عوامل و تدوین راهبردهایی که

1. Boyd

2. Thomas, S. M. Clark & D. A. Gioia

بهترین تطابق بین آنها را ایجاد نماید، ارائه می کند.

به طور کلی می توان گفت تدوین برنامه راهبردی برای موفقیت فدراسیون های المپیک در جهت رسیدن به اهداف موردنظر خود امری ضروری و غیرقابل انکار است؛ به گونه ای که هر فدراسیون ورزشی می تواند برای فعالیت ها و اهداف کلی خود یک برنامه راهبردی جامع داشته باشد و در ادامه راه، جهت پیشرفت و توسعه بهتر و همچنین رسیدن به اهداف اختصاصی برای هر بخش از سازمان خود برنامه راهبردی ویژه و مرتبط تدوین کند تا فرآیند برنامه ریزی را در جهت اهداف موردنظر تسهیل نماید. مشخص کردن اهداف و مأموریت فدراسیون و نیز فلسفه و ارزش هایی که فعالیت های فدراسیون ورزش المپیک را هدایت می نمایند، می تواند در رسیدن به برنامه راهبردی موفق در فدراسیون های ورزشی المپیک بسیار مهم باشد. بیانیه مأموریت، اهداف و برنامه ها و روشن و شفاف بودن آن سندی است که مقاصد اصلی فدراسیون ورزش المپیک را منطبق با ارزش ها و باورهای پذیرفته شده فدراسیون به همراه فلسفه وجودی نشان می دهد و بیان می کند که داشتن شرح مأموریت سازمانی تنها در صورتی به افزایش کارایی فدراسیون منجر می شود که تدوین آن بر مبنای صحیح و روشن و شفاف انجام گرفته باشد. از طرف دیگر، عدم توجه کافی در تدوین و به کارگیری مأموریت، اهداف و برنامه های یک فدراسیون می تواند اصلی ترین عامل عقیم ماندن تلاش های مدیران و شکست فدراسیون در زمینه های مختلف ورزشی باشد. به طور کلی برای تعیین راهبرد و اجرای عوامل موثر بر برنامه راهبردی موفق در فدراسیون های ورزش المپیک در سطح کل سازمان، باید چشم انداز و مأموریت سازمان و عوامل محیطی و داخلی آن در نظر گرفته شوند و متناسب با آنها اهداف بلندمدت تنظیم و راهبردهایی بررسی و انتخاب شوند. همچنین، برنامه های عملیاتی به طور مناسب و قابل قبول انجام شوند تا موفقیت مجموعه فدراسیون المپیک را به ارمغان آورند. به عبارت دیگر، شناسایی عوامل موثر بر برنامه راهبردی موفق در فدراسیون های ورزش المپیک سبب می شود که در آن نقاط قوت و ضعف درون سازمانی با فرصت ها و تهدیدهای برون سازمانی در فدراسیون های ورزش المپیک تطبیق داده می شود و تحلیلی سیستماتیک برای شناسایی این عوامل موثر و تدوین راهبردهایی که بهترین تطابق بین آنها را ایجاد نماید، ارائه شود و زمینه موفقیت در ورزش المپیک فراهم گردد.

بنابراین ۵ عامل تدوین برنامه عملیاتی، ارزیابی صحیح محیط داخلی سازمان، ارزیابی صحیح محیط خارج سازمان، تدوین راهبردها، دستورالعمل ها و فرایندها و روشن بودن مأموریت ها، اهداف، برنامه ها را می توان به عنوان عوامل موفقیت برنامه راهبردی فدراسیون ورزشی المپیک برشمرد که با بررسی محیط داخلی و خارجی فدراسیون، قوت ها و ضعف های داخلی و فرصت ها و تهدیدهای محیطی شناسایی می گردد و با در نظر داشتن چشم انداز و مأموریت فدراسیون، اهدافی بلندمدت برای فدراسیون تنظیم می شود که برای دستیابی به این اهداف، از بین گزینه های راهبردی، اقدام به انتخاب راهبردهایی می گردد که مشخص می کنند منابع محدود سازمان (مالی، انسانی، امکانات و تسهیلات) باید به کدامیک از فعالیت های اولویت دار اختصاص یابند تا بدون اتلاف منابع و زمان، بهترین نتایج حاصل شوند و بیشترین بهره وری به دست آید. با توجه به اهمیت مأموریت ها، ارزش ها و برنامه های موجود در جهت تعیین برنامه راهبردی موفق، ایجاد چشم انداز و مأموریت، بهبود مستمر فرایندهای کاری، یکپارچه سازی نگرش ها و اهداف، توانمندسازی کارکنان و حمایت

و پشتیبانی مدیران از ارائه برنامه ها و طرح های عملیاتی را می توان برشمرد. همچنین جهت بهبود وضعیت راهبرد ها، اهداف و برنامه های فدراسیون، تشکیل جلسات توجیهی برای مدیران با هدف شناسایی اهمیت، حوزه، اهداف و رویکردهای برنامه ریزی راهبردی در راستای رسیدن به موفقیت می تواند حائز اهمیت باشد. در پایان، برای اجرای برنامه ریزی راهبردی موفق در فدراسیون های المپیک، ارزیابی عوامل محیطی داخلی و خارجی در فدراسیون های ورزشی امری ضروری است. برای افزایش تأثیرگذاری این متغیر در اجرای برنامه ریزی راهبردی باید با به روز رساندن مهارت ها، داشتن ارتباطات مؤثر با سازمان های دیگر، مدیریت روابط مشتریان و تحلیل فرصت ها و تهدیدهای محیطی در مسیر موفقیت گام برداشت. از آنجا که پژوهش حاضر محدود به فدراسیون های المپیک بوده، لازم است در پژوهش های آتی به شناسایی عوامل مؤثر بر برنامه راهبردی موفق در سایر فدراسیون ها پرداخته شود. همچنین نبود پژوهش های مرتبط در این زمینه نیز از دیگر محدودیت های پژوهش می باشد.

منابع

- آبدارزاده، پدرام و همکاران. (۱۳۹۴). «شناسایی عوامل موثر بر موفقیت برنامه ریزی راهبردی موفق با استفاده از روش مدل یابی معادلات ساختاری (مطالعه موردی: شرکت سهامی بیمه ایران شهر تهران)». مدیریت بازاریابی. ۷ (۲)، صص ۲۵۳-۲۷۲.
- ابراهیمی، محمدرضا. (۱۳۹۲). «طراحی و تدوین برنامه راهبردی اداره کل ورزش و جوانان استان آذربایجان غربی و ارائه الگوی اجرایی آن به روش کارت امتیازی متوازن (BSC)». پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی، دانشگاه ارومیه.
- اعرابی، م. (۱۳۹۱). دست نامه برنامه ریزی راهبردی. چاپ ششم، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی
- برایسون، جان. ام. و الستون، فارنوم کی. (۲۰۰۵). خلق و پیاده سازی برنامه ی راهبردی. سید محمد اعرابی و مصطفی تقی زاده قمی. تهران: انتشارات مهکامه، صص ۳-۵.
- حسینی، سیده محبوبه. (۱۳۹۴). «تحلیل راهبرد ورزش های رزمی در استان مازندران بر اساس رویکرد swot».
- «پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آیت ا. آملی.
- حقیقی، محمد و همکاران. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل موثر بر موفقیت برنامه ریزی راهبردی در شرکت ملی گاز ایران». مدیریت بازاریابی. ۱۱ (۳): ۳۹-۵۴.
- حمیدی زاده، مهرزاد. (۱۳۸۲). برنامه ریزی راهبردی. چاپ دوم، تهران: سمت
- دیوید، فرد آر. (۱۳۸۸)، مدیریت راهبردی. علی پارسیان و سید محمد اعرابی. چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی
- راجر، جکسون و پالمر، ریچارد. (۲۰۱۳). راهنمای مدیریت ورزشی. گروه مترجمان. چاپ سوم، کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران
- رحیم نیا، فریبرز؛ به پور، الهام و قره باغی، نسترن. (۱۳۹۰). «چالش های برنامه ریزی راهبردی و برنامه ریزی شهری موفق». سومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- رضائیان، ع. (۱۳۸۴). «ایجاد و استقرار مدل چشم انداز سازمانی در پرتو چشم انداز نظام جمهوری اسلامی ایران». کمال مدیریت (ویژه نامه مدیریت دولتی و چشم انداز جمهوری اسلامی ایران). شماره ۸ و ۹، صص ۲۳-۵.
- سیف پناهی شعبانی، جبار و خطیبی، امین. (۱۳۹۶). «تبیین و تحلیل عوامل موثر بر پیشرفت والیبال ایران در سطح قهرمانی». فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش. ۶ (۲)، ص ۱۱.
- مظفری، امیراحمد و همکاران. (۱۳۹۱). «راهبردهای توسعه نظام ورزش قهرمانی ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۱۳، صص ۳۳-۴۸.
- Bagheri, J.SH. et al. (2020). "The Effect of Strategic Thinking Skills on the Effectiveness of Strategy Creation Process in Sport Federations". Journal of New Studies in Sport Management (JNSSM) 1(1):45-52
- Balduck, A.L, Baleens. (2015). "A Two-Level Competing Values Approach to Measure Nonprofit Organizational Effectiveness". Ghent University, Vlerick Leuven Gent Management School.
- Cater, T. Pucko, D. (2010). "Factors of Effective Strategy Implementation". Empirical.
- Gholampour, M., et al. (2016). "Finding and studying the relationship between factors affecting the success of Iran's national football". IRAN'S PHYSICAL EDUCATION

AND SPORTS SCIENCES ASSOCIATION.6.

- Goslin, Anneliese. (2015). **“Human resources management as a fundamental aspect of a sport development strategy in South African communities”**. Journal of sport management, 10, 207-217.
- Johan Cruyff Institute. (2016). **Factors that influence the organization of a major sporting event**. <https://johancruyffinstitute.com/en/blog-en/factors-that-influence-the-organization-of-a-major-sporting-event/>
- Koski, P. (2015). **“Organizational effectiveness of Finnish sporting clubs”**. Journal of Sport Management, 9, 85-95.
- Mach ado, M., Taylor, J. (2014). **“The status of strategic planning in Portuguese higher education institutions”**. Higher education policy. Vol. 7. No. 2.
- Machado-Taylor, M. L., White, K., Gouveia, O. M. R. (2014). **“Job satisfaction of academics: Does gender matter? In Higher Education Policy”**. 2014, 27, (363-384), International Association of Universities 0952-8733/14. CITATIONS-1
- Nikoie, N., et al. (2014). **The effective factors on success of strategic planning In the Ministry of Youth Affairs and Sports**. J Nov. Appl Sci., 3 (2): 161-164
- Papadimitriou, D., & Taylor, R. (2013). **“Organizational effectiveness of Hellenic national sports organizations: A multiple constituency approach”**. Sport Management Review, 3, 23-46.
- Parker Gates, L. (2010). **“Strategic Planning with Critical Success Factors and Future Scenarios: An Integrated Strategic Planning Framework”**. Copyright Carnegie Mellon University. Available via <http://www.sei.cmu.edu>.
- Patrick, Boyd. (2005). **“Forging Future Success: A Strategic Planning Guide for Fijis National Sport Federations”**. Fiji Association of Sports and National Olympic Committee, www.fijiolympiccommittee.com.
- Petkovic, j. & Jasinskas. (). **“Significance of strategic planning for results of sport organization”**. Economy a Management 19(4):56-72
- Scott Kok Chi. (2007). **Olympic Count of Malaysia, Strategies**.
- Slack, Trever. (1997). **Understanding Sport Organizations: The Application of Organization Theory**. First Edition, Human Kinetics.
- Volovikov, B. (2011). **“Improvement of Methods of Strategic Planning at the Example of Industrial Enterprises”**. Montenegrin Journal of Economics, 7(1), 79-89
- Wade, H. (2015). **“Data inquiry and analysis for educational reform”**. <http://eric-web.tc.columbia.edu.p25>.

بررسی چالش‌های پیش روی توسعه ورزش‌های همگانی، حرفه‌ای و قهرمانی، بانوان و تربیتی در استان یزد

جواد یوسفیان^۱

doi: 10.22034/SSYS.2022.480

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱۰

هدف تحقیق حاضر، بررسی چالش‌های پیش روی توسعه ورزش استان یزد در حوزه‌های ورزش همگانی، قهرمانی و حرفه‌ای، بانوان و تربیتی است. جامعه آماری تحقیق شامل رؤسا، معاونان و کارشناسان اداره‌های ورزش و جوانان و همچنین مسئولان بخش تربیت بدنی و همکارانشان در اداره‌های آموزش و پرورش شهرستان‌های استان یزد (۷۰ نفر) بود. از این میان، ۵۳ نفر که دارای اطلاعات دقیق و به‌روز بودند در این پژوهش کیفی شرکت نمودند. چالش‌های موجود در ورزش استان یزد از طریق انجام مصاحبه‌های دو مرحله‌ای حضوری (رو-در-رو) به ترتیب شامل مصاحبه غیرساختارمند (عمیق) و سپس مصاحبه ساختارمند با نمونه‌های آماری تحقیق به دست آمد. نتایج این تحقیق برگرفته از روش تحلیل محتوا و تطبیق نتایج دو نوع مصاحبه یاد شده می‌باشد.

یافته‌های پژوهش بیانگر این است که چالش‌های اصلی و کلی پیش روی توسعه ورزش در استان یزد عبارت‌اند از: چالش‌های مرتبط با منابع مالی، مسائل فرهنگی-اجتماعی، منابع انسانی، مسائل حمایتی، ورزش گروه‌های خاص، استعدادیابی، ناداوری و بی‌عدالتی و برنامه‌ریزی. در پایان، پیشنهادهایی برگرفته از نتایج تحقیق به عنوان راهکارهای بهبود وضعیت ورزش استان یزد ارائه شده است.

واژگان کلیدی: چالش، ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، ورزش همگانی، ورزش بانوان و ورزش تربیتی

مقدمه

هر چند آرزوی دیرینه بشر همواره داشتن جسم و روان سالم بوده است، ولی امروزه با مدرنیته شدن زندگی افراد جامعه، رفتارهای سبک زندگی تغییر کرده است و به سمت کم تحرکی و الگوی غذایی غیربهداشتی رفته است (اسچولنکورف و سیفکن^۱، ۲۰۱۹). بدیهی است که داشتن سبک زندگی فعال و حفظ تندرستی با یکدیگر ارتباط زیادی دارند. ورزش همواره به عنوان وسیله‌ای برای کسب نتایج مثبت سلامتی استفاده شده است (ادواردز و راو^۲، ۲۰۱۹). امروزه، برنامه‌ریزی دقیق در راستای ایجاد انگیزه در افراد جامعه و برطرف کردن مشکلات شرکت در فعالیت‌های بدنی و ورزش بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد، زیرا که توسعه و پیشرفت فناوری و صنعت، ماشینی شدن زندگی، گسترش امکانات رفاهی و شیوه‌های نوین زندگی افراد جامعه را کم‌تحرک نموده است. انجام فعالیت‌های بدنی و شرکت در ورزش‌ها، راهکاری مناسب برای رسیدن به سلامتی و تندرستی همه‌جانبه آحاد جامعه می‌باشد (عراقی و کاشف، ۱۳۹۳).

یکی از محورهای اصلی توسعه پایدار در هر کشوری، سلامت افراد است. در واقع، برای داشتن یک جامعه توسعه‌یافته نیاز به افراد سالم می‌باشد. ورزش و به‌ویژه ورزش همگانی یکی از عواملی است که می‌تواند برای تحقق این امر برنامه ریزان را یاری نماید. ورزش به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر و یک نیاز اساسی می‌تواند کمک کند تا افراد بر فشارهای جسمی، روحی، روانی و اجتماعی فائق آیند، کمتر از بقیه دچار ناراحتی‌های قلبی و عروقی شوند، فشارهای عصبی کمتری را تحمل کنند، از اعتمادبه‌نفس بیشتری برخوردار باشند، نسبت به زندگی خوش‌بین‌تر و کمتر به افسردگی دچار شوند (صادقیان، حسینی و فرزانه، ۱۳۹۳).

واقعیت امر این است که تربیت بدنی و ورزش تا حدود زیادی وارد زندگی خصوصی و عمومی مردم شده است و به عنوان محرکی برای تغییرات اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود. بعلاوه، تربیت بدنی و ورزش یکی از عوامل تأثیرگذار در سطح جامعه برای تحقق توسعه پایدار و عاملی برای مقابله با پیامدهای منفی شهرنشینی می‌باشد (دبیرخانه شورای راهبردی وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۹۴). با در نظر گرفتن اهمیت ورزش در زمینه‌های یاد شده بسیاری از کشورها تلاش می‌کنند تا با تکیه بر وضعیت اقتصادی و علمی خویش، زمینه رشد و ارتقای این پدیده را در درون مرزهای خود فراهم سازند.

بر اساس گزارش راهبردی وزارت ورزش و جوانان، توسعه ورزش کشور می‌تواند در حوزه‌های مختلفی انجام پذیرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: حوزه توسعه ورزش همگانی، حوزه توسعه ورزش حرفه‌ای و قهرمانی، حوزه توسعه ورزش بانوان و حوزه ورزش تربیتی (دبیرخانه شورای راهبردی وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۹۴). از میان حوزه‌های فوق، ورزش همگانی یکی از حوزه‌های مهم محسوب می‌شود، زیرا در تأمین سلامت و بهداشت تن و روان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بنا بر توصیف ارائه شده توسط شعبانی، غفوری و هنری (۱۳۹۰: ۱۴) ورزش همگانی «شکلی از فعالیت‌های جسمانی یا حضور منظم در فعالیت‌های جسمانی

1. Schulenkorf & Siefken

2. Edwards & Rowe

است که موجب تندرستی و سلامت بدنی و روانی شده، روابط اجتماعی را شکل می دهد و نتایج مثبتی در پی دارد». برخی ویژگی های ورزش همگانی عبارت اند از: مشارکت گسترده و گروهی بودن، کم هزینه بودن، آزادانه و انتخابی بودن، کم اهمیت بودن رقابت و بردو باخت، بانشاط و شاد بودن و محدود نبودن به سن، جنسیت، نژاد، زمان و مکان.

سواری، مهدی پور و رنجبر (۱۳۹۴: ۸۴) در مورد این نوع از ورزش ها بیان می کنند که «ورزش های همگانی معادل کلمه انگلیسی ورزش برای همه و ورزش عمومی است. معمولاً به فعالیت های ورزشی اطلاق می شود که جنبه تفریحی دارد و بدون توجه به نتیجه آن- برد و باخت- انجام شود. در بعضی از منابع، واژه مشارکت کلان را معادل ورزش های همگانی می دانند». ورزش همگانی به عنوان برنامه ها و فعالیت های جامع و گسترده ورزش برای تمام گروه های سنی، جنسیتی، نژادها، مذاهب و ملل و با توانایی مختلف جسمی و روانی تعریف شده است. در واقع، ورزش همگانی فرصتی مناسب برای انجام فعالیت های فردی و گروهی در دست یافتن به تندرستی، نشاط و روابط اجتماعی بیشتر می باشد. ورزش همگانی در بین انواع ورزش ها، به ویژه ورزش های قهرمانی و حرفه ای نقش پایه و محوری دارد. برای نهادینه کردن ورزش همگانی مهم ترین عوامل به ترتیب عبارت اند از: عوامل سازمانی، گروهی، محیطی و فردی (آصفی و قنبر پور نصرتی، ۱۳۹۷).

ورزش قهرمانی نیز یکی دیگر از حیطه های مهم ورزشی است. هنری، احمدی و مرادی (۱۳۹۱: ۱۴۶) پیرامون تعریف ورزش قهرمانی و اهداف آن بیان می دارند:

«ورزش های رقابتی و سازمان یافته ای که با توجه به قوانین و مقررات خاص برای ارتقای رکوردهای ورزشی و کسب رتبه یا مدال انجام می شود. اهداف ورزش قهرمانی عبارت اند از: افزایش جمعیت ورزشی قهرمانی، بهبود کیفیت و کسب مدال در میدان های بین المللی، افزایش تعداد رشته های ورودی به بازی های المپیک، افزایش تعداد نفرات ورودی به بازی های المپیک و حفظ و ارتقای جایگاه و تیم های ملی در رتبه بندی ها».

دی بوسچر، ون بوتنبورگ و شبیلی^۱ (۲۰۰۶) نه عامل را در قالب سه مرحله ورودی، عبوردهی و خروجی در توسعه ورزش قهرمانی کشورها تأثیرگذار می دانند: بخش ورودی شامل منابع انسانی و مالی می باشد. بخش عبوردهی عبارت است از راهبردها و سیاست هایی که توسعه ورزش قهرمانی را تسهیل می کند و مشتمل بر تسهیلات تمرین، مربی، مسابقات و پژوهش های علمی می گردد. بخش خروجی، نتیجه ورزش قهرمانی است و به وسیله مدال های المپیک و رقابت های ملی و بین المللی و تعداد ورزشکاران در سطح حرفه ای مشخص می گردد.

از دیدگاه تروینس، دی بوسچر، هیندلز و ورستریک^۲ (۲۰۱۴) مزیت های رقابتی یک سازمان ورزشی برای رسیدن به موفقیت های ورزشی عبارت اند از: امکانات رقابتی و تمرینی، حمایت از حرفه ورزشکاری، کشف

1. De Bosscher, Van Bottenburg & Shibli

2. Truyens, De Bosscher, Heyndels & Westerbeek

و پرورش استعدادها، مشارکت جوانان، حمایت دولتی و سازمانی، حمایت مالی، شرایط محیطی نخبگان ورزشی، حمایت‌های علمی، فرصت‌های رقابت، آموزش و تجهیز مربیان. در حالی که شش عامل مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی، مربیان کارآمد، فرآیند استعدادیابی، سرمایه‌گذاری بر تیم‌های پایه، منابع مالی و مادی، اردوهای آمادگی و مسابقات تدارکاتی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت والیبال ایران در سطح قهرمانی می‌باشند، حمایت‌های مالی و معنوی از مربیان و قهرمانان ملی در زمره چالش‌های مهم موجود هستند (سیف‌پناهی شعبانی و خطیبی، ۱۳۹۶).

علاوه بر این، ورزش حرفه‌ای به «فعالیت‌های ورزشی و سازمان‌یافته‌ای گفته می‌شود که به صورت رتبه‌مند و هدفمند، به منظور کسب درآمد برای توسعه ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی انجام می‌شود» (احسانی، امیری و قره‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۲۶). برای دستیابی به اهداف ورزش حرفه‌ای توجه به نیروی انسانی متخصص، تجهیزات و امکانات مطلوب، ساختار سازمانی مناسب، روش‌های اجرایی کارآمد و فضای کار مطلوب ضروری می‌باشد. مهم‌ترین موانع اقتصادی اثرگذار بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: بی‌ثباتی در سیاست‌های پولی و مالی کشور، مشارکت نکردن سرمایه‌گذاران خارجی در بازارهای سرمایه داخلی، مالکیت دولتی بسیاری از صنایع، کارخانجات، نهادها و سازمان‌های ورزشی و غیرورزشی، کم‌بودن سرانه درآمد ملی در کشور، نبود امنیت اقتصادی و خطر زیاد سرمایه‌گذاری در ورزش حرفه‌ای، عدم تخصیص حق پخش تلویزیونی مناسب به باشگاه‌ها، وجود رقابت ناعادلانه بین باشگاه‌های دولتی و باشگاه‌های خصوصی، ساختار بلیت‌فروشی متمرکز در سازمان لیگ حرفه‌ای و شفاف نبودن اطلاعات مالی و اقتصادی باشگاه‌ها، سازمان لیگ و فدراسیون (جلالی‌فراهانی و علیدوست‌قهفرخی، ۱۳۹۲).

یکی از سیاست‌های دولت برای توسعه سلامت در جامعه، تشویق بانوان به انجام فعالیت‌های بدنی و شرکت در انواع ورزش‌ها می‌باشد. از این طریق نه تنها سلامت جسمی و روانی نیمی از جامعه بهبود می‌یابد، بلکه با گسترش ورزش بانوان و سوق دادن آن به سمت ورزش می‌توان شاهد موفقیت ورزشکاران زن در سطح بین‌المللی نیز بود. با توجه به اهمیت این موضوع، شناسایی و رفع مشکلات و چالش‌های گسترش ورزش بانوان ضروری به نظر می‌رسد. به‌ویژه این که مشارکت و یا عدم مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند به عنوان شاخصی جهانی باشد که وضعیت اجتماعی زنان در آن جامعه را منعکس می‌کند (صادقی پور، جهانیان و موسوی، ۱۳۹۴). حسینی، حیدری نژاد و ازمشا (۱۳۹۷) طی تحقیق به این نتیجه رسیدند که در حالی که کسب لذت و نشاط دلیل اصلی شرکت مردان در ورزش است، مهم‌ترین انگیزه حضور زنان در ورزش کسب سلامتی و آمادگی جسمانی می‌باشد.

یکی دیگر از مهم‌ترین حوزه‌های ورزشی، حوزه تربیتی یا آموزشی ورزش می‌باشد، چرا که این حوزه بخش قابل توجهی از افراد جامعه به خصوص کودکان و نوجوانان را در بر می‌گیرد. هدف از این حوزه ورزش، فراهم ساختن فرصت‌هایی برای کودکان و نوجوانان است تا بتوانند توانایی‌های ادراکی - حرکتی، مهارت‌ها یا الگوهای حرکتی بنیادی و بسیاری از مهارت‌های پایه خود را گسترش دهند. این گروه می‌توانند از طریق انجام

فعالیت‌های بدنی و شرکت در ورزش‌ها خودپنداری مثبت و نگرش مثبت نسبت به فعالیت‌های حرکتی ورزشی را در خود تقویت کنند. یکی از راه‌های ارتقای سطح سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی جامعه تقویت شرکت دانش‌آموزان در برنامه‌های فعالیت بدنی و ورزش می‌باشد (دبیرخانه شورای راهبردی وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۹۴). نکته قابل تأمل این‌که مهم‌ترین نقطه ضعف در ورزش قهرمانی کشور، عدم توجه به ورزش مدارس به عنوان پایه ورزش قهرمانی گزارش شده است (رضایی صوفی و شعبانی، ۱۳۹۶). با توجه به اهمیت نقش آموزش و پرورش در ایجاد نگرش مثبت به انجام ورزش و فعالیت بدنی در دانش‌آموزان و همچنین کشف و پرورش استعداد‌های آن‌ها وضعیت ورزش تربیتی در جامعه از منظر مسئولان آموزش و پرورش نیز در این پژوهش بررسی می‌گردد.

بی تردید، گام اول برای توسعه ورزش در هر حوزه‌ای، بررسی شرایط موجود و شناسایی موانع و چالش‌های مؤثر بر توسعه آن می‌باشد. تحقیقات مختلفی جهت شناسایی چالش‌های موجود در ورزش همگانی (به عنوان نمونه، آصفی و قنبر پورنصرتی، ۱۳۹۷؛ آفرینش خاکی، مظفری و تندنویس، ۱۳۸۴؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۷؛ رحیمی، خیامیان، قهرمان تبریزی و شریفیان، ۱۳۹۶؛ شعبانی و خواجه، ۱۳۹۵؛ شعبانی، غفوری و هنری، ۱۳۹۳؛ غفرانی، گودرزی، سجادی، فراهانی و مقرنسی، ۱۳۸۸)، ورزش قهرمانی و حرفه‌ای (به عنوان مثال، امیری، نیری، صفاری و دلبری راغب، ۱۳۹۲؛ پورکیانی، حمیدی، گودرزی و خبیری، ۱۳۹۶؛ حسینی، حمیدی، رجبی و سجادی، ۱۳۹۲؛ رضوی، فیروزی و فرزنان، ۱۳۹۱؛ سواد، همتی نژاد، قلی‌زاده و گوهررستمی، ۱۳۹۶؛ سیف‌پناهی شعبانی و خطیبی، ۱۳۹۶؛ شعبانی و خواجه، ۱۳۹۵؛ کشاورز، فراهانی، موسوی جهرمی و فرازانی، ۱۳۹۵؛ نظری، رضوی، حسینی و رئیس، ۱۳۹۳؛ نوفرستی، غفرانی و صابری، ۱۳۹۶)، ورزش بانوان (به عنوان نمونه، اسلامی مرزنکلاته، موسوی و خوش‌فر، ۱۳۹۳؛ خسروی‌زاده، الهی، بهرامی، حقدادی و نستوهی، ۱۳۹۶؛ زردشتیان، حسینی و کریمی، ۱۳۹۵؛ صادقی پور و همکاران، ۱۳۹۴) و ورزش تربیتی (به عنوان نمونه، افضل‌پور، زرنگ و خوشبخت، ۱۳۸۴؛ رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶؛ شعبانی، رضایی صوفی و فراهانی، ۱۳۹۳؛ محمدی، کلاته‌سیف‌ری، فرزنان و رضوی، ۱۳۹۶) در کشورمان انجام شده است؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون تحقیقی در مورد چالش‌های پیش روی توسعه ورزش استان یزد صورت نگرفته است. لذا، تحقیق حاضر بر آن است تا این شکاف علمی را پر نماید.

این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ به پرسش‌های زیر از دیدگاه افراد مطلع از وضعیت موجود می‌باشد:

- چه چالش‌هایی پیش روی توسعه ورزش همگانی در استان یزد وجود دارند؟
- چه چالش‌هایی پیش روی توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای در استان یزد وجود دارند؟
- چه چالش‌هایی پیش روی توسعه ورزش بانوان در استان یزد وجود دارند؟
- چه چالش‌هایی پیش روی توسعه ورزش تربیتی در استان یزد وجود دارند؟

در مجموع، سیاست‌گذاری و به‌کارگیری راهبردهای بلندمدت برای توسعه ورزش استان یزد با شناخت چالش‌های پیش روی توسعه ورزش در حوزه‌های مختلف آن مؤثرتر و آسان‌تر می‌گردد. همچنین، شناخت چالش‌ها می‌تواند منجر به اولویت‌بندی دقیق‌تر برنامه‌های راهبردی اداره کل ورزش و جوانان استان شود. امید

می‌رود یافته‌های پژوهش حاضر در تدوین سند توسعه ورزش و برنامه‌ریزی برای آینده ورزش استان یزد و در سطح کلان‌تر یعنی توسعه ورزش ملی به کار آید.

روش‌شناسی پژوهش

بررسی‌های اولیه به منظور جمع‌آوری داده‌های تحقیق بیان‌گر این بود که مطلع‌ترین و به‌روزترین افراد برای کسب اطلاعات در حوزه‌های ورزش همگانی، ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و ورزش بانوان رؤسا، معاونان و کارشناسان اداره‌های ورزش و جوانان شهرستان‌های استان یزد و در ورزش تربیتی مسئولان بخش تربیت بدنی و همکارانشان در اداره‌های آموزش و پرورش شهرستان‌های استان یزد (۷۰ نفر) می‌باشند. با آن که تلاش محقق بر این بود که از تمام افراد مذکور به عنوان نمونه آماری برای کسب اطلاعات استفاده نماید، اما در نهایت ۵۳ نفر در پژوهش شرکت نمودند. چالش‌های موجود در ورزش استان یزد از طریق انجام ۵۳ مصاحبه دو مرحله‌ای حضوری (رو-در-رو)^۱ به ترتیب شامل مصاحبه غیرساختارمند (عمیق)^۲ و سپس مصاحبه ساختارمند^۳ (رجوع شود به ساندرز، لویز و ترنهییل^۴، ۲۰۱۶) با گروه نمونه فوق دست آمده است. روند جمع‌آوری اطلاعات به ترتیب زیر می‌باشد: قبل از انجام مصاحبه‌ها، یک فرم چک‌لیست شامل چالش‌های احتمالی مختلف به عنوان پرسشنامه حضوری (رو-در-رو)^۵ (رجوع شود به ساندرز و همکاران، ۲۰۱۶) طی مراحل چندگانه آماده گردید: الف) مرور پیشینه تحقیق و شناسایی چالش‌های احتمالی؛ ب) مصاحبه با ۲۰ نفر از افراد خبره و آگاه و ویرایش چالش‌های احتمالی؛ ج) نظرخواهی از پنج نفر از اساتید متخصص روش تحقیق در مدیریت ورزشی. در هر مرحله تغییراتی در فرم چک‌لیست یادشده رخ داد. در نهایت ۱۳۲ چالش احتمالی (ورزش همگانی ۳۱، ورزش قهرمانی و حرفه‌ای ۳۷، ورزش بانوان ۳۲ و ورزش تربیتی ۳۲ چالش) برای چهار حوزه ورزش استان در نظر گرفته شد. نمونه‌هایی از چالش‌های احتمالی در حوزه‌های مختلف ورزشی عبارت بودند از: «کمبود بودجه ورزش همگانی»، «عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و حامیان مالی در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای»، «کافی نبودن امکانات و تجهیزات در ورزش بانوان» و «کمبود سرانه ورزشی دانش‌آموزی».

سپس، مصاحبه‌های غیرساختارمند (عمیق) با نمونه تحقیق انجام پذیرفت. در ابتدای جلسات مصاحبه محقق معرفی می‌شد و اهداف و اهمیت طرح پژوهشی تبیین می‌گشت. در جلسات مصاحبه، از افراد خواسته می‌شد تا هرگونه چالش موجود در حوزه ورزش موردنظر را بیان کنند. مصاحبه‌ها توسط محقق ضبط و موارد یادداشت‌برداری می‌شد. پس از پایان یافتن مصاحبه‌های غیرساختارمند، مصاحبه‌های ساختارمند شروع می‌شد که طی آن چالش‌های احتمالی قید شده در فرم چک‌لیست فوق برای مصاحبه‌شوندگان بیان می‌شد و آن‌ها نظر خود را در مورد میزان چالش‌ها (از خیلی کم تا خیلی زیاد) منعکس می‌نمودند. استفاده از این روش

1. Face-to-Face
2. Unstructured (In-depth) Interview
3. Structured Interview
4. Saunders, Lewis & Thornhill
5. Face-to-Face Questionnaire

نه تنها باعث تکمیل اطلاعات بخش اول مصاحبه و افزایش اعتبار نتایج استنباط شده از آن می‌شد، بلکه کمک می‌نمود تا چنان‌چه چالشی از دید مصاحبه‌شوندگان دور مانده است یادآوری گردد. روش تحلیل اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها، روش تحلیل محتوا بود. این روش دربرگیرنده روش‌های سیستماتیک به منظور توصیف محتوای یک متن و طبقه‌بندی اطلاعات کیفی می‌باشد.

الگوی تحقیق حاضر بر اساس مدل‌های پژوهشی تک-روشی و آمیخته^۱ ارائه شده توسط جانسون و آنونگبوزی^۲ (۲۰۰۴) می‌باشد. لازم به یادآوری است که با در نظر گرفتن ماتریس طرح تحقیق آمیخته^۳ ارائه شده توسط محققان، دو بخش انجام مصاحبه و تکمیل پرسشنامه حضوری پژوهش حاضر به صورت هم‌زمان^۴ بود. بخش اصلی و عمده پژوهش^۵ بخش مصاحبه عمیق بود و بخش تکمیل پرسشنامه حضوری به منظور تکمیل اطلاعات بخش اول مصاحبه و افزایش اعتبار نتایج استنباط شده از آن استفاده گردید. به تعبیر دیگر، هدف اصلی محقق از انجام چنین روشی این بوده است که نتایج حاصل از مصاحبه‌های غیرساختارمند با چالش‌هایی که از دیدگاه نمونه تحقیق در پرسشنامه یاد شده در سطح متوسط، زیاد و خیلی زیاد قرار داشته‌اند، تطبیق داده شوند و نتیجه‌گیری دقیق‌تری حاصل گردد.

بررسی‌های گسترده نشان می‌دهد که اغلب مطالعات انجام شده در زمینه موضوع پژوهش حاضر در کشور به صورت کمی و تکمیل پرسشنامه می‌باشند و گاهی هم به صورت کیفی و انجام مصاحبه صرف هستند. لذا، از نظر روش‌شناسی تحقیق روش به کار برده شده در این پژوهش روش خاصی است که می‌تواند نتایج دقیق‌تر و مستدل‌تری را ارائه دهد. از آنجا که تحقیق حاضر از آزمودنی‌های انسانی استفاده کرده است، توجه به مسائل اخلاقی نظیر عدم آسیب جسمی، عاطفی و روان‌شناختی به مصاحبه‌شوندگان و حفظ اسرار آن‌ها و داشتن حق انصراف از ادامه شرکت در تحقیق (برویس و ری-بلیس^۶، ۲۰۰۸؛ ساندرز و همکاران، ۲۰۰۷؛ ون دونتر^۷، ۲۰۰۹) در هر مرحله از پژوهش مد نظر بوده است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ وضعیت‌های جنسیت، سابقه خدمت و تحصیلی شرکت‌کنندگان در این طرح پژوهشی را نشان می‌دهد. همه آن‌ها نه تنها اشراف کاملی به وضعیت موجود در حوزه‌های ورزشی پژوهش حاضر را داشتند، بلکه اطلاعات شان نیز به‌روز و موثق بود. همچنین، از آنجا که تحقیق حاضر از اولویت‌های پژوهشی اداره کل ورزش و جوانان استان یزد بوده است، انتخاب جامعه و نمونه تحقیق در راستا و متناسب با سیاست‌های سازمان و شرایط تحقیق یاد شده می‌باشد.

1. Monomethod and Mixed-model Designs

2. Johnson & Onwuegbuzie

3. Mixed-method Design Matrix

4. Concurrent

5. Dominant Status

6. Brewis & Wray-Bliss

7. Van Deventer

جدول ۱: ویژگی‌های توصیفی افراد مصاحبه‌شونده

متغیر	گروه‌بندی	حوزه تربیتی		حوزه‌های دیگر	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
جنسیت	مرد	۱۵	۸۳	۲۱	۶۰
	زن	۳	۱۷	۱۴	۴۰
سابقه خدمت	سال ۵ کمتر از	۱	۰/۰۶	۸	۰/۲۳
	سال ۵ تا ۱۰	۶	۰/۳۳	۱۰	۰/۲۸
	سال ۱۱ تا ۱۵	-	۰	۵	۰/۱۴
	سال ۱۶ تا ۲۰	۳	۰/۱۷	۷	۰/۲
	سال ۲۱ تا ۲۵	۶	۰/۳۳	۳	۰/۰۹
	بیش از ۲۵ سال	۲	۰/۱۱	۲	۰/۰۶
مدرک تحصیلی	دیپلم	-	۰	۳	۰/۰۹
	کاردانی	-	۰	۱	۰/۰۳
	کارشناسی	۸	۰/۴۴	۱۲	۰/۳۴
	دانشجوی کارشناسی ارشد	۲	۰/۱۱	۵	۰/۱۴
	کارشناسی ارشد	۷	۰/۳۹	۱۳	۰/۳۷
	دانشجوی دکتری	۱	۰/۰۶	۱	۰/۰۳

همان‌طور که اشاره گردید، از ۵۳ نمونه آماری خواسته شد تا تمام چالش‌های موجود در حوزه ورزش مورد نظر خود را بیان کنند و مصاحبه‌کننده تمام موارد را ضبط و یادداشت برداری می‌کرد. سپس، پرسشنامه‌ای حضوری ارائه گردید تا چالش‌های مختلف احتمالی درجه‌بندی گردند. باید گفت چالش‌هایی که در این بخش از مقاله بیان شده‌اند، حاصل تحلیل و تجمیع هر دو بخش مصاحبه‌های غیرساختارمند و مصاحبه‌های ساختارمند می‌باشند.

جدول ۲ نشان می‌دهد که چالش‌های توسعه ورزش همگانی در استان یزد می‌تواند به پنج گروه کلی شامل چالش‌های منابع مالی، فرهنگی- اجتماعی، منابع انسانی، حمایتی و ورزش گروه‌های خاص تقسیم شود:

جدول ۲: چالش های توسعه ورزش همگانی

نوع چالش	موارد چالشی
منابع مالی	کمبود بودجه و اعتبار
	کمبود زیرساخت ها و امکانات
	مشکلات اقتصادی موجود در جامعه
	غیراستاندارد و غیرایمن بودن فضاها و تجهیزات ورزشی
فرهنگی - اجتماعی	تغییر سبک زندگی مردم به سمت کم تحرکی
	استفاده زیاد از فناوری های جدید نظیر اینترنت و موبایل
	ضعف فرهنگی افراد جامعه و نداشتن باور راسخ به اهمیت تحرک
منابع انسانی	کمبود نیروی کارآمد و متخصص تربیت بدنی
	کمبود نیروی اداری در ادارات ورزش و جوانان
حمایتی	نگرش ها و حساسیت های خاص و سخت گیرانه
	عدم تمایل سرمایه گذاری بخش خصوصی و حامی مالی
	حمایت ناکافی مادی و معنوی و کم توجهی مسئولان و مدیران شهرستان، شهرداری ها و خیران
ورزش گروه های خاص	کم توجهی به ورزش معلولان
	کم توجهی به ورزش کارگران
	کم توجهی به ورزش بیماران خاص
	کم توجهی به ورزش افراد کم درآمد
	کم توجهی به ورزش افراد سالمند و پازنشسته

چالش های موجود حوزه ورزش همگانی در استان یزد مرتبط با بخش های مختلف جامعه است. به عنوان مثال، ادارات ورزش و جوانان با چالش هایی نظیر کمبود بودجه و زیرساخت ها، کمبود نیروی کارآمد و متخصص تربیت بدنی و نیروی انسانی در ادارات، حمایت ناکافی مسئولان شهری و وجود نگرش ها و حساسیت های خاص و سخت گیرانه رو به رو هستند. از طرفی، شرکت های خصوصی تمایلی به سرمایه گذاری در این زمینه ندارند. همچنین، مشکلات اقتصادی، ضعف فرهنگی، استفاده زیاد از فناوری های جدید و کم تحرک شدن افراد شرکت آحاد جامعه در ورزش همگانی را تحت تأثیر قرار داده است. نکته قابل توجه پایانی در این زمینه، چالش توجه به ورزش گروه های مختلف و خاص جامعه نظیر کارگران و افراد کم درآمد، سالمند و معلول می باشد که باید در این زمینه اقدامات جدی صورت پذیرد.

چالش های توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای در استان یزد در مجموع به شش گروه کلی قابل تقسیم هستند: منابع مالی، حمایتی، استعدادیابی، منابع انسانی، ناداوری و بی عدالتی و برنامه ریزی (جدول ۳).

جدول ۳: چالش‌های توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای

نوع چالش	موارد چالشی
منابع مالی	کمبود بودجه و اعتبار
	کمبود زیرساخت‌ها و امکانات
	عدم اختصاص بودجه ویژه برای مسابقات ورزشی
	غیراستاندارد و غیرایمن بودن فضاها و تجهیزات ورزشی
	ضعف توانایی هیئت‌ها و باشگاه‌های خصوصی جهت فعالیت در سطح قهرمانی
	نا توانی در تشویق و حمایت ورزشکاران دارای مقام‌های ملی و افراد علاقه‌مند به این حوزه ورزش
حمایتی	کم‌توجهی خانواده‌ها به ورزش قهرمانی فرزندان
	عدم وجود کانون هواداران رشته‌های مختلف ورزشی
	فقدان نظام جامع حمایت از ورزشکاران و مربیان نخبه
	عدم حمایت از بخش خصوصی و خیران سرمایه‌گذار در ورزش
	ضعف حمایت مالی و معنوی دولت و مسئولان از ورزش قهرمانی
	عدم تمایل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، حامی مالی و خیران در ورزش
	ضعف حمایت بیمه‌ای و اشتغال ورزشکاران، قهرمانان و استعداد‌های ورزشی
استعدادیابی	به‌روز نبودن دانش مربیان
	ضعف استعدادیابی ورزشی
	عدم حمایت از استعداد‌های ورزشی
	گسترده نبودن مراکز استعدادیابی در استان
منابع انسانی	فقدان الگوی موفق قهرمان
	وجود مدیران سیاسی و غیرورزشی
	کمبود استعداد‌های ورزشی در سطح قهرمانی
	انگیزه پایین ورزشکاران جهت فعالیت در سطح قهرمانی
	کمبود نیروی کارآمد و متخصص تربیت‌بدنی (اعم از مربی و داور)
	فقدان طرحی ساختارمند و علمی برای اجرای استعدادیابی ورزشی
	اطلاع‌رسانی دیر هنگام به منظور آماده‌سازی و اعزام تیم‌ها
ناداوری و بی‌عدالتی	ناداوری در برخی مسابقات در سطح شهرستان، استان و ملی
	وجود تبعیض و اعمال نفوذ در حمایت از برخی رشته‌های ورزشی و ورزشکاران
برنامه‌ریزی	فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت و جامع
	کم‌توجهی به ورزش مدارس به عنوان پایه ورزش قهرمانی
	نداشتن برنامه به منظور استفاده از پژوهش‌های علمی و ظرفیت‌های دانشگاهی و مراکز آموزش عالی

همانند حوزه ورزش همگانی، چالش‌های قابل تأملی در حوزه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وجود دارد که به بخش‌های مختلف مربوط می‌گردد. به عنوان نمونه، ادارات یاد شده از نامناسب بودن اعتبارات و امکانات، غیراستاندارد بودن فضاها و تجهیزات، گسترده نبودن مراکز استعدادیابی و فقدان طرح مدون در این زمینه، کمبود نیروی کارآمد و متخصص و فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت رنج می‌برند. در این میان، وجود برخی مشکلات مدیریتی نظیر حضور مدیران سیاسی، ضعف توانایی هیئت‌ها و باشگاه‌های خصوصی، ضعف حمایت مالی و معنوی دولت و مسئولان از ورزش قهرمانی و ناداوری‌ها و تبعیض‌ها شرایط را سخت‌تر می‌نماید. البته، با مرتفع شدن چالش‌هایی مانند عدم حمایت از بخش خصوصی و خیران سرمایه‌گذار در ورزش، ضعف حمایت بیمه‌ای و اشتغال ورزشکاران، به‌روز نمودن دانش مربیان و انگیزه پایین ورزشکاران جهت فعالیت در سطح قهرمانی می‌شود تا حدودی این چالش را تعدیل نمود.

چالش‌هایی نظیر منابع مالی، منابع انسانی و فرهنگی - اجتماعی دامن‌گیر ورزش بانوان نیز می‌باشند. در جدول ۴ موارد چالشی در این حوزه ارائه شده است:

جدول ۴: چالش‌های توسعه ورزش بانوان

نوع چالش	موارد چالشی
منابع مالی	کمبود بودجه و اعتبار
	نبود حامی مالی و سرمایه‌گذار خصوصی
	فقدان سالن ورزشی اختصاصی بانوان
	کمبود زیرساخت‌ها، امکانات و تجهیزات ورزشی
فرهنگی - اجتماعی	تغییر سبک زندگی مردم به سمت کم تحرکی
	استفاده زیاد از فناوری‌های جدید نظیر اینترنت و موبایل
	ضعف فرهنگی بانوان و نداشتن باور راسخ به اهمیت تحرک
	نگرش‌ها و حساسیت‌های خاص و سخت‌گیرانه در مورد ورزش بانوان
منابع انسانی	کمبود نیروی کارآمد و متخصص تربیت بدنی (اعم از مربی و داور)

اگر چه طبق جدول فوق در حوزه ورزش بانوان نسبت به حوزه‌های ورزشی قبلی چالش کمتری دیده می‌شود، ولی موارد شناسایی شده قابل توجه می‌باشد. همانند حوزه‌های ورزش همگانی و قهرمانی و حرفه‌ای، مهم‌ترین مشکل در بخش منابع مالی است که بی‌تردید زیرساخت‌ها و امکانات را تحت تأثیر قرار می‌دهد - البته حضور حامی مالی و سرمایه‌گذار خصوصی می‌توانست در این زمینه گره‌گشا باشد. همچنین برخی چالش‌ها نظیر نداشتن باور راسخ به اهمیت تحرک، استفاده زیاد از فناوری‌های جدید و تغییر سبک زندگی بانوان مربوط به خود بانوان می‌باشد که نیاز به فرهنگ‌سازی بیشتر برای شرکت در فعالیت‌های بدنی را نمایان می‌سازد.

علیرغم اهمیت ورزش تربیتی، چالش‌های قابل تأملی این حوزه از ورزش استان را تحت تأثیر قرار داده است. این چالش‌ها به سه قسمت کلی تقسیم می‌شوند: منابع مالی، منابع انسانی و فرهنگی - اجتماعی (جدول ۵).

جدول ۵: چالش‌های توسعه ورزش تربیتی

نوع چالش	موارد چالشی
منابع مالی	سراانه پایین ورزشی مدارس
	عدم تکمیل برخی طرح‌های ورزشی در مدارس
	اجرایی نبودن برخی طرح‌های ورزشی وزارتی
	ناتوانی در حمایت مالی هیئت‌های ورزشی مدارس
	غیراستاندارد و غیرایمن بودن فضاها و تجهیزات ورزشی
	کمبود زیرساخت‌ها، امکانات و تجهیزات ورزشی دانش‌آموزی
	کمبود معلم متخصص تربیت بدنی
منابع انسانی	دانش پایین و به‌روز نبودن معلمان
	کمبود نیروی اداری در واحدهای تربیت بدنی ادارات آموزش و پرورش
	کمبود کلاس‌های ضمن خدمت و همایش‌های علمی برای معلمان تربیت بدنی
	مشغله خیلی زیاد مسئولان این واحدها در ادارات به دلیل وظایف شغلی سه‌گانه تربیت بدنی، بهداشت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی
	کاهش علاقه دانش‌آموزان به فعالیت‌های ورزشی
فرهنگی - اجتماعی	تغییر سبک زندگی دانش‌آموزان به سمت کم‌ تحرکی
	تأکید زیاد مسئولان و خانواده‌ها بر اموری نظیر امور تحصیلی دانش‌آموزان نسبت به تأکید بر انجام فعالیت بدنی و ورزش

چالش‌های حوزه ورزش تربیتی نیز مانند حوزه‌های قبلی دارای ابعاد مختلفی می‌باشد. ادارات آموزش و پرورش تحت تأثیر مشکلاتی نظیر اعتبارات ناکافی، نامناسب بودن فضاها و تجهیزات ورزشی، ناتمام ماندن برخی پروژه‌های ورزشی، اجرایی نبودن برخی طرح‌های ورزشی وزارتی و ناتوانی در حمایت مالی هیئت‌های ورزشی مدارس می‌باشند. همچنین، مشکلات عدیده‌ای در مورد منابع انسانی خود که مهم‌ترین منابع آن سازمان‌ها هستند، دارند. از طرف دیگر، کم‌تحرک شدن دانش‌آموزان و کاهش علاقه آن‌ها به فعالیت‌های ورزشی و تأکید مسئولان و خانواده‌ها بر اموری نظیر امور تحصیلی دانش‌آموزان مشکلات موجود را حادتر نموده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام تحقیق حاضر، بررسی چالش‌های پیش روی توسعه ورزش استان یزد در حوزه‌های ورزش همگانی، قهرمانی و حرفه‌ای، بانوان و تربیتی در استان یزد می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز از طریق مصاحبه‌های

عمیق با رؤسا، معاونان و کارشناسان اداره‌های ورزش و جوانان شهرستان‌های استان یزد و مسئولان بخش تربیت بدنی و همکاران شان در اداره‌های آموزش و پرورش شهرستان‌های استان یزد و همچنین تکمیل یک پرسشنامه حضوری شامل چک لیست چالش‌های احتمالی مختلف طی جلسات مصاحبه به دست آمده است. نتایج کلی این طرح پژوهشی بیانگر این است که منابع مالی، مسائل فرهنگی - اجتماعی، منابع انسانی، مسائل حمایتی، ورزش گروه‌های خاص، استعدادیابی، ناداوری و بی‌عدالتی و برنامه‌ریزی چالش‌های اصلی و کلی توسعه ورزش در استان یزد می‌باشند. چالش‌های مرتبط با منابع مالی و در واقع مشکل بودجه و اعتبار مسئله‌ای است که همواره در سازمان‌های ورزشی وجود داشته است. لذا، جای تعجب نیست که یافته‌های این قسمت از تحقیق حاضر با نتایج دیگر مطالعات انجام شده توسط محققانی نظیر جوادی پور، قویدل سرکندی و سمیع نیا (۱۳۹۲)، رضوی، نیازی و برومندولق (۱۳۹۳)، سواری و همکاران (۱۳۹۴)، شعبانی و خواجه (۱۳۹۵) و عراقی و کاشف (۱۳۹۳) همخوانی دارد. نه تنها مشکلات اقتصادی جامعه می‌تواند بر وضعیت موجود اثر منفی بگذارد (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۰)، بلکه کمبود امکانات و هزینه‌های استفاده از آن‌ها نیز می‌تواند تأثیری زیادی بر انگیزه افراد در پرداختن به ورزش داشته باشد.

به اعتقاد سوادی و همکاران (۱۳۹۶) برای همگانی شدن ورزش حمایت عوامل محیطی، مداخله مثبت عوامل مدیریتی، بسترسازی منابع و عوامل رفتاری ضروری است. سیدعامری و بردی محمدآلق (۱۳۹۱) طی تحقیقی در ارومیه نتیجه گرفتند که شهروندان به دلایلی نظیر مشغله زیاد، گرانی شهریه‌های سالن‌های ورزشی، کمبود پایگاه‌های ورزش صبحگاهی و نبود امکانات لازم در ورزش‌های همگانی شرکت نمی‌کنند. شعبانی و خواجه (۱۳۹۵) نیز بیان می‌کنند که سلامت جامعه، رسانه‌ها، فضاها، طبیعی، کم‌هزینه بودن، توسعه هیئت‌های ورزش همگانی، اینترنت، دانش‌آموختگان رشته تربیت بدنی، تعالیم دینی و تأکید بر رایگان بودن ورزش به ترتیب از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر توسعه ورزش همگانی کشور می‌باشند.

همچنین، افزایش تأسیسات و سالن‌های مختص ژیمناستیک و تجهیز کامل سالن‌ها به امکانات تخصصی و کمک آموزشی ژیمناستیک عواملی هستند که به عنوان راهکار توسعه ورزش ژیمناستیک در سطح قهرمانی نام برده شده‌اند (تندنویس و قاسمی، ۱۳۸۶). هر چند موانعی نظیر عدم وجود اعتقاد به بازاریابی ورزشی در بین مدیران عالی‌رتبه بخش صنعت به عنوان یک منبع درآمد، عدم توجه ویژه به ورزش در کنار سایر بخش‌های صنعتی، عدم هم‌سویی سرمایه‌گذاری در ورزش با سیاست‌های توسعه‌ای کشور، عدم وجود قوانین اقتصادی مناسب جهت تشویق سرمایه‌گذاران بخش صنعتی در سرمایه‌گذاری در ورزش و عدم امکان تشخیص دقیق میزان سود بازاریابی ورزشی برای سرمایه‌گذاران در این راه وجود دارد (سلیمی، سلطان حسینی و نادریان جهرمی، ۱۳۹۴)، اما یکی از راهکارهای تأمین منابع مالی استفاده از اقدامات بازاریابی در ورزش است که باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد.

یکی دیگر از چالش‌های مهم در عرصه ورزش چالش‌های فرهنگی - اجتماعی هستند. وارد کردن یک پدیده در فرهنگ مردم کاری زمان‌بر و پیچیده است که عزم تمام مسئولان و همچنین رسانه‌ها را می‌طلبد. اشاره شد که متأسفانه ضعف فرهنگی پیرامون اهمیت انجام فعالیت بدنی و ورزش در جامعه وجود دارد. از طرف دیگر،

ظهور فناوری‌های جدید نظیر اینترنت و موبایل افراد جامعه را به خود مشغول ساخته است. چالش‌های یاد شده توسط دیگر محققان نظیر رضوی و همکاران (۱۳۹۳)، شعبانی و همکاران (۱۳۹۰) و شعبانی و همکاران (۱۳۹۳) نیز گزارش شده است. همچنین، طی مطالعه‌ای در شهرستان ارومیه مسائل فرهنگی و مشکلات اجتماعی به عنوان موانع توسعه ورزش همگانی شناخته شده‌اند (سیدعامری و بردی محمدآلق، ۱۳۹۱). یکی از راهکارهای تشویق افراد به شرکت در ورزش‌ها می‌تواند افزایش اماکن ورزشی باشد، چرا که نتایج مطالعه‌ای نشان می‌دهد که افزایش اماکن ورزشی موجب افزایش گرایش اهالی منطقه به تماشای مسابقات و شرکت در ورزش‌ها، افزایش شادابی و نشاط افراد و همچنین ارتقای همکاری‌های جمعی و ورزشی می‌گردد (سلطان حسینی، سلیمی، سلیمی و لطفی، ۱۳۹۲).

منابع انسانی، مهم‌ترین منبع هر سازمانی هستند. از منظر تحقیق حاضر این منابع می‌توانند شامل نیروهای متخصص تربیت بدنی اعم از مربیان و داوران ورزشی، معلمان تربیت بدنی شاغل در آموزش و پرورش، مسئولان و نیروهای اداری ادارات ورزش و جوانان و آموزش و پرورش و در مجموع تمام افراد درگیر در امر ورزش استان باشند. هر یک از این گروه‌ها می‌توانند نقش مهمی در توسعه ورزش داشته باشند. کمبود نیروی متخصص تربیت بدنی مهم‌ترین چالش بیان شده توسط افراد بود که با یافته‌های جوادی پور و همکاران (۱۳۹۲) و شعبانی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. همچنین، نتیجه‌گیری شده است که ارتقای سطح دانش علمی و فنی مربیان و کنترل و نظارت بر فعالیت مربیان از راهکارهای توسعه ورزش ژیمناستیک در سطح قهرمانی هستند (تندنویس و قاسمی، ۱۳۸۶).

علاوه بر این، حمایت مدیران و مسئولان ادارات و شهرداری‌های شهرستان، خانواده‌ها، بخش خصوصی، حامیان مالی و خیران ورزشی می‌تواند نقش اساسی در رونق و توسعه ورزش‌های چهارگانه داشته باشد. بااین حال، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ورزش استان به خصوص ورزش همگانی و ورزش قهرمانی و حرفه‌ای نیاز به حمایت بیشتری دارند. در راستای نتایج این تحقیق، سیف‌پناهی شعبانی و خطیبی (۱۳۹۶) نیز معتقدند که چالش‌های مهم موجود پیشرفت والیبال ایران در سطح قهرمانی، ضعف حمایت‌های مالی و معنوی از مربیان و قهرمانان ملی می‌باشد.

در این زمینه، حمایت رسانه‌ها و تبلیغات مناسب نیز می‌تواند مهم باشد، چرا که عدم آگاهی از اثرات ورزش می‌تواند از موانع توسعه ورزش باشد (سیدعامری و بردی محمدآلق، ۱۳۹۱). فیروزی، رضوی و فرزانه (۱۳۹۱) حمایت رسانه‌ها را از چالش‌های رشته‌های مدال آور دوومیدانی، قایقرانی و شنای ایران می‌دانند. نقش رسانه بر آگاه‌سازی از فوائد ورزش همگانی بر ابعاد سلامت جسمی و سلامت روانی، آموزش درباره ورزش همگانی، اطلاع‌رسانی در مورد مکان‌های مناسب ورزش همگانی، تغییر نگرش مثبت و ایجاد نگرش مثبت بانوان کرمانشاهی به ورزش همگانی توسط زردشتیان و همکاران (۱۳۹۵) مطلوب گزارش شده است. همچنین، تحقیق کلاته‌سیفری و فریدونی (۱۳۹۶) بیان‌گر این است که فعالیت‌های رسانه‌های جمعی و ابعاد آن بر گرایش به ورزش همگانی در شهر تهران مؤثر است.

حمایت مالی شرکت‌های خصوصی در ورزش به خصوص در ورزش قهرمانی، از اهمیت بالایی برخوردار

است. هر چند موانعی از قبیل موانع اقتصادی و زیرمجموعه‌های آن یعنی دست نیافتن به بازار جدید و عدم استحکام بیشتر ارتباط بین شرکت‌ها و مشتریان فعلی (سلیمی، سلطان حسینی و نصرافهانی، ۱۳۹۲)، مدیریتی، مالی و اقتصادی، بازاریابی، رسانه‌ای و تبلیغاتی، سیاسی، حمایتی و تشویقی، فرهنگی و اجتماعی و حقوقی و قانونی (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۵) و مدیریت ورزشی، تبلیغاتی، قانونی- دولتی و بسترسازی حرفه‌ای (سیدباقری و شریفیان، ۱۳۹۶) وجود دارد، اما از طریق توجه به شرکت‌های خصوصی می‌توان حمایت‌های مناسبی از ورزش در حوزه‌های مختلف فراهم نمود.

علاوه بر این، در هر جامعه‌ای گروه‌های خاصی وجود دارند که گهگاه تعداد آن‌ها زیاد نیست، ولی توجه به آن‌ها به دلیل شرایط خاصی که دارند حائز اهمیت است. کم‌توجهی به ورزش برخی از این گروه‌ها نظیر افراد سالمند و بازنشسته، معلولان، کارگران، بیماران خاص و افراد کم‌درآمد در این پژوهش قابل توجه بوده است. البته، چنین کم‌توجهی مختص به نتایج تحقیق حاضر نیست، بلکه دیگر مطالعات نظیر شعبانی و همکاران (۱۳۹۰) و شعبانی و همکاران (۱۳۹۳) نیز یافته‌هایی در این راستا گزارش کرده‌اند.

با اهمیت‌ترین نقطه قوت ورزش قهرمانی کشور، وجود استعدادهای بالقوه در برخی از رشته‌های انفرادی می‌باشد (رضایی صوفی و شعبانی، ۱۳۹۶). در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای استعدادیابی بسیار مهم است، زیرا اولیای امور نه تنها می‌توانند از طریق استعدادیابی صحیح و علمی در رسیدن به اهدافشان موفق‌تر باشند، بلکه از هدر رفتن هزینه‌ها و انرژی نیز جلوگیری خواهد شد. ورزش استان یزد برای تبدیل شدن به استان‌های موفق کشور در ورزش قهرمانی باید بر استعدادیابی ورزشکاران جوان سرمایه‌گذاری کند. در تأکید اهمیت این امر تحقیق انجام گرفته توسط تندنویس و قاسمی (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که استعدادیابی نوآموزان به روش علمی و تخصصی راهکاری مهم برای توسعه ورزش ژیمناستیک قهرمانی است. به علاوه، ضعف استعدادیابی به عنوان یک مشکل در رشته‌های مدال‌آور دوومیدانی، فایقرانی و شنا گزارش شده است (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین، شعبانی و خواجه (۱۳۹۵) عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی در کشور را چنین بر شمرده‌اند: تسهیلات و تجهیزات، رقابت‌ها، تحقیقات علمی و رسانه‌ها، استعدادیابی، امور مربوط به ورزشکار، ورزش همگانی، حمایت مالی، امور مربوط به مربی و ساختار ورزش. بروورس، سوتیریادو و دی بوسچر^۱ (۲۰۱۵) عواملی نظیر حمایت مالی، سازمان و ساختار منسجم، میزان مشارکت کنندگان در ورزش، کشف و پرورش استعدادها، حمایت از ورزشکاران در زمان فعالیت و بازنشستگی، برگزاری کلاس‌های آموزشی و مربیگری، فراهم کردن فرصت‌های رقابت، تسهیلات تمرینی و پژوهش‌های علمی را در ورزش قهرمانی و کسب موفقیت در میدانی ورزشی بین‌المللی مؤثر می‌دانند.

همچنین، ناداوری و بی‌عدالتی در ورزش نیز مورد تأکید افراد مصاحبه‌شونده بوده است که شامل ناداوری در برخی مسابقات در سطح شهرستان، استان و ملی، وجود تبعیض و اعمال نفوذ در حمایت از برخی رشته‌های ورزشی و ورزشکاران و اطلاع‌رسانی دیر هنگام به منظور آماده‌سازی و اعزام تیم‌ها می‌گردد. هر گونه بی‌عدالتی در ورزش قهرمانی نه تنها فرصتی را از کسب افتخار برای استان و کشور سلب می‌کند، بلکه باعث ناکامی و

دلسردی استعدادها می‌گردد. این در حالی است که از اثرات توسعه ورزش بر بعد اجتماعی جهانی شدن کشور می‌تواند گسترش تحقق عدالت و امنیت اجتماعی باشد (حمزه‌لو، معین فرد و شوشی نسب، ۱۳۹۴). برای انجام هر اقدامی نیاز به برنامه می‌باشد. به تعبیر دیگر، در سایه برنامه‌ریزی دقیق و صحیح است که سازمان‌ها می‌توانند هدف را تعیین و راه‌های رسیدن به آن را ترسیم نمایند. با توجه به دیدگاه افراد نمونه تحقیق حاضر در این زمینه در استان چالش‌هایی درباره برنامه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها وجود دارد که با نتایج مطالعات شعبانی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. فیروزی و همکاران (۱۳۹۱) نیز عدم وجود برنامه‌ریزی بلندمدت را از مشکلات رشته‌های مدال آور دوومیدانی، قایقرانی و شنای ایران بر می‌شمرند. همچنین، عدم وجود برنامه راهبردی به منظور توسعه ورزش قهرمانی فوتبال در استان سیستان و بلوچستان گزارش شده است (نوفروستی و همکاران، ۱۳۹۶). اگر چه در مورد ورزش تربیتی مطالعات محدودتری انجام پذیرفته است، اما نتایج تحقیق حاضر نیز در راستای پژوهش‌های انجام شده می‌باشد. به عنوان مثال، رحیمی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی نتیجه گرفتند که عوامل مؤثر بر توسعه ورزش همگانی در خوابگاه‌های دانشجویی پسران شامل عوامل ساختاری، زمان، مدیریتی، فردی و فرهنگی و در خوابگاه‌های دانشجویی دختران شامل عوامل ساختاری، مدیریتی، زمان، فرهنگی و فردی می‌گردد. همچنین، گزارش شده است که موانع توسعه ورزش همگانی دانشگاه به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: موانع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، موانع شناختی، موانع مالی، موانع آموزشی، موانع قانونی، موانع اطلاعاتی، موانع انسانی، موانع فردی و موانع زیرساختی (آصفی و اسدی دستجردی، ۱۳۹۵).

ورزش بانوان نیز از موضوعات مهم در توسعه ورزش کشور است. بر اساس این پژوهش، چالش‌هایی نظیر چالش‌های منابع مالی، منابع انسانی و فرهنگی - اجتماعی چالش‌هایی هستند که دامن‌گیر ورزش بانوان استان یزد می‌باشند. این یافته با تحقیق منظمی، علم و شتاب بوشهری (۱۳۹۰) همخوانی دارد که در آن عوامل مالی - امکاناتی، انسانی - تخصصی، ساختاری - مدیریتی و فرهنگی - اجتماعی بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران شناخته شده‌اند. همچنین، شعبانی و همکاران (۱۳۹۰) بی‌توجهی به ورزش همگانی زنان را به عنوان چالش ورزش همگانی بیان می‌کنند. به علاوه، بررسی‌ها بیانگر این است که مربیان هیئت‌های ورزشی شهر اراک نیز با مشکلات مشابهی نظیر مسائل سازمانی، اماکن و تجهیزات ورزشی، ورزشکاران، شخصی، رسانه‌ها و دیگر مربیان مواجه هستند (خسروی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶).

در پایان، با در نظر گرفتن یافته‌های تحقیق حاضر، پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت ورزش استان یزد و همچنین پیشنهادهایی برای پژوهشگران علاقه‌مند به تحقیق در این زمینه ارائه می‌گردند. گفتنی است که از نظر نمونه‌های تحقیق، مهم‌ترین و عمومی‌ترین چالش موجود در حیطه‌های چهارگانه ورزشی استان یزد مشکلات مالی و متعاقب آن مسائل مربوط به زیرساخت‌ها و امکانات می‌باشد. برخی پیشنهادهای ارائه شده می‌تواند در کم‌رنگ کردن این چالش بزرگ مؤثر باشند:

- یکی از چالش‌های مهم، عدم تمایل به حمایت مالی و سرمایه‌گذاری در ورزش است. به تعبیر دیگر، عدم تمایل حضور بخش خصوصی، حامیان مالی و خیران برای سرمایه‌گذاری در ورزش مسئله قابل توجهی در اغلب شهرستان‌ها بوده است. در واقع، اگر بتوان این حمایت‌ها را دریافت کرد، چالش مالی تا حدود زیادی

تقلیل می‌یابد و در نتیجه تعاملی برد- برد روی می‌دهد.

● چالش دیگر ضعف تعامل و همکاری بین ادارات و سازمان‌های خدمت رسان به مردم نظیر ادارات ورزش و جوانان، آموزش و پرورش و شهرداری‌ها در زمینه امور ورزشی است. بدون شک هر یک از سازمان‌های مذکور و حتی دیگر نهادهای دولتی امکانات و تسهیلات مختلف ورزشی مرتبط با سازمان خود را در اختیار دارند که در زمان‌هایی از روز، هفته یا حتی سال نیاز کمتری به استفاده از آن‌ها احساس می‌شود. فراهم نمودن تفاهم‌نامه‌های همکاری در این زمینه می‌تواند فرصتی باشد تا هر یک از سازمان‌ها امکانات و تسهیلات ورزشی خود را در اختیار دیگر بخش‌ها قرار دهند و خود نیز از امکانات دیگر سازمان‌ها استفاده نمایند. این شرایط تا حدودی کمبودهای موجود در امکانات و زیرساخت‌ها را پوشش می‌دهد.

● عدم ارتباط مناسب بین دانشگاه‌ها و اداره ورزش و جوانان چالشی است که توسط افراد بیان گردیده است. اصولاً، در مباحث مدیریتی همواره بر این نکته اشاره می‌شود که اتخاذ تصمیمات علمی باعث جلوگیری از هدر رفتن منابع به خصوص منابع مالی می‌گردد. استفاده از نظرات فرهیختگان دانشگاهی - به‌ویژه متخصصان مدیریت ورزشی - در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند به استفاده بهینه از منابع موجود کمک نماید.

● فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت و جامع در ورزش استان، کم‌توجهی به ورزش مدارس به عنوان پایه ورزش قهرمانی و نداشتن برنامه به منظور استفاده از پژوهش‌های علمی و ظرفیت‌های دانشگاهی چالش‌های دیگر ورزش هستند. بی‌تردید، داشتن یک برنامه مدون علمی و قابل اجرای ورزشی نیز می‌تواند در استفاده بهینه و کارآمد از منابع مالی موجود مؤثر باشد. بنابراین، داشتن برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای ورزش استان به منظور اثربخشی و کارایی بیشتر منابع موجود قابل توصیه است.

● یکی از چالش‌های اشاره شده در ورزش همگانی، کم‌توجهی شهرداری‌ها به ایجاد فضاهای ورزشی در هنگام توسعه شهرها به‌ویژه توسعه فضاهای سبز می‌باشد. توصیه می‌شود که توسعه شهرها تحت نظر یک کمیته هماهنگی متشکل از مسئولان شهرداری و ادارات ورزش و جوانان انجام پذیرد.

● درحالی‌که استعدادیابی یکی از مهم‌ترین بخش‌های ورزش قهرمانی است، به نظر می‌رسد که نقطه ضعف‌هایی در این زمینه در ورزش استان یزد وجود دارد. داشتن کمیته‌های تخصصی استعدادیابی، برگزاری دوره‌های آموزشی استعدادیابی و انتشار جزوات و بروشورهای علمی - آموزشی در زمینه استعدادیابی قابل توصیه است.

● درحالی‌که سالانه دانشجویان زیادی از دانشگاه‌های مختلف استان یزد و دیگر استان‌ها در رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی فارغ‌التحصیل می‌شوند، کمبود نیروی متخصص و کارآمد تربیت بدنی از دیگر چالش‌های اشاره شده در این تحقیق است. نکته قابل تأمل این است که به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش، بخش قابل توجهی از این افراد دارای تخصص و کارآمدی کافی به منظور همکاری با ادارات ورزش و جوانان و یا حتی با آموزش و پرورش نیستند. چنین شرایطی می‌تواند ناشی از کیفیت پایین آموزشی در دانشگاه‌ها باشد یا این که افرادی در این رشته تحصیل کرده‌اند که انگیزه یا استعداد مطلوب را برای ادامه تحصیل در این رشته نداشته‌اند. در هر صورت، این نتایج می‌تواند بازخوردی به سیستم آموزشی

کشور باشد تا با دقت بیشتری به توسعه این رشته مهم دانشگاهی و پذیرش افراد در آن همت گمارد.

- چالش سیاسی شدن ورزش و سیاسی بودن انتخاب مدیران نیز مورد اشاره قرار گرفته اند. با توجه به اهمیت جایگاه مدیریت در هر سازمانی و تبعاتی که تصمیمات اتخاذ شده در سازمان‌ها دارند، پیشنهاد می‌گردد مدیرانی انتخاب شوند که نه تنها از تجربیات خوبی در این زمینه برخوردارند، بلکه نگاه خاص به خرد جمعی و دید علمی به مسائل اجرایی داشته باشند.

- به وجود چالش ضعف فرهنگی - اجتماعی در زمینه ورزش در میان آحاد جامعه پیش از این اشاره شد. ساختن ویژه برنامه‌هایی که اهمیت زندگی پرتحرک را تبلیغ نمایند و همچنین نحوه صحیح انجام فعالیت‌ها را آموزش دهد می‌تواند در توسعه ورزش استان راهگشا باشد.

- دبیرخانه شورای راهبردی وزارت ورزش و جوانان (۱۳۹۴) توسعه ورزش کشور را به هفت حوزه مختلف تقسیم می‌کند. چهار حوزه از این هفت مورد یعنی ورزش همگانی، ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، ورزش بانوان و ورزش تربیتی در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. پیشنهاد می‌شود سه حوزه باقی مانده شامل حوزه توسعه و نگهداری اماکن ورزشی استان، حوزه ورزش جانبازان و معلولان و حوزه فرهنگی، آموزش و پژوهش در ورزش در استان یزد نیز به صورت ویژه مطالعه گردند - هر چند تا حدودی این سه حوزه در این پژوهش به طریق مد نظر قرار گرفته اند.

- در این پژوهش چالش‌های توسعه ورزش و دلایل عدم نپرداختن افراد جامعه به ورزش از دیدگاه مسئولان امور ورزش بررسی شده است. پیشنهاد می‌شود که تحقیقاتی در مورد دلایل عدم استقبال و کم‌انگیزی شرکت گروه‌های مختلف جامعه در فعالیت‌های بدنی و ورزش از دیدگاه خود آن‌ها انجام پذیرد، چرا که بخشی از آن می‌تواند به عوامل فردی مربوط باشد.

- یکی از ابعاد ورزش تربیتی می‌تواند ورزش دانشگاهی در نظر گرفته شود. لذا پیشنهاد می‌شود که در مورد چالش‌های موجود در این حیطه ورزشی نیز مطالعاتی صورت پذیرد.

- دلایل عدم تمایل برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، حامیان مالی و خیران در ورزش از طریق پژوهش‌های علمی بررسی گردد و در برطرف کردن موانع شناخته شده اهتمام لازم صورت پذیرد.

- مطالعه علمی دلایل و انگیزه‌های حمایت برخی بخش‌ها و افراد در حمایت مالی و سرمایه‌گذاری در ورزش و تمرکز بر این عوامل جهت ایجاد انگیزه در دیگر گروه‌ها می‌تواند راهگشا باشد.

- کمبود نیروی متخصص و کارآمد تربیت بدنی یکی از چالش‌های حوزه‌های مختلف بوده است. بررسی کمبود یا ناکارآمد بودن نیروی انسانی در این زمینه نیز می‌تواند راهگشا باشد.

منابع

- احسانی، محمد؛ امیری، مجتبی و قره‌خانی، حسن. (۱۳۹۲). «طراحی و تدوین نظام جامع ورزش حرفه‌ای کشور». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۷، صص ۱۲۵-۱۳۶.
- اسلامی مرزنکلاته، محمد مهدی؛ موسوی، سید جعفر و خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۹۳). «رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (مورد مطالعه: زنان شهر گرگان)». مدیریت سرمایه اجتماعی. ۱(۱۲)، صص ۱۳۹-۱۵۹.
- افضل‌پور، محمد اسماعیل؛ زرنگ، محمود و خوشبخت، جعفر. (۱۳۸۴). «ارزشیابی وضعیت اجرای درس تربیت بدنی در پایه‌های اول و دوم مدارس ابتدایی استان خراسان جنوبی». پژوهش در علوم ورزشی. ۵(۱۶)، صص ۱۰۷-۱۲۵.
- امیری، مجتبی؛ نیری، شهرزاد؛ صفاری، مرجان و دلبری‌راغب، فاطمه. (۱۳۹۲). «تبیین و اولویت‌بندی موانع فراروی خصوصی سازی و مشارکت بخش خصوصی در توسعه ورزش». مدیریت ورزشی. ۵(۴)، صص ۸۳-۱۰۶.
- آصفی، احمدعلی و اسدی دستجردی، حسن. (۱۳۹۵). «بررسی موانع توسعه ورزش همگانی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران و ارائه راهکارهای کاربردی توسعه آن». مدیریت ورزشی. ۸(۳۵)، صص ۸۲۳-۸۴۴.
- آصفی، احمدعلی و قنبرپور نصرتی، امیر. (۱۳۹۷). «مدل عوامل مؤثر در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران». پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۳۲(۸)، صص ۲۹-۴۶.
- آفرینش‌خاکی، اکبر؛ مظفری، سید امیر احمد و تندنویس، فریدون. (۱۳۸۴). «مقایسه دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی، مربیان، ورزشکاران و مدیران در مورد چگونگی توسعه ورزش همگانی». پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۱(۳)، صص ۱-۲۲.
- پورکیانی، محمد؛ حمیدی، مهرزاد؛ گودرزی، محمود و خبیری، محمد. (۱۳۹۶). «تحلیل اثرگذاری ورزش حرفه‌ای و قهرمانی بر توسعه ورزش». مطالعات مدیریت ورزشی. ۴۲(۹)، صص ۵۵-۷۲.
- تندنویس، فریدون و قاسمی، محمدهادی. (۱۳۸۶). «مقایسه دیدگاه ورزشکاران، مربیان، و صاحب‌نظران در مورد راهکارهای پیشرفت ورزش قهرمانی ژیمناستیک کشور». المپیک. ۴(۴۰)، صص ۱۷-۲۹.
- جلالی‌فراهانی، مجید و علیدوست قهفرخی، ابراهیم. (۱۳۹۲). «تحلیل موانع اقتصادی مؤثر بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۹(۱۰)، صص ۱۰۹-۱۲۸.
- جوادی‌پور، محمد؛ قویلد سرکندی، مژده و سمیع‌نیا، مونا. (۱۳۹۲). «ارائه چارچوب نظری و طراحی الگو برای توسعه ورزش همگانی در ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۲۱(۵)، صص ۱۲۷-۱۴۸.
- حسینی، تهمنه؛ حیدری‌نژاد، صدیقه و ازمشا، طاهره. (۱۳۹۷). «نقش انگیزه‌ها بر میزان مشارکت سالمندان در ورزش همگانی». پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۸(۱۶)، صص ۱۰۳-۱۱۱.
- حسینی، سیدشاهو؛ حمیدی، مهرزاد؛ رجبی، قربانیان، آسیه و سجادی، سید نصرالله. (۱۳۹۲). «شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای استعدادیابی در ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران و تنگناها و چالش‌های فراروی آن». مدیریت ورزشی. ۱۷، صص ۲۹-۵۴.
- حمزه‌لو، یوسف؛ معین‌فرد، محمدرضا و شوشی‌نسب، پروین. (۱۳۹۴). «اثرات توسعه ورزش بر فرآیند جهانی شدن ایران». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۲۸، صص ۳۹-۵۴.
- خسروی‌زاده، اسفندیار؛ الهی، علیرضا؛ بهرامی، علیرضا؛ حقدادی، عابد و نستوهی، تیم. (۱۳۹۶). «مشکلات

- مریسان زن (مطالعه موردی: هیئت‌های ورزشی اراک). پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۲۹(۷)، صص ۱-۱۲.
- رحیمی، امیرحسام؛ خیامیان، زهره؛ قهرمان تبریزی، کوروش و شریفیان، اسماعیل. (۱۳۹۶). «مقایسه عوامل مؤثر بر توسعه ورزش همگانی در خوابگاه‌های دانشجویی». پژوهش در ورزش تربیتی (دانشگاهی). ۱۳، صص ۱۷۵-۱۹۲.
- رضایی صوفی، مرتضی و شعبانی، عباس. (۱۳۹۶). «تحلیل ورزش قهرمانی کشور به روش (SWOT)». مدیریت و توسعه ورزش. ۱۰(۶)، صص ۸۷-۱۰۴.
- رضوی، سید محمد حسین؛ فیروزی، منصور و فرزانه، فرزانه. (۱۳۹۱). «بررسی موانع و چالش‌های توسعه شنا در ایران». پژوهش‌های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی. ۴، صص ۱-۱۲.
- رضوی، سید محمد حسین؛ نیازی، سید محمد و برومند دولتی، محمدرضا. (۱۳۹۳). «طراحی و تدوین راهبرد توسعه ورزش همگانی شهر مشهد با استفاده از دیدگاه علمی». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۱۳(۹ پیاپی)، صص ۴۹-۶۰.
- زردشتیان، شیرین؛ حسینی، مریم و کریمی، جواد. (۱۳۹۵). «بررسی نقش رسانه‌های جمعی در گرایش بانوان استان کرمانشاه به ورزش همگانی». مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی. ۱۴(۴)، صص ۱۳-۲۰.
- سلطان حسینی، محمد؛ سلیمی، مهدی؛ سلیمی، منصوره و لطفی، مجتبی. (۱۳۹۲). «اولویت‌بندی اثرات اجتماعی و اقتصادی اماکن ورزشی بر محیط شهری (مطالعه موردی: شهر یزد)». مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۱۶(۴)، صص ۶۵-۸۸.
- سلیمی، مهدی؛ سلطان حسینی، محمد و نادریان جهرمی، مسعود. (۱۳۹۴). «ارزیابی موانع توسعه بازاریابی ورزشی در ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۲۹، صص ۱۳-۳۶.
- سلیمی، مهدی؛ سلطان حسینی، محمد و نصرافهانی، داود. (۱۳۹۲). «اولویت‌بندی موانع توسعه حمایت مالی شرکت‌های خصوصی از ورزش قهرمانی بر اساس جمع‌بندی نتایج روش‌های MADM با استفاده از تکنیک ادغامی». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۲، صص ۱۴۹-۱۷۲.
- سوادی، مهدی؛ همتی‌نژاد، مهرعلی؛ قلی‌زاده، محمدحسن و گوهررستمی، حمیدرضا. (۱۳۹۶). «طراحی الگوی توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان». مدیریت و توسعه ورزش. ۱۱(۶)، صص ۸۷-۱۰۱.
- سواری، سعید؛ مهدی‌پور، عبدالرحمن و رنجبر، روح‌الله. (۱۳۹۴). «توصیف وضعیت ورزش همگانی استان خوزستان و تدوین راهبردهای توسعه آن». پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۲۱، صص ۸۳-۹۲.
- سیدباقری، سیدمهدی و شریفیان، اسماعیل. (۱۳۹۶). «شناسایی و اولویت‌بندی موانع حمایت مالی شرکت‌های خصوصی از ورزش قهرمانی». پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۷(۱۳)، صص ۵۵-۶۶.
- سیدعامری، میرحسن و بردی محمدآق، قربان. (۱۳۹۱). «تبیین راهکارهای جذب و افزایش مشارکت شهروندان در برنامه‌های ورزش همگانی و تفریحی (مطالعه موردی: ارومیه)». پژوهش‌های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی. ۲(۴)، صص ۲۳-۳۴.
- سیف‌پناهی شعبانی، جبار و خطیبی، امین. (۱۳۹۶). «تبیین و تحلیل عوامل مؤثر بر پیشرفت والیبال ایران در سطح قهرمانی». مدیریت و توسعه ورزش. ۱۱(۶)، صص ۱۷-۳۰.
- شعبانی، عباس؛ خواجه، فرزاد. (۱۳۹۵). «اولویت‌بندی عوامل اثرگذار بر توسعه ورزش همگانی و قهرمانی کشور». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۳۶، صص ۵۷-۶۸.
- شعبانی، عباس؛ غفوری، فرزاد و هنری، حبیب. (۱۳۹۳). «مطالعه سیاست‌ها و راهبردهای ورزش همگانی نظام

- جامع توسعه ورزش کشور». مطالعات مدیریت ورزشی. ۶(۲۷)، صص ۱۵-۳۰.
- شعبانی، عباس؛ رضایی صوفی، مرتضی و فراهانی، ابوالفضل. (۱۳۹۳). «مطالعه چالش‌های موجود در بخش‌های چهارگانه ورزش کشور (مطالعه دلفی)». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. ۴(۸)، صص ۶۵-۷۹.
- شعبانی، عباس؛ غفوری، فرزاد و هنری، حبیب. (۱۳۹۰). «بررسی چالش‌های ورزش همگانی در ایران». پژوهش در علوم ورزشی. ۱۰، صص ۱۳-۲۶.
- صادقیان، زهرا؛ حسینی، سیدعماد و فرزاد، فرزاد. (۱۳۹۳). «بررسی نقش رسانه‌های جمعی در گرایش مردم شهر همدان به ورزش همگانی». پژوهش‌نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۲۰، صص ۳۵-۴۴.
- صادقی پور، حمیدرضا؛ جهانیان، محبوبه و موسوی، سیده راضیه. (۱۳۹۴). «چالش‌ها و فرصت‌های فراروی ورزش بانوان استان بوشهر و راهکارهای توسعه آن». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۲۹، صص ۲۰۱-۱۴۲.
- عراقی، محسن و کاشف، میرمحمد. (۱۳۹۳). «چالش‌های پیش روی توسعه ورزش همگانی در ایران و راهبردهای آن». مدیریت ورزشی. ۴(۶)، صص ۶۳۴-۶۵۵.
- غفرانی، محسن؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، سیدنصرالله؛ فراهانی، مجید جلالی و مقرنسی، مهدی. (۱۳۸۸). «طراحی و تدوین راهبرد توسعه ورزش همگانی استان سیستان و بلوچستان». حرکت. ۳۹(۳)، صص ۱۳۱-۱۰۷.
- فیروزی، منصور؛ رضوی، محمدحسین و فرزاد، فرزاد. (۱۳۹۱). «بررسی چالش‌ها و مشکلات رشته‌های مدال آور دو و میدانی، قایقرانی و شنای ایران». مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۱۵، صص ۳۷-۶۶.
- کشاورز، لقمان؛ فراهانی، ابوالفضل؛ موسوی جهرمی، یگانه و فرازانی، فاتح. (۱۳۹۵). «ارائه مدلی از عوامل جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ورزش قهرمانی ایران». مدیریت و توسعه ورزش. ۹(۵)، صص ۱۹۵-۲۱۰.
- کلاته‌سیفیری، معصومه و فریدونی، مسعود. (۱۳۹۶). «بررسی مدل تأثیر ابعاد فعالیت‌های رسانه‌های جمعی بر گرایش به ورزش همگانی در شهر تهران». مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی. ۱۶(۴)، صص ۱۵-۲۲.
- محمدی، علی؛ کلاته‌سیفیری، معصومه؛ فرزاد، فرزاد و رضوی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۶). «طراحی الگوی پارادایمی ورزش دانشگاه فنی و حرفه‌ای بر اساس نظریه داده بنیاد». پژوهش در ورزش تربیتی. ۱۳(۵)، صص ۲۳۰-۲۱۵.
- منظمی، مریم؛ علم، شهرام و شتاب بوشهری، ناهید. (۱۳۹۰). «تعیین عوامل مؤثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران». مدیریت ورزشی. ۱۰، صص ۱۵۱-۱۶۸.
- نظری، وحید؛ رضوی، سید محمد حسین؛ حسینی، سید عماد و رئیس، مجتبی. (۱۳۹۳). «شناسایی تنگناها و موانع پیش روی والیبالی ساحلی ایران با استفاده از تحلیل سوات». پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۱۰(۲)، صص ۲۳-۳۴.
- نوفرستی، کیانوش؛ غفرانی، محسن و صابری، علی. (۱۳۹۶). «طراحی و تدوین استراتژی توسعه ورزش قهرمانی فوتبال استان سیستان و بلوچستان». مطالعات تربیت بدنی و علوم ورزشی. ۷(۲)، صص ۱۲۶-۱۴۰.
- هنری، حبیب؛ احمدی، سید عبدالحمید و مرادی، مهدی. (۱۳۹۱). «بررسی نقش چهارگانه رسانه‌های ورزشی در توسعه فرهنگ ورزش قهرمانی». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۵، صص ۱۴۵-۱۵۸.
- Brewis, J. & Wray-Bliss, E. (2008). "Researching ethics: Towards a more reflexive critical management study". Organization Studies, 29(12), 1521-1540.

- Brouwers, J., Sotiriadou, P., & De Bosscher, V. (2015). **“Sport-specific policies and factors that influence international success: The case of tennis”**. Sport Management Review, 18(3), 343-358.
- Cunliffe, Ann L. (2011). **“Crafting qualitative research: Morgan and smircich 30 years on”**. Organizational Research Methods, 14(4), 647-673.
- De Bosscher, V.; De Knop, P. Van Bottenburg, M., & Shibli, S. (2006). **“A conceptual framework for analysing sports policy factors leading to international sporting success”**. European sport management quarterly, 6(2): 185-215.
- Edwards, M. B., & Rowe, K. (2019). **“Managing sport for health: An introduction to the special issue”**. Sport Management Review, 22(1), 1-4.
- Johnson, R.B & Onwuegbuzie, A.J. (2004). **“Mixed methods research: A research paradigm whose time has come”**. Educational researcher, 33(7), 14-26.
- Saunders, M; Lewis, P. & Thornhill, A. (2016). **Research methods for business students**. (Fourth edition ed.): Pearson Education
- Schulenkorf, N., & Siefken, K. (2019). **“Managing sport-for-development and healthy lifestyles: The sport-for-health model”**. Sport Management Review, 22(1), 96-107.
- Tronvoll, B., Brown, S. W., Gremner, D. D., & Edvardsson, B. (2011). **“Paradigms in service research”**. Journal of Service Management, 22(5), 560-585.
- Truyens, J., De Bosscher, V., Heyndels, B., & Westerbeek, H. (2014). **“A resource-based perspective on countries’ competitive advantage in elite athletics”**. International journal of sport policy and politics, 6(3), 459-489.
- Van Deventer, J. P. (2009). **“Ethical considerations during human centred overt and covert research”**. Quality & Quantity, 43(1), 45-57.

مدل کیفی توسعه گردشگری ورزش‌های ماجراجویانه در استان خوزستان

مهدی زنده بودی^۱

سیده ناهید شتاب بوشهری^۲

امین خطیبی^۳

doi: 10.22034/SSYS.2022.481

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۸

پژوهش حاضر با هدف دستیابی به الگویی نظری در زمینه توسعه گردشگری ماجراجویانه در استان خوزستان اجرا شد. این تحقیق از لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی و با توجه به ماهیت، تحقیقی کیفی بود که برای جمع‌آوری اطلاعات از مرور ادبیات تحقیق و مصاحبه استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل اساتید رشته مدیریت ورزشی و اعضای هیئت علمی، مدیران سازمان‌های ورزشی مرتبط و صاحب‌نظران حوزه صنعت گردشگری ورزشی بودند که نمونه‌گیری از جامعه به روش هدفمند ارجاعی زنجیره‌ای یا گلوله برفی انجام شد و در نهایت تا دستیابی به اشباع نظری، تعداد ۱۶ مصاحبه مستقیم انجام شد. سپس داده‌های حاصل از مصاحبه به روش تئوری‌سازی داده‌بنیاد (روش سیستماتیک استراوس و کوربین و مدل پارادایمی) کدگذاری و تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج حاصله از تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها طی فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی و شناخت مولفه‌های مؤثر بیانگر این نکته است که توسعه گردشگری ماجراجویانه استان خوزستان مستلزم توجه به عوامل مختلف در سه سطح زمینه‌ای (مکانیزم‌های محیطی)، سازمانی (مکانیزم‌های مدیریتی) و مکانیزم‌های رفتاری می‌باشد.

واژگان کلیدی: صنعت گردشگری، ورزش‌های ماجراجویانه، توسعه گردشگری، استان خوزستان و گراند تئوری

۱. دانشجوی دکترای مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲. دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۳. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

امروزه، ورزش یکی از صنایع مهم و یکی از جذابیت‌های گردشگری است که در قیاس با سایر جاذبه‌ها، ظرفیت منحصر به فردی دارد که می‌تواند گردشگران زیادی را به خود جلب کند (تارلاو^۱، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، رشد پدیده شهرنشینی موجب جدایی انسان از طبیعت و محیط‌های بکر شده و به ناچار انسان برای گذران اوقات فراغت با رفتن به محیط طبیعی بدنبال فرصتی برای تجدید قواست. همچنین افرادی در جامعه به فعالیت مخاطره‌آمیز و هیجانی تمایل نشان می‌دهند که در قالب سفر به طبیعت می‌توانند این میل خود را ارضا نمایند. از این رو، شکل کاملاً متفاوتی از گردشگری به نام «گردشگری ماجراجویانه» پدید آمده است. فعالیت ماجراجویانه، خستگی و فقدان هیجان در زندگی را جبران می‌کند و با اینکه تا حدی همراه با ترس و خطر واقعی است، پیامدی شاد و ایمن دارد. این فعالیت‌ها گاهی در آب- در قعر اقیانوس یا در امواج خروشان رودها- گاهی به صورت فعالیت هوایی- با پرش از ارتفاع- و گاهی در خشکی- پیمایش قله مرتفع کوه‌ها، بیابان‌ها یا محیط سرسبز دامنه کوه و جنگل- انجام می‌شود (واجادینوویچ و همکاران^۲، ۲۰۱۳). فعالیت ماجراجویانه آبی^۳ ورزش‌هایی مانند غواصی، موج‌سواری، اسکی روی آب، کایاک‌سواری^۴، جت اسکی، فعالیت هوایی یا هوانوردی^۵ ورزش‌هایی مانند بالن‌سواری، اسکای دایوینگ^۶، پرواز با هواپیمای سبک، پارا گلایدینگ^۷، پاراسیلینگ^۸ و فعالیت زمینی^۹ ورزش‌هایی چون: اسکی سرعت در شیب تند، هلی اسکی^{۱۰}، صخره‌نوردی، پیاده‌روی طولانی و سقوط از ارتفاع و... را در برمی‌گیرد (قدیری معصوم و وثوقی، ۱۳۸۴). بر اساس این تنوع، کریستودولیدس^{۱۱} (۲۰۱۲) بیان می‌کند که دیگر ورزش‌های رقابتی بخش جذاب فعالیت ورزشی نیستند، بلکه ورزش‌های تفریحی، آمادگی جسمانی افراطی و ماجراجویانه گسترش یافته و به شکل جدید ورزش بدل شده‌اند (مجیدی، ۱۳۹۶). امروزه هر قدر جاذبه‌های گردشگری متنوع و جذاب‌تر باشند، گردشگر بیشتری را به خود جلب خواهند کرد (هندرسون^{۱۲}، ۲۰۱۱) و به واسطه همین جذابیت، اکنون گردشگری ماجراجویانه در دنیا از بخش‌های پیشروی گردشگری است و ورزشکاران ماجراجو به طور چشمگیری در سراسر جهان از محل زندگی خود سفر کرده و در پی مسیرهای ناشناخته‌اند (غفوری، ۱۳۹۷). ایران نیز با داشتن تقریباً همه نوع شرایط اقلیمی و طبیعی، ظرفیت مناسب تبدیل شدن به قطب گردشگری ماجراجویانه را دارد، اما این مهم نیاز به برنامه‌ریزی و توسعه دارد (یاسمی، ۱۳۹۳). علیرغم وضعیت مناسب کشور از لحاظ جاذبه‌های

1. Peter E. Tarlow
2. Vujadinovic et al.
3. Marine or Water based
4. Kayaking
5. Air- based or Aviation - related
6. Sky Diving
7. Para gliding
8. para sailing
9. Land based
10. Heli Skiing
11. Christodoulides
12. Henderson, J.

مختلف، سهم ایران از درآمد گردشگری ناچیز و نشان دهنده توجه کم به توسعه گردشگری است (نژادایرانی و همکاران، ۱۳۹۰). در حالی که به اعتقاد کرونیفسکی و ماریونسکی^۱ (۲۰۱۲) گردشگری برای کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای تک محصولی به طور بالقوه می تواند در توسعه اقتصادی، تأمین ارز و حل مشکلات نقش پررنگی ایفا کند (آقاجانی و روانستان، ۱۳۹۵) و هر جا که بیکاری شدید و منابع محدودی برای اشتغال وجود دارد، صنعت گردشگری می تواند مناسب ترین راه حل باشد. در عصر پسامدرنیسم، کشورهای در حال توسعه دیگر نگرش حراج مالی را برای به دست آوردن ارز دنبال نمی کنند و اگر نتوانند کالای صنعتی با کیفیتی صادر و سهم بالایی از تولید جهانی کسب کنند، راه حل آنها گسترش گردشگری است. اکنون صنعت ورزش ماجراجویانه، حوزه جالبی برای پژوهش است و سود آن برای ذینفعان بسیار شامل مشتریان، حامیان و سرمایه گذاران، ضرورت درک بیشتر این بخش را برجسته تر می سازد (کلت و راسل^۲، ۲۰۰۹). استان خوزستان به لحاظ برخورداری از ظرفیت های طبیعی مختلف، کوهستان، دشت، بیابان، رودخانه، دریاچه های متعدد پشت سد و دسترسی به خلیج فارس و نوار ساحلی، مستعد توسعه گردشگری ورزشی ماجراجویانه است. شرایط بالقوه این استان برای توسعه ورزش های ماجراجویانه مختلف و از طرفی عدم وجود برنامه خاص توسعه این شاخه از گردشگری و فقدان مطالعه کافی در این زمینه، این ضرورت را ایجاب می کند که با توجه به پتانسیل موجود، همه عوامل مؤثر در توسعه گردشگری ماجراجویانه استان مورد تحلیل قرار گیرد و با توجه به نتایج آن برای توسعه گردشگری ماجراجویانه، الگویی مناسب ارائه نماید.

ادبیات موجود، پیدایش ورزش ماجراجویانه را به تغییر نسل و دگرگونی در فناوری و جامعه ربط می دهد. توسعه تجهیزات به واسطه رشد فناوری و ایجاد شرایط برای تمرین در موقعیت امن تر باعث افزایش محبوبیت و ایجاد گونه های جدید فعالیت ماجراجویی شده است (نیمو و همکاران^۳، ۲۰۰۷). در مقالات مختلف گردشگری ماجراجویانه به دو بخش نرم و سخت تقسیم شده که ماجراجویی نرم دارای ریسک کمتر و هر فرد با سطح قابل قبولی از تناسب اندام قادر به انجام آن است و ماجراجویی سخت نیازمند تجربه و مهارت قبلی، سطح مشخصی از توان و میل به مواجهه با ریسک و شرایط غیر منتظره است (غفوری، ۱۳۹۷). عوامل مختلفی مربوط به مدیریت، محیط، تجهیزات، مشتری و حوادث پیش بینی نشده در بروز ریسک در فعالیت ماجراجویانه مؤثر است (بنت لی و همکاران^۴، ۲۰۰۷). در کشور ما نیز استانداردهایی برای الزامات مدیریت ایمنی و آگاهی بخشی به شرکت کنندگان گردشگری ماجراجویانه تدوین شده که شامل استاندارد ایزو ۲۱۱۰۱ در رابطه با نحوه مدیریت ایمنی دستگاه زیربند گردشگری ماجراجویانه؛ استاندارد شماره ۱۷۲۷۳ در خصوص حداقل صلاحیت های راهنمایان و استاندارد شماره ۱۹۰۳۰ که حداقل اطلاعات ایمنی را به شرکت کننده، پیش، هنگام و پس از فعالیت ماجراجویانه ارائه می دهد (استاندارد ملی ایران، گردشگری ماجراجویانه، ۱۳۹۳). در بین تحقیقات پیشین، غفوری (۱۳۹۷) تبلیغات و ارائه خدمات با کیفیت به گردشگران ماجراجویانه،

1. Korunovski, S., Marinovski, N.

2. Kellett, P. & Russell, R.

3. Nimmo, L. et al.

4. Tim A. Bentley et al.

جذب سرمایه‌گذار، تقویت زیرساخت، یکدلی جمعی بین سیاست‌گذاران، فعالان گردشگری و افراد بومی و غیربومی و برنامه‌ریزی صحیح را از عوامل جذب گردشگر ماجراجویانه به کشور می‌داند. آزادی (۱۳۹۶) با تأکید بر نقش بازاریابی حسی، مؤلفه‌های تبلیغاتی مؤثر بر جذب مخاطب ورزش ماجراجویانه را به ترتیب مفهوم تجربه زنده ورزش ماجراجویانه، ایجاد تمایز با نمایش لذت و هیجان ورزش ماجراجویانه، استفاده از شبیه‌ساز و ابزارهای واقعیت مجازی، ایجاد شبکه اختصاصی، کلیپ و بازی ماجراجویانه، بازاریابی توصیه‌ای، تبلیغ در شبکه مجازی و رسانه دانسته است. گنجی‌ایمچه (۱۳۹۶) نیز کمبود امکانات و زیرساخت‌ها را مانع مهم تبدیل شهرستان‌های اردبیل به قطب گردشگری ماجراجویانه می‌داند. در تحلیل فرصت‌های گردشگری ماجراجویانه منطقه گرندکچ^۱ در آلبرتا^۲ کانادا (۲۰۰۱) نیز راهبردهایی شامل توسعه تولید، مدیریت منابع، مشارکت اجتماعی و توسعه بازار گردشگری ماجراجویانه آمده است (مجیدی و محرم‌زاده، ۱۳۹۵). صفاری و شریفی‌فر (۱۳۹۴) توجه به عناصر آمیخته بازاریابی و تبلیغات را در جذب مشتری این نوع گردشگری مؤثر دانسته‌اند و بر ارتقای کیفیت خدمات متناسب با استاندارد جهانی تأکید کردند. مطالعه کاظمی (۱۳۹۴) بین ایجاد تجهیزات و امکانات، خدمات گردشگری و توسعه ورزش ماجراجویانه بانجی جامپینگ در منطقه توچال رابطه معناداری را نشان داد. یاسمی (۱۳۹۳) نیز به کمبود مسابقات ورزشی ماجراجویانه، نبود حامیان و بیمه و تأمین امنیت، لزوم مشارکت و رقابت سالم بین ارگان‌های اثرگذار، رفع موانع سرمایه‌گذاری، حمل و نقل، جامعه محلی آموزش دیده، ساخت مسیر سایت‌های گردشگری و مدیریت درست زیرساخت‌ها و حفظ محیط زیست اشاره دارد. خاکساری و دهقانی (۱۳۹۳) نیز برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از فرصت‌ها را در رونق گردشگری ماجراجویانه کوپرنوردی مؤثر دانسته‌اند و معین‌فرد و همکاران (۱۳۹۳) بر تعامل آگاهانه و سازنده میان سازمان‌های مختلف ذینفع در توسعه گردشگری ورزشی تأکید نموده‌اند. آنان کاربرد اینترنت را به عنوان یکی از مهمترین تغییرات فناورانه برای توسعه گردشگری ورزشی مؤثر دانسته و بیان کرده‌اند این فناوری در تمام زنجیره توزیع خدمات گردشگری ورزشی تغییر شگرفی ایجاد کرده است. به نقل از آنان در راستای پرورش متخصصان گردشگری ورزشی، آمایز^۳ (۲۰۱۱) در تحقیق خود به اهمیت برنامه‌ریزی و پرورش نیروهای متخصص جهت مدیریت سازمان‌های مرتبط با گردشگری اشاره می‌کند. سوارت و باب^۴ (۲۰۰۷) نیز یکی از موضوعات کلیدی توسعه گردشگری ورزشی را آموزش، تعلیم و توسعه مهارت‌ها دانسته‌اند و کارلیس^۵ (۲۰۰۶) نیز توسعه آینده گردشگری ورزشی کانادا را به طور ویژه وابسته به پرورش متخصصان تحصیلکرده و جوان قلمداد کرده است. انجمن تجاری سفرهای ماجراجویانه (ATDI، ۲۰۱۱) براساس شاخص‌هایی شامل سیاست‌گذاری دولت و هماهنگی بخش خصوصی و عمومی، ایمنی و شفافیت بالا و هشدارهای سفری پایین سلامت، خدمات بهداشتی، کارآفرینی و شاخص آزادی اقتصاد، کار و تجارت، آزادی

1. Grande Cache

2. Alberta

3. Amaize

4. Swart, K. & Bob, U.

5. Karlis, G.

سرمایه‌گذاری، آزادی کاری و مالیاتی، بشردوستی، زیرساخت سخت‌گردشگری ماجراجویانه اعم از جاده، فرودگاه، امکانات سکونت و زیرساخت نرم مانند نقشه مسیرها، بستر فرهنگی، برنامه آموزشی، غرفه‌های سازگار با محیط زیست و تصویر یک کشور در صنعت ماجراجویی، کشورهای جهان را در دو دسته توسعه یافته و در حال توسعه رده‌بندی کرد. براساس این شاخص‌ها، ایران از بین ۱۶۳ کشور در حال توسعه رتبه ۸۶ را کسب کرد. هرچند کشورها از لحاظ منابع ماجراجویی اغلب هم سطح بودند، اما نتایج نشان می‌داد سیاست‌گذاری و زیرساخت‌ها به ویژه بین ایران و بقیه متفاوت است. بنابراین تبلیغات، تسهیلات و سیاست‌ها سهم عمده‌ای در جذب گردشگر دارند. غفوری و همکاران (۱۳۹۲) نیز مهمترین عامل توسعه گردشگری ورزش‌های آبی در شهرهای ساحلی مازندران را تبلیغات و بازاریابی و بعد از آن عامل مدیریت دانستند و تحقیق صالح‌آبادی (۱۳۹۲) بین امکانات و خدمات گردشگری و توسعه ورزش پاراگلایدر روابطی معنادار را نشان داد. مطالعه رهنمایی و همکاران (۱۳۹۲) نیز توسعه گردشگری ماجراجویانه در محدوده غار آویشو را وابسته به توسعه مناسب مسیر دسترسی، ایجاد اقامتگاه، استقرار راهنما، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری و رفع محدودیت جهت جذب گردشگر بین‌المللی می‌داند. قدیری معصوم و وثوقی (۱۳۸۴) نیز راهکارهایی چون: شناسایی سایت‌های مناسب، ایجاد زیرساخت لازم با رویکرد توسعه پایدار، ایجاد فدراسیون گردشگری ورزش‌های ماجراجویانه، سرمایه‌گذاری و برگزاری مسابقات بین‌المللی را پیشنهاد داده‌اند. در گزارشی دیگر، انجمن تجاری سفرهای ماجراجویانه در سال ۲۰۱۸ عواملی مانند ایجاد تصویر و بازاریابی مقصد، کارآفرینی، ایمنی، منابع فرهنگی، زیرساخت‌ها، منابع طبیعی، بهداشت، آموزش، سیاست‌های توسعه پایدار و زیست‌محیطی و منابع و استعداد فعالیت‌های ماجراجویانه را به عنوان شاخص‌های توسعه گردشگری ماجراجویانه تعیین کرد. براساس مطالعه گیدی^۱ (۲۰۱۷)، گردشگری ماجراجویانه یکی از مهمترین عوامل توسعه اقتصاد محلی شهرهای کوچک در آفریقای جنوبی شده و برای توسعه پایدار لازم است به راهبردهای بازاریابی و مدیریت گردشگری ماجراجویانه توجه شود. همچنین آلوز و همکاران^۲ (۲۰۱۷) اشاره می‌کنند که سود اقتصادی و اجتماعی حاصله از پهنه هر هکتار از مقاصد گردشگری ساحلی جنوب غرب اسپانیا در یک فصل بیشتر از متوسط سالانه هزینه صرف شده در کل پروژه‌های مدیریت ساحلی است. مطالعه ژان هامرتون^۳ (۲۰۱۷)، نشان می‌دهد راهبردهای مدیریتی برای حفاظت پایدار محیطی و توسعه صنعت غواصی اسکوبا در پارک‌های دریایی اسپانیا مفید است و در صنعت گردشگری دریایی، مدیریت زیست محیطی سایت‌ها ضروری است. کارنیرو و همکاران^۴ (۲۰۱۶) نیز طیف وسیعی از شیوه‌های مدیریت توسعه پایدار و استفاده از توانمندی بومی و محصولات تجدیدپذیر را برای مدیران گردشگری بیان کردند و تحقیق گیدی و وب^۵ (۲۰۱۶) حاکی از اثر فزاینده محیط طبیعی بر رفتار و انگیزه گردشگران ماجراجویانه است و وضعیت محیطی در جذب و بازگشت مجدد آنان به مقصدی خاص

1. Giddy, J. K.

2. Alves et al.

3. Zan Hammerton

4. Maria João Carneiro et al.

5. Giddy, J. K. & Webb, N. L.

نقشی مهم دارد. همچنین بررسی انگیزه گردشگران ماجراجو توسط ساتو و همکاران^۱ (۲۰۱۶) نشان داد افراد حرفه‌ای بیشتر به قصد هیجان و افراد وابسته به خانواده، به قصد تفریح به گردشگری ماجراجویانه می‌پرداختند. از این رو، بازاریابان گردشگری ماجراجویانه باید بدانند کلید بازاریابی موفق، هم به رضایت افراد با انگیزه تفریحی و هم به ارائه همزمان تجربیاتی فوق‌العاده برای افراد با انگیزه هیجانی وابسته است. نیراجان^۲ (۲۰۱۶) نیز چالش‌های توسعه گردشگری ماجراجویانه و اهمیت راهبرد مناسب بازاریابی را در نپال ارزیابی کرد و بر توسعه زیرساخت‌ها، ایمنی و مدیریت ریسک تأکید نمود. مطالعه راکنز و همکاران^۳ (۲۰۱۵) به نقش راهنمایی در ارزش‌گذاری به مشتری و تجربه مثبت در فعالیت‌های ماجراجویی دوچرخه کوهستان و اسکی بازی اشاره کرده و مبتنی بر اهمیت دانش راهنمایان در مورد فعالیت، منطقه و مدیریت ایمنی است که تجاربی سرگرم‌کننده را با حداقل خطر برای شرکت‌کنندگان فراهم می‌کند. باکلی و همکاران^۴ (۲۰۱۴) نیز در طراحی مدل توسعه گردشگری ماجراجویانه با تأکید بر ورزش قایقرانی آب‌های خروشان به تأثیر مؤلفه‌های رضایت مشتری، تفاوت‌های فرهنگی و تکالیف ایمنی، تأکید کردند. همچنین مطالعه مای‌تینن و پاجاری^۵ (۲۰۱۴) بر کارآفرینی و توسعه شرکت گردشگری ماجراجویانه تأکید دارد و نیاز به یک کارآفرین که سرمایه و شجاعت داشته باشد تا قیمت‌های مناسب در این صنعت فراهم کند را از چالش‌های صنعت گردشگری ماجراجویانه دانسته است. بررسی تحقیقات گذشته نشان می‌دهد هرکدام بر جزئی از عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری به‌طور عام و گردشگری ماجراجویانه به‌طور خاص اشاره داشته‌اند. از این رو، با نگاه به بستر جغرافیایی و ظرفیت‌های طبیعی مرتبط با فعالیت‌های ورزشی ماجراجویانه در استان خوزستان، این تحقیق در صدد پاسخگویی به این پرسش است: چه عوامل و مؤلفه‌های مؤثری را می‌توان در قالب الگویی جامع‌نگر، برای توسعه گردشگری ورزش‌های ماجراجویانه استان خوزستان مورد توجه قرار داد؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش کاربردی با رویکردی کیفی صورت گرفت و برای جمع‌آوری اطلاعات از مرور ادبیات تحقیق و مصاحبه استفاده شد. داده‌های حاصل از مصاحبه به روش گراند تئوری (روش سیستماتیک استراوس و کوربین) کدگذاری و تجزیه و تحلیل شدند. پرداختن به جنبه‌های نهفته یک پدیده در حوزه علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری، نیازمند کاربرد روشی کیفی در پژوهش است. تئوری‌سازی داده-بنیاد به‌طور استقرایی یک سلسله رویه سیستماتیک را به کار می‌برد تا الگویی نظری درباره پدیده مورد مطالعه ایجاد کند (استراوس و کوربین^۶، ۲۰۰۸). با توجه به کیفی بودن مطالعه، از روش نمونه‌گیری هدفدار ارجاعی زنجیره‌ای یا گلوله برفی و مصاحبه مستقیم با اساتید مدیریت ورزشی، مدیران و خبرگان حوزه گردشگری ورزشی استفاده شد. معیار توقف نمونه‌برداری، رسیدن به اشباع نظری بود که در نهایت با تعداد ۱۶ مصاحبه، نمونه‌گیری متوقف

1. S. Sato, et al.
2. Nirajan, B.
3. Rokenes, A. et al.
4. Buckley, R. et al.
5. Miettinen, K. & Pajari, M.
6. Strauss, A. & Corbin, J.

شد. برای تعیین موثق بودن داده‌ها از دو روش بازکدگذاری (پایایی بازآزمون) توسط پژوهشگر دیگر و روش بازبینی مصاحبه‌شوندگان استفاده شد. در روش بازکدگذاری، سه مصاحبه در اختیار محقق دیگری قرار گرفت و از این طریق میزان توافق کدگذاری، درجه ثبات و توافق مطلوب حاصل شد. همچنین برای تأییدپذیری از روش بازبینی مصاحبه‌شوندگان استفاده شد. کدگذاری‌ها در اختیار سه نفر مصاحبه‌شونده قرار گرفت و نظرات آنان اعمال و در نهایت مدل کلی تحقیق تأیید شد. در این پژوهش از مصاحبه ۱۰ به بعد تعداد کدهای جدید بتدریج کاهش یافت؛ به طوری که از مصاحبه ۱۳ به بعد کم متفاوتی یافت نشد. برای اطمینان از جامعیت و اعتبار پژوهش، فرایند گردآوری داده‌ها تا ۱۶ مصاحبه ادامه یافت. سپس داده‌ها کدگذاری و تحلیل و از نتیجه گروه‌بندی کدها، مؤلفه‌ها و ابعاد شناسایی و طبقه‌بندی شدند.

یافته‌های پژوهش

نمونه‌ای از کدگذاری داده‌های خام حاصل از مصاحبه‌ها و استخراج مفاهیم و مقولات در جدول ۱ نشان داده شده است"

جدول ۱: نمونه‌ای از کدگذاری باز و واقعی

کد مصاحبه	داده‌های خام (برچسب زنی اولیه)	(مفاهیم مستخرج)	(مقولات مستخرج)
AR13	باید برای توسعه هر یک از رشته‌های ورزشی ماجراجویانه که استعداد توسعه آن در استان خوزستان وجود دارد، برنامه درازمدت تهیه شود.	توسعه راهبردی رشته‌ها	برنامه‌ریزی راهبردی
CR4	مسئولان باید به توسعه گردشگری ماجراجویانه در استان نگاه مثبت و اهداف درازمدتی داشته باشند.	تفکر راهبردی در مدیران	
BR8	باید باشگاه‌های ورزشی تخصصی در رشته‌های ورزشی ماجراجویانه در استان افزایش یابد.	تأسیس باشگاه‌های تخصصی	توسعه سازمانی
AR22	هیئت ورزشی مختص ورزش‌های ماجراجویانه باید در استان وجود داشته باشد و انجمن تخصصی هر رشته زیر نظر این هیئت فعالیت کنند.	تأسیس هیئت ورزشی	
ER3	مسابقات و جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی در رشته‌های ورزشی ماجراجویانه در استان برگزار شود.	توسعه رویدادها	
BR11	برای معرفی رشته‌های ورزشی ماجراجویانه مستعد در استان تبلیغ و اطلاع‌رسانی شود.	تبلیغات	بازاریابی راهبردی
AR27	سازمان‌های ذیربط باید برنامه مناسبی جهت بازاریابی اینگونه رشته‌ها در استان داشته باشند.	عملیات بازاریابی	
FR3	شناخت علایق و انگیزه‌های مختلف متقاضیان این فعالیت‌ها می‌تواند جهت ارائه خدمات بهتر گردشگری ماجراجویانه مفید باشند.	نیازسنجی مشتریان	
DR5	برای بازاریابی و جذب مشتری بهتر باید امکانات و تورهای ارزان قیمتی فراهم کرد.	ارائه خدمات ارزان	
GR3	برای جذب مشتری بهتر تلاش‌ها بر جاذبه‌های خاص و منحصرنفر گردشگری ماجراجویانه استان متمرکز شود.	توسعه تصویر و برند	

از آنجا که فرایند تحقیق کیفی ماهیتی غیر خطی دارد، با انجام مکرر فرایند کدگذاری ها و به صورت نمونه کدگذاری ارائه شده در جدول ۱ مفاهیم، مقوله‌های فرعی و اصلی مدل مشخص شدند.

نتایج تجزیه و تحلیل کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها که با روش تئوری‌سازی داده بنیاد انجام شده، در سه مقوله یا طبقه اصلی تعریف شد که با عنوان مکانیزم‌ها یا عوامل مدیریتی، عوامل محیطی یا زمینه‌ای و عوامل رفتاری یا محتوایی در جداول ۲، ۳ و ۴ بیان شده‌اند:

جدول ۲: مؤلفه‌های مدیریتی توسعه گردشگری ماجراجویانه استان خوزستان

ابعاد (طبقات اصلی)	مؤلفه‌ها (مقولات)	مفهوم (کدهای مفهومی)	داده (کدهای ثانویه)
توسعه گردشگری ماجراجویانه	برنامه‌ریزی راهبردی	توسعه راهبردی رشته‌ها	تدوین برنامه‌های دراز مدت در زمینه توسعه هریک از ورزش‌های ماجراجویانه
		تفکر راهبردی در مدیران	ارتقای نگاه راهبردی مدیران و مسئولان نسبت به توسعه گردشگری ماجراجویانه
	توسعه سازمانی	تأسیس باشگاه‌های تخصصی	راه اندازی باشگاه‌های ورزشی تخصصی در رشته‌های ورزشی ماجراجویانه
		تأسیس هیئت ورزشی	ایجاد هیئت‌های ورزشی و فعالسازی انجمن‌های تخصصی ورزش‌های ماجراجویانه
		توسعه رویدادها	برگزاری مسابقات و جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی ورزش‌های ماجراجویانه
	بازاریابی راهبردی	تبلیغات	اتخاذ برنامه‌های تبلیغاتی و ترویجی در زمینه فعالیت‌های ورزشی ماجراجویانه
		عملیات بازاریابی	اتخاذ سیاست‌ها و انجام فعالیت‌های بازاریابی مناسب در زمینه گردشگری ماجراجویانه
		نیازسنجی مشتریان	شناخت نیازهای انگیزشی شرکت‌کنندگان و مشتریان گردشگری ماجراجویانه
		خدمات ارزان	ارزان بودن امکانات و تجهیزات و تدارک توره‌های ارزان ورزش‌های ماجراجویانه
		توسعه برند	توسعه تصویر و برند گردشگری ماجراجویانه استان خوزستان
	مشارکت بین سازمانی	هماهنگی بین سازمانی	لزوم همکاری و هماهنگی بین سازمان‌های مرتبط با حوزه گردشگری ماجراجویانه
		تصمیم‌گیری مشارکتی	مشارکت همه ذینفعان در برنامه‌ریزی‌ها و اتخاذ تصمیم
		تعامل با نهادهای امنیتی	بهرگیری از توانمندی نهادهای امنیتی در ایجاد امنیت
		مشارکت افراد محلی	استفاده از افراد محلی در ارائه خدمات مختلف در حوزه گردشگری ماجراجویانه
	نظارت و کنترل	نظارت مستمر	کنترل و نظارت مداوم کارشناسان حوزه گردشگری ماجراجویانه بر ارائه خدمات
		نظارت بر بازار	نظارت بر قیمت نسبی کالا و خدمات مرتبط با فعالیت‌های ورزشی ماجراجویانه
	کارآفرینی	حمایت از تولید	حمایت از تولیدکنندگان داخلی تجهیزات و وسایل ورزش‌های ماجراجویانه
		طرح‌های خلاقانه	حمایت از طرح‌های خلاقانه در زمینه گردشگری ماجراجویانه
		حمایت بخش خصوصی	حمایت از بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در گردشگری ماجراجویانه
	مدیریت سرمایه‌گذاری	سرمایه‌گذاری خارجی	بهره‌گیری و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه گردشگری ماجراجویانه
		تسهیل سرمایه‌گذاری	مقررات و قوانین تسهیل‌کننده در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
	مدیریت ریسک	پیشگیری از حوادث	سیاست‌های پیشگیری از حادثه و برقراری امنیت محیطی منطقه گردشگری ماجراجویانه
		مدیریت بحران	مدیریت مناسب در مواقع بحرانی و خطر و شرایط دشوار

بر اساس جدول ۲، با روش گراند تئوری تعداد ۸ مؤلفه به عنوان عوامل مدیریتی مؤثر بر توسعه گردشگری ماجراجویانه استان خوزستان شناسایی شد. این مؤلفه‌ها شامل برنامه‌ریزی راهبردی، توسعه سازمانی، بازاریابی راهبردی، مشارکت بین‌سازمانی، نظارت و کنترل، کارآفرینی، مدیریت سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک در حوزه گردشگری ماجراجویانه هستند.

جدول ۳: مؤلفه‌های محیطی (زمینه‌ای) در توسعه گردشگری ماجراجویانه استان خوزستان

ابعاد (طبقات اصلی)	مؤلفه‌ها (مقولات)	مفهوم (کدهای مفهومی)	داده (کدهای ثانویه)
محیطی (زمینه‌ای)	توسعه زیرساخت عمومی	توسعه شبکه حمل و نقل	گسترش حمل و نقل و راه ارتباطی مناسب در مناطق گردشگری ماجراجویانه
		خدمات زیربنایی	شبکه آب، برق، تلفن و خدمات پایه در مناطق گردشگری ماجراجویانه
	توسعه زیرساخت اختصاصی	مکان‌گزینی مناسب	انتخاب مکان مناسب به منظور طراحی سایت‌های گردشگری ماجراجویانه
		تجهیز سایت‌های فعالیت	تجهیز و به روز رسانی سایت‌های موجود گردشگری ورزش‌های ماجراجویانه
	ایمنی و امنیت	استانداردسازی	فراهم نمودن امکانات و تجهیزات استاندارد و ایمن
		دسترسی ایمن	ایمنی جاده‌ها و مسیرهای دسترسی مناسب به مناطق گردشگری ماجراجویانه
		ایمنی در آموزش	کاربرد شبیه‌ساز و ابزارهای واقعیت مجازی در آموزش ورزش‌های ماجراجویانه
	خدمات مسافرتی	افزایش آژانس گردشگری	افزایش تدارک‌دهندگان و آژانس‌های مسافرتی در زمینه گردشگری ماجراجویانه
		تسهیل در صدور روادید	اتخاذ تسهیلات مناسب در زمینه صدور روادید و گذرنامه گردشگران خارجی
	خدمات رفاهی	وجود مراکز تهیه غذا	امکانات رفاهی مانند رستوران، کافی‌شاپ، اغذیه‌فروشی و... در منطقه گردشگری
		سرویس‌های بهداشتی	استقرار امکانات بهداشتی از قبیل دستشویی، حمام و... در منطقه گردشگری
		مراکز خرید	وجود فروشگاه خرید عمومی و خرید تجهیزات تخصصی ورزش‌های ماجراجویانه
	خدمات بهداشت و درمان	ملاحظات پزشکی	خدمات پزشکی، معاینات، واکسیناسیون و داروهای پیشگیری‌کننده به مشتریان
		مراکز بهداشتی	استقرار مراکز بهداشتی و درمانی در مناطق انجام ورزش‌های ماجراجویانه
		خدمات بیمه	ارائه خدمات مناسب بیمه‌ای به شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های ماجراجویانه
	خدمات راهنمایی	دفترچه‌های راهنما	تهیه گشت‌نامه‌ها و بروشورهای اطلاع‌رسانی برای مشتریان
		راهنمایان محلی	بهره‌گیری از افراد مطلع محلی برای ارائه خدمات راهنمایی به مشتریان
		راهنمایان حرفه‌ای	بهره‌گیری از راهنمایان آگاه و خدمات راهنمایی حرفه‌ای به مشتریان
	امداد رسانی	خدمات امداد و نجات	استقرار مراکز امداد رسانی و کمک‌های اولیه
		خدمات اورژانس	استقرار مراکز اورژانس و کمک‌های اضطراری در مناطق گردشگری ماجراجویانه
	خدمات اسکان	تسهیلات اسکان موقتی	وجود کمپ‌ها و مراکز اسکان صحرایی در منطقه گردشگری ماجراجویانه
		تسهیلات اسکان ثابت	وجود هتل‌ها، خوابگاه‌ها و مراکز اقامتی مجهز در منطقه گردشگری ماجراجویانه
	فناوری	فناوری نو	کاربرد فناوری‌های نو در گردشگری ماجراجویانه و تجهیزات ورزش ماجراجویانه
		نوآوری در رشته‌ها	نوآوری و فرصت‌سازی در رشته‌های ورزشی ماجراجویانه
	ملاحظات زیست محیطی	بهره‌برداری اصولی	محدودیت تعداد بازدیدکننده در مناطق حفاظت‌شده برای کاهش ردپای انسان
		حفظ اقلیم بکر منطقه	ملاحظات حفاظت از تنوع اقلیمی و جغرافیای منطقه گردشگری ماجراجویانه
		طبیعت پاک	ممنوعیت روشن کردن آتش، استفاده از مواد آلوده‌کننده و مخرب محیط زیست
		ارتقای چشم‌انداز طبیعی	توجه به زیبا سازی محیطی مناطق گردشگری ماجراجویانه
		کاربرد انرژی پاک	کاربرد منابع انرژی طبیعی و تجدیدپذیر در سایت‌های گردشگری ماجراجویانه
	ملاحظات هواشناسی	توجه به تغییرات فصلی	بررسی وضعیت و تغییرات آب و هوایی منطقه در فصول مختلف سال
		اطلاعات هواشناسی	دریافت مستمر گزارش هواشناسی درباره متغیرهای هواشناسی در طول شبانه روز

طبق جدول ۳، با استفاده از روش تنوری‌سازی داده- بنیاد، تعداد ۱۲ مؤلفه به عنوان عوامل محیطی موثر بر توسعه گردشگری ماجراجویانه استان خوزستان مشخص شد. این مؤلفه‌ها شامل توسعه زیرساخت عمومی، توسعه زیرساخت اختصاصی، ایمنی و امنیت، توسعه خدمات مسافرتی، رفاهی، بهداشت و درمان، راهنمایی، امدادرسانی و اسکان، توسعه فناوری، ملاحظات زیست محیطی و ملاحظات هواشناسی است.

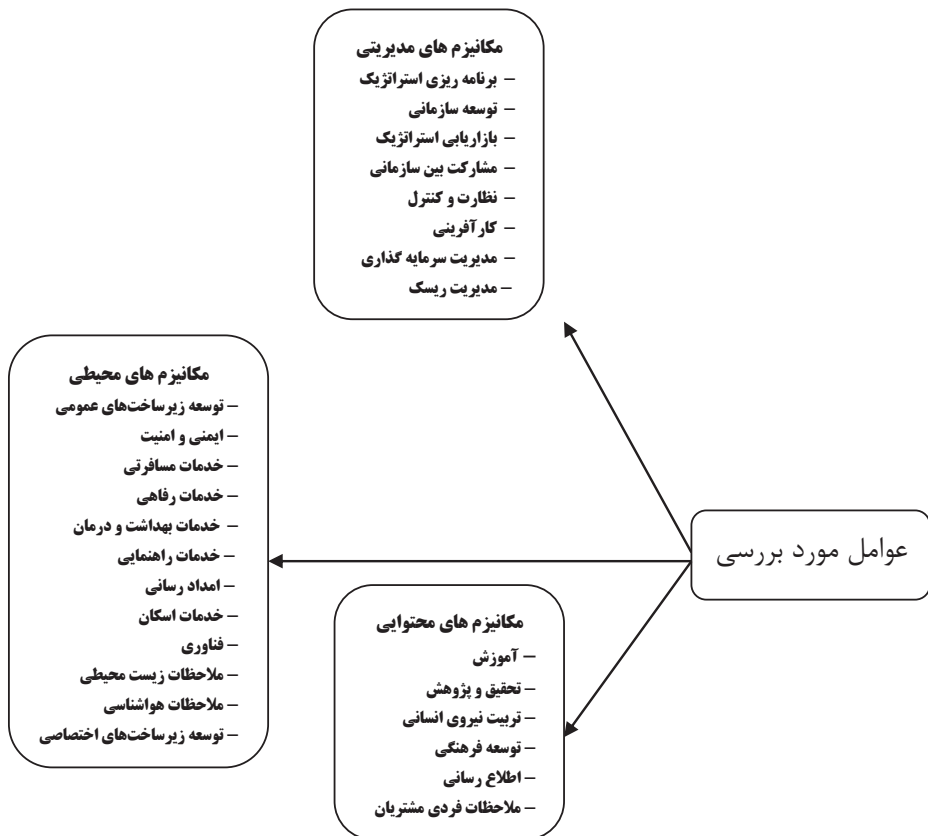
جدول ۴: مؤلفه‌های محتوایی در توسعه گردشگری ماجراجویانه استان خوزستان

ابعاد (طبقات اصلی)	مؤلفه‌ها (مقولات)	مفهوم (کدهای مفهومی)	داده (کدهای ثانویه)
توسعه گردشگری (محتوایی)	آموزش	آموزش مستمر پرسنل	اجرای برنامه‌های آموزشی ویژه کارکنان و مجریان گردشگری ماجراجویانه
		آموزش افراد محلی	آموزش افراد محلی در زمینه ارائه خدمات در حوزه گردشگری ماجراجویانه
		آموزش مشتریان	ایجاد مراکز آموزشی مناسب شرکت کنندگان مبتدی در فعالیت ورزشی ماجراجویانه
	تحقیق و پژوهش	انجام طرح پژوهشی	حمایت از طرح‌های پژوهشی در حوزه گردشگری ماجراجویانه
		مراکز R&D	ایجاد مراکز تحقیقاتی در زمینه ارتقای مستمر حوزه گردشگری ماجراجویانه
		انتشارات تخصصی	چاپ کتب و نشریات تخصصی محلی در رابطه با معرفی گردشگری ماجراجویانه
	تربیت نیروی انسانی	تربیت مربی	برگزاری دوره‌های تخصصی ویژه مربیگری ورزش‌های ماجراجویانه
		تربیت مدیران	اجرای دوره‌های تخصصی ویژه مدیران باشگاه‌ها و آژانس‌های گردشگری ماجراجویانه
		تربیت پرسنل	برگزاری دوره تخصصی تربیت پرسنل حوزه گردشگری ماجراجویانه
	توسعه فرهنگی	سازگاری فرهنگی	تعدیل و سازگاری با تعصبات مذهبی و فرهنگی
		بسترسازی فرهنگی	آگاهی بخشی نسبت به ماهیت فرهنگی ورزش‌های ماجراجویانه در مناطق فعالیت
		ارتقاء فرهنگ گردشگری	ارتقای ظرفیت فرهنگی پذیرش گردشگر ورزش‌های ماجراجویانه
	اطلاع رسانی	سایت‌های اینترنتی	راه اندازی سایت اطلاع‌رسانی و اینترنتی جهت معرفی رشته‌های ورزشی ماجراجویانه
		رسانه	بهره‌گیری از توانمندی رسانه‌ای در معرفی و گسترش گردشگری ماجراجویانه
		مرکز اطلاع رسانی	استقرار مرکز اطلاع‌رسانی مناسب در مناطق گردشگری ماجراجویانه
		آگاهی از آداب محلی	شناساندن مناسب آداب و رسوم مناطق گردشگری ماجراجویانه
	ملاحظات فردی مشتریان	توجه به افراد خاص	مناسب‌سازی امکانات و فضا جهت استفاده افراد با نیازهای خاص
		توجه به تفاوت‌های فردی	ارائه اطلاعات در خصوص تناسب فعالیت‌های ماجراجویانه برای افراد خاص از لحاظ جنسیت، سن، توانایی جسمانی و روانی

با توجه به جدول ۴ و با تکیه بر روش گراندد تنوری، تعداد ۶ مؤلفه به عنوان عوامل یا مکانیزم رفتاری مؤثر در توسعه گردشگری ماجراجویانه استان خوزستان شناسایی شد. این عوامل شامل توسعه آموزش، تحقیق و پژوهش، تربیت نیروی انسانی، توسعه فرهنگی و اطلاع‌رسانی و توجه به ملاحظات فردی مشتریان در حوزه گردشگری ماجراجویانه است.

از آنجا که در مدیریت، هر پدیده را می‌توان برحسب سه دسته عوامل ساختاری و یا مدیریتی^۱، زمینه‌ای یا

محیطی^۱ و محتوایی^۲ تجزیه و تحلیل کرد، در این مطالعه نیز به عنوان چارچوبی پایه، از الگوی سه شاخگی (3c) جهت تحلیل و گروه‌بندی مؤلفه‌ها و ابعاد توسعه گردشگری ماجراجویانه استان خوزستان استفاده شد. براساس این الگو ارتباط بین عوامل محتوایی، ساختاری و یا سازمانی و زمینه‌ای یا محیطی بگونه‌ای است که هیچ پدیده یا رویداد سازمانی نمی‌تواند خارج از تعامل این سه شاخه صورت گیرد (میرزایی اهرنجانی و امیری، ۱۳۷۷).



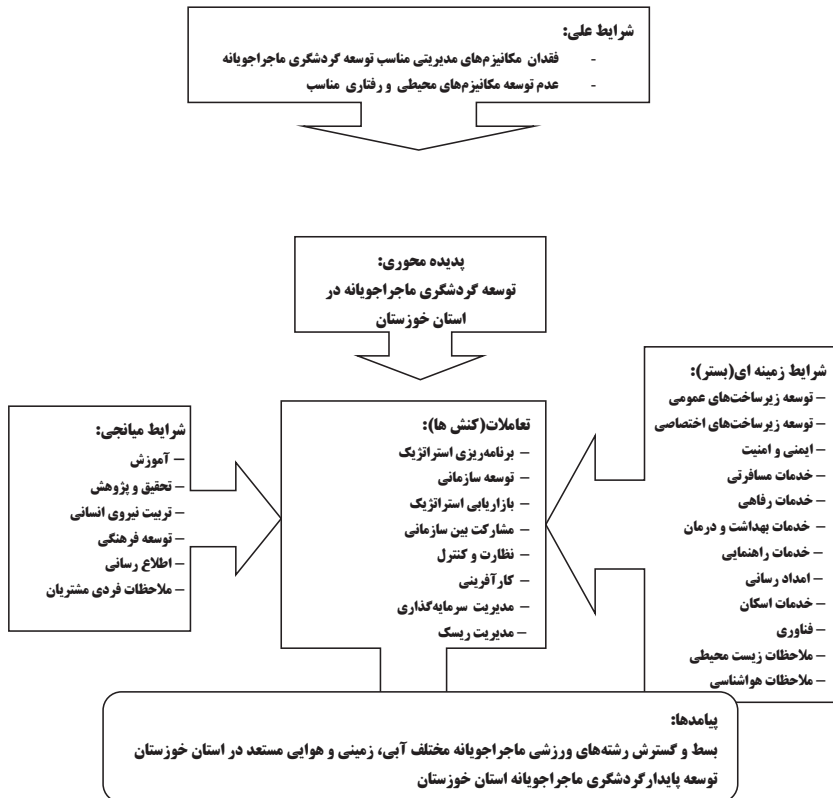
شکل ۱: چارچوب مدل سه شاخگی (۳c) توسعه گردشگری ماجراجویانه استان خوزستان

در نظریه‌سازی داده-بنیاد، هدف از مرحله کدگذاری محوری، تعیین رابطه بین مقوله‌ها و طبقات ایجاد شده در مرحله کدگذاری باز است. این عمل بر اساس مدل پارادایم صورت می‌گیرد و کمک می‌کند تا فرایند نظریه‌پردازی به سادگی انجام شود. در کدگذاری محوری، با شناسایی پدیده محوری، شرایط علی تشریح و

1. Context

2. Content

تعاملات (راهبردها) مشخص می‌شوند. همچنین شرایط میانجی و بستر شناسایی و نتایج تعاملات برای این پدیده معین می‌شود (کندال، ۱۹۹۹). شکل ۲ بیانگر مدل پارادایم و کدگذاری محوری این پژوهش است:



شکل ۲: کدگذاری محوری و مدل پارادایمی (الگوی نظری پژوهش)

بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی ابعاد پارادایم کدگذاری، دیده می‌شود که توسعه گردشگری ماجراجویانه در استان خوزستان به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شده است؛ از آن منظر که ردپای آن به نحوی در بخش‌های مختلف وجود دارد و با نقشی محوری، دیگر مؤلفه‌ها را حول خود جمع می‌کند. براساس مدل پارادایم، شرایط علی مجموعه‌ای از شرایط است که بر مقوله محوری اثرگذارند که در این پژوهش، فقدان مکانیزم‌های مدیریتی، بستر محیطی و رفتاری مناسب، به عنوان عوامل علی بر عدم تحقق پدیده محوری و توسعه گردشگری ورزشی ماجراجویانه در استان خوزستان مؤثرند. کنش‌ها نیز اقدامات هدف‌مندی هستند که راه‌حل‌هایی را برای تحقق پدیده مورد نظر فراهم می‌سازند و منجر به پیامدها می‌شوند. براساس یافته‌ها، مکانیزم‌های مدیریتی شامل مؤلفه‌هایی چون: تدوین برنامه راهبردی، توسعه سازمانی، برنامه جامع بازاریابی، مشارکت بین سازمانی،

نظارت و کنترل، مدیریت کارآفرینی و سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک، به عنوان کنش‌های موثری به شمار می‌آیند که منتج به پیامدها در جهت توسعه گردشگری ورزش‌های ماجراجویانه خواهند شد. این اقدامات نیز خود تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر یا میانجی است که مجموعه‌ای از متغیرهای واسط و تسهیل‌گرند که در این پژوهش مؤلفه‌هایی چون: توسعه آموزش و پژوهش، تربیت نیروی انسانی، بسترسازی فرهنگی، آگاهی بخشی عمومی و ملاحظه فردی مشتریان به عنوان عوامل میانجی تعریف شده‌اند. بستر و شرایط زمینه‌ای حاکم، عوامل خاص مؤثر بر راهبرد یا کنش‌ها هستند که در این پژوهش عواملی مانند توسعه زیرساخت عمومی و اختصاصی، توسعه ایمنی و خدمات مسافرتی، رفاهی و بهداشت، خدمات راهنمایی، امداد رسانی و اسکان، توسعه فناوری و ملاحظات زیست محیطی و هواشناسی به عنوان مکانیزم‌های محیطی، اثربخشی راهبردهای مدیریتی را متأثر می‌سازند. براساس مدل پارادایم، پیامدها، نتایجی‌اند که در نهایت به دنبال راهبردها و کنش‌ها حاصل می‌شوند که بسط و گسترش رشته‌های ورزشی ماجراجویانه مستعد در استان خوزستان و توسعه پایدار گردشگری ماجراجویانه، از جمله نتایجی است که تحقق آن مورد انتظار است.

۲۰۵

براساس گراندد تئوری، عوامل مدیریتی مؤثر بر توسعه گردشگری ماجراجویانه استان خوزستان شامل برنامه‌ریزی راهبردی، توسعه سازمانی، بازاریابی راهبردی، مشارکت بین‌سازمانی، نظارت، کارآفرینی، مدیریت سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک است. تدوین برنامه راهبردی، لزوم برنامه درازمدت توسعه هر یک از رشته‌های ورزشی ماجراجویی و نیز بهبود تفکر راهبردی در مدیران را می‌طلبد؛ چنان‌که خاکساری و دهقانی (۱۳۹۳) و ژان هامرتون (۲۰۱۷) نیز بر برنامه‌ریزی جامع و راهبردهای مدیریتی تأکید داشته و غفوری و همکاران (۱۳۹۲) عامل مدیریت را مهمترین عامل مؤثر در توسعه گردشگری ورزشی دانسته‌اند. توسعه سازمانی بر تأسیس باشگاه‌ها، هیئت، انجمن‌ها و برگزاری مسابقات و رویدادهای داخلی و بین‌المللی ورزش‌های ماجراجویانه اشاره دارد؛ به طوری که قدیری و وثوقی (۱۳۸۴) نیز به راه‌اندازی فدراسیون و برگزاری مسابقات بین‌المللی ماجراجویانه و یاسمی (۱۳۹۳) به کمبود مسابقات ورزشی ماجراجویانه اشاره داشته‌اند. بازاریابی راهبردی نیز در بردارنده سلسله اقداماتی چون: اتخاذ برنامه تبلیغی و عملیات بازاریابی مناسب، شناخت نیاز انگیزشی مشتریان، امکانات و تورهای ارزان قیمت و توسعه برند گردشگری ماجراجویانه استان است. صفاری و شریفی‌فر (۱۳۹۴) و غفوری (۱۳۹۷) نیز بر عناصر آمیخته بازاریابی، تبلیغات و ارائه خدمات با کیفیت و آزادی (۱۳۹۶) بر اهمیت نقش بازاریابی حسی تأکید کرده‌اند. مطالعات آلوز و همکاران (۲۰۱۷)، نیراجان (۲۰۱۶) و گیدی (۲۰۱۷) نیز راهبردهای مناسب بازاریابی را از شروط توسعه پایدار گردشگری ماجراجویانه دانسته‌اند و گزارش ATDI در سال ۲۰۱۸ هم تصویر و بازاریابی مقصد را به عنوان شاخص توسعه گردشگری ماجراجویانه بیان می‌کند. در مطالعه حاضر، مشارکت بین‌سازمانی مبین تقویت هماهنگی بین سازمان‌ها و مشارکت همه ذینفعان، تعامل با نهادهای امنیتی و بهره‌جستن از افراد محلی در ارائه خدمات گردشگری ماجراجویانه است. معین‌فرد و همکاران (۱۳۹۳) و یاسمی (۱۳۹۳) نیز مشارکت عمومی و تعامل سازنده بین بخش‌های ذینفع را لازم دانسته و در مطالعه منطقه گرندکچ کانادا مشارکت اجتماعی به عنوان یک راهبرد توسعه گردشگری ماجراجویانه آمده و غفوری (۱۳۹۷) یکدلی جمعی را در جذب گردشگر ماجراجویانه

موثر قلمداد کرده است. در مطالعه حاضر، نظارت و کنترل نیز مستلزم ارزیابی مستمر و نظارت بر بازار و قیمت کالا و خدمات است. کارآفرینی حمایت از تولید و نوآوری را می‌طلبد و مدیریت سرمایه‌گذاری مستلزم حمایت و تسهیل سرمایه‌گذاری در حوزه گردشگری ماجراجویانه است. از این منظر، مطالعه مای‌تینن و پاجاری (۲۰۱۴)، ضمن تأکید بر کارآفرینی به لزوم قیمت‌گذاری مناسب در این صنعت اشاره دارد. تحقیق منطقه‌گرن‌دکچ کانادا، بر راهبرد توسعه تولید و گزارش ATDI در سال ۲۰۱۱ بر کارآفرینی تأکید دارند. قدیری و وثوقی (۱۳۸۴)، غفوری (۱۳۹۷) و یاسمی (۱۳۹۳) نیز به جذب سرمایه‌گذار و کلت و راسل (۲۰۰۹) به نقش حامی مالی در صنعت ورزش ماجراجویانه اشاره کرده‌اند. در تحقیق حاضر، مدیریت ریسک بر پیشگیری از حوادث، امنیت و مدیریت بحران متمرکز است. در این راستا بنت‌لی و همکاران (۲۰۰۷) نیز بر توجه به عوامل مدیریت محیط، تجهیزات و حوادث پیش‌بینی نشده و نیراجان (۲۰۱۶) بر ایمنی و مدیریت ریسک تأکید کرده و تدوین استانداردهای ایزو ۲۱۱۰؛ استاندارد ۱۷۲۷۳ و استاندارد ۱۹۰۳۰ همه مبنای لزوم توجه به مدیریت ایمنی گردشگری ماجراجویانه در کشور ماست. از این رو، سهم مؤلفه‌های مدیریتی در توسعه گردشگری ماجراجویانه آن چنان که در تحقیقات گذشته آمده و همان گونه که در الگوی پارادایم مطالعه حاضر در قالب مؤلفه‌هایی چون: برنامه‌ریزی راهبردی، توسعه‌سازمانی، بازاریابی، مشارکت، نظارت، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک تعریف شده‌اند، بیانگر اهمیت مکانیزم‌های مدیریتی و جایگاه ارتباطی آن با سایر مؤلفه‌ها در سوق دادن و هدایت تمامی فعالیت‌ها به سمت پیامدهای مطلوب در توسعه گردشگری ماجراجویانه است.

در مطالعه حاضر، عوامل محیطی موثر بر توسعه گردشگری ماجراجویانه استان خوزستان شامل توسعه زیرساخت عمومی و اختصاصی، ایمنی و امنیت، خدمات مسافرتی، رفاهی، بهداشت و درمان، خدمات راهنمایی، امداد رسانی، اسکان، توسعه فناوری، ملاحظات زیست محیطی و هواشناسی است. توسعه زیرساخت عمومی دربردارنده گسترش حمل و نقل، راه و خدمات زیربنایی است و توسعه زیرساخت اختصاصی بر مکان‌گزینی مناسب و تجهیز سایت‌های گردشگری ماجراجویانه تأکید دارد. همراستا با این نتایج، گنجی‌ایمچه (۱۳۹۶) کمبود امکانات و زیرساخت را مانع ایجاد قطب گردشگری ماجراجویانه دانسته و نیراجان (۲۰۱۶) نیز بر توسعه زیرساخت‌ها تأکید کرده و گزارش ATDI در سال ۲۰۱۱، جاده، فرودگاه، سکونت‌گاه و مسیر پیاده‌روی را از زیرساخت‌های سخت لازمه گردشگری ماجراجویانه می‌داند. قدیری معصوم و وثوقی (۱۳۸۴) به مکان‌گزینی مناسب سایت‌ها و ایجاد زیرساخت با رویکرد توسعه پایدار و کاظمی (۱۳۹۴) و صالح‌آبادی (۱۳۹۲) به رابطه معنادار بین امکانات و خدمات گردشگری و توسعه ورزش ماجراجویانه اشاره می‌کنند. در این پژوهش، ملاحظات ایمنی و به‌طورکلی ضرورت امکانات و تجهیزات استاندارد، ایمنی مسیرها و کاربرد شبیه‌سازها در آموزش مشتریان مبتدی را گوشزد می‌شود. گزارش ATDI در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۸ نیز ایمنی و شفافیت بالا و هشدارهای سفری پایین سلامت را به عنوان شاخص توسعه گردشگری ماجراجویانه مطرح می‌کنند و نیمو و همکاران (۲۰۰۷) شرایط امن تمرین را عامل افزایش محبوبیت ورزش ماجراجویانه می‌دانند. توسعه خدمات مسافرتی نیز مستلزم افزایش آژانس‌ها و تسهیلات در صدور روایید

است و توسعه خدمات رفاهی، وجود رستوران، امکانات بهداشتی، فروشگاه خرید عمومی و خرید تجهیزات تخصصی ورزش ماجراجویانه را در منطقه می‌طلبد. همچنین معاینات و واکسیناسیون، تأمین دارو و استقرار مراکز درمانی، خدمات بیمه همه در حیطه توسعه بهداشت و درمان قرار دارند. گزارش ATDI سال ۲۰۱۸ نیز بر شاخص سلامتی و بهداشت و مطالعه یاسمی (۱۳۹۳) بر خدمات بیمه در توسعه پایدار گردشگری ماجراجویانه اشاره دارد. خدمات راهنمایی نیز مستلزم تهیه گشت‌نامه، بروشور اطلاع‌رسانی، افراد مطلع محلی و راهنمایان حرفه‌ای است. در این راستا راکنز و همکاران (۲۰۱۵)، دانش راهنمایان و مهارت‌های سازمانی آنان را مهم دانسته‌اند و به عقیده رهنمایی و همکاران (۱۳۹۲) حضور راهنما لازمه توسعه گردشگری ماجراجویانه است. توسعه خدمات امداد رسانی هم نیازمند استقرار مراکز امداد و نجات، اورژانس و هلال احمر و ارائه کمک‌های اضطراری در مناطق گردشگری ماجراجویانه و توسعه خدمات اسکان نیز مستلزم ایجاد هردو کمپ و مراکز اسکان صحرائی و هتل‌ها و مراکز اقامتی مجهز در منطقه است؛ چنان‌که در شاخص‌های توسعه در گزارش ATDI در سال ۲۰۱۱ نیز بر این بخش تأکید شده است. بنا به یافته‌های تحقیق حاضر، توسعه فناوری با کاربرد فناوری‌های نو در تجهیزات و همچنین ایجاد نوآوری در انواع رشته‌های ورزشی ماجراجویانه محقق خواهد شد. همخوان با این نتایج، معین فرد و همکاران (۱۳۹۳) به اهمیت فناوری مهم اینترنت در توسعه گردشگری ورزشی اشاره می‌کنند. همچنین اتخاذ محدودیت تعداد بازدیدکننده در مناطق حفاظت شده، حفظ تنوع اقلیمی و جغرافیای منطقه، ممنوعیت روشن کردن آتش و استفاده از مواد مخرب محیط زیست، توجه به چشم‌انداز محیطی و کاربرد منابع انرژی تجدیدپذیر، همگی فعالیت‌هایی هستند که در راستای ملاحظات زیست محیطی باید مورد توجه قرار گیرند. همراسا با این یافته‌ها، یاسمی (۱۳۹۳)، کارنیر و همکاران (۲۰۱۶) و ژان هامرتون (۲۰۱۷) نیز بر حفظ محیط زیست و مدیریت پایدار تأکید دارند. از این رو، آنچه از تحقیق حاضر و پژوهش‌های گذشته برمی‌آید، تحقق پیامدهای مطلوب در توسعه گردشگری ورزش‌های ماجراجویانه در استان خوزستان نیازمند توجه به ارتباط این مقوله محوری با عوامل زمینه‌ای و بستری مؤثر است. بنابراین توجه به توسعه زیرساخت عمومی و اختصاصی، ایمنی و امنیت، خدمات مسافرتی، رفاهی و بهداشت، خدمات راهنمایی، امداد، اسکان، فناوری و ملاحظات زیست محیطی و هواشناسی از الزامات این مهم است. عوامل دیگر مؤثر بر توسعه گردشگری ماجراجویانه استان خوزستان شامل توسعه آموزش، پژوهش، تربیت نیروی انسانی، توسعه فرهنگی، اطلاع‌رسانی و توجه به تفاوت فردی مشتریان هستند. توسعه آموزش با آموزش مجریان و نیز افراد محلی و همچنین ایجاد مراکز آموزش مناسب شرکت‌کنندگان مبتدی در فعالیت ماجراجویانه امکان‌پذیر است و توسعه پژوهش در گرو حمایت از طرح‌های پژوهشی، ایجاد مراکز R&D و چاپ کتب و نشریات تخصصی در حوزه گردشگری ماجراجویانه است و تربیت نیروی انسانی مستلزم برگزاری دوره‌های مربیگری، دوره‌های تخصصی ویژه پرسنل و مدیران باشگاه‌ها و آژانس‌های گردشگری ماجراجویانه است. در این راستا تحقیقات کارلیس (۲۰۰۶)، سوارت و باب (۲۰۰۷) و مایز (۲۰۱۱) نیز بر اهمیت آموزش و تربیت متخصصان در توسعه گردشگری ورزشی تأکید دارند. براساس یافته‌های تحقیق، سازگاری با تعصبات مذهبی و فرهنگی، آگاهی از ماهیت فرهنگی ورزش ماجراجویانه و ارتقای فرهنگ گردشگری همگی

شاخص‌های توسعه فرهنگی و ملزومات اصلاح رفتاری در حوزه گردشگری ماجراجویانه خواهند بود. باکلی و همکاران (۲۰۱۴) در طراحی مدل توسعه گردشگری ماجراجویانه به در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی اشاره کرده‌اند و گزارش ATDI در سال ۲۰۱۱ بر توسعه بستر فرهنگی تأکید دارد. توسعه اطلاع‌رسانی نیز مستلزم راه‌اندازی سایت اینترنتی، بهره‌گیری از رسانه، مرکز اطلاع‌رسانی مناسب و آگاهی از آداب و رسوم محلی است. در این راستا معین فرد و همکاران (۱۳۹۳) به بهره‌گیری از اینترنت و ارائه اطلاعات اشاره کرده‌اند. توجه به نیاز و گرایش رفتاری مشتری نیز از ملزومات توسعه گردشگری ماجراجویانه است که در این راستا باید به تناسب امکانات با علائق خاص و ارائه اطلاعات در زمینه تناسب فعالیت ماجراجویی با افراد متفاوت از لحاظ جنس، سن و توانایی جسمی و روانی توجه کرد؛ چنان‌که گیدی و وب (۲۰۱۶) و باکلی و همکاران (۲۰۱۴) نیز بر اهمیت شناخت تفاوت‌های انگیزشی و مؤلفه رضایت مشتری تأکید کرده و ساتو و همکاران (۲۰۱۶) توجه به نیازهای فردی را کلید بازاریابی موفق گردشگری ماجراجویانه دانسته‌اند. بنابراین تحلیل این یافته‌ها و نتایج تحقیق حاضر بیانگر این است که عدم توجه به نقش مداخله‌گر مؤلفه‌های رفتاری و توسعه این عوامل، بر تحقق پیامدهای مطلوب در توسعه گردشگری ورزش‌های ماجراجویانه استان خوزستان اثری بازدارنده دارد و از سویی اهتمام بر توسعه آموزش، پژوهش، منابع انسانی، فرهنگ، آگاهی‌بخشی و توجه به روحیات مشتری، شرایط رفتاری مطلوبی را فراهم می‌سازد که شتاب‌دهنده فرایند توسعه گردشگری ورزش‌های ماجراجویانه در استان خوزستان خواهند بود.

در نتیجه‌گیری نهایی باید گفت که کاربرد روش گراند تئوری در ترسیم الگوی کیفی توسعه گردشگری ورزش‌های ماجراجویانه استان خوزستان و بهره‌گیری توأمان از مدل سه شاخگی به منظور تضمین بررسی جامع و شمولیت همه عوامل اثرگذار بر توسعه گردشگری ماجراجویانه، توانست ضمن شناسایی و موشکافی همه مؤلفه‌ها، ابعاد سه‌گانه مدیریتی، محیطی و رفتاری مؤثر بر توسعه گردشگری ماجراجویانه استان خوزستان و همه عوامل مرتبط را به وضوح برای مدیران و مسئولان برنامه‌ریز و اجرایی در حوزه گردشگری استان خوزستان مشخص نماید تا بتوانند با بهره‌برداری از این نتایج در مسیر توسعه این شاخه از گردشگری ورزشی در استان خوزستان گام‌های موثرتری بردارند.

منابع

- آزادی، رویا. (۱۳۹۶). «شناسایی مؤلفه‌های تبلیغاتی مؤثر بر جذب مخاطبان ورزش‌های ماجراجویانه بر مبنای بازاریابی حسی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی، گرایش مدیریت بازاریابی ورزشی، دانشگاه کردستان.
- آقاجانی، حسنعلی؛ روانستان، کاظم و یحیی تبار، فاطمه. (۱۳۹۵). «سنجش و اولویت‌بندی ظرفیت انواع حوزه‌های گردشگری (شاهدتجربی: استان‌های مازندران، گیلان و گلستان)». مطالعات هتلداری و میزبانی. صص ۱۳۵-۱۵۴.
- خاکساری، علی و دهقانی، معصومه. (۱۳۹۳). «ظرفیت گردشگری ماجراجویانه در کویرهای ایران با استفاده از تکنیک (SWOT)». فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری. سال ۹، ش ۲۷، صص ۱-۲۲.
- رهنمایی، محمدتقی؛ رمضان‌گورابی، بهمن و رضوی ضیابری، سحرالسادات. (۱۳۹۲). «معرفی و شناخت قابلیت‌های محیطی گردشگری غار آویشو ماسال گیلان». فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر). دوره ۲۲، ش ۸۵، صص ۹۷-۱۰۹.
- سازمان ملی استاندارد ایران. (۱۳۹۳). «گردشگری ماجراجویانه؛ ارائه اطلاعات به شرکت‌کنندگان». کمیسیون فنی تدوین استاندارد، استاندارد ملی ایران ۱۹۰۳۰، چاپ اول.
- صادقی‌پور، سیما و جانی، حلیمه. (۱۳۹۴). «بررسی راهکارهای توسعه گردشگری ماجراجویانه در شهرستان رودبار با تأکید بر غار». دانشگاه آزاد اسلامی رشت. سامانه بانک اطلاعات پایان‌نامه‌ها.
- صالح‌آبادی، مونس. (۱۳۹۲). «بررسی نقش ورزش‌های ماجراجویانه در جذب توریست در استان تهران: (مطالعه موردی: ورزش پاراگلایدر)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا، گرایش برنامه‌ریزی توریسم.
- صفاری، الهام و شریفی‌فر، فریده. (۱۳۹۴). «اولویت‌بندی شاخص‌های تأثیرگذار بر بازاریابی گردشگری ماجراجویانه در رفتینگ، مدل آمیخته‌لپی». نهمین همایش بین‌المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی. ۱۹ و ۲۰ اسفند ۹۴، تهران.
- غفوری، فرزاد؛ هنرور، افشار و نعمت‌پور، رفیع. (۱۳۹۲). «عوامل مؤثر در توسعه گردشگری ورزش‌های آبی در شهرهای ساحلی مازندران». دو فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش. ش ۲ (پیاپی ۳)، صص ۱۹-۳۰.
- غفوری، محمد مهدی. (۱۳۹۷). «گردشگری ماجراجویانه، ظرفیت‌ها و حساسیت‌های عملیاتی». www.safar.me/tourism-adventure
- قدیری معصوم، مجتبی و وثوقی، لیلا. (۱۳۸۴). «گردشگری ماجراجویانه». فصلنامه مطالعات جهانگردی. ش ۸، صص ۴۱-۵۸.
- کاظمی، سیده‌الهام. (۱۳۹۴). «بررسی نقش گردشگری در جذب گردشگر با تأکید بر ورزش‌های ماجراجویانه بانجی جامپینگ (مطالعه موردی: استان تهران-توچال)». نخستین کنفرانس بین‌المللی گردشگری، جغرافیا و باستان‌شناسی. تهران، مرکز همایش‌های توسعه ایران. www.civilica.com/Paper-ITUR01
- گنجی‌ایمجه، محسن. (۱۳۹۶). «امکان‌سنجی ایجاد قطب گردشگری ماجراجویانه در استان اردبیل». پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی، گرایش مدیریت راهبردی در سازمان‌های ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- مجیدی، چالاک و محرم‌زاده، مهرداد. (۱۳۹۵). «راهبرد توسعه ورزش‌های ماجراجویانه در شهر سنندج با استفاده از تحلیل (SWOT)». دو فصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. سال ۶، ش ۱۲ (پیاپی ۲۸)،

صص ۲۷-۴۴.

- مجیدی، چالاک. (۱۳۹۶). «مدل مشارکت در فعالیت‌های ورزشی ماجراجویانه». رساله دکترا، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی.
- معین‌فرد، محمدرضا؛ شوشی‌نسب، پروین و کاظم‌نژاد، انوشیروان. (۱۳۹۳). «راهبردهای توسعه گردشگری ورزشی تفریحی در ایران». دو فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش. ش ۲ (پیاپی ۵)، صص ۱۷-۱.
- نژادایرانی، فرهاد؛ علوی‌متین، یعقوب و اشرف‌پور، عظیمه. (۱۳۹۰). «بررسی موانع توسعه صنعت گردشگری در استان آذربایجان شرقی و ارائه راهکارهای مناسب». فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی. سال ۷، ش ۲۸.
- یاسمی، شاهین. (۱۳۹۳). «پرواز هیجان در گردشگری ماجراجویانه». مجله شهروند. سال ۲، ش ۳۷۳.
- Alves, B., Ballester, R., Rigall-I-Torrent, R., Ferreira, Ó., Benavente, J. (2017). **“How feasible is coastal management? A social benefit analysis of a coastal destination in SW Spain”**. Tourism Management. Vol. 60, June 2017, 188-200.
- ATDI. (2011). **Adventure Tourism Development Index (ATDI) 2011 report**. The George Washington University. Washington Dc. https://cdn.adventuretravel.biz/wp-content/uploads/2012/11/atdi_2011_report.pdf.
- ATDI. (2018). **Adventure Tourism Development Index (ATDI) 2018 report**. The George Washington University. Washington Dc.
- Bentley, Tim A; Page, Stephen J. (2007). **“A decade of injury monitoring in the New Zealand adventure tourism sector: A summary risk analysis”**. Tourism Management, Vol 29, Issue 5, October 2008, pp 857-869.
- Buckley, R. (2007). **“Adventure tourism products: Price, duration, size, skill, remoteness”**. Tourism Management 28, pp.1428-1433.
- Buckley Ralf., Mc Donald Kristen., Lian Duan., Lin Sun., Lan Xue Chen. (2014). **“Chinese model for mass adventure tourism”**. Tourism Management, 44 (2014) 5-13.
- Giddy, J. K., & Webb, N. L., (2016). **“The influence of the environment on adventure tourism: from motivations to experiences”**. Current Issues in Tourism, 21 Oct 2016.
- Giddy, J. K. (2017). **“A profile of commercial adventure tourism participants in South Africa”**. Anatolia, An International Journal of Tourism and Hospitality Research, 17 Aug 2017.
- Henderson, J. (2011). **“Tourism development and politics in the Philippines, Tourismos: An International Multi-disciplinary”**. Journal of Tourism, 6(2):159-173.
- Kellett, P. & Russell, R. (2009). **“A comparison between mainstream and action sports industries in Australia: A case study of the skateboarding cluster”**. Sport Management Review, 12, pp.66-78.
- Kendall, J. (1999). **“Axial Coding and Grounded Theory”**. Western Journal of Nursing Research. Vol. 21, No 6, pp. 743-757.

- Maria, João Carneiro, Zélia, Breda. Catarina, Cordeiro. (2016). **“Sports tourism development and destination sustainability: the case of the coastal area of the Aveiro region, Portugal”**. Journal of Sport & Tourism. Vol 20, 15 Aug 2016 - Issue 3-4; 305-334.
- Miettinen, K. and Pajari, M. (2014). **“Adventure tourism in Vaasa region: Demand for a new business”**. Vaasan ammattikorkeakoulu. University of applied sciences. Business Economics and tourism 2014.
- Nimmo, L. Stewart, J. McNamara, J. & Leaversuch, P. (2007). **“Research into Status of Challenge/Extreme Sport and Activities in Western Australia”**. Royal Life Saving Society (WA Branch), Perth, Western Australia.
- Nirajan, B. (2016). **“Marketing of Adventure Tourism Destination in Nepal”**. Tampere University of Applied Sciences, Bachelor's Thesis, November 2016, Degree Program in Tourism.
- Peter Tarlow, E. (2017). **Sports as a Tourism Attraction**. Sports Travel Security. Chapter 3. 51-75.
- Rokenes, A., Schumann, S., & Rose, J. (2015). **“The Art of Guiding in Nature-Based Adventure Tourism – How Guides Can Create Client Value and Positive Experiences on Mountain Bike and Backcountry Ski Tours”**. Scandinavian Journal of Hospitality and Tourism, 15:sup1, 62-82.
- S. Sato., H. Kim., Ra. J. Buning., M. Harad. (2016). **“Adventure tourism motivation and destination loyalty: A comparison of decision and non-decision makers”**. Journal of Destination Marketing & Management(2016), <http://dx.doi.org/10.1016/j.jdmm.2016.12.003>.
- Strauss, A., & Corbin, J. (2008). **Basics of qualitative research**. Translated by Mohammadi, Biok, Tehran: Human Science & Cultural Studies Center Publication (in Persian).
- Vujadinovic, S., Sabic, D., Joksimovic, M., Golic, R., Gajic, M., Zivkovik, L., Milincic, M. (2013). **“Possibility for mountain-based adventure tourism: the case of Serbia. Bulletin of Geography”**. Socio-economic Series, (19). 99-111.
- Wang, Po-Yu & Wang, Sheng-Hsiung. (2017). **“Motivations of adventure recreation pioneers – a study of Taiwanese white-water kayaking pioneers”**. Annals of Leisure, Research, DOI: 10.1080/11745398.2017.1338142.
- Zan, Hammerton. (2017). **“Determining the variables that influence SCUBA diving impacts in eastern Australian marine parks”**. Ocean & Coastal Management. Vol 142, 209-217.



ارزیابی عملکرد هیئت های ورزشی بر اساس مدل تلفیقی MEA-BSC با داده های منفی

خاطره کرمی^۱

مهدی سلیمی^۲

محمد سلطان حسینی^۳

doi 10.22034/SSYS.2022.482

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۳/۲۹

مطالعه حاضر به ارزیابی عملکرد هیئت های ورزشی بر اساس مدل تلفیقی BSC-MEA با داده های منفی پرداخته است. محدوده مطالعاتی، هیئت های ورزشی فعال استان اصفهان در سال ۱۳۹۷ بوده است که بر اساس فرمول $DMUs \geq 3 \times (input + output)$ ، تعداد ۱۲ هیئت ورزشی به عنوان نمونه مشخص گردید. برای تعیین شاخص ها، مصاحبه هایی با خبرگان انجام شد که ۱۹ شاخص کلی تدوین گردید و در قالب پرسشنامه ای در دو بخش به ۲۰ نفر از کارشناسان حوزه پژوهش ارائه شد. در بخش اول، شاخص ها در چهار منظر کارت امتیازی متوازن تعیین گردید و در بخش دوم که با طیف پنج مقیاسی فازی طراحی گردیده بود، میزان اهمیت هر شاخص به دست آمد. شاخص هایی که در مناظر رشد و یادگیری و فرآیندهای داخلی تعیین گردیده بودند، به عنوان ورودی مدل (توانمندسازها) و شاخص های تعیین شده در مناظر مشتری و مالی به عنوان خروجی مدل (نتایج) در نظر گرفته شدند. روایی ابزار، بر اساس تطابق با مدل لاوشه انجام شد. در مدل MEA-BSC هیئت های دو و میدانی، تکواندو و کاراته بر اساس کارایی بالاترین رتبه را دارند. بنابراین مدل MEA-BSC می تواند در ارزیابی عملکرد و رتبه بندی هیئت های ورزشی بسیار کارا و مفید باشد.

واژگان کلیدی: ارزیابی عملکرد، کارت امتیازی متوازن، هیئت های ورزشی و تحلیل کارایی چند جهتی

۱. دکترای مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲. دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه

روند توسعه با تکامل خواسته ها، نیازها، علایق و آمال بشر همراه می باشد. اگرچه مدیریت در طول زمان ایفا کننده نقش ها و مأموریت های مختلف بوده است، اما در دوره معاصر، کارکرد آن بسیار گسترده شده و انتظارات از آن به طور مداوم رو به افزایش می باشد. تعیین جایگاه سیستم ها، روش ها و تکنیک های مختلف در پیکره سازمان ها، نحوه ارتباط آنها با یکدیگر و نیز تعیین نقاط ضعف و قوت و بهبود عملکرد سازمان ها، موضوعی است که مورد توجه مدیران اغلب سازمان ها قرار می گیرد (خسروی زاده و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۲).

هیئت های ورزشی به عنوان یکی از مهم ترین ارکان ادارات ورزش و جوانان از این قاعده مستثنی نیستند. هر سازمان به منظور آگاهی از مطلوبیت و مرغوبیت فعالیت های خود، به خصوص در محیط های پیچیده و پویا نیاز مبرم به نظام ارزیابی دارد. سازمان بدون وجود یک سیستم مؤثر کنترل عملکرد، در تحقق مأموریت های خود موفق نیست و نمی تواند از منابع خود به درستی استفاده کند. پژوهش های متعددی در داخل کشور پیرامون موضوع ارزیابی عملکرد سازمان های مختلف انجام گرفته است. به عنوان مثال، اسکندری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی رابطه مؤلفه های ارزیابی عملکرد بر کارایی فدراسیون های ورزشی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که تعداد و تناسب بازی های تدارکاتی، سابقه، سواد علمی، پیگیری نتایج محوله، توسعه و تعاون، ارزیابی نتایج و همچنین هماهنگ شدن با اهداف سازمان، آموزش، توسعه و مشارکت، تمرکز بر بخش پژوهش، ارتباطات جهانی، تسهیل فرآیندهای داخلی، کیفیت کار کارکنان، انگیزش کارکنان، علاقه و تعداد ورزشکاران حرفه ای و رسیدگی به شکایات که همگی از مؤلفه های ارزیابی عملکرد می باشند، بر روی کارایی فدراسیون های ورزشی اثرگذارند. در پژوهشی دیگر، طالبی پور و کشتی دار (۱۳۸۸) به طراحی مدل نظارت و ارزیابی تربیت بدنی و ورزش فوق برنامه دانشگاه ها پرداختند. در ادبیات مربوط به ارزیابی سازمان ها، مدل های مختلفی همچون: الگوی بنیاد اروپایی^۱ (EFQM)، الگوی مدیریت کیفیت فراگیر^۲ (TOM)، الگوی ارزیابی متوازن^۳ (BSC)، خوشه بندی خاکستری^۴ (GCA)، مدیریت کیفیت^۵، رویکرد سیستمی^۶ و رویکرد راهبردی^۷ وجود دارد (فکت و روزنبرگ^۸، ۲۰۱۴: ۱۴۲). سلیمانی^۹ (۲۰۱۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که مناسب ترین الگو برای سازمان ها، الگوی BSC است که در سال ۱۹۹۲ کاپلان و نورتون^{۱۰} آن را ارائه کردند (استاس، لنوت، ویچر و هولمن^{۱۱}، ۲۰۱۵). ابعاد اصلی BSC عبارت اند از: مالی، مشتری، فرآیندهای داخلی

1. European Foundation for Quality Management
2. Balanced Score card
3. Total Quality Management
4. Gray Clustering Analysis
5. System Approach
6. Strategic Approach
7. CMM: Capability Maturity Model
8. Fekete & Rozenberg
9. Soleimani
10. Kaplan & Norton
11. Stas, Lenort, Wicher & Holman

و رشد و یادگیری (اوادلاه و الام^۱، ۲۰۱۵: ۹۲). منظور از معیارهای مالی آن دسته از معیارهایی هستند که از دید سهامداران و به طور کلی صاحب نفعان سازمان به عنوان معیار تعیین عملکرد، مدنظر قرار می گیرند. بعد مالی با تأکید بر اهداف مالی و با استفاده از راهبردها، تحقق اهداف سازمان را میسر می سازد. در معیار مشتری، توجه به این واقعیت است که سازمان برای دستیابی به اهداف بلندمدت باید خدمات و محصولات خود را به صورت واقعی توسط مشتری ارزش گذاری نماید. در دیدگاه مشتری، بیانیه مأموریت و راهبرد بر مبنای اهداف مشتری مدارانه ترجمه می گردد. در معیار فرآیندهای داخلی، هدف اصلی این بعد، طراحی فرآیندهای داخلی به شکلی است که مطابق نیازهای مشتریان و تثبیت رضایت مشتری را به دنبال داشته باشد (صدری و دلی، ۱۳۹۶: ۴۱). در معیار رشد و یادگیری، این بعد به توسعه توانایی های کارکنان اختصاص دارد و سازمان به منظور انطباق با خواسته ها و تقاضاهای روزافزون مشتریان و همچنین، بهبود مستمر عملکرد در مقابل رقبای، به نوآوری و یادگیری مداوم نیاز دارد و انجام موارد فوق در بلندمدت به رشد سازمان می انجامد (کارابولت^۲، ۲۰۱۵: ۱۳۴۰). اما روش BSC ناکارآمدی هایی در اجرای کمی دارد و عموماً، اطلاعات مربوط به ترجیح های تصمیم گیرندگان در مورد معیارهای ارزیابی، به دلایل مختلفی براساس قضاوت کیفی آنها بیان می شود و در عمل نیز قضاوت تصمیم گیرندگان اغلب نامطمئن است و با مقادیر عددی دقیق نمی تواند بیان شود. همچنین، از مهم ترین نقاط ضعف این روش و دیگر روش های ارزیابی عملکرد، نبود اتفاق نظر درباره مفاهیم عدم قطعیت در روش های اندازه گیری است. بنابراین، برای مواجهه با این مشکلات و پیچیدگی ها، استفاده از رویکردهای جدید و بین رشته ای ضروری است که در این میان تحلیل کارایی چند جهتی^۳ (MEA)، یکی از روش هایی است که برای مطالعه نبود اطمینان و کامل نبودن اطلاعات به کار می رود و استفاده از آن در تحلیل ریاضی سیستم هایی با اطلاعات ناقص، روند رو به رشدی دارد (محمدی و مولایی، ۱۳۸۹: ۱۲۶). از طرفی، مدل های اساسی تحلیل پوششی داده ها^۴ (DEA) برای داده های نامنفی طراحی شده اند، اما در دنیای واقعی، با مسائلی رو به رو هستیم که ورودی ها و خروجی ها می توانند منفی باشند. در روش (DEA) کارایی فنی بر مبنای شاخص شعاعی فارل و بر مبنای این فرض محاسبه می شود که سبد مورد استفاده توسط بنگاه مورد نظر بهینه است. بنابراین، برای بهبود عملکرد بنگاه ناکارا، کاهش لازم در نهاده ها برای همه نهاده ها به یک نسبت خواهد بود. لحاظ نکردن این تفاوت در محاسبه کارایی موجب می شود روش DEA تخمینی کمتر یا بیشتر از حد واقع را از اندازه های کارایی نشان دهد. یک روش غیرشعاعی ناپارامتری جایگزین که توسط اسمایلد و همکاران^۵ (۲۰۰۳) و هالود و همکاران^۶ (۲۰۰۴) پیشنهاد شد با جایگزین کردن شاخص فارل با شاخص بهبود بالقوه بوجتوفت و هاگارد^۷ (۱۹۹۹) به حذف این فرض می پردازد. در این روش، محاسبه کارایی

1. Awadallah & Allam

2. Karabulut

3. Multi Directional Efficiency Analysis

4. Data Envelopment Analysis

5. Asmild et al.

6. Halood et al.

7. Bogetoft and Hougaard

بر اساس کاهش نهاده ها نه در یک جهت - که کاهش نهاده ها را به یک نسبت یکسان تعریف می کردند - بلکه به طور مجزا برای هر نهاده و در جهت آن نهاده انجام می شود. لذا ایشان این روش را تحلیل کارایی چند جهتی (MEA) نامیدند (جمشیدی و رستمیان، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

در طی سال های اخیر، پژوهش های متعددی در زمینه کارت امتیازی متوازن برای تشخیص نقاط ضعف و قوت سازمان ها و نیز لزوم به کارگیری این الگوها برای ارزیابی سازمان ها انجام شده است که از جمله پژوهش های ترکیبی در این حوزه می توان به موارد زیر اشاره نمود:

نژادسجادی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به شناسایی و اولویت بندی مناظر و راهبردهای سازمان ورزش شهرداری تهران با استفاده از مدل AHP (شاخص های پایه ارزیابی عملکرد مدل اجرایی BSC) اقدام نمودند. نتایج نشان داد که در اولویت بندی کلی مناظر و راهبردهای سازمان ورزش شهرداری، منظر مالی و منظر فرآیند داخلی به ترتیب بالاترین و پایین ترین اولویت را به خود اختصاص داده اند. میرفخرالدینی و همکاران (۱۳۹۲) نیز به این نتیجه رسیدند که اداره تربیت بدنی یزد در دو منظر فرایندهای داخلی و رشد و یادگیری عملکرد مطلوب داشته است، ولی در دو منظر مشتری و مالی این عملکرد مطلوب نبود. رامون^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان «معیار سنجش دو مرحله ای: تعیین اهداف واقع بینانه قابل دستیابی با استفاده از DEA در دانشگاه های اسپانیا» دریافتند که جهت اهداف کارآمد، DEA می تواند نمایانگر بهبود در یک چشم انداز دراز مدت باشد. کربیچه (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی و مقایسه دو روش تحلیل کارایی چند جهتی MEA و تحلیل پوششی داده ها DEA در تحلیل عملکرد صنعت بانکی ایران پرداخت. نتایج نشان داد تمرکز بر روی نیروی کار و سرمایه مهم ترین الویت ها، در افزایش کارایی صنعت بانکی کشور است و روش MEA برای یک حوزه جدید شواهد کاربردی تازه ای برای روش مذکور فراهم می کند.

عمل ارزیابی باعث رشد برنامه ها و بهبود مستمر عملکرد سازمان ها می گردد و نیرویی عظیم برای هم افزایی توسعه و ایجاد فرصت های تعالی سازمانی ایجاد می نماید. مدیران با ارزیابی عملکرد سازمان خود می توانند از نقاط قوت داخلی و از فرصت های خارجی سازمان مطلع گردند و تهدیدات موجود را شناسایی و از ضررهای احتمالی سازمان پیشگیری نمایند و در نهایت، سازمان را به سوی اثربخشی هدایت نمایند (شعبانی بهار، پورسلطانی و زارعیان، ۱۳۹۲: ۳۹). از طرفی، هنگامی که این ارزیابی ها بر اساس شاخص هایی که همسو و در رابطه با اهداف سازمانی می باشند، صورت گیرد، بیش از پیش به اثربخشی و کارآمدی واحدها می توان اطمینان یافت که در این زمینه کارت امتیازی متوازن (BSC) برای شناسایی شاخص هایی که بتواند جوانب سازمانی را به صورتی جامع در نظر بگیرد، مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس اطلاعات نظری اخیر و تحقیقات انجام شده می توان گفت که کارت امتیازی متوازن می تواند به عنوان یک وسیله برای سنجش عملکرد کسب و کار، متصل به راهبرد با معیارهای ارزیابی به حساب بیاید، اما در محاسبه مدیریت و بهره وری دارای نقص های فراوانی است.

ترکیب کارت امتیازی متوازن و تحلیل کارایی چند جهتی می تواند خلاءهایی را پر کند و بهره وری هر کدام

از فرایندهای گزارش شده را فراهم آورد. همچنین، کارت امتیازی متوازن به عنوان ساختار قابل درکی برای توضیح معیارهای ارزیابی به ایفای نقش می‌پردازد و از تحلیل کارایی چند جهتی برای رتبه‌بندی بهره‌وری بر اساس پارامترهای ورودی و خروجی معیارهای ارزیابی استفاده می‌شود. MEA ضمن اندازه‌گیری دقیق‌تر کارایی بنگاه‌ها، این امکان بسیار مهم را فراهم می‌کند که عدم کارایی هر نهاده را نیز به طور مجزا محاسبه نمود. بنابراین می‌توان امکان بهبود بالقوه هر نهاده را هم به دست آورد. از آنجا که MEA ابتدا بهبود بالقوه در هر متغیر را به طور جداگانه در نظر می‌گیرد، به طور ایده‌آل برای تحلیل وضعیت‌هایی به کار می‌رود که هدف آن کاهش مصرف برخی از ورودی‌ها و افزایش تولید برخی از خروجی‌هاست (اسمیلد و ماتئوز^۱، ۲۰۱۲: ۴۳۶). همچنین، اندازه کارایی تعریف شده در مدل MEA نسبت به واحد یا انتقال پایا است، پایایی تحت واحد یک خاصیت اقتصادی است و پایایی تحت انتقال، حوزه کاربرد این مدل را افزایش می‌دهد. به طور مثال، بررسی مجموعه داده‌های منفی را ممکن می‌سازد. مدل MEA حداکثر بهبود ممکن را برای هر مؤلفه ورودی و خروجی به طور مجزا محاسبه می‌کند (محمدی نسب و کاظمی متین، ۱۳۹۴: ۱۲۱). کاربرد روش‌های یاد شده در ارزیابی عملکرد هیئت‌های ورزشی اگرچه نتایج سازگاری را ارائه می‌نمایند، اما مقادیر ناکارایی نسبی متفاوتی را برای هر یک از نهاده‌ها نشان می‌دهند - این اختلاف ناشی از تمرکز بیشتر واحدهای تحت بررسی در مجاورت قسمت I/F از مرز کارایی است. بنابراین، برای این مجموعه از داده‌ها استفاده از روش MEA مرجح خواهد بود. با تمرکز بر نتایج روش MEA در کارایی هیئت‌های ورزشی استان اصفهان مشاهده خواهد شد که هیئت‌ها می‌توانند بهبود قابل توجهی در عملکرد خود از طریق استفاده کارا تر از نهاده‌های مورد استفاده به عمل آورند. همچنین، روش MEA در ارزیابی کارایی هیئت‌های ورزشی، از دقت بیشتر و سطح خطای کمتری برخوردار است. هم افزایی کارت امتیازی متوازن و تحلیل کارایی چند جهتی موجب دست پیدا کردن به اهداف راهبردی مورد نظر هیئت‌ها، ایجاد توازن و بهینه‌سازی استفاده از منابع در تولید خروجی‌های مطلوب می‌گردد. لذا روش BSC-MEA می‌تواند به عنوان یک روش مناسب برای ارزیابی هیئت‌های ورزشی معرفی گردد که در نوع خود جدید و بدیع نیز می‌باشد. لذا سوال تحقیق حاضر این است:

مدل BSC-MEA در ارزیابی عملکرد هیئت‌های ورزشی چگونه پیاده‌سازی می‌شود؟

روش‌شناسی پژوهش

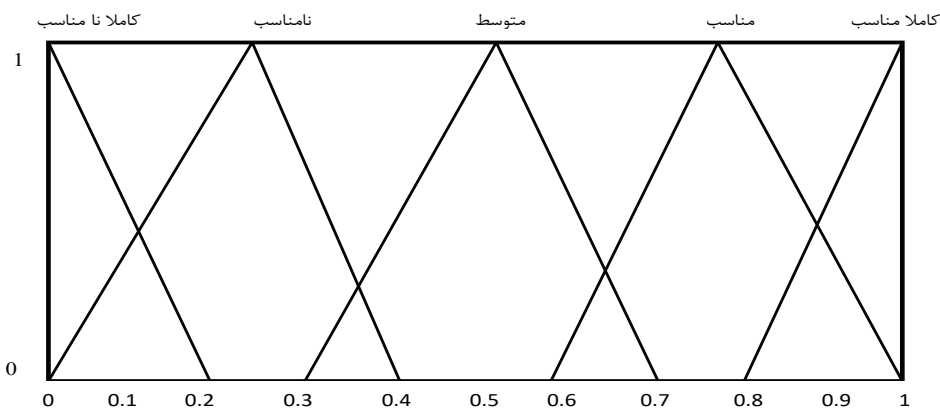
هدف از این پژوهش، ارزیابی عملکرد هیئت‌های ورزشی بر اساس مدل تلفیقی BSC-MEA با داده‌های منفی است. این تحقیق از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی، به لحاظ اجرا، میدانی و به لحاظ روش، توصیفی - تحلیلی و از جنبه موضوعی در حیطه مدیریت و ارزیابی عملکرد و از نظر زمانی، از نوع مطالعات گذشته‌نگر می‌باشد. محدوده مطالعاتی، هیئت‌های ورزشی فعال استان اصفهان در سال ۱۳۹۷ بود که بر اساس فرمول $DMUs \geq 3 \times (input + output)$ ، تعداد ۱۲ هیئت ورزشی به عنوان نمونه مشخص گردید. از آنجا که تعداد ورودی‌ها و خروجی‌های این تحقیق ۴ مورد و شامل دو ورودی (مناظر رشد و یادگیری و

فرآیندهای داخلی) و دو خروجی (مناظر مشتری و مالی) است، بر اساس فرمول $12 = (2+3) \times 3$ ، تعداد ۱۲ واحد تصمیم گیری برای مدل لازم بود. بر این اساس، ۱۲ هیئت ورزشی به روش نمونه گیری هدف دار و بر اساس نتایج کسب شده در ارزیابی های صورت گرفته توسط اداره کل ورزش و جوانان استان اصفهان و موفقیت در فعالیت های خود، به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند: هیئت های کشتی، کاراته، والیبال، تکواندو، ووشو، تیراندازی با کمان، دو و میدانی، هندبال و قایقرانی که توانستند در رقابت های قهرمانی و در سطح بین المللی موفقیت های قابل قبولی کسب کنند. همچنین هیئت های شطرنج، بسکتبال و تنیس نتایج قابل توجهی را در ارزیابی های صورت گرفته به دست آوردند و در فعالیت های مربوط به توسعه رشته ورزشی بسیار فعال بوده اند. شاخص ها از طریق فرم ابلاغی وزارت ورزش و جوانان به ادارات کل جهت ارزیابی هیئت ها، مطالعه پیشینه و منابع معتبر، مصاحبه هایی با خبرگان شامل کارشناسان واحد نظارت و ارزیابی اداره کل ورزش و جوانان، اساتید مجرب مدیریت ورزشی متخصص در حوزه پژوهش و همچنین تعدادی از کارشناسان و دبیران هیئت های ورزشی مشخص شدند. سپس، ۱۹ شاخص کلی تدوین گردید و در قالب پرسشنامه ای در دو بخش به ۲۰ نفر از خبرگان که تجربه و دانش لازم را در این زمینه داشتند، ارائه شد تا در بخش اول پرسشنامه، شاخص ها را در ۴ منظر کارت امتیازی متوازن مشخص نماید و در بخش دوم که با طیف پنج مقیاسی فازی طراحی گردیده بود، میزان اهمیت هر شاخص تعیین گردد. شاخص هایی که در مناظر رشد و یادگیری و فرآیندهای داخلی مشخص گردیده بودند، به عنوان توانمندسازها (ورودی مدل) و شاخص های تعیین شده در مناظر مشتری و مالی به عنوان نتایج (خروجی مدل) معرفی شدند. برای تعیین این که بر اساس نظرات خبرگان، آیا هر شاخص به عنوان توانمندساز و یا نتایج روایی دارد یا خیر، لازم بود تا روایی محتوای هر شاخص در حوزه توانمندسازها و نتایج محاسبه شود. بدین منظور و برای کمی سازی آرای اعضای پانل، تفسیر مقادیر CVR^1 مورد پذیرش متناظر با تعداد افراد پانل ارائه شده است. به این ترتیب که بسته به تعداد نفراتی که در مرحله روایی سنجی شرکت می کنند، یک CVR خاص وجود دارد و هر چقدر تعداد اعضای پانل بیشتر باشد، CVR مورد پذیرش مقدار کمتری خواهد بود. از تکنیک لاوشه^۲ یا روایی محتوایی (CVR) استفاده گردید. در واقع، روایی محتوای هر یک از ۱۹ شاخص ارزیابی در بخش توانمندسازها و نتایج، از طریق نسبت CVR محاسبه گردید. برای سنجش پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که با کمک نرم افزار SPSS، این مقدار $0/83$ به دست آمد که نشان دهنده پایایی مناسب پرسشنامه مزبور بود.

در بخش دوم پرسشنامه که با طیف پنج مقیاسی فازی طراحی گردیده بود، از خبرگان خواسته شد تا میزان اهمیت هر شاخص در ارزیابی عملکرد هیئت های ورزشی را با انتخاب یکی از گزینه های (کاملاً مناسب، مناسب، متوسط، نامناسب و کاملاً نامناسب) مشخص نمایند تا یافته های حاصل از پرسشنامه همان طور که در شکل ۱ نشان داده شده است با استفاده از طیف ۵ مقیاسی فازی در بازه ۰ تا ۱ تحلیل شوند.

1. Content Validity Ratio

2. Lawshe



شکل ۱. طیف ۵ مقیاسی فازی مورد استفاده در پژوهش

در این پژوهش، ارزیابی کارایی هیئت های ورزشی بر اساس شاخص های تدوین شده و با استفاده از روش تحلیل کارایی چند جهتی که یکی از کاربردی ترین روش های ناپارامتریک محاسبه کارایی واحدهای تصمیم گیری^۱ (DMU) است، انجام گردید. اسمیلد و همکاران (۲۰۰۳) بر مبنای شاخص کارایی بهبود پتانسیل بوگتفت و هوگارد (۱۹۹۹) روش جدید ناپارامتری مرزی با عنوان «تحلیل کارایی چند جهتی (MEA)» را برای محاسبه کارایی واحدهای تصمیم گیری معرفی نمودند.

داده های مربوط به عملکرد هر هیئت نیز از طریق ارزیابی های انجام شده توسط واحد نظارت و ارزیابی هیئت های اداره کل ورزش و جوانان و اطلاعات مختلفی که پیرامون فعالیت های انجام شده هر یک از هیئت های منتخب در دفتر آمار و اطلاعات اداره کل ورزش و جوانان بود، به دست آمده اند. همچنین، با همکاری مدیر کل ورزش و جوانان استان اصفهان، برخی از اطلاعات مورد نیاز نیز از هیئت های مورد مطالعه، کسب شد.

یافته های پژوهش

پس از جمع آوری اطلاعات بر اساس مدل لاوشه، در نهایت ۱۹ شاخص - شامل ۱۱ شاخص توانمندسازها و ۸ شاخص نتایج- برای ارزیابی عملکرد هیئت های ورزشی استان اصفهان مشخص گردیدند:

- نهاده ها بر اساس منظر رشد و یادگیری: توسعه فرهنگی، توسعه مدیریت و رفتار سازمانی، توسعه علمی و پژوهشی و تحقیقات و نرم افزاری و فعالیت های آموزشی؛
- نهاده ها بر اساس منظر فرآیندهای داخلی: اعزام به مسابقات، برگزاری و میزبانی مسابقات، توسعه منابع انسانی، فعالیت های استعدادیابی، توسعه ورزش همگانی، توسعه محیط حقوقی و توسعه

- استانداردهای ارزیابی و برقراری سیستم های نظارت و ارزیابی؛
- ستاندها بر اساس منظر مالی: توسعه منابع مالی، مدیریت مالی و انعقاد تفاهم نامه با آموزش و پرورش، شهرداری، صدا و سیما و ارگان های مختلف جهت توسعه ورزش؛
- ستاندها بر اساس منظر مشتری: دعوت یا عضویت ورزشکاران به تیم ملی، جمعیت سازمان یافته، تبلیغات، عناوین کسب شده و بهبود رکورد.

پس از تحلیل داده ها، میزان اهمیت و اولویت بندی شاخص ها بر اساس جداول ۱ تعیین گردید. جدول ۱، بیانگر وزن شاخص های ورودی و خروجی بر اساس نظرات کارشناسان می باشد. ورودی ها بر مبنای دو منظر فرآیندهای داخلی و رشد و یادگیری و خروجی ها نیز بر مبنای دو منظر مالی و مشتری تدوین شده اند.

جدول ۱: تعیین وزن شاخص های ورودی و خروجی

ردیف	شاخص های ورودی	وزن شاخص
۱	فعالیت های آموزشی	۰/۸۵
۲	توسعه استانداردهای ارزیابی و برقراری سیستم های نظارت و ارزیابی	۰/۸۳
۳	فعالیت های استعدادیابی (شناسایی، پرورش و حفظ استعداد)	۰/۸۳
۴	اعزام به مسابقات (استانی/ قهرمانی کشور/ بین المللی/ آسیایی/ جهانی/ المپیک/ پارالمپیک)	۰/۸۲
۵	برگزاری و میزبانی مسابقات (استانی/ قهرمانی کشور/ بین المللی/ آسیایی/ جهانی/ اردوی تیم ملی...)	۰/۸۱
۶	توسعه ورزش همگانی	۰/۸۱
۷	توسعه مدیریت و رفتار سازمانی	۰/۸۰
۸	توسعه منابع انسانی	۰/۷۸
۹	توسعه علمی و پژوهشی، تحقیقات و نرم افزاری	۰/۷۳
۱۰	توسعه فرهنگی	۰/۶۴
۱۱	توسعه محیط حقوقی	۰/۶۴
ردیف	شاخص های خروجی	وزن شاخص
۱	جمعیت سازمان یافته	۰/۸۹
۲	توسعه منابع مالی	۰/۸۸
۳	مدیریت مالی	۰/۸۸
۴	دعوت/ عضویت ورزشکاران به تیم ملی	۰/۸۴
۵	عناوین کسب شده	۰/۸۲
۶	بهبود رکورد	۰/۷۳
۷	انعقاد تفاهم نامه با آموزش و پرورش، شهرداری، صدا و سیما و ارگان های مختلف جهت توسعه ورزش	۰/۷۳
۸	تبلیغات	۰/۷۲

در جدول ۱ فعالیت آموزشی در منظر رشد و یادگیری و جمعیت سازمان یافته در منظر مشتری بالاترین وزن را به خود اختصاص داده‌اند.

تعداد ۱۱ ورودی و ۸ خروجی بیانگر داده‌های اولیه برای ورود به روش MEA بوده که همان طور که در جدول‌های ۲ و ۳ ملاحظه می‌شود، این مقادیر دارای ارزش مثبت و منفی می‌باشند. جدول ۲ داده‌های مثبت و منفی ورودی‌های روش MEA را نمایش می‌دهد:

جدول ۲: داده‌های مثبت و منفی ورودی‌ها

DMU	I ₁	I ₂	I ₃	I ₄	I ₅	I ₆	I ₇	I ₈	I ₉	I ₁₀	I ₁₁
۱	-۰/۱۵۳	+۰/۰۶۷	-۰/۳۹۴	-۰/۱۵۳	-۰/۴۳۵	-۰/۴۱۳	-۰/۱۵۰	-۰/۰۸۰	+۰/۱۶۳	+۰/۰۳۴	-۰/۴۱
۲	+۰/۱۲۶	+۰/۲۱۲	-۰/۰۷۷	+۰/۳۱۵	+۰/۲۴۶	+۰/۰۶۴	-۰/۱۱۳	+۰/۱۸۴	+۰/۰۶۲	+۰/۰۸۴	-۰/۱۴
۳	+۰/۷۴۷	+۰/۲۲۰	+۰/۳۶۲	+۰/۴۳۳	+۰/۳۰۲	+۰/۲۳۶	+۰/۱۲۷	+۰/۳۱۳	+۰/۲۴۶	+۰/۳۱۵	+۰/۱۲
۴	+۰/۱۸۶	-۰/۱۶۵	+۰/۲۳۹	+۰/۱۷۷	+۰/۰۳۹	-۰/۱۴۹	-۰/۳۳۵	-۰/۲۶۷	-۰/۲۰۰	+۰/۱۲۲	+۰/۲۱
۵	+۰/۲۷۳	+۰/۳۱۴	+۰/۰۹۰	+۰/۳۶۱	+۰/۱۵۵	+۰/۴۳۱	+۰/۱۹۶	+۰/۲۷۸	+۰/۴۳۸	+۰/۲۴۶	+۰/۰۷
۶	-۰/۳۱۱	-۰/۱۴۷	+۰/۱۳۵	+۰/۱۷۰	-۰/۰۹۹	+۰/۲۱۲	-۰/۱۷۷	+۰/۰۹۵	+۰/۱۷۰	+۰/۱۹۷	-۰/۱۸
۷	-۰/۰۵۲	+۰/۲۵۲	+۰/۱۴۷	+۰/۲۹۶	+۰/۴۱۵	+۰/۱۸۳	+۰/۰۷۸	-۰/۱۴۳	+۰/۳۰۵	+۰/۱۷۵	۰
۸	+۰/۷۷۹	+۰/۴۷۳	+۰/۶۳۴	+۰/۸۳۵	+۰/۷۸۶	+۰/۵۲۴	+۰/۴۰۱	+۰/۷۳۱	+۰/۳۹۷	+۰/۵۱۸	+۰/۱۱
۹	+۰/۰۹۲	+۰/۳۱۴	۰	-۰/۰۳۸	-۰/۱۱۴	-۰/۲۳۰	+۰/۲۰۶	+۰/۰۹۳	+۰/۱۴۱	+۰/۰۷۹	۰
۱۰	+۰/۶۸۶	+۰/۶۹۵	+۰/۱۸۱	+۰/۴۳۴	+۰/۵۶۲	+۰/۰۲۲	+۰/۲۹۱	+۰/۱۴۳	+۰/۳۱۲	+۰/۸۲۰	-۰/۲۱
۱۱	+۰/۱۸۸	+۰/۱۹۷	-۰/۲۶۱	+۰/۰۱۳	+۰/۲۰۱	-۰/۱۴۱	-۰/۲۱۰	+۰/۱۷۷	-۰/۰۱۶	+۰/۱۵۲	-۰/۳۰
۱۲	-۰/۴۴۳	-۰/۲۹۹	+۰/۱۱۵	-۰/۱۷۲	+۰/۱۶۱	+۰/۱۶۶	-۰/۱۳۱	+۰/۱۱۸	-۰/۴۹۵	+۰/۱۳۵	-۰/۰۵

در جدول ۲ متغیر I₁ به عنوان ورودی اول شامل فعالیت‌های آموزشی، متغیر I₂ به عنوان ورودی دوم شامل توسعه استانداردهای ارزیابی و برقراری سیستم‌های نظارت و ارزیابی، متغیر I₃ به عنوان ورودی سوم شامل فعالیت‌های استعدادیابی (شناسایی، پرورش و حفظ استعداد)، متغیر I₄ به عنوان ورودی چهارم شامل اعزام به مسابقات (استانی/ قهرمانی کشور/ بین‌المللی/ آسیایی/ جهانی/ المپیک/ پارالمپیک)، متغیر I₅ به عنوان ورودی پنجم شامل برگزاری و میزبانی مسابقات (استانی/ قهرمانی کشور/ بین‌المللی/ آسیایی/ جهانی/ اردوی تیم ملی...)، متغیر I₆ به عنوان ورودی ششم شامل توسعه ورزش همگانی، متغیر I₇ به عنوان ورودی هفتم شامل توسعه مدیریت و رفتار سازمانی، متغیر I₈ به عنوان ورودی هشتم شامل توسعه منابع انسانی، متغیر I₉ به عنوان ورودی نهم شامل توسعه علمی و پژوهشی، تحقیقات و نرم‌افزاری، متغیر I₁₀ به عنوان ورودی دهم شامل توسعه فرهنگی و متغیر I₁₁ به عنوان ورودی یازدهم شامل توسعه محیط حقوقی بود.

جدول ۳ داده‌های مثبت و منفی خروجی‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۳: داده های مثبت و منفی خروجی ها

O ₈	O ₇	O ₆	O ₅	O ₄	O ₃	O ₂	O ₁	DMU
-۰/۳۰۴	-۰/۵۰۴	+۰/۱۹۰	-۰/۲۱۳	-۰/۳۰۴	+۰/۱۵۰	-۰/۳۳۵	-۰/۱۸۳	۱
+۰/۴۴۶	+۰/۱۴۹	+۰/۰۵۹	-۰/۳۳۴	-۰/۱۰۳	+۰/۱۹۶	+۰/۱۴۶	+۰/۰۲۴	۲
+۰/۴۶۷	+۰/۱۳۶	-۰/۱۴۰	+۰/۲۱۲	+۰/۴۱۶	+۰/۱۷۵	+۰/۴۱۴	+۰/۴۱۲	۳
+۰/۱۰۰	-۰/۱۴۱	-۰/۱۹۸	+۰/۴۹۵	+۰/۵۳۵	+۰/۱۰۷	-۰/۱۴۹	+۰/۱۵۶	۴
+۰/۱۹۹	+۰/۱۷۶	+۰/۱۷۱	+۰/۱۵۷	+۰/۳۲۴	+۰/۱۹۴	+۰/۲۳۴	+۰/۳۱۱	۵
+۰/۱۰۳	+۰/۰۳۲	+۰/۰۸۲	+۰/۱۹۵	+۰/۱۲۸	+۰/۲۰۹	-۰/۱۸۵	+۰/۱۴۲	۶
+۰/۱۹۱	+۰/۱۴۲	+۰/۲۲۷	+۰/۴۷۹	+۰/۶۳۶	+۰/۲۲۰	+۰/۱۱۲	+۰/۱۱۱	۷
+۰/۶۳۴	+۰/۷۰۴	+۰/۲۶۸	+۰/۵۱۰	+۰/۴۹۱	+۰/۱۲۹	+۰/۵۱۹	+۰/۵۱۷	۸
+۰/۰۸۵	-۰/۱۹۰	-۰/۰۷۵	+۰/۳۹۸	+۰/۲۹۲	+۰/۱۳۴	-۰/۱۹۰	+۰/۲۰۸	۹
+۰/۰۶۵	-۰/۰۹۹	+۰/۰۹۹	+۰/۱۳۶	+۰/۲۰۰	+۰/۲۷۲	+۰/۱۷۰	-۰/۱۱۹	۱۰
+۰/۳۴۷	-۰/۱۰۳	-۰/۱۲۴	-۰/۱۹۴	-۰/۱۲۹	+۰/۱۹۵	+۰/۳۴۶	+۰/۱۵۰	۱۱
-۰/۰۹۱	+۰/۱۱۸	-۰/۲۱۰	+۰/۲۳۴	+۰/۱۴۷	+۰/۰۹۸	-۰/۱۲۷	+۰/۰۴۸	۱۲

در جدول ۳ متغیر O₁ به عنوان خروجی اول شامل جمعیت سازمان یافته، متغیر O₂ به عنوان خروجی دوم شامل توسعه منابع مالی، متغیر O₃ به عنوان خروجی سوم شامل مدیریت مالی، متغیر O₄ به عنوان خروجی چهارم شامل دعوت/عضویت ورزشکاران به تیم ملی، متغیر O₇ به عنوان خروجی هفتم شامل انعقاد تفاهم نامه با آموزش و پرورش، شهرداری، صدا و سیما و ارگان های مختلف جهت توسعه ورزش و متغیر به عنوان خروجی هشتم شامل تبلیغات بودند.

بر اساس نتایج جدول های ۱ و ۳، جدول ۴ بیانگر داده های موزون ورودی ها می باشد:

جدول ۴: داده های موزون ورودی ها

I ₁₁	I ₁₀	I ₉	I ₈	I ₇	I ₆	I ₅	I ₄	I ₃	I ₂	I ₁	DMU
-۰/۲۶۲۴	+۰/۲۱۷۶	+۰/۱۱۸۹۹	-۰/۰۶۲۴	-۰/۱۲	-۰/۳۳۴۵۳	-۰/۳۵۲۳۵	-۰/۱۲۵۴۶	-۰/۳۲۷۰۲	+۰/۰۵۵۶۱	-۰/۱۳۰۰۵	۱
-۰/۰۸۹۶	+۰/۰۵۳۷۶	+۰/۰۴۵۲۶	+۰/۱۴۳۵۲	-۰/۰۹۰۴	+۰/۰۵۱۸۴	+۰/۱۹۹۲۶	+۰/۲۵۸۳	-۰/۰۶۳۹۱	+۰/۱۷۵۹۶	+۰/۱۰۷۱	۲
+۰/۰۷۶۸	+۰/۲۰۱۶	+۰/۱۷۹۵۸	+۰/۲۴۴۱۴	+۰/۱۰۱۶	+۰/۱۹۱۱۶	+۰/۲۴۴۶۲	+۰/۳۵۵۰۶	+۰/۳۰۰۴۶	+۰/۱۸۲۶	+۰/۶۳۴۹۵	۳
+۰/۱۳۴۴	+۰/۰۷۸۰۸	-۰/۱۴۶	-۰/۲۰۸۲۶	-۰/۲۶۸	-۰/۱۲۰۶۹	+۰/۰۳۱۵۹	+۰/۱۴۵۱۴	+۰/۱۹۸۳۷	-۰/۱۳۶۹۵	+۰/۱۵۸۱	۴
+۰/۰۴۴۸	+۰/۱۵۷۴۴	+۰/۳۱۹۷۴	+۰/۲۱۶۸۴	+۰/۱۵۶۸	+۰/۳۴۹۱۱	+۰/۱۲۵۵۵	+۰/۲۹۶۰۲	+۰/۰۷۴۷	+۰/۲۶۰۶۲	+۰/۲۳۲۰۵	۵
-۰/۱۱۵۲	+۰/۱۲۶۰۸	+۰/۱۲۴۱	+۰/۰۷۴۱	-۰/۱۴۱۶	+۰/۱۷۱۷۲	-۰/۰۸۰۱۹	+۰/۱۳۹۴	+۰/۱۱۲۰۵	-۰/۱۲۲۰۱	-۰/۲۶۴۳۵	۶
۰	+۰/۱۱۲	+۰/۲۲۲۶۵	-۰/۱۱۱۵۴	+۰/۰۶۲۴	+۰/۱۴۸۲۳	+۰/۳۳۶۱۵	+۰/۲۴۲۷۲	+۰/۱۲۲۰۱	+۰/۲۰۹۱۶	-۰/۰۴۴۲	۷
+۰/۰۷۰۴	+۰/۳۳۱۵۲	+۰/۲۸۹۸۱	+۰/۵۷۰۱۸	+۰/۳۲۰۸	+۰/۴۲۴۴۴	+۰/۶۳۶۶۶	+۰/۶۸۴۷	+۰/۵۲۴۲۲	+۰/۳۹۲۵۹	+۰/۶۶۲۱۵	۸
۰	+۰/۰۵۰۵۶	+۰/۱۰۲۹۳	+۰/۰۷۲۵۴	+۰/۱۶۴۸	-۰/۱۸۶۳۰	-۰/۰۹۲۳۴	-۰/۰۳۱۱۶	۰	+۰/۲۶۰۶۲	+۰/۰۷۸۲	۹
-۰/۱۳۴۴	+۰/۵۲۴۸	+۰/۲۲۷۷۶	+۰/۱۱۱۵۴	+۰/۲۳۲۸	+۰/۰۱۷۸۲	+۰/۴۵۵۲۲	+۰/۳۵۵۸۸	+۰/۱۵۰۲۳	+۰/۵۷۶۸۵	+۰/۵۸۳۱	۱۰
-۰/۱۹۲	+۰/۰۹۷۲۸	-۰/۰۱۱۶۸	+۰/۱۳۸۰۶	-۰/۱۶	-۰/۱۱۴۲۱	+۰/۱۶۲۸۱	+۰/۰۱۰۶۶	-۰/۲۱۶۳۳	+۰/۱۶۳۵۱	+۰/۱۵۹۸	۱۱
-۰/۰۳۲	+۰/۰۸۶۴	-۰/۳۶۱۳۵	+۰/۰۹۲۰۴	-۰/۱۰۴۸	+۰/۱۳۴۴۶	+۰/۱۳۰۴۱	-۰/۱۴۱۰۴	+۰/۰۹۵۴۵	-۰/۲۴۸۱۷	-۰/۳۷۶۵۵	۱۲

در جدول ۴ پس از جمع آوری داده‌های مرتبط با هیئت‌های ورزشی استان اصفهان به هر یک از ورودی‌های مرتبط با کارایی این سازمان‌ها وزن و اعتباری مناسب اختصاص یافت. همچنین، بر اساس نتایج جدول‌های ۲ و ۳، جدول ۵ بیانگر داده‌های موزون خروجی‌ها می‌باشد:

جدول ۵: داده‌های موزون خروجی‌ها

DMU	O ₁	O ₂	O ₃	O ₄	O ₅	O ₆	O ₇	O ₈
۱	-۰/۱۶۲۸۷	-۰/۲۹۴۸	+۰/۱۳۲	-۰/۲۵۵۳۶	-۰/۱۷۴۶۶	+۰/۱۳۸۷	-۰/۳۶۷۹۲	-۰/۲۱۸۸۸
۲	+۰/۰۲۱۳۶	+۰/۱۲۸۴۸	+۰/۱۷۲۴۸	-۰/۰۸۶۵۲	-۰/۲۷۳۸۸	+۰/۰۴۳۰۷	+۰/۱۰۸۷۷	+۰/۳۲۱۱۲
۳	+۰/۳۶۶۶۸	+۰/۳۶۴۳۲	+۰/۱۵۴	+۰/۳۴۹۴۴	+۰/۱۷۳۸۴	-۰/۱۰۲۲	+۰/۰۹۹۲۸	+۰/۳۳۶۲۴
۴	+۰/۱۳۸۸۴	-۰/۱۳۱۱۲	+۰/۰۹۴۱۶	+۰/۴۴۹۴	+۰/۴۰۵۹	-۰/۱۴۴۵۴	-۰/۱۰۲۹۳	+۰/۰۷۲
۵	+۰/۲۷۶۷۹	+۰/۲۰۵۹۲	+۰/۱۷۰۷۲	+۰/۲۷۲۱۶	+۰/۱۲۸۷۴	+۰/۱۲۴۸۳	+۰/۱۲۸۴۸	+۰/۱۴۳۲۸
۶	+۰/۱۲۶۳۸	-۰/۱۶۲۸	+۰/۱۸۳۹۲	+۰/۱۰۷۵۲	+۰/۱۵۹۹	+۰/۰۵۹۸۶	+۰/۰۲۳۳۶	+۰/۰۷۴۱۶
۷	+۰/۰۹۸۷۹	+۰/۰۹۸۵۶	+۰/۱۹۳۶	+۰/۵۳۴۲۴	+۰/۳۹۲۷۸	+۰/۱۶۵۷۱	+۰/۱۰۳۶۶	+۰/۱۳۷۵۲
۸	+۰/۴۶۰۱۳	+۰/۴۵۶۷۲	+۰/۱۱۳۵۲	+۰/۴۱۲۴۴	+۰/۴۱۹۸۴	+۰/۱۹۵۶۴	+۰/۵۱۳۹۲	+۰/۴۵۶۴۸
۹	+۰/۱۸۵۱۲	-۰/۱۶۷۲	+۰/۱۱۷۹۲	+۰/۲۴۵۲۸	+۰/۳۲۶۳۶	-۰/۰۵۴۷۵	-۰/۱۳۸۷	+۰/۰۶۱۲
۱۰	-۰/۱۰۵۹۱	+۰/۱۴۹۶	+۰/۲۳۹۳۶	+۰/۱۴۱۱۲	+۰/۲۹۵۲	+۰/۰۷۲۲۷	-۰/۰۷۲۲۷	+۰/۰۴۶۸
۱۱	+۰/۱۳۳۵	+۰/۳۰۴۴۸	+۰/۱۷۱۶	-۰/۱۰۸۳۶	-۰/۱۵۹۰۸	-۰/۰۹۰۵۲	-۰/۰۷۵۱۹	+۰/۲۴۹۸۴
۱۲	+۰/۰۴۲۷۲	-۰/۱۱۷۶	+۰/۰۸۶۲۴	+۰/۱۲۳۴۸	+۰/۱۹۱۸۸	-۰/۱۵۳۳	+۰/۰۸۶۱۴	-۰/۰۶۵۵۲

در جدول ۵، پس از جمع آوری داده‌های مرتبط با هیئت‌های ورزشی استان اصفهان به هر یک از خروجی‌های مرتبط با کارایی این سازمان‌ها وزن و اعتباری مناسب اختصاص یافت و به طور متناسب کارایی آنها از طریق تحلیل کارایی چند جهتی محاسبه شد. خروجی حاصل از داده‌ها مبتنی بر روش MEA در جدول ۶ به نمایش در آمده است:

جدول ۶: خروجی روش BSC-MEA در ارزیابی هیئت‌های ورزشی

رتبه	ρ^*_{MEA}	β^*_{MEA}	DMU
۱۲	۰/۴۱۰۱۲۱	۰/۱۰۳۴۷۶	قایقرانی
۵	۰/۸۰۲۳۴۱	۰/۰۳۱۳۴۸	تنیس
۱	۱	۰	تکواندو
۱۱	۰/۴۹۷۵۳۱	۰/۰۸۸۴۵۰	هندبال
۱	۱	۰	کاراته
۱۰	۰/۵۱۲۵۵۵	۰/۰۷۶۴۵۹	تیراندازی با کمان
۶	۰/۷۶۶۲۰۱	۰/۰۴۶۸۴۲	ووشو
۱	۱	۰	دو و میدانی
۸	۰/۵۹۹۳۲۱	۰/۰۶۶۷۵۴	بسکتبال
۴	۰/۸۱۲۶۱۲	۰/۰۲۳۵۶۸	شطرنج
۷	۰/۶۵۳۵۶۱	۰/۰۵۳۹۶۵	کشتی
۹	۰/۵۸۷۵۹۲	۰/۰۶۹۲۰۹	والیبال

در جدول ۶، هیئت های دو و میدانی، تکواندو و کاراته بر اساس کارایی بالاترین رتبه را به دست آوردند. مراحل یاد شده، سیستم رتبه بندی هر هیئت را نشان می دهند که بر اساس آن می توان در هر زمانی از نتایج روش MEA استفاده نمود و رتبه هر هیئت را تعیین کرد تا از آن در اتخاذ تصمیمات کاربردی و هر آنچه که لازم است، استفاده نمود. با مقایسه رتبه بندی هیئت های منتخب در این دو ارزیابی، می توان تفاوت بین اثربخشی و کارایی این هیئت ها را بررسی کرد. در جدول ۷ رتبه هر هیئت در این دو ارزیابی مشخص گردیده است^۱:

جدول ۷: مقایسه رتبه بندی با نتایج به دست آمده از اداره کل ورزش و جوانان

رتبه در ارزیابی اداره کل	رتبه به دست آمده در روش MEA	هیئت
۹	۱۲	قایقرانی
۱۲	۵	تنیس
۳	۱	تکواندو
۴	۱۱	هندبال
۱	۱	کاراته
۱۰	۱۰	تیراندازی با کمان
۲	۶	ووشو
۷	۱	دو و میدانی
۱۱	۸	بسکتبال
۶	۴	شطرنج
۸	۷	کشتی
۵	۹	والیبال

همان طور که در جدول ۷ ملاحظه می شود، هیئت های کاراته و تکواندو به عنوان هیئت های ممتاز حاضر، در رتبه بندی بر اساس امتیازات حاصل از ارزیابی اداره کل ورزش و جوانان نیز جایگاه قابل توجهی را به دست آوردند. کارایی عددی یک (۱۰۰ درصد) به این معنی است که هیئت های این استان ها متناسب با ورودی هایشان، خروجی مناسب و قابل قبولی را تولید و یا ارائه نموده اند. لذا هیئت های دیگر که به چنین عددی دست نیافته اند باید تلاش خود را در راستای اجرایی نمودن برنامه های مناسب بیشتر کنند.

بحث و نتیجه گیری

هر سازمانی برای آگاهی از میزان تحقق اهداف تعیین شده در برنامه راهبردی، مطلوب بودن و کیفیت فعالیت ها و نتایج عملکردش در محیط های پیچیده و پویا، نیازمند برقراری نظام های مناسب پایش و

۱. رتبه مربوط به هر هیئت، در مقایسه با هیئت های مورد ارزیابی در این پژوهش و بدون در نظر گرفتن سایر هیئت ها تعیین شده است.

کنترل عملکرد خاص خود است که فقدان آن در ابعاد مختلف سازمان، به عنوان یکی از نشانه‌های بیماری سازمان محسوب می‌شود (رحیمی، پیامنی و عنبری، ۱۳۹۴: ۸۸) و به معنای عدم برقراری ارتباط با محیط درون سازمانی و برون سازمانی است و پیامد آن کهولت و در نهایت، مرگ سازمان می‌باشد (رضایی و احمدی، ۱۳۹۱: ۳۳). به نظر می‌رسد در عصر کنونی با توجه به تحولات شگرف دانش مدیریت، وجود نظام ارزیابی برای رفع این آسیب اجتناب‌ناپذیر باشد. بنابراین، ارزیابی عملکرد در تسهیل اثربخشی سازمان، وظیفه مهم و حیاتی دارد (شاوت و یوسف^۱، ۲۰۱۴: ۹۶۶).

مدل کارت امتیازی متوازن، یک چارچوب سنجش عملکرد با مجموعه‌ای از مقیاس‌های مالی و غیرمالی است که نگاه جامعی به عملکرد سازمان دارد (لهمان^۲ و همکاران، ۲۰۱۳: ۲) و اهداف راهبردی آن را به مقیاس‌های عملکردی تبدیل می‌کند و در چهار منظر مالی، مشتری، فرایندهای داخلی و رشد و یادگیری می‌سنجد (فولادوند، یارمحمدیان و شاه‌طالبی^۳، ۲۰۱۵: ۹۵۱). این مدل سبب تغییر برنامه‌های راهبردی از شکل نوشتاری پرحجم به مجموعه‌ای از گام‌های عملیاتی مختصر، مشاهده روزانه نتایج اجرای آنها و تعیین اینکه برنامه‌ریزان چه چیزی را ارزیابی می‌کنند و چه چیزی را رها می‌سازند، می‌پردازد و بدین ترتیب، به مدیران ارشد در اجرای موفقیت‌آمیز راهبردها کمک بسیاری می‌کند (فیضی و سلوکدار، ۱۳۹۳: ۶۰). درکنار این مزایا، ناکارآمدی‌هایی در مدل کارت امتیازی متوازن همچون نبود اتفاق نظر درباره مفاهیم، عدم قطعیت در روش‌های اندازه‌گیری، وجود قضاوت کیفی در اطلاعات مربوط به ترجیح‌های تصمیم‌گیرندگان در مورد معیارهای ارزیابی، نامطمئن بودن قضاوت تصمیم‌گیرندگان و ناتوانی در تبدیل آنها به مقادیر عددی دقیق وجود دارد (محمدی و مولایی، ۱۳۸۹: ۱۲۶) که ضرورت استفاده از رویکردهای جدید مانند تحلیل کارایی چند جهتی، برای مطالعه این اطلاعات نامطمئن و ناکامل را می‌طلبد.

با توجه به اهمیت نقش ورزش در عصر حاضر و لزوم افزایش اثربخشی و بهبود عملکرد، در این حوزه و نیز نیاز به ابزارهایی برای ارزیابی عملکرد سازمان‌های ورزشی، پژوهش حاضر به ترکیب دو روش کارت امتیازی متوازن و تحلیل کارایی چند جهتی برای ارزیابی عملکرد و رتبه‌بندی هیئت‌های ورزشی پرداخت. ترکیب این دو روش هم‌افزایی مشترکی ایجاد می‌کند و علاوه بر حفظ نقاط قوت هریک از روش‌ها، نقاط ضعف آن‌ها را برای ارزیابی جامع عملکرد سازمان‌های ورزشی پوشش می‌دهد. به همین دلیل پژوهش حاضر در دو بخش کلی انجام شد که بخش اول آن، تعیین شاخص‌ها و زیرمعیارهای مرتبط با چهار منظر کارت امتیازی متوازن از طریق مطالعه منابع علمی متعدد، پیشینه پژوهش و نظر خبرگان بود و در مرحله دوم و پس از تأیید نهایی ساختار کارت امتیازی متوازن، ۱۲ هیئت ورزشی استان اصفهان به عنوان نمونه آماری از طریق روش تحلیل کارایی چند جهتی رتبه‌بندی شدند که طبق نتایج به دست آمده، هیئت‌های تکواندو، کاراته و دو و میدانی در رتبه اول قرار گرفتند و سایر هیئت‌ها نیز براساس جدول ۷ رتبه‌بندی گردیدند. تفاوت مشاهده شده بین نتایج

1. Shaout & Yousif

2. Lehmann

3. Fooladvand, Yarmohammadian & Shahtalebi

کسب شده توسط رتبه بندی هیئت ها در روش BSC-MEA و رتبه کسب شده در اداره کل ورزش و جوانان می تواند حاصل از تفاوت شاخص هایی باشد که برای ارزیابی عملکرد هیئت ها در نظر گرفته شده اند. بنابراین ترکیب دو روش BSC و MEA در ارزیابی عملکرد هیئت ها می تواند رویکرد نوینی باشد. از سوی دیگر، در پژوهش های گذشته معمولاً به شرایط نبود قطعیت معیارهای ارزیابی توجه جدی نشده، در حالی که نقطه قوت اصلی مدل ارائه شده در این مطالعه این است که این نقص را تا حد قابل قبولی اصلاح نموده است که در مدل های ارزیابی عملکرد، می تواند گامی رو به جلو به شمار آید.

بر اساس یافته های تحقیق، شاخص ورودی فعالیت های آموزشی، تأثیرگذارترین ورودی و شاخص جمعیت سازمان یافته تأثیرگذارترین خروجی، در تعیین میزان کارایی هیئت ها بوده است. در این پژوهش شاخص فعالیت های آموزشی به علت توجه بیش از حد به زیرمعیارهای اعزام و یا برگزاری دوره های مربیگری و هم چنین ارتقای داوری، برگزاری دوره های توجیهی و بازآموزی، برگزاری کارگاه فنی (آزمون/استاز)، داوری و دانش افزایی و میزان استفاده از برنامه های علمی آموزشی و تمرینی بیشترین تأثیر را در کارایی هیئت های ورزشی داشته است.

نتایج این تحقیق در زمینه ورودی ها با نتایج تحقیق کشتی دار و همکاران (۱۳۹۶) و اکثری و نظری (۱۳۹۵) هم خوانی ندارد. در تحقیق کشتی دار و همکاران (۱۳۹۶) شناسایی نقاط ضعف و قوت باشگاه و حفظ کفایت و شایستگی آموزش دهندگان، بالاترین امتیاز را نسبت به سنجه های دیگر کسب نمودند؛ اما در منظر رشد و یادگیری با هم هم خوانی داشته و سنجه های فعالیت های آموزشی، توسعه مدیریت و رفتار سازمانی و توسعه علمی- پژوهشی و تقویت مهارت های مدیریتی بالاترین امتیاز را کسب نمودند. در تحقیق اکثری و نظری (۱۳۹۵) نیز توسعه برون سپاری تبلیغات و پوشش رسانه ای فعالیت های ورزشی در «منظر فرآیندهای داخلی» و استفاده از تجربیات علمی سایر باشگاه ها در توسعه فناوری اطلاعات در منظر رشد و یادگیری بالاترین امتیاز را نسبت به سنجه های دیگر کسب نمودند. با توجه به مقایسه نتایج این تحقیق با تحقیقات دیگر، می توان نتیجه گیری نمود که منظرهای فرآیندهای داخلی، رشد و یادگیری، با توجه به ماهیت کاری، اهداف سازمانی و رسالت سازمان متفاوت می باشند که این موضوع می تواند دلیلی بر استفاده از کارت امتیازی متوازن (BSC) برای ارزیابی عملکرد در سازمان های مختلف باشد. طبق نتایج به دست آمده، در بخش شاخص های خروجی (نتایج) بر اساس میزان اهمیت تعیین شده توسط کارشناسان، شاخص های جمعیت سازمان یافته، توسعه منابع مالی، مدیریت مالی، دعوت/عضویت ورزشکاران به تیم ملی، عناوین کسب شده، انعقاد تفاهم نامه با ارگان های مختلف جهت توسعه ورزش و تبلیغات مهم ترین سنجه ها در ارزیابی عملکرد هیئت های ورزشی، بر اساس منظرهای کارت امتیازی متوازن بودند. نتایج این تحقیق در زمینه اهمیت شاخص های ارزیابی عملکرد با نتایج تحقیق نژادسجادی و سلیمانی دامنه (۱۳۹۳) و سلیمی (۱۳۹۰) هم خوانی نداشت. مطابق با نتایج این تحقیق، شاخص جمعیت سازمان یافته با وزن (۰/۸۹) مهم ترین شاخص ارزیابی عملکرد بود، در حالی که در تحقیق آنها، میزان اهمیت شاخص رشد تعداد ورزشکاران سازمان یافته در فدراسیون، با وزن (۰/۱۴۳) به عنوان یکی از زیرمعیارهای توسعه زیرساخت های ورزش، بسیار کمتر از شاخص های ارزیابی عملکرد نظیر

مدیریت مالی، اجرای طرح های استعدادیابی، مدال ها و مقام های کسب شده تعیین شده است. در هر کدام از تحقیقات بیان شده اولویت بندی های مختلفی از مناظر رویکرد کارت امتیازی متوازن ارائه شدند که دلیل این تفاوت ها ممکن است تفاوت در ساختار، تفاوت در راهبرد و چشم اندازها و تفاوت در اقتصاد و ساختار فرهنگی استان های مختلف باشد.

محمدی نسب و کاظمی متین (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی نشان دادند مزیت مدل MEA این است که در فناوری با هر بازده به مقیاسی ثابت و یا متغیر قابل اجراست. هم چنین، این مدل با داده های منفی هم عدد کارایی قابل قبولی ارائه می دهد و ویژگی های مطلوب آن نیز حفظ می شود. اسمیلد و ماتئوز (۲۰۱۲)، وانگ و همکاران (۲۰۱۴)، جمشیدی و رستمیان (۱۳۹۶)، محمدی نسب و کاظمی متین (۱۳۹۴) و کردبچه (۱۳۸۹) نیز در تحقیقات خود از این روش بهره برده اند. همان طور که بیان شد ورودی ها بر مبنای دو منظر فرآیندهای داخلی و رشد و یادگیری و خروجی ها نیز بر مبنای دو منظر مالی و مشتری تدوین شده اند. در این مدل تعداد یازده ورودی و هشت خروجی، بیانگر داده های اولیه برای ورود به روش MEA بود که این ورودی و خروجی ها مقادیر مثبت و منفی اختیار کردند. نتایج نشان داد مدل MEA در حضور اعداد منفی نیز عدد کارایی قابل قبولی را ارائه می دهد.

در جمع بندی نتایج می توان دو راهکار عمده برای ارتقای سطح کارایی کلی و بهبود وضعیت عملکرد هیئت های مورد مطالعه پیشنهاد نمود:

یکی از این راهکارها، افزایش میزان کارایی هیئت ها در تبدیل ورودی های مورد استفاده به خروجی های مناسب است. راهکار دوم، تلاش در جهت تخصیص منابع مورد نیاز به این هیئت ها می باشد. ارتقا و توسعه این منابع با عنوان ورودی ها قادر است از طریق نظم بخشی، ساماندهی و مدیریت مناسب به نتایج مطلوبی بینجامد. مدل پیشنهادی روی هیئت های ورزشی پیاده سازی شده است، اما اگر عوامل مرتبط دیگر هیئت ها و سازمان های ورزشی هم استخراج شوند، از این مدل می توان برای رتبه بندی و ارزیابی عملکرد دیگر هیئت ها و سازمان های ورزشی نیز استفاده نمود.

منابع

- اکثری، الهام و نظری، رسول. (۱۳۹۵). «راهبرد های باشگاه فرهنگی ورزشی ریف از منظر BSC نوین». اولین کنفرانس ملی یافته های نوین پژوهشی علوم ورزشی در حوزه سلامت، نشاط اجتماعی، کارآفرینی و قهرمانی. اهواز، اداره کل ورزش و جوانان استان خوزستان، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- اسکندری دستگیری، سمین؛ امیر تاش، علی محمد و صفانیا، علی محمد. (۱۳۹۷). «رابطه مؤلفه های ارزیابی عملکرد در کارایی فدراسیون های ورزشی». پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. سال ششم، شماره ۴، صص ۱۹-۲۶.
- بهروزی، محمد و صمیمی، سمیه. (۱۳۹۵). «نقش کارت امتیازی متوازن در ارزیابی عملکرد مدیران». رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. سال هفتم، شماره ۲، صص ۹۵-۱۱۰.
- جمشیدی، علی و رستمیان، سعید. (۱۳۹۶). «مدیریت ریسک اعتباری در صنعت بانکداری». فصلنامه مطالعات مدیریت و کارآفرینی. دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۰۰-۱۰۸.
- خسروی زاده، اسفندیار؛ حمیدی، مهرزاد؛ یدالهی، جهانگیر و خیبری، محمد. (۱۳۸۸). «شناسایی قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدید های کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران و تنگناها و چالش های فراروی آن». مدیریت ورزشی. دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۹-۳۵.
- رضائی، فرزین و احمدی، زهرا. (۱۳۹۱). «ارزیابی عملکرد شعبات بیمه نوین با استفاده از الگوی BSC و روش TOPSIS». مدیریت توسعه و تحول. شماره ۱۰، صص ۳۱-۳۹.
- رحیمی، زهرا؛ پیامی، اکبر و عنبری، خاطره. (۱۳۹۴). «ارزیابی عملکرد بیمارستان شهید رحیمی خرم آباد بر اساس مدل EFQM». دانشگاه علوم پزشکی لرستان. دوره ۱۷، شماره ۳، صص ۸۷-۹۴.
- سلیمی، مهدی. (۱۳۹۰). «شناسایی و اولویت بندی شاخص های ارزیابی عملکرد باشگاه های لیگ برتر والیبال ایران با بهره گیری از تکنیک AHP». پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی، گرایش مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران.
- شعبانی بهار، غلامرضا؛ پورسلطانی زرنندی، حسین و زارعیان، حسین. (۱۳۹۲). «ارزیابی عملکرد پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۸۷-۱۳۷۷». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۲۰، صص ۳۷-۶۲.
- صدری، حسین و دلوی، محمد رضا. (۱۳۹۶). «تاثیر راهبرد نوآوری بر عملکرد براساس کارت امتیازی متوازن؛ (مورد مطالعه: شرکت توزیع برق اصفهان)». خط مشی گذاری عمومی در مدیریت. دوره ۸، شماره ۳، صص ۳۷-۵۰.
- طالبی پور، مهدی و کشتی دار، محمد. (۱۳۸۸). «طراحی مدل نظارت و ارزیابی تربیت بدنی و ورزش فوق برنامه دانشگاه ها». پژوهش در علوم ورزشی. شماره ۲۴، صص ۱۳-۳۲.
- فیضی، عمار و سلوکدار، علیرضا. (۱۳۹۳). «ارزیابی عملکرد صنعت بانکداری با رویکرد ترکیبی کارت امتیازی متوازن-تاپسیس فازی (FTOPSIS-BSC)». مهندسی مالی و اوراق بهادار (مدیریت پرتفوی). دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۵۷-۷۸.
- کردبچه، حمید. (۱۳۸۹). «روش تحلیل کارایی چند جهتی (مطالعه موردی: بررسی نظام بانکی ایران)». مجله تحقیقات اقتصادی. دوره ۴۵، شماره ۹۳، صص ۱۳۳-۱۵۸.
- کشتی دار، محمد؛ قلی زاده، بهاره؛ اخروی، امیرحسین و عبدالملکی، حسین. (۱۳۹۶). «شناسایی معیارهای ارزیابی ارائه کیفیت خدمات و عملکرد باشگاه های تندرستی بانوان شهر مشهد با روش

- ترکیبی QFD، BSC و FAHP». مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۹، شماره ۴۵، صص ۱۹۱-۲۱۲.
- محمدی، علی و مولایی، نبی. (۱۳۸۹). «کاربرد تصمیم‌گیری چند معیاره خاکستری در ارزیابی عملکرد شرکت‌ها». فصلنامه مدیریت صنعتی. دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۲۵-۱۴۲.
 - میرفخرالدینی، سید حیدر؛ پیمان‌فر، محمد حسن؛ خطیبی عقدا، عبدالنبی و علیمحمدی، حسین. (۱۳۹۲). «ارزیابی عملکرد سازمان‌های ورزشی با استفاده از مدل منسجم BSC - TOPSIS: اداره کل تربیت بدنی استان یزد». نشریه مدیریت ورزشی. دوره ۵، شماره ۱۶، صص ۷۷-۹۶.
 - محمدی نسب، صدیقه السادات و کاظمی متین، رضا. (۱۳۹۴). «مدل MEA در ارزیابی عملکرد با داده‌های منفی». تحقیق در عملیات در کاربردهای آن. دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۲۵.
 - نژاد سجادی، سید احمد و سلیمانی دامنه، جهانگیر. (۱۳۹۳). «شناسایی و اولویت بندی شاخص‌های ارزیابی عملکرد فدراسیون‌های ورزشی ایران با استفاده از مدل AHP». مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۱۷۹-۱۹۲.
 - نژادسجادی، سید احمد؛ حمیدی، مهرزاد و ارسلان، محسن. (۱۳۹۷). «شناسایی و الویت بندی مناظر و راهبردهای سازمان ورزش شهرداری تهران با استفاده از مدل AHP (شاخص‌های پایه ارزیابی عملکرد مدل اجرایی BSC)». مدیریت و توسعه ورزش. دوره ۷، شماره ۳، صص ۳۲-۴۳.
 - Awadallah, E., & Allam, A. (2015). "A critique of the balanced scorecard as a performance measurement tool". International Journal of Business and Social Science, 6(7), pp: 91-9.
 - Asmild, M., & Matthews, K. (2012). "Multi-directional efficiency analysis of efficiency patterns in chinese banks 1997-2008". European Journal of Operational Research, 219, pp: 434-441.
 - Asmild, M. Hougaard, J.L. Kronborg, D. & Kvist, H.K. (2003). "Measuring inefficiency via potential improvements". Journal of Productivity Analysis, 19(1), pp: 59-76.
 - Bogetoft, P. & Hougaard, J.L. (1999). "Efficiency evaluations based on potential (non-proportional) improvements". Journal of Productivity Analysis, 12(3), pp: 245-231.
 - Fooladvand, M., Yarmohammadian, M. H., & Shahtalebi, S. (2015). "The application strategic planning and balance scorecard modelling in enhance of higher education". Social and Behavioral Sciences, 186, pp: 950-4.
 - Fekete, M. & Rozenberg, I. (2014). "The practical model of employee performance evaluation. International Conference Human Capital without Borders: Knowledge and Learning for Quality of Life". Portoroz, Sloveia
 - Fletcher, D. & Arnold, R. (2011). "A qualititative study of performance leadership and management in elite sport". Journal of Applied Sport Psychology, 23(1), pp: 223-42.
 - Karabulut, A.T. (2015). "Effects of Innovation Strategy on firm performance". Procedia-social and Behavioral science, 195, pp: 1347-1338.
 - Lehmann, D. R., Zahay, D., & Peltier, J. W. (2013). "Surveys analyze customer relationship management using balanced scorecard". Journal of Interactive Marketing, 27, pp: 1-16.
 - Ramon, N. Ruiz, j. & Sirvent, I. (2018). "Two-Step benchmarking: setting more

realistically achievable targets in DEA". Expert Systems with Applications, 92, pp: 131-124.

- Stas, D. Lenort, R. Wicher, P. & Holman, D. (2015). **"Green transport balanced scorecard model with analytic network process support"**. Sustainability, 7, pp: 43-61.
- Shaout, A., & Yousif, M. K. (2014). **"Performance evaluation: Methods and techniques survey"**. International Journal of Computer and Information Technology, 3(5), pp: 966-79.
- Soleimani, F. (2012). **"Employee involvement is the prime organizational culture trait influencing balanced scorecard effectiveness in the hospitals: Evidence from a correlation study"**. International Journal of Hospital Research, 1(2), pp: 117-20.
- Wang, K. Yu, Sh. Li, M.J. & Wei, Y.M. (2014). **"Multi-directional efficiency analysis-based regional industrial environmental performance evaluation of China"**. Nat Hazards, pp: 27-1.

مطالعه تأثیر کیفیت ادراک شده بر تصویر برند و وفاداری هواداران به برند تیم‌های فوتبال لیگ برتر فوتبال ایران

اکبر جابری^۱

محمد سررشته داری^۲

مهدی مرادی^۳

کوروش قهرمان تبریزی^۴

doi 10.22034/SSYS.2022.483

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۵/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۷/۹

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر کیفیت ادراک شده بر تصویر برند و وفاداری هواداران به برند تیم‌های فوتبال لیگ برتر فوتبال ایران بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر نحوه گردآوری اطلاعات، توصیفی و مبتنی بر مدل معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش شامل هواداران تیم‌های پرتعداد در لیگ برتر فوتبال ایران بود که تعداد ۳۴۱ نفر به صورت تصادفی در ورزشگاه‌هایی که به صورت هدفمند جهت انجام پژوهش در نظر گرفته شده بودند، به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. پرسشنامه‌های استاندارد «تصویر برند»، «وفاداری به برند» و «کیفیت ادراک شده» به عنوان ابزارهای پژوهش به کار گرفته شدند. روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات متخصصان بازاریابی ورزشی و مدیریت برند تایید و پایایی پرسشنامه‌های پژوهش بر اساس آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌های تصویر برند، وفاداری به برند و کیفیت ادراک شده به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۶ و ۰/۸۳ برآورد گردید. جهت تجزیه تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS18 و Amos 18 و روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده گردید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که کیفیت ادراک شده بر تصویر برند، تصویر برند بر وفاداری به برند و کیفیت ادراک شده بر وفاداری به برند تأثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: کیفیت ادراک شده، تصویر برند، هواداران، وفاداری به برند و لیگ برتر

E-mail: M_sarreshtedari@yahoo.com

۱. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

۲. دکترای مدیریت ورزشی، واحد آیت اعلی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دکترای مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴. دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

مقدمه

امروزه ورزش در کشورهای توسعه یافته به عنوان یک صنعت درآمدزا مطرح شده است و مدیران ورزشی به دنبال راهکارهایی هستند که بتوانند از پتانسیل‌های بالقوه پیرامون ورزش به بهترین شکل بهره ببرند و در سایه آن به اهداف ورزشی - اقتصادی خود دست یابند. در چنین شرایطی، مدیرانی قادرند در عملکرد خود مؤثرتر باشند که جنبه مالی ورزش را در اولویت‌های کاری خود قرار دهند (جابری و همکاران، ۱۳۹۳). در عصر حاضر ورزش به عنوان یکی از قدرتمندترین پدیده‌های اجتماعی تعریف می‌شود و البته یکی از کلیدی‌ترین منابع قدرت ورزش به جایگاه و پتانسیل پیرامون بازاریابی ورزشی برمی‌گردد. ورزش یک صنعت است و یکی از شاخص‌های ضروری جهت عرض اندام به عنوان یک صنعت، توجه به مفهوم برندسازی و توسعه برند است. بدون تردید، موفقیت ورزش و تیم‌های ورزشی در حوزه کسب و کار مستلزم تبدیل شدن به برندهایی است که ذهن و قلب هواداران را به عنوان مشتریان اصلی ورزش درگیر خود سازد. برندها و ارزش‌های منتسب به آن‌ها به عنوان اصلی‌ترین دارایی سازمان‌های تولیدی و خدماتی محسوب می‌شود که هم به طور مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم زمینه را جهت توسعه درآمدزایی فراهم می‌سازد و بی شک، ورزش و باشگاه‌های ورزشی نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشند.

در سال‌های اخیر اعتقاد بر این بوده است که ارزش واقعی خدمات و محصولات برای شرکت‌ها تنها در خود محصولات و خدمات خلاصه نمی‌شود، بلکه ارزش واقعی محصولات و خدمات آن چیزی است که در ذهن مشتریان واقعی و بالقوه وجود دارد و این برند است که ارزش واقعی را در ذهن مشتریان خلق می‌کند (کلر^۱، ۲۰۰۸). از طرف دیگر، ورزش صنعتی است که بیشتر از آنکه با مشتریان خود از طریق کالاهای ملموس ارتباط فیزیکی برقرار کند، ذهن و روان هواداران و علاقه‌مندان را به عنوان مشتریان اصلی درگیر خود می‌سازد و این ویژگی‌های خاص خدمات ورزشی حاکی از اهمیت مدیریت اذهان هواداران جهت تقویت پایگاه برندهای ورزشی است. توجه به ابعاد مدیریت برند تیم‌ها و باشگاه‌های ورزشی به عنوان برندهای جذابی که در رقابت با دیگر برندها به دنبال ترفیع جایگاه خود می‌باشند، می‌تواند به بهبود عملکرد ورزشی و مالی آن‌ها منجر شود. از این رو، توجه به ابزارهای مدیریت برند همچون: تصویر برند، کیفیت ادراک شده و وفاداری در عرصه ورزش می‌تواند نویدبخش بهبود مدیریت برند در حوزه صنعت ورزش باشد.

تصویر برند به عنوان مجموعه‌ای از باورها درباره یک برند خاص در ذهن مشتریان تعریف می‌شود (کاتلر^۲، ۱۹۸۸). کلر (۲۰۱۳) تصویر برند را به عنوان ادراکی درباره برند تعریف می‌کند که توسط تداعی معانی برند در ذهن مشتری شکل می‌گیرد. ادراک تصویر برند که با توجه به تداعی برند و نگرش مشتری شکل می‌گیرد، به عنوان یکی از عناصر مستقل در ارزش ویژه برند است که به طور گسترده در چهارچوب ارزش ویژه برند به کار می‌رود. تصویر برند در تمام تجربه‌های مصرف مشتری ریشه دارد و درک کیفیت خدمت به عنوان کارکرد این

1. Keller

2. Kotler

تجربه‌هاست (کایامان و اراسلی^۱، ۲۰۰۷). تصویر برند، مهم‌ترین عاملی است که بیشتر راهبردهای بازاریابی معطوف به آن است و به وسیله آن در پی برجسته‌سازی برند می‌باشند (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۵). تصویر برند در نظر مشتریان بر اساس باورهای آنان در مورد یک برند خاص شکل می‌گیرد؛ این باورها بر اساس ادراک آن‌ها از ویژگی‌های محصول یا خدمت است.

زمانی که سازمان در مورد تصویری که می‌خواهد از خود منتقل کند به تصویر مشخصی می‌رسد و تأیید می‌کند که بر پایه این تصویر می‌تواند خود را عرضه کند، در پی آن باید ادراکات عمومی را ردیابی کند. آکر^۲ (۱۹۹۱) مداخله تصویر برند را در ارزش ویژه برند مورد بررسی قرار داده است و به نظر می‌رسد که این الگو در حوزه سازمان‌های ورزشی قابل مطالعه و به کارگیری باشد. جایگاه‌سازی برای برند تیم‌های ورزشی به طور مستقیم با تصویری که جذاب و متمایز باشد، ارتباط دارد. (فراند و پیجز^۳، ۱۹۹۹). از دیدگاه نظری، تصویر سازمان‌های ورزشی به عنوان یک نماد اجتماعی دارای محتوای عاطفی قابل توجهی است (فراند و پیجز، ۱۹۹۹). یافته‌های فراند و پیجز (۱۹۹۹) نشان داد که چگونه تصویر تیم‌های ورزشی می‌تواند به عنوان مبنای تصمیم و عمل در حوزه مدیریت ورزشی قرار گیرد. اوتکر^۴ (۱۹۸۸) تصویر سازمانی را با حامیان مالی انتخاب شده مرتبط می‌داند. تصویرها، عامل متمایزسازی و جایگاه‌سازی برای سازمان‌های ورزشی محسوب می‌شوند و این تصویر از سازمان‌های ورزشی بر تصمیم‌گیری افراد در انتخاب ورزش مورد علاقه نیز تأثیرگذار است.

کیفیت خدمات، یکی از کلیدی‌ترین سرفصل‌ها در زمینه مدیریت خدمات و بازاریابی ورزشی محسوب می‌شود (لاولاک و رایت، ۱۹۹۹). از دیدگاه استفورد (۲۰۱۵) و جوز و لورا (۲۰۱۰) کیفیت خدمات و محصولات عبارت است از انطباق خدمت و محصول با نیاز مشتری. کیفیت ادراک شده به معنی قضاوت مشتری در مورد اهمیت ابعاد برند است (آکر، ۱۹۹۱) و رجحان یا برتری که در نهایت مشتری را مجبور به انتخاب در خرید خدمت یا محصول خوب می‌کند. کیفیت ادراک شده را نمی‌توان به طور دقیق تعیین نمود، زیرا بر پایه آنچه برای هر مشتری به طور فردی مهم است، شکل می‌گیرد. شرکت‌ها باید قادر به تعریف عوامل وابسته به کیفیت ادراک شده خدمات دریافتی مشتری در یک صنعت باشند و علائم و سیگنال‌های موجود در مورد کیفیت ادراک شده از دید مشتری را تشخیص دهند. مؤلفه‌های کیفیت خدمات ورزشی می‌تواند منجر به جذابیت هویت برند‌های ورزشی گردد (جابری و همکاران، ۱۳۹۳). موجودیت کالا یا خدمات مستلزم یک جایگاه در ادراک مصرف‌کننده است. ادراک مصرف‌کننده از محصول تحت تأثیر ارزش‌ها، اعتقادات، نیازها و تجربه‌های فردی مصرف‌کننده قرار می‌گیرد. از این رو، مطالعه ارزش‌ها و تمایلات هواداران ورزشی در راستای مدیریت برند‌های ورزشی و تقویت ارزش ویژه آن‌ها امری غیرقابل اجتناب خواهد بود.

وفاداری به برند عبارت از یک تعهد عمیق نسبت به خرید و حمایت مجدد از محصول یا خدماتی خوشایند

1. Kayaman & Arasli

2. Aaker

3. Ferrand & Pages

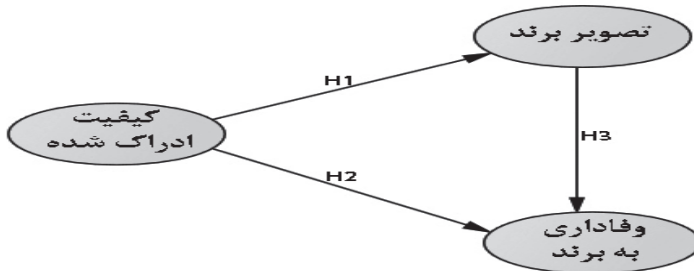
4. Otker

است که با وجود تأثیرات محیطی و عملکرد دیگر رقبا ادامه پیدا می‌کند (الیور^۱، ۱۹۹۷). آکر (۱۹۹۱) وفاداری به برند را به عنوان نوعی وابستگی تعریف می‌کند که مشتریان نسبت به یک برند پیدا می‌کنند و به موضوع وفاداری به برند به عنوان یکی از ابعاد مهم در ساختن یک برند قدرتمند توجه می‌نماید. در همین راستا، وفاداری به عنوان یک عنصر اصلی و از پیامدهای اساسی روابط مشتری-شرکت تعریف شده است (فولرتون^۲، ۲۰۰۳). در همین راستا، وفاداری به عنوان یک عنصر اصلی و از پیامدهای اساسی روابط مشتری-شرکت تعریف گردیده است (فولرتون، ۲۰۰۳). محققان معتقدند که هواداران وفادار هم از لحاظ نگرشی و هم از لحاظ رفتارهای حمایتی، نسبت به تیم مورد علاقه خود متعهد می‌باشند (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۰). به طور کلی، توجه به خواسته‌ها، نظرات، انگیزه‌ها، تمایلات و ارزش‌های مورد نظر هواداران به عنوان مخاطبان اصلی در بازاریابی ورزشی و توسعه برند تیمی می‌تواند زمینه را برای وفاداری بیشتر آن‌ها نسبت به تیم محبوبشان فراهم سازد (جابری و همکاران، ۱۳۹۳).

مدیران ورزشی در راستای تدوین راهبردهای توسعه بازاریابی و برند تیمی باشگاه‌های خود باید بدانند که موضوع وفاداری در عرصه ورزش موضوعی تک بعدی نیست، بلکه توجه به ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، روانشناختی و فرهنگی در فرایند دستیابی به هواداران وفادار به برند باشگاه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. هواداران دلیل وجودی سیستم‌های کسب و کار در ورزش به حساب می‌آیند. بنابراین ارزیابی سلاقی و ذائقه هواداران در مطالعات بازاریابی ورزشی از اهمیت کلیدی برخوردار است. بدون شک، هواداران در عرصه فوتبال یکی از فرصت‌های حیاتی در بهبود شرایط اقتصادی باشگاه محسوب می‌شوند. توجه خاص به حوزه وفاداری در عرصه فوتبال به خصوص فوتبال ایران که در ابتدای مسیر حرفه‌ای شدن می‌باشد، از اهمیت دوچندانی برخوردار است. مطالعه عوامل مهم و مؤثر بر جذب هواداران وفادار و ارائه مدل‌هایی برای توسعه برند تیمی تیم‌های لیگ برتر می‌تواند گامی مؤثر در رشد همه جانبه تیم‌های فوتبال در لیگ برتر فوتبال به شمار آید. اهمیت توسعه پایگاه وفاداری در باشگاه‌های فوتبال به منظور توسعه اقتصادی و ضرورت تدوین راهبردهای اثربخش در جهت تقویت برند تیمی و وفاداری هواداران در فوتبال باشگاهی ایران، مطالعه متغیرهای مرتبط با روابط بین تیم‌ها و هواداران در لیگ برتر را امری غیرقابل اجتناب ساخته است.

ورزش و رویدادهای مرتبط با آن به عنوان صنعتی شناخته می‌شود که عمده محصولات آن جنبه خدماتی دارند و شاخص اصلی ارزیابی کیفیت خدمات آن ریشه در تصورات و اذهان هواداران دارد؛ از این رو، ارزیابی کیفیت خدمات ورزشی و تصویر برند در کنار وفاداری که عمدتاً جنبه ذهنی دارند، می‌تواند به بهبود توسعه برند تیم‌های ورزشی کمک زیادی نماید. از این جهت، مطالعه مفاهیمی مانند تصویر برند و کیفیت ادراک شده در ورزش می‌تواند در توسعه و جایگاه سازی برای برندهای ورزشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. در این پژوهش تلاش شده است با ارائه مدلی چندبعدی به بررسی مفاهیم کلیدی بازاریابی در حوزه بازاریابی ورزشی پرداخته شود. بدون تردید، مفاهیمی همچون تصویر برند، کیفیت ادراک شده و وفاداری به

برند می‌توانند به عنوان عناصر کلیدی و نوین در عرصه برندینگ ورزش ایران مطرح و مورد مطالعه قرار گیرند. با وجود مطالعاتی که در حوزه وفاداری و کیفیت ادراک شده در حوزه ورزش ایران انجام شده، این پژوهش از معدود مطالعاتی است که با ترکیب این متغیرها، به بررسی یک مدل چند بعدی در لیگ برتر فوتبال ایران در راستای تقویت تصویر برند و وفاداری هواداران پرداخته است. مدل مفهومی پژوهش و فرضیه‌های پژوهش در قالب مدل زیر (شکل ۱) ارائه شده است:



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر اهداف، کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها، از نوع توصیفی و پیمایشی است. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین از یک مطالعه میدانی در میان جامعه آماری پژوهش استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق را هواداران تیم‌های طرفدار لیگ برتر ایران (تراکتورسازی تبریز، استقلال تهران، فولاد مبارکه اصفهان، پرسپولیس تهران و فولاد خوزستان) در شانزدهمین دوره لیگ برتر ۹۶-۱۳۹۵ ایران تشکیل می‌دادند که به داشتن هواداران پرشور و علاقه‌مند زبانزد می‌باشند. انتخاب هواداران تیم‌های مورد مطالعه به عنوان جامعه تحقیق با توجه به هدف اصلی تحقیق و بر مبنای نظر محققان حوزه بازاریابی و مدیریت ورزشی صورت پذیرفته است. بر اساس نظر محققان، این تیم‌ها از جمله تیم‌هایی هستند که در رقابت‌های لیگ برتر به داشتن هواداران وفادارتر و پرشورتر از شهرت بالاتری برخوردار می‌باشند. تعداد جامعه آماری پژوهش، به دلیل عدم وجود آمار دقیق و مستند از هواداران تیم‌های فوتبال لیگ برتر، در دسترس نبود و جهت تعیین تعداد نمونه از فرمول مورد استفاده برای معادلات ساختاری یعنی $15q \leq n \leq 5q$ که q تعداد سؤالات و n اندازه نمونه است، استفاده شد (هومن، ۱۳۸۴). در این پژوهش ۲۳ سؤال مطرح شد. لذا تعداد نمونه جهت انجام تحقیق رضایت‌بخش، بین ۱۱۵ تا ۳۴۵ نفر ارزیابی گردید. برای رسیدن به تعداد نمونه مناسب و کافی، با توجه به احتمال عدم برگشت پرسشنامه‌ها و یا بی‌اعتباری برخی از آن‌ها به دلایل مختلف، تعداد ۴۰۰ پرسشنامه به طور تصادفی - در ورزشگاه‌هایی که به صورت هدفمند جهت انجام پژوهش در نظر گرفته شده بودند - حدود یک ساعت قبل از برگزاری مسابقات این تیم‌ها در استادیوم‌های محل مسابقه توزیع گردید. پرسشنامه‌ها در زمان برگزاری بازی‌های پرسپولیس تهران - فولاد خوزستان در تهران، استقلال تهران -

پرسپولیس تهران در فولاد مبارکه سپاهان - تراکتورسازی در تبریز و فولاد خوزستان - فولاد مبارکه سپاهان در اصفهان در دوره شانزدهم لیگ برتر فوتبال ایران توزیع و جمع‌آوری گردید. انتخاب بازی‌ها با توجه به مصاف تیم‌هایی انجام گرفته است که هواداران آن‌ها جزو جامعه تحقیق بوده‌اند. از ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شده، ۳۶۸ عدد برگشت داده شد که بعد از مرور اولیه، تعداد ۳۴۱ عدد از آن‌ها واجد شرایط برای به‌کارگیری در محاسبات و تحلیل‌ها تشخیص داده شدند - با توجه به فرمول حجم نمونه، این تعداد از نمونه برای انجام تحقیق مناسب ارزیابی می‌شود (در محدوده قابل قبول قرار دارد).

پرسشنامه‌های استاندارد «تصویر برند» کایامن و اراسلی^۱ (۲۰۰۸) با پنج گویه و «وفاداری برند» هی^۲ (۲۰۱۲) با شش گویه و «کیفیت ادراک شده» سان^۳ (۲۰۰۴) با ۱۲ گویه به‌عنوان ابزارهای پژوهش به کار گرفته شد. مقیاس درجه‌بندی هر سؤال از بسیار موافق تا کاملاً مخالف بر اساس طیف لیکرت بین ۱ تا ۵ تعیین گردید. اعتبار محتوای این پرسشنامه توسط ۱۴ نفر از افراد صاحب‌نظر، متخصصان بازاریابی ورزشی و مدیریت برند مورد تأیید قرار گرفت. جهت حصول اطمینان از روایی پرسشنامه، از روش روایی محتوا استفاده شد؛ به این ترتیب که پرسشنامه اولیه با بهره‌گیری از نظرات ۹ نفر از کارشناسان، متخصصان و خبرگان حوزه مدیریت ورزشی و مدیریت بازرگانی و آشنا به موضوع پژوهش در مورد تعداد سؤالات، نحوه بیان سؤالات، تقدم و تأخر سؤالات و طیف گزینه‌های پاسخ، مورد بازنگری قرار گرفت. درنهایت، پس از چند مرحله بازنگری و انجام یک مرحله آزمایشی، پرسشنامه نهایی تنظیم شد.

به‌منظور تعیین پایایی آزمون نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. پایایی پرسشنامه‌های پژوهش بر اساس آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌های «تصویر برند»، «وفاداری به برند» و «کیفیت ادراک شده» به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۶، و ۰/۸۳ برآورد گردید. به‌منظور تعیین روایی سازه، از تحلیل مؤلفه‌های اصلی و تحلیل عامل تأییدی استفاده شد. در این پژوهش مقدار شاخص KMO حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی برای مؤلفه کیفیت ادراک شده برابر ۰/۷۹ و سطح معناداری آزمون بارتلت برابر ۰/۰۰۱ به‌دست آمد. واریانس تبیین شده برای کیفیت ادراک شده برابر ۰/۵۹ محاسبه گردید. مقدار شاخص KMO حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی برای تصویر برند برابر ۰/۸۸ و سطح معناداری آزمون بارتلت برابر ۰/۰۰۱ به‌دست آمد. واریانس تبیین شده برای تصویر برند برابر ۰/۶۸ محاسبه گردید. در نهایت در این پژوهش مقدار شاخص KMO حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی برای وفاداری به برند برابر ۰/۸۱ و سطح معناداری آزمون بارتلت برابر ۰/۰۰۱ به‌دست آمد. واریانس تبیین شده برای وفاداری به برند برابر ۰/۶۳ محاسبه گردید. با توجه شاخص‌های به‌دست آمده در این مرحله، تحلیل عامل اکتشافی با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی انجام و ابعاد پرسشنامه مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز بیانگر صحت روایی پرسشنامه بوده است - بارهای عاملی برای تمامی گزاره‌ها بیشتر از ۰/۵۰ محاسبه گردید.

1. Kayaman & Arasli

2. He

3. Sun

جهت تجزیه تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS18 و Amos 20 استفاده گردید. در این پژوهش برای تجزیه تحلیل روابط و بررسی برازش کلی مدل پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. در مدل‌سازی معادلات ساختاری از یک طرف، میزان انطباق داده پژوهش و مدل مفهومی بررسی شد که آیا از برازش مناسب برخوردار است و از طرف دیگر، معناداری روابط در مدل برازش یافته، آزمون شد. شاخص‌های برازش مدل شامل CFI ، NFI ، $AGFI$ ، GFI ، $RMSEA$ ، $CMIN/Df$ و IFI بوده است. مدلی از برازش مناسب برخوردار است که $CMIN$ نسبت به درجه آزادی (df) کمتر از ۳ باشد، مقدار $RMSEA$ کمتر از ۱۰ صدم، مقدار CFI ، $AGFI$ ، NFI و IFI بیشتر از ۹۰ صدم باشد (علامه و همکاران، ۲۰۱۲).

یافته‌های پژوهش

۲۳۷ جهت تعیین سطح قابل قبول هر شاخص برای مدل‌های اندازه‌گیری، ابتدا باید تمام مدل‌های اندازه‌گیری را جداگانه مورد تحلیل قرار داد. بر مبنای اتخاذ چنین روشی ابتدا ۳ مدل اندازه‌گیری که مربوط به متغیرها می‌باشند، به طور مجزا مورد آزمون قرار گرفت. شاخص‌های کلی برازش برای مدل‌های اندازه‌گیری در جدول ۱ ارائه شده اند:

جدول ۱: شاخص‌های کلی برازش الگوهای اندازه‌گیری

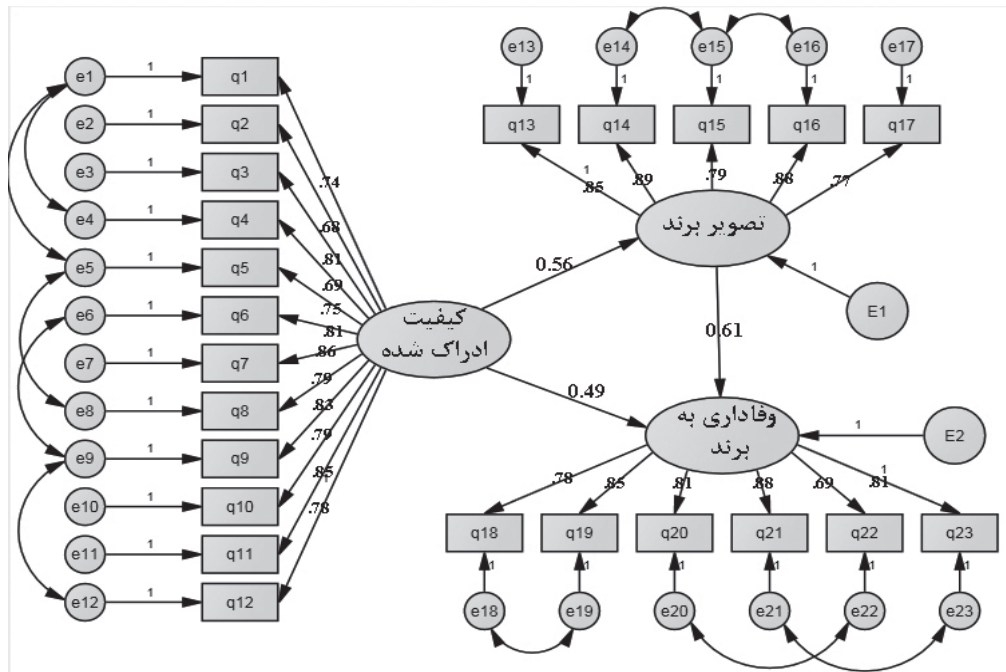
نام شاخص	$CMIN/Df$	GFI	$AGFI$	NFI	CFI	IFI	$RMSEA$
تصویر برند	۲/۴۱	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۰۱
وفاداری به برند	۲/۲۸	۰/۹۳	۰/۹۳	۰/۹۳	۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۰۲۱
کیفیت ادراک شده	۲/۱۸	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۹۲	۰/۰۱۱
برازش قابل قبول	<۳	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	<۰/۱۰

با توجه به نتایج جدول ۱ می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای اندازه‌گیری از برازش خوبی برخوردار هستند؛ به عبارت دیگر، شاخص‌های کلی تایید می‌کنند که داده‌ها به خوبی از الگوها حمایت می‌نمایند. پس از بررسی و تایید الگوهای اندازه‌گیری در گام اول، در گام دوم برای آزمون روابط از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. در جدول ۲ شاخص‌های کلی برازش تحلیل مسیر ارائه شده است:

جدول ۲: شاخص‌های کلی برازش مدل معادلات ساختاری پژوهش

نام شاخص	$CMIN/Df$	GFI	$AGFI$	NFI	CFI	IFI	$RMSEA$
مدل نهایی	۲/۴۳	۰/۹۲	۰/۹۱	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۹۲	۰/۰۴۱
برازش قابل قبول	<۳	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	<۰/۱۰

با توجه به جدول ۲ می‌توان نتیجه گرفت که شاخص‌های کلی نشان از برازش خوب الگو توسط داده‌ها دارد یا به عبارتی می‌توان گفت که داده‌های جمع‌آوری شده به خوبی الگورا مورد حمایت قرار می‌دهند. الگو اصلاح شده مدل معادلات ساختاری^۱ پژوهش به همراه ضرایب رگرسیونی در شکل ۲ ارائه شده است:



شکل ۲: الگوی معادلات ساختاری پژوهش

پس از بررسی و تایید الگو، برای آزمون معناداری روابط از دو شاخص جزئی مقدار بحرانی^۲ و P استفاده شده است. مقدار بحرانی مقداری است که از حاصل تقسیم «تخمین وزن رگرسیونی»^۳ بر «خطای استاندارد» به دست می‌آید. بر اساس سطح معناداری ۰/۰۵، مقدار بحرانی باید بیشتر از ۱/۹۶ باشد. کم‌تر از این مقدار، پارامتر مربوط در الگو، مهم شمرده نمی‌شود و همچنین مقادیر کوچک‌تر از ۰/۰۵ برای مقدار P حکایت از تفاوت معنادار مقدار محاسبه شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح اطمینان ۰/۹۵ دارد. روابط مربوط به مدل تحقیق به همراه ضرایب رگرسیونی و مقادیر شاخص‌های جزئی مربوط به هر یک از روابط در جدول ۳ آورده شده است:

1. Structural Equation Modelling
2. Critical Ratio (C.R.)
3. Regression weights

جدول ۳: ضرایب رگرسیونی و نتایج آزمون روابط

شماره روابط	مسیر		β	C.R	ρ	نتیجه
۱	←	کیفیت ادراک شده	تصویر برند	۰/۵۶	۷/۴۹	***
۲	←	کیفیت ادراک شده	وفاداری برند	۰/۴۹	۶/۳۴	***
۳	←	تصویر برند	وفاداری برند	۰/۶۱	۸/۸۹	***

*** $p < 0.001$

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۳، هر سه رابطه ترسیم شده در مدل مفهومی مورد تایید قرار گرفتند.

بحث و نتیجه گیری

مدیران و بازاریابان ورزشی به منظور ایجاد برندهای قدرتمند از تیم های ورزشی در حوزه صنعت ورزش و دستیابی به هواداران وفادار باید بررسی ادراکات هواداران و تعیین عوامل هویت ساز برای تیم های ورزشی را در رأس راهبردهای بازاریابی و برندسازی خود قرار دهند تا بدین ترتیب بتوانند از پتانسیل هواداران وفادارتر حداکثر بهره را ببرند. به عبارت دیگر، از طریق تقویت وفاداری هواداران می توان به تسریع فرایند برند سازی از تیم های فوتبال امیدوار بود (جابری و همکاران، ۱۳۹۵). این پژوهش تلاش کرده تا تأثیر کیفیت ادراک شده از خدمات تیم های فوتبال لیگ برتر و تصویر برند این تیم ها از منظر هواداران به عنوان مشتریان اصلی صنعت ورزش را بر وفاداری هواداران مورد مطالعه قرار دهد.

بخشی از یافته های پژوهش حاکی از این بود که کیفیت ادراک شده، تأثیر مثبت و معناداری بر تصویر برند تیم های لیگ برتر فوتبال ایران داشته است. بنابراین با بهبود و تقویت کیفیت ادراک شده، تصویر برند تیم های فوتبال لیگ برتر ایران نیز از دیدگاه هواداران بهبود پیدا می کند. در تحقیقات کیفی که توسط برون و همکاران^۱ (۲۰۰۱) انجام گرفته، تصویر برند دارای تأثیر مثبتی بر کیفیت ادراک شده از محصول و خدمات بوده است. پژوهش های کمی که توسط اندریسن و لیندستاد^۲ (۱۹۹۸) و بلومر و همکاران^۳ (۱۹۹۸) انجام شده نیز نشان داده اند که تصویر برند بر کیفیت ادراک شده مؤثر بوده است. نتایج پژوهش عسکریان و اکبرزاده (۱۳۹۵) نشان داد که تصویر ادراک شده بر ارزش ادراک شده از برندهای ورزشی تأثیر معنادار دارد. با توجه به یافته های پژوهش و مرور ادبیات پژوهش، تیم های ورزشی ناگزیرند جهت تقویت تصویر برند خود در ذهن هواداران و به تبع آن توسعه برند تیمی خود به کیفیت خدمات ارائه شده در حوزه مختلف حساسیت نشان دهند و جهت مدیریت کیفیت خدمات ارائه شده، راهبردهای مناسبی را اتخاذ نمایند. بهبود کیفیت خدمات ارائه شده در فرایند قبل، بعد و در حین برگزاری رویدادهای ورزشی در قالب بلیط فروشی، رفتار مناسب پرسنل ورزشگاه ها و اماکن ورزشی مربوط به رویدادها، مدیریت عرضه و فروش کالاهای مربوط به تیم ها (کلاه، شال، تی شرت

1. Brown et al.

2. Andreassen & Lindestad

3. Bloemer et al.

و.....)، مدیریت عرضه مواد غذایی و خوراکی در استادیوم‌ها، سهولت دسترسی به اماکن برگزاری رویدادها و تسهیل کانال‌های ارتباطی هواداران به تیم‌های محبوب خود از جمله مواردی است که می‌تواند باعث تقویت کیفیت ادراک شده و در نتیجه بهبود تصویر برند تیمی شود.

بخشی دیگر از یافته‌های پژوهش نشان داد که کیفیت ادراک شده تأثیر مثبت و معناداری بر وفاداری به برند تیم‌های لیگ برتر فوتبال ایران داشته است. بنابراین با بهبود و تقویت کیفیت ادراک شده، میزان وفاداری به برند تیم‌های فوتبال لیگ برتر ایران نیز از دیدگاه هواداران افزایش پیدا می‌کند. لای و همکاران^۱ (۲۰۰۹) نیز دریافتند که کیفیت ادراک شده تأثیر مثبتی بر وفاداری برند داشته است. نتایج مطالعات مارتینسون^۲ (۲۰۰۷) هم نشان داد که با تقویت کیفیت ادراک شده در ذهن مشتری، میزان وفاداری و تمایل به خرید نیز افزایش می‌یابد. زیتمال و همکاران^۳ (۱۹۹۶) همبستگی قدرتمندی بین کیفیت خدمات و وفاداری را در شرکت‌های خدماتی متعددی گزارش کرده‌اند. یافته‌های بلومر و همکاران (۱۹۹۹) نیز نشان داده است که کیفیت خدمات تأثیر مثبتی بر وفاداری مشتریان داشته است. بر اساس نتایج پژوهش ضیاء و تهران پور (۱۳۹۵) کیفیت خدمات درک شده و وفاداری مشتری رابطه مستقیم و معناداری داشته و تصویر شرکت رابطه بین کیفیت خدمات درک شده و وفاداری مشتری را میانجی‌گری می‌کند. یافته‌های فراهانی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که کیفیت ادراک شده و تصویر برند تأثیر مثبت و معناداری بر وفاداری مشتریان داشته‌اند. یافته‌های پژوهش در کنار ادبیات گسترده‌ای که در حوزه برند سازی و وفاداری انجام گرفته حاکی از این واقعیت است که کیفیت خدمات ارائه شده ارتباط نزدیکی با همبستگی مشتریان با برندهای مورد نظر داشته است. کیفیت خدمات ارائه شده توسط یک سازمان ورزشی یا تیم ورزشی نگرش، عاطفه و رفتار هواداران را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم رفتار هواداران را هدایت و مدیریت می‌کند. توجه به عوامل فیزیکی و غیر فیزیکی پیرامون باشگاه‌ها و تیم‌های ورزشی می‌تواند زمینه را برای وفاداری بالاتر هواداران فراهم سازد و منجر به تقویت خرید خدمات و کالاهای منتسب به تیم‌های ورزشی گردد.

بخشی دیگر از یافته‌ها بر تأثیر مثبت و معنادار تصویر برند بر وفاداری به برند تیم‌های لیگ برتر فوتبال ایران دلالت داشت. بنابراین با بهبود و تقویت تصویر برند تیم‌های فوتبال لیگ برتر ایران میزان وفاداری هواداران نیز افزایش پیدا می‌کند. یافته‌های یوسفی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد که تصویر برند ورزشکاران تأثیر مثبتی بر همانندسازی هواداران دارد. دیک و باسو^۴ (۱۹۹۴) تأکید کردند که یک تصویر مطلوب از برند در تکرار حمایت مشتریان از شرکت مؤثر است. یافته‌های فراهانی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که تصویر برند تأثیر مثبت و معناداری بر وفاداری مشتریان داشته است. نتایج یافته‌های تسیوتسو^۵ (۲۰۰۵) و گریوال و همکاران^۶ (۱۹۹۸) نیز نشان داده‌اند که تصویر ادراک شده بر تمایل به خرید مشتریان - به عنوان یکی از مصادیق رفتاری

1. Lai et al.

2. Martenson

3. Zeithaml

4. Dick & Basu

5. Tsiotsou

6. Grewal et al.

وفاداری - تأثیرگذار بوده است. نتایج یافته‌های سرتو و برودی^۱ (۲۰۰۷) نشان داده که تصویر برند بر وفاداری مشتریان تأثیر معناداری نداشته است. لای و همکاران (۲۰۰۹) نیز دریافتند که تصویر برند تأثیر مثبتی بر وفاداری برند داشته است. یافته‌های پژوهش اختر و همکاران^۲ (۲۰۱۱) نشان داد که رابطه مثبتی بین تصویر برند و وفاداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش تاکور و سینگ^۳ (۲۰۱۲) نیز گویای آن است که رابطه مثبتی بین مزایای تصویر برند و وفاداری وجود دارد. در شرایط سردرگمی مشتریان در انتخاب برندها و تمایز بین آن‌ها، تصویر برند و فعالیت‌های بازاریابی تا حدود زیادی می‌تواند بر تصمیم مشتریان مؤثر واقع گردد (کایامن و آرسلی، ۲۰۰۷). تصویر، نقطه کانونی جذب اولیه و عامل مؤثر در خرید مشتریان و نشان دهنده ارزش سازمان و کیفیت محصول آن است (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۵). هویت معرفی شده از سازمان‌ها و شرکت‌ها می‌تواند منجر به ایجاد یک تصویر خاص از شرکت در ذهن مصرف‌کنندگان شود (میناگان^۴، ۱۹۹۵). تصویر برند می‌تواند به فرایند پردازش و گزینش اطلاعات برندها در فرایند تصمیم‌گیری مشتریان کمک نماید (فراند و پیجز، ۱۹۹۹). تصویر برند قادر است به افراد علاقه‌مند به حوزه ورزش کمک کند که از میان خدمات مختلف اطلاعات لازم را کسب و درباره آن‌ها قضاوت نماید (فراند و پیجز، ۱۹۹۹). نتایج پژوهشی که توسط فراند و پیجز (۱۹۹۹) انجام گرفته است حاکی از تأثیر تصویر ادراک شده از سازمان‌های ورزشی بر خرید بلیط‌های فصلی مسابقات بوده است. این پژوهش نشان داد که تصویر ادراک شده بر وفاداری بالاتر تماشاگران تأثیرگذار می‌باشد. ورزش دربرگیرنده زنجیره گسترده‌ای از ارزش‌ها و نمادهاست و تمامی این جنبه‌ها می‌تواند در تصویر تیم‌های ورزشی نمود پیدا کند (فراند و پیجز، ۱۹۹۹). تصویر برند بر حوزه کسب‌وکار نقش مهمی را در ایجاد تمایز ایفا می‌کند به خصوص زمانی که محصولات و خدمات ارائه شده از نظر ویژگی‌های ملموس قابل تمایز نمی‌باشند (مودامبی و همکاران^۵، ۱۹۹۷). بنابراین تصویر برند در خدمات ورزشی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد تمایز ایفا نماید. تصویر کسب‌وکار در ابعاد گسترده‌ای رفتار و واکنش ذی‌نفعان را نسبت به اقدامات و موضوعات مرتبط با شرکت و محصولات آن تحت تأثیر قرار می‌دهد (شی و زهرا^۶، ۲۰۱۴). برای افزایش تصویر ادراک شده در ذهن مشتریان توجه به شکل محصول، کیفیت محصول، قیمت مرتبط با خدمات ارائه شده، منطقه جغرافیایی، شهرت و ... می‌تواند ازجمله عواملی باشد که شرکت‌ها و سازمان‌های ورزشی باید آن‌ها را در نظر بگیرند (عسکریان و اکبرزاده، ۱۳۹۵). ریس و تروت^۷ (۱۹۸۱) معتقدند که برای جایگاه‌سازی یک برند الزام نیازی به خلق کالا یا خدمات جدید و متفاوت نیست، بلکه برای جایگاه‌سازی برند باید آن چیزی را تغییر داد که در ذهن افراد وجود دارد. بنابراین با توجه به این واقعیت که حوزه ورزش یک حوزه خدمات محور است، توجه ویژه به برندسازی با تأکید بر مدیریت ذهن و تداعیات ذهنی هواداران در حوزه

1. Cretu & Brodie

2. Akhter et al.

3. Thakur & Singh

4. Meenaghan

5. Mudambi et al.

6. Shei & Zahra

7. Ries & Trout

ورزش می‌تواند تصویری متمایز از برندهای ورزشی در ذهن هواداران ایجاد نماید. زمینه‌سازی جهت ایجاد تجربیات خوشایند برای هواداران در کنار تیم‌ها و رویدادهای مختلف می‌تواند منجر به ایجاد تصویری جذاب از تیم‌ها و ورزش مورد علاقه در ذهن هواداران شود. استفاده از محیطی سرگرم‌کننده و نشاط آور برای هواداران در کنار تیم‌های ورزشی می‌تواند در این زمینه تأثیرگذار باشد.

انجام مطالعات نیازسنجی برای شناسایی نیازها، خواسته‌ها، سلايق و علايق مشتریان در جهت افزایش کیفیت ادراک شده و تصویر و تجربه حسی مشتریان می‌تواند زمینه‌های لازم برای افزایش فروش مجدد فراهم سازد (عسکریان و اکبرزاده، ۱۳۹۵). با این رویکرد، مطالعه هواداران از نظر نگرشی و رفتاری می‌تواند به عنوان نقشه راهی برای مدیران ورزشی در حوزه بازاریابی و برندسازی ورزشی مورد توجه قرار گیرد.

توسعه يك برنامه راهبردی تصویرسازی برای کسب و کارهای فعال در صنعت ورزش پیشنهاد می‌گردد؛ چنان‌که عواملی چون: تبلیغات شرکت، هویت شرکت، تصویر برند، روابط عمومی و رفتار کارکنان باید مورد توجه قرار گیرد. شرکت باید تصویر مورد نظر برای هر یک از گروه‌های ذی‌نفع را تبیین، تعریف و شناسایی نماید. داشتن درک کامل از گروه‌های مختلف ذی‌نفعان، پیش‌نیاز طراحی برنامه تصویرسازی مؤثر محسوب می‌شود (ضیاء و تهران‌پور، ۱۳۹۵). مدیریت باشگاه‌های ورزشی باید با ارتقای کیفیت خدمات در جهت رضایت‌مندی هواداران خود گام بردارند و در نتیجه از مزایای بروز هویت و تصویر مثبت برند بهره‌برداری نمایند (حاتمی و اکبری یزدی، ۱۳۹۶). با جهانی‌تر و ثروتمندتر شدن باشگاه‌های بزرگ، باشگاه‌هایی با منابع محدودتر برای رقابت کردن و حتی برای زنده نگه‌داشتن خود به چالش کشیده می‌شوند و این موضوع اهمیت درآمدزایی تیم‌های ورزشی از طریق ورود به چرخه صنعت و تبدیل شدن به برندهای تجاری معتبر را بیش از پیش نمایان می‌سازد. کیفیت خدمات در کنار تصویر برند و وفاداری هواداران از جمله مفاهیمی است که بررسی و مطالعه عمیق آنها در حوزه صنعت ورزش می‌تواند زمینه لازم را جهت تقویت ورزش به عنوان یک صنعت و برند جذاب فراهم سازد. با توجه به خدماتی بودن ماهیت ورزش و رویدادهای پیرامون آن، تمرکز بر بهبود کیفیت خدمات و ایجاد تصویرهای ذهنی جذاب و قدرتمند می‌تواند به عنوان ابزاری کلیدی در تقویت وفاداری، ارزش ویژه و جایگاه‌سازی برند تیم‌های لیگ برتر فوتبال ایران مورد توجه قرار گیرد.

در دنیای فوتبال، جمعیت زنان یکی از پتانسیل‌های عمده در حوزه هواداری محسوب می‌شود، اما یکی از محدودیت‌های این پژوهش در کنار دیگر پژوهش‌هایی که در زمینه هواداری در ورزش ایران انجام می‌گیرد، عدم امکان مشارکت و مطالعه این بخش از هواداران در فرایند پژوهش‌های بازاریابی ورزشی می‌باشد. بدون شک رفع اینگونه محدودیت‌های پژوهشی و فراهم شدن الزامات حضور بانوان در ورزش فوتبال می‌تواند پتانسیل‌های بیشتری برای صنعت فوتبال و پژوهش‌های مرتبط با آن ایجاد نماید. از طرف دیگر، گرایش به سمت پژوهش‌هایی با رویکرد کیفی می‌تواند به غنی‌سازی پژوهش‌ها و بومی‌سازی مبانی نظری و پژوهشی در صنعت ورزش ایران کمک قابل توجهی داشته باشد.

منابع

- جابری، اکبر؛ اسدی دستجردی، حسن؛ مظلومی سوینی، فرزانه و خزائی پول، جواد. (۱۳۹۵). «تأثیر ابعاد هویت برند تیمی بر وفاداری رفتاری هواداران فوتبال در لیگ برتر ایران». دوفصلنامه مدیریت و توسعه ورزش، ۸(۱)، ص ۱-۱۷.
- جابری، اکبر؛ سلطان حسینی، محمد؛ نادریان جهرمی، مسعود و خزائی پول، جواد. (۱۳۹۳). «ارائه مدلی برای توسعه وفاداری به برند تیم‌های لیگ برتر فوتبال ایران با استفاده از روش مدل بندی معادلات ساختاری». نشریه مدیریت ورزشی. ۶(۳)، ص ۴۷۵-۴۹۲.
- حاتمی، سعید؛ اکبری یزدی، حسین (۱۳۹۶). «طراحی مدل تأثیر کیفیت خدمات ادراک شده بر هویت اجتماعی برند از دیدگاه هواداران باشگاه فوتبال پرسپولیس». نشریه مدیریت ورزشی. ۹(۱)، ص ۱۴۵-۱۵۹.
- ضیاء، بابک و طوطی، فرطهران پور، محمد مهدی. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه بین کیفیت خدمات درک شده و وفاداری مشتری با تأکید بر نقش میانجی‌گری تصویر شرکت و اعتماد در کسب‌وکارهای ورزشی». نشریه مدیریت ورزشی. ۸(۴)، ص ۶۱۹-۶۳۵.
- عسکریان، فریبا و اکبرزاده، بهزاد. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه بین ارزش ادراک شده برندهای ورزشی و قصد خرید مجدد مشتریان». نشریه مدیریت و توسعه ورزش. ۸(۱)، ص ۲۱۷-۲۳۱.
- فراهانی، بنفشه؛ بهاری، شهلا؛ بذله، مرجان و بهاری، حامد. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه رضایت مشتریان، تصویر برند و کیفیت ادراک شده بر وفاداری مشتریان در صنعت هتلداری». نشریه مطالعات هتلداری و میزبانی. ص ۷۳-۱۰۲.
- یوسفی، بهرام؛ امیری، سحر و احمدی، بهشت. (۱۳۹۳). «اثر ابعاد تصویر برند ورزشکار بر همانندسازی با ورزشکار». نشریه رویکردهای نوین در ورزش. ۲(۶)، ص ۹-۲۲.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۴). مدل یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار لیزرل. تهران: انتشارات سمت
- Aaker, D.A. (1991). **Managing Brand Equity: Capitalizing on the Value of a Brand Name**. New York: Free Press, NY.
- Akhter, W. Abbasi, A. S. Ali, I. and Afzal, H. (2011). "Factors Affecting Customer Loyalty in Pakistan". African Journal of Business Management, 5,(4), 1167-1174, Available at: <http://www.Academicjournals.org/AJBM>.
- Allameh, S.M, Khazaei Pool, J., Tabani Far, B. and Jamshidi, H. (2012). "Analyzing the Impact of Personal Interactions Quality on Customer's Satisfaction and Loyalty with Mediator Role of Communications Quality: (Case Study: Isfahan's Retail Stores)". Journal of Basic and Applied Scientific Research, 2(6), p. 5743-5749.
- Andreassen, T. W., & Lindestad, B. (1998). "Customer loyalty and complex services: The impact of corporate image on quality, customer satisfaction and loyalty for customers with varying degrees of service expertise". International Journal of Service Industry Management, 9(1), 7 –23.
- Bloemer, J., De Ruyter, K. O., & Wetzels, M. (1999). "Linking perceived service quality and service loyalty: a multi-dimensional perspective". European journal of marketing, 33(11/12), 1082-1106.

- Bloemer, J., de Ruyter, K., & Peeters, P. (1998). **“Investigating drivers of bank loyalty: The complex relationship between image, service quality and satisfaction”**. The International Journal of Bank Marketing, 16(7), 276–286.
- Brown, J., Easingwood, C., & Murphy, J. (2001). **“Using qualitative research to refine service quality models”**. Qualitative Market Research, 4(4), 217–223.
- Cretu, A. E., & Brodie, R. J. (2007). **“The influence of brand image and company reputation where manufacturers market to small firms: A customer value perspective”**. Industrial Marketing Management, 36(2), 230-240.
- Dick, A., & Basu, K. (1994). **“Customer loyalty: toward an integrated conceptual framework”**. Journal of Academy of Marketing Science, 22(2), 99-113.
- Eunju, K. Kim, K.H. Zhang, H. (2008). **“A cross cultural study of antecedents of purchase intention for sports shoes in Korea and China”**. Journal of Global Academy of Marketing, 18(1): 157-177.
- Ferrand, A., & Pages, M (1999). **“Image management in sport organisations: the creation of value”**. European Journal of Marketing, 33(3/4), 387-402.
- Fullerton, G. (2003). **“When does commitment lead to loyalty?”** Journal of Service Research, 5(4): 33-44.
- Grewal, D. krishnan, R. Baker, J. Borin, N. (1998). **“The Effect of Store Name, Brand Name and Price Discounts on Consumers' Evaluations and Purchase Intentions”**. Published in Journal of Retailing, 74(1): 331-352.
- Jose A., Laura, M. (2010). **“Some insights on conceptualizing and measuring service quality”**. Journal of Retailing and Consumer Services, 17.
- Kayaman, Ruchan., & Arasli, Huseeyin. (2007). **“Customer based brand equity: evidence from the hotel industry”**. Managing Service Quality, 17(1) , 92-109.
- Keller, K. L. (2013). **“Strategic Brand Management: Building, Measuring, and Managing Brand Equity”**. Boston: 4th ed., Pearson, MA.
- Keller, K. L. (2008). **“Strategic brand management, building, measuring and managing brand equity”**. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- Kotler, P. (1988). **“Marketing Management: Analysis, Planning and Control”**. Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ.
- Lai, F., Griffin, M., & Babin, B. J. (2009). **“How quality, value, image, and satisfaction create loyalty at a Chinese telecom”**. Journal of Business Research, 62(10), 980-986.
- Lovelock, C., Wright, L. (1999). **“Principles of service marketing and management”**. Upper Saddle River. Journal of Management, (12)2. 883 – 903.
- Mahony, D.F., Madrigal, R., Howard, D.R (2000). **“Using the psychological commitment to a team (PCT) scale to segment sport consumer based on loyalty”**. Sport Marketing

Quarterly, 9(1), 15-25.

- Martenson, R. (2007). **“Corporate brand image, satisfaction and store loyalty”**. International Journal Retail Distribution Management, 35(35), 544-555.
- Meenaghan, T. (1995). **“The role of advertising in brand image development”**. Journal of Product & Brand Management, 4(4), 23-34.
- Mudambi, S. M., Doyle, P., & Wong, V (1997). **“An exploration of branding in industrial markets”**. Industrial Marketing Management, 26(5), 433– 446.
- Oliver, R. L. (1997). **“A Behavioral Perspective on the Consumer”**. New York: McGraw-Hill.
- Otker, T. (1988). **“Exploitation: the key to sponsorship success”**. European Research, May, 77-86.
- Ries and Trout (1981). **“Positioning: The Battle for Your Mind”**. New York: McGraw-Hill, NY.
- Shei, P., Zahra, S. (2014). **“Enhancing innovation capability through relationship management and implications for performance”**. European Journal of Innovation Management, 9(4), 466-483.
- Stafford, K. (2015). **“Determinants of Service Quality and Satisfacation in the Auto Casualty Claims process”**. Journal of service Marketing.
- Sun, Jin. (2004). **“Brand Equity, perceived value and Revisit Intention in the us mid-priced Hotel segment”**. In partial fulfillment of the requirements for Degree of MASTER OF SCIENCE, Oklahoma state university.
- Thakur, S. & Singh A. P. (2012). **“Brand Image, Customer Satisfaction and Loyalty Intention: A Study in the Context of Cosmetic Product among the People of central India”**. International Journal of Multidisciplinary Management Studies, 2(5): 37-50.
- Tsiotsou, R. (2005). **“The role of perceived product quality and overall satisfaction on purchase intentions”**. International Journal of Consumer Studies, 30(2): 207-217.
- Zeithaml, V.A., Berry, L.L. and Parasuraman, A. (1996). **“The behavioral consequences of service quality”**. Journal of Marketing, 60, 31-46.

شناسایی شرایط علی موثر بر شناخت استعداد های ورزشی مدارس سمای کشور (مطالعه ای با رویکرد گرند تئوری)

جمشید وزیری^۱

علی محمد صفانیا^۲

رضا نیک بخش^۳

علی اصغر درودیان^۴

doi 10.22034/SSYS.2022.484

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۴/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۶/۱۷

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی شرایط علی موثر بر شناخت استعداد های ورزشی مدارس سمای کشور است. روش شناسی در این پژوهش از نوع کیفی (به روش گراند تئوری) بوده و گردآوری داده ها از طریق مصاحبه و بررسی پیشینه های تحقیق صورت گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل صاحب نظران حوزه استعدادیابی و برخی از مدیران ارشد و تصمیم گیرندگان اصلی مدارس سمای کشور بوده که نمونه تحقیق به صورت نظری تعیین و پس از انجام ۱۵ مصاحبه، چارچوب نظریه شکل گرفت. تحلیل داده ها با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی و با به کارگیری نسخه ۵/۲ نرم افزار Atlas.Ti انجام گردید. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش، شرایط علی تأثیرگذار بر شناخت استعداد ها در سه مقوله همراه با هفت زیرشاخه فرعی استخراج شد. در رویکرد شناختی دو زیر طبقه (طبقه فرعی) با عناوین (شناسایی ساختار سازمان سما و بررسی امکانات و منابع)، در رویکرد عملیاتی سه زیر طبقه (طبقه فرعی) با عنوان (سیاست های سازمان سما، سیستم جامع نظارتی و بررسی راهبرد های موجود) و در نهایت در رویکرد هنجاری دو زیر طبقه (طبقه فرعی) با عناوین (مسائل انگیزشی و شناسایی ارتباطات موثر) شناسایی گردید- که در مجموع دارای ۶۰ کد بود.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: A.m.safania@gmail.com

۳. دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴. استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بدین ترتیب، حصول به هدف نیازمند شناسایی برخی شرایط علی جهت برآورده ساختن و تسهیل شرایط یکسان در کلیه واحدهای سما در کشور است. این شرایط می تواند با بررسی دقیق نیازهای مدارس و دانش آموزان در این زمینه، بر روی بافت سازمان سما اثر بگذارد و منجر به توسعه و پیشرفت در زمینه شناخت استعدادها و کسب موفقیت های وابسته به آن برای مدارس و البته توسعه ورزش کل کشور گردد.

واژگان کلیدی: شرایط علی، استعداد ورزشی، مدارس سما و گراندد تئوری

مقدمه

موفقیت کشورها در میداين بين المللی ورزشی علاوه بر تأثیرات اجتماعی و اقتصادی، نمادی از ثبات و توانمندی های همه جانبه آن کشورها محسوب می شود و یکی از علل سرمایه گذاری بالای کشورها در ورزش قهرمانی و حرفه ای، وابسته به این موضوع است. موفقیت در ورزش قهرمانی در گرو حداقل سه عامل است:

۱. استعداد ذاتی مناسب؛

۲. شرایط روانی مطلوب؛

۳. تسلط بر مهارت های تکنیکی.

به گفته بسیاری از مربیان و صاحب نظران از بین عوامل یاد شده، استعداد ذاتی یا مادرزادی در اولویت و یکی از مهم ترین عوامل در زمینه ورزش قهرمانی است (اسدی و همکاران، ۱۳۹۶). استعدادیابی^۱، فرآیندی است که از طریق آن نوجوانان و جوانان ارزیابی می شوند و به شرکت در رشته های مناسب که امید موفقیت بیشتری از آن ها می رود تشویق و هدایت می گردند (بوکرز^۲، ۲۰۱۵). این موضوع، مفهوم تازه ای در ورزش نیست و بنا بر شواهد موجود، حدود پنجاه سال است که مربیان به طور غیررسمی به استعدادیابی و ارزیابی وضعیت جسمانی و روانی افراد مشغول اند؛ اما تا پیش از سال ۱۹۷۰ که کشورهای اروپای شرقی به ویژه روسیه، آلمان شرقی و بلغارستان برنامه استعدادیابی داشتند، در هیچ کشوری چنین برنامه ای وجود نداشت (تهی^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). در سال های اخیر شاهد موفقیت های پی در پی ورزشکاران کشور در رشته های ورزشی انفرادی و تیمی در مسابقات جهانی نظیر بازی های المپیک بوده ایم که بیشتر این موفقیت ها به رشته های انفرادی ختم می گردد و در ورزش های تیمی چندان موفق نبوده ایم (نوحی و همکاران، ۱۳۹۷). بی شک، توجه به استعدادیابی ورزشی بسیار حائز اهمیت است و شروع آن می تواند از توجه به ورزش مدارس باشد. چنانچه بتوان اهمیت این امر خطیر را در ورزش کشور به اثبات رساند، در ورزش های تیمی نیز موفقیت کسب خواهد شد. استعدادیابی یک موضوع بسیار مهم در ورزش است، زیرا راه رسیدن به قله افتخارات از استعدادیابی می گذرد (حاجی محسنی، ۱۳۹۵).

امروزه در دنیا ورزش قهرمانی و تعداد مدال های کسب شده به عنوان یک شاخص توسعه یافتگی تلقی می شود و موجب غرور ملی مردم کشورهاست. کشورهایی موفق به کسب مدال و رتبه می شوند که نقش استعدادیابی در ورزش را به خوبی درک کنند و برای این موضوع برنامه و افرادی توانمند، ماهر و دانش محور در اختیار داشته باشند (گلبن^۴ و همکاران، ۲۰۱۰). استعدادیابی در ورزش یعنی کشف و به فعال سازی توانایی های بالقوه فرد و هدایت آن ها در مسیر صحیح. استعدادیابی ورزشی از نظر دانشمندان علوم ورزشی، راهی کوتاه و مقرون به صرفه برای حضور موفقیت آمیز ورزشکاران در صحنه های بین المللی است. این فرایند

1. Talent
2. Buekers
3. Toohey
4. Gulbin

نیازمند شناسایی و انتخاب افراد با استعدادی است که شرایط لازم جسمانی، مهارتی و رفتاری برای موفقیت در ورزشی خاص را داشته باشند (کراسیلشچیکو^۱، ۲۰۱۱). در استعدادیابی، خردسالان بر پایه آزمون‌های معین به سمت ورزش‌هایی که بیشترین شانس موفقیت در آن را دارند، راهنمایی می‌شوند. این آزمون‌ها که بر اساس سطح آمادگی، میزان رشد و توانایی‌های زنان و مردان طراحی می‌شوند، می‌تواند سطح عملکرد آینده افراد در رشته موردنظر را پیشگویی کنند (بنت^۲ و همکاران، ۲۰۱۸).

با مطرح شدن بحث استعدادیابی در ورزش، بسیاری اولین گام در فرآیند پرورش قهرمانان را استعدادیابی می‌دانند. کسانی که بر موضوع استعدادیابی تأکید دارند، معتقدند که استعدادیابی صرفه جویی در زمان موردنیاز برای رسیدن به اوج عملکرد، منابع مالی، انسانی و غیره است (نظری و عابدی، ۲۰۱۳). همچنین کارایی نظام قهرمان‌پروری را افزایش می‌دهد، کار مربی، ورزشکار و مدیر را آسان می‌کند و پستوانه سازی را ممکن می‌سازد. امروزه به علت تغییرات سریع، سازمان‌ها با نیاز به تغییر در نحوه عملکرد خود مواجه می‌شوند. برای رو به رو شدن با این تغییرات و چالش‌ها، سازمان‌ها منابع متعدد و مختلفی را که به آن دسترسی دارند به کار می‌گیرند. تاکنون استعدادیابی در مدارس بر اساس شاخص‌های توانایی جسمانی و توانایی حرکتی و توانایی مهارتی صورت گرفته است، اما باید توجه داشت که استعدادیابی باید از سنین پایین آغاز شود، بعضی شاخص‌های حرکتی نیاز به رشد و تکامل دارند و سنجش این شاخص‌ها نیازمند امکانات و برنامه‌های مدون و خاص است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱). توسعه استعدادیابی در مدارس به چشم‌اندازی بلندمدت احتیاج دارد و به تبع توسعه، برخورداری از برنامه‌ریزی بلندمدت و جامع، از ضروریات است؛ برنامه‌ای که با توجه به نقاط قوت و ضعف‌ها و توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در مسیر دستیابی به چشم‌انداز مطلوب، راهبردها و سیاست‌های مناسبی را با توجه به مؤلفه‌ها، برنامه‌ریزی جامع و برنامه استعدادیابی در کشورهای توسعه‌یافته طراحی و تدوین نماید (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲).

بررسی رکوردها و نتایج قهرمانان برتر و نخبه جهان مبین آن است که بیشتر رکوردها مربوط به آن دسته نظام‌های ورزشی است که دارای برنامه‌ای جامع، علمی و نظام‌مند برای تربیت ورزشکاران نخبه و سطح بالا هستند. اگر رشد و تکامل انسان را در حقیقت تأمین نیازهای او تلقی کنیم و تأمین نیازهای انسان را نیز زمینه مساعد برای شناخت استعداد و بارور کردن و به شکوفایی رساندن آن‌ها بدانیم، به این حقیقت پی می‌بریم که از نظر فلسفی، علمی و تحقیقاتی، حرکت، ورزش، بازی و فعالیت‌های جسمانی از عوامل مهم تأثیرگذار در رشد و تکامل طبیعی هر فرد می‌باشند و در مسیر رشد و تکامل انسان باید استعدادهای نهفته در درون او را شناخت و بارور کرد. بنابراین، بهترین محیط برای تحقق این امر مدرسه و بهترین دوره برای بارور کردن آن، دوره نوجوانی و جوانی و یکی از بهترین وسایل برای شکوفا کردن آن ورزش و بازی است (رستمی، ۱۳۹۱).

استعدادیابی در کشور طی سال‌های اخیر روندی رو به رشد داشته، اما هنوز با مشکلاتی روبه‌روست. همچنین تعریف معیارهای مناسب برای شناسایی، پرورش و نگهداشت افراد مستعد ورزشی با دشواری‌هایی

1. Krasilshchikov

2. Bennet

همراه بوده است. از این رو، طراحی مدلی برای مدیران ورزشی در حوزه استعدادیابی، یکی از نیازهای اصلی ورزش کشور است.

یکی از مشکلات اصلی استعدادیابی در ورزش کشورمان، نبود برنامه‌ای مدون یا عدم وجود چشم‌انداز، راهبردهای مناسب و برنامه‌ریزی برای رسیدن به آینده‌های درخشان در این زمینه است (قاسم زاده و همکاران، ۱۳۹۴). به همین سبب، از آنجایی که اداره کل تربیت بدنی سازمان سما تاکنون فاقد برنامه مدون و راهبردی برای مدیریت استعدادیابی در مدارس مربوطه بوده است و اینکه برنامه‌های ورزشی مدارس سما هم به صورت منظم و سیستماتیک و در قالب تقویم ورزشی مستمر سالیانه نمی‌باشد و هر از گاهی به صورت پراکنده چند مسابقه استانی و کشوری آن‌هم در رشته‌هایی خاص و تکراری برگزار می‌کند، عملاً امکان شناسایی استعدادهای نهفته وجود ندارد. بنابراین لازم است تا سازمان سما مسیری روشن و علمی را جهت مدیریت استعدادیابی در مدارس ورزشی به کار گیرد. ناگفته پیداست همان‌طور که داشتن برنامه و اجرای آن باعث موفقیت و رسیدن به اهداف مدنظر میشود، نداشتن برنامه هم پیامدها و آثار سوئی دربردارد. امروزه با توجه به اهمیت توسعه ورزش و استعدادیابی در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه و به منظور پاسخ‌گویی به نیازها و تحلیل دقیق چالش‌ها و مشکلات کنونی در این زمینه بر اساس نیازهای واقعی ورزش کشور، به برنامه جامعی با نگاه و رویکرد راهبردی نیاز داریم. در تحقیق حاضر به این پرسش پاسخ خواهیم داد:

شرایط علی^۱ برای شناخت استعدادهای ورزشی مدارس سمای کشور را چگونه می‌توان شناسایی کرد؟
شرایط علی، آن دسته از عواملی هستند که بر پدیده مرکزی تأثیر می‌گذارند (عظیمی، ۱۳۹۶). پدیده مرکزی در این پژوهش، توسعه و شناخت استعدادهای ورزشی مدارس سمای کشور خواهد بود.

تمایل به شناسایی استعدادهای ورزشی در بسیاری از کشورها طی سال‌های اخیر افزایش یافته است (اوروس^۲، ۲۰۱۵). بسیاری از باشگاه‌ها بازیکنان مستعد را در سنین نسبتاً پایین ثبت نام می‌کنند و تحت برنامه‌های تخصصی قرار می‌دهند تا توانایی‌های آنان را تکمیل کنند. بنابراین انتخاب، رشد و راهنمایی حرفه‌ای بازیکنان جوان در صدر اولویت‌های بسیاری از باشگاه‌های درجه اول قرار گرفته است تا بتوانند مقام و وضعیت تجاری و ورزشی‌شان را حفظ کنند (واینز^۳، ۲۰۰۶). بی‌شک بی‌توجهی به برخی از عوامل یا پیش‌نیازهای اولیه و تعیین‌کننده با عنوان استعدادیابی، اگر چه احتمال موفقیت را ناممکن نمی‌سازد، اما بی‌تردید محدود و ضعیف خواهد کرد. این پیش‌نیازها می‌توانند دارای جنبه آنتروپومتریک، فیزیولوژیک، مهارتی و روانی باشند (قاسمی، ۱۳۹۱). یک برنامه استعدادیابی موفق زمانی کاربرد خواهد داشت که بتواند شاخص‌ها و عوامل موثر تعیین‌کننده و موردنیاز آن رشته ورزشی را به درستی شناسایی کند. با تعیین این عوامل و انتخاب کردن افراد مستعد بر اساس آن‌ها می‌توان انتظار داشت و یا پیش‌بینی کرد که درجه موفقیت ورزشکار مستعد چقدر خواهد بود (کاته^۴، ۲۰۰۸).

1. Causal conditions

2. Orosz

3. Vaeyens

4. Kate

مطالعه تطبیقی کشورهایی که به صورت هدفمند و با استفاده از برنامه‌های نظام مند و جامع استعدادیابی را دنبال کرده اند- مانند آلمان شرقی سابق، شوروی سابق، استرالیا، کانادا، آمریکای شمالی، چین، روسیه، ژاپن، کره جنوبی، برزیل، مجارستان، ژاپن، مالزی، قطر و...- نشان می‌دهد که فرایند استعدادیابی به صورت نظام مند، یکپارچه و جامع اجرا می‌شود. در ضمن اطلاعات موجود نشان دهنده کاربردی بودن طرح های استعدادیابی در این کشورهاست. هماهنگی میان سازمان های مختلف ورزش قهرمانی در اجرای طرح استعدادیابی از دیگر موارد قابل ذکر است (قاسم زاده، ۱۳۹۴). آموزش و پرورش، اصلی ترین نهاد مجری استعدادیابی است و باشگاه های ورزشی نیز یکی دیگر از مراکز پرورش ورزشکار به حساب می‌آیند. در بیشتر کشورهای مورد بررسی، برنامه هایی برای توسعه و ارتقای مربیان وجود دارد و دارای سلسله مراتبی از مدارس ورزش برای پرورش ورزشکار هستند؛ اما شمار اینگونه مدارس در ایران بسیار اندک است. مدارس ورزشی در ایران برای پرورش نیروی متخصص ورزشی ایجاد شده اند، اما در مورد پرورش ورزشکار، فعالیت چندانی را انجام نمی دهند (عیدی، ۱۳۹۱).

رستمی (۱۳۹۱) در تحقیق پیرامون اهمیت ورزش مدارس در فرایند شناسایی و پرورش استعداد های ورزشی پیشنهاد کرد با ارتقای سطح علمی دانش آموزان در زمینه ورزش، تشکیل کلاس های آموزشی، برگزاری مسابقات مدارس در رده های نونهالان، نوجوانان و جوانان در سطوح منطقه ای، استانی، ملی و بین المللی فرصت های خوبی جهت کشف و شکار استعدادها و معرفی به باشگاه های مطرح کشور و استان فراهم گردد. پیشنهاد دوم این که دولت برای جلوگیری از اتلاف وقت و صرف هزینه برای افرادی که مستعد یک رشته ورزشی نیستند، مدرسی ایجاد نماید- نه به عنوان یک هنرستان- که دانش آموزان تربیت بدنی را به عنوان یک رشته درسی انتخاب کنند. به بیان دیگر، با ایجاد مدارس ورزشی به صورت پایه ای، از دوره ی ابتدائی یا پیش دبستانی، علم و عمل در ورزش به مربیان آموزش داده شود. پیشنهاد سوم این که میان آموزش و پرورش، سازمان های مرتبط با اوقات فراغت عمومی، دبیرستان های تربیت بدنی، مدارس ورزشی و آموزشکده های فنی ورزشی هماهنگی ایجاد شود.

پیشنهاد چهارم این که در مدارس به اندازه گیری های پیگیر، توجه به سرعت حرکت، درشتی بالا تنه و برخورداری از ظرفیت قلبی و حداکثر اکسیژن مصرفی بالا به عنوان شاخص های استعداد یابی توجه گردد. با توجه به تحقیقات انجام گرفته در زمینه برنامه ریزی راهبردی ورزش دانش آموزی، بیشتر مؤسسات عالی آموزش و پرورش کشورهای موفق، بیانیه مأموریت و راهبردهایی برای بهتر کردن فرایند استعدادیابی ورزش دانش آموزی و فوق برنامه، برای جذب هرچه بیشتر آن ها به ورزش و تفریحات سالم دارند، اما در مدارس کشور ما به خصوص در مدارس وابسته به سازمان سما این مسئله مهم تا حد قابل توجهی نادیده گرفته شده است. مسئله اصلی دیگر این است که دانشگاه آزاد اسلامی و به تبع آن سازمان سما با توجه به استعداد های چشمگیر در بیشتر رشته های ورزشی، تاکنون نتوانسته است جایگاه مطلوبی در زمینه ورزش دانش آموزی در کشور پیدا کند که به احتمال زیاد یکی از دلایل مهم آن، نبود برنامه راهبردی مطلوب استعدادیابی و توسعه

ورزش دانش آموزی است.

بدین ترتیب، پژوهش حاضر در زمینه استعداد یابی و مدیریت استعدادهای ورزشی ضرورتی برای رسیدن به الگوی ایرانی- اسلامی پیشرفته است، علاوه بر آن که تاکنون پژوهش مشابهی در این زمینه در سازمان سما انجام نشده است.

روش شناسی پژوهش

رویکرد کلی پژوهش حاضر از نوع کیفی می باشد که با استفاده از یکی از راهبردهای آن (روش گراند تئوری) انجام شده است و سعی گردیده تا شرایط علی موثر بر شناخت استعدادهای ورزشی مدارس سمای کشور شناسایی گردد. منظور از شرایط علی، حوادث، وقایع و اتفاقیاتی است که به وقوع یا گسترش پدیده‌های میانجامد. در انجام تحلیل گراند تئوری، شرایط علی به عنوان عوامل اثرگذار بر پدیده مرکزی معرفی می شوند (فاضلی دینان، ۱۳۹۶).

جهت اجرای روش گراند تئوری از مصاحبه نیمه ساختار یافته به منظور گردآوری داده ها استفاده شد. روند کار به گونه ای بود که بعد از مطالعه و بررسی های فراوان و بهره مندی از نظر مشاوران، سوال های مصاحبه نهایی و مصاحبه ها آغاز گردید و تا حد اشباع داده ها ادامه یافت. به مصاحبه شوندگان اجازه داده می شد تا درباره جزئیات مربوط به موضوع اصلی (شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر، راهکارها و پیامدهای حاصل از شناخت استعدادهای ورزشی مدارس سما)، به اندازه شناخت و تجربه های خود نظر دهند. گفتنی است که مدت هر مصاحبه با توجه به میزان تمایل پاسخ دهی شرکت کنندگان بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه متغیر بود.

جامعه آماری پژوهش شامل ۱۵ نفر از افرادی بود که برخی از آن ها در پرورش استعدادیابی و مدیریت راهبردی ورزش کشور در سه حیطه علمی، اجرایی و ورزشی نقش و سابقه داشتند و برخی دیگر جزو مدیران ارشد مدارس سما و دست اندرکاران و تصمیم گیرندگان مدارس سما بودند. برای انتخاب نمونه پژوهش از روش نمونه گیری گلوله برفی استفاده گردید. حجم نمونه در حین فرایند تحقیق مشخص گردید، زیرا در پژوهش های کیفی اشباع شدن اطلاعات، مهم تر از تعداد افراد مورد مطالعه می باشد؛ بدین معنی که محقق جمع آوری اطلاعات را باید تا زمانی ادامه دهد که اطلاعاتی که از شرکت کنندگان جمع آوری می کند، تکراری شود و اطلاعات جدیدی به اطلاعات قبلی اضافه نگردد- به عبارت دیگر، داده های گردآوری شده به اشباع نظری برسند (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۶) با در نظر گرفتن نکات فوق در مجموع در این مطالعه ۱۵ مصاحبه انجام و ضبط گردید.

به منظور تجزیه و تحلیل مصاحبه های انجام شده و با هدف افزایش دقت و درستی تجزیه و تحلیل ها، تمامی مصاحبه ها ضبط و سپس هر مصاحبه به طور جداگانه، واژه به واژه تایپ شد. پژوهشگر هر مصاحبه ضبط شده و یادداشت های مرتبط با آن را بلافاصله در ۲۴ ساعت اول با دقت و سطر به سطر مطالعه می کرد و مفاهیمی را که به ذهن می رسید، یادداشت می نمود. این مرحله از نخستین مراحل تجزیه

و تحلیل داده‌ها در گراند تئوری است که در اصطلاح «کدگذاری» نام دارد. سپس با استفاده از روش تحلیل داده‌ها که در گراند تئوری تجویز شده و شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی است، اطلاعات گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در «کدگذاری باز»، متن مصاحبه بارها و بارها، سطر به سطر خوانده و برای بخش‌های مهم، هر مفهومی که به ذهن می‌رسید در نظر گرفته شد. سپس بخش‌های مرتبط علامت‌گذاری گردید و به آن‌ها کد و یادداشت تحلیلی، اختصاص داده شد. به گفته صاحب‌نظران، در کدگذاری باز، پژوهشگر آزادانه و با توجه به دانش ضمنی در زمینه موجود به نامگذاری مفاهیم (کدها) می‌پردازد و محدودیتی برای کدها در نظر نمی‌گیرد. به همین دلیل در پژوهش حاضر و در مرحله کدگذاری باز تعداد ۸۱ کد استخراج گردید، اما به علت تشابه معنایی و تکراری بودن اطلاعات، این کدها در یکدیگر ادغام و تجمیع شد و در نهایت به ۶۰ کد کاهش پیدا کرد.

در مرحله بعد که «کدگذاری محوری» نامیده می‌شود، فرایند اختصاص کد به مفاهیم موجود در داده از حالت کاملاً باز خارج شود و شکل‌گرفته به خود گرفت. به بیان دیگر، کدگذاری باز به بروز محورهای مشترکی در مجموعه داده گردآوری شده منجر می‌شود که این محورها به مرحله بعدی کدگذار، جهت‌گیری‌های تازه‌ای می‌بخشد. در کدگذاری محوری، گام‌های مربوط در سطح مفهومی (کار با مفاهیم) موردتوجه قرار می‌گیرند. در این مرحله به جفت کردن کدها و یادداشت‌های تحلیلی و هم‌خانواده کردن آن‌ها پرداخته شد و با بررسی ارتباط بین مفاهیم، کدهایی که از نظر مفهومی شبیه یکدیگر بودند، در یک طبقه جای گرفتند.

در آخرین مرحله که جزء اصلی تئوری به تدریج خود را نشان می‌دهد، پژوهشگر گزیده تر عمل کرد. از این رو، آخرین فصل کدگذاری را «کدگذاری انتخابی» می‌نامند.

در این پژوهش، با ارائه بازخورد به مصاحبه‌شوندگان و قرار دادن آن‌ها در مسیر پژوهش به طوری که بر نحوه پاسخگویی آن‌ها تأثیر نگذارد، در جهت افزایش روایی درونی اقدام شد. در ضمن پس از انجام هر مصاحبه، اطلاعات به دست آمده تا آن مرحله ارائه گردید و در صورتی که مصاحبه‌شونده نکاتی را نسبت به آن‌ها مدنظر داشت، مورد بحث قرار می‌داد. این کار پس از انجام مصاحبه صورت می‌گرفت تا مصاحبه خالی از هر گونه پیش‌فرض و جهت‌گیری انجام شود. علاوه بر این، چهار فعالیت دیگر نیز به منظور افزایش روایی درونی یافته‌ها انجام شد:

۱- استفاده از منابع مختلف برای جمع‌آوری داده‌ها؛

۲- بررسی داده‌ها توسط یک دستیار؛

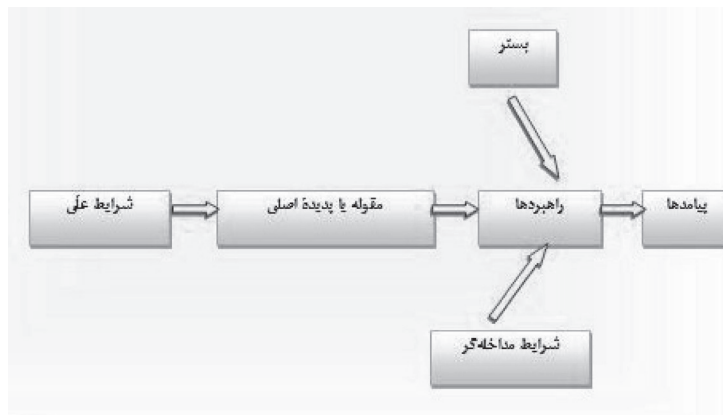
۳- مشارکت یک متخصص آشنا به روش پژوهش داده-بنیاد؛

۴- شناسایی جهت‌گیری‌ها از طریق پرسش‌سوال‌های مکرر در حین تحلیل داده‌ها.

باید گفت از آنجا که مولفه پایایی به گستره تکرار پذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد و در انجام مطالعات کیفی پژوهشگر به تفسیر موضوع مورد مطالعه می‌پردازد، نیازی به ایجاد و ارائه مفهوم سستی

پایایی نیست. بنابراین در بحث پایایی پژوهش، باید نشان داد که چگونه داده ها گردآوری و کدگذاری شده و استخراج مفاهیم و انتخاب طبقات به چه صورت انجام گرفته است. علاوه بر این، یکی دیگر از راهکارهای تعیین پایایی در پژوهش های کیفی انجام کدگذاری مستقل نتایج مصاحبه های مشارکت کنندگان به صورت تصادفی توسط فردی است که سابقه ذهنی در مورد موضوع ندارد. در همین راستا و به منظور سنجش کیفیت کدگذاری انجام شده، در این پژوهش از روش توافق بین دو کدگذار بر اساس ضریب کاپای کوهن^۱ استفاده گردید و نتایج (ضریب کاپا ۰/۷۴۲) حاکی از رد فرض استقلال کدهای استخراج شده و تایید وابستگی آن ها با یکدیگر است. از این رو، می توان ادعا کرد که فرایند کدگذاری از پایایی کافی برخوردار بوده است. گفتنی است که مدل مورد استفاده در این پژوهش مدل استخراج شده از نظریه اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) است (شکل ۱) که در آن شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر، راهکارها و پیامدها، با توجه به مقوله اصلی یا پدیده محوری که همان شناخت استعداد های ورزشی مدارس سماست، شکل گرفته است.

۲۵۵



شکل ۱: مدل اشتراوس و کوربین

این پژوهش تنها به معرفی شرایط علی به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر پدیده مرکزی می پردازد.

یافته های پژوهش

شرح و بسط شرایط علی در پژوهش حاضر، بر مبنای داده های مصاحبه ها و حاصل تجزیه و تحلیل ۱۵ مصاحبه نیمه ساختار یافته بوده است که ابتدا استخراج مفاهیم انجام شد و هرچقدر که یک عامل زمینه ای (طبقه به دست آمده) کدهای بیشتری داشته، به همان اندازه سایر جنبه های فرعی آن نیز برای وضوح بیشتر شناسایی و مشخص شده اند.

1. Cohen's Kappa Value

● شناسایی شرایط علی موثر بر شناخت استعداد های ورزشی مدارس سمای کشور (مطالعه ای با رویکرد گزند تئوری)

جدول ۱: شرایط علی تاثیرگذار بر استقرار مفهوم تدوین چارچوب مدیریت استعدادیابی مدارس سمای کشور

مقوله محوری	زیر طبقه ها (طبقه فرعی)	کدها (مفاهیم)
رویکرد شناختی	شناسایی ساختار سازمان سما	شناسایی نیازها بررسی حدود اختیارات معلمان شناسایی کمبودها بررسی ساختار شناسایی میزان دانش کادر فنی شناسایی بحران ها شناسایی نقاط قوت و ضعف شناسایی مربیان تخصصی شناسایی موانع موجود شناسایی ارتباط دوسویه کادر و اعضا در این زمینه شناسایی قابلیت فعلی مشاوران تیم بررسی اندازه توزیع قدرت دبیران شناسایی توانمندی معلمان تخصصی
	بررسی امکانات و منابع	بررسی زیرساخت مدارس در این زمینه حمایت یکسان از تمامی واحدها حمایت مالی بررسی وضعیت مالی برسی امکانات و تجهیزات کمبود امکانات بررسی منابع موجود فراهم کردن امکانات استفاده عادلانه از امکانات
رویکرد عملیاتی	سیاست های سازمان سما	تعریف مشخص از نیروی متخصص اولویت بندی استعدادیابی در اولویت قرار دادن استعدادیابی نیاز سنجی کل سیستم تقویت بخش رفتاری و عملکردی شناسایی مسیرهای توسعه استعدادیابی شناسایی شرایط جسمی دانش آموزان شناخت محدودیت های عملیاتی تقویت بخش عملکردی تعیین اولویت ها بررسی فضای رقابتی بروز رسانی اطلاعات

مقوله محوری	زیر طبقه ها (طبقه فرعی)	کدها (مفاهیم)
رویکرد عملیاتی	سیستم جامع نظارتی	سیستم ارزیابی مدون بررسی قوانین و مقررات موجود بررسی شرایط فعلی و مقایسه آن با شرایط قبلی مدارس توجه به ضعف عملکرد سازمان در شناخت استعدادها تجزیه تحلیل روند استعدادیابی در مدارس تجزیه تحلیل روند توسعه در تیم نظارت بر تشویق و تنبیه توسعه محور استعدادیابی آگاهی از وضعیت بازیکنان بررسی فضای رشدی بررسی حوزه فعالیت اجرایی مدیران مدارس در حوزه ورزش
	بررسی راهبرد های موجود	تمرکز بر اهداف بلندمدت پذیرش توسعه به عنوان فرایند بلندمدت بررسی وضع موجود اجرایی نشدن برنامه ها شناسایی راهبرد های گذشته
رویکرد هنجاری	مسائل انگیزشی	اولویت بندی مسائل انگیزشی توجه به نیاز کلیه دانش آموزان توجه به بعد انگیزشی کارکنان بررسی بعد انگیزشی دانش آموزان
	شناسایی ارتباطات موثر	بهره گیری از ارتباطات موثر مطالعات تطبیقی استفاده از دستاوردهای حوزه های مختلف ورزشی در این باره استفاده از دانش متخصصین فعال این حوزه بررسی ارتباط سازمان و مدارس نظارت بر ارتباطات متقابل

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مصاحبه ها به سه مقوله محوری با عناوین رویکرد شناختی، رویکرد عملیاتی و رویکرد هنجاری در راستای شناسایی شرایط علی موثر بر شناخت استعداد های ورزشی مدارس سمای کشور منتج گردید.

یافته های حاصل از روش دلفی

در این مرحله ابتدا مفاهیم، مقوله ها و کدهای به دست آمده از کدگذاری باز و محوری به گروه دلفی (۶ نفر) در دور اول ارائه شد و مورد بحث قرار گرفت. سپس بعد از جمع آوری اطلاعات دور اول، با استفاده از نظرات و پیشنهاد های خبرگان تا حدودی اصلاح و در دور دوم دلفی به همان ۶ نفر مرحله اول ارائه گردید. برخی از مفاهیم طبق پیشنهاد خبرگان در مرحله اول دلفی به مدل اضافه و جایجا شدند. گفتمانی است در پرسشنامه دور

اول دلفی، چهار تغییر در عوامل علی ایجاد شد که در نهایت در رویکرد شناختی دو زیر طبقه (طبقه فرعی) با عنوان «شناسایی ساختار سازمان سما» و «بررسی امکانات و منابع»، در رویکرد عملیاتی سه زیر طبقه (طبقه فرعی) با عنوان «سیاست های سازمان سما»، «سیستم جامع نظارتی» و «بررسی راهبرد های موجود» و در رویکرد هنجاری نیز دو زیر طبقه (طبقه فرعی) با عنوان «مسائل انگیزشی» و «شناسایی ارتباطات موثر» شناسایی و استخراج گردید.

بحث و نتیجه گیری

پیشرفت از سطوح ابتدایی تا نخبه شدن در ورزش راه بسیار دراز و پر پیچ و خم دارد و نیازمند استعدادیابی می باشد (حاجی محسنی، ۱۳۹۵). شناخت استعداد های ورزشی برای بهره گیری از توانایی بالقوه آنها امری ضروری برای مربیان و متصدیان ورزش هر کشوری محسوب می شود (نوحی و همکاران، ۱۳۹۷).

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر و با در نظر گرفتن پیشینه های موجود، شاخص های استخراج شده در مورد شرایط علی تاثیرگذار بر استقرار مفهوم تدوین چارچوب مدیریت استعدادیابی مدارس سمای کشور با سایر نتایج پژوهش های مطرح شده همخوان بوده است. به ویژه این همسویی به شکل ویژه ای در تحقیقات متمرکز شده بر جنبه های مختلف استعدادیابی تاکید داشته اند مانند تحقیقات داودی و همکاران (۱۳۹۶)، احمدی (۱۳۹۵)، قاسم زاده (۱۳۹۴)، رستمی (۱۳۹۱) و قاسمی و همکاران (۱۳۹۱).

مطابق با نتایج مستخرج از یافته ها، در مقوله رویکرد شناختی دو زیر طبقه (طبقه فرعی) با عنوان «شناسایی ساختار سازمان سما» و «بررسی امکانات و منابع» شناسایی و معرفی گردید که این مهم با تحقیقات اسدی و همکاران (۱۳۹۶)، داودی و همکاران (۱۳۹۶)، احمدی (۱۳۹۵) و قاسم زاده (۱۳۹۴) همسو بود که در زیر به آن ها اشاره می گردد:

داودی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «الگوی جامع استعداد یابی و جانشین پروری در نظام آموزش عالی استان سیستان و بلوچستان» نشان دادند که بر اساس نظرات خبرگان و تجزیه و تحلیل های صورت گرفته، مدل جامع استعداد یابی و جانشین پروری دارای سطوحی بود که شامل مولفه های بررسی ساختار و فرایند، پست های کلیدی و مدل شایستگی بود که در تحقیق حاضر نیز در مقوله رویکرد شناختی، زیر طبقه شناسایی ساختار سازمان سما جزو اولویت ها قرار گرفت.

نتایج تحقیق قاسم زاده (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی موانع موفقیت و تداوم اجرای طرح ملی استعدادیابی فدراسیون دو و میدانی ایران»، سه مانع در بخش موانع ساختاری از جمله عدم اعتقاد مدیران فدراسیون به فرایند استعدادیابی، سه مانع در بخش موانع تدوین طرح از جمله توجه اندک تدوین کنندگان طرح به قابلیت اجرایی آن و پنج مانع در بخش موانع اجرای طرح از جمله عدم تأمین منابع انسانی متخصص را شناسایی نمود. طبق نتایج این تحقیق، به ترتیب اولویت در بخش ساختاری، مانع ثبات اندک مدیریت در فدراسیون دو و میدانی، در بخش اجرای طرح، تعامل اندک با ورزش آموزشگاهی و در بخش تدوین طرح، گستردگی زیاد طرح بالاترین اهمیت را در عدم موفقیت و تداوم اجرای طرح ملی استعدادیابی دو و میدانی

ایران داشته است که کلیه عوامل به دست آمده با مقوله های این تحقیق در بخش رویکردهای عملیاتی و هنجاری دارای مشابهت بوده است.

حسینی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «شناسایی قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدید های استعدادیابی ورزش قهرمانی و تنگنا ها و چالش های فراروی آن» اعلام کرد که استعدادیابی در ورزش قهرمانی کشور با تنگنا ها و چالش هایی همچون نگاه مدیران و مسئولان ورزش کشور به ورزش مدارس به عنوان پایه ورزش قهرمانی، فعالیت پایگاه های قهرمانی و مراکز استعدادیابی، حضور بخش خصوصی در استعدادیابی ورزش قهرمانی، فعالیت باشگاه های ورزشی در پرورش استعداد، تأثیر مسائل سیاسی بر عملکرد سازمان ها و نهادهای مجری استعدادیابی، فقدان چارچوب مدیریت حمایت از ورزشکاران و مربیان نخبه، فقدان شایسته سالاری در تعیین مدیران و مربیان ورزشی کشور، فقدان طرح یکپارچه، اجرایی و ساختارمند در استعدادیابی، وضعیت اقتصادی معیشتی خانواده های دارای استعداد، محدودیت های حاکم بر فعالیت های ورزشی بانوان، امکانات و تجهیزات مناسب برای استعدادیابی و آمایش و قطب بندی ورزش ها در نقاط مختلف کشور مواجه است. تدوین برنامه راهبردی و انتخاب راهبردهای مناسب به منظور استفاده حداکثری از قوت ها و فرصت ها و برطرف ساختن ضعف ها و تهدیدها و کمک به کاهش آثار برخی از این تنگنا ها و چالش ها بر عملکرد استعدادیابی در ورزش قهرمانی پیشنهاد می شود که به این موارد به طور خاص در مقوله های رویکرد شناختی، رویکرد عملیاتی و رویکرد هنجاری و زیر طبقات آن ها به صورت تخصصی اشاره شده است.

حسین پور (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی موانع استعدادیابی ورزشی بین دانش آموزان در مدارس» بیان کردند که با توجه به مشکلات فوق بحث استعدادیابی در مدارس عملاً اقدامی بیهوده می باشد که فقط در مرحله حرف باقی مانده است. البته ما منکر این اصل که بعضی با تلاش و علاقه خود به صورت طبیعی پرورش می یابند، نیستیم. آموزش و پرورش و متولیان ورزش کشور باید با همکاری بین بخشی، امکانات را برای استفاده دانش آموزان فراهم آورند. وقتی دانش آموزی مستعد تشخیص داده شد، راه ورود به باشگاه ها برای او ناهموار است که تنها با نداشتن مشکل اقتصادی قابل حل است. در ورزش های غیر فوتبال باید قانون هایی ایجاد گردند تا دانش موزان زیر نظر مربیان کارآموده، مهارت ها را فرا گیرند و بتوانند به سطوح بالای ورزشی نائل آیند. در صورت توجه و به کارگیری توانایی مدارس، در دراز مدت می توان با کمترین هزینه به بهترین گزینه رسید. مدیریت و برنامه ریزی صحیح می تواند مراحل کشف تا پرورش و به کارگیری استعدادها را به بهترین شکل هدایت کند و در راه نیل به اهداف کلان کشور در امور ورزش استفاده برد. اقدامات زیر تا حدودی می تواند مشکلات را حل و به مقوله استعداد یابی در ورزش کمک نمایند:

- ایجاد کانون ها ورزشی و اختصاص سالن ورزشی برای معرفی شدگان از طرف مدرسه برای هر رشته؛
- انتخاب مربیان معرب از بین دبیران تربیت بدنی برای آموزش مهارت های هر رشته؛
- دوری از کاغذبازی و ارائه گزارشات صوری و اقدام عملی در ایجاد انجمن های ورزشی و رفع

مشکلات ورزش مدارس؛

- معرفی مستعدین در هر رشته به هیئت های شهرستان، استان و در نهایت فدراسیون های ملی؛
- برنامه ریزی صحیح و اصولی با پشتوانه های علمی و قابل تحقق در زمینه پرورش استعدادها در ورزش مدارس.

همانطور که مشاهده می شود، نتایج پژوهش حاضر در بسیاری از طبقات فرعی با نتایج به دست آمده در این پژوهش هم راستا بوده است.

گلبین (۲۰۱۰) و کراسلیشیکو (۲۰۱۱) در پژوهش خود دریافتند که موانع مالی و کمبود بودجه در سازمان های ورزشی کشورها و به تبع آن در عرصه استعدادیابی ورزشی آن ها از مهم ترین دلایل کم توجهی به مسئله استعدادیابی می باشد که این عوامل با مقوله رویکرد عملیاتی و طبقه فرعی بررسی امکانات و منابع در این پژوهش هم راستا بوده اند.

تهی و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که پیشرفت در زمینه گسترش استعدادیابی ورزشی با دانش بنیان شدن علم ورزش و همچنین استفاده از محققان بین رشته ای که در این مورد اقدام کرده اند، امکان پذیر است. به همین موضوع در مقوله رویکرد هنجاری و طبقه فرعی شناسایی ارتباطات موثر در این پژوهش اشاره شده است. بیکرز (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «استعدادیابی در ورزش: یافتن یک سری عوامل در مورد قهرمانان آینده» بیان می کند که بهترین برنامه تشخیص استعداد بی فایده خواهد بود مگر اینکه در آن از فرایندی با کیفیت بالا از طریق طراحی عالی برنامه های آموزشی تضمین شده باشد که در آن مربیان و معلمان نقش مهمی را بازی کنند. بنابراین، تعامل و همکاری مربیان و دانشمندان، فرصت های بزرگ برای پیشبرد دانش در شناسایی استعداد ارائه می دهد این عوامل با مقوله رویکرد هنجاری و رویکرد عملیاتی و طبقات فرعی آن ها در این پژوهش همسو بوده است.

در این پژوهش، بررسی شرایط علی موجود که به شناخت استعداد های ورزشی مدارس سمای کشور کمک می کند مورد توجه قرار گرفت؛ شرایطی که در صورت اجرای فرایندها، اقدامات و راهبردهای لازم می تواند به توسعه استعداد یابی مدارس سمای کشور منجر شود. هر کدام از شاخص های استخراج شده دارای کدهای اثر گزار به شرح زیر است:

۱. مهمترین مواردی که در طبقه «شناسایی ساختار سازمان سما» می توان به آن اشاره کرد، عبارت اند از: شناسایی نیازها، بررسی حدود اختیارات معلمان، شناسایی کمبودها، بررسی ساختار، شناسایی میزان دانش کادر فنی، شناسایی بحران ها، شناسایی نقاط قوت و ضعف، شناسایی مربیان تخصصی، شناسایی موانع موجود، شناسایی ارتباط دوسویه کادر و اعضا در این زمینه، شناسایی قابلیت فعلی مشاوران تیم، بررسی اندازه توزیع قدرت دبیران و شناسایی توانمندی معلمان تخصصی. مشخص شدن این زیر شاخه ها بدین معناست که شناسایی ساختار سازمان سما به عنوان یک بخش اساسی در شناخت استعداد های ورزشی دارای اهمیت است.

۲. در طبقه «بررسی امکانات و منابع» به بررسی زیرساخت مدارس در این زمینه، حمایت یکسان از تمامی واحدها، حمایت مالی، بررسی وضعیت مالی، بررسی امکانات و تجهیزات، کمبود امکانات، بررسی منابع موجود، فراهم کردن امکانات و استفاده عادلانه از امکانات اشاره گردید. در پژوهش های قبلی نیز به اهمیت تاثیر منابع مالی و امکانات بر استعدادیابی ورزشی اشاره شده است.
 ۳. در طبقه «سیاست های سازمان سما» به ارائه تعریف مشخص از نیروی متخصص، اولویت بندی استعدادیابی، در اولویت قرار دادن استعدادیابی، نیاز سنجی کل سیستم، تقویت بخش رفتاری و عملکردی، شناسایی مسیرهای توسعه استعدادیابی، شناسایی شرایط جسمی دانش آموزان، شناخت محدودیت های عملیاتی، تقویت بخش عملکردی، تعیین اولویت ها، بررسی فضای رقابتی و بروزرسانی اطلاعات اشاره گردید. این امر نشان می دهد که تصمیم گیری های درست و به موقع از طرف سازمان سما به عنوان نهاد تصمیم گیرنده ارشد، تاثیر مهمی بر عامل استعدادیابی ورزشی مدارس دارد.
 ۴. در بخش «سیستم جامع نظارتی»، به مسئله مهم سیستم ارزیابی مدون، بررسی قوانین و مقررات موجود، بررسی شرایط فعلی و مقایسه آن با شرایط قبلی مدارس، توجه به ضعف عملکرد سازمان در شناخت استعدادها، تجزیه تحلیل روند استعدادیابی در مدارس، تجزیه تحلیل روند توسعه در تیم، نظارت بر تشویق و تنبیه، توسعه محور استعدادیابی، آگاهی از وضعیت بازیکنان، بررسی فضای رشدی و بررسی حوزه فعالیت اجرایی مدیران مدارس در حوزه ورزش اشاره شد که یکی از مهمترین شرایط علی برای شناخت استعدادهای ورزشی مدارس سمای کشور می باشد.
 ۵. در بخش «بررسی راهبرد های موجود»، تمرکز بر اهداف بلندمدت، پذیرش توسعه به عنوان فرایند بلندمدت، بررسی وضع موجود، اجرایی نشدن برنامه ها و شناسایی راهبرد های گذشته جهت توسعه استعدادیابی معرفی شد.
 ۶. در طبقه «مسائل انگیزشی»، به اولویت بندی مسائل انگیزشی، توجه به نیاز کلیه دانش آموزان، توجه به بعد انگیزشی کارکنان و بررسی بعد انگیزشی دانش آموزان پرداخته شد.
 ۷. در بخش «شناسایی ارتباطات موثر» نیز به بهره گیری از ارتباطات موثر، مطالعات تطبیقی، استفاده از دستاوردهای حوزه های مختلف ورزشی در این باره، استفاده از دانش متخصصان فعال این حوزه، بررسی ارتباط سازمان و مدارس و نظارت بر ارتباطات متقابل پرداخته شد.
- بی تردید، تمام این پیامدها مثبت و بیانگر مطلوبیت بررسی موضوع استعدادیابی ورزشی مدارس سمای کشور می باشند. با توجه به مشکلات و موانع دائمی موجود بر سر راه توسعه استعدادیابی و اهمیت و تاثیر این مسئله بر روی آینده ورزشی کشور، توجه کافی به آن می تواند گامی مثبت در جهت رشد تک تک دانش آموزان و در نهایت توسعه استعدادهای ورزشی مدارس مربوطه گردد. از این رو، سازمان سما باید شرایط علی مناسب برای توسعه استعدادهای ورزشی مدارس سمای کشور را به طور ویژه مد نظر قرار دهد.

منابع

- اسدی، نوید؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، نصرالله و علی دوست قهفرخی، ابراهیم. (۱۳۹۶). «بررسی موانع استعدادیابی در ورزش ایران». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. دوره ۵، شماره ۱۸، صص ۲۳-۳۲.
- حاجی محسنی، مبین. (۱۳۹۵). «بررسی نقش ورزش مدارس در فرآیند شناسایی و پرورش استعداد های ورزشی دانش آموزان». دومین همایش ملی دستاوردهای نوین تربیت بدنی و ورزش. ۲۴ و ۲۵ شهریورماه ۱۳۹۵/ دانشگاه بین المللی چابهار.
- حسنقلی پور، طهمورث؛ سید جوادین، سید رضا؛ روستا، احمد و خانلری، امیر. (۱۳۹۱). «مدل ارزیابی فرایند مدیریت ارتباط با مشتری در بانک های خصوصی تجاری کشور». فصلنامه مدیریت فناوری اطلاعات. دوره ۴، شماره ۱۰.
- حسینی، سید شاهو؛ حمیدی، مهرزاد؛ قربانین، آسیه و سجادی، نصر الله. (۱۳۹۲). «شناسایی قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدید های استعدادیابی ورزش قهرمانی و تنگناها و چالش های فرآروی آن». مدیریت ورزشی. شماره ۱۷، صص ۲۹-۵۴.
- حسینی، سید شاهو؛ حمیدی، مهرزاد؛ قربانین، آسیه و سجادی، نصر الله. (۱۳۹۲). «بررسی و شناسایی عوامل راهبردی استعدادیابی در ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران». مجموعه مقالات دومین همایش ملی استعدادیابی ورزشی. ۲۵-۲۶ مهر، تهران.
- داودی، سیدعلی؛ یعقوبی، نورمحمد و ایمانی، عبدالمجید. (۱۳۹۶). «الگوی جامع استعدادیابی و جانشین پروری در نظام آموزش عالی استان سیستان و بلوچستان». نشریه پژوهش های مدیریت عمومی. دوره ۱۰، ش ۳۸، صص ۲۵۱-۲۷۶.
- رستمی، علیرضا. (۱۳۹۱). اهمیت ورزش مدارس در فرآیند شناسایی و پرورش استعداد های ورزشی.
- عیدی، حسین؛ عباسی، همایون و عسگری، بهمن. (۱۳۹۱). «تحلیل مسیر استعدادیابی ورزشی در کشورهای منتخب». مجموعه مقالات دومین همایش ملی استعدادیابی ورزشی. ۲۵-۲۶ مهر، تهران.
- فاضلی دینان، فاطمه. (۱۳۹۶). «طراحی مدل توسعه قابلیت های مدیران نخبه در سازمان های ورزشی منتخب کشور (مطالعه ای با رویکرد گزند تئوری)». رساله دکتری، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه شمال آمل.
- قاسم زاده میرکلانی، ابراهیم. (۱۳۹۴). «بررسی موانع موفقیت و تداوم اجرای طرح ملی استعدادیابی فدراسیون دو و میدانی ایران». پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی، سال چهارم، شماره ۲، پیاپی ۱۴، صص ۳۵-۴۷.
- قاسمی، حمید. (۱۳۹۱). «بررسی میزان پوشش "استعدادیابی ورزشی" در برنامه های رادیویی ایران». کتابچه دومین همایش ملی استعدادیابی ورزشی. ص ۶۵.
- نوحی، محمد؛ شهبایی باقری، جواد؛ غفوری، فرزاد و هنری، حبیب. (۱۳۹۷). «تعیین فاکتورهای فرایند استعدادیابی: یک مطالعه اکتشافی در ورزشکاران رزمی». فصلنامه علمی پژوهشی وزارت ورزش و جوانان. شماره ۴۱، صص ۳۰۴-۳۱۷.
- Bennet, KJM. Vaeyens, R. Franssen, J. (2018). "Creating a framework for talent identification and development in emerging football nations". Science and Medicine in Football, Volume 3, 2019- Issue 1.
- Buekers. M. (2015). "Talent in sports. Some reflections about the search for future champions Movement & Sport Sciences". Science & Motricité, 88, 3-12.

- Creswell, J.W. (2007). **Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches**. 2nd edition.
- Gulbin, J. P., Oldenziel, K. E., Weissensteiner, J. R., Gagne, F. (2010). “**A look through the rear view mirror: Developmental experiences and insights of high performance athletes**”. *Talented Development and Excellence*, 12(2), pp: 55-64.
- Kate, Vrljic & Clifford, J. Mallett. (2008). “**Coaching knowledge in identifying football talent**”. *International Journal of Coaching Science*.
- Krasilshchikov, O. (2011). “**Talent recognition and development-elaborating on a principle model**”. *International Journal of Developmental Sport Management*, 1(1), pp: 24-33.
- Nazari, R., Abedi, H. P. (2013). “**Development of perspectives and strategic planning in sport**”. *Management and Administrative Sciences Review*, 2(2), pp: 104-113.
- Patton, M. Q. (1990). **Qualitative Evaluation and Research Methods**. (2nd edition) Newbury Park, CA: Sage Publications.
- Strauss, A. and Corbin, J. (1998) **Basics of Qualitative Research**. Second Edition, London: Sage Publications.
- Toohey, K. MacMahon, C. Weissensteiner, J. (2018). “**Using transdisciplinary research to examine talent identification and development in sport**”. *Sport in Society*, Volume 21, 2018- Issue 2.

تعیین ظرفیت گردشگری پذیر منطقه کوهستانی- ورزشی دربند تهران با رویکرد مدیریت پایدار ورزش

محمد طاهری حسین آبادی^۱

سید مصطفی طیبی ثانی^۲

علی فهیمی نژاد^۳

هومن بهمن پور^۴

doi 10.22034/SSYS.2022.485

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۳/۲۷

برقراری توازن مطلوب بین قابلیت گردشگری یک منبع و میزان استفاده مراجعان از آنها امری بسیار مهم است و اساس برنامه ریزی های سیستمی گردشگری را برای توسعه فعالیت های ورزشی تشکیل می دهد. هدف از این مطالعه، تعیین ظرفیت گردشگری پذیر برای محیط های کوهستانی ورزشی می باشد. در این راستا، با تعیین سه نوع ظرفیت تحمل فیزیکی، واقعی و موثر تلاش گردید تا مبنای کمی قابل اعتمادی برای تصمیم گیری و برنامه ریزی در راستای توسعه پایدار در اختیار برنامه ریزان و طراحان این گونه فضاها قرار گیرد. ابتدا با استفاده از ثبت نقاط زمینی و تهیه نقشه کاربری اراضی به وسیله ابزار سیستم اطلاعات جغرافیایی، ۱۶۵ هکتار از منطقه به عنوان عرصه های مفید و قابل استفاده انتخاب گردید. در گام بعد، از طریق بررسی سوابق، ثبت نظرات مراجعه کنندگان و مبنای نظری تحقیق، پارامترهای تاثیرگذار استخراج و محاسبه گردیدند. پنج عامل محدودکننده و یازده شاخص زیر مجموعه آن به عنوان ضریب در محاسبه ظرفیت تحمل واقعی سایت

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

۲. استادیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Tayebisani@gmail.com

۳. استادیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

۴. استادیار، گروه محیط زیست، دانشکده فنی و مهندسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

مطالعاتی استفاده شدند. به منظور امتیازدهی به پارامترهای توانمندی مدیریتی سایت، پرسشنامه محقق ساخته (طیفی لیکرت) در اختیار کاربران باسابقه و ورزشکاران (۳۸۴ نفر) قرار داده شد. در این میان، بیشترین امتیاز متعلق به پارامتر آب آشامیدنی (۴/۴) و کمترین امتیاز متعلق به پارامتر پارکینگ (۱/۹۳) بوده است. در نهایت، ظرفیت تحمل فیزیکی، واقعی و موثر سایت مطالعاتی به ترتیب (۶۶۰۰۰۰، ۷۰۶۸۶ و ۴۰۲۹۱) نفر در روز برآورد گردید.

واژگان کلیدی: مناطق کوهستانی، ظرفیت تحمل، گردشگری و ورزش

مقدمه

افزایش جمعیت و توسعه شهرنشینی در سال‌های اخیر موجب افزایش تقاضا برای استفاده گردشگری و ورزشی از فضاهای طبیعی شده است. کمبود فضاهای باز و طبیعی در شهرها، از یک سو و نیاز و علاقمندی افراد به فعالیت‌های گردشگری و ورزشی، از سوی دیگر سبب گردیده است تا اندک ظرفیت‌های طبیعی باقیمانده در اکوسیستم‌های شهری پذیرای حجم زیادی از مراجعه‌کنندگان (به ویژه در روزهای آخر هفته) گردد (چرنوشنکو، ۲۰۰۱). از لحاظ بوم‌شناختی، گسترش فعالیت‌های گردشگری می‌تواند تهدیدکننده اکوسیستم‌های طبیعی به بهای کسب فوائد اقتصادی و اجتماعی کوتاه مدت باشد. بنابراین، نظر به آسیب‌پذیر بودن و حساسیت نسبتاً بالای مناطق طبیعی که به عنوان مواهب خدادادی، محصول مستقیم طبیعت و کارکردهای آن هستند و به دلیل دارا بودن مناظر و ارزش‌های زیبایی‌شناختی از تقاضای بیشتری نیز جهت گذران اوقات فراغت برخوردارند، بررسی و تعیین ظرفیت تحمل گردشگری^۱ اهمیت خاصی پیدا می‌کند. این گونه مناطق را نمی‌توان همانند کالایی فرض نمود که بتوان مدت زمانی خاص را برای استفاده مفید از آن در نظر گرفت. این منابع با ارزش در صورت تخریب گسترده، قابل بازسازی نخواهند بود. با پیدایش مفاهیم توسعه پایدار، برنامه‌ریزان بر آن شدند تا با استفاده از روش‌های گوناگون نسبت به تعیین حدود و ثغور فعالیت‌ها اقدام کنند (صنایع گلدوز و مخدوم، ۱۳۸۸: ۳۷). بنابراین، برقراری توازن مطلوب بین قابلیت گردشگری یک منبع و میزان استفاده مراجعان از آنها امری بسیار مهم است و اساس برنامه‌ریزی‌های سیستمی گردشگری را برای توسعه فعالیت‌های ورزشی تشکیل می‌دهد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۸). این امر به معنای عدم استفاده از یک منطقه یا جاذبه طبیعی نمی‌باشد، بلکه به معنای استفاده صحیح (بهره‌برداری در ازای بهره‌کشی) می‌باشد (سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۶).

هدف از این مطالعه، تعیین ظرفیت گردشگری‌پذیری در مناطق کوهستانی و ورزشی - به طور اختصاصی دربند تهران - می‌باشد تا تضمینی برای استفاده پایدار مراجعه‌کنندگان باشد؛ به نحوی که امکان تحقق همزمان دو رویکرد انجام فعالیت‌های ورزشی - تفریحی و همچنین حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست فراهم گردد.

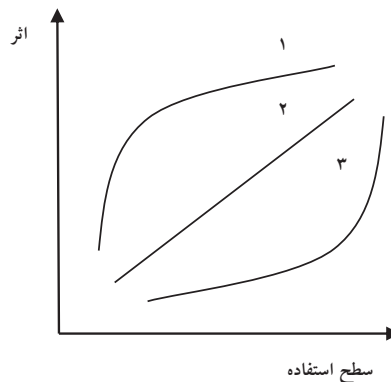
مفهوم ظرفیت تحمل (ظرفیت گردشگری‌پذیری)

ظرفیت تحمل، سابقه‌ای به نسبت طولانی در مدیریت منابع طبیعی دارد؛ به طوری که برای اولین بار در اواسط دهه ۱۹۳۰ میلادی در زمینه مدیریت پارک‌ها و نواحی گردشگری، استفاده از این مفهوم پیشنهاد شد؛ اما حدود ۶۰ سال طول کشید تا به شکل کاربردی در مدیریت محیط زیست مورد استفاده قرار گرفت. آنچه در برآورد ظرفیت تحمل حائز اهمیت بیشتری می‌باشد، یک نوع مصالحه میان حداکثرسازی و بهینه‌سازی جهت نیل به یک حد قابل قبول تغییر در آستانه‌ها و شاخص‌های اثر است (مارتیره^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). در یک مفهوم کلی، ظرفیت برد در سطح اکوسیستمی به عنوان سطح یا حدی تعریف می‌شود که در آن یک فرآیند یا متغیر محیطی درون یک اکوسیستم معین می‌تواند تغییر یابد بدون آنکه ساختار و عملکرد آن اکوسیستم از

1. Tourism Carrying Capacity

2. Martire

حدود قابل مشخصی فراتر رود (دیوآرت^۱ و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۲۴). مفهوم کاربردی ظرفیت تحمل که توسط سازمان جهانی گردشگری ارائه شده است، عبارت است از: «حداکثر تعداد جمعیت بازدیدکننده از یک منطقه طبیعی ورزشی و یا گردشگری در یک زمان معین بدون ایجاد تغییر و آشفتگی در محیط زیست فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بدون ایجاد کاهش غیرقابل قبول در کیفیت رضایتمندی کاربران» (سازمان جهانی گردشگری^۲، ۲۰۱۶). به عبارت دیگر، ظرفیت تحمل، حدودی را مشخص می کند که با عبور از آن، منابع تخریب شده و یا خسارت وارده بر اکوسیستم جبران ناپذیر می شود (حسین زاده و عرفانیان، ۱۳۹۴). عبور از این سطح و آستانه منجر به تخریب و آسیب هایی در مقیاس های مختلف و یا باعث کاهش سطح رضایت کاربران و بازدیدکنندگان خواهد شد (براون^۳، ۲۰۱۱). این مفهوم به عنوان ابزاری برای برنامه ریزی در جهت توسعه پایدار شناخته می شود (سانتوس لوبو^۴، ۲۰۱۳). در مجموع می توان گفت رابطه بین سطح استفاده و آثار ناشی از سطح حضور و فعالیت بازدیدکننده ها ممکن است به شکل های گوناگون خود را نشان دهد (مک کول و لیم^۵، ۲۰۰۱). چگونگی این روابط در شکل ۱ نشان داده شده است:



شکل ۱: رابطه بین سطح استفاده و اثرات ناشی از میزان حضور و فعالیت کاربر (مک کول و لیم، ۲۰۱۰)

در این شکل، منحنی ۱ معرف حالتی است که ابتدا آثار با میزان کم استفاده به شدت افزایش می یابند و پس از آن افزایش میزان استفاده، میزان آثار را با سرعت کمتری افزایش می دهد. منحنی ۲، رابطه خطی بین سطح استفاده و میزان آثار ناشی از آن را نشان می دهد و در منحنی ۳، ابتدا با افزایش تعداد کاربران، آثار به کندی و پس از آن به سرعت افزایش می یابد. پس همواره نمی توان رابطه مشخصی بین تعداد کاربر (بازدیدکننده) و اثرات

1. Duarte
2. World Tourism Organization
3. Brown
4. Santos Lobo
5. McCool & Lime

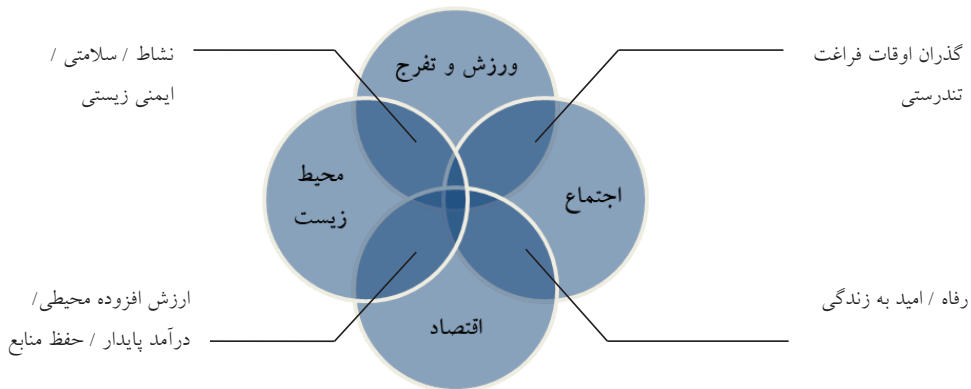
ناشی از حضور آنها در منطقه گردشگری پیدا کرد. در نظام برنامه ریزی و مدیریت سرزمین، برآورد ظرفیت تحمل به عنوان یک رهیافت کل نگر و ابزار پشتیبانی از تصمیم به کار گرفته می شود. تعیین ظرفیت تحمل با پذیرش گردشگری و ورزشی، خط مشی ضروری در برنامه ریزی است که معمولاً براساس تحلیل ویژگی های محل، توسعه محل و اماکن مورد استفاده کاربران صورت می پذیرد (بهمن پور و همکاران، ۱۳۹۰). عمده مطالعات صورت گرفته در زمینه ظرفیت تحمل، مربوط به گردشگری می باشند. از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره داشت: بررسی ظرفیت تحمل گردشگری براساس فعالیت های گردشگری گوناگون و همچنین نوع گردشگری و قابلیت های نسبی آن (نهرلی و رضایی، ۱۳۸۱)، برآورد ظرفیت تحمل گردشگری معبد آناهیتا در شهر کنگاور (فرهودی و شورچه، ۱۳۸۳)، برنامه مدیریت بهینه گردشگری، ابزاری جهت کاربرد مفهوم ظرفیت تحمل در مدیریت پایدار مناطق گردشگری (شایسته و همکاران، ۱۳۹۰)، ارزیابی ظرفیت تحمل در تعیین کاربری های مجموعه های گردشگری (رضایی و قهرمانی، ۱۳۹۴)، تعیین ظرفیت تحمل گردشگری ساحلی جزیره کیش (حسین زاده و عرفانیان، ۱۳۹۴)، تخمین ظرفیت تحمل گردشگری پارک ملی ترمسون^۱ در جنوب ترکیه با توجه به منابع طبیعی و فرهنگی خاص آن (سایان و آتیک^۲، ۲۰۱۱)، بررسی ظرفیت تحمل پارک جنگلی تالار (مشایخان و همکاران، ۲۰۱۴). صادقی چهارده و همکاران (۱۳۹۶) نیز در تحقیقی به برآورد ظرفیت برد گردشگری در مناطق کوهستانی منتخب کشور پرداختند.

جایگاه مدیریت پایدار در برنامه ریزی ورزشی

توسعه پایدار فرآیندی است که تمام ابعاد محیطی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، مدیریتی، زیست محیطی و توسعه انسانی را در بر می گیرد (بوروی^۳، ۲۰۱۴). نخستین تعریف ارائه شده از توسعه پایدار متعلق به کمیسیون برانت لند^۴ (۱۹۸۷) است. برخی صاحب نظران اعتقاد دارند که توسعه پایدار به معنای بهبود کیفیت زندگی و زندگی کردن در ظرفیت تحمل اکوسیستم های پشتیبان است (کوک و اسونا^۵، ۲۰۱۴). رابرت آلن توسعه پایدار را توسعه ای تعریف کرده که هدف آن ارضای مستمر نیازهای انسانی و بهسازی کیفیت زندگی انسان ها در جامعه است (آلتینای^۶، ۲۰۰۵). یکی از رویکردهای جدید در مدیریت ورزشی، مدیریت پایدار ورزش می باشد که به نفع تمام گروه ها اعم از مردم، ورزشکاران و طرفداران محیط زیست است. ورزش می تواند در عین حال همگانی، ثمربخش و از نظر زیست محیطی و اجتماعی پاسخگو باشد (کمیته بین المللی المپیک، ۲۰۰۰). براساس تعاریف ارائه شده، «ورزش را زمانی می توان پایدار نامید که ضمن برآورده ساختن نیازهای جامعه امروز ورزش و ایجاد فرصت های ورزشی برای همه در آینده، تلفیق و انسجام بیشتر محیط زیست طبیعی و اجتماعی را که ورزش بدان متکی است، میسر سازد» (چرنوشکو، ۲۰۰۱). از سوی دیگر، توسعه پایدار ورزش و گردشگری، عبارت است از: گسترش فعالیت های ورزشی و گردشگری در یک ناحیه با استفاده

1. Termesson National Park
2. Sayan & Atik
3. Borowy
4. Brundtland Commission
5. Cook & Esuna
6. Altinay

از منابع موجود به گونه ای که ضمن پاسخ دادن به نیازهای اجتماعی، روانی، اقتصادی، فرهنگی و قانونی جامعه و کاربران بتوان وحدت، هویت فرهنگی، سلامت محیط زیست، بهداشت محیط و تعادل اقتصادی آنان را به طور متوازن در حد بهینه فراهم کرد (سیانی پار^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). شکل ۲، شماتیک ارتباط میان این عوامل را نشان می دهد. فصل مشترک این عوامل، بیانگر رویکرد پایداری در توسعه و برنامه ریزی است.



شکل ۲: ارتباط میان ورزش، گردشگری، محیط زیست و اقتصاد و اجتماع در رویکرد پایداری

(ترسیم توسط نگارندگان براساس بهمن پور و همکاران، ۱۳۹۰؛ سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۶؛ بووی، ۲۰۱۴)

همان طور که از شکل بر می آید، هیچ یک از عوامل چهارگانه یاد شده دارای اولویت و یا برتری مفهومی نسبت به سایرین نمی باشد. رویکرد پایداری در برنامه ریزی تنها از طریق به کارگیری تمامی عوامل و در نظر گرفتن تمامی جنبه ها امکان پذیر می باشد. در غیر این صورت، رشد و توسعه یک عامل (جنبه) به قیمت هدررفت و تخریب سایر عوامل و جنبه ها خواهد بود.

شاخص ها در ظرفیت پذیری گردشگری و ورزشی

شاخص ها، فرصت های مهمی را برای تعریف و کاربرد «ظرفیت تحمل گردشگری و ورزشی»^۲ (STCC) فراهم می آورند. جهت دستیابی به ظرفیت تحمل (پذیرش) منطقی و کاربردی هر منطقه، ارزیابی و تلفیق تمامی ظرفیت ها و شاخص های مرتبط امری کاملاً ضروری است و اساساً مدیریت پایدار و پویای منابع گردشگری با در نظر گرفتن تمامی این عوامل می تواند به عنوان معیاری برای سنجش ظرفیت تحمل محسوب شود (جیمز^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). کاربرد برآورد شاخص ها نیازمند به کارگیری آنها در جهت اهداف تعیین شده و حساسیت مکان های مورد مطالعه می باشد. در این زمینه سه نوع شاخص در ترکیبات ظرفیت گردشگری پذیر و ورزشی پیشنهاد شده است که با توجه به نوع مکان و اهداف گردشگری و ورزشی، اولویت و اهمیت هر یک

1. Sianipar

2. Sport and Recreational Carrying Capacity

3. James

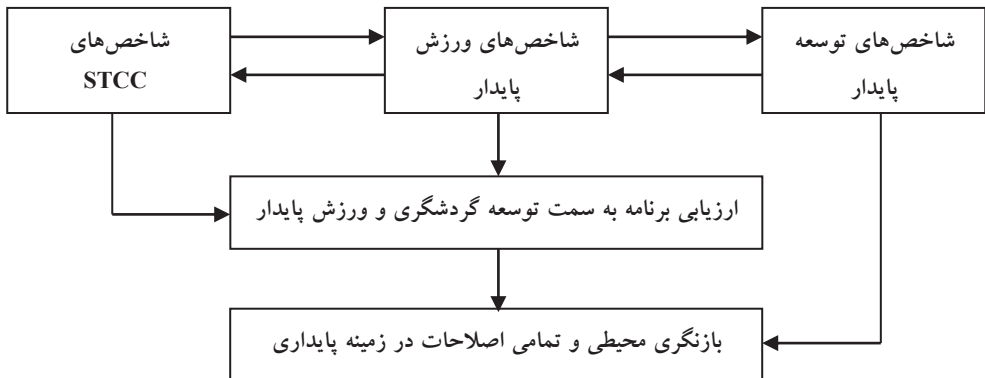
از شاخص‌ها متفاوت می‌باشد:

۱. شاخص‌های فیزیکی- اکولوژیکی

۲. شاخص‌های اجتماعی- جمعیتی

۳. شاخص‌های اقتصادی- سیاسی (کوکوسیسی و ماکسا^۱، ۲۰۰۴).

در واقع، این شاخص‌ها شرایط را برای حفاظت و ارتقای وضعیت سیستم در جهت پایداری در مکان‌های گردشگری و ورزشی فراهم می‌آورند. شکل ۳، شمای رابطه بین شاخص‌های توسعه پایدار، شاخص‌های ورزش پایدار و نیز شاخص‌های ظرفیت تحمل گردشگری و ورزشی را نشان می‌دهد. همان‌طور که از شکل قابل استنباط است، هر سه نوع شاخص رابطه متقابل و تنگاتنگی با هم دارند و در عین حال که باید به ارتباط بین آنها توجه شود، به طور مداوم در هر مرحله باید مورد ارزیابی و بازنگری در جهت نیل به برنامه‌ریزی و توسعه پایدار قرار گیرند (برنامه عمران و توسعه سازمان ملل متحد، ۲۰۱۷).



شکل ۳: ارتباط میان شاخص‌های سه‌گانه پایداری، ظرفیت تحمل، و گردشگری و ورزش (اقتباس از کوکوسیسی و ماکسا، ۲۰۰۴ و برنامه عمران و توسعه سازمان ملل متحد، ۲۰۱۷)

ظرفیت تحمل زیست محیطی (فیزیکی- اکولوژیکی) عبارت است از: حداکثر تعداد از افراد جمعیتی خاص که می‌توانند توسط یک زیستگاه پشتیبانی شوند- بدون آنکه به پایداری و عملکرد سیستم‌های پشتیبان حیات آن تخریبی پایدار وارد سازند (میداوز^۲، ۱۹۹۲). در ظرفیت تحمل اجتماعی، بردباری و ازدحام از دیدگاه بومیان ساکن در منطقه و رضایتمندی کاربران برآورده می‌شود (لاوسون^۳ و همکاران، ۲۰۰۳). ظرفیت تحمل اقتصادی، سطحی از فعالیت‌های اقتصادی است که بدون آسیب رساندن به فعالیت‌های اقتصادی کلیدی محلی صورت می‌گیرد (انگی^۴، ۲۰۰۷).

1. Coccossis & Maxa

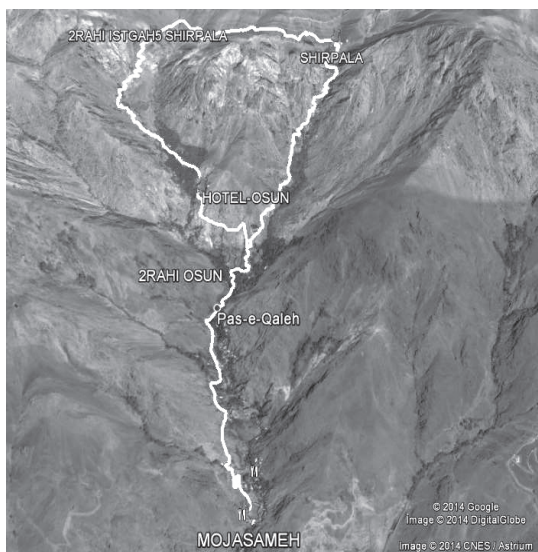
2. Meadows

3. Lawson

4. Nghi

روش شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع کاربردی می باشد. روش گردآوری داده ها از نوع کتابخانه ای و برداشت میدانی بوده است. از آنجا که هیچ گونه اطلاعات دقیق و قابل اتکایی در مورد جزئیات مسیرهای کوهپیمایی و تردد کاربران (ابعاد، مساحت و محدوده) در منطقه دربند ثبت نگردیده است، در گام نخست، اقدام به تعیین محدوده قابل استفاده گردید. بدین منظور، از طریق ثبت نقاط زمینی^۱ (GPS) مرز منطقه استخراج شد و سپس نقاط زمینی برداشت شده برای تولید نقشه و تعیین مساحت سایت، وارد نرم افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS^۲ گردید و نقشه سایت گردشگری و ورزشی تهیه شد. وسعت منطقه ۳۳۰ هکتار می باشد (شکل ۴)، اما از طریق تهیه نقشه کاربری اراضی صرفاً بخش هایی که امکان فعالیت های گردشگری و ورزشی داشته باشند، به عنوان سایت مطالعاتی (۵۵ درصد محدوده) انتخاب گردیدند - بخش هایی از منطقه مطالعاتی بافت مسکونی، تجاری و خدماتی و بخش هایی در برگیرنده فضاهای سبز و باغ های خصوصی بودند. در نهایت، پس از غربالگری صورت گرفته، ۱۶۵ هکتار از محدوده به عنوان سایت مطالعاتی انتخاب شد.



شکل ۴: تصویر ماهواره ای منطقه مورد مطالعه و نقاط ابتدایی و انتهایی سایت
(منبع: نگارندگان ثبت شده با GPS)

در گام بعدی، عوامل موثر در بهره برداری عمومی از سایت که شامل عوامل فیزیکی، بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می باشد، از طریق بررسی سوابق و مبانی نظری بازنشاسایی و مورد ارزیابی قرار گرفتند. در

1. Geographic Position System
2. Geographic Information System

این تحقیق، ۵ عامل و ۱۱ پارامتر وابسته به آنها به عنوان عوامل محدودیت منطقه برای گردشگری و ورزش در نظر گرفته شدند. جدول ۱ این عوامل و شاخص ها را نشان می دهد:

جدول ۱: عوامل و شاخص های محدودکننده جغرافیایی و اکولوژیکی در منطقه کوهستانی دربند

ردیف	عامل	شاخص	توضیحات
۱	اقلیمی	روزهای برفی	تعداد روزهای برفی در سال در منطقه مطالعاتی ۲۸ روز بوده است.
		روزهای یخبندان	براساس داده های آماری ۳۵ ساله اخیر تهران، ۴۲ روز توام با یخبندان ثبت شده است.
		گرمای هوا	باتوجه به آنکه حداکثر دمای ثبت شده منطقه برابر با ۳۶ درجه سانتیگراد بوده است، پس تنش حرارتی می تواند مشاهده شود. از سوی دیگر، با توجه به داده های هواشناسی، تعداد ۲۶ روز با درجه حرارت بالا (بیش از ۳۵ درجه سانتیگراد) ثبت شده است.
		سرما	منظور از سرما، برودت زیر ۴ درجه سانتیگراد است که برای سیستم بدن انسان آزاردهنده و آسیب رسان خواهد بود. با توجه به داده های آماری، تعداد ۴۸ روز در سال ثبت گردیده است.
		وزش باد شدید توام با گرد و خاک	طبق آمار ایستگاه سینوپتیک تهران، تعداد این روزها ۱۵ مورد بوده است.
		بارندگی شدید	تعداد روزهای بارندگی شدید و سیل آسا ۱۷ روز ثبت شده است.
۲	شیب*	۲۵-۰٪	۱۴ درصد منطقه معادل با ۲۳۱۰۰۰ مترمربع (قابل قبول برای ورزش و گردشگری)
		۵۰-۲۵٪	۲۱ درصد منطقه معادل با ۳۴۶۵۰۰ مترمربع (قابل قبول برای ورزش و گردشگری)
		≥ ۵۰	۶۵ درصد منطقه معادل با ۱۰۷۲۵۰۰ مترمربع (غیرقابل قبول برای گردشگری و ورزش آماتور)
۳	ایمنی*	عرض معابر	در ۵۰ درصد مسیر (معادل با ۸۲۵۰۰۰ مترمربع) عرض معابر کمتر از ۷۰ سانتیمتر است که برای حرکت کاربران بسیار خطرناک است.
۴	خاک (بستر)*	فرسایش پذیری خاک	در بیش از ۶۰ درصد منطقه (معادل با ۹۹۰۰۰۰ مترمربع) خاک مستعد فرسایش است.
		سست بودن بستر	در حدود ۲۷ درصد منطقه بستر ناپایدار و سست است. (معادل با ۴۴۵۵۰۰ مترمربع)
۵	تنوع زیستی*	تراکم پوشش گیاهی	در حدود ۸ درصد منطقه (معادل با ۱۳۲۰۰۰ مترمربع) دارای پوشش گیاهی ارزشمند و قابل حفاظت است.

♦ دارای بخش های مشترک می باشند.

منبع: مرکز خاک شناسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۰؛ بهمن پور و همکاران، ۱۳۹۰؛ برق جلوه و مدقالچی، ۱۳۹۲؛ نگارنده براساس بازدیدهای میدانی

در ادامه، روش برآورد هر یک از ظرفیت‌های برد، به طور جداگانه تشریح می‌شوند.

● برآورد ظرفیت تحمل فیزیکی یا بالقوه^۱

ظرفیت تحمل فیزیکی، عبارت است از: حداکثر تعداد کاربران که در یک مکان و زمان معین می‌توانند حضور فیزیکی داشته باشند. این ظرفیت به هیچ عنوان نمی‌تواند اساس برنامه‌ریزی قرار گیرد، بلکه ظرفیت محیط فیزیکی منطقه را بدون در نظر داشتن عوامل و عناصر محدود کننده نشان می‌دهد. این تعداد می‌تواند براساس فرمول زیر برای عرصه‌های مناسب گردشگری محاسبه شوند (کوکوسی و ماکسا، ۲۰۰۴).

$$PCC = A \times (V/a) \times Rf \quad (1)$$

A: مساحت پهنه‌های مستعد ورزش و گردشگری (با استفاده از برداشت میدانی GPS مشخص گردید)
(V/a): نسبت تعداد کاربر (ورزشکار/بازدیدکننده) مجاز در واحد سطح است. V معادل یک نفر بازدیدکننده یا ورزشکار و a مقدار فضایی است که هر بازدیدکننده نیاز دارد تا به راحتی بتواند در آن جابه‌جا شده و تداخلی با سایر پدیده‌های فیزیکی و یا افراد نداشته باشد. این مقدار با توجه به خصوصیات منطقه و با نظر کارشناسی مبتنی بر اجماع در نظر گرفته می‌شود. در تحقیق نه‌رلی و رضایی (۱۳۸۱) برای افراد معمولی در یک فعالیت گردشگری مساحتی افقی به اندازه ۱۰ مترمربع در نظر گرفته شد. در محدوده سد لتیان و به دلیل حساسیت‌های فراوان آن منطقه، ۱۰۰ مترمربع و برای بوستان‌های شهری (پوریزی و ملکیان، ۱۳۹۲) ۱۰ مترمربع و همچنین برای یک منطقه حفاظت شده که تنوع زیستی اهمیت زیادی دارد، به ازای هر نفر ۶ مترمربع در نظر گرفته شد. اما برای پهنه گردشگری متمرکز که ارزش حفاظتی آن نسبت به پهنه گردشگری گسترده کمتر است و قابلیت پذیرش بازدیدکنندگان بیشتری را دارد، ۵ مترمربع در نظر گرفته شد (شیخ و همکاران، ۱۳۹۲). از آنجا که محدوده مورد مطالعه در برگیرنده هر دو نوع تفرج متمرکز و گسترده می‌باشد، به منظور رعایت حریم و ایمنی بیشتر، ۱۰ مترمربع در نظر گرفته شد.

Rf: نسبت مدت زمان قابل استفاده بودن منطقه به میانگین طول زمان یک بازدید می‌باشد. این زمان در مطالعات مشابه از ۶ تا ۱۸ ساعت در نظر گرفته شده است. با توجه به سوابق و پیشینه موجود و نیز اخذ نظر کاربران و جامعه محلی، زمان قابل استفاده بودن سایت، ۲۴ ساعت در نظر گرفته شد که این زمان برای پارک ملی بوجاق (قاسم‌زاده کوچصفهانی و همکاران، ۱۳۹۱) و منطقه حفاظت شده گنو (پرویش و همکاران، ۱۳۸۹) ۱۲ ساعت در نظر گرفته شده بود. این زمان برای گردشگری اطراف سد لتیان ۱۴ ساعت و برای بوستان‌های شهری (ملکیان و پوریزی، ۱۳۹۳) ۲۴ ساعت محسوب گردیده بود. میانگین طول زمان بازدید نیز برابر با ۶ ساعت در نظر گرفته شد. در تحقیق حاضر، این میزان برابر با ۱۰ مترمربع در نظر گرفته شد.

● برآورد ظرفیت تحمل واقعی^۲

ظرفیت تحمل واقعی عبارت است از حداکثر تعداد بازدیدکنندگان از یک مکان گردشگری که با توجه

1. Physical Carrying Capacity (PCC)

2. Real Carrying Capacity (RCC)

به عوامل محدود کننده (Cf) که ناشی از شرایط ویژه آن مکان و تاثیر این عوامل بر ظرفیت تحمل فیزیکی می باشد، مجازند تا از آن مکان بازدید به عمل آورند یا در آن فعالیت کنند (بازبی^۱ و همکاران، ۱۹۹۶). این تعداد براساس فرمول زیر به دست می آید:

$$RCC = PCC \times \frac{100-Cf1}{100} \times \frac{100-Cf2}{100} \times \frac{100-Cf3}{100} \quad (2)$$

Cf : عوامل تصحیح کننده یا محدود کننده ناشی از شرایط ویژه آن مکان می باشند. این عوامل محدود کننده با در نظر گرفتن شرایط و متغیرهای جغرافیایی و اکولوژیکی به دست می آیند و به درصد بیان می شوند. هر عامل محدود کننده از فرمول زیر محاسبه می شود (بازبی و همکاران، ۱۹۹۶ و دیوآرت و همکاران، ۲۰۰۳):

$$Cf = \frac{M1}{M2} \times 100 \quad (3)$$

$M1$: میزان محدودی از بزرگی (اندازه) یک متغیر

$M2$: کل بزرگی (اندازه) یک متغیر

در این تحقیق، ۵ عامل و ۱۱ شاخص وابسته به آنها به عنوان عوامل محدودیت منطقه برای گردشگری و ورزش در نظر گرفته شدند (برنامه عمران ملل متحد، ۲۰۱۷؛ سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۶؛ سایان و آتیک، ۲۰۱۱؛ بهمن پور و همکاران، ۱۳۹۰؛ اردکانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ صنایع گلدوز و مخدوم، ۱۳۸۸ و نه‌رلی و رضایی، ۱۳۸۱).

● برآورد ظرفیت تحمل موثر^۲

ظرفیت تحمل موثر یا مجاز، به حداکثر تعداد مراجعه کنندگان در یک مکان که مدیریت موجود، توانمندی اداره آن را به صورت پایدار دارد، اشاره دارد. در برآورد کمی این توانمندی ها، متغیرهای فراوانی دخالت دارند که می توان از خط مشی ها و سیاست گذاری ها، قوانین و مقررات، تسهیلات زیربنایی و تجهیزات، نیروی انسانی مورد نیاز، منابع مالی و غیره نام برد. این تعداد براساس فرمول زیر به دست می آید:

$$ECC = RCC \times \frac{100-FM}{100} \quad (4)$$

FM : یا ضریب تعدیل مدیریت، شامل مجموعه شرایطی است که مدیریت یک منطقه برای رسیدن به اهداف و عملکردهای مورد نظر، نیاز دارد (بازبی و همکاران، ۱۹۹۶). در هر حال باید توجه داشت که ظرفیت تحمل موثر هیچگاه از ظرفیت تحمل واقعی فراتر نمی رود و وجود توانمندی های مدیریتی می تواند موجب استفاده از یک پهنه تا حد ظرفیت تحمل واقعی و نه بالاتر از آن شود.

1. Busby

2. Effective Carrying Capacity (ECC)

● تعیین ظرفیت گردشگری منطقه کوهستانی - ورزشی دربند تهران با رویکرد مدیریت پایدار ورزش

ضریب تعدیل مدیریت، از حاصل ضرب ظرفیت مدیریت ایده آل (Imc) و ظرفیت مدیریت واقعی یا موجود (Amc) به دست می آید (دیوآرت و همکاران، ۲۰۰۳).

$$FM = \frac{Imc - Amc}{Imc} \times 100 \quad (5)$$

Imc: تعداد امکانات ایده آل برای مدیریت پایدار گردشگری و ورزش

Amc: تعداد امکانات موجود

برای محاسبه ظرفیت تحمل موثر در سایت مورد مطالعه، از شاخص های مدیریتی استفاده شده است. به منظور کسب اطلاعات موثق و دقیق در مورد توانمندی مدیریت سایت مورد مطالعه، پرسشنامه محقق ساخته (طیفی لیکرت) در اختیار کاربرانی که سابقه استفاده متعدد و ممتد از منطقه را داشته اند (کوهپیمایان و گردشگران) قرار داده شد، چرا که مطلوبیت موارد یاد شده از نظر کاربران نمود واقعی توانمندی های مدیریتی است. چنانچه حجم جامعه نامعلوم و واریانس نمونه اولیه نیز نامشخص باشد، برای تعیین حجم نمونه، از فرمول زیر استفاده می شود:

$$n = \left(\frac{zs}{d} \right)^2$$

با اطمینان ۹۵ درصد، انحراف استاندارد ۰/۵ و حاشیه ی خطای ۵ درصد -/+ حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین گردید. روش نمونه گیری، انتخابی هدفمند بوده است.

یافته های پژوهش

با توجه به مساحت سایت مورد مطالعه، مقدار فضای هر بازدید و مدت زمان قابل استفاده بودن، می توان ظرفیت تحمل فیزیکی سایت را محاسبه کرد (جدول ۲).

جدول ۲: محاسبه ظرفیت تحمل فیزیکی (منبع: نگارنده)

منطقه	مساحت (مترمربع)	مقدار فضای هر بازدید (V/a)	مدت زمان قابل استفاده بودن (ساعت)	میانگین طول زمان استفاده (ساعت)	میزان دوره استفاده روزانه (Rf)	ظرفیت تحمل فیزیکی (PCC) (نفر در روز)
دربند	۱۶۵۰۰۰۰	۰/۱	۱۶	۴	۴	۶۶۰۰۰۰

برای محاسبه ظرفیت تحمل واقعی در سایت مورد مطالعه، از ۵ عامل محدود کننده (اقلیمی، شیب، خاک، ایمنی و تنوع زیستی) و ۱۱ شاخص مربوطه به آنها (جدول ۱) استفاده شد. با توجه به داده های اخذ شده از سازمان هواشناسی کشور در مورد وضعیت اقلیمی منطقه، شاخص محدودیت روزهای برفی و یخبندان، گرما

و سرمای شدید، وزش باد توام با گرد و خاک و بارندگی شدید به صورت زیر به دست آمد:

$$Cf1 = \frac{\text{تعداد روزهای بارندگی شدید} + \text{تعداد روزهای وزش با توام با گرد و خاک شدید} + \text{تعداد روزهای برفی} + \text{تعداد روزهای یخبندان} + \text{تعداد روزهای سرمای شدید} + \text{تعداد روزهای گرمای شدید}}{\text{کل روزهای سال}} \times 100$$

$$Cf1 = \frac{17 + 15 + 28 + 42 + 48 + 26}{365} \times 100 = 48.21\%$$

۲۷۷ در ادامه، شاخص‌های محدودیت مربوط به شیب، معابر، فرسایش، سستی بستر و پوشش گیاهی نیز محاسبه شد:

$$Cf2 = \frac{\text{مساحت معابر ناایمن} + \text{مساحت مناطق مستعد فرسایش} + \text{مساحت مناطق دارای بستر سست} + \text{شیب‌های بالا}}{\text{کل مساحت منطقه}} \times 100$$

$$Cf2 = \frac{(990000 + 231000 + 367500 + 1072500 + 825000) \times 0.32 + (132000 + 445500)}{1650000} \times 100 = 78.4\%$$

از آنجا بخش زیادی از مناطق فاقد امتیاز مشترک می‌باشند (۶۸ درصد)، لازم است تا پهنه‌های مشترک که دارای همپوشانی هستند، رویهم گذاری شده و تنها یکبار در محاسبات آورده شوند. پس از محاسبه ضرایب محدودیتی، ظرفیت تحمل واقعی سایت مطالعاتی به دست آمد:

$$RCC = 660000 \times \frac{100 - 48.21}{100} \times \frac{100 - 78.4}{100}$$

$$RCC = 70686$$

خلاصه محاسبات مربوط به ظرفیت تحمل واقعی در جدول ۳ ارائه شده است:

● تعیین ظرفیت گردشگری منطقه کوهستانی - ورزشی دربند تهران با رویکرد مدیریت پایدار ورزش

جدول ۳: محاسبه ظرفیت تحمل واقعی (منبع: نگارندگان)

منطقه	Cf1 (%)	Cf2 (%)	RCC (نفر در روز)
دربند	۴۸/۲۱	۷۸/۴	۷۰۶۸۶

برای محاسبه ظرفیت تحمل موثر در سایت مورد مطالعه، از شاخص های مدیریتی استفاده شده است. برای به دست آوردن درصد توانمندی های مدیریتی، از نمره های میانگین که برای هر یک از عناصر منطقه دربند محاسبه گردید، میانگین گرفته شد و سپس برای تبدیل به درصد، از تناسب استفاده گردید. در نهایت از طریق ضرب برد واقعی در درصد توانمندی های مدیریتی محاسبه شده، ظرفیت تحمل موثر به دست آمد. شکل ۵، نمودار مقایسه ای شاخص های توانمندی مدیریتی را نشان می دهد. بیشترین امتیاز کسب شده متعلق به شاخص «آب آشامیدنی» با ۴/۴ و کمترین امتیاز کسب شده متعلق به شاخص «پارکینگ» با ۱/۹۳ می باشد.



شکل ۵: نمودار مقایسه ای امتیاز شاخص های توانمندی مدیریت منطقه دربند از دیدگاه کاربران و جامعه محلی

همان طور که نشان داده شده است، سایت مطالعاتی براساس آرای کاربران و جامعه محلی ۲/۸۶ را از نمره ۵ کسب کرده است. بنابراین، منطقه برخوردار از ۵۷/۲ درصد از حداقل توانمندی های مورد نیاز برای دستیابی به اهداف مورد نظر است. در نهایت، ظرفیت تحمل موثر سایت مطالعاتی (برحسب نفر در روز) به صورت زیر محاسبه گردید:

$$ECC = 70686 \times 0/57 = 40291$$

جدول ۴، مقایسه ظرفیت تحمل فیزیکی، واقعی و موثر که برای منطقه کوهستانی و گردشگری دربند برآورد شده است را نشان می‌دهد:

جدول ۴: مقایسه ظرفیت تحمل فیزیکی، واقعی و موثر در منطقه کوهستانی دربند (منبع: نگارنده)

سایت	مساحت (مترمربع)	ظرفیت تحمل فیزیکی (نفر در روز)	ظرفیت تحمل واقعی (نفر در روز)	ظرفیت تحمل موثر (نفر در روز)
دربند	۱۶۵۰۰۰	۰۰۰۶۶۰	۷۰۶۸۶	۴۰۲۹۱

۲۷۹

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق، محدوده‌ای وسیع تر از مسیر پیاده‌روی و کوهپیمایی فعلی به عنوان سایت مطالعاتی انتخاب گردیده است، چرا که این منطقه پتانسیل بالایی برای کاربری‌های گردشگری و ورزشی دارد. اهداف مدیریتی و اولویت‌های حفاظتی در محاسبه ظرفیت تحمل این منطقه مورد تاکید بوده است. به همین دلیل، حساسیت‌های اکولوژیکی در ضرایب مربوطه انعکاس داشته است. ظرفیت تحمل فیزیکی سایت مطالعاتی ۶۶۰۰۰۰ نفر در روز برآورد گردید. پنج عامل محدودکننده و یازده شاخص زیر مجموعه به عنوان ضریب در محاسبه ظرفیت تحمل واقعی سایت مطالعاتی استفاده شد که نتیجه حاصل برابر با ۷۰۶۸۶ نفر در روز بوده است. به منظور محاسبه ظرفیت تحمل موثر نیز پارامترهای مدیریتی با هدف تعیین توانمندی‌های مدیریتی استفاده شدند. در این میان، بیشترین امتیاز متعلق به پارامتر «آب آشامیدنی» (۴/۴) و کمترین امتیاز متعلق به پارامتر «پارکینگ» (۱/۹۳) بوده است. بر این اساس، ظرفیت تحمل موثر برای سایت مطالعاتی ۴۰۲۹۱ نفر در روز تعیین گردید. ظرفیت تحمل فیزیکی به دست آمده در این تحقیق، بسیار بیشتر از ظرفیت تحمل واقعی بوده است که این با یافته‌های قاسم‌زاده کوچصفهانی و همکاران (۱۳۹۱)، پرورش و همکاران (۱۳۸۹)، شعبانی‌فرد (۱۳۸۸)، فرهودی و شورچه (۱۳۸۶)، طیبیان و همکاران (۱۳۸۶)، ملکیان و پوریزدی (۱۳۹۳)، صادقی چهارده و همکاران (۱۳۹۵) و شیخ و همکاران (۱۳۹۲) مطابقت دارد. دلیل بزرگ بودن عدد مربوط به برد فیزیکی منطقه و تعریف ارائه شده از ظرفیت تحمل فیزیکی بر می‌گردد، چرا که بدون در نظر گرفتن عملکرد واقعی یک عرصه تنها تعداد افرادی را که منطقه به صورت فیزیکی قادر به پذیرش آنها می‌باشد، مورد توجه قرار می‌دهد (اردکانی و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین، زمانی که سایر ضرایب اکولوژیکی-محیط زیستی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی اعمال می‌شوند، اعداد واقعی تر و به عبارتی به اصول توسعه پایدار نزدیک تر می‌گردند. موضوع مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، ظرفیت تحمل موثر است. به طور کلی، منطقه کوهستانی و گردشگری دربند تهران، قابلیت پذیرش تعداد کاربران قابل ملاحظه‌ای را برای فعالیت‌های گردشگری و ورزشی دارد. از سوی دیگر، این منطقه دارای فضاهای بکر و مناسبی برای طراحی و استقرار کاربری‌های ورزشی و گردشگری

می باشد، اما باید اولویت های محیط زیستی و ایمنی نیز مدنظر قرار گیرند. خاطر نشان می سازد که عدم توجه به ظرفیت تحمل در تعیین تعداد ورود کاربر مجاز به منطقه و ورود افراد بیش از توان منطقه، آسیب های محیط زیستی، پایین آمدن کیفیت خدمات و امکانات رفاهی و سایر مسائل را برای منابع و جاذبه های طبیعی و انسان ساخت به دنبال خواهد داشت. بنابراین، مدیریت منطقه باید برنامه ریزی را به گونه ای انجام دهد که علاوه بر استفاده از کاربری های موجود، بهره برداری پایدار نیز تضمین شود.

منابع

- طاهر؛ دانه کار، افشین و عرفانی، محمد. (۱۳۸۹). «کنترل و مدیریت اثرات بازدیدکننده در مکان های اکوتوریسمی». آمایش سرزمین. ۲، (۲)، صص ۶۷-۹۲.
- برق جلو، شهیندخت و مدقالچی، نیکو. (۱۳۹۲). «فرآیند تحلیل شبکه در ارزیابی عملکرد بوم شناختی سیمای سرزمین رود - دره دربند». مدیریت شهری. شماره ۳۶، صص ۱۸۳-۲۰۲.
- بهمن پور، هومن؛ سلاجقه، بهرنگ و مافی، امیر. (۱۳۹۰). «بررسی وضعیت زیست محیطی کوهستان دربند». گزارش محیط زیستی، مرکز تحقیقات محیط زیست و انرژی، ص ۲۴۷.
- پرورش، حسین؛ پرورش، احمد و محمدی زاده، محمد. (۱۳۸۹). «تعیین ظرفیت تحمل فیزیکی، برد واقعی و ظرفیت تحمل موثر جهت مجتمع اقامتی چاهو در منطقه حفاظت شده گنو». مرکز گردشگری علمی - فرهنگی دانشجویان ایران. ص ۷۶.
- حسین زاده، رضا و عرفانیان. آذر. (۱۳۹۴). «تعیین ظرفیت تحمل گردشگری ساحلی جزیره کیش». جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای، شماره ۱۶، صص ۱۸۱-۲۰۰.
- شیخ، آرزو؛ جعفری، علی و یارعلی، ناصر. (۱۳۹۱). «زون بندی منطقه حفاظت شده قیصری براساس مدل های اکولوژیکی حفاظت و گردشگری و نظرات کارشناسی». آمایش و توسعه پایدار. ۲ (۵)، صص ۸۷-۹۶.
- صادقی چهارده، سمانه؛ اسکندری نژاد، ایمان و دهدار درگاهی، محمد. (۱۳۹۶). «تعیین ظرفیت برد گردشگری طبیعت در مناطق کوهستانی ایران». فصلنامه جغرافیایی فضایی گردشگری، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۸۳-۹۶.
- صنایع گلدوز، ساناز و مخدوم، مجید. (۱۳۸۸). «برآورد ظرفیت تحمل اجتماعی- روانی گردشگری در مکان های مقدس و پرائزری (مطالعه موردی: تخت سلیمان ایران)». مجله محیط شناسی. سال ۳۵، شماره ۵۱، صص ۳۷-۴۴.
- طبیبیان، منوچهر؛ ستوده، احد؛ شایسته، کمال و چلبیانلو، رضا. (۱۳۸۶). «جستاری بر مفاهیم و روش های برآورد کمی ظرفیت تحمل و ارائه یک نمونه کاربردی بر پایه تجربه برنامه ریزی راهبردی توسعه گردشگری عباس آباد گنجه نامه همدان». نشریه هنرهای زیبا. ۲۹، صص ۱۷-۲۸.
- فرهودی، رحمت الله و شورجه، محمود. (۱۳۸۳). «برآورد ظرفیت تحمل گردشگری معبد آناهیتای شهر کنگاور». فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری. شماره ۷، صص ۱۹-۴۳.
- قاسم زاده کوچصفهانی، سیده وید؛ دهدار درگاهی، محمد؛ حکیمی عابد، مهسا و کریم زادگان، حسن. (۱۳۹۱). «تعیین ظرفیت برد واقعی اکوتوریسم در پارک ملی بوجاق». اولین همایش بین المللی بحران های زیست محیطی ایران و راهکارهای بهبود آن. ص ۸.
- ابوالفضل، حیدری و تقی نعمتی، طاهره. (۱۳۹۲). «برآورد کمی ظرفیت تحمل گردشگری حاشیه زنجان رود». جغرافیا و برنامه ریزی محیطی. شماره ۳، صص ۷۵-۹۲.
- ملکیان، منصوره و پوریزدی، سمانه. (۱۳۹۳). «تحلیل عوامل موثر بر گردشگری در پارک های شهری». فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری. دوره ۲، شماره ۲۸، صص ۷۳-۹۴.
- داود و رضایی، سارا. (۱۳۸۱). «بررسی و معرفی ظرفیت تحمل گردشگری». محیط شناسی. صص ۱۰۲-۱۱۲.
- Altinay, M. (2005). "Sustainable tourism development: a case study of north Cyprus". International journal of contemporary hospitality management, volume 17, Issue 3 pp: 272 - 280.

- Borowy, I. (2014). **Defining Sustainable Development for Our Common Future. A history of the World Commission on Environment and Development (Brundtland Commission)**. Milton Park: Routledge.
- Brown, L. R. (2011). **World on the Edge**. Earth Policy Institute. Norton. ISBN 978-0-393-08029-2
- Busby, P., et al. (1996). **Status review of west coast steelhead from Washington, Idaho, Oregon, and California**. NOAA technical memorandum NMFS-NWFSC-27.
- Chernushenko, David, van der Kamp, Anne, Stubbs, David. (2001). **Sustainable Sport Management: Running an Environmentally, Socially and Economically Responsible Organization**. URI: <http://hdl.handle.net/20.500.11822/2146>
- Coccossis, H., Mexa, A. (2004). **"Tourism carrying capacity: a theoretical overview"**. In H. Coccossis, & A. Mexa (Eds.), *the challenge of tourism carrying capacity assessment: Theory and practice*. England: Ashgate.
- Cook, S., and Esuna, D. (2014). **"Rethinking Social Development for a Post-2015 World"**. Development, 57 (1): 30–35. Doi:10.1057/dev.2014.25
- Duarte, P., Meneses, R., Hawkins, A.J.S., Zue, M., Fang, J., and Grant, J. (2003). **"Mathematical modeling to assess the carrying capacity for multi species culture within coastal water"**. Ecological Modeling, 168, pp. 109-143.
- IOC. (2000). **International Olympic Committee, Agenda21 for Sport**. Lausanne: Author.
- James, P., Magee, L., Scerri, A., Steger, M.B. (2015). **Urban Sustainability in Theory and Practice: Circles of Sustainability**. London: Routledge
- Lawson, S.R. (2003). **"Proactive monitoring and adaptive management of social carrying capacity in Arches National Park: an application of computer simulation modeling"**. Journal of Environmental Management, 68 (3): 305-13
- Martire, S., Castellani, V., and Sala, S. (2015). **"Carrying capacity assessment of forest resources: Enhancing environmental sustainability in energy production at local scale Resources"**. Conservation and Recycling.
- Mashayekhan, A., Mohamadi Calichi, M., Rassam, G.H., Hoseini, V., Jalilvand, H., and Moslemi, M. (2014). **"Recreation carrying capacity estimate to support forest park management (Case study: Telar forest park, Ghaemshahr, Iran)"**. World Applied Sciences, 29(3), pp. 421-425.
- McCool, S.F., Lime, D.W. (2001). **"Tourism carrying capacity: tempting fantasy or useful reality?"** Journal of sustainable tourism, Vol. 9, No. 5, 372-388 pp.
- Meadows, D.H., Meadows, D.L. and Randers, J. (1992). **Beyond the Limits. Confronting Global, Collapse, Envisioning a Sustainable Future**, Chelsea: Green. Post Mills.
- Nghi, T., Thanh I., Nguyen, D.T., Nguyen, M.D., Thanh, D.X. (2007). **"Tourism carrying**

- capacity assessment for Pong Nhake Bang and Dong Hoi, Quang Binh Province". VNU Journal of Science, Earth Sciences, 23, pp80.
- Santos Lobo, H.A. (2013). **"Establishing the social tourism carrying capacity for the tourist resorts of the east coast of the republic of Cyprus"**. Tourist Management, Volume 21, Issue 2, Pages 147–156. [http://dx.doi.org/10.1016/S0261-5177\(99\)00044-8](http://dx.doi.org/10.1016/S0261-5177(99)00044-8)
 - Sayan, M.S., and Atik, M. (2011). **"Recreation carrying capacity estimates for protected areas: A study of Termesson National Park"**. Ecology, 20(78), pp. 66-74.
 - Sianipar, C. P. M., Dowaki, K., Yudoko, G., & Adhiutama, A. (2013). **"Seven Pillars of Survivability: Appropriate Technology with a Human Face"**. European Journal of Sustainable Development, 2(4), 1-18. ISSN 2239-5938.
 - UNDP. (2017). **"World leaders adopt Sustainable Development Goals"**. United Nations Development Program. Retrieved 25 September 2017.
 - UNWTO. (2016). **United Nations World Tourism Organization: Tourism facts and figures**. Available from www.unwto.org. Retrieved February 15, 2009.

طراحی مدل پیش بینی موفقیت کشورها در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه با استفاده از روش هوشمند شبکه پرسپترون چندلایه (MLP)

فهیمة میرزائی^۱

مجید جلالی فراهانی^۲

امین قاضی زاهدی^۳

قدرت اله باقری^۴

 10.22034/SSYS.2022.486

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۷/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۹

هدف از پژوهش حاضر، ارائه مدل پیش بینی موفقیت کشورهای شرکت کننده در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه بود. این پژوهش، در دو مرحله کیفی (تعیین شاخص ها) و کمی (جمع آوری داده های مربوط به کشورهای منتخب) انجام شد. مصاحبه های کیفی نیمه ساختارمند و عمیق با ۲۴ نفر از نخبگان آگاه از موضوع پژوهش به صورت غیرتصادفی هدفمند صورت گرفت. پس از شناسایی شاخص ها، اطلاعات شاخص های انتخاب شده (شاخص های ۲۶ گانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، فناوری و ورزشی (PEST+S)) برای ۳۸ کشور که به صورت غیرتصادفی در دسترس انتخاب شدند، در بازه زمانی بازی های جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین تا ۲۰۱۴ برزیل جمع آوری گردید.

در مرحله بعد، برای آزمون مدل مفهومی، شاخص های ۲۶ گانه پیش بینی شده با مقادیر واقعی در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ مقایسه گردید. نتایج نشان داد روش MLP از خطای پایینی در پیش بینی شاخص های ۲۶ گانه برخوردار است. در مرحله نهایی، شاخص های ۲۶ گانه در سال ۲۰۱۸ تخمین زده شد و جایگاه کشورهای

E-mail: F.m.13558@gmail.com

۱. دکترای مدیریت ورزشی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دکترای هوش مصنوعی، دانشگاه شاهرود، شاهرود، ایران

۴. دانشیار، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

● طراحی مدل پیش بینی موفقیت کشورها در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه با استفاده از روش هوشمند شبکه پرسپترون چندلایه (MLP)

منتخب در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه پیش بینی شد. با استناد به نتایج روش MLP، تیم های ایران، ژاپن و کره جنوبی با کسب جایگاه ۱ از قاره آسیا به بازی های جام جهانی راه خواهند یافت. همچنین تیم های بلژیک و پرتغال طبق جایگاه پیش بینی شده ۴ تا مرحله نیمه نهایی صعود خواهند کرد.

واژگان کلیدی: بازی های جام جهانی فوتبال، پیش بینی و شبکه های پرسپترون چندلایه

مقدمه

یکی از وظایف مدیر، تصمیم‌گیری است که به طور مستتر در تمام وظایف مدیریت نهفته است. در حقیقت می‌توان گفت مدیر به وسیله تصمیم‌گیری، تمامی فعالیت‌های خود را انجام می‌دهد. بنابراین تصمیم‌گیری از اجزای جدایی ناپذیر مدیریت به شمار می‌آید و در هر وظیفه مدیریت به نحوی جلوه‌گر است (الوانی، ۱۳۸۸: ۲۰). در واقع، تصمیم‌گیری و مدیریت را می‌توان مترادف دانست، زیرا تصمیم‌گیری جزء اصلی مدیریت است. تصمیم‌گیری همواره کاری دشوار بوده و با محدودیت‌هایی سروکار داشته است؛ ولی امروزه به دلیل شتاب فزاینده تغییرات و افزایش پیچیدگی محیط، تصمیم‌گیری مستلزم دقت و سرعت بیشتری است. از آن جا که برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری برای انجام فعالیتی در زمان آینده می‌باشد، جایگاه و اهمیت برنامه‌ریزی در فرآیند مدیریت نیز روشن می‌شود. از سوی دیگر، کلیه تصمیمات در مورد آینده بر مبنای یک نوع پیش‌بینی است. لذا هرچه این پیش‌بینی‌ها به صورت برنامه‌ریزی شده‌تر انجام شوند، بیشتر می‌توان به آن‌ها اتکا کرد. پیش‌بینی با توجه به معنی لغوی آن، تجسم یک موقعیت یا وضعیت در آینده است. همچنین می‌توان آن را هشداری درباره آینده، تبیین اوضاع مطلوب آینده، تشریح اوضاع آینده و مانند این‌ها تعریف کرد. اما از لحاظ علمی واژه «پیش‌بینی»، بیان وقوع حوادث واقعی، قبل از وقوع آن‌ها بر پایه تحلیل اطلاعات در دسترس و براساس اصول و قواعد علمی و منطقی که احتمال وقوع آن نیز مشخص باشد، تعریف می‌شود (رضائیان، ۱۳۸۸: ۳۵ و سیدجوادین، ۱۳۸۴: ۲۵). پیش‌بینی روند تغییرات در کلیه حوزه‌ها، یکی از دغدغه‌های اصلی مدیران و برنامه‌ریزان می‌باشد، اما در مسیر پیش‌بینی همواره مشکلاتی وجود داشته که انجام پیش‌بینی‌های دقیق و قابل اعتماد را تقریباً غیرممکن کرده است. وجود پارامترهای زیاد و در بسیاری موارد پنهان، پیش‌بینی را به مسئله‌ای سخت تبدیل نموده است که الگوریتم‌های پیچیده ریاضی را نیز از ارائه راهکارهای مناسب برای ساخت یک الگوی پیش‌بینی کارآمد عاجز کرده است. پیش‌بینی برای نخستین بار در برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار گرفت. مشاهده تکرار در وقوع رویدادها این پیش‌فرض را به وجود آورد که می‌توان نتایج و تبعات آن را به کلیه رویدادهایی از آن جنس تعمیم داد. در دوده اخیر با پیدایش هوش مصنوعی و ترکیب آن با علم پرسابقه آمار در کنار الگوریتم‌های پیشرفته و ابتکاری همچون الگوریتم ژنتیک^۱، روش‌های متاهوریستیک^۲، شبکه‌های عصبی - مصنوعی و... تحول گسترده‌ای در این عرصه ایجاد کرده است (ناظمی‌اشنی و قدیری، ۱۳۸۵: ۵۲). از آنجا که در دنیای پیشرفته ورزش امروز نیز تصمیم‌گیری درست، علمی و به موقع نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در شکست یا موفقیت دارد، پیش‌بینی نتایج رویدادهای ورزشی نیز از اهمیت خاصی برخوردار شده است. پیش‌بینی‌های ورزشی از طریق اصول علمی، راهکارها و جهت‌گیری‌های مناسبی را پیش‌روی مدیران و برنامه‌ریزان ورزشی قرار می‌دهد. امروزه برای پیش‌بینی‌های ورزشی، روش‌های علمی نوینی برگزیده شده است که با استفاده از این روش‌ها می‌توان با شناخت عوامل اثرگذار بر نتایج به دست آمده، نتایج رویدادها ورده‌بندی تیم‌های ورزشی را نیز پیش‌بینی کرد (زارعیان، ۱۳۹۳: ۱۰). مقالات متعددی نیز بیان کردند که

1. Genetic Algorithms

2. Meta-Heuristic Methods

● طراحی مدل پیش بینی موفقیت کشورها در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه با استفاده از روش هوشمند شبکه پرسپترون چندلایه (MLP)

پیش بینی های ورزشی که مبتنی بر داده و اطلاعات است با آنچه که به صورت تصادفی مانند پیش بینی های شانسی^۱ انجام می پذیرد، کاملاً متفاوت است (دل کرولا و رودریگز^۲، ۲۰۱۰: ۵۵۱-۵۶۳). به عنوان نمونه، محمدی (۱۳۸۹) یک الگوی ریاضی برای رتبه بندی کشورهای شرکت کننده در بازی های آسیایی ۲۰۰۶ ارائه داد. در این تحقیق از رویکرد جایگزینی رتبه بندی استفاده شد که در آن با در نظر گرفتن توانایی هر کشور در کسب مدال، تلاش می شود نقص رویکرد متداول مرتفع گردد. در این الگو تعداد مدال های طلا، نقره و برنز هر کشور به عنوان ستاده و با در نظر گرفتن شاخص هایی نظیر تولید سرانه، جمعیت، میزان مرگ و میر کودکان، امید به زندگی و ضریب جینی به عنوان نهاده هر کشور، نمره کارایی هر کشور در مسابقات ورزشی محاسبه می گردد که این نمره کارایی، ملاک رتبه بندی کشورهاست. نتایج تحقیق نشان داد که رتبه بندی حاصل از این روش، تا حدودی با روش رایج رتبه بندی، متفاوت، اما منصفانه تر است. بشام^۳ (۲۰۱۳) نیز برای پیش بینی مسابقات جام جهانی فوتبال ۲۰۱۰ افریقای جنوبی، عامل اقتصادی به ویژه سرانه GDP را به عنوان مولفه پیش بینی کننده مهم معرفی می کند. فیض و سلیمانی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «پیش بینی فوتبال مبتنی بر داده های آماری جزئی با استفاده از شبکه عصبی-مصنوعی» برای پیش بینی از شبکه عصبی پرسپترون چند لایه با الگوریتم انتشار خطا رو به عقب استفاده کردند. شبکه عصبی مذکور با آمار نیم فصل اول آموزش دیده و بر روی بازی های نیم فصل دوم آزمایش شد. نتایج نهایی حاکی از برتری محسوس این روش بر روش های آماری موجود می باشد. عرب زاد و همکاران (۲۰۱۴) در تحقیق خود با عنوان «پیش بینی نتایج مسابقات فوتبال با استفاده از شبکه های عصبی مصنوعی (مطالعه موردی: لیگ برتر فوتبال ایران) نشان دادند که شبکه های عصبی، توانایی قابل توجهی برای پیش بینی نتایج مسابقات فوتبال دارند. زارعیان و همکاران (۱۳۹۵) نیز در تحقیقی با عنوان «پیش بینی موفقیت کشورهای شرکت کننده در بازی های المپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو با استفاده از روش هوشمند شبکه های پرسپترون چندلایه (MLP)» دریافتند که در مقایسه مقادیر واقعی با مقادیر پیش بینی شده در سال ۲۰۱۲، روش MLP از خطای پایینی در پیش بینی شاخص های ۲۲ گانه برخوردار بود. همچنین در مورد مقایسه رتبه واقعی و رتبه پیش بینی شده ۴۲ کشور منتخب در سال ۲۰۱۲، روش MLP از ضریب خطای مطلق میانگین پایینی (۰/۴۶۲) برخوردار بود. هوانگ و چانگ^۴ (۲۰۱۰) نیز از شبکه های عصبی برای پیش بینی برندگان مسابقات در جام جهانی ۲۰۰۶ استفاده کردند. آنها با توجه به نتایج مراحل قبلی بازی تیم ها و داده های آماری رسمی از سال ۲۰۰۶ جام جهانی فوتبال اقدام به این کار نمودند. مدل پیش بینی اتخاذ شده آنها براساس پرسپترون چند لایه (MLP) با قانون آموزش پس انتشار بود. دقت پیش بینی آنها ۷۶/۹ درصد محاسبه شد. یکی دیگر از محققانی که در پی یافتن مدل های آماری برای پیش بینی مسابقات فوتبال بود، لانگ ست^۵ (۲۰۱۳) می باشد. وی تلاش نمود با توجه به سابقه بازی ها از گذشته تاکنون (در یک فصل)، نتیجه بازی های دور بعدی را

1. Lottery
2. Del Corrala & Rodriguez
3. Basham
4. Huang & Chang
5. Langseth

پیش بینی کند. او با بررسی مدل های کلاسیک، اجزای کلیدی آنها را استخراج و از آنها به عنوان پایه ای برای ارائه یک مدل جدید استفاده کرد. این مدل با شبیه سازی شرط بندی هایی که بر روی بازی ها در لیگ برتر انگلیس انجام شده، مقایسه گردیده است. ویس بوک و همکاران^۱ (۲۰۱۴) نیز برای پیش بینی موفقیت در لیگ ملی هاکی کانادا از ترکیبی از آمارهای ساده مانند گل زده در مقابل معیارهای عملکرد مانند درصد در اختیار داشتن بازی و شانس به منظور ساخت یک مدل طبقه بندی استفاده کردند. آنها چندین مدل طبقه بندی شده با اجزای گوناگون را برای رسیدن به یک مدل طبقه بندی جدید به کار گرفتند. نتایج تحقیقات آنها نشان داد که شبکه های عصبی، قوی ترین مدل های طبقه بندی شده را ارائه می دهند که این نتایج تحقیقات پیشین را تایید می کند. مهتا^۲ (۲۰۱۶) نیز با استفاده از داده کاوی به پیش بینی نتایج مسابقات فوتبال براساس داده ها و نتایج مسابقات قبلی پرداخت. وی از رگرسیون لجستیک و درخت تصمیم گیری برای پیش بینی استفاده کرد. نتایج تحقیق نشان داد که دقت پیش بینی او بین ۵۵ تا ۶۵ درصد بود. از آنجا که انتخاب ویژگی ها گام مهم و اساسی قبل از انجام پیش بینی است، وی پیشنهاد داد که با استفاده از روش های بهتر انتخاب ویژگی ها یا افزودن عوامل خارجی مانند عملکرد بازیکنان یا شرایط آب و هوایی به ویژگی ها، احتمالاً می توان به دقت بالاتری در پیش بینی دست یافت.

همان گونه که مشاهده می شود هر یک از محققان به نحوی مولفه های موثر در موفقیت کشورها در بازی های جام جهانی را شناسایی و مورد بررسی قرار داده اند. همچنین، از روش های آماری مختلفی برای پیش بینی مسابقات و یا رویدادهای ورزشی استفاده شده است. نکته قابل توجه اینکه در تحقیقاتی که به آنها اشاره گردید فقط یک یا دو مولفه موثر بر موفقیت در رویدادهای ورزشی مورد شناسایی قرار گرفته و در فرآیند پیش بینی از آن بهره گرفته شده است. به طور مثال، بشام (۲۰۱۳) فقط از مولفه های اقتصادی، شیرعلیزاده (۱۳۹۴) و لوئیز و فادال^۳ (۲۰۱۰) فقط از مولفه های اقتصادی و اجتماعی (۶، ۲۳)، فیتز^۴ (۲۰۱۱) و PWC^۵ (۲۰۱۴) فقط از مولفه های ورزشی و سوتریادو و شیلبری^۶ (۲۰۰۹) از مولفه های سیاسی و اقتصادی برای پیش بینی رویدادهای ورزشی استفاده کرده اند. در برخی تحقیقات نیز مانند محمدی (۱۳۸۹)، گرت و جانسون^۷ (۲۰۱۰)، لانگ ست (۲۰۱۳) و مهتا (۲۰۱۶) از روش های آماری دیگری از قبیل رگرسیون و یا الگوهای ساده ریاضی استفاده کرده اند. بیشتر تحقیقاتی که در زمینه پیش بینی انجام شده اند یا فاقد روش مناسب جهت پیش بینی پدیده مورد نظر هستند و یا از تکنیک های ساده و داده های محدود به یک دوره زمانی کوتاه استفاده کرده اند. بنابراین در این تحقیق سعی شده تا این دو نقص با استفاده از روش های علمی جدید و متنوع و اطلاعات تطبیقی در یک بازه زمانی ۴۰ ساله مرتفع گردد. با توجه به تحقیقات انجام گرفته، تحقیق حاضر درصدد است تا با شناسایی

1. Weissbock et al.

2. Mehta

3. Luiz, J., Fadal

4. Fetter

5. Price Waterhouse Coopers (accounting/consulting firm)

6. Sotiriadou & Shilbury

7. Grant Johnston

و بررسی جامع همه مولفه های موثر بر موفقیت کشورها در رویدادهای ورزشی و استفاده از آنها در فرآیند پیش بینی، خلاء موجود در تحقیقات گذشته را برطرف نماید. همچنین از شبکه های عصبی - مصنوعی که در حال حاضر از مهمترین روش های هوشمند داده کاوی می باشند، برای پردازش داده ها و پیش بینی موفقیت کشورها در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه استفاده نموده است.

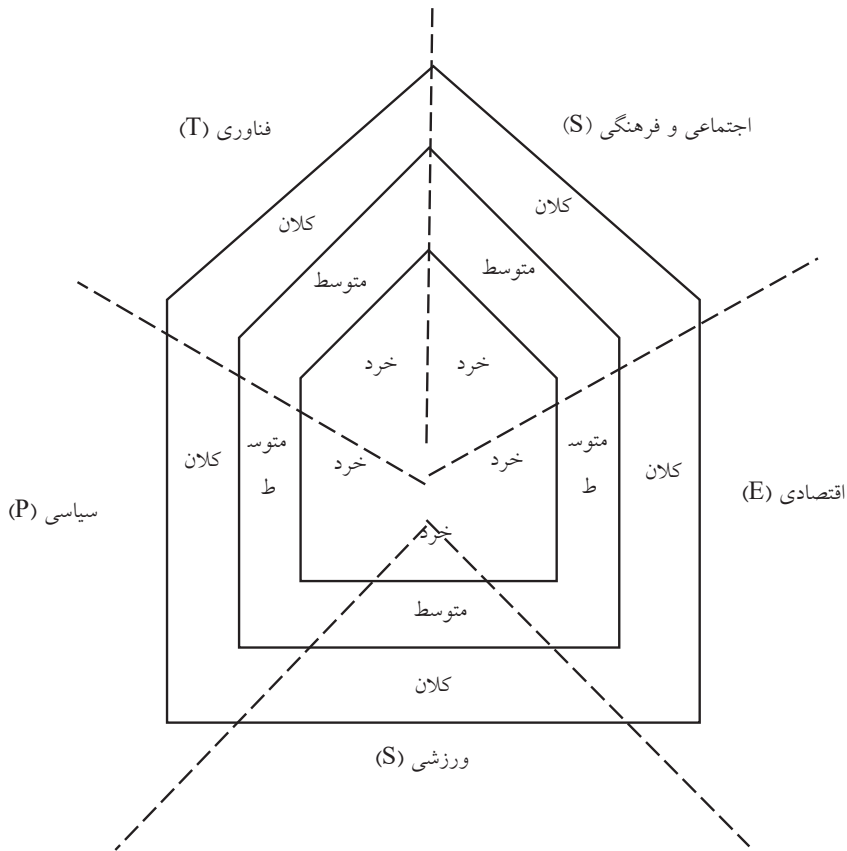
روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی موفقیت کشورهای شرکت کننده در جام جهانی فوتبال با استفاده از روش هوشمند شبکه های پرسپترون چندلایه^۱ (MLP) انجام شد. تحقیق حاضر از منظر هدف، تحقیقی کاربردی است. این تحقیق، در دو مرحله (تعیین متغیرها و جمع آوری داده های مربوط به کشورهای منتخب) انجام شد و شامل روش شناسی آمیخته کیفی^۲ و کمی^۳ بود. در مرحله اول پژوهش از طریق مطالعه پیشینه تحقیق و جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای، فهرست مقدماتی شاخص های پیش بین شناسایی شد. سپس با استفاده از روش نمونه گیری نظری، مصاحبه های کیفی نیمه ساختارمند و عمیق با ۲۴ نفر از نخبگان آگاه از موضوع پژوهش به صورت غیرتصادفی هدمند (اعضای هیئت علمی رشته اقتصاد، (۳ نفر)؛ اعضای هیئت علمی رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل، (۳ نفر)؛ اعضای هیئت علمی رشته علوم ارتباطات، (۳ نفر)؛ اعضای هیئت علمی رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی (به ویژه گرایش مدیریت ورزشی)، (۵ نفر) و مدیران و صاحب نظران فدراسیون فوتبال (۷ نفر)) انجام شد. انجام مصاحبه ها تا حداثبع نظری ادامه یافت. مصاحبه ها نشان داد ۲۶ شاخص می تواند پیش بینی کننده موفقیت کشورها در بازی های جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه باشد.

تحلیل یافته ها با استفاده از روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد و ۵ مولفه شامل مولفه های سیاسی (P)، اقتصادی (E)، اجتماعی و فرهنگی (S)، فناوری (T) و ورزشی (S) به صورت الگوی نظری (PEST+S) در سه سطح کلان، متوسط و خرد طبقه بندی شدند. میرزانی و همکارانش (۱۳۹۵) معتقدند متغیرهای سطح کلان مربوط به محیط پیرامونی یا دور (جامعه) بوده و خارج از کنترل سازمان ها و مدیران ورزشی و به شرایط کلان حکومتی مربوط هستند. متغیرهای سطح کلان، به طور غیرمستقیم پیش بینی کننده موفقیت کشورها می باشند. متغیرهای سطح متوسط یا میانی به سیاست ها و راهبردهای سازمان های ورزشی مربوط هستند و به طور مستقیم پیش بینی کننده موفقیت کشورها در بازی های جام جهانی فوتبال می باشند. برنامه ریزی فدراسیون فوتبال، استفاده از مربیان حرفه ای روز دنیا، حضور تیم ملی در تورنمنت های بین المللی و جهانی، کمک به نهادینه شدن رشته ورزشی فوتبال در مدارس و دانشگاه ها به کمک فدراسیون فوتبال و فرآیند استعدادیابی و غیره از جمله متغیرهای سطح متوسط می باشند. متغیرهای سطح خرد یا فردی (ورزشکار) نیز به شرایط و ویژگی های جسمانی ورزشکار (شامل خصوصیات آنتروپومتری، توانایی های جسمانی و غیره)،

1. Multi-Layer Perceptron
2. Qualitative
3. Quantitative

ویژگی های روحی (میزان انگیزه، هیجانات، ضریب هوشی و غیره) و به طور کلی هرآنچه به طور مستقیم به فوتبالست مربوط می شود، اشاره دارد. شکل ۱، الگوی نظری عوامل پیش بینی کننده موفقیت کشورها (PEST+S) در بازی های جام جهانی فوتبال را نشان می دهد:



شکل ۱: الگوی نظری عوامل پیش بینی کننده موفقیت کشورها (PEST+S) در بازی های جام جهانی فوتبال

پس از شناسایی شاخص ها، اطلاعات شاخص های انتخاب شده برای ۳۸ کشور منتخب از قاره های مختلف -کشورهایی که اطلاعات آنها موجود بود- به صورت غیرتصادفی در دسترس در بازه زمانی ۴۰ ساله از بازی های جام جهانی فوتبال ۱۹۷۸ آرژانتین تا ۲۰۱۸ روسیه که در انتخاب نمونه آماری، جایگاه کشورها در رتبه بندی فیفا و سابقه حضور آنها در بازی های جام جهانی مدنظر قرار گرفته است، جمع آوری گردید. گفتنی است که از بین شاخص های شناسایی شده، متغیرهایی که به صورت کمی و داده های عینی به تفکیک سال های مختلف موجود بود، به عنوان داده های ورودی وارد نرم افزار شد. شاخص ۲۶ گانه شامل جمعیت

● طراحی مدل پیش بینی موفقیت کشورها در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه با استفاده از روش هوشمند شبکه پرسپترون چندلایه (MLP)

شهری، جمعیت کل، تراکم جمعیت، ساختار سنی، سرانه تولید ناخالص داخلی، تراز بازرگانی، نرخ بیکاری، صادرات کالا و خدمات، واردات کالا، صادرات کالا، مجموع ذخایر (شامل طلا)، تعادل حساب جاری، امید به زندگی، هزینه بهداشت و درمان، صادرات فناوری های نوین، کاربران اینترنت، هزینه نظامی، مدت زمان تأسیس فدراسیون فوتبال در کشورها و مدت زمان پیوستن فدراسیون فوتبال کشورها به فیفا، میزبانی جام جهانی، مجموع میزبانی های جام جهانی، برنده جام جهانی، میزبانی بازی های قاره ای، برنده بازی های قاره ای، هم قاره بودن با کشور میزبان و جایگاه در رتبه بندی فیفا برای کشورهای منتخب شرکت کننده به عنوان متغیرهای پیش بین و جایگاه کشورها در جام جهانی فوتبال به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد. داده های مورد بررسی در تحقیق حاضر با استفاده از وب سایت های معتبر جهانی از قبیل سازمان ملل متحد، بانک جهانی، سازمان بهداشت جهانی که مورد تایید محققان جهانی هستند و قابل استناد می باشند، جمع آوری گردید. در مرحله بعد، برای آزمون مدل مفهومی شبکه های پرسپترون چندلایه (MLP)، به مقایسه شاخص های ۲۶ گانه ایران با مقادیر واقعی در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ پرداخته شد تا از یک سو، امکان خطای پیش بینی کاهش یابد و از سوی دیگر، در صورت عدم شناسایی دقیق شاخص های پیش بین بتوان به بازنگری مجدد آن ها پرداخت. در نهایت، با توجه به نتایج به دست آمده از شبکه عصبی - مصنوعی (روش MLP)، شاخص های ۲۶ گانه در سال ۲۰۱۸ میلادی پیش بینی و براساس آن، جایگاه کشورهای منتخب در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه تخمین زده شد.

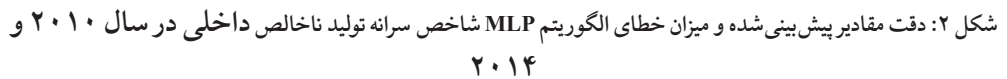
در فرآیند پیش بینی توسط شبکه های عصبی که با استفاده از یک سری زمانی انجام می شود، معمولاً مجموعه ای از داده ها به عنوان ورودی در اختیار شبکه عصبی قرار می گیرد تا شبکه با تخمین رفتار سیستم مورد پیش بینی، عمل برون یابی را برای آینده انجام دهد. اغلب رویکردهای شبکه عصبی برای مسئله پیش بینی، از یک شبکه چندلایه پیش خور از طریق الگوریتم پس انتشار خطا یا الگوریتم های بهبود یافته و اصلاح شده آن استفاده می کند. در این تحقیق از شبکه های پرسپترون چندلایه^۱ (MLP) با آموزش شبکه پس انتشار خطا از نوع تابع سیگموئید^۲ استفاده شد.

یافته های پژوهش

نخست لازم بود جهت تخمین نتایج بازی های جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه و ارائه مدل، از دقت نرم افزار اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای تست نتایج شبکه های عصبی، ابتدا کلیه اطلاعات کشورهای شرکت کننده در بازی های جام جهانی جمع آوری و از بین آنها کشور ایران انتخاب شد تا شاخص های ۲۶ گانه در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ پیش بینی شود و نتایج با مقادیر واقعی مورد مقایسه قرار گیرد. در این بخش از بین شاخص های ۲۶ گانه، شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی آورده شده است:

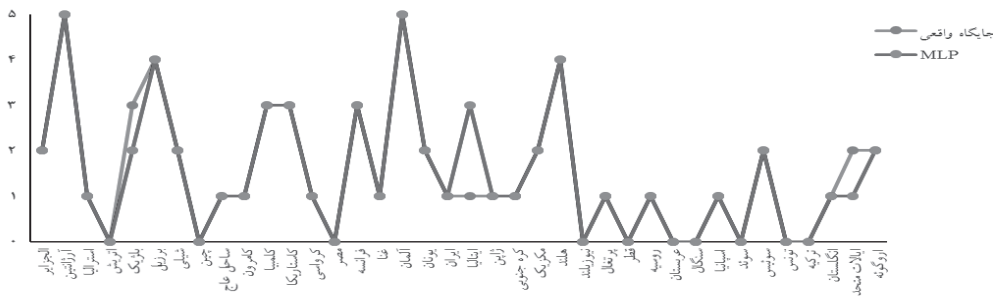
1. Multi-Layer Perceptron

2. Sigmoid

[illegible]

با توجه به شکل فوق، الگوریتم MLP در تخمین جایگاه کشورها در ۳ مورد با جایگاه‌های واقعی اختلاف داشت.

طراحی مدل پیش بینی موفقیت کشورها در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه با استفاده از روش هوشمند شبکه پرسپترون چندلایه (MLP)



شکل ۴: جایگاه پیش بینی شده و واقعی کشورهای شرکت کننده در بازی های جام جهانی ۲۰۱۴ با استفاده از الگوریتم MLP

با توجه به شکل فوق، الگوریتم MLP در تخمین جایگاه کشورها در ۳ مورد با جایگاه های واقعی اختلاف داشت. پس از بررسی مقادیر واقعی و مقادیر پیش بینی شده شاخص های ۲۶ گانه در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴، میزان دقت الگوریتم MLP در تخمین جایگاه کشورهای شرکت کننده در بازی های جام جهانی ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ برحسب درصد نشان داد که این الگوریتم با دقت ۸۷ درصد از رقم قابل قبولی برخوردار بود. در همین زمینه زارعیان (۱۳۹۳) بیان می دارد در صورتی که دقت الگوریتم اندازه گیری بالای ۶۰ درصد باشد، این میزان قابل قبول خواهد بود.

در مرحله بعد، نخست مقادیر شاخص های ۲۶ گانه کشورهای منتخب پیش بینی گردید. سپس در مرحله بعد با توجه به مقادیر شاخص های پیش بینی شده، جایگاه کشورها در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه تخمین زده شد. جدول ۱، مقادیر تخمینی شاخص های ۲۶ گانه کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۸ را نشان می دهد. در جدول ۱ از ۳۸ کشور منتخب، داده های تخمینی کشورهای غنا، آلمان، برزیل، ایران و روسیه آورده شده است.

جدول ۱: مقادیر تخمینی شاخص های ۲۶ گانه کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۸

کشور شاخص	واحد اندازه گیری	غنا	آلمان	برزیل	ایران	روسیه
جمعیت شهری	%	۵۵,۷۹۷۲۶۷	۶۱,۹۹۷۱۱۳	۹۰,۱۸۹۸۶۷	۷۶,۲۰۴۲	۷۳,۹۲۴
جمعیت کل	Millions person	۲۷۷۲۲۴۲۰,۲۵	۱۱۷۰۶۷۹۳,۷۷	۲۱۸۲۷۷۱۰,۴۶	۸۴۹۲۶,۹۱,۴۶	۱۴۳۶۷۸۶۹۵,۰۲
ساختار سنی	%(15- 64)	۵۸,۵۸۰۰۱۴	۷۱,۹۵۲۴۴۳	۷۰,۸۲۸۸۸۳	۶۵,۶۵۳۳۵	۷۱,۰۷۳۳۸۲
تراکم جمعیت	people per sq/ km of land area	۱۲۲,۸۷۹۹۵۶	۷۵,۰۹۴۰۳۳	۲۶,۱۲۱۶۳۲	۴۶,۲۱۱۰۴۵	۸,۷۷۶۷۶۲
نرخ بیکاری	% of total labor force	۲,۴	۱۳,۳	۶,۸	۱۲,۸	۵,۱
سرانه تولید ناخالص داخلی	\$per person	۱۱۱۶,۹۴۲۲۲۶	۳۷۰۶,۶۳۵۷۳۲	۵۸۲۶,۳۴۰۲۱۵	۵۴۴۲,۸۷۴۷۷۱	۱۲۷۳۵,۹۱۸۴
تعداد حساب جاری	% of GDP	۹,۵۷۶۷۷۸	۸,۸۴۸۹۴۵	۴,۲۸۶۸۳۴	۵,۰۶۹	۳,۱۴۰۴۶۹
صادرات کالا و خدمات	% of GDP	۴۳,۷۵۲۰۴۵	۴۰,۲۶۱۶۱۵	۱۱,۱۸۶۸۳۵	۲۵,۰۳۴۵۸۷	۳۰,۰۲۱۵۳۹

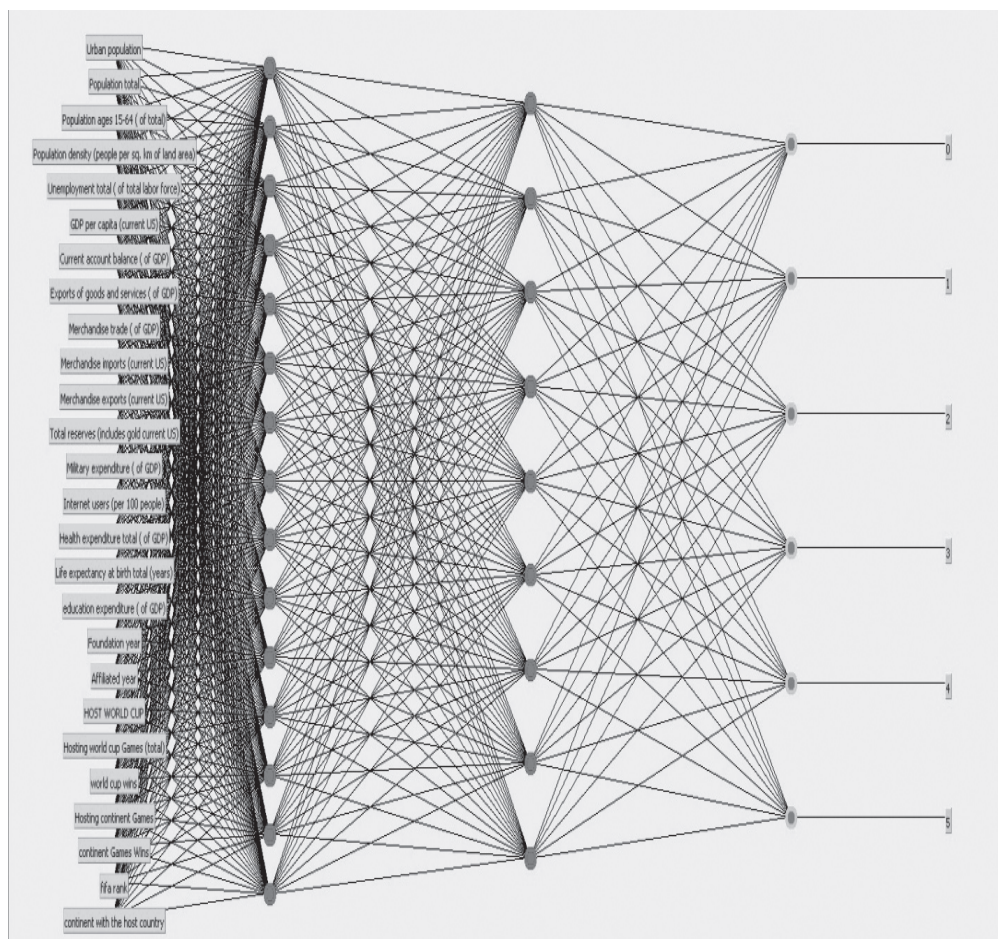
۴۳/۳۰۸۱۷۵	۳۵/۵۳۸۷۳۵	۱۹/۲۱۰۶۴۲	۷۰/۸۳۵۴۵۲	۷۱/۹۴۴۰۲۴	of GDP%	تراز بازرگانی
۳۴۴۶۷۷۸۶۲۷۴/۱۳	۵۱۰۰۰۰۰۰۰۰/۰۰	۲۳۹۱۵۰۲۰۰۰۰/۰۰	۱۹۸۰۶۷۴۳۰۰۳/۳۲	۱۰۰۳۷۵۳۵۵۷۹/۶۸	% of GDP	واردات کالا
۵۷۴۴۰۵۷۹۹۳۳۵/۰۸	۵۵۴۶۴۷۱۰۵۱۵/۴۷	۲۲۵۱۰۱۰۰۰۰۰/۰۰	۱۳۴۲۷۹۹۵۴۷۵/۲۹	۱۳۲۱۶۰۶۰۰۰۰/۰۰	% of GDP	صادرات کالا
۳۸۶۲۱۶۳۷۷۱۲۵/۰۰		۳۶۳۵۷۰۲۴۷۲۲۷/۰۰	۶۶۶۲۵۴۷۷۶/۴۸	۱۰۶۴۳۰۷۳۵۷/۸۸	طلا و دلار	مجموع ذخایر
۴/۵۵۲۱۱۱۳	۱/۴۷۶۵۵۹	۱/۳۵۱۶۷۹	۱/۸۹۶۱۶۶	۰/۴۷۹۰۴۲	of GDP%	هزینه نظامی
۷۰/۵۲	۴۱/۳۵	۵۷/۶	۴۶/۱۶	۱۸/۹	per 100 people	کاربران اینترنت
۱۱/۴۵۱۶۷۳	۴/۱۱۶۳۷۲	۱۰/۶۱۴۹۹	۶/۶۸۰۸۴۸	۴/۸۸۲۶۳۲	of manufactured%/ exports	صادرات فناوری های نوین
۷/۰۷۰۴۰۸	۶/۱۷۶۳۵۷	۸/۳۲۲۸۳۴	۷/۰۰۲۸۵۸	۳/۵۵۷۲۹۲	of GDP%	هزینه بهداشت و درمان
۷۰/۳۶۵۸۵۴	۷۹/۹۰۰۴۳۸	۷۴/۴۰۱۸۷۸	۷۳/۹	۶۲/۳۱۲۴۵	Years	امید به زندگی
۱۰۶	۹۸	۱۰۴	۱۱۸	۶۱	Years	مدت زمان تأسیس فدراسیون فوتبال
۱۰۶	۷۰	۹۵	۱۱۴	۶۰	Years	مدت زمان پیوستن به فیفا
۱	۰	۲	۲	۰	Number	مجموع میزبانی های جام جهانی
۲	۰	۰/۵	۰	۰	Score	میزبانی جام جهانی
۰	۰	۵	۴	۰	Number	برنده جام جهانی
۰	۰	۰	۰	۰	Number	میزبانی بازی های قاره ای
۱	۳	۸	۳	۴	Number	برنده بازی های قاره ای
۱	۰	۰	۱	۰	Number	هم قاره بودن با کشور میزبان
۵۶	۲۹	۲	۳	۵۴	Score	جایگاه در رتبه بندی فیفا ۲۰۱۷

در مرحله بعد، با استفاده از مقادیر پیش بینی شده شاخص های ۲۶ گانه و با توجه به روش MLP، رتبه کشورهای منتخب در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه پیش بینی گردید. در این تحقیق از شبکه های پرسپترون چندلایه (MLP) با آموزش شبکه پس انتشار خطا از نوع تابع سیگموئید استفاده شد. مشخصات شبکه عصبی (روش MLP) به کار رفته در تحقیق شامل این موارد می باشد (جدول ۲):

طراحی مدل پیش بینی موفقیت کشورها در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه با استفاده از روش هوشمند شبکه پرسپترون چندلایه (MLP)

جدول ۲: مشخصات شبکه عصبی (روش MLP) به کار رفته در تحقیق حاضر

تعداد لایه های ورودی	۱	نوع تابع کار شبکه	سیگموئید
تعداد نرون های لایه ورودی	۲۶	نوع آموزش شبکه	پس انتشار خطا
تعداد لایه های پنهان	۲	مونتوم	۰/۱
تعداد نرون های لایه پنهان	۹-۱۵	نرخ یادگیری	۰/۳
خطای یادگیری در هر مرحله	۰/۰۲۵	تعداد تکرار	۸۰۰
تعداد نرون های لایه خروجی	۶		



شکل ۵: شبکه عصبی مورد استفاده در تحقیق با ۲ لایه پنهان

جدول ۳، جایگاه پیش بینی شده کشورهای منتخب در بازی های جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه با توجه به شاخص های پیش بینی شده و براساس مدل شبکه عصبی (روش MLP) را نشان می دهد.

جدول ۳: جایگاه پیش بینی شده کشورهای منتخب در بازی های جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه براساس مدل شبکه عصبی (روش MLP)

کشور	جایگاه پیش بینی شده	کشور	جایگاه پیش بینی شده
الجزایر	۰	ایتالیا	۳
آرژانتین	۳	ژاپن	۱
استرالیا	۱	کره جنوبی	۱
اتریش	۰	مکزیک	۲
بلژیک	۴	هلند	۲
برزیل	۳	نیوزلند	۰
شیلی	۳	پرتغال	۴
چین	۰	قطر	۰
ساحل عاج	۱	روسیه	۲
کامرون	۰	عربستان	۰
کلمبیا	۱	سنگال	۰
کاستاریکا	۱	اسپانیا	۲
کرواسی	۱	سوئد	۱
مصر	۰	سوئیس	۱
فرانسه	۳	تونس	۰
غنا	۱	ترکیه	۰
آلمان	۳	انگلستان	۱
یونان	۱	ایالات متحده	۱
ایران	۱	اروگوئه	۲

براساس جدول فوق، تیم های ایران، ژاپن و کره جنوبی با کسب جایگاه ۱ از قاره آسیا به بازی های جام جهانی راه خواهند یافت. همچنین، تیم های بلژیک و پرتغال طبق جایگاه پیش بینی شده ۴ تا مرحله نیمه نهایی صعود خواهند کرد. همان گونه که پیش تر بیان شد، ۳۸ کشور براساس معیارهای یاد شده انتخاب گردیدند. بنابراین طبق پردازش های شبکه عصبی و نیز با توجه به سوابق عملکردی تیم ها این نتایج پیش بینی شده است. بدیهی است که امکان بررسی تمام کشورها وجود نداشته و ممکن است کشوری که در نمونه آماری ما قرار نداشته،

توانایی رسیدن به فینال را داشته باشد. به همین ترتیب از بین این کشورها دو تیم قابلیت رسیدن به نیمه نهایی را داشته اند و دو تیم دیگر احتمالاً جزو نمونه آماری ما نبوده اند یا جزو نمونه آماری بوده اند (که پس از برگزاری مسابقات مشخص می شود) اما با توجه به شرایط و موقعیت عملکردی که در گذشته داشته اند، از نظر علم ریاضی امکان صعود آنها به مرحله بالاتر وجود نداشته است یا عوامل دیگری که شاید بتوان آن را «شانس» نامید به صعود تیم کمک کرده اند. پس واضح است که فینالیست های واقعی یا تیم هایی که واقعا به مرحله نیمه نهایی می رسند، پس از برگزاری رقابت ها مشخص خواهند شد. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که این تیم ها با سوابق یاد شده معین، قابلیت رسیدن به کدام مرحله را دارند.

بحث و نتیجه گیری

آن گونه که آشکار است موفقیت یک ورزشکار، تیم یا کاروان ورزشی به صورت قابل توجهی به ظرفیت عملکردی سیستم ملی و اثربخشی آن در استفاده از کلیه منابع مناسب و مربوط وابسته است. زیرساخت های یک کشور شامل متغیرهای کلان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و فناوری می شوند که جهت پیشرفت همه جانبه، باید توسعه یابند. در محیطی با زیرساخت های توسعه یافته هر محصول و کالایی می تواند با کیفیت بهتری ارائه گردد. ورزش نیز امروزه به عنوان یک صنعت از این قاعده مستثنی نیست و چنانچه این زیرساخت ها فراهم باشند، می تواند به خوبی توسعه یابد. به همین دلیل، تحقیق حاضر بر تاثیر متغیرهای کلان در ورزش متمرکز شد. تعداد کسب مدال یا جایگاه در سطوح بین المللی را می توان از شاخص های تحول و توسعه ورزش معرفی کرد. به عنوان مثال، در چین تعداد مدال های کسب شده معیاری برای تعیین خط مشی ورزش کشور است و از سال ۱۹۵۲ میلادی، سیستم مدیریتی متمرکز و ساختار پیچیده ای با هزاران مدیر ورزشی در سازمان های ملی، استانی و محلی به کار گرفته شد. بنابراین با شناسایی متغیرهای کلان، این امکان فراهم می شود که با قیاس کمی متغیرهای کشورها با همدیگر برتری یک کشور بر کشور دیگر آشکار شود. دلیل این قیاس در تحقیقات بوسچر و همکاران^۱ (۲۰۰۶) آشکار شد. آنها معتقدند که بیش از ۵۰ درصد شاخص های تعیین کننده موفقیت در سطح بین المللی مانند بازی های جهانی و المپیک متغیرهای سطح کلان و خارج از کنترل سازمان ها و مدیران ورزش هستند. پس در جایی که بیش از ۵۰ درصد شاخص های تعیین کننده موفقیت در سطح بین المللی وجود دارد باید بر روی آن شاخص ها متمرکز شد. متغیرهای زیادی در موفقیت ورزشی حائز اهمیت هستند که شاید اثبات آنها کار ساده ای نباشد. پدیده ای اجتماعی مثل ورزش بدون درک روشن از فرهنگ میسر نیست. این ویژگی ها در دل فرهنگ جای گرفته اند و تا حد زیادی قابل اندازه گیری نیستند. در نتیجه مقایسه کشورها فرآیندی پیچیده است. در این تحقیق سعی شد تا متغیرهای فرهنگی و اجتماعی که در تحقیقات گذشته به علت سخت بودن کمی ساختن آنها در طرح تحقیق گنجانده نمی شدند، در کنار متغیرهای اقتصادی و سیاسی قرار گیرند. البته نکته حائز اهمیت این است که برخی از متغیرها می توانند دارای وزن های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به طور همزمان باشند ولی وزن های متفاوتی در هر یک از

این حیطه‌ها دارند. در تحقیق حاضر از مجموع مولفه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، فناوری و ورزشی شناسایی شده، الگوی نظری (PEST+S) ارائه گردید که متغیرها در سه سطح کلان، متوسط و خرد تقسیم‌بندی شدند. منظور از سطح کلان یا پیرامونی در این الگو، سیاست‌های در سطح کلان جامعه بوده که توسط سیاست‌گزاران و مسئولان ارشد کشور تعیین می‌شود. سطح میانی یا متوسط مربوط به سیاست‌گزاران و مسئولان سازمان‌های ورزشی از جمله فدراسیون‌ها و کمیته ملی المپیک و غیره بوده و سطح نزدیک یا خرد نیز در برگیرنده عواملی است که به طور مستقیم با خود ورزشکار سروکار دارد - شامل مدیریت رویداد و مسابقه توسط ورزشکار، شرایط جسمی و روحی از قبیل انگیزه ورزشکار و غیره. نکته قابل توجه این که متغیرهای سطح کلان خارج از کنترل سازمان‌ها و مدیران ورزشی و به شرایط کلان حکومتی مربوط هستند و به طور غیرمستقیم پیش‌بینی‌کننده موفقیت کشورها می‌باشند. از سوی دیگر متغیرهای سطح متوسط به سیاست‌ها و راهبردهای سازمان‌های ورزشی مربوط و به طور مستقیم پیش‌بینی‌کننده موفقیت کشورها در بازی‌های جام جهانی می‌باشند. برنامه ریزی راهبردی فدراسیون، استفاده از مربیان حرفه‌ای روز دنیا، ساختار باشگاه‌ها و تیم‌ها، سیستم مسابقات لیگ (طبق استانداردهای جهانی)، سیستم مسابقات لیگ (طبق استانداردهای جهانی) و غیره از جمله متغیرهای سطح متوسط می‌باشند. متغیرهای سطح خرد یا فردی (ورزشکار) نیز به شرایط و ویژگی‌های جسمانی ورزشکار (شامل خصوصیات آنتروپومتری، توانایی‌های جسمانی و غیره)، ویژگی‌های روحی (میزان انگیزه، هیجانات، ضریب هوشی و غیره) و به طور کلی هرآنچه به طور مستقیم به ورزشکار مربوط می‌شود، اشاره دارد. گفتنی است که این سه سطح همواره با هم در تعامل هستند و تفکیک آن‌ها از منظر افزایش دقت بر روی پژوهش صورت پذیرفت.

در این تحقیق جهت تخمین شاخص‌های ۲۶ گانه و جایگاه کشورها در بازی‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه از شبکه‌های پرسپترون چندلایه (MLP) با آموزش شبکه پس انتشار خطا از نوع تابع سیگموئید استفاده شد. روش MLP جایگاه کشورها در جام جهانی ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ را به جز در سه مورد، درست پیش‌بینی کردند که این مسئله توانایی بالای شبکه عصبی (روش MLP) در پیش‌بینی را نشان می‌دهد. خود سازماندهی، دسته‌بندی، تحمل خطا، قابلیت تعمیم دهی و پایداری از مزیت‌های شبکه عصبی محسوب می‌شوند. نکته حائز اهمیت دیگر در شبکه‌های عصبی، مقاوم بودن آن به نویز است؛ به این معنی که اگر داده‌ها به خوبی آموزش دیده باشند، مدل مستخرج از آنها به نویز مقاوم خواهد بود و نتایج حاصل از آن قابلیت اطمینان بالایی خواهد داشت. میزان دقت روش MLP در تخمین جایگاه کشورها برای جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه و یکسان بودن تقریبی این میزان دقت (۸۷/۵ درصد) برای دوره‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ نشانه‌ای از خوب آموزش دیدن داده‌های تحقیق ماست که در نهایت منجر به ارائه مدلی با قابلیت اطمینان بالا شده است. جهت مقایسه مدل ارائه شده در تحقیق حاضر با روش‌ها و مدل‌های ارائه شده در تحقیق‌های پیشین باید به تفاوت در مجموعه داده‌ها، تفاوت در تکنیک‌ها و روش‌های استفاده شده و میزان دقتی که هر یک از مدل‌ها برای پیش‌بینی دارد توجه نمود. به طور مثال، عرب زاد و همکاران (۲۰۱۴)، فیض و سلیمانی (۱۳۸۹) و هوانگ و چانگ (۲۰۱۰) نیز برای پیش‌بینی نتایج مسابقات فوتبال در سطوح مختلف از شبکه‌های عصبی استفاده کرده‌اند، اما آنها در تحقیق

خود از شاخص های بسیار محدودی مانند مزیت میزبانی، تعداد گل، تعداد شوت، نتایج بازی های قبلی، تعداد پاس های صحیح و مواردی از این قبیل برای پیش بینی بهره برده اند؛ به طوری که بخش اعظم ابعاد و عواملی که در نتیجه کسب شده توسط تیم فوتبال موثر هستند مورد بررسی قرار نگرفته اند و در واقع آن ابعاد مورد غفلت واقع شده اند. همچنین در تحقیقاتی مانند تحقیق مهتا (۲۰۱۶)، گرنت و جانستون (۲۰۱۰) و فردوسی پور (۱۳۷۸) از روش های غیرحرفه ای که معمولاً دقت خیلی بالایی در پیش بینی ندارند و جزو روش های بسیار معمولی محسوب می شوند، استفاده شده است؛ از جمله: روش های رگرسیونی، قانون احتمالات و شبکه های بیزین که دقتی در حد متوسط دارند. حتی در بعضی تحقیقات از روش هایی که مناسب پیش بینی فوتبال نیست، استفاده شده است مانند روش رتبه بندی ELO که هرچند برای مقایسه سطح مهارتی بازیکنان و تیم های ورزشی و رتبه بندی آنها مورد استفاده قرار می گیرد، اما در اصل این روش برای مسابقات شطرنج ابداع شده است و کارایی و دقت بالایی برای مسابقات فوتبال ندارد- از آنجا که فوتبال و شطرنج از نظر ماهیت به شدت با یکدیگر متفاوت اند، بدیهی است که عواملی که در موفقیت در این دو رشته نقش دارند و روش سنجش آنها نیز متفاوت باشند. هینو و سیلانپا^۱ (۲۰۱۳) و لیتنر، زایلپس و هورنیک^۲ (۲۰۱۰) از روش رتبه بندی ELO برای پیش بینی استفاده کرده اند. تمام موارد مطرح شده در صورتی که در فرایند انجام تحقیق لحاظ نگردند، موجب می شوند که نتایج تحقیق قابلیت تعمیم نداشته باشند. محققان این تحقیق با علم به تمامی موارد یاد شده و برای افزایش قابلیت تعمیم نتایج تحقیق حاضر، تمام عوامل دخیل در نتایجی که یک تیم فوتبال کسب می کند را در نظر گرفته اند و با آزمون مجموعه ای نسبتاً گسترده از روش های پیش بینی (ده الگوریتم از خانواده های مختلف) بهترین آنها را برگزیده اند. بنابراین به جرأت می توان ادعا کرد این تحقیق، چه از لحاظ عوامل و شاخص هایی که برای پیش بینی از آنها استفاده کرده و چه از لحاظ روش ها و الگوریتم هایی که به کار گرفته، تحقیقی کاملاً جامع است و تمام نواقص و خلأهای تحقیقات گذشته را مرتفع ساخته است. در نهایت با استناد به نتایج شبکه های عصبی (روش MLP) تیم های جمهوری اسلامی ایران، ژاپن و کره جنوبی با کسب جایگاه ۱ از قاره آسیا به بازی های جام جهانی راه خواهند یافت. همچنین تیم های بلژیک و پرتغال طبق جایگاه پیش بینی شده ۴ تا مرحله نیمه نهایی صعود خواهند کرد.

با مقایسه شاخص های ۲۶ گانه کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۸، شاهد روند صعودی یا نزولی در هریک از شاخص ها می باشیم که براساس تحقیقات دی بوسچر و همکارانش (۲۰۰۶) که معتقد به اثرگذاری فوق العاده متغیرهای سطح کلان در موفقیت های بین المللی ورزش بود، بهبود وضعیت این شاخص ها می تواند جایگاه کشورها را در جام جهانی تحت تاثیر قرار دهد. یافته های این تحقیق نشان داد که متغیرهای سطح کلان همچنان اثرگذاری بالایی خود را بر روی موفقیت ورزشی حفظ کرده اند. به طور مثال، متغیر GDP که همواره در تحقیقات گذشته به عنوان یکی از مهم ترین متغیرهای اثرگذار در موفقیت ورزشی قلمداد می شد، در این تحقیق هم سهم بالایی در پیش بینی موفقیت ورزشی به خود اختصاص داد. اندیشمندان علوم مختلف وقت و تلاش

1. Heino & Sillanpää

2. Leitner, Zeileis & Hornik

زیادی را صرف یافتن پاسخی به این پرسش کرده‌اند که چه عواملی سبب موفقیت یک کشور در رویدادهای ورزشی بین‌المللی از جمله جام جهانی می‌شوند. به طور کلی می‌توان بیان داشت راه رسیدن به این موفقیت، توسعه است. اصولاً توسعه امری کلی و دارای جنبه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی- فناوری، پزشکی و غیره می‌باشد. توسعه در برخی موارد ممکن است موقتی و کوتاه مدت باشد که نتیجه آن موفقیت نسبی و مقطعی در سطح بین‌المللی از جمله ورزش است. از طرف دیگر، برنامه‌ریزی بلندمدت می‌تواند به توسعه پایدار و فراگیر منجر شود.

در مجموع تحقیق حاضر از طریق شناسایی مولفه‌ها و شاخص‌های پیش‌بین موفقیت کشورها در جام جهانی، برای مدیران و برنامه‌ریزان این امکان را فراهم آورده تا برای توسعه ورزش و کسب کرسی‌های بین‌المللی با توجه به امکانات و منابع بالقوه کشور و مقایسه با کشورهای دیگر، سیاست‌های مناسبی اتخاذ گردد. همچنین با توجه به رتبه پیش‌بینی شده در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه، به ورزشکاران این فرصت را می‌دهد تا از طریق مقایسه خود با ورزشکاران کشورهای دیگر جایگاه خود را شناسایی کنند و برنامه‌های تمرینی لازم را بر اساس الگوهای استاندارد طراحی نمایند. همچنین نتایج این تحقیق شرايطی را فراهم می‌کند تا انتظارات و توقعات تماشاگران، اصحاب رسانه و مطبوعات، منتقدان، کارشناسان یا تجزیه و تحلیل‌گران ورزشی و غیره واقع‌بینانه و عقلانی باشد و با توجه به پتانسیل موجود و همچنین آگاهی از توان کشورهای رقیب از انتظارات احساسی دست بردارند و از فشار و استرس بیش از حد و مخرب بر کاروان ورزشی اعزامی بکاهند.

گفتنی است تمامی مراحل این تحقیق، پیش از مشخص شدن وضعیت حضور تیم‌های کشورها در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه بوده است و تمام نتایج آنچنان که از عنوان تحقیق برمی‌آید حاصل پیش‌بینی است. بنابراین بدیهی است که دارای خطا باشد. هرچند این خطاها به هیچ عنوان از ارزش کار نکاسته و برعکس، نشان‌دهنده اصالت تحقیق و رعایت اخلاق در تحقیق و عدم دستکاری داده‌ها و داده‌سازی توسط محققان است.

منابع

- الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۸). مدیریت عمومی. ویراست سوم، تهران: نشر نی
- رضائیان، علی. (۱۳۸۸). مبانی سازمان و مدیریت. چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات سمت
- زارعیان، حسین؛ الهی، علیرضا؛ سجادی، نصرالهوقاضی زاهدی، امین. (۱۳۹۵). «پیش بینی موفقیت کشورهای شرکت کننده در بازی های المپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو با استفاده از روش هوشمند شبکه های پرسپترون چندلایه (MLP)». فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۴(۳۰)، صص ۳۷-۵۴.
- زارعیان، حسین. (۱۳۹۳). «پیش بینی موفقیت کشورهای شرکت کننده در بازی های المپیک با استفاده از روش های هوشمند». رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی.
- سید جوادین، سید رضا. (۱۳۸۴). مبانی سازمان و مدیریت. چاپ دوم، تهران: انتشارات نگاه دانش
- شیرعلیزاده، زهرا. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر عملکرد تیم های شرکت کننده در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ برزیل». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی علوم ورزشی، دانشگاه تبریز.
- فردوسی پور، عادل. (۱۳۷۸). «مدلسازی آماری پیش بینی نتایج فوتبال». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی شریف.
- فیض مرزوقی، ادریس و سلیمانی، وحید. (۱۳۸۹). «پیش بینی فوتبال مبتنی بر داده های آماری جزئی با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی». اولین کنفرانس دانشجویی فناوری اطلاعات ایران. صص ۱۵-۲۲.
- محمدی، علی. (۱۳۸۹). «ارائه مدل ریاضی برای رتبه بندی کشورهای شرکت کننده در بازی های آسیایی ۲۰۰۶ قطر». فصلنامه المپیک، سال هجدهم، شماره ۳ (پیاپی ۵۱)، صص ۷-۱۹.
- میرزائی، فهیمه؛ جلالی فراهانی، مجید؛ باقری، قدرت الله و شهبازی، میثم. (۱۳۹۵). «شناسایی عوامل پیش بینی کننده موفقیت کشورها در جام جهانی فوتبال». نشریه مدیریت ورزشی. چاپ در شماره های بعدی.
- ناظمی اشنی، امیر و قدیری، روح الله. (۱۳۸۵). آینده نگاری از مفهوم تا اجرا. مرکز صنایع نوین، تهران: فراندیش. ص ۵۲.
- Arabzad, M, Tayebi Araghi1, M.E, Sadi-Nezhad, S, Ghofrani, N. (2014). "Football Match Results Prediction Using Artificial Neural Networks; The Case of Iran Pro League". International Journal of Applied Research on Industrial Engineering, 1(3):159-179.
- Basham, P. (2013). "The economic path to world cup success". The Democracy Institute and a Cato Institute adjunct scholar: 1-3.
- De Bosscher V, Deknop P, Vanbottenburg M. Shibli S. (2006). "A Conceptual Framework for Analysing Sports Policy Factors Leading to International Sporting Success". European Sport Management Quarterly, 6(2): 185-215.
- Del Corrala J., Rodriguez J. P.(2010). "Are differences in ranks good predictors for grand slam tennis matches?" International Journal of Forecasting, 26: 551-563.
- Fetter, S. (2011). "Socioeconomic determinants of win maximization at the FIFA world cup". The Faculty of the Department of Economics and Business, the Colorado College. 8-13.
- Grant, A., Johnston, D. (2010). "Finding profitable forecast combinations using probability scoring rules". International Journal of Forecasting, 26:498-510.

- Heino, O., Sillanpää, V. (2013). **“Forecasting football matches results - A study on modeling principles and efficiency of fixed-odds betting markets in football”**. Master's thesis, Aalto University School of Business. 104-112. [http://www.pwc.com/sports-mega-events/The PwC World Cup Index: what can the dismal science tell us about the beautiful game?](http://www.pwc.com/sports-mega-events/The-PwC-World-Cup-Index:what-can-the-dismal-science-tell-us-about-the-beautiful-game?) (2014).
- Huang, K.Y., Chang, W.L. (2010). **“A neural network method for prediction of 2006 world cup football game”**. In: Neural Networks (IJCNN), IEEE: 1-8.
- Langseth, H. (2013). **“Beating the bookie: A look at statistical models for prediction of football matches”**. Department of Computer and Information Science, Norwegian University of Science and Technology, Trondheim, Norway. 17-19.
- Leitner, CH, Zeileis, A, Hornik, K. (2010). **“Forecasting sports tournaments by ratings of (prob) abilities: A comparison for the EURO 2008”**. International Journal of Forecasting, 26:471- 481.
- Luiz, J., Fadal, R. (2010). **“An Economic Analysis of Sports Performance in Africa”**. University of Witwatersrand, Wits Business School. 24-30.
- Mehta, A. (2016). **“Predicting Results using Logistic Regression & Decision Tree”**. A Project Report Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Science in Computer Science, Department of Computer Science, B. Thomas Golisano College of Computing and Information Sciences Rochester Institute of Technology, Rochester, New York; 1-22.
- Sotiriadou, K., and Shilbury, D. (2009). **“Australian elite athlete development: An organizational perspective”**. Sport management Review, 13:1- 12.
- Weissbock, J, Viktor, H, Inkpen, D. (2014). **“Use of Performance Metrics to Forecast Success in the National Hockey League”**. University of Ottawa, Ottawa, Canada. 87-93.

ارزیابی عوامل مؤثر بر تأخیر در پروژه‌های عمرانی ورزشی با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

فهیمة ابراهیمی^۱

زینت نیک آیین^۲

سید حمید سجادی هزاوه^۳

doi: 10.22034/SSYS.2022.487

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱/۲۵

افزایش مدت زمان اجرای پروژه‌های عمرانی ورزشی می‌تواند سبب بروز آثار منفی متعددی در جهت توسعه ورزش و به تبع آن توسعه کشور گردد. از این رو هدف از تحقیق حاضر، ارزیابی عوامل مؤثر بر تأخیر در پروژه‌های عمرانی ورزشی با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی بود. روش تحقیق آمیخته کیفی - کمی و از نوع تحقیقات کاربردی است. جامعه آماری تحقیق شامل خبرگان حوزه پروژه‌های عمرانی ورزشی بودند که در مجموع تعداد ۳۰ نفر از آنها به روش در دسترس به عنوان نمونه انتخاب گردیدند.

در بخش کیفی با روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک گلوله برفی به تعداد ۱۳ نفر از این خبرگان (۴ نفر از اساتید دانشگاهی، ۴ نفر از مدیران و مهندسان شرکت توسعه و تجهیز اماکن ورزشی و ۵ نفر از مدیران و کارشناسان دفتر فنی و نظارت بر طرح‌ها و اماکن ورزشی وزارت ورزش و جوانان) مراجعه و با انجام مصاحبه نیمه ساختارمند به شناسایی عوامل مؤثر بر تأخیر در پروژه‌های عمرانی ورزشی اقدام گردید. سپس این عوامل در قالب یک پرسشنامه تحلیل سلسله مراتبی در اختیار نمونه‌های تحقیق قرار داده شد و با استفاده از نرم افزار Expert choice و بر مبنای روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) تجزیه و تحلیل گردید. نتایج تحقیق نشان داد که عوامل مدیریتی (۰/۲۹۸)، مهندسی (۰/۲۱۹)، نظارتی (۰/۲۰۲) و مالی (۰/۱۱۷) بیشترین اهمیت را در بین این عوامل دارند. لذا مدیران و برنامه‌ریزان پروژه‌های عمرانی ورزشی می‌توانند با لحاظ این عوامل زمینه کاهش تأخیر در پروژه‌های عمرانی ورزشی را فراهم آورند.

واژگان کلیدی: پروژه‌های عمرانی ورزشی، عوامل مالی، عوامل مدیریتی و تأخیر

۱. دکترای مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Z-nikaeeen-sport@iiiau.ac.ir

۳. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

امروزه ورزش به عنوان یک ابزار ارزشمند، تأثیرات شگرفی بر وضعیت جوامع دارد. از ورزش می‌توان برای افزایش سلامت عمومی جامعه، جامعه‌پذیری کودکان، نوجوانان و بزرگسالان، تحکیم ارزش‌های اجتماعی، تحقق صلح، تقویت روح همبستگی و حل تعارضات استفاده نمود. همچنین، ورزش به دلیل ارتباط با بسیاری از فرصت‌های اقتصادی می‌تواند گزینه مناسبی برای حرکت کشورها به سمت توسعه پایدار باشد. بنابراین می‌توان با توسعه ورزش از مزایای متعدد آن در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بهره برد. در «سند جامع توسعه ورزش کشور»، ابعاد توسعه ورزش شامل رویکردهای نرم (توسعه نهاده‌ها، توسعه فنآوری و ارتباطات، توسعه منابع انسانی، توسعه محیط حقوقی، توسعه منابع مالی، توسعه مدیریت برنامه‌ریزی و...) و رویکردهای سخت (توسعه امکانات، زیرساخت‌ها و تأسیسات و تجهیزات)، توصیف شده است (سوادی و همکاران، ۱۳۹۴). یکی از شاخص‌های مهم در توسعه ورزش، توجه به بعد زیرساخت است (ملاهی کوهی و همکاران، ۱۳۹۳). بدون شک، فقدان زیرساخت‌های اولیه ورزشی از جمله اماکن و تأسیسات ورزشی نقش مهمی بر عدم توسعه ورزش دارد (کومار و همکاران، ۲۰۱۸). توسعه عمرانی و زیرساختی در حوزه‌های مختلف، بودجه گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است و به عنوان یکی از معیارهای مهم مدیریتی کشورها همواره مد نظر قرار دارد (میتال و همکاران، ۲۰۲۰). توجه به بعد زیرساخت از جمله در حوزه ورزش از منظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی اهمیت بالایی دارد و می‌تواند به روند توسعه شهرها و کشورها کمک نماید. بنابراین مدیران تأکید خاصی بر اتمام به موقع این پروژه‌ها دارند (عزیز و عبدالحکیم، ۲۰۱۶). هر چند که توسعه زیرساخت‌های ورزشی می‌تواند نقش مهمی در رفع نیازهای ورزشی کشورها داشته باشد، اما تأخیر در روند اجرای این پروژه‌ها می‌تواند مشکلاتی در این حوزه ایجاد نماید (آبراهام، ۲۰۱۹). تأخیر در روند اجرایی پروژه‌های عمرانی و زیرساختی یکی از مشکلات مهم است و سبب بروز آسیب‌های متعددی می‌گردد (ملاهی کوهی و همکاران، ۱۳۹۳). حوزه ورزش هم از این امر مستثنی نخواهد بود. در واقع، اجرای به موقع طرح‌های عمرانی ورزشی، فرصتی است برای توسعه ورزش کشور و تأخیر در اجرای آن‌ها این فرصت را به تهدیدی برای توسعه ورزش تبدیل می‌کند. از بین رفتن توجیه‌پذیری طرح، افزایش قیمت تمام‌شده طرح، تحمیل نرخ تورم بر کشور، زیان حاصل از عدم بهره‌برداری و... همه از نتایج منفی هستند که با تأخیر طرح‌های عمرانی از جمله طرح‌ها و پروژه‌های ورزشی منتج می‌گردند (خانزادی، دبیریان و پیروزفر، ۱۳۹۰)؛ بنابراین لزوم توجه به بعد زیرساختی و عمرانی در حوزه ورزش، به لحاظ توسعه و در نتیجه بر خورداری از تأثیرات آن در امر توسعه‌یافتگی جامعه امری مهم و ضروری است. تحقیقات متعددی در زمینه تأخیر در پروژه‌های عمرانی و علل این تأخیرها صورت گرفته است. حنیفه و قاسمی (۱۳۹۹) بیان نمودند که افزایش زمان تکمیل پروژه، افزایش هزینه‌های پروژه و عدم رسیدن به کیفیت موردنیاز از جمله عواقب بروز تأخیر است.

1. Kumar et al.
2. Mittal et al.
3. Aziz & Abdel-Hakam
4. Abraham

فتحی و علیپور (۱۳۹۸) دریافتند که چالش‌های عمده پیش روی این پروژه‌ها که می‌تواند سبب بروز تأخیر گردد عبارت‌اند از: ۱- تغییرات نرخ تورم، ۲- تغییر نرخ بهره، ۳- تغییر در قوانین و آئین‌نامه‌ها، ۴- عدم اتمام همزمان بخش‌های مختلف پروژه، ۵- اشتباه در زمان‌بندی و توالی فعالیت‌های پروژه، ۶- تغییر بهای مصالح، ۷- چالش‌های اضطراری سیاسی (جنگ، اعتصاب‌ها، تظاهرات‌ها و...)، ۸- توان مالی ناکافی پیمانکار و عدم برآورد صحیح جهت پیشنهاد قیمت مناقصه، ۹- عدم ارائه اطلاعات کافی و تعریف کامل پروژه در هنگام مناقصه و ۱۰- تغییر در سیاست‌های سرمایه‌گذاری و قطع پرداخت‌ها توسط کارفرما.

حقیقت و قربانی (۱۳۸۹) اشاره داشتند که مشکلات مالی یکی از مشکلات عمده در شکل‌گیری این تأخیرهاست. اوکورو و همکاران^۱ (۲۰۲۰) بیان نمودند مشکلات انسانی و نبود نیروی ماهر مهم‌ترین عامل تأخیر در پروژه‌های ساخت و ساز کشور نیجریه است. گوندوز و تهمار^۲ (۲۰۱۹) تجربه مشاور، تجربه پیمانکار، کمبود مصالح و مشکلات تأمین اعتبار را به عنوان مهم‌ترین عوامل تأخیر در پروژه‌های ورزشی نام بردند. تهمار^۳ (۲۰۱۸) ۸ گروه شامل تأخیر مربوط به دامنه کار، مدت زمان پروژه، مدیریت پروژه، مشاور، پیمانکار، فدراسیون‌های بین‌المللی، مقامات محلی و تأخیر مربوط به گروه را به عنوان مهم‌ترین علل تأخیر در تأسیسات ورزشی قطر نام برد. اگیوکومنساه و نایت^۴ (۲۰۱۷)، کمبود دانش و شایستگی، تصمیمات تجاری ضعیف، مدیریت ریسک ضعیف و مدیریت پشتیبانی نامناسب را به عنوان مهمترین دلایل بروز تأخیر در پروژه‌های ورزشی یاد کردند. هرچند تحقیقات متعددی در حوزه پروژه‌های عمرانی در کشور ما و سایر کشورها انجام شده، ولی حوزه پروژه‌های عمرانی ورزشی در کشور ما مغفول مانده و تحقیقات اندکی در این حوزه انجام شده است. از طرف دیگر با توجه به شرایط خاص حاکم بر ورزش ما مانند وجود مدیران سیاسی در ورزش، شرایط اقتصادی خاص و غیره، نمی‌توان نتایج تحقیقات انجام شده در سایر کشورها را به صورت کامل به ورزش کشور تعمیم داد. بنابراین با توجه به آمار قابل ملاحظه پروژه‌های عمرانی ورزشی دارای تأخیر در کشور که با مراجعه حضوری محقق به مراجع ذیصلاح قریب به ۴۰۰۰ پروژه برآورد گردید و با عنایت به خلأ تحقیقاتی و نبود شواهد علمی در این زمینه و لحاظ این نکته که توسعه ورزش در بعد همگانی و قهرمانی منوط به اقدامات زیرساختی مناسب در این حوزه است، باید با بررسی علمی به شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر تأخیر در این پروژه‌ها پرداخت و با ایجاد آگاهی و دانش در این مورد، زمینه برنامه‌ریزی مناسب در راستای کاهش تأخیر در این پروژه‌ها را فراهم آورد. لذا تحقیق حاضر با هدف شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر تأخیر در پروژه‌های عمرانی ورزشی با روش تحلیل سلسله مراتبی صورت پذیرفت.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر آمیخته کیفی- کمی و از نوع تحقیقات کاربردی است. جامعه آماری تحقیق شامل

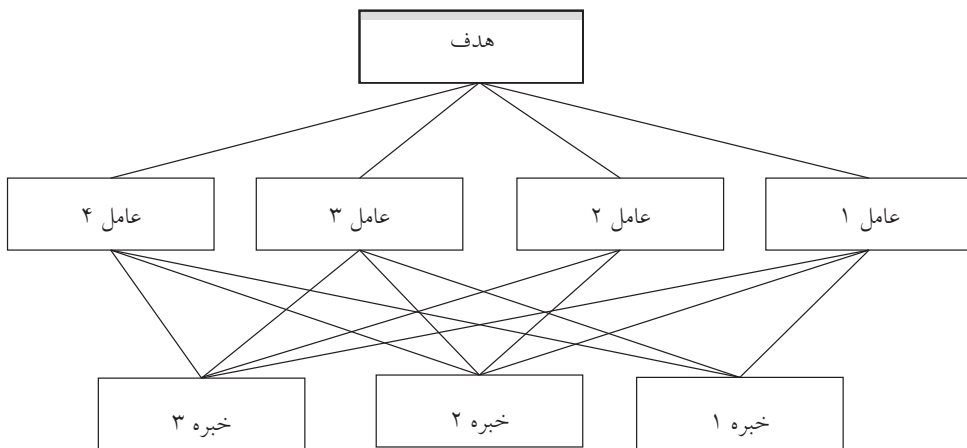
1. Okoro et al.

2. Gunduz & Tehemar

3. Tehemar

4. Agyekum-Mensah & Knight

خبرگان حوزه پروژه‌های عمرانی ورزشی در دانشگاه‌ها، وزارت ورزش و جوانان و شرکت توسعه و تجهیز اماکن ورزشی بودند که در بخش کیفی با روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک گلوله برفی به تعداد ۱۳ نفر از این خبرگان (۴ نفر از اساتید دانشگاهی، ۴ نفر از مدیران و مهندسان شرکت توسعه و تجهیز اماکن ورزشی و ۵ نفر از مدیران و کارشناسان دفتر فنی و نظارت بر طرح‌ها و اماکن ورزشی وزارت ورزش و جوانان) مراجعه و با انجام مصاحبه نیمه‌ساختارمند و با استفاده از روش پدیدار شناختی و کدگذاری باز، محوری و گزینشی به شناسایی عوامل مؤثر بر تأخیر در پروژه‌های عمرانی ورزشی اقدام شد. سپس در بخش کمی، تعداد ۳۰ نفر از آنها با روش در دسترس به عنوان نمونه انتخاب گردیدند (۱۳ نفر از اساتید دانشگاهی، ۷ نفر از مدیران و مهندسان شرکت توسعه و تجهیز اماکن ورزشی و ۱۰ نفر از مدیران و کارشناسان مرتبط با موضوع تحقیق در وزارت ورزش و جوانان). عوامل در قالب یک پرسشنامه تحلیل سلسله مراتبی در اختیار نمونه‌های تحقیق قرار داده شد و با استفاده از نرم افزار Expert choice و بر مبنای روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) تجزیه و تحلیل گردید. در روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) هدف مسئله در بالاترین مرحله قرار می‌گیرد و در مرحله بعد، معیارها و در پایین آن زیر معیارها و در انتها نیز گزینه‌های تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند. اساس این روش را که در تحقیق حاضر نیز استفاده شد، مقایسه زوجی بین معیارها تشکیل می‌دهد. در این فرایند، عناصر هر سطح نسبت به عنصر مربوطه خود در سطح بالاتر به صورت زوجی مقایسه شده و وزن آن حساب می‌شود که این وزن‌ها را «وزن نسبی» گویند. سپس با تلفیق وزن‌های نسبی، وزن نهایی یا وزن مطلق هر گزینه مشخص می‌شود.



شکل ۱: نمونه مدل سلسله مراتبی

کلیه مقایسه‌ها در این فرایند به صورت زوجی انجام می‌گیرد؛ به نحوی که اگر عنصر i با عنصر j مقایسه گردد، تصمیم گیرنده خواهد گفت که اهمیت i بر j به یکی از حالات زیر است:

- کاملاً مرجح یا کاملاً مهم تر یا کاملاً مطلوب تر؛
- ترجیح یا اهمیت یا مطلوبیت خیلی قوی؛
- ترجیح یا اهمیت یا مطلوبیت قوی؛
- کمی مرجح یا کمی مهم تر یا کمی مطلوب تر؛
- ترجیح یا اهمیت یا مطلوبیت یکسان.

این قضاوت‌ها با مقادیر کمی بین ۱ تا ۹ به شرح جدول ۱، تبدیل می‌گردند:

جدول ۱: مقادیر ترجیحات عددی برای مقایسه‌های زوجی

مقدار عددی	ترجیحات
۹	کاملاً مرجح یا کاملاً مهم تر یا کاملاً مطلوب تر
۷	ترجیح یا اهمیت یا مطلوبیت خیلی قوی
۵	ترجیح یا اهمیت یا مطلوبیت قوی
۳	کمی مرجح یا کمی مهم تر یا کمی مطلوب تر
۱	ترجیح یا اهمیت یا مطلوبیت یکسان
۲، ۴، ۶، ۸	ترجیحات بین فواصل

یکی از مزایای اصلی روش تحلیل سلسله مراتبی به دست آوردن نرخ ناسازگاری (CR) است. نرخ سازگاری، شاخصی است که سازگاری شاخص‌ها را نشان می‌دهد و نشان دهنده درجه صحت و دقت ارزش‌گذاری‌ها در مقایسات زوجی است. اگر این نرخ کمتر از ۰/۱ باشد می‌توان ارزش‌گذاری‌ها و مقایسات را خوب و صحیح دانست. علی‌رغم آسانی و رواج روش تحلیل سلسله مراتبی در میان افراد تصمیم‌گیرنده، انتقاداتی بر این روش وجود دارد که می‌توان به عدم قابلیت محاسبه عدم قطعیت داده‌ها و همچنین عدم قطعیت وزن معیارها اشاره نمود. در روش تحلیل سلسله مراتبی قضاوت‌های فرد خبره به صورت اعداد قطعی بیان می‌شود، ولی در برخی از مقایسات زوجی نمی‌توان این مقایسه را به صورت یک عدد قطعی بیان نمود.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه‌های تحقیق در جدول ۲ بیان شده است:

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه‌های تحقیق

متغیر	گروه	تعداد	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۱۱	۳۶/۶۶
	مرد	۱۹	۶۳/۳۳
سن	کمر از ۴۰	۴	۱۳/۳۳
	بین ۴۰ تا ۵۰	۱۷	۵۶/۶۶
	بیشتر از ۵۰	۹	۳۰
تحصیلات	کارشناسی	۵	۱۶/۶۶
	کارشناسی ارشد	۶	۲۰
	دکتری	۱۹	۶۳/۳۳
شغل	هیئت علمی	۱۳	۴۳/۳۳
	شاغل در وزارت ورزش و جوانان	۱۰	۳۳/۳۳
	شاغل در شرکت توسعه و تجهیز اماکن ورزشی	۷	۲۳/۳۳

پس از مصاحبه نیمه ساختار یافته با نمونه‌های تحقیق و پس از اشباع نظری، تعداد ۵۱ کد باز، ۱۹ کد محوری و ۱۰ کد گزینشی به عنوان عوامل مؤثر بر تأخیر در پروژه‌های عمرانی ورزشی شامل مدیریتی، مهندسی، نظارتی، مالی، حقوقی، پشتیبانی، انسانی، زیرساختی، طبیعی و برآوردی مشخص گردید.

جدول ۳: عوامل مؤثر بر تأخیر در پروژه‌های عمرانی ورزشی (کدهای گزینشی)

ردیف	عنوان	تعداد ارجاعات	تعداد منابع
۱	عوامل مالی	۱۲	۸
۲	عوامل مهندسی	۱۳	۸
۳	عوامل برآوردی (تخمینی)	۹	۷
۴	عوامل زیرساختی	۱۱	۸
۵	عوامل انسانی	۱۰	۹
۶	عوامل حقوقی	۱۰	۸
۷	عوامل پشتیبانی	۱۱	۱۰
۸	عوامل نظارتی	۱۴	۷
۹	عوامل طبیعی	۹	۹
۱۰	عوامل مدیریتی	۱۷	۹

پس از جمع آوری نظرات خبرگان و کارشناسان توسط پرسشنامه ای که به صورت ماتریس طراحی شده بود و بررسی نمرات پرسشنامه ها، نظرات زوجی متخصصان به صورت یک ماتریس (جدول ۴) جهت وزن دهی به مؤلفه ها از طریق تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی وارد نرم افزار Expert choice گردید.

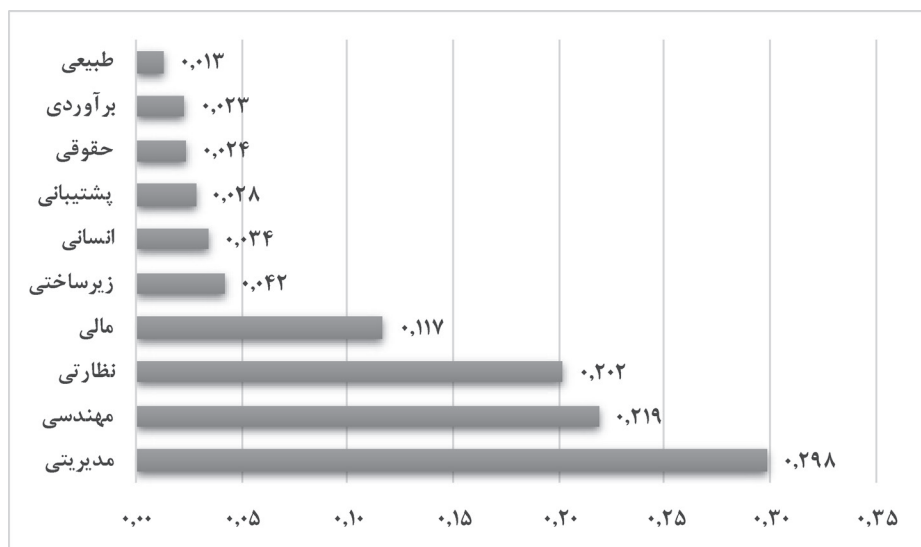
جدول ۴: ماتریس زوجی عوامل ۱۰ گانه

مهندس	برآوردی	طبیعی	زیرساختی	انسانی	پشتیبانی	نظارتی	حقوقی	مالی	مدیریتی	مؤلفه
۳/۶۹	۶/۹۳	۶/۲۴	۶/۱۱	۵/۳۸	۶/۳۲	۳/۸۹	۵/۹۳	۴/۲۶		مدیریتی
۲/۲۳	۳/۷۸	۴/۱۶	۴/۱۱	۳/۲۹	۳/۷۸	۲/۲۶	۵/۳۲			مالی
۰/۸۸	۲/۱۱	۲/۷۶	۱/۰۲	۱/۲۳	۱/۱۲	۰/۳۱				حقوقی
۲/۷۹	۴/۶۸	۴/۲۸	۴/۲۳	۵/۲۲	۴/۷۸					نظارتی
۰/۶۳	۲/۸۹	۲/۲۴	۱/۳۶	۰/۹۳						پشتیبانی
۰/۲۹	۱/۲۱	۱/۱۰	۰/۸۹							انسانی
۰/۲۱	۱/۱۴	۱/۰۴								زیرساختی
۰/۲۷	۱/۶۲									طبیعی
۰/۲۴										برآوردی
										مهندسی

در مرحله بعد برای وزن دهی به مؤلفه ها و تعیین اهمیت هر کدام از نرم افزار Expert choice استفاده گردید که نتایج به صورت زیر ثبت شد. نرخ ناسازگاری این مقایسه برابر با ۰/۰۴ است که چون این مقدار باید در یک قضاوت سازگار، کوچک تر و یا مساوی ۰/۱ باشد، قابل قبول است.

جدول ۵: وزن مؤلفه های مؤثر بر کاهش تأخیر در پروژه های عمرانی ورزشی

عامل	وزن نهایی	اولویت
مدیریتی	۰/۲۹۸	۱
مالی	۰/۱۱۷	۴
حقوقی	۰/۰۲۴	۸
نظارتی	۰/۲۰۲	۳
پشتیبانی	۰/۰۲۸	۷
انسانی	۰/۰۳۴	۶
زیرساختی	۰/۰۴۲	۵
طبیعی	۰/۰۱۳	۱۰
برآوردی	۰/۰۲۳	۹
مهندسی	۰/۲۱۹	۲



شکل ۲: وزن مؤلفه‌های مؤثر بر کاهش تأخیر در پروژه‌های عمرانی ورزشی

با توجه جدول ۵ و شکل ۲، میزان وزن و اهمیت عوامل مؤثر بر تأخیر در پروژه‌های عمرانی ورزشی به ترتیب عبارت اند از: مدیریتی، مهندسی، نظارتی، مالی، زیرساختی، انسانی، پشتیبانی، حقوقی، برآوردی و طبیعی.

بحث و نتیجه‌گیری

افزایش مدت زمان اجرای پروژه‌های عمرانی موجب معطل شدن منابع انسانی و سرمایه‌ای کشور و عدم تخصیص بهینه منابع می‌گردد (حنیفه و قاسمی، ۱۳۹۹). این امر علاوه بر زیان‌های اقتصادی و اتلاف منابع، باعث می‌شود دولت نتواند مطابق برنامه‌ریزی‌های خود عمل نماید (آشفته، تقی‌زاده و ناطقی، ۱۳۹۸). پروژه‌های عمرانی ورزشی هم از این امر مستثنی نخواهند بود. بنابراین لزوم توجه به عواملی که باعث تأخیر در این پروژه‌ها می‌گردد، حیاتی است. از این رو، تحقیق حاضر با هدف شناسایی و ارزیابی این عوامل صورت پذیرفت.

هرچند که با توجه به نتایج تحقیق حاضر، ۱۰ عامل عمده می‌تواند زمینه عدم بروز و یا کاهش تأخیر در پروژه‌های عمرانی ورزشی را فراهم آورند، ولی در این بین ۴ عامل مدیریتی، مهندسی، نظارتی و مالی از اهمیت بیشتری برخوردارند. در ابتدای امر به نظر می‌رسید که عوامل مالی مهم‌ترین عامل در بروز تأخیر در پروژه‌های عمرانی ورزشی باشد، اما بر اساس نتایج تحقیق این عامل در اولویت چهارم قرار گرفت.

عواملی همچون: جلوگیری از تغییرات مدیریتی در سطوح مختلف پروژه، ثبات مدیریت، برنامه‌ریزی مناسب و دقیق اجرایی پروژه، واکنش مطلوب به تحریم‌های بین‌المللی، عدم تعجیل در افتتاح پروژه، کاهش

حساسیت‌های غیرمنطقی رسانه‌ای، اطلاع‌رسانی به موقع پیمانکار به مشاور و کارفرما، کاهش میزان توقف پروژه از سوی نهادها و سازمان‌های دولتی، کاهش میزان بروکراسی اداری، در زمره عوامل مدیریتی مؤثر بر کاهش تأخیر در پروژه‌های عمرانی ورزشی به شمار می‌آیند.

اگر مدیران و افراد صاحب صلاحیت در جایگاه مناسب خود قرار نگیرند نه تنها از تجربه آنان در امور استفاده نمی‌شود، بلکه مشکلات پیچیده‌ای در کار پیش خواهد آمد و این موضوع مصداق همان خشت اول است که کج قرار گرفته باشد. به رغم وجود متخصصان باتجربه در نظام فنی و اجرایی کشور، از تمام ظرفیت‌های آن‌ها استفاده نمی‌شود. با مطالعه وضعیت بسیاری از پروژه‌ها در کشور می‌توان چنین نتیجه گرفت که مسئله اصلی در وجود منابع انسانی نیست، بلکه در مدیریت این منابع است. سازماندهی مناسب، تعریف درست وظایف و اختیارات، انتخاب صحیح افراد و رعایت اصول مدیریتی در طول کار، از نکات مهم در روند پروژه است. اختصاص جایگاه مدیریتی به افراد نظرکرده، اشتباه رایجی است که در پروژه‌ها رخ می‌دهد. مدیر باید منافع اجتماع را به منافع خود مقدم بداند، به رشد سازمان خود بیندیشد و از احساس مسئولیت مناسبی برخوردار باشد. در واقع، عزم به اتمام پروژه‌های عمرانی مستلزم احساس مسئولیت در قبال جامعه است، اما ملاحظه می‌شود که اهتمام مدیران و سازمان‌ها بیشتر معطوف به اتمام کار با هزینه کمتر و بدون توجه به کیفیت است (سپهرپور، ۱۳۸۳). جای تأسف این که در برخی موارد، راه‌اندازی سریع‌تر طرح‌های معوق از طریق میانبرهایی همچون: افتتاح صوری، راه‌اندازی نابهنگام تأسیسات زیربنایی و ... صورت می‌گیرد. از دیگر موارد مدیریتی، ثبات در مدیریت است. بدیهی است که پس انتخاب و انتصاب مدیران لایق، تغییر و تعویض آنان تا تحویل موقت طرح، به صلاح نیست. لذا باید ضوابطی نیز برای جابه‌جا کردن مدیران طرح‌های بزرگ، تعیین و تصویب گردد تا از ایجاد خلع مدیریتی و تعلل در اجرای طرح جلوگیری به عمل آید. تعویض مدیر پروژه در طول مرحله ساخت سبب مشکلات زیادی می‌گردد. به عنوان مثال، مدیر پروژه جدید باید برای آشنایی با عوامل پروژه، مشکلات اجرایی و محدودیت‌های پروژه، مدت زمان زیادی وقت صرف کند که این امر سبب کندی روند اجرا می‌گردد. این نتایج با نتایج تحقیق اگیوکوممنساه و نایت (۲۰۱۷) و رضایی (۱۳۹۴) که اعلام نمودند یکی از علل تأخیر در پروژه‌های عمرانی عامل مدیریتی است، همخوانی دارد.

دومین عامل مهم تأخیر در پروژه‌های عمرانی ورزشی، عامل مهندسی است. از جمله این عوامل عبارت‌اند از: ایجاد قراردادهای نوین مهندسی، بهبود مهارت کنترل و نظارت فنی کارفرما، انتخاب مناسب و علمی پیمانکار، بررسی فنی طرح اولیه پروژه، تهیه به موقع نقشه‌های پروژه، بهره‌گیری از مهندسی هم‌زمان در پروژه، بهبود وضعیت دسترسی به محل پروژه، یکپارچگی میان ساخت و طراحی مراحل مختلف پروژه.

به نظر می‌رسد می‌توان با تهیه و تنظیم قراردادهای ایده‌آل - به طوری که قرارداد توانایی پیش‌بینی و کنترل ریسک‌های پیش‌رو را داشته باشد و حرکت از سمت قراردادهای سنتی که تنها متکی بر حداقل قیمت هستند به سمت قراردادهای نوین که تمامی جوانب را مد نظر قرار می‌دهند - انتخاب پیمانکارانی مناسب که هم دارای توان تخصصی لازم و هم حافظ منافع ملی و عمومی باشند و رعایت سایر عوامل مهندسی، زمینه کاهش تأخیر در پروژه‌های عمرانی ورزشی را فراهم نمود.

بر اساس نظام فنی اجرایی کنونی، شرکت‌های مهندس مشاور ملزم به شناسایی نیازمندی‌ها، ملزومات و مشکلات پروژه پیش از مرحله ساخت می‌باشند تا در طراحی‌های خود این مسائل را لحاظ نمایند. در واقع، استفاده از اطلاعات پایه به شکل صحیح و کارا نقش مهمی در موفقیت یک پروژه دارد. اگر مطالعات اولیه به صورت پایه‌ای و توسط افراد باتجربه و متخصص انجام گیرد، خیلی از عوامل بازدارنده آتی پروژه که اثر مستقیم بر زمان اجرا دارد، از بین می‌رود. اما به دلیل عدم آشنایی مهندسان مشاور با شرایط اجرا و کارگاه، در بسیاری از موارد مقادیر برآورده شده از جمله: حجم کار، مصالح، ماشین‌آلات، زمان پروژه، اعتبار مالی و جریان نقدینگی موردنیاز با واقعیت همخوانی ندارد. حتی پس از اجرای پروژه نیز به دلیل ضعف سیستم مستندسازی اغلب بازخورد مناسبی از مسائل و مشکلات پروژه تهیه نمی‌شود و در پروژه‌های مشابه بعدی نیز همین مشکلات تکرار می‌گردد. یکی دیگر از عوامل مهندسی، تهیه و تنظیم قراردادهای شفاف است که حق پیمانکار و کارفرما به خوبی و وضوح در آن مشخص شده باشد. عدم تنظیم مناسب قراردادها در کنار نگرش بدبینانه به پیمانکاران سبب گردیده است که اخذ مطالبات پیمانکاران با مشکل همراه شود. نتیجه این مسئله تضعیف پیمانکار و اختلال در روند اجرای پروژه است. به ناچار پیمانکار برای اینکه بتواند کارگاه را تأمین نماید مجبور می‌شود که با حداقل هزینه ممکن ادامه دهد و از سرعت کار بکاهد. در هر حالت این امر سبب از بین رفتن توان بهینه پیمانکار و اختلال در روند کار می‌گردد (ره انجام و کوچکی، ۱۳۹۷). این نتایج با نتایج تحقیق جعفری (۱۳۸۹) مبنی بر نقش عوامل مهندسی در کاهش تأخیر در پروژه‌های عمرانی همخوان است.

سومین عامل مهم در تأخیر در پروژه‌های عمرانی عامل نظارتی است. از جمله این عوامل عبارت‌اند از: کنترل درج قیمت در مناقصه، کنترل مناسب زمان‌بندی پروژه، نظارت دقیق دستگاه‌های اجرایی، رسیدگی به موقع به اسناد و گزارش‌های پیمانکار، جلوگیری از اعمال نفوذ ذینفعان در پروژه، جلوگیری از انحصاری نمودن برخی مصالح مورد نیاز در پروژه، جلوگیری از نفوذ گروه‌ها و افراد سیاسی و شناسایی به موقع عیوب تجهیزات. نظارت باید هم توسط مدیریت پروژه و هم از طرف نهادهای نظارتی بر مراحل مختلف کار انجام شود. هر چند که نظارت زیر مجموعه عامل مدیریت است، ولی در تحقیق حاضر به لحاظ اهمیت و جایگاه آن و مشورت متخصصان، به عنوان یک عامل مهم و جداگانه در نظر گرفته شد. با افزایش حجم پروژه‌های عمرانی به خصوص پروژه‌های عمرانی ملی و گسترده شدن ابعاد آنها، روش‌های نظارتی گذشته دیگر جوابگو نیست و نمی‌تواند ضامن کیفیت مطلوب باشد. ضعف نهادهای نظارتی در بسیاری موارد سبب افزایش هزینه‌ها، انتصابات غیرمنطقی، تصمیم‌های خسارت‌بار و در نهایت، دور شدن از آرمان‌های اصلی طرح می‌گردد (ره انجام و کوچکی، ۱۳۹۷). از دیگر مواردی که باید بر آن نظارت گردد دخالت گروه‌ها و افراد سیاسی است. به عنوان مثال، روابط سیاسی و لابی‌گری برخی از نمایندگان و دولتمردان سبب می‌گردد پروژه‌های متعددی در بودجه گنجانده شود بدون آنکه منابع کافی برای اجرای همه آن‌ها وجود داشته باشد. این پروژه‌ها ممکن است در اولویت اجرا نباشند و در نتیجه پس از اتمام دوره فعالیت سیاسی نمایندگان، به صورت نیمه‌تمام رها می‌گردند. اغلب این پروژه‌ها توجیه اقتصادی ندارند و با ظرفیتی بیشتر از نیازمندی‌های منطقه ساخته می‌شوند و هیچ‌گاه به بهره‌برداری کامل نمی‌رسند. فشارهای سیاسی برای تصویب پروژه‌های عمرانی به نمایندگان

مجلس محدود نمی شود، خود دولت هم در سفرهای استانی حجم زیادی از پروژه های عمرانی مانند پروژه های عمرانی ورزشی را شتاب زده و گاهی بدون کار کارشناسی و مطالعات توجیهی به تصویب می رساند. لذا نقش سازمان های نظارتی مانند سازمان مدیریت و برنامه ریزی به عنوان تنها مرکز تصمیم گیری طرح های عمرانی، در این مباحث باید بسیار پررنگ تر باشد. این نتایج با نتایج تحقیق هادی زاده (۱۳۹۸) که بیان نمود در کشور ما فقدان بانک اطلاعاتی فنی و نظارتی مناسب و به روز نبودن اطلاعات، سبب می شود نتوان به معنای واقعی بر پروژه ها نظارت نمود و همچنین نتایج تحقیق گورگانی، محمدی و ثابت (۱۳۹۸) مبنی بر نقش عوامل نظارتی بر کاهش تأخیر در پروژه های عمرانی همخوانی دارد.

چهارمین عامل اثرگذار بر تأخیر در پروژه های عمرانی ورزشی، عامل مالی است. از جمله این عوامل عبارت اند از: کاهش میزان بدهی های مالی گذشته، پرداخت به موقع منابع مالی در حین انجام پروژه، بیمه یا حمایت مالی جهت مدیریت آثار ناشی از افزایش شدید تورم، تخصیص منابع مالی مورد نیاز پروژه، پیش پرداخت به موقع به پیمان کار و بهبود نقدینگی مناسب.

به نظر می رسد یکی از دلایل مشکلات مالی و عدم تحقق بودجه طرح های عمرانی، برآورد نادرست میزان تحقق بودجه باشد. برآورد نادرست بودجه، وابستگی بودجه کشور به درآمدهای نفتی و همچنین نرخ بالای تورم باعث گردیده که بودجه اختصاصی به پروژه های عمرانی ورزشی متغیر باشد. اگر قیمت نفت در بازارهای جهانی کاهش یابد، دولتمردان ملزم به کاهش اعتبارات عمرانی شده و پروژه های عمرانی نیمه کاره رها می شوند. زمانی که قیمت نفت افزایش یابد، بودجه تزیینی نیز افزایش یافته و دولتمردان با تصویب شتاب زده پروژه ها سعی بر هزینه بیشتر دلارهای نفتی می کنند (دودانگه، ۱۳۹۷). بنابراین می توان با برآورد صحیح درآمدهای بودجه ای، میزان تحقق اعتبارات واگذاری به بخش های عمرانی ورزشی را افزایش داد و از این طریق زمینه کاهش و حذف تأخیر در این پروژه ها را رقم زد.

با توجه به عوامل شناسایی شده در این تحقیق پیشنهاد می گردد مدیران و دست اندرکاران حوزه پروژه های عمرانی ورزشی با تأکید بر عوامل مهم تر و همچنین لحاظ سایر عوامل در مراحل زیر زمینه کاهش تأخیر در پروژه های عمرانی ورزشی و در نتیجه بهره مندی از آثار مثبت آن در ورزش و جامعه را فراهم آورند:

- ۱- پیش از ساخت شامل انتخاب زمین مناسب و بدون معارض، توجه به شرایط طبیعی منطقه مانند گسل زلزله، اخذ مجوزهای مورد نیاز از ارگان های ذیصلاح، انتخاب پیمانکاران و نیروی انسانی متخصص از طریق مناقصه های واقعی، انتخاب تیم مدیریتی متخصص و توانمند، انتخاب مشاوران حقوقی خبره، برآورد مناسب هزینه ها و منابع تأمین آن، پیش بینی درست نرخ تورم، تعیین زمان مناسب پایان کار، تنظیم قراردادهای مهندسی به روز و بدون ابهام و پرهیز از کلنگ زنی بدون حساب و سیاسی
- ۲- موارد حین ساخت شامل نظارت منظم و مداوم بر مراحل مختلف کار توسط یک تیم نظارتی متخصص، عمل به مفاد قرارداد، پرداخت به موقع مطالبات پیمانکار، تأمین به موقع مصالح و سایر امور پشتیبانی.

منابع

- آشفته، آروین؛ تقی‌زاده، مهدی و ناطقی، ایمان. (۱۳۹۸). «ارائه مدل پویایی‌شناسی سیستم برای تحلیل تأخیر پروژه‌های عمرانی». دومین کنفرانس ملی انجمن ایرانی پویایی‌شناسی سیستم‌ها. تهران. <https://civilica.com/doc/912003>
- جعفری، الیاس. (۱۳۸۹). «بررسی دلایل تأخیر پروژه‌های عمرانی ورزشی کشور». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مدیریت ورزشی، دانشگاه شمال.
- جوادیان، سیدرضا؛ فلاح، احمدعلی و میرجلیلی، علیرضا. (۱۳۹۵). «بررسی عملکرد منطق فازی در مدیریت ریسک پروژه‌های عمرانی ورزشی». چهارمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری. تهران، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی. <https://civilica.com/doc/612099>
- حقیقت، محمدحسین و قربانی، علی. (۱۳۹۸). «مدل‌سازی تاخیرات پروژه‌های ساخت‌وساز مبتنی بر شبکه عصبی جهت تعیین سهم عوامل مؤثر در بروز تاخیرات در پروژه‌های عمرانی ابنیه در شهر تهران». ماهنامه عمران و پروژه، ش ۱، صص ۷۳-۹۰.
- حنیفه، میلاد و قاسمی، پوریا. (۱۳۹۹). «شناسایی عوامل تأثیرگذار بر تاخیرات پروژه‌های ای پی سی خطوط ریلی ایران». <https://civilica.com/doc/1007862>
- خانزادی، مصطفی؛ دبیریان، شاهین و پیروفر، راضیه. (۱۳۹۰). «بررسی دلایل تأخیر طرح‌های عمرانی در ایران و راه‌های برون‌رفت آن». دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت استراتژیک پروژه‌ها. تهران، دانشگاه صنعتی شریف، پژوهشکده شهید رضایی. <https://civilica.com/doc/242916>
- دودانگه، رضا. (۱۳۹۷). دلایل تأخیر در پروژه‌های عمرانی. تهران: چاپ ندای کارآفرین
- رضایی، علیرضا. (۱۳۹۴). «بررسی بسترهای لازم در به کارگیری عامل چهارم (مدیریت طرح) در پروژه‌های ورزشی کشور». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مدیریت پروژه و ساخت، دانشگاه شهید بهشتی.
- ره‌انجام، علیرضا و کوچکی، مهناز. (۱۳۹۷). بررسی علل تأخیر پروژه‌های عمرانی و ارائه راهکار. تهران: سنجش و دانش
- سپهرپور، ناهید. (۱۳۸۳). چرا برخی از شرکت‌ها جهش می‌کنند و برخی دیگر خیر (از خوب به عالی). تهران: آوین
- سوادی، مهدی؛ همتی‌نژاد، مهرعلی؛ قلی‌زاده، محمدحسن و گوهر رستمی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). «طراحی الگوی توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان». فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش. ش ۲، صص ۸۷-۱۰۲.
- فتحی، نسترن و علیپور، مجید. (۱۳۹۸). «امکان‌سنجی مدیریت چالش‌های پیش‌رو در ساخت و بازسازی پروژه ورزشی و فرهنگی تحت پیمان BOT نارنجستان تهران». چهارمین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی. تهران، انجمن افق نوین علم و فناوری. <https://civilica.com/doc/911506>
- گورکانی، اسماعیل؛ محمدی، میلاد و ثابت، عباس. (۱۳۹۸). «شناسایی عوامل مؤثر در بروز تأخیر و افزایش هزینه در پروژه‌ها مطالعه موردی مسکن مهر». نخستین کنفرانس ملی مدیریت، اخلاق و کسب‌وکار. شیراز، موسسه آموزش عالی آبادانا. <https://civilica.com/doc/918418/>
- ملاهی کوهی، مینا؛ رمضان‌نژاد، رحیم؛ جوادپور، محمد و یاسوری، مجید. (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی استان‌های ایران و ارائه الگوی پیشنهادی». پایان‌نامه تربیت بدنی دانشگاه گیلان، ص ۴۲.
- هادی‌زاده، محمد. (۱۳۹۸). «بررسی و ارائه پیشنهاد درباره تاخیرات و نحوه ارائه لایحه تاخیرات در پروژه‌های

عمرانی». چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری، مدیریت شهری و محیط‌زیست. کرج. <https://civilica.com/doc/902928/>

- Abraham, S. (2019). **“Are the Public Subsidies of Professional Sports Stadiums Worth the Cost of Building Them?”** CMS senior theses, Claremont McKenna College.
- Agyekum-Mensah, G., & Knight, A. D. (2017). **“The professionals’ perspective on the causes of project delay in the construction industry”**. Engineering, construction and architectural management.
- Aziz, R. F., & Abdel-Hakam, A. A. (2016). **“Exploring delay causes of road construction projects in Egypt”**. Alexandria Engineering Journal, 55(2), 1515-1539.
- Gunduz, M., & Tehemar, S. R. (2019). **“Assessment of delay factors in construction of sport facilities through multi criteria decision making”**. Production Planning & Control, 1-12.
- Kumar, H., Manoli, A. E., Hodgkinson, I. R., & Downward, P. (2018). **“Sport participation: From policy, through facilities, to users’ health, well-being, and social capital”**. Sport Management Review, 21(5), 549-562.
- Mittal, Y. K., Paul, V. K., Rostami, A., Riley, M., & Sawhney, A. (2020). **“Delay factors in construction of healthcare infrastructure projects: a comparison amongst developing countries”**. Asian Journal of Civil Engineering, 1-13.
- Okoro, C. O., Mansur, S. A., Yahya, K., Igwe, U. S., & Obiefuna, J. I. (2020). **“Impact of Skilled Workforce Induced Delay on Project Delivery and Construction Sustainability in Nigeria”**. International Journal of Business and Technology Management, 2(1), 15-26.
- Tehemar, S. R. S. (2018). **“Evaluation of Delay’s Causes and Effects on Sport Facilities”**. A Project Submitted to the Faculty of the College of Engineering in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Masters of Science in Engineering Management.

بررسی تطبیقی اثرگذاری نهادهای جامعه‌پذیرکننده بر فرهنگ سیاسی جوانان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)

سارا نجف پور^۱

علی تدین راد^۲

doi 10.22034/SSYS.2022.488

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۲/۱۸

در دموکراسی به مثابه الگوی مطلوب حکمرانی، فرهنگ سیاسی با محوریت مشارکت سیاسی نقشی هویت بخش دارد. با توجه به توانمندی‌ها و استعدادهاى جوانان، سیاست‌گذاران در این عرصه توجهی ویژه به فرهنگ سیاسی و مشارکت جوانان دارند. از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده فرهنگ سیاسی، نهادهای جامعه‌پذیرکننده هستند. این پژوهش می‌کوشد نقش نهادهای جامعه‌پذیرکننده در فرهنگ سیاسی جوانان ایرانی را با مورد مطالعه قرار دادن دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز بررسی کند. پرسش اصلی پژوهش این است که نهادهای جامعه‌پذیرکننده در ایران، آموزه‌های کدام نوع از انواع فرهنگ سیاسی شامل «محدود»، «تبعی» و «مشارکتی» را به جوانان منتقل می‌کنند؟ فرضیه ما این است که نهادهای جامعه‌پذیرکننده در ایران بیشتر به انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی «تبعی» می‌پردازند. پژوهش حاضر کوشیده است با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه به سوال اصلی پاسخ دهد و فرضیه مقاله را بیازماید. از این رو، پرسشنامه‌های محقق ساخته میان جمعی از دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز توزیع و داده‌های حاصل از آن با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد «خانواده»، «گروه‌های همسال» و «دانشگاه» بیشتر آموزه‌های فرهنگ سیاسی «تبعی» را منتقل می‌کنند و «رسانه‌های ارتباط جمعی» و «نهادهای مذهبی» بیش از سایر نهادها آموزه‌های فرهنگ سیاسی «مشارکتی» را منتقل می‌کنند- اگرچه همچنان گرایش اصلی آنها نیز در جهت تقویت فرهنگ سیاسی «تبعی» است.

واژگان کلیدی: جامعه‌پذیری سیاسی، جوانان، فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی

مقدمه

بحث پیرامون چیستی حکومت خوب از دوران باستان تاکنون یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد علاقه متفکران و نظریه‌پردازان سیاسی بوده و هست. از این رو، تعاریف متعدد و گاه متفاوتی از آنچه «حکومت خوب» نامیده شده است، وجود دارد. امروزه بسیاری از متفکران سیاسی یکی از مهم‌ترین عناصر لازم برای حکومت خوب را مبانی دموکراتیک و سازوکارهای مشارکت در جامعه می‌دانند، زیرا در چنین جامعه‌ای به واسطه وجود ارتباط میان مردم و حاکمان و همچنین توان تأثیرگذاری مردم بر روندهای تصمیم‌گیری، تصمیمات و اقدامات حکومت در راستای نیازهای جامعه است که این امر موجب افزایش رضایتمندی سیاسی و در نتیجه افزایش مشروعیت سیاسی چنین حکومت‌هایی می‌شود.

بسیاری از نظام‌های سیاسی می‌کوشند به طرق مختلف میزان مشارکت سیاسی در سطوح مختلف آن را در جامعه افزایش دهند. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش میزان مشارکت سیاسی، وجود فرهنگ سیاسی مشارکتی است. به بیان دیگر، بدون وجود فرهنگ سیاسی متناسب با دموکراسی و مشارکت، نمی‌توان از جامعه‌ای انتظار مشارکت مؤثر در امور سیاسی و کمک به حل مشکلات جامعه را داشت. این مسئله به این معناست که در جوامع فاقد فرهنگ سیاسی مشارکتی، حتی اگر مردم به هر دلیلی به عرصه سیاست ورود کنند، حضور آنها نه تنها نمی‌تواند به بهبود وضع جامعه و رفع مشکلات کمک کند، بلکه ممکن است به دلیل عدم شناخت کافی و دقیق از مسائل سیاسی و همچنین آشنا نبودن آنها با الفبا و اصول اولیه مشارکت، به سادگی به سمت اقدامات خسونت‌آمیز متمایل شوند.

از آنجا که نهادهای جامعه‌پذیرکننده نقش اساسی در شکل‌گیری فرهنگ به طور عام و فرهنگ سیاسی به طور خاص دارند، پژوهش حاضر می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد:

نهادهای جامعه‌پذیرکننده در ایران آموزه‌های مرتبط با کدام نوع فرهنگ سیاسی را به جوانان انتقال می‌دهند؟ همچنین این مقاله تلاش می‌کند میزان اثرگذاری نهادهای عمده و مهم دخیل در انتقال آموزه‌های مرتبط با فرهنگ سیاسی به جوانان را بررسی نماید. از آنجا که بحث فرهنگ سیاسی یکی از مهم‌ترین مباحث در عرصه علم سیاست است، نویسندگان و پژوهشگران متعددی به آن پرداخته‌اند.

شیری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «گونه‌های فرهنگ سیاسی در ایران معاصر و دلالت‌های آسیب‌شناختی آن برای ثبات سیاسی و جامعه مدنی» با دسته‌بندی گونه‌های خاص و برجسته فرهنگ سیاسی در جامعه معاصر ایران ذیل عناوین فرهنگ سیاسی شبه طایفه‌ای و فرقه‌گرایانه، فرهنگ سیاسی چندپاره قومی، فرهنگ سیاسی توده‌ای، فرهنگ سیاسی دین‌محور و فرهنگ سیاسی هویت‌محور جوانان و زنان نشان می‌دهد که این گونه‌ها همگرایی زیادی با توسعه سیاسی ندارند و در مواردی ثبات سیاسی را تهدید و جامعه مدنی را تضعیف می‌کنند.

صالح‌آبادی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحصیلات، فرهنگ سیاسی و مشارکت انتخاباتی» میان مشارکت سیاسی و مشارکت انتخاباتی تمایز قائل می‌شود و به این نتیجه می‌رسد که بین سواد (تحصیلات) و مشارکت انتخاباتی (نه مشارکت سیاسی) رابطه خطی وجود ندارد. به عبارت دیگر، با افزایش تحصیلات تا سطح دیپلم،

مشارکت انتخاباتی افزایش و با افزایش تحصیلات دانشگاهی، میزان مشارکت انتخاباتی کاهش می یابد. داوودی (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان «مدیریت راهبردی فرآیند مشارکت سیاسی با بهره گیری از فرهنگ سیاسی» با مطالعه موردی این موضوع در استان سیستان و بلوچستان به شناسایی و بررسی عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی ساکنان این استان پرداخته است که یافته ها نشان دهنده تأثیرگذاری پارامترهای قومیت گرایی، مذهب گرایی، جریان های سیاسی، تحصیلات و نخبگان بر فرایند مشارکت سیاسی است.

احمدی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان «گونه شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان استان کردستان بر پایه متغیر های اجتماعی- فرهنگی»، انواع فرهنگ سیاسی دانشجویان را مورد مطالعه قرار داده است. یافته ها نشان داد که ۳۳/۷۲ درصد دانشجویان دارای فرهنگ سیاسی دمکراتیک، ۲۸ درصد دارای فرهنگ سیاسی بی تفاوت، ۲۳ درصد دارای فرهنگ سیاسی عمل گرا و ۱۶ درصد دارای فرهنگ سیاسی محدود هستند.

خانیکی و سرشار (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان «گونه شناسی فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان)» به این نتیجه رسیدند که الگوی غالب در میان جمعیت مورد مطالعه، الگوی غیرمشارکتی- اعتراضی است. طبق یافته های آنها از میان عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی، متغیرهای استفاده از رسانه های جمعی، مذهب، قومیت و مقطع تحصیلی تأثیر معناداری بر الگوی فرهنگ سیاسی دارند.

آذین (۱۳۸۴) در رساله دکترای خود به بررسی «نقش مدرسه در فرآیند جامعه پذیری سیاسی دانش آموزان دبیرستانی شهر اصفهان» پرداخت و دریافت که میزان جامعه پذیری سیاسی در بین چند گروه مثل پسران، دانش آموزان رشته علوم انسانی و دانش آموزان مدارس غیر انتفاعی بیش از دیگران است.

چابکی (۱۳۸۲) با استفاده از روش پیمایش به بررسی «جنسیت و مشارکت سیاسی» پرداخت و در نهایت به این نتیجه رسید که علاقمندی و مشارکت دختران دانشجو، فارغ از اینکه در چه نوع دانشگاهی مشغول به تحصیل باشند از پسران دانشجو پایین تر است.

قاسمی (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «گونه شناسی و تبیین فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران» ابراز می دارد که از میان سه نوع فرهنگ مشارکت جویانه پس رونده، مشارکت جویانه پیش رونده و میانه، بیشتر دانشجویان دارای فرهنگ سیاسی میانه هستند.

سلطانی فر (۱۳۷۹) در رساله خود با عنوان «بررسی نقش مطبوعات در ایجاد مشارکت سیاسی پس از جنگ تحمیلی» به این نتیجه رسید که گسترش ارتباطات و فعالیت رسانه های جمعی در ایران برخلاف کشورهایی که دارای ساختارهای حزبی هستند، فقط در مسیر بسیج توده ها عمل نموده و نقش مؤثری در شکل گیری فرهنگ سیاسی مشارکت جو ایفا نکرده است.

سریع القلم (۱۳۷۷) در مقاله ای با عنوان «مبانی عشیره ای فرهنگ سیاسی ایران» با روش تاریخی- تطبیقی می کوشد نوع فرهنگ سیاسی در ایران را توضیح دهد. فرهنگ سیاسی ایران در طول تاریخ معرف آن است که دایره اعتماد میان افراد و به تبع آن میان نهادها، سازمان ها و مؤسسات، بسیار اندک و محدود است. یکی از آثار این کم اعتمادی، واگذاری نقش های اجتماعی و سیاسی بر مبنای تعلقات خویشاوندی و قومی است. وی علل شکست نوسازی در ایران را به فرهنگ عشیره ای و ویژگی های آن نسبت می دهد.

پژوهش‌های بالا اگرچه در زمینه فرهنگ سیاسی بسیار ارزشمندند، اما در هیچ کدام از آنها آموزه‌های منتقل شده توسط نهادهای جامعه‌پذیرکننده مانند خانواده، دانشگاه، گروه‌های همسال، رسانه‌ها و نهادهای مذهبی و تاثیر آنها بر فرهنگ سیاسی جوانان مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است و این وجه ممیز و نوآورانه پژوهش حاضر می‌باشد.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

آلموند^۱ فرهنگ سیاسی را «توزیع خاصی از نگرش‌ها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی» تعریف می‌کند (آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۲۴). از نظر وی «هر نظام سیاسی در درون الگوی خاصی از سمت‌گیری برای کنش سیاسی فعالیت دارد که خوب است آن را فرهنگ سیاسی بنامیم» (چیلکوت، ۱۳۷۸: ۳۴۵). بر این مبنا، فرهنگ سیاسی همچون ایده‌ای است که می‌گوید شخصیت و منش مردم به طور جدایی‌ناپذیری در ارتباط و پیوستگی با نوع رژیم حقوقی جامعه می‌باشد و ابه همین دلیل نظریه پردازان سیاسی به طور جدی کوشیدند نقش فرهنگ سیاسی را در سرنوشت جوامع و نظام‌های سیاسی مختلف مورد بررسی قرار دهند.

هربرت. اچ. هایمن^۲ در کتاب «جامعه‌پذیری سیاسی» (۱۹۵۹) ابراز می‌دارد که رفتار سیاسی شهروندان را باید به صورت شکلی از رفتار آموخته شده در نظر گرفت. جامعه‌پذیری سیاسی، درونی کردن و نیز ارتقای نحوه نگرش و باورها نسبت به نظام سیاسی است. این روند همچنین شامل اطلاعات و احساساتی از ورودی‌ها و خروجی‌های نظام است که در نهایت می‌تواند به اقتدار و مشروعیت آن نظام بینجامد (داوسون و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۷). جامعه‌پذیری سیاسی در درجه مشارکت افراد در زندگی سیاسی تأثیری فزاینده دارد و می‌تواند موجبات ترغیب مردم به مشارکت سیاسی و یا دوری گزیدن آنها از عرصه سیاست و عدم مشارکت را فراهم آورد (Ball, 1988: 64). مسئله جامعه‌پذیری سیاسی تا آنجا اهمیت دارد که ریچارد رورتی^۳ می‌گوید: «هیچ چیزی در مردم وجود ندارد، مگر آن چیزی که آنها بدان جامعه پذیر شده‌اند؛ یعنی توانایی آنها در استفاده از زبان و در نتیجه مبادله باورها و علایق با دیگر مردمان» (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۱۱۸). جامعه‌پذیری سیاسی می‌تواند به دو شیوه مستقیم و غیر مستقیم صورت پذیرد، هرگز خاتمه نمی‌یابد و در سراسر زندگی ادامه دارد. آلموند، عوامل مؤثر در جامعه‌پذیری سیاسی و رشد فرهنگ سیاسی را به دو دسته اولیه و ثانویه تقسیم‌بندی می‌کند. عوامل اولیه شامل خانواده، همسالان و همسایگان می‌شود و عوامل ثانویه، نهادهای آموزشی، رسانه‌های ارتباط جمعی، نهادهای مذهبی و احزاب سیاسی را در بر می‌گیرد. آلموند بر این باور است که نفوذ مستقیم و غیر مستقیم خانواده به عنوان اولین نهاد جامعه‌پذیری که فرد فراروی خود می‌بیند، نفوذی نیرومند و دیرپاست. مشخص‌ترین وجه این نفوذ نیز شکل دادن به ایستارهای فرد در قبال اقتدار است، زیرا در خانواده تصمیماتی جمعی گرفته می‌شود و ممکن است این تصمیمات برای کودک آمرانه باشد. به این مفهوم

1. Almond

2. Herbert.H.Hayman

3. Richard Rorty

که نافرمانی از آنها سبب تنبیه و مجازات وی را فراهم آورد. (آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۲۳). عبدالعلی قوام نیز بر این اعتقاد است که خانواده (با محوریت نقش پدر)، اولین عامل در آشنایی کودک با مفهوم قدرت است. از نظر او، نوع روابط حاکم بر خانواده به پرورش شخصیت‌های سیاسی مختلف و در نهایت فرهنگ سیاسی متفاوت منجر خواهد شد (قوام، ۱۳۷۴: ۸۰). ماروین برکویتز نیز در باره اهمیت خانواده می‌گوید:

«فرآیند دموکراتیک در خانواده منجر به تأثیر بر ابعاد مختلف توسعه اخلاقی می‌شود. در این نوع خانواده، خرد اخلاقی، وجدان، اعتماد به نفس و روحیه دگرخواهی در فرزندان رشد می‌کند... در این خانواده‌ها به فرزندان و نظرات آنها به عنوان نظرات با ارزشی نگاه می‌شود که پشتیبان مشارکت در خانواده و تقویت‌کننده آن هستند» (Berkowitz & Grych, 1998: 373).

تریس مک میلان^۱ تأکید می‌کند که در صورت باز بودن ساختار خانواده، افراد رشد یافته در آن در آینده حامی جامعه باز خواهند بود. وی معتقد است:

«اگر ما موفق به ایجاد ساختارهایی در خانواده شویم که افراد آن با یکدیگر گفت‌وگو کنند... امکان بروز عقاید مختلف در آن وجود داشته باشد، سؤال کردن یاد گرفته شود و با سلسله مراتب مقابله شود، ما جامعه‌ای خواهیم داشت که کاملاً در ایجاد انواع تغییرات به سمت یک دولت و اقتصاد دموکراتیک توانمند خواهد [رفت]» (Mc Millan, 1990: 4).

پس از خانواده، نهادهای آموزشی از مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی هستند که شخص با آنها رو به رو می‌شود. این نهادها می‌توانند به دو صورت آگاهانه و غیر آگاهانه در جامعه‌پذیری سیاسی افراد نقش داشته باشند. از آنجا که محیط اجتماعی مدرسه، دانشگاه و مانند آن وسیع‌تر از خانه است و بیشتر از دگرگونی‌های جامعه تأثیر می‌پذیرد، نقشی موثر در انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی به ویژه به نوجوانان و جوانان دارد. آلموند و وربا^۲ بر این باورند:

- فرد دارای تحصیلات بالاتر نسبت به فرد دارای تحصیلات کمتر، بیشتر از تأثیر حکومت بر افراد آگاه است.
- افراد تحصیل کرده، بیش از دیگران به بحث‌های سیاسی علاقه نشان می‌دهند.
- در بیشتر مواقع، افراد تحصیل کرده خود را قادر به تأثیر گذاری بر حکومت می‌دانند.
- چنین افرادی، بیش از دیگران به عضویت در سازمان‌های مختلف علاقه نشان می‌دهند.
- افراد تحصیل کرده، بیش از دیگران به قابل اعتماد بودن مردم و مفید بودن آنها اعتقاد دارند (شارع پور، ۱۳۷۸: ۷).

عامل دیگری که نقش مهمی در جامعه‌پذیری افراد دارد، گروه همسالان است. گروه همسالان گروهی است که در آن اعضا از موقعیت و وضعیت نسبتاً مساوی و روابط نزدیک برخوردارند مانند گروه همبازی‌ها، محافل دوستان و گروه‌های کوچک کاری (کمالی، ۱۳۷۴: ۷۵). از دیدگاه آلموند، گروه همسالان از طریق بر انگختن یا وادار کردن اعضای خود به پیروی از ایستارها یا رفتارهای پذیرفته شده گروه، آنان را جامعه‌پذیر

1. Tracy McMillan

2. Almond and Verba

می‌کند. این گروه‌ها از آن جهت دارای اهمیت اند که فرد می‌کوشد در همه ابعاد از گروه تقلید کند (شعاری نژاد، ۱۳۶۷: ۳۵۲).

نهاد موثر دیگر بر جامعه‌پذیری سیاسی، مذهب است. همه مذاهب دنیا حاملان ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی هستند که خواه ناخواه پیامدهای سیاسی دارند و بر مسائل سیاسی و سیاست‌های عمومی تأثیر می‌گذارند. پل زیگموند^۱ در پژوهشی با عنوان «دموکراسی مسیحی، آزاد سازی دینی و فرهنگ سیاسی» به این نتیجه می‌رسد که مذهب یکی از منابع مهم جهت‌گیری‌های ارزشی است و باید انتظار داشته باشیم که بتواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر فرهنگ سیاسی جوامع و سپس دموکراسی داشته باشد (جهانگیری و بوستانی، ۱۳۸۰: ۳۰). رسانه‌های ارتباط جمعی نیز با توجه به تعدد و تنوع‌شان در دنیای امروز در زمره مهم‌ترین نهادها و عوامل انتقال‌آموزه‌های فرهنگ سیاسی محسوب می‌شوند. رسانه‌های جمعی گذشته از ارائه اطلاعات مشخص و فوری در مورد رویدادهای سیاسی، ارزش‌های عمده‌ای را نیز که هر جامعه در مورد آنها توافق نظر دارد به شکل مستقیم یا غیر مستقیم منتقل می‌سازند. رسانه‌ها می‌توانند دارای کارکردهای مردم‌سالارانه زیادی باشند از جمله: نظارت بر تحولات سیاسی - اجتماعی، شناسایی مرتبط‌ترین موضوعات گفتمان در بین دیدگاه‌های متنوع و مختلف موجود، پاسخگویی مسئولان برای استفاده از ابزارهای قدرت، ایجاد انگیزه برای شهروندان در جهت فراگیری، انتخاب و مؤثر بودن در فرآیند‌های سیاسی، مقاومت در مقابل نیروهای خارج از رسانه که قصد دارند استقلال رسانه را تحت سیطره خود در آورند (فاگ، ۱۳۸۴). البته تصورات ذهنی و موقعیت اجتماعی دریافت‌کننده پیام هم در اثرات احتمالی پیام بر شخص نقش مهمی را بر عهده دارد، زیرا موقعیت اجتماعی فرد، تعیین‌کننده نوع رسانه و ارتباطاتی است که وی در معرض آن قرار می‌گیرد (مهرداد، ۳۷۶: ۱۸۸-۱۸۵). در نهایت با توجه به نقش این نهادها در جامعه‌پذیری سیاسی و انتقال‌آموزه‌های فرهنگ سیاسی در این پژوهش می‌کوشیم نقش نهادهای جامعه‌پذیرکننده یعنی خانواده، دانشگاه، گروه‌های همسال، رسانه‌ها و مذهب را بر فرهنگ سیاسی جوانان و نوع فرهنگی که منتقل می‌کنند، بررسی نماییم.

به منظور بررسی اثر نهادها بر فرهنگ سیاسی طی فرایند جامعه‌پذیری، از نظریه آلموند و وربا (Almond & Verba, 1963) استفاده شد و طبقه‌بندی آنها در مورد انواع فرهنگ سیاسی مد نظر قرار گرفت. از دیدگاه این دو، فرهنگ سیاسی برآیندی است از نگرش‌ها و جهت‌گیرهای همه اعضای جامعه. در حقیقت، در فرهنگ سیاسی با سه نوع نگرش شناختی^۲، احساسی^۳ و ارزیابانه^۴ رو به رو هستیم. آلموند و وربا با به کار بردن این سه نوع نگرش به سه نوع اصلی فرهنگ سیاسی یعنی فرهنگ سیاسی محدود، تبعی و مشارکتی دست یافتند. در جدول زیر شهروند متعهد نمود فرهنگ سیاسی مشارکتی، فرد بی تفاوت نمود فرهنگ سیاسی تبعی و فرد منزوی شده نمود فرهنگ سیاسی محدود است.

1. Paul Sigmund
2. Cognitive Demensions
3. Affective Demensions
4. Evalutive Demensions

جدول ۱: ویژگی فرهنگ‌های سیاسی مختلف

بعد	شهروند متعهد (فرهنگ سیاسی مشارکتی)	فرد بی تفاوت (فرهنگ سیاسی تبعی)	فرد منزوی شده (فرهنگ سیاسی محدود)
شناختی	مثبت	مثبت	مثبت
احساسی	مثبت	بی تفاوت	منفی
ارزیابانه	مثبت	بی تفاوت	منفی

(سریع القلم، ۱۳۸۶: ۲۹)

شهروند متعهد، به سیستم متعهد است، خود را جزئی از آن می‌داند و نه تنها شناخت بلکه احساسات و ارزیابی‌هایش نیز مثبت است. شخص در اینجا شهروند محسوب می‌شود، زیرا در نظام سیاسی دارای ارزش و جایگاه خاص خود است. این در حالی است که فرد بی تفاوت اگر چه نسبت به نظام سیاسی شناخت دارد، اما هیچ احساس و حتی هیچ علاقه‌ای به ارزیابی عملکرد سیستم ندارد. از سوی دیگر، او دارای هیچ جایگاهی در نظام سیاسی نیست و شهروند محسوب نمی‌شود. راجع به فرد منزوی شده باید گفت که این فرد حتی بی تفاوت هم نیست، بلکه به مراتب جایگاهی منفی‌تر برای خود قائل است؛ بدین صورت که دارای شناخت مناسبی از نظام سیاسی است، ولی نسبت به آن احساسات و ارزیابی منفی دارد.

در گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی آلموند، فرهنگ محدود یا کوچک‌اندیش^۱ به عنوان سطح پایین، فرهنگ سیاسی تبعی^۲ به عنوان سطح میانی و فرهنگ سیاسی مشارکتی^۳ به عنوان سطح بالا تعریف شده‌اند. آلموند بهترین توصیف از فرهنگ سیاسی محدود را غیر ملی بودن آن می‌داند. وی معتقد است فرهنگ سیاسی محدود یا کوچک‌اندیش به عنوان يك مقوله فرهنگی، فی نفسه طبعی غیر دموکراتیک دارد. در این گونه فرهنگ‌های سیاسی، مسیری يك طرفه برای نفوذ از رأس امور سیاسی به سوی پایه اجتماع در جریان است و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در برابر بدنه اصلی سیاست در بهترین حالت، منفعل و در بدترین حالت رو به زوال است؛ در حالی که در فرهنگ سیاسی مشارکتی هر کس در عرصه عمومی عهده دار نقشی فعال است و افراد جامعه به سرنوشت خود و موضوعات مختلف سیاسی علاقه نشان می‌دهند (Almond & Verba, 1963: 19). البته از نگاه آلموند در شرایط واقعی نوع خالصی از فرهنگ سیاسی در يك جامعه مشاهده نمی‌شود و اغلب ترکیبی از این فرهنگ‌ها در جوامع حاکم است. به این ترتیب، سه نوع فرهنگ سیاسی فرعی به وجود می‌آیند که عبارت‌اند از: فرهنگ سیاسی محدود- تبعی، تبعی- مشارکتی و محدود- مشارکتی (خیری، ۱۳۷۸: ۸۵). از نظر آلموند و روبا هیچ يك از شش نوع فرهنگ سیاسی یاد شده کاملاً مطلوب نیستند و بهترین فرهنگی که هر جامعه‌ای در نهایت به سمت کسب آن می‌رود، فرهنگ مدنی^۴ است. این فرهنگ، نوعی فرهنگ مرکب است؛ به این معنا که در آن بسیاری افراد در سیاست فعال‌اند، اما گروهی نیز وجود دارند که نقش

1. Parochial Culture

2. Subject Culture

3. Participation Culture

4. Civic Culture

غیرفعال را انتخاب می‌کنند. مهم‌تر اینکه حتی در میان کسانی که نقش سیاسی فعالانه شهروندی را ایفا می‌کنند، نقش‌های تبعی و محدود نیز جایگزین شده است. به این مفهوم که شهروند فعال کماکان روابط نسبی و غیرسیاسی خود را به همان درجه نقش سیاسی حفظ می‌کند (پالمر، ۱۳۷۱: ۱۰۳).

بر این اساس، در این پژوهش به بررسی این مسئله می‌پردازیم که هریک از نهادهای جامعه‌پذیرکننده خانواده، گروه همسالان، دانشگاه، رسانه‌های گروهی و نهادهای مذهبی کدام یک از انواع فرهنگ سیاسی را منتقل می‌کنند؟ فرضیه ما این است که در ایران همه این نهادها (خانواده، گروه همسالان، دانشگاه، رسانه‌های گروهی و نهادهای مذهبی) آموزه‌های فرهنگ سیاسی «تبعی» را منتقل می‌کنند. هریک از این نهادها را به شکل مجزا و با همین فرضیه بررسی می‌کنیم.

روش شناسی پژوهش

برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه با سؤالات بسته استفاده شد- البته این گویه‌ها بر روی یک طیف پنج درجه‌ای تنظیم شده بودند. قسمت اول پرسشنامه به ویژگی‌های فردی پاسخگوها اختصاص داده شده است و بیانگر سن، جنس و رشته تحصیلی آنها می‌باشد. در دیگر قسمت‌های پرسشنامه نیز تلاش شده، با استفاده از سؤالات بسته دیگر متغیرها مورد سنجش قرار گیرند.

نوع مقیاس و تعداد گویه‌ها

جدول ۲: تعداد سؤالات متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	نوع مقیاس	تعداد گویه‌ها
انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (بعد تبعی)	لیکرت	۵
انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (بعد محدود)	لیکرت	۵
انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (بعد مشارکت)	لیکرت	۵
نقش خانواده	لیکرت	۱۰
نقش دانشگاه	لیکرت	۹
نقش گروه همسالان	لیکرت	۸
نقش رسانه	لیکرت	۱۴
نقش نهادهای مذهبی	لیکرت	۷

جامعه آماری و اعتبار و پایایی

جمعیت آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز می‌شود که بر اساس آمار ارائه شده توسط این دانشگاه بیش از ۱۶۰۰۰ نفر بودند. با استفاده از فرمول کوکران، تعداد نمونه‌ها به میزان

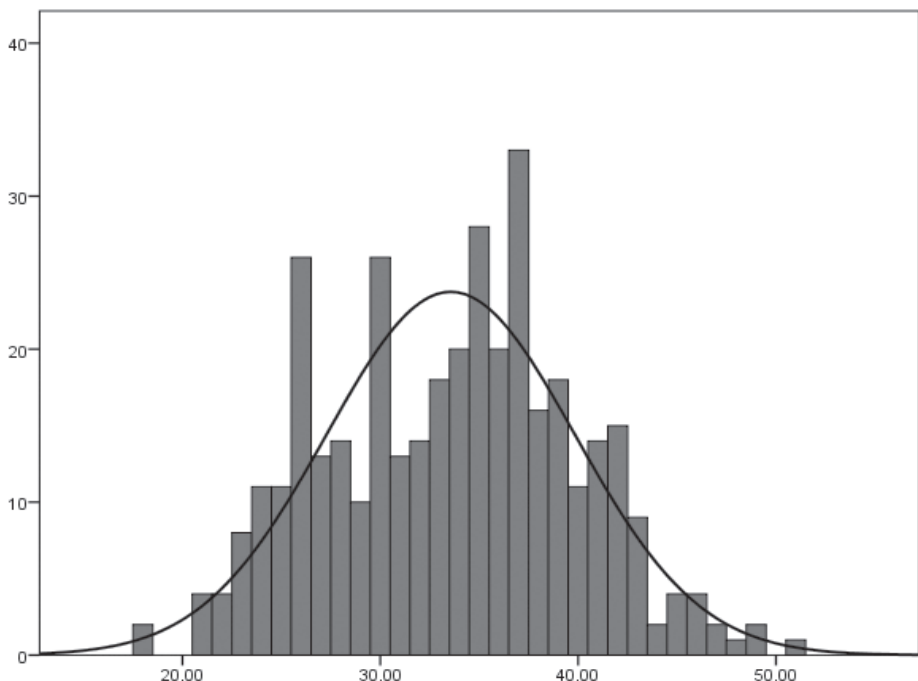
۳۷۵ نفر تعیین شد:

$$n = \frac{t^2 q \times d^2}{1 + \frac{1}{n}(t^2 q \times d^2) - 1}$$

برای اطمینان، ۴۳۵ پرسشنامه در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز توزیع شد که از بین آنها ۱۷ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن پاسخ ها کنار گذاشته شد و تجزیه و تحلیل با داده های ۴۱۸ پرسشنامه انجام گرفت. برای سنجش اعتبار محتوایی این پرسشنامه، تلاش شد گویه های مورد آزمون با توجه به چارچوب نظری و ادبیات تحقیق طراحی گردد و تعداد گویه ها نیز کافی باشد (سرمد و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۷۱). به منظور سنجش پایایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید.

یافته های پژوهش

در جامعه آماری مورد مطالعه، جمعیت زنان (۵۲/۴ درصد) و مردان (۴۷/۶ درصد) دانشجویان تقریباً مساوی بوده است. ۱/۴ درصد پاسخگویان در فاصله سنی ۱۷ تا ۱۹ سال، ۲۹/۷ درصد در فاصله سنی ۱۹ تا ۲۱ سال، ۴۷/۹ درصد در فاصله سنی ۲۲ تا ۲۵ سال، ۱۴/۵ درصد در فاصله سنی ۲۶ تا ۲۸ سال و ۶/۵ درصد در فاصله سنی ۲۸ سال و بالاتر می باشند. ۵۱/۲۰ درصد از دانشجویان در مقطع کارشناسی و ۴۸/۸۰ درصد در مقطع تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکتری) می باشند. ۴۱/۹ از دانشجویان در رشته های فنی و مهندسی، ۳۰/۴ درصد در رشته های علوم پایه و ۲۷/۸ درصد در رشته های علوم انسانی مشغول به تحصیل می باشند.



نمودار ۱: نمودار هیستوگرام توزیع نرمال انتقال آموزه های فرهنگ سیاسی

جدول ۳: یافته‌های توصیفی متغیرهای مستقل پاسخگویان

متغیر	میانگین طیف	میانگین واقعی	انحراف معیار	تی	سطح معنی داری
انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (تبعی)	۱۵	۱۶/۴۷	۳/۲۱	۹۹/۲۲	۰/۰۰۰
انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (محدود)	۱۵	۱۲/۴۴	۳/۰۷	۶۹/۶۲	۰/۰۰۰
انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (مشارکتی)	۱۵	۱۴/۰۸	۳/۰۷	۸۸/۶۴	۰/۰۰۰
نقش خانواده	۳۰	۳۳/۱۶	۴/۴۷	۱۴۳/۵۳	۰/۰۰۰
نقش دانشگاه	۲۷	۳۳/۷۹	۴/۶۱	۱۴۱/۹۳	۰/۰۰۰
نقش گروه همسالان	۲۴	۲۸/۰۱	۵/۹۹	۹۰/۴۴	۰/۰۰۰
نقش رسانه	۴۲	۳۹/۱۲	۵/۶۸	۱۳۳/۲۲	۰/۰۰۰
نقش نهادهای مذهبی	۲۱	۲۱/۱۸	۳/۲۶	۱۲۵/۶۹	۰/۰۰۰

براساس نمودار ۱ و جدول ۳ می‌توان نتیجه گرفت که توزیع آماری نمونه پژوهش حدوداً طبیعی است و میزان انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی بر مبنای ابزار به کار رفته در پژوهش در سطح نمونه و جامعه آماری بالاتر از سطح متوسط است. نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای با اطمینان ۹۹ درصد تایید می‌کند. همچنین میانگین واقعی میزان فرهنگ سیاسی (۳۳/۵۵) از میانگین طیف (۳۰) در سطح نمونه و جامعه آماری بالاتر از سطح متوسط است. نمره بالاتر در مقیاس فرهنگ سیاسی نشانگر بالا بودن فرهنگ سیاسی است. نتیجه میزان فرهنگ سیاسی دانشجویان متوسط رو به بالا است. نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای برای متغیر وابسته تایید می‌گردد. همچنین نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای نشان می‌دهد میانگین استخراج شده متغیرهای نقش خانواده (۳۳/۱۶)، نقش دانشگاه (۳۳/۷۹)، نقش گروه همسالان (۲۸/۰۱)، نقش رسانه (۳۹/۱۲) و نقش نهادهای مذهبی (۲۱/۱۸) در سطح نمونه و جامعه آماری با اطمینان ۹۹ درصد بالاتر از سطح متوسط است.

با توجه به اینکه متغیر وابسته و متغیرهای مستقل در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی این فرضیه استفاده گردید که خروجی آن در جداول زیر نشان داده شده است:

● **فرضیه اول:** در ایران خانواده بیشتر آموزه‌های فرهنگ سیاسی تبعی را به جوانان منتقل می‌کند.

خانواده به عنوان محیطی که فرد از ابتدای زندگی خود در آن رشد می‌کند و تحت تأثیر محیط و افراد آن قرار می‌گیرد، از کارگزاران اولیه جامعه‌پذیری سیاسی و همچنین در زمره مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری سیاسی محسوب می‌شود. از این رو، آموزه‌هایی که از طریق این نهاد به افراد منتقل می‌شوند، پایه‌گذار دیدگاه آنها نسبت به جامعه‌اند.

جدول ۴: خروجی ضریب همبستگی برای آزمون رابطه نقش خانواده در انتقال آموزه های فرهنگ سیاسی به جوانان (محدود، تبعی و مشارکتی)

فرضیه	ضریب پیرسون	سطح معنی داری
نقش خانواده در انتقال انتقال آموزه های فرهنگ سیاسی (تبعی)	۰/۵۱۰**	۰/۰۰۱
نقش خانواده در انتقال انتقال آموزه های فرهنگ سیاسی (محدود)	۰/۰۹	۰/۴۵
نقش خانواده در انتقال انتقال آموزه های فرهنگ سیاسی (مشارکتی)	۰/۰۷۱	۰/۳۵

همان گونه که در جدول فوق ملاحظه می شود رابطه معنی داری بین میزان نقش خانواده با ضریب پیرسون (۰/۵۱۰) و سطح معنی داری (۰/۰۰۱) با میزان انتقال آموزه های فرهنگ سیاسی (تبعی) وجود دارد؛ به این معنی که هرچه میزان نقش خانواده دانشجویان افزایش می یابد، میزان انتقال آموزه های فرهنگ سیاسی (تبعی) آنها نیز افزایش می یابد. از آنجا که سطح معناداری در این مورد نیز کمتر از ۰/۰۵ بوده است، این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد.

همان گونه که در جدول فوق ملاحظه می شود با توجه به ضریب همبستگی و سطح معنی داری آن، رابطه معنی داری بین نقش خانواده در انتقال انتقال آموزه های فرهنگ سیاسی (محدود و مشارکتی) دانشجویان وجود ندارد. این بدان معناست که خانواده ها به عنوان یکی از مهم ترین عوامل در شکل گیری فرهنگ سیاسی، هنوز در مسیر انتقال آموزه های فرهنگ سیاسی مشارکتی به فرزندان خود قرار نگرفته اند. به نظر می رسد در خانواده های ایرانی هنوز اقتدار يك نفر (مثلاً پدر یا مادر) وجود دارد و این امر باعث شده است که فرزندان همچنان آموزه های تبعی را بیش از آموزه های مشارکتی فراگیرند و از آنجا که زمینه مشارکت در خانه برای افراد مهیا نگردیده است، آنان در جامعه نیز کمتر از توانایی مشارکت سیاسی برخوردارند. در چنین فضایی اگرچه فرزندان از آگاهی های کلی نسبت به سیاست برخوردار می شوند، اما کمتر به مشارکت در سیاست، عضویت در نهادهای مدنی و مانند آن تشویق می شوند. حتی تا حدود زیادی احساس عدم توانایی تأثیرگذاری بر سیاست در آنها تقویت می شود.

- فرضیه دوم: در ایران دانشگاه بیشتر آموزه های فرهنگ سیاسی تبعی را به جوانان منتقل می کند.

جدول ۵: خروجی ضریب همبستگی برای آزمون رابطه نقش دانشگاه در انتقال آموزه های فرهنگ سیاسی به جوانان (تبعی، محدود و مشارکتی)

فرضیه	ضریب پیرسون	سطح معنی داری
نقش دانشگاه در انتقال انتقال آموزه های فرهنگ سیاسی (تبعی)	۰**/۱۱۸	۰/۵۳۲
نقش دانشگاه در انتقال انتقال آموزه های فرهنگ سیاسی (محدود)	۰/۱۳	۰/۶۱۸
نقش دانشگاه در انتقال انتقال آموزه های فرهنگ سیاسی (مشارکتی)	۰/۱۰	۰/۶۴۹

از آنجا که سطح معناداری در این مورد بزرگتر از ۰/۰۵ است، فرضیه مطرح شده در بالا مورد تایید قرار می‌گیرد و دانشگاه بیشتر انتقال دهنده آموزه‌های فرهنگ سیاسی تبعی قلمداد می‌گردد. این مسئله با توجه به انتظاری که از دانشگاه و محیط آن می‌رود، تأمل برانگیز است. به نظر می‌رسد از آنجا که فرهنگ نقد و نقادی و همچنین انعطاف‌پذیری که از مشخصات یک شخصیت مشارکت‌جو است در جامعه ما بروز و ظهور چندانی ندارد. این نگرانی از سوی بسیاری از اساتید و مسئولان دانشگاه وجود دارد که مبادا بحث‌ها و صحبت‌های سیاسی منجر به بی‌نظمی و اختلال در امور آموزشی و پژوهشی دانشگاه گردد.

● **فرضیه سوم:** در ایران گروه‌های همسالان بیشتر آموزه‌های فرهنگ سیاسی تبعی را به جوانان منتقل می‌کنند. گروه‌های همسال و دوستان به عنوان یکی دیگر از نهادهای تعیین‌کننده در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی در این پژوهش دارای اهمیت بسیاری هستند. به همین دلیل پژوهش حاضر بررسی نقش گروه‌های همسال بر نوع آموزه‌های فرهنگ سیاسی جوانان را لازم تلقی کرد.

۳۳۰

جدول ۶: خروجی ضریب همبستگی برای آزمون رابطه نقش گروه همسالان در انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی به جوانان (تبعی، محدود و مشارکتی)

فرضیه	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
نقش گروه همسالان در انتقال انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (تبعی)	۰/۳۰۷*	۰/۰۰۱
نقش گروه همسالان در انتقال انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (محدود)	۰/۰۸	۰/۵۶
نقش گروه همسالان در انتقال انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (مشارکتی)	۰/۱۱۴	۰/۵۹

جدول ۶ نشان می‌دهد رابطه معنی‌داری بین میزان نقش همسالان با ضریب پیرسون (۰/۳۰۷) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱) با میزان انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (بعد تبعی) وجود دارد؛ به این معنی که هرچه میزان نقش گروه همسالان دانشجویان افزایش می‌یابد، میزان انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی تبعی آنها نیز افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، با توجه به ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری بالاتر از ۵ درصد، رابطه معنی‌داری بین نقش گروه همسالان در انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (بعد محدود و بعد مشارکت) دانشجویان وجود ندارد.

● **فرضیه چهارم:** در ایران رسانه‌ها بیشتر آموزه‌های فرهنگ سیاسی تبعی را به جوانان منتقل می‌کنند. با توجه به اینکه در دنیای امروز بیشتر افراد به ویژه جوانان روزانه زمان نسبتاً زیادی را به استفاده از رسانه‌های دیداری-شنیداری و فضای مجازی اختصاص می‌دهند، این عامل می‌تواند در فرآیند جامعه‌پذیری و شکل‌گیری نوع خاصی از فرهنگ سیاسی در جامعه بسیار با اهمیت تلقی شود.

جدول ۷: خروجی ضریب همبستگی برای آزمون رابطه نقش رسانه‌ها در انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی به جوانان (تبعی، محدود و مشارکتی)

فرضیه	ضریب پیرسون	سطح معنی داری
نقش رسانه‌ها در انتقال انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (تبعی)	۰/۰۱۵	۰/۶۳۱
نقش رسانه‌ها در انتقال انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (محدود)	۰/۰۱۷	۰/۶۴۵
نقش رسانه‌ها در انتقال انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (مشارکتی)	۰/۳۹۹**	۰/۰۰۱

رابطه معنی داری بین میزان نقش رسانه‌ها با ضریب پیرسون (۰/۳۹۹) و سطح معنی داری (۰/۰۰۱) با میزان انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (بعد مشارکتی) وجود دارد؛ به این معنی که هرچه میزان نقش رسانه‌ها افزایش می‌یابد، میزان انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی مشارکتی آنها نیز افزایش می‌یابد.

با توجه به این موضوع که سطح معناداری در این مورد کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت که رسانه‌ها بیش از دیگر موارد، آموزه‌های فرهنگ سیاسی مشارکتی را به مخاطبان جوان خود منتقل می‌کنند. از سوی دیگر، با توجه به ضریب همبستگی و سطح معنی داری آن، رابطه معنی داری بین نقش رسانه‌ها در انتقال انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (محدود و تبعی) دانشجویان وجود ندارد.

نکته قابل توجه اینکه بنا بر داده‌های این پژوهش از میان انواع رسانه، جوانان در درجه نخست از رسانه‌های اینترنت پایه و پس از آن از تلویزیون استفاده می‌کردند و رسانه‌هایی چون مطبوعات کمترین استفاده از سوی آنها را داشت.

● فرضیه پنجم: در ایران نهادها و اعتقادات مذهبی بیشتر آموزه‌های فرهنگ سیاسی تبعی را به جوانان منتقل می‌کنند.

از آنجا که نهادهای مذهبی در سراسر زندگی افراد، آنها را همراهی می‌کنند، در شکل‌گیری نوع خاصی از فرهنگ سیاسی نقش بسیار مهمی را بر عهده دارند.

جدول ۸: خروجی ضریب همبستگی برای آزمون نقش نهادها و اعتقادات مذهبی در انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی به جوانان (تبعی، محدود و مشارکتی)

فرضیه	ضریب پیرسون	سطح معنی داری
نقش نهادها و اعتقادات مذهبی در انتقال انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (تبعی)	۰/۰۰۸	۰/۶۳
نقش نهادها و اعتقادات مذهبی در انتقال انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (محدود)	۰/۱۱	۰/۵۸
نقش نهادها و اعتقادات مذهبی در انتقال انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (مشارکتی)	۰/۴۸۷**	۰/۰۰۱

همان گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود رابطه معنی داری بین میزان نقش نهادها و اعتقادات مذهبی با ضریب پیرسون (۰/۴۸۷) و سطح معنی داری (۰/۰۰۱) با میزان انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (مشارکتی)

وجود دارد؛ به این معنی که هرچه میزان نقش نهادها و اعتقادات مذهبی افزایش می‌یابد، میزان انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (مشارکتی) آنها نیز افزایش می‌یابد.

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود با توجه به ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری بالاتر از ۵ درصد، رابطه معنی‌داری بین نقش نهادها و اعتقادات مذهبی در انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی (محدود و تبعی) دانشجویان وجود ندارد. این موضوع بیانگر این مطلب است که از نهادها و اعتقادات مذهبی می‌توان در جهت گسترش آموزه‌های فرهنگ سیاسی مشارکتی استفاده نمود. به عنوان مثال، اعتقادات مذهبی مانند برابری حاکمان و مردم در اسلام نوعی احساس توانایی و ارزشمندی سیاسی در افراد به وجود می‌آورد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از چارچوب نظری آلموند و وربا نقش نهادهای جامعه‌پذیرکننده یعنی خانواده، گروه همسالان، رسانه‌ها، دانشگاه و نهادهای مذهبی در انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی به طور تطبیقی بررسی شد. آلموند و وربا انواع فرهنگ سیاسی را به سه دسته محدود، تبعی و مشارکتی تقسیم‌بندی می‌نمایند. آنچه مطلوب سیاست و اجتماعی پویا و مردم‌سالار است، فرهنگ سیاسی مشارکتی می‌باشد و دو گونه دیگر در تعریف آنان به تربیت شهروندان پیرو و مطیع صرف (تبعی) یا بی‌تفاوت و غیر سیاسی (محدود) منجر می‌شود. بر این اساس، هدف پژوهش بررسی این است که هریک از این نهادها بیشتر آموزه‌های چه نوع فرهنگ سیاسی را منتقل می‌کنند؟ محدود، تبعی یا مشارکتی؟ فرضیه ما در مورد همه این نهادها آن بود که بیشتر آموزه‌های فرهنگ سیاسی تبعی را منتقل می‌کنند.

براساس یافته‌های پژوهش، نهادهای جامعه‌پذیرکننده اگرچه همانطور که آلموند و همکارانش می‌گویند در انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی نقش دارند (آلموند و پاول، ۱۳۷۵ و Almond & Verba, 1963) اما نتوانسته‌اند نقش چندان موثری در انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی مشارکتی به جوانان ایفا کنند؛ در حالی که یک حکومت دموکراتیک و مردم‌سالار برای موفقیت و کارآمدی، بیش از هر چیز به شهروندان مشارکت‌جو و متعهد نیاز دارد. از میان پنج نهاد خانواده، دانشگاه، گروه‌های همسال، رسانه‌ها و نهادهای مذهبی تنها دو نهاد رسانه و مذهب تا حدودی توانسته‌اند آموزه‌های فرهنگ سیاسی مشارکتی را به مخاطبان جوان خود منتقل کنند و سایر نهادهای بررسی شده آموزه‌های فرهنگ سیاسی تبعی را منتقل می‌نمایند. رسانه و مذهب هم اگرچه به نسبت سایر نهادها موفق‌تر عمل کرده‌اند، اما تا سطح ایده‌آل فاصله قابل توجهی دارند و بیشتر به صورت فصلی و در سطوح پایین مشارکت سیاسی مانند شرکت در انتخابات و مانند آن توانسته‌اند نقش مثبتی داشته باشند.

به طور کلی، اگر نهادهای جامعه‌پذیرکننده در جهت انتقال و تقویت آموزه‌های فرهنگ سیاسی مشارکتی حرکت کنند، می‌توان انتظار داشت که جامعه نیز در بلندمدت چنین راهی را در پیش گیرد. اما اگر آموزه‌های فرهنگ سیاسی تبعی و یا محدود و کوچک‌اندیش را رواج دهند، به مانعی بر سر راه دموکراسی و توسعه سیاسی تبدیل می‌شوند. در این راستا اگر مشارکت را لازمه دموکراسی و در عین حال محصول فرهنگ سیاسی مشارکتی بدانیم که نقش قابل توجهی در مشروعیت نظام سیاسی دارد، دور خوشایندی از روابط حاصل می‌شود که

موفقیت نهادهای جامعه پذیرکننده تابعی از این عوامل و در عین حال تأثیرگذار بر آنهاست.



در نهایت بر مبنای یافته های این تحقیق باید گفت نهادهای جامعه پذیرکننده در ایران، کمتر به انتقال آموزه های فرهنگ سیاسی مشارکتی به مردم به ویژه جوانان پرداخته اند و بیش از آن آموزه های فرهنگ سیاسی تبعی را توسعه داده اند. در حقیقت، آنان خواسته یا ناخواسته به جوانان این پیغام را داده اند که برای داشتن يك زندگي خوب، باید تا جایی که می توان از دنیای سیاست فاصله گرفت، زیرا نزدیک شدن به چنین عرصه پیچیده ای نه تنها تأثیری بر سیاست های اتخاذ شده و در نتیجه بهبود زندگی و سرنوشت سیاسی خود و جامعه شان نخواهد داشت، بلکه می تواند هزینه هایی نیز برای آنها در پی داشته باشد. این در حالی است که سعادت و بهروزی مردمان و حاکمان و نیز کامیابی و کارآمدی نظام سیاسی با گسترش مشارکت سیاسی و فرهنگ آن محقق خواهد شد و برای آن باید بیشتر اندیشید.

بدین ترتیب، پیشنهاد این پژوهش آن است که در چارچوب برنامه ها و سیاست های فرهنگی به ویژه در مورد نهادهایی مانند خانواده و دانشگاه باید به تقویت فرهنگ سیاسی مشارکتی در میان جوانان و انتقال آموزه های مشارکتی در جهت کنشگری سازنده و پویا در عرصه اجتماعی و سیاسی توجه بیشتری صورت گیرد. نهادهای مذهبی و رسانه ها هم اگرچه بیش از بقیه آموزه های فرهنگ سیاسی مشارکتی را منتقل می کنند، اما نیازمند تقویت و بهبود این عملکرد هستند.

منابع

- آذین، احمد. (۱۳۸۴). «نقش مدرسه در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی دانش آموزان دبیرستانی شهرستان اصفهان». دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- آلموند، گابریل و پاول، بینگهاوم. (۱۳۷۵). «جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی». علیرضا طیب. اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۶.
- احمدی، یعقوب و دیگران. (۱۳۹۷). «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان استان کردستان بر پایه متغیرهای اجتماعی-فرهنگی». جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۲۹، شماره ۱.
- پالمر، مونت و دیگران. (۱۳۷۱). «نگرشی جدید به علم سیاست». منوچهر شجاعی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- جهانگیری، جهانگیر و بوستانی، داریوش. (۱۳۸۰). «بررسی عوامل موثر بر فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی: افراد ۲۰ سال به بالای شیراز)». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. سال ۱۶، شماره ۲.
- چابکی، ام البنین. (۱۳۸۲). «جنسیت و مشارکت سیاسی». فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء. سال ۱۲، شماره ۴۴.
- خانیکی، هادی و سرشار، حمید. (۱۳۹۱). «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان». پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۱.
- خبیری، بابک. (۱۳۷۸). «فرهنگ سیاسی: مقایسه دو سطح تحلیل داخلی و بین‌المللی». راهبرد. شماره ۱۷.
- دوسون، ریچارد و دیگران. (۱۳۸۲). جامعه‌پذیری سیاسی. مهدی جواهری فرد. اهواز: نشر لاجورد
- داوودی، سید علی. (۱۳۹۸). «مدیریت راهبردی فرآیند مشارکت سیاسی با بهره‌گیری از فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان)». راهبرد اجتماعی فرهنگی. سال ۸، شماره ۳۰.
- سرمد، زهره و دیگران. (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه
- سریع القلم، محمود. (۱۳۷۷). «مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران». اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال ۱۳، شماره ۴.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- سلطانی فر، محمد. (۱۳۷۹). «بررسی نقش مطبوعات در ایجاد مشارکت سیاسی پس از جنگ تحمیلی». دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- شارع پور، محمد. (۱۳۷۸). «جامعه‌پذیری سیاسی». فرهنگ عمومی، شماره ۱۸.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۶۷). روان‌شناسی رشد. تهران: انتشارات اطلاعات
- شیر، حامد. (۱۳۹۹). «گونه‌های فرهنگ سیاسی در ایران معاصر و دلالت‌های آسیب‌شناختی آن برای ثبات سیاسی و جامعه مدنی». فصلنامه سیاست. دوره ۵۰، شماره ۱، صص ۱۷۳-۱۸۹.
- صالح‌آبادی، ابراهیم. (۱۳۹۹). «تحصیلات، فرهنگ سیاسی و مشارکت انتخاباتی». فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۳۱، شماره ۱، پیاپی ۷۷، صص ۶۵-۹۰.
- فاک، اکثر. (۱۳۸۴). «نقش مطبوعات در مردم‌سالاری نوین». محب‌علی دبانی. حسنات. شماره ۳.
- قاسمی، وحید. (۱۳۸۰). «گونه‌شناسی و تبیین فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران: دانشگاه اصفهان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۷۴). نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی
- کمالی، علی اکبر. (۱۳۷۴). بررسی مفهوم جامعه‌پذیری. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی

- مارش، دیوید و استوکر. (۱۳۸۴). *روش و نظریه در علوم سیاسی*. امیرمحمد حاج یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مهرداد، هرمز. (۱۳۷۶). *زمینه های جامعه شناسی سیاسی: جامعه پذیری سیاسی*. تهران: انتشارات پاژنگ
- Almond, Gabriel & Verba, Sidney. (1963). **The Civic Culture**. Boston: Princeton University Press.
- Ball, Alan. (1988). **Modern Politics and Government**. London: Mac Millan Education.
- Berkowitz, Marvin & Grych, I. H. (1998). “**Teaching Parents to Facilitate Children’s Moral Development**”. *Journal of Moral Education*, Vol. 27, No. 3.
- Mc Millan, Traice. (1990). **Family Liberation**. www.uchicago.edu/orgs/democratic.Socialists/activist/current/family-liberation.html.

تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین جوان

شیدا رستمی^۱

مهرداد نوابخش^۲

منصور حقیقتیان^۳

doi: 10.22034/SSYS.2022.489

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۵

در دنیای امروز، مدرنیته به عنوان یک جریان در تحول ساختارهای اجتماعی بر نهاد خانواده و روابط بین زوجین اثرگذار بوده و پیامدهایی از جمله بروز خشونت پنهان در روابط زوجین داشته است. این مقاله به بررسی جامعه شناختی تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده جوان می پردازد. روش تحقیق مورد استفاده، پیمایش و ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق کلیه زوجین تحصیل کرده و جوان ۲۲ تا ۳۵ ساله مشغول به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بوده اند. با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای و سپس سهمیه ای، ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته بود و داده ها و یافته های حاصل از تحقیق با استفاده از نرم افزارهای SPSS22 و مدل سازی معادلات ساختاری Lisrel مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. تحلیل داده ها نشان داد که بین فردگرایی، مادی گرایی، رشد عقل گرایی، آزادی و برابری با خشونت خاموش رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بر اساس مدل معادلات ساختاری می توان گفت که تأثیر میزان عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر هر یک از شاخص های خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده به ترتیب عبارت اند از: فردگرایی (۰/۷۲)، مادی گرایی (۰/۶۹)، رشد عقل گرایی (۰/۶۶)، آزادی (۰/۵۳) و برابری (۰/۴۲). نتیجه آن که خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده متأثر از تحولات جریان مدرنیته است.

واژگان کلیدی: خشونت خاموش، مدرنیته، فردگرایی، عقل گرایی و آزادی

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

۲. استاد تمام، گروه جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Mehrdad_navabakhsh@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

مدرنیته پس از تحولات قرون وسطی و رنسانس در عصر روشنگری پدیدار شد و دستورالعمل جدید زندگی را برای جهان به ارمغان آورد؛ دوره ای که در تعریف آدم، عالم و مبدا عالم تفاوت عظیمی نسبت به گذشته پیدا کرده است. با پیدایش مدرنیته و ابزارهای آن تحول عظیمی در زندگی همگان صورت گرفته است و مفاهیمی در تفکر بشر وارد شده که مثل و مانند نداشته است. در سطح کلی و جهانی، تحولات نظری و اجتماعی ناشی از مدرنیته به ویژه در نیمه دوم قرن نوزدهم (تحولات نظری ناشی از ظهور انسان‌شناسان و تحولات اجتماعی) موجب تغییرات بنیادین شده است. (خالق پناه و سنائی، ۱۳۹۹: ۷۶). مدرنیته به عنوان یک جریان موثر در تحول ساختارهای اجتماعی بر نهاد خانواده به عنوان یکی از مهمترین و بنیادی ترین نهادهای اجتماعی در دوران معاصر نیز تأثیر گذاشته است. تحولاتی که در غرب با عنوان «مدرنیته» اتفاق افتاده، پیامدهایی را در سایر نقاط جهان به جای گذاشته که ممکن است در بستر جامعه برای آن فرهنگ سازی نشده باشد. کشور ایران نیز از آن امر مستثنی نیست» (امامی اردستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۶۰).

«تحولات اجتماعی دهه های گذشته در سطح جهانی، نظام خانواده را با تغییرات، چالش ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی روبه رو کرده و مفاهیم سنتی و طرز کهن زندگی خصوصی و خانوادگی متحول شده و در معرض تهدید قرار گرفته است» (فاتحی دهقانانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۴). اینک، پدیده دردناک خشونت زوجین در ابعاد گوناگون جسمانی، روانی و جنسی در سراسر جهان سلامت جسم و روان همسران را به خطر می اندازد و حقوق انسانی آنان را مورد تجاوز قرار می دهد (خاوری، ۱۳۹۲: ۳۴). جامعه ایران نیز در دهه های اخیر با توجه به پیش آمادگی ها و تقاضاهای درونی، متأثر از تأثیرات بیرونی بوده است. البته، این تغییرات پس از جذب و درونی شدن، خود به عنوان عاملی درونی در تعامل همسویا ناهمسو با نیروهای همچنان فعال و شاید بسیار فعال جهانی شدن تغییرات جدیدی را ایجاد کرده اند. از این رو، برای فهم تغییرات به وقوع پیوسته در کشورهایی نظیر ایران، از مفهوم «جهان محلی شدن» استفاده می شود که در آن، اضافه بر تأثیرات بیرونی، شرایط و عوامل درونی (محلی) نیز لحاظ شده است. در واقع، تاریخ معاصر ایران روایتگر تقلای یک جامعه ریشه دار محلی از یک سو برای ماندن (تداوم) و از سوی دیگر برای مدرن شدن (تغییر) بوده است (سرایی، ۱۳۸۵: ۴۱). از آنجا که خانواده نخستین و پایدارترین نهاد اجتماعی است که هویت انسانی و جامعه پذیری فرد در آن شکل می گیرد و موجب پذیرش ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و همچنین انتقال الگوهای روابط و تعامل به سایر نهاد های اجتماعی است (تنهایی و شکر بیگی، ۱۳۸۷) هیچ یک از آسیب های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده باشد. بنابراین، وجود خشونت در الگوی خانوادگی موجب تسری آن به جامعه و تداوم الگوها و رفتارهای خشن در مناسبات اجتماعی است (گارنگ و آچارا، ۲۰۱۵).

امروزه خانواده تحت تأثیر امواج مدرنیته، تغییرات کمی و محتوایی زیادی را به خود دیده است. بر این اساس خانواده ایرانی نیز جدا از این تغییرات نبوده و ساختار آن به خصوص روابط بین افراد درون خانواده دستخوش تغییرات اساسی گشته است. در این وضعیت خانواده ایرانی با مسائل مختلفی روبه رو گردیده که خشونت

خانگی یکی از آن مسائل است (فیروزجانیان و رضایی چراتی، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

امروزه خشونت به شکل جدید آن، یعنی خشونت خاموش، به یکی از جدیدترین مباحث در حوزه آسیب‌های اجتماعی خطرناک تبدیل شده است (آل دوسری^۱، ۲۰۱۶). امروزه با وجود پیشرفت‌های صنعتی جوامع، رشد تمدن و فرهنگ آن‌ها و توسعه علم و فناوری، هنوز پدیده خشونت خانوادگی یک معضل جهانی به شمار می‌آید (شکریبگی و مستمع، ۱۳۹۳: ۱۵۴). طبق آمار سال بهزیستی در سال ۱۳۹۷، ۰/۴۹ از زنان ایرانی آزار جنسی و فیزیکی، ۰/۲۶ درصد آزار عاطفی - روانی و کلامی و ۲۲/۲ درصد آنها آزارهای اجتماعی و اقتصادی دیده‌اند. همچنین ۰/۷۱ زنان که مورد خشونت قرار گرفته‌اند از مدت زندگی زناشویی آنها بیش از ۵ سال نمی‌گذرد (دفتر آسیب‌های اجتماعی بهزیستی کشور، ۱۳۹۷).

خشونت بین زوجین به هیچ‌وجه خاص جوامع عقب افتاده یا مسلمان نیست، بلکه در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان، زنان از تبعات ناشی از خشونت، به خصوص در زندگی خانوادگی، رنج می‌برند و آزارهای جسمی و جنسی و روانی، نه تنها تندرستی، سلامت عقل، تعادل عاطفی و روانی آنها را به خطر می‌اندازد، بلکه جامعه را نیز متضرر می‌سازد (غلامی، ۱۳۹۸: ۳۶). «نتایج تحقیقات مشخص کرد که برخلاف تصورات رایج، تنها خانواده‌های مسئله‌دار به خشونت متوسل نمی‌شوند، بلکه خانواده‌هایی که به ظاهر معمولی یا مطلوب هستند هم با اعضای خود بدرفتارند» (محمدی و میرزائی، ۱۳۹۱). در خشونت‌های خانگی اغلب زوجین مرتکب خشونت‌های زناشویی می‌شوند. این پژوهش درصدد است تا تاثیر عوامل اجتماعی - اقتصادی جریان مدرنیته بر خشونت بین زوجین تحصیل کرده را مورد بررسی قرار دهد. تصور عمومی این است که با افزایش سطح تحصیلات، تسامح و تساهل در بین زوجین بیشتر می‌شود و با همدیگر با مدارا زندگی می‌کنند، اما موارد زیادی وجود دارد که رفتارها اینگونه نیست و خشونت غیرفیزیکی و به اصطلاح «خاموش» بین آنها جریان دارد. امروزه، تاثیر پذیری از جریان مدرنیته در ایران نیز همچون سایر جوامع رو به افزایش بوده و افراد به ظاهر شاخص‌های مدرن شدن را دارند. دانشجویان متاهل نیز همچون اغلب گروه‌های اجتماعی جامعه در این مسیر قرار گرفته‌اند و در سالیان اخیر آسیب‌های اجتماعی میان زوجین و رفتارهای آنان دچار تغییرات بسیار زیادی گردیده است. لذا در این تحقیق بر آن هستیم تا به ارائه توصیفی دقیق از عوامل اجتماعی - اقتصادی جریان مدرنیته و سنجش مولفه‌ها و تاثیرات آن بر خشونت خاموش میان زوجین پردازیم. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است:

عوامل اجتماعی - اقتصادی جریان مدرنیته بر خشونت خاموش میان دانشجویان متاهل چه تاثیری می‌گذارد؟

اهداف تحقیق عبارت‌اند از:

۱. بررسی و شناخت تاثیر مادی گرایی بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده؛
۲. بررسی و شناخت تاثیر برابری بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده؛
۳. بررسی و شناخت تاثیر آزادی بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده؛

۴. بررسی و شناخت تأثیر عقل گرایی بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده؛
۵. بررسی و شناخت تأثیر فردگرایی بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده؛
۶. بررسی و شناخت عوامل اجتماعی- اقتصادی جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین جوان.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

ماهیت موضوع و چارچوب نظری پژوهش، ترکیبی از نظریه‌های صاحب‌نظران است که به گونه ای اجمالی و هماهنگ و قابل تحلیل با موضوع مطروحه ارائه می گردند.

مدرنیته در آغاز یک اندیشه نو برای تغییر بود و در هر جامعه ای به عنوان یک بدیل پیشرفت محسوب می شد. جوامعی که از سنت رویگردان می شدند و مدل رایج در زندگی روزمره خود را پس می راندند، به بروز جنبش مدرنیته در وجود خود راه می دادند. «تغییراتی که امروزه در جهان جریان دارد، جوامع و فرهنگ های مختلف را بیش از همه اعصار گذشته به هم وابسته می سازد. همراه با شتاب گرفتن ضرباهنگ تغییر، آنچه در یک نقطه از جهان روی می دهد، می تواند به طور مستقیم بر جاهای دیگر نیز تأثیر بگذارد (گیدنز^۱، ۱۳۹۲: ۶۸). البته، افراد با توجه به ویژگی های مختلف و زمینه های زیستی خود عوامل جریان مدرنیته تأثیر می پذیرند.

شاخص های مدرنیته

از تعبیر و تعاریف ارائه شده می توان چنین استنباط کرد که تأثیرات مدرنیته از جنبه های مختلف قابل بررسی است. بودلر^۲، مدرنیته را به معنای تخریب شکل های کلیشه ای قالبی شده ای می دانست که در پی تحول افکار و رفتار هستند. به طور خلاصه مهمترین شاخص های اقتصادی و اجتماعی مدرنیته عبارت اند از:

الف) انسان گرایی: متضمن نفی هر خصوصیت و تمایزی جز انسانیت است که بتوان بر اساس آن درباره انسان داوری کرد. هویت انسان به عنوان انسان، متضمن نفی هویت طبقاتی، ملی، مذهبی، قومی، نژادی و ... است. (احمدی، ۱۳۷۷: ۸۳)

ب) عقل گرایی: نگرش به جهان به صورت عقلی و بر اساس خرد و استدلال است. ترنر (۱۳۸۱) بر این باور است که اشتغال و تحصیلات زنان بر روابط زناشویی آنها تأثیر می گذارد و زنان را در ایفای نقش دچار تعارض می کند.

ج) مادگرایی: عقل گرایی عامل موثری بر مادی گرایی است. (احمدی، ۱۳۷۷)

چ) فردگرایی: گیدنز بر این باور است که جهانی شدن یکی از عواملی است که در نهاد خانواده تأثیر گذاشته و دگرگونی های اساسی در نقش های سنتی و ثابت و از پیش تعیین شده اعضای خانواده به وجود آورده که در نهایت به رشد فردگرایی منجر شده است (گیدنز، ۱۳۹۲، ۱۳۵). بک^۳ معتقد است که افزایش فردگرایی، تأکید بر اتکای به خود و... از پیامدهای مدرنیته می باشند.

د) برابری: مفهوم برابری از نظر حقوقی و سیاسی، یعنی برابری در آزادی؛ اندیشه ای انقلابی است که همه

1. Giddens
2. Baudelaire
3. Beck

مناسبات مبتنی بر حسب و نسب و تمایزهای مختلف را در هم می شکند. (احمدی، ۱۳۷۷).

ه) آزادی: آزادی در هر دو معنای مثبت و منفی کلمه، از ارکان تجدد به شمار می رود. در معنای منفی، انسان می باید از سلطه هر گونه اراده خود سرانه بیرونی مانند قدرت سیاسی و یا ساختارهای اجتماعی و اقتصادی رهایی یابد و در معنای مثبت، انسان باید در تعیین سرنوشت خود در جامعه مشارکت کند. (احمدی، ۱۳۷۷).

با توجه به اینکه پیشرفت های مدرن و فناورانه در جوامع بشری زمینه ساز تحولات اقتصادی- اجتماعی است، به نظر می رسد که امروزه با تحولات عظیمی که در حوزه ارتباطات اجتماعی به علت تغییرات ساختاری عوامل جریان مدرنیته رخ داده، رفتارهای فردی، خانوادگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفته است. رفتار خشونت آمیز چه به صورت آشکار و چه پنهان یا خاموش از آن جمله است که طبق نظر صاحب نظران به این صورت تبیین می شود:

۳۴۱ توصیف و طبقه بندی رفتار خشونت آمیز بر اساس قانون امری پیچیده و چالش برانگیز است (کاستچای^۱، ۲۰۱۶)، یکی از این مسائل که نتایج به نسبت ناگوارتری چه در سطح خانواده و چه در سطح جامعه بر جای می گذارد، پدیده خشونت علیه زنان است. خشونت علیه زنان، پدیده ای تاریخی و جهانی است که به وسعت مرزهای کشورها، طبقات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نژادی و قومی گسترده است (آل دوسری، ۲۰۱۶). باندورا^۲ مدعی است که غالب رفتارهای انسان از طریق مشاهده و در خلال فرایند الگوسازی فرا گرفته می شود. برگس و اکرس^۳ نیز یادگیری رفتار کجروانه را بیشتر از طریق فرایند های تقویت و سازوکارهای اساسی آن، یعنی تشویق و تنبیه، مورد توجه قرار می دهند و معتقدند ادامه یا توقف هر نوع رفتاری بستگی به تشویق یا مجازات دارد. به بیان دیگر، تشویق موجب ادامه رفتارهای انحرافی می گردد و همچون سایر رفتارهای اجتماعی در اثر آمیزش بادیگران آموخته می شود و تداوم می یابد (غلامی، ۱۳۹۸: ۲۳). رد^۴ نیز معتقد است همه رفتارها و اعمال افراد در زندگی تحت تاثیر الگوها و نمونه ها هستند. او می گوید تقلید امری اجتماعی بنیادی است و بر روابط بین افراد حاکم است. ویلسون و هرنشاین^۵ محیط خانواده و تجربه های نخستین فرد در مدرسه را از جمله مهمترین علل اجتماعی موثر در رفتارهای کجروانه (خشن) به حساب می آورند (کریمی، ۱۳۹۷: ۵۱). سطح تحصیلات و نوع جامعه پذیری در خشونت افراد متفاوت است. زنانی که خشونت پایین تری دارند، خشونت را همراه با تبعیض جنسیتی درک شده با سلامت روانی بدتر، کیفیت زندگی زنشویی پایین و خوشبختی کمتر می دانند (گنجان و همکاران^۶، ۲۰۲۰). نظریه های فمینیستی، ریشه خشونت های خانگی علیه زنان را در نهادها و ساختارهای قدرت مردسالاری جستجو می کنند (آبوث و والاس^۷، ۱۳۸۳). نظریه های ترکیبی بر چندبعدی بودن خشونت و تأثیرپذیری آن از تعامل بین عوامل فردی، محیطی و اجتماعی تأکید دارند.

1. Kasetchai

2. Bandura, A.

3. Akers, R. L. and Burgess

4. Reid, Sue Titus

5. Wilson and Hrnshtayn

6. Gunjan et al.

7. Wallace and Abbott

به طور کلی این عوامل در چهار سطح مطرح و مورد تحلیل قرار گرفته اند: سطح اول، شامل عوامل فردی است. سطح دوم، شامل محیط خانواده و عوامل خانوادگی است.

سطح سوم شامل نهادها و ساختارهای اجتماعی رسمی و غیررسمی زمینه ساز خشونت است.

سطح چهارم، شامل عوامل فرهنگی زمینه ساز خشونت است (برناردز^۱، ۱۳۸۴)

نظریه منابع بر این امر تأکید می کند که اغلب مردان منابع اقتصادی را در دست دارند و همین امر موجب برتری آن ها در روابط خانوادگی می شود. (مرشید^۲، ۲۰۱۶) حال آنکه زنان به لحاظ منابع اقتصادی عمدتاً به همسران خود وابسته اند و از طرفی چون مراقبت از فرزندان را بر عهده دارند، اگر مردان را ترک کنند، با مشکلات اقتصادی رو به رو خواهند شد. از این رو، در روابط خشن باقی می مانند. وابستگی زنان به این معناست که آن ها راه های محدودی را در دسترس دارند و لذا کمتر می توانند بر مردان قدرت و نفوذ داشته باشند.

در دیدگاه کارکردی، خشونت برای بقای خانواده کاربرد پیدا می کند. از این دیدگاه، افراد در گروه خانواده نقش های بارزی دارند. هر یک از افراد گروه های خانواده برای ادامه زندگی، بنا به مقتضیات و انتظارات نهادی-اجتماعی، نقش های گوناگون خود را ایفا می کنند (جوادیان زاده، ۱۳۹۰: ۵۶). بنابراین انسان مدرن، مبنای روابط را بر اساس سود تعریف می کند. انسان مدرن به دلیل حکومت پارادایم اومانیستی بر ذهن و روانش، به تدریج از انسان محوری به خود محوری حرکت و منفعت «من» را سر لوحه خود قرار می دهد. در این جامعه، روابط بین زن و مرد برای رسیدن به منافع و رفع نیازهای اقتصادی، جنسی و... تعریف می شود و چون گزاره ای چون ایشار موضوعیت عام ندارد، انس و الفت و رابطه مودت و رحمت برای تداوم خانواده ایجاد نمی شود. به اعتقاد زن مدرن اساساً تفاوتی میان مرد و زن وجود ندارد. در الگوی زن مدرن، زنان باید با زبان، لباس، ادبیات و آزاد رفتار کنند و آزادی جنسی برای زن و شکستن تمامی محدودیت هایی که پیش از آن برای زنان متصور بود، دو رکن اساسی به شمار می آید.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق این مقاله بر اساس نحوه گردآوری و تحلیل داده ها، توصیفی و از نوع پیمایشی است. در مطالعات میدانی از پرسشنامه برای گردآوری داده ها جهت آزمون فرضیه های تحقیق استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان متاهل ۲۲ تا ۳۵ ساله دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران بود. با توجه به اینکه تعداد جامعه آماری مشخص نبود، از جدول مورگان که حداکثر نمونه آماری را ۳۸۴ نفر در نظر می گیرد استفاده شد. به دلیل گستردگی حجم جامعه آماری از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شد. در این روش محقق با در نظر گرفتن صفاتی در جامعه آماری و انتصاب این صفات به جمعیت نمونه، تعادلی را بین نمونه و جامعه آماری برقرار می کند و تا حدودی یک نمونه متعادل به دست می آورد. با توجه به اینکه این

1. Bernardes

2. Murshid

دانشگاه ۲۰ دانشکده دارد، با نمونه گیری تصادفی ساده سه دانشکده فنی و مهندسی، دانشکده هنر و معماری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی انتخاب و از هر دانشکده، سه رشته تحصیلی انتخاب و با توجه به حجم و تناسب دانشجویان زن و مرد پرسشنامه بین آنها توزیع شد. گفتنی است که افراد زیادی حاضر به پاسخگویی نشدند و به همین دلیل پرسشگری این تحقیق زمانبر شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها علاوه بر آمار توصیفی و استنباطی، از مدل معادلات ساختاری لیزرل استفاده گردید.

پرسشنامه این پژوهش دارای ۵۰ سوال ست که هر یک از گویه ها با یک مقیاس پنج درجه ای (کاملاً مخالف، مخالف، بینابین، موافق و کاملاً موافق) سنجیده می شود. سوال های متغیرهای مستقل و وابسته برخاسته از تعریف عملیاتی زیر بودند:

«سنخ شناسی خشونت» از پاتریک تولن شامل خشونت روانی، ارتباطی، جنسی، اقتصادی و فیزیکی است (سانداری^۱ و همکاران، ۲۰۱۸) اما در این تحقیق بعد فیزیکی آن حذف می شود تا فقط خشونت خاموش سنجیده شود. متغیر وابسته، خشونت خاموش است که شامل پنج بعد روانی (عاطفی)، ارتباطی، جنسی و اقتصادی است.

خشونت اقتصادی: منظور از خشونت اقتصادی کلیه رفتارهای خشونت آمیزی است که در مقابل همسر صورت می گیرد و شامل سوء استفاده مالی از همسر، کنترل دائمی دخل و خرج همسر و و برآورده کردن نیازهای مربوط به خود، ولخرجی و. می باشد.

خشونت جنسی: منظور از خشونت جنسی ابراز نارضایتی از رابطه زناشویی به صورت تحقیر آمیز و عدم همکاری در روابط جنسی می باشد.

خشونت روانی: منظور از خشونت روانی رفتارهایی مانند تحقیر در جمع، دشنام و ناسزا، تحقیر از طریق انتقاد و سرزنش خانواده و دوستان، تهدید به طلاق، متهم کردن مرد به بی مسئولیتی و بی تفاوتی در کلیه امور مربوط به خانواده است.

خشونت ارتباطی: منظور از خشونت ارتباطی رفتارهایی مانند توهین و ناسزا گفتن و بی احترامی کردن، داد و فریاد زدن بر سر ایشان، قهر و اخم و ترش رویی، تمسخر در جمع، به کار بردن کلمات رکیک و دشنام داشتن روابط عاطفی با جنس مخالف است. (اعزازی، ۱۳۸۵).

عوامل اجتماعی-اقتصادی مدرنیته

فردگرایی: در فرد گرایی علایق، نیازها و اهداف فردی ترجیح داده می شوند و ارزش ها و هنجارها، مبنای فردی دارند (خودانگاشت هستند). کسب لذت فردی، در اولویت است و باورهای فردی، متمایزکننده فرد از خانواده هستند. استقلال و هویت فردی اهمیت دارند و راهبردهای مستقیم و مواجهه رو در رو ترجیح داده می شوند. (دهقان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۷)

عقل گرایی: کلیه امور زندگی باید با همکاری و مشارکت زن و مرد صورت پذیرد. زن و مرد در تصمیم گیری های زندگی مشترک، به یک اندازه سهیم اند. با توجه به موضوع تصمیم گیری و شرایط، گاه زن و گاه مرد

باید تصمیم نهایی را بگیرند. هیچ الزامی در پرداختن زن به کارهای سنتی خود در خانه وجود ندارد و زنان باید به این وضعیت خود معترض باشند. زن امروز نباید محبوس در خانه و تابع همسرش باشد. اشتغال برای زن امروزی یک ضرورت است. زنان قادرند بسیاری از موقعیت های شغلی را که هم اکنون در اختیار مردان است را به عهده بگیرند و در آن بسیار موفق تر از مردان عمل کنند. (دهقان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۷)

آزادی: هر یک از زوجین حق دارند در مورد طلاق خود، آزادانه تصمیم بگیرند. هر یک از زوجین حق دارند در مورد ادامه تحصیلات خود، بدون هیچ اجباری، تصمیم بگیرند. هر یک از زوجین حق دارند در مورد تعداد بچه هایی که به دنیا می آورند، خود تصمیم گیرنده باشند. هر یک از زوجین حق دارند در مورد زمان بچه دار شدنشان، خود تصمیم گیرنده باشند. هر یک از زوجین حق دارند در مورد اشتغال خود، بدون هیچ اجباری تصمیم گیرنده باشند.

مادی گرایی: هدف از ازدواج، رسیدن به رفاه اقتصادی است. همسر شریک اقتصادی خوبی است. رضایت از زندگی تنها با وضعیت مالی خوب فراهم است. معیار مهم برای انتخاب همسر، شغل پردرآمد بوده است. تمام دخل و خرج طرفین باید با مشورت مستقیم همسر باشد. (دهقان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۷)

برابری: موقعیت زنان و مردان برای فعالیت های مختلف اجتماعی باید برابر باشد. وظیفه زن انجام امور مربوط به خانه است و مرد وظیفه رسیدگی به امور خارج از خانه و تأمین معاش خانواده را عهده دار است. (احمدی، ۱۳۷۷). یک مرد باید به کارهای زنانه ای مثل خانه داری و آشپزی و نگه داری از فرزند نیز بپردازد. یک زن باید به کارهای مردانه ای مثل تأمین معاش خانواده نیز بپردازد. زنان توانایی حضور در جامعه و پرداختن به کارهای به اصطلاح مردانه را دارند. امکان ادامه تحصیل برای زن هم باید مثل مرد وجود باشد. (جوکار، ۱۳۹۵: ۶۷)

برای تعیین روایی صوری، پرسشنامه در اختیار ۵ نفر از اساتید دانشگاه قرار گرفت و تایید شد. برای سنجش پایایی مدل به بررسی پایایی مرکب و آلفای کرونباخ اقدام گردید. روایی پرسشنامه توسط دو معیار روایی همگرا و واگرا که مختص مدل سازی معادلات ساختاری است، بررسی شد. معیار AVE نشان دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص های خود است. به بیان ساده تر، AVE میزان همبستگی یک سازه با شاخص های خود را نشان می دهد که هر چه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. نتایج در جدول ۱ آورده شده است:

جدول ۱: آلفای کرونباخ، پایایی مرکب و روایی همگرا سازه‌های مدل

عنوان در مدل	متغیرهای پنهان (مکنون)	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha>0/7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR) (CR>0/7)	(AVE)
barabari	برابری	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۶۵
madi	مادی گرایی	۰/۸۲	۰/۸۷	۰/۷۶
aghl	رشد عقل گرایی	۰/۸۰	۰/۸۷	۰/۶۶
azadi	آزادی	۰/۷۱	۰/۸۸	۰/۶۷
Fardgerace	فردگرایی	۰/۸۰	۰/۸۵	۰/۶۷
jensi	خشونت جنسی	۰/۸۴	۰/۸۸	۰/۷۱
mali	خشونت مالی	۰/۷۳	۰/۸۲	۰/۷۳
ertebati	خشونت ارتباطی	۰/۷۰	۰/۹۱	۰/۷۲
ravani	خشونت روانی	۰/۸۶	۰/۸۲	۰/۶۹

در جدول ۱ همه متغیرها از پایایی بالایی در مدل برخوردارند. پایایی مرکب و ضریب آلفای کرونباخ در مورد همه متغیرها بالاتر از ۰/۷ است. در نتیجه برازش مناسب مدل تایید می‌شود. AVE همه سازه‌ها بالاتر از ۰/۵ است و در نتیجه روایی همگرایی مدل و مناسب بودن برازش مدل‌های اندازه‌گیری تأیید می‌گردد.

یافته‌های پژوهش

توصیف وضعیت جمعیت شناختی

جدول فراوانی زیر که خروجی متغیر سن ۳۸۴ نفر از زوجین متاهل دانشجویان را نشان می‌دهد بیانگر این است که میانگین سال‌های سperi شده از ازدواج پاسخگویان ۳ سال است. کم‌ترین ۱ سال و بیشترین ۱۲ سال است. تعداد زنان (۱۹۲ نفر) و مردان (۱۹۲ نفر) مساوی هستند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۸ سال است. کم‌سن‌ترین ۲۲ سال و مسن‌ترین فرد ۳۵ ساله است.

روابط دو متغیره

جدول ۲: روابط دو متغیره

فرضیه	تعداد	نوع آزمون	ضریب همبستگی	sig	نتیجه
رابطه برابری و خشونت خاموش	۳۸۴	پیرسون	۰/۴۹۳ **	۰/۰۰۰	تایید
رابطه مادی گرایی و خشونت خاموش	۳۸۴	پیرسون	۰/۳۷۳ **	۰/۰۰۰	تایید
رابطه عقل گرایی و خشونت خاموش	۳۸۴	پیرسون	۰/۴۸۸ **	۰/۰۰۰	تایید
رابطه آزادی و خشونت خاموش	۳۸۴	پیرسون	۰/۳۱۵ **	۰/۰۰۰	تایید
رابطه فردگرایی و خشونت خاموش	۳۸۴	پیرسون	۰/۴۰۱ **	۰/۰۰۰	تایید

** . Correlation is significant at the 0/ 01 level (2-tailed)

با توجه به سطح شبه فاصله ای بودن متغیرها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده و سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = 0/000$ به دست آمده است. همچنین، میزان همبستگی پیرسون در رابطه بین برابری و خشونت خاموش $0/493$ ، رابطه افزایش تفاهم ارتباطی و خشونت خاموش $0/373$ ، رابطه عقل گرایی و خشونت خاموش $0/488$ ، رابطه آزادی و خشونت خاموش $0/355$ و رابطه فردگرایی و خشونت خاموش $0/401$ است که نشان دهنده رابطه معنادار بین متغیرهاست؛ بدین معنا که اگر متغیرهای برابری، مادی گرایی، عقل گرایی، آزادی و فردگرایی به اندازه یک واحد افزایش داشته باشد، متغیر وابسته یعنی خشونت خاموش به ترتیب به اندازه $0/493$ ، $0/373$ ، $0/488$ ، $0/355$ و $0/401$ در جهت مثبت تغییر خواهد کرد. جهت این رابطه ها مثبت و شدت رابطه ها تقریباً متوسط است.

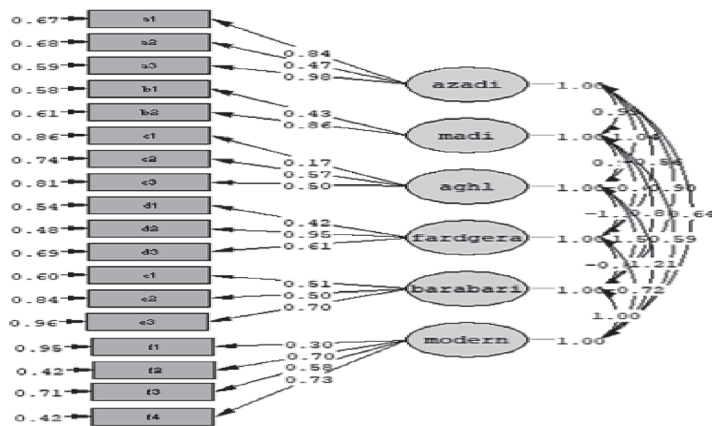
روابط چند متغیره

مدل مفهومی پژوهش، مدلی است که واقعیت تحلیل مدل مفهومی بر اساس تأثیر برابری، مادی گرایی، عقل گرایی، آزادی و فردگرایی بر خشونت خاموش بین زوجین را بر اساس مدل معادلات ساختاری به تصویر می کشد و روابط مهم و بااهمیت بین جنبه های مختلف عوامل اقتصادی-اجتماعی مدرنیته و خشونت خاموش را روشن می سازد.

بررسی تحلیل عاملی تاییدی سازه های پرسشنامه

از مدل اندازه گیری ضرایب استاندارد شده می توان برداشت نمود که بین متغیرهای مکنون مربوطه و شاخص های متناظر با آن ها، همبستگی معناداری وجود دارد. ضرایب استاندارد شده، درواقع بیانگر ضرایب مسیر یا بارهای عاملی استاندارد شده بین عامل ها و نشانگرها می باشند. برای داشتن روایی باید بین سازه و بعد و بین بعد و شاخص، همبستگی معناداری وجود داشته باشد. مدل تخمین استاندارد، مدلی است که از تطابق دو ماتریس کوواریانس مدل داده ها حاصل می شود و تخمین واقعی پارامترهای مدل را نشان می دهد. در این مدل میزان روابط بین سازه و بعد، بعد و شاخص نشان داده می شود. در صورتی که رابطه بالاتر از $0/45$ باشد، می توان گفت سؤالات موردنظر از قدرت تبیین خوبی برخوردار هستند. تمامی شاخص های در نظر گرفته برای کلیه سؤالات مربوط به متغیرهای مدل، دارای همبستگی بالای $0/4$ می باشند.

مدل اعداد معنی داری به این دلیل ارائه می شود که بدانیم آیا رابطه بین سازه و بعد و رابطه بین بعد و شاخص معنادار است یا خیر. مدل اعداد معنی داری یا همان Value-T ، میزان معنادار بودن هریک از پارامترها را نشان می دهد و چنانچه مقدار آن بزرگتر از قدر مطلق عدد $1/96$ باشد، پارامترهای مدل معنادار هستند. همان طور که در شکل ۱ ملاحظه می شود با توجه به اینکه تمامی اعداد معناداری کلیه پارامترهای مدل از عدد $1/96$ بزرگ تر است، لذا روایی سازه های اندازه گیری متغیرهای مربوطه در سطح $0/05$ معناداری تأیید می شود.



Chi-Square=375.07, df=120, P-value=0.00000, RMSEA=0.053

شکل ۱: مدل تخمین استاندارد مبتنی بر ضرایب همبستگی دوتایی سازه‌های پرسشنامه

در مدل پژوهش، مقدار کای دو به درجه آزادی ۱/۷۹ و کوچکتر از ۳ است. همچنین، مقدار جذر برآورد برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر ۰/۰۷۱ و کوچکتر از ۰/۰۸ است. همچنین، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۹۵، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) برابر با ۰/۸۵، شاخص برازندگی افزایشی (IFI) برابر با ۰/۹۹ درصد، شاخص برازندگی هنجار نیافته (NFI) برابر با ۰/۹۵ درصد و شاخص برازندگی هنجار یافته (NNFI) برابر با ۰/۹۲ و همگی از ۰/۹ بیشتر هستند. پس مدل برازش عالی را نشان می‌دهد و مورد تأیید است.

تحلیل مسیر تأییدی

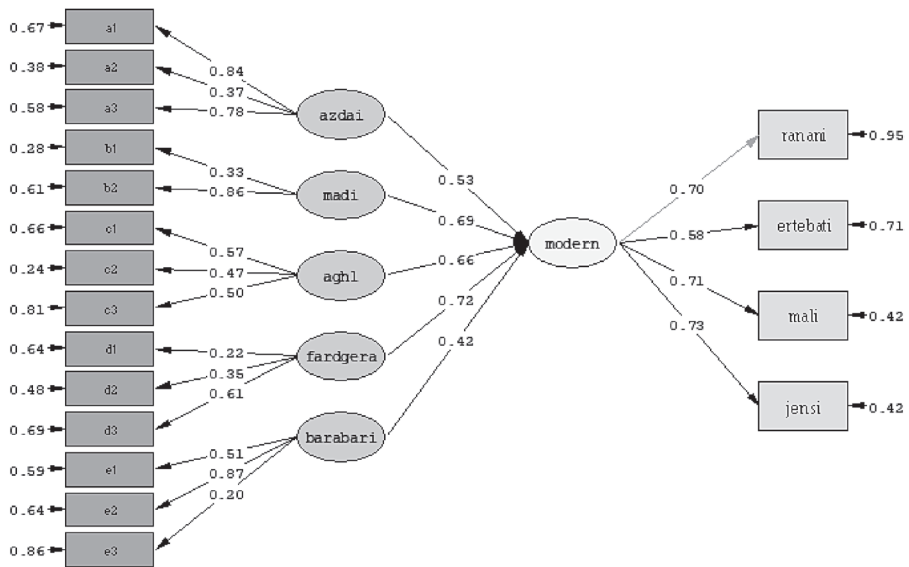
در مدل پژوهش، مقدار کای دو به درجه آزادی ۲/۸۳ و کوچکتر از ۳ است. همچنین، مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر ۰/۰۴۵ و کوچکتر از ۰/۰۸ است. همچنین شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI)، شاخص برازندگی هنجار نیافته (NFI)، شاخص برازندگی هنجار نیافته (NNFI) همگی از ۰/۰۹ بیشتر هستند. پس مدل برازش عالی را نشان می‌دهد و مورد تأیید است.

جدول ۳: بررسی شاخص های برازش تحلیل مدل ساختاری پژوهش

شاخص یا نشانگر	مقدار شاخص	مقدار توصیه شده	برازش
RMSEA	۰/۰۷۰	۰/۰۸۵	عالی
نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی (X2/df)	۲/۸۳	≥ 3	عالی
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹۵	≥ 0.9	عالی
شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)	۰/۸۸	≥ 0.9	مطلوب
شاخص برازندگی افزایشی (IFI)	۰/۹۹	≥ 0.9	عالی
شاخص برازندگی هنجار یافته (NFI)	۰/۹۵	≥ 0.9	عالی

در مدل اعداد معناداری تحلیل مسیر شکل ۲، با توجه به اینکه میزان عدد به دست آمده برای عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته به عنوان متغیرهای مستقل با خشونت خاموش بین زوجین به عنوان متغیر وابسته، بزرگ تر از ۱/۹۶ است، می توان نتیجه گرفت که این رابطه ها در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار هستند و به عبارتی متغیرهای مذکور بر خشونت خاموش بین زوجین، اثرگذار می باشند. از سوی دیگر، با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری محاسبه شده برای رابطه بین متغیر عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده برابر ۱۰/۲۸ است، می توان گفت که متغیر عوامل اجتماعی-فرهنگی جریان مدرنیته بر شاخص های خشونت خاموش تأثیر مستقیم و مثبت دارند. لذا فرضیه اصلی این پژوهش مبنی بر تأثیرگذاری متغیر عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر شاخص های خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده تأیید می گردد.

شکل ۲، الگوی ارتباط متغیر عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده را در حالت استاندارد نشان می دهد. در حالت برآورد استاندارد، امکان مقایسه بین متغیرهای مشاهده شده تبیین کننده متغیرهای پنهان وجود دارد. در مدل تخمین استاندارد تحلیل مسیر، میزان ضرایب مسیر بین سنجها تعیین می شود. این به معنای میزان تغییر متغیر وابسته به ازای یک واحد تغییر متغیر مستقل است. همچنین میزان تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر هر یک از شاخص های خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده به ترتیب عبارت اند از: فردگرایی (۰/۷۲)، مادی گرایی (۰/۶۹)، رشد عقل گرایی (۰/۶۶)، آزادی (۰/۵۳) و برابری (۰/۴۲).



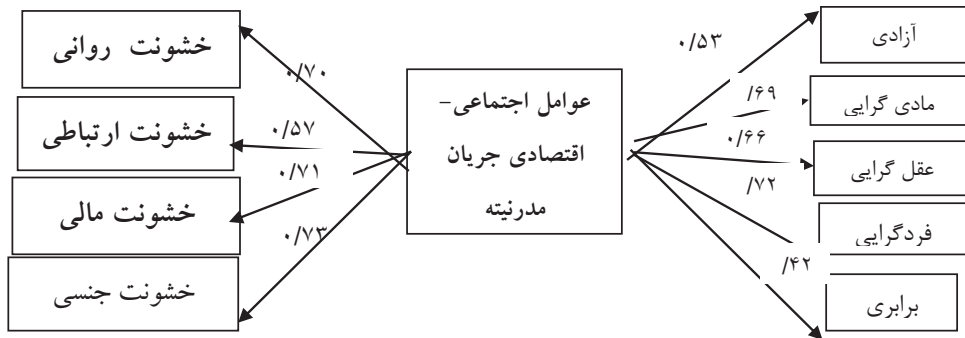
Chi-Square=357.07, df=120, P-value=0.00000, RMSEA=0.053

شکل ۲: تحلیل مسیر شاخص های جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین در حالت تخمین استاندارد

شکل بالا الگوی ارتباط شاخص های عوامل اجتماعی- اقتصادی جریان مدرنیته (X) را با ۳۰ سوال و شاخص های خشونت خاموش (Y) با ۲۷ سوال را نشان می دهد. y_1 «خشونت روانی» با ۹ سوال، y_2 «خشونت ارتباطی» با ۵ سوال، y_3 «خشونت مالی» با ۶ سوال، y_4 «خشونت جنسی» با ۷ سوال به عنوان متغیر وابسته اندازه گیری شده که با الگوی حقیقی داده ها تفاوتی ندارد.

از آنجا که «شاخص برازش نیکویی» این مدل برابر با ۰/۹۵ می باشد می توان بیان کرد که این مدل برازش قابل قبولی با واقعیت دارد. میزان ضریب به دست آمده بیانگر اثر مستقیم شاخص های جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین می باشد.

بر اساس فرضیات ارائه شده در این پژوهش و نتایج به دست آمده از طریق تحلیل مسیر، مدل یاد شده جهت این فرضیات به صورت زیر است:



شکل معنی دار مسیر مدل بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مدرنیته بر شاخص های خشونت خاموش

بحث و نتیجه گیری

عوامل جریان مدرنیته باعث تحول در روابط میان زن و شوهر در دهه های اخیر شده است؛ تحولاتی که به افزایش ناسازگاری ها و خشونت انجامیده اند و برخی آن را ناشی از تغییراتی می دانند که در روند توسعه اجتماعی و دستیابی به نقطه تعادل جدید، اجتناب ناپذیر و گاه مطلوب می نمایند. تحولات تاثیرگذاری که عوامل اقتصادی- اجتماعی جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده به جای گذاشته، در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. با ورود زنان به عرصه اجتماعی، فرصت به دست آمده برای آنان در کنار عناصر مردسالارانه و پدرسالارانه جامعه، منبع و منشأ برخی تعارضات در ساختار اجتماعی و خانوادگی گشته و به تعارض بین ارزش های سنتی و مدرن منجر شده است. لذا گاهی به عنوان عاملی اساسی در بروز خشونت میان زوجین و سست شدن بنیان زندگی مشترک ایفای نقش می نماید. از طرف دیگر، زنان با تحصیلات بالا به دنبال توزیع قدرت در ساختار خانواده و داشتن نقش در تصمیم گیری های خانواده می باشند، این در حالی است که آموزه های مردسالارانه با تحولات ایجاد شده امروزی سنخیت ندارد. همچنین، میزان تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر هر یک از شاخص های خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده به ترتیب عبارت اند از: فردگرایی (0/72)، مادی گرایی (0/69)، رشد عقل گرایی (0/66)، آزادی (0/53) و برابری (0/42).

با توجه به یافته های این پژوهش، رابطه بین برابری و خشونت خاموش تایید شد. امروزه زنان تحصیل کرده در جامعه در معرض اطلاعات فراوانی هستند و سطح آگاهی و انتظار آنان از زندگی نسبت به جامعه سنتی افزایش پیدا کرده است. همچنین طبق نظر فمینیست ها، بسیاری از زنان تحصیل کرده خواهان تحقق برابری زنان با مردان هستند؛ به طوری که که شوهران و همسران در تمامی مسئولیت ها سهیم و در نهایت وظایف پایاپایی بر عهده داشته باشند. در نقطه مقابل، بسیاری از مردان حاضر به پذیرش این امر نمی باشند و همین عوامل باعث بروز چالش هایی در بین زوجین می شود.

به علاوه، رابطه بین مادی گرایی و خشونت خاموش بین زوجین ثابت شد. یکی از عوامل عمده بروز

خشونت، شرایط اقتصادی و مالی است. گاهی نظام توزیع ثروت موجب محدودیت درآمد بسیاری از افراد می شود و تورم و گرانی در کنار افزایش ارزش های اشرافی گری و روحیه اسراف و تبذیر به مشکلات دامن می زند. بی شک، تداوم فشار اقتصادی مضاعف بر افراد، به ایجاد تنش و خشونت در بین زوجین می انجامد. با توجه به یافته های این پژوهش، رابطه آزادی و خشونت خاموش زوجین تایید شد. ازجمله مشکلاتی که بعد از ازدواج در زندگی زناشویی مطرح است، «محدود کردن آزادی های فردی» طرفین است. اولین واکنشی که افراد نسبت به این محدودیت ها از خود نشان می دهند، «مقاومت» است. در حالی که آزادی زن و مرد می تواند ابزار ارزشمندی برای دستیابی آنها به اوج کمال و شکوفایی باشد، در اشکال و ابعادی بروز می یابد که انسان را به حیوانی تمام و کمال مبدل می سازد. بنابراین تعیین حدود و شرایط بهره مندی انسان از این ابزار از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

۳۵۱

نتایج فرضیه رشد عقل گرایی و خشونت خاموش هم سو با نظریه های (گیدنز (۱۳۹۲) است. گیدنز از جمله پیامدهای جهانی شدن را تغییر نقش های سنتی از انتسابی به اکتسابی می داند و معتقد است که تخصصی شدن تقسیم کار، نقش زنان را دستخوش تغییرات شگرفی نموده است. بک (نقل از شکر بیگی، ۱۳۸۸) باز تعریف رابطه مرد و زن و توازن در حال تغییر قدرت بین زن و مرد را از پیامدهای مدرنیته می داند. اگرچه عقلانیتی که دنیای مدرن با خود همراه آورده، فضایی منفعت طلبانه ای را ایجاد می کند که در آن هر فرد به این می اندیشد که چگونه می تواند با ابزارهای موجود به بهترین شکل به اهداف خود دست پیدا کند و در این میان گاهی دیگران را نادیده می گیرد. در بین زوجین تحصیل کرده این نوع عقلانیت باعث شده تا برخی از آنها، ارزش های خانوادگی و اخلاقی را با محسوسات و عقل مادی بسنجند و اصولی را نادیده بگیرند.

رشد فردگرایی با خشونت خاموش، رابطه معناداری دارد. رشد آگاهی زنان به حقوق خویش و تن ندادن به نظام سرکوب مردسالارانه، استقلال نسبی اقتصادی زنان، رشد فردگرایی و قدرت تصمیم گیری آزادانه زنان در مسیر زندگی در نهایت می تواند به خشونت خاموش بین زوجین بینجامد. در دوره مدرن، سوژه فردی اهمیت می یابد و بر آزادی های فردی و سوژه خودمختار تأکید می شود. فردگرایی به این معناست که علایق، نیازها و اهداف فردی ترجیح داده می شوند، ارزش ها و هنجارها، مبنای فردی دارند، کسب لذت فردی، در اولویت است و استقلال و هویت فردی اهمیت دارد. فردگرایی روابط بین زوجین ایرانی را دستخوش تغییراتی کرده است. بسیاری از زوج ها منافع فردی را بر مصالح خانوادگی ترجیح می دهند و تأکید بیش از حد بر آزادی های فردی و فردمحوری باعث شده نوعی از خودخواهی و منفعت طلبی در بین زوجین تحصیل کرده حاکم گردد که در نهایت خشونت پنهان و خاموش را در پی دارد. در ازدواج نباید یکی در دیگری هضم یا حذف شود و قطعا استقلال «من افراد» باید حفظ گردد- دو طرف می توانند با حفظ استقلال و «من» خود، «ما» شوند.

نمی توان تأثیرات مدرنیته را بر ابعاد گوناگون زندگی نادیده گرفت. بی شک خانواده ایرانی نیز خواه ناخواه از این تأثیرات مستثنی نبوده است؛ خانواده ایرانی در مواجهه با مدرنیته و جهانی شدن، به نوبه خود دچار تغییراتی شده و نسبت به گذشته تفاوت هایی را تجربه کرده است. در هر زمانی نسبت به گذشته نقدهایی را وارد می دانسته اند. در فضای زوجین سنتی، تعصبات و باورهای وجود داشت که بیشتر موجب دوری افراد

از یکدیگر می‌شد. مدرنیته می‌تواند احساس رضایت بیشتری در بین زوجین ایجاد کند به شرطی که زوجین ضمن پایبندی به حقوق و تکالیف طرفین تلاش کنند زندگی مشترک خود را با عشق و علاقه‌ای که شکل داده‌اند ادامه دهند. در آن صورت در جامعه نهادهای خانواده بهنجار می‌شوند که نویددهنده جامعه بهنجار است و جامعه نابهنجار نشان‌دهنده وجود نابسامانی در خانواده است. بر این اساس، برای مبارزه با ناهنجاری در جامعه باید کار را از خانواده آغاز کرد و با ناهنجاری در خانواده مبارزه نمود. از آنجا که خشونت در خانواده یک پدیده اجتماعی است، بسان دیگر پدیده‌های اجتماعی تحت تأثیر تحولات جهان مدرن و مدرنیته است که در این تحقیق در بین زوجین تحصیل کرده مورد بررسی قرار گرفت.

منابع

- آبوت، پاملا و والاس، کله. (۱۳۸۳). درآمدی بر جامعه شناسی نگرش های جنسیتی. مریم خراسانی و حمید احمدی. تهران: انتشارات دنیای مادر
- احمدی، بابک. (۱۳۷۷). معمای مدرنیته. تهران: نشر مرکز
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۵). جامعه شناسی خانواده. با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- امامی اردستانی، پریرخ؛ هاشمیان فر، سید علی و حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۷). «تبیین رابطه مدرنیته و خانواده گرایی در شهر اصفهان». دوره ۵، شماره ۱۱، صص ۲۳۵-۲۶۰.
- برناردز، جان. (۱۳۸۴). درآمدی به مطالعات خانواده. حسین قاضیان. تهران: نشر نی
- تنهای، ابوالحسن، شکر بیگی، حسین و شکر بیگی، عالییه. (۱۳۸۷). «جهانی شدن، تجدد گرایی و خانواده در ایران (گذار یا فروپاشی)». مجله جامعه شناسی دانشگاه آزاد واحد آشتیان. ش ۱۱، صص ۳۳-۵۵.
- جوادیان زاده، مهدیه. (۱۳۹۰). «بررسی جامعه شناختی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خانگی». پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- جوکار، محبوبه. (۱۳۹۵). گذری کوتاه بر تأثیر مدرنیسم بر خانواده با تأکید بر خانواده ایرانی. کتاب اندیشه های راهبردی، زن و خانواده.
- خالق پناه، کمال و سنائی، علی. (۱۳۹۹). «مدرنیته و صورت بندی گفتمانی سیاست فرهنگی: تحلیل گفتمان سیاست فرهنگی دولتی در ایران». جامعه شناسی کاربردی. دوره ۳۱، شماره ۳، صص ۵۷-۷۴.
- خاوری، ثریا. (۱۳۹۲). «مطالعه خشونت خانوادگی علیه زنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن در شهر مهاباد». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه البرز، دانشکده علوم انسانی.
- دهقان حسن زاده، محمد؛ یاراحمدی، هادی و صالحی، عصمت. (۱۳۹۳). «بررسی وضعیت نوگرایی دینی در بین جوانان شهر یزد». جامعه شناسی کاربردی. دوره ۲۵، شماره ۳، صص ۱۸۱-۱۹۶.
- سرایی، حسن. (۱۳۸۵). «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران». نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ش ۲، صص ۳۷-۶۰.
- شکر بیگی، عالییه و مستمع، رضا. (۱۳۹۳). «فرا تحلیل خشونت علیه زنان». فصلنامه انجمن جامعه شناسی ایران. دوره ۱۵، شماره ۲.
- غلامی، علی. (۱۳۹۸). «واکاوی عوامل موثر بر خشونت علیه زنان متاهل شهر اهواز: یک پژوهش کیفی». پایان نامه دکتری تخصصی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- فاتحی دهقان، ابوالقاسم و نظری، علی محمد. (۱۳۹۰). «تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان». فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. ش ۲۵، صص ۱۳-۵۴.
- فیروزجانیان، علی؛ رازقی، نادر و رضایی، زهرا. (۱۳۹۴). «تحلیل جامعه شناختی تأثیر بی نظمی در خانواده بر خشونت خانگی زنان علیه مردان». مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۲.
- کریمی، مریم. (۱۳۹۷). «پدیدارشناسی تحمل خشونت خانگی در زنان». پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی و مشاوره خانواده، دانشگاه کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). پیامدهای مدرنیت. محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). جامعه شناسی. حسین چاوشیان. تهران: نشر نی
- Al Dosary, A. H. (2016). "Health impact of Domestic Violence against Saudi women;

Cross sectional study". International journal of Health Sciences, Qassim university, Vol. 10, No 2: 112-131.

- Gunjan, Tiyyagura, Elizabeth, M. Bloemen, Rachel Berger, Tony Rosen, Daniel Lindberg. (2020). **"Seeing the Forest in Family Violence Research: Moving to a Family-Centered Approach"**. Journal pre-proof Available online 25 January 2020.
- Gurung, Samjhana and Jeevan, Acharya. (2015). **"Gender-based Violence among Pregnant Women of Syangja District, Nepal"**. Public Health and Research Perspectives, 7(2).
- Kasetchai, Laeheem. (2016). **"Factors affecting domestic violence risk behaviors among Thai Muslim married couples in Satun province, Kasetsart"**. Journal of Social Sciences, Volume 37, Pages 182-189.
- Murshid, N. S. (2016). **"Men's response to their wives' participation in microfinance: perpetration and justification of intimate partner violence in Bangladesh"**. Public Health, Volume 14, Pages 146-152.
- Sundari, Anitha, Harshita, Yalamarty, Anupama, Roy. (2018). **"Changing nature and emerging patterns of domestic violence in global contexts: Dowry abuse and the transnational abandonment of wives in India"**. Women's Studies International Forum, Volume 69, Pages 67-75.

واکاوی تجربه دختران جوان از مزاحمت های مردان در اماکن عمومی

رها پوراسمعیلی^۱

منصور فتحی^۲

doi: 10.22034/SSYS.2022.490

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱/۱۷

یکی از اشکال رایج خشونت علیه زنان در اماکن عمومی، مزاحمت های خیابانی به ویژه از نوع جنسی است. این نوع از مزاحمت ها به صورت شایعی در اغلب محیط های خارج از خانه از جمله خیابان، پارک، سینما و غیره اعمال می شوند و پیامدهای جبران ناپذیری اعم از آسیب های جسمی و روحی بر روی زنان بر جای می گذارند. هدف از پژوهش حاضر، واکاوی ابعاد پنهان این نوع از مزاحمت های جنسی در اماکن عمومی از دید زنانی است که با این مسئله مواجهه شده اند. مشارکت کنندگان این پژوهش را ۱۸ نفر از دانشجویان دانشگاه های تهران در محدوده سنی ۲۳ تا ۳۷ سال تشکیل می دهند که از طریق نمونه گیری هدفمند انتخاب شده اند. نظریه فمینیستی، نظریه کلیشه ها و نظریه سبک زندگی روزمره نیز برای افزایش حساسیت نظری به کار گرفته شدند. این پژوهش با رویکرد کیفی انجام و در آن از روش مصاحبه عمیق فردی و بحث گروهی متمرکز استفاده شده است. یافته های این پژوهش در ۴ طبقه اصلی شامل «الگوهای مزاحمت»، «تاثیر مولفه های بیرونی»، «نحوه مواجهه» و «احساس ناامنی» طبقه بندی شدند. براساس یافته های تحقیق از جمله مکان هایی که احتمال وقوع مزاحمت های خیابانی زیاد است می توان به فضاهای خلوت شهری در کنار اماکن شلوغ اشاره کرد که به یک میزان برای زنان خطرآفرین هستند و در زنان ایجاد دلهره، ترس، اضطراب و غیره می کنند. همچنین مالش گری، خودارضایی در ملاء عام و عورت نمایی از جمله اشکال جدید مزاحمت هستند که بیشتر توسط مردان میان سال و پیر مردان اتفاق می افتند.

واژگان کلیدی: اماکن عمومی، مزاحمت خیابانی، مزاحمت جنسی و خشونت علیه زنان

E-mail: Pooresmaeli.89@gmail.com

۱. کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

ایجاد مزاحمت برای زنان و دختران خود شکل آشکاری از خشونت است؛ خشونت‌ای که قدمتی به درازای تاریخ بشر دارد و در تمام ملل و دوران ها وجود داشته است و تنها مربوط به دوران مدرن و صنعتی شدن جوامع نمی شود. امروزه در شهرهای توسعه یافته و پیشرفته با اشکال و ابعاد جدیدی از مزاحمت برای زنان مواجه ایم؛ از جمله: مزاحمت در فضای مجازی، مزاحمت های کلامی و فیزیکی در اماکن عمومی مانند متلک پرانی های جنسی، نگاه خیره شهوانی، لمس لحظه ای بدن و غیره.

مزاحمت های اعمال شده علیه زنان چه در اماکن عمومی و چه درون خانواده بیشتر برای کنترل زنان و نشان دادن قدرت است و عاملان آن درصدد تحکیم جایگاه برتر خود نسبت به زنان در جامعه و خانواده اند. این مزاحمت ها دارای عواقب منفی بسیاری از جمله آسیب های جسمی، روحی و روانی بر روی زنان هستند که جنبه روحی و روانی آن بسیار پایدارتر و تاثیرگذارتر است.

به علاوه، وجود این نوع از مزاحمت ها که خود مصداق بارز خشونت به حساب می آیند سبب ایجاد ترس و دلهره در زنان شده و مانع از حضور موثر آن ها در جامعه می شود و در نتیجه عدم پیشرفت و شکوفایی زنان و بازدارنده ای قوی در راه رسیدن به اهداف شان به شمار می آید. اگرچه این گونه مزاحمت های جنسی از دید قانون جرم تلقی گردیده و برای آن ها مجازات در نظر گرفته شده است، اما آن چنان شیوع داشته و به صورت لایه های پنهان خشونت در سطح جامعه رسوخ کرده اند که با حضور روزمره زنان در جامعه عجین شده و پرهیز از آن ها اجتناب ناپذیر می باشد (هاشمیان فر و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۲).

با صنعتی شدن جوامع زنان از آزادی عمل بیشتری برخوردار شدند، اما بسیاری از مسائل و مشکلات مربوط به فرهنگ و حضور آنان در جامعه حل نشده باقی مانده است. از جمله می توان به مزاحمت های خیابانی اشاره کرد که تنها به جوامع در حال توسعه یا جهان سوم محدود نمی شود، بلکه تمام زنان در سرتاسر جهان با آن مواجه هستند و فقط شکل و شدت وقوع آن در کشورهای مختلف متفاوت است و از این حیث مسئله ای جهان شمول تلقی می شود. در پژوهشی که پیرامون سلامت زنان در سطح ملی در کشور فنلاند انجام شده بود، ۱۹/۶ درصد از زنان مزاحمت های خیابانی را به شکل های مختلف در طول سال تجربه کرده بودند. همچنین براساس پیمایش ملی خشونت علیه زنان، ۸/۳ درصد زنان فرانسوی و ۱۵ درصد زنان پارسی خشونت در محل کار و دیگر اماکن عمومی را در یک سال گذشته گزارش نمودند. در تحقیق دیگری در مورد زنان ۱۴ تا ۵۹ سال در ایتالیا، ۲۴/۴ درصد آنان اشکال مختلف خشونت را طی سال گذشته تجربه کرده بودند. پژوهش دیگری در ژاپن حاکی از آن است که نزدیک به دو سوم زنان ۲۰ تا ۳۰ ساله هنگام استفاده از متروها و قطارهای توکیو مورد لمس بدنی قرار گرفته اند و دچار ترس، تحقیر و آسیب های روحی به علت لمس شدن توسط مردان شده اند. به علاوه در بنگلادش نیز دختران ۱۰ تا ۱۸ ساله با آماری بیش از ۹۰ درصد گزارش داده اند که مورد آزار و اذیت مردان قرار گرفته اند. ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در گزارش های مختلف از جمله صادقی فسائی (۱۳۸۵)، حیدری چروده (۱۳۸۹)، ایمان و همکاران (۱۳۹۰) و لهسایی زاده و یوسفی نژاد (۲۰۱۲) وجود این نوع از مزاحمت را اذعان کرده اند (ریاحی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۵: ۷۰-۷۱).

بدین ترتیب زنان از این حیث، تجربیاتی کاملاً متفاوت از مردان را از سر می گذرانند؛ تجربیاتی که به زن بودن و زنانگی مربوط است و با دنیای مردانی که خود سبب ساز این تفاوت های خشن، نابرابر و تبعیض آمیز هستند، ناهمگونی های بسیار دارد. از جمله این تجربیات می توان به نگاه های خیره و آزار دهنده مردان، فرودستی زنان نسبت به مردان، ترس و دلهره از بودن در کنار مردان، یکسویگی فضاهای شهری، سرکوب گری زنان و ناتوانی در ابراز خود، ترس از تعدی و تجاوز و غیره اشاره کرد. تجربیاتی که تقریباً در میان همه زنان دارای شکلی مشابه و ابعادی نزدیک به هم است و همین مسئله ناامنی در فضاهای شهری را امری غیرشخصی و مشترک کرده است (ذکایی، ۱۳۹۳: ۱۴۲ و ۱۶۲ و محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹).

تحقیقات انجام شده در داخل کشور نشان می دهد که امنیت کلان شهرها بیش از امنیت شهرهای کوچک و کم جمعیت در خطر است و زنان در شهرهای بزرگ با عدم امنیت بیشتری رو به رو هستند. گسترش نفوس انسانی، هجوم افراد از روستا به شهر، عدم شناخت و ناآشنا بودن افراد با یکدیگر، عدم کنترل پذیری بالای افراد توسط ارگان های مربوطه، تغییر سبک و شیوه زندگی، پیچیده شدن روابط انسانی و غیره همگی از جمله مولفه های تاثیر گذار در کاهش و از بین بردن امنیت فضاهای شهری هستند که خود سبب آسیب پذیری زنان در مقابل افراد مهاجم می شود. زمانی که زنان از محیطی سالم و امن جهت استفاده برخوردار نباشند، نه تنها دچار آسیب می شوند، بلکه تنش و مشکلات ناشی از آن به خانواده و جامعه نیز منتقل شده و دامن گیر بقیه هم خواهد شد (گلی، ۱۳۹۰: ۱۴۴-۱۴۵). به رغم بروز مزاحمت های خیابانی علیه زنان در شهرها به ویژه کلان شهرها، قربانیان به دلایل متعددی از امکان شکایت و احقاق حق برخوردار نیستند و اغلب با سکوت خود با مشکلات روحی و روانی فراوان دست و پنجه نرم می کنند. از سوی دیگر، به دلیل تابو بودن این موضوع توجه جدی از سوی پژوهشگران به این مسئله پنهان اجتماعی معطوف نشده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است:

دختران جوان دارای سابقه مزاحمت توسط مردان در اماکن عمومی چه تجربه ای در این زمینه دارند و با چه پیامدهایی مواجه هستند؟

به این منظور پژوهش حاضر به دنبال واکاوی تجربه این زنان از مزاحمت های خیابانی جهت ارائه راهکارهای کاربردی برای کاهش این آسیب اجتماعی پنهان است.

اس. روزنبوم و همکاران^۱ در سال ۲۰۲۰ طی پژوهشی با عنوان «تاثیر مزاحمت های خیابانی بر تجارب زنان جوان استفاده کننده از خدمات عمومی» مزاحمت های خیابانی را توصیف تعاملات ناخواسته در اماکن عمومی بین غریبه ها یا مشتری ها تعریف کردند که اغلب به واسطه جنسیت فرد، گرایش های جنسی یا رفتار جنسی فرد برانگیخته می شود. امروزه، فروشندگان از وقوع مزاحمت های خیابانی در ابعاد کوچک و حوزه خدمات به مشتری از جمله در سالن های تاتر، فروشگاه های عمومی، مناطق تفریحی و پاساژهای خرید چشم پوشی می کنند. در این تحقیق از ۱۳۱ زن که مورد آزار قرار گرفته بودند، حدود ۶۴ درصد از حضور در خیابان پس از تاریکی، ۴۳ درصد از پوشیدن شکل خاصی از لباس و ۲۸ درصد از بیرون رفتن به تنهایی اجتناب می کردند. همچنین، ۲۸ درصد در مینی اتوبوس ها، ۲۷ درصد در اتوبوس ها، ۲۲ درصد در پارک ها و ۱۷ درصد

در رستوران ها مورد آزار قرار گرفته بودند. این مقاله شامل نتایج تجربی، مدیریتی و جامعه شناختی هم بود و سیاست های عمومی رسمی را جهت به رسمیت شناختن مزاحمت های خیابانی به عنوان یک بزه مجرمانه تشویق می کرد.

دلکرو و کریستنسن^۱ در سال ۲۰۱۹ تحقیقی با عنوان «تاثیرات مزاحمت های خیابانی بر استرس، افسردگی و کیفیت خواب زنان دانشجوی» انجام دادند. هدف از انجام این تحقیق، در نظر گرفتن مزاحمت های خیابانی به عنوان موضوع سلامت عمومی مشابه مزاحمت های جنسی و پیامدهای منفی حاصل از آن بود. جامعه آماری این تحقیق شامل ۲۵۲ دانشجوی دختر دوره لیسانس دانشگاه آمریکای شمال شرقی بود. براساس یافته های حاصل از این پژوهش، زنان قربانی آزارهای خیابانی به صورت معناداری در معرض استرس و افسردگی قرار داشتند و این مسئله از تاثیری منفی بر روی کیفیت خواب این زنان برخوردار بود. همچنین تحلیل یافته های این تحقیق نشان داد که هر دو عامل استرس و افسردگی با مزاحمت های خیابانی و کیفیت خواب در ارتباط هستند. لوسیا ترزا سانچز-دیاز^۲ در سال ۲۰۱۸ طی پژوهشی با عنوان «مفهوم آزار خیابانی و رابطه آن با خود شیء انگاری زنان»، با استفاده از روش نمونه گیری غیراحتمالی پیرامون ۴۶ زن دومینیکی که در یک دانشگاه غیردولتی در سنتو دومینیکو شاغل بودند، اطلاعات گردآوری کردند. یافته ها نشان داد که پذیرش مزاحمت های جنسی ارتباط معناداری کمی با خود شیء انگاری زنان دارد و در مقابل، از ارتباط معنادار زیادی با اسطوره پذیرش خشونت خانگی برخوردار است. همچنین پذیرش پایین مزاحمت های خیابانی با سطوح بالایی از تحصیلات و وضعیت اجتماعی در ارتباط است. بعلاوه، میزان تلاش بیشتر در راستای عدم وقوع مزاحمت های خیابانی با سطوح پایینی از خود شیء پنداری زنان در ارتباط است.

جهانی دولت آباد در سال ۱۳۹۸ تحقیقی را با عنوان «واکاوی پدیده مزاحمت های خیابانی فیزیکی با رویکرد مردم نگاری» با روش تحلیل محتوای کیفی انجام دادند. جامعه آماری این تحقیق را ۴۵ نفر از قربانیان، عاملان و شاهدان مزاحمت های خیابانی فیزیکی تشکیل می دادند. براساس نتایج حاصل از این پژوهش عاملان مزاحمت های فیزیکی در ۲ تیپ "فرصت طلب ها" و "پوست کلفت ها" و قربانیان در ۵ تیپ "معترض پرخاشگر"، "معترض محترم"، "معترض محافظه کار"، "معترض منفعل" و "قربانی بی اعتنا" دسته بندی می شدند. عاملان مزاحمت های جنسی در طی این فرآیند به عرصه ای از کنش های متقابل وارد می شوند که در آن "کنش های جنسی" و "رفتارهای جنسیتی" آن ها در اماکن عمومی پاسخ هایی را از طیف "برخورد آشکار"، "برخورد ضمنی"، "فرار از موقعیت"، "انفعال" و "بی اعتنائی" شامل می شود. همچنین در این تحقیق تجارب مشترک زنان آن ها را از این نظر بهم پیوند می داد.

اکبری و میرمحمد تبار در سال ۱۳۹۶ پژوهشی را با عنوان «احساس ناامنی زنان در فضاهای شهری در شهر مشهد» با روش پیمایشی انجام دادند. جامعه آماری این پژوهش را زنان بالای ۱۵ سال تشکیل می دادند که در مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد ساکن بودند. بنا بر یافته ها، ۴۲/۵ درصد در حد کم، ۲۴ درصد در حد

1. S. Rosenbaum, M. et al.

2. Sanchez-Diaz L.

متوسط و ۳۳/۵ درصد در حد زیاد احساس ناامنی و ترس داشتند. همچنین یافته های حاصل از این تحقیق نشان می دهند که مهم ترین متغیرهای تاثیرگذار در احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی به ترتیب مربوط به وقوع رفتارهای ناپهناجر در محله، وجود فضاهای شهری ناامن در محله، مورد خشونت واقع شدن در محله، پوشش نامناسب زن، موقعیت محل زندگی (حاشیه شهر)، وجود فضاهای جرم غیرشهری در محله و وضعیت روشنایی معابر و کوچه های محله بودند.

سقای و همکاران در سال ۱۳۹۶ پژوهشی را با عنوان «تحلیلی بر تاثیر فضاهای شهری بر امنیت اجتماعی زنان (مطالعه موردی: شاهین شهر)» با روش توصیفی-پیمایشی انجام دادند. جامعه آماری این تحقیق زنان شاهین شهر با جمعیت ۸۷۳۲۱ نفر بودند که با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۸۴ نفری حاصل شد. براساس نتایج حاصل از این تحقیق شاخص کالبدی و رفتاری با داشتن ۹۷ درصد بیشترین میزان تاثیر را در احساس امنیت زنان داشتند.

بررسی مطالعات انجام شده نشان می دهد که مزاحمت های خیابانی به عنوان یک معضل اجتماعی موجب بروز پیامدهای بسیاری برای زنان مورد آزار قرار گرفته می شوند؛ از جمله: اضطراب، افسردگی، دلهره، ترس، بدبینی نسبت به جنس مخالف و غیره که همگی بر حضور کارآمد و موثر زنان در جامعه تاثیرات منفی بر جای می گذارند. اغلب پژوهش های داخلی با روش کمی و پیمایشی انجام شده، در حالی که فهم عمیق تجارب خشونت دیدگان نیازمند انجام پژوهش کیفی است. از این رو، مطالعه حاضر با بهره گیری از روش کیفی به دنبال واکاوی تجارب مشارکت کنندگان است.

چارچوب مفهومی پژوهش

از نظر فمینیست ها، مزاحمت های جنسی در عرصه عمومی یکی از مصادیق بارز خشونت علیه زنان محسوب می شود که از این طریق با ایجاد ترس و دلهره در وجود زنان آن ها را از حضوری ایمن در اماکن عمومی محروم می کند و باعث کم رنگ شدن میزان فعالیت های زنان در ساعات و مکان های مشخصی می شود. در واقع، آن ها را به حوزه خصوصی که در تعریف هنجارها و کلیشه های موجود برای حضور زنان در نظر گرفته اند، به عقب و در پستوی خانه می رانند. مزاحمت های خیابانی از نوع جنسی موجب سلب امنیت و آرامش زنان می شود و پیامدهای متعدد روحی- روانی، جسمانی و غیره را برای زنان به وجود می آورد. در کنار کم رنگ شدن احساس امنیت زنان در عرصه های عمومی، مشارکت اجتماعی زنان نیز کاهش پیدا خواهد کرد و در نوع نگاه زنان به جنس مخالف نیز تاثیر به سزایی می گذارد. زنی که دچار آزار جنسی در عرصه عمومی بشود، به تدریج دچار بی اعتمادی عمیق نسبت به جنس مخالف می گردد و این خود در میزان کیفیت روابط بین دو جنس تاثیرات منفی بسیاری به جای می گذارد. به علاوه موجب بهم ریختگی و آشفتگی در روابط اجتماعی و بین فردی افراد می شود، به ویژه اگر مزاحمت های جنسی در اماکن عمومی در سنین پایین برای دختران رخ دهد، در روند جامعه پذیری آنان تاثیرات منفی بسیاری را برجای می گذارد.

براساس نظریه کلیشه ها، مزاحمت عمومی در عرصه عمومی جامعه زمانی رخ می دهد که زنان پا را از

مرزهای تجویزی تعیین شده فراتر بگذارند و خارج از چارچوب کلیشه های توصیفی تعیین شده رفتار کنند؛ به عبارت دیگر، از قلمرو توصیفی خود یعنی حوزه خصوصی خارج و وارد عرصه عمومی که برای مردان قلمرویی بلامنازع است شوند. در نتیجه مردان براساس کلیشه های تجویزی موجود در ذهن خود برای زنان ایجاد مزاحمت می کنند و از این طریق به زنان یادآور می شوند که به قلمرو خود یعنی حوزه خصوصی بازگردند که این خود بازتولید تفوق مردانه و انفعال زنانه است (صفاریان و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲۸).

از دیگر عوامل تاثیر گذار در وقوع مزاحمت های خیابانی می توان به دو مولفه شیوه و سبک زندگی زنان و نوع فعالیت های روزانه اشاره کرد. در این راستا، زمان وقوع مزاحمت به عنوان یک معضل اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است. به عنوان مثال، در ساعاتی از شبانه روز که حضور مردان پررنگ تر است و یا حضور افراد در خیابان و محل های تردد شهری کمتر احساس می شود، اگر زنان رفت و آمد داشته باشند احتمال بیشتری جهت وقوع انواع مزاحمت ها وجود دارد. زنان در برخی از فضاهای شهری از جمله مکان های کم تردد و خلوت، فضاهایی که به صورت نیمه ساخته و یا متروک در شهر هستند، احساس عدم امنیت می کنند و متعاقب آن نوع فعالیت های خود را محدود می نمایند. اغلب افرادی که در مناطق پایین شهر زندگی می کنند، دارای سطح تحصیلات پایین، میزان درآمد کم، فقر فرهنگی، بیکاری و غیره هستند و این عوامل خود بر نگرش سنتی و ابزاری نسبت به زنان کمک می کند و باعث می شود که نوع مزاحمت ها در این مناطق از شهر با سایر مناطق شهر متفاوت باشد. زنان در مناطق پایین شهر از احساس امنیت کمتری نسبت به بالای شهر برخوردارند، چون در این مناطق ساختمان های مخروبه و بافت فرسوده بیشتری وجود دارد که این خود باعث احساس ترس در زنان می شود. بسیاری از زنان از ترس وقوع مجدد آزارهای خیابانی مجبور به تغییر سبک زندگی خود می شوند و دامنه فعالیت های خود را کاهش می دهند که این مسئله خود از حضور موثر و مفید زنان در جامعه می کاهد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر کیفی و با تحلیل مضمون یا تماتیک انجام شده است. از جمله دلایل انتخاب روش کیفی، استخراج روایت از درون یافته ها و اطلاعات حاصل شده از مصاحبه با زنان دارای تجربه مزاحمت است. چرا که تنها زمانی می توان پدیده ای را فهم کرد که آن را در متن خود ببینیم و با کسانی که تجربه مستقیم و ملموسی از آن داشته اند، به گفتگو بنشینیم و به آن ها فرصت بدهیم که خود را ابراز کنند و دیدگاه ها، نظرات و راهکارهایشان را با ما به اشتراک بگذارند تا از این طریق به فهم این تجربیات آنچنان که زیست شده اند برسیم و تا جای ممکن به عمق شان دست پیدا کنیم. هدف از انجام این پژوهش، مطالعه کیفی تجربیات زنان منتخب در باره آزارهای جنسی رخ داده در اماکن عمومی است. برای گریز از سطح و رسیدن به عمق داده های جمع آوری شده، ضروری بود تا محقق با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته با پاسخگو ارتباط برقرار کند و صحت و کیفیت داده ها را بالا ببرد. به عبارت دیگر، به دلیل اهمیت موضوع یعنی صحبت درباره بدن زنان و به خصوص تاکید بر بعد جنسی آزارهای خیابانی و مشکلات ناشی از آن برای انجام مصاحبه از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته و برای تحلیل اطلاعات از تحلیل تماتیک استفاده شده است. تعداد مشارکت

کنندگان ۱۸ نفر دانشجوی دختر ساکن خوابگاه در رده سنی ۲۳ تا ۳۷ بودند. همچنین مصاحبه شوندگان به دو دسته فردی و گروهی تقسیم شده اند که با ۱۱ نفر به صورت انفرادی مصاحبه شده و ۲ بحث گروهی متمرکز با ۷ نفر (یک گروه ۳ نفره و یک گروه ۴ نفره) به عمل آمده است. روش نمونه گیری هدفمند بود و گردآوری اطلاعات تا اشباع اطلاعات ادامه پیدا کرد. تحلیل یافته ها براساس روش تحلیل مضمون (تماتیک) انجام شد. با استفاده از تحلیل مضمون داده های خام موجود در متن که به نظر نامرتب بودند را به صورت داده های معنادار و تفصیلی در آوریم و از این طریق توانستیم به شناخت، تحلیل و درک الگوهای موجود در متن نائل شویم. به علاوه در تحلیل مضمون به نکات ظریف داده های موجود در متن و بافت آن توجه شد و به شناخت ایده های صریح و ضمنی موجود اقدام گردید. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد، از تکنیک های زیر استفاده شد: مقایسه های تحلیلی: در این روش به داده های خام رجوع و مقوله ها و مفاهیم به دست آمده با داده های خام مقایسه و ارزیابی گردید.

بازبینی توسط مشارکت کنندگان: مفاهیم و مقولات به دست آمده در اختیار برخی از دختران شرکت کننده قرار گرفت و آن ها تایید نمودند.

گفتنی است که پژوهشگر جهت رعایت اصول اخلاقی در ابتدای امر مشارکت کنندگان را از اهداف و اهمیت پژوهش مورد نظر آگاه کرد و از این طریق مشارکت کنندگان با آگاهی و رضایت کامل وارد جریان مصاحبه شدند. همچنین قبل از انجام مصاحبه جهت ضبط صدا رضایت شرکت کنندگان گرفته و در خصوص محرمانه ماندن اطلاعات به آن ها اطمینان لازم داده شد. بدین ترتیب به جای پرسیدن نام افراد برای آن ها شماره مجزا به عنوان شرکت کننده در این پژوهش در نظر گرفته شد تا در تمام طول مراحل پژوهش از همان شماره برای آن ها استفاده شود. به علاوه، حق انصراف از فرآیند پژوهش برای افراد در نظر گرفته شد؛ چنان که برخی از افراد پس از قرار گرفتن در جریان اهداف و اهمیت پژوهش، حاضر به شرکت در مصاحبه نشدند. همچنین مشارکت کنندگان در پژوهش در جریان زمان تقریبی انجام مصاحبه قرار گرفتند. به علاوه، در راستای پیشگیری از آسیب رسانی به شرکت کنندگان سعی شد که در جریان مصاحبه با افراد همدلی لازم به عمل آید تا از فشار روانی وارده به فرد کاسته شود و از پیشروی بیش از حد در موضوعات خصوصی و غیر مرتبط با پژوهش ممانعت گردد.

یافته های پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، توصیف و تحلیل تجربه دختران از مزاحمت های جنسی در اماکن عمومی است. در این پژوهش بعد از گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه، به دسته بندی مضامین اصلی، مضامین فرعی و کدها پرداخته شد و هر یک از این طبقات براساس زمینه های شکل گیری مزاحمت های جنسی و تجارب حاصل از مزاحمت های جنسی در طبقات ۴ گانه زیر دسته بندی شدند:

«الگوهای مزاحمت»، «تاثیر مولفه های بیرونی»، «نحوه مواجهه» و «احساس ناامنی». هرکدام از این مضامین اصلی دارای مضامین فرعی هستند و این مضامین فرعی نیز در ذیل خود کدهای مرتبطی را جای دادند. تمامی این درون مایه ها با یکدیگر در ارتباط بودند و الگویی از تجارب دختران از مزاحمت های خیابانی در

اماکن عمومی را نمایان می ساختند و به خواننده در فهم واقعیت زندگی آن ها کمک می کردند.

ویژگی های زمینه ای پاسخگویان

مشارکت کنندگان در پژوهش، ۱۸ نفر دختر دانشجو در رده سنی ۱۸ تا ۳۷ سال بودند که از نظر سطح سواد ۳ نفر دارای مدرک کارشناسی و ۱۵ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند. از این تعداد ۶ نفر شاغل و ۱۲ نفر غیر شاغل بودند. همچنین از این تعداد ۱ نفر با خانواده، ۱۴ نفر ساکن خوابگاه و ۳ نفر دارای خانه مستقل بودند.

۱- مضمون اصلی: الگوهای مزاحمت

با تغییر جوامع از سنتی به مدرن، الگوی رفتاری افراد و در پی آن بروز رفتارهای خارج از چارچوب مورد قبول جامعه نیز دچار تحول گسترده شده است. به عنوان مثال، مولفه سن که قبلا به نوجوانان و جوانان محدود می شده است، امروزه همراه با تغییر جوامع و سرعت روز افزون رشد پیچیدگی های شهری کاملاً دچار تحول شده است. متلک هایی که اغلب توسط نوجوانان یا جوانان پسر و با هدف قرار دادن دختران یا زنان جوانی در محدوده سنی خودشان اعمال می شده حالا در بین مردان میان سال و پیرمردان هم گسترش پیدا کرده است و در پی آن دیگر تنها محدوده سنی دختران یا زنان جوان را هدف قرار نمی دهند، بلکه به سمت همه طبقات سنی در زنان از جمله زنان میان سال و زنان مسن تغییر جهت یافته است. پس براساس نظریه کلیشه ها، این زنان هستند که موجبات مزاحمت مردان را فراهم می آورند؛ به این معنا که زمانی که زنان از حوزه خصوصی خانه خارج می شوند و پا را از قلمروهای تعیین شده بیرون گذاشته و به حوزه عمومی جامعه وارد می گردند و خارج از چارچوب کلیشه های توصیف شده جامعه عمل می کنند، شرایط را جهت مزاحمت مردان مهیا می کنند. در ادامه، نقل قول هایی در این زمینه یاد شده است:

جدول ۱: مضمون اصلی الگوهای مزاحمت

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدها
الگوهای مزاحمت	شیوه های مزاحمت	بوق زدن اتومبیل ها
		توقف اتومبیل ها
		تعقیب با پای پیاده
		پیشنهاد دوستی
		مزاحمت در پل هوایی
		تلاش جهت ربودن
	اشکال ایجاد مزاحمت	تلاش برای برقراری رابطه (پیشنهاد دوستی، بوق زدن و توقف اتومبیل)
		بیان الفاظ جنسی (مزاحمت لفظی، الفاظ رکیک)
		تماس بدنی (لمس بدن و ملش گری)
		نمایش آلت جنسی (خودارضایی در ملاء عام و نمایشگری)

۱-۱- شیوه های مزاحمت

یکی از عواملی که امنیت زنان را به مخاطره می اندازد، ایجاد مزاحمت برای زنان در فضاهای عمومی جامعه است که در پی آن و با تحقیر شخصیت زنان و ایجاد احساس ناامنی، امنیت روانی زنان را نشانه می رود. در سال های اخیر نوع و جنس متلک ها هم تغییر کرده است و از متلک هایی که زمانی شکل طنز و همراه با شوخی داشته اند، به متلک هایی سخیف و دارای ابعاد پیچیده جنسی که نقاط خاصی از بدن زنان را نشانه می روند، تبدیل شده اند که زن و زنانگی آن دسته از زنانی را که مورد متلک پرانی قرار می گیرند مورد تمسخر و تحقیر قرار می دهند و وجود زنان را از احساسات زنانه و زن بودن خالی می کنند و این خود تغییر الگوی این نوع از مزاحمت ها را نشان می دهد.

«با دوستانم بودیم. چهار تا بودیم می خواستیم مثلاً بریم به مرکز خرید. بعد خلاصه ما که سوار شدیم پسره ما رو می بره دم در به خونه. می دونستیم داره مسیرو منحرف میره. بعد به دفعه پرسیدیم. اون هیچی نگفت. بعد رسید به در. فقط می دونیم به تلفن زنگ زد که نمی دونم گفت درو باز کن چون ترکی حرف میزد درو باز کنو اینا... یکی از دوستانم به چاقویی تو کیفش داشت درآورد. گفت من یا الان خودمو می کشم یا اینو می کشم، بعد دیگه این که دید ما اینقد فهمیدیمو اینجوری می کنیم. یادم دقیقاً نمیداد دوستم به چیزی گفت اونم منصرف شد. من میگم خدا ما رو کمک کرد.» (شرکت کننده شماره ۷)

۱-۲- اشکال ایجاد مزاحمت

همه زنان تجربه مزاحمت یکسانی را از سر نمی گذرانند، اما الگوی مزاحمت ها در حالت معمولی شامل مواردی می شود که تجربه زنان را از این نظر به هم نزدیک می کند. زنان مصاحبه شونده به مواردی همچون: لمس بدن زنان در تاکسی، مزاحمت های لفظی، نگاه های خیره شهوانی، تماس های بدنی تعمودی و در موارد خیلی شدید به صورت هایی مانند پیشنهاد برقراری رابطه جنسی، عورت نمایی به ویژه در بین مردان میان سال و پیرمردان اشاره کردند که این نوع از مزاحمت ها هم با تغییر الگویی متفاوت از گذشته رو به رو هستند. در بسیاری از مواقع زنانی که مورد مزاحمت قرار می گیرند، جرات اینکه از حریم شخصی شان دفاع کنند را ندارند و یا به واسطه خجالت و کم رویی چیزی نگفته و در عوض از درون با خود کلنجار می روند و دچار استرس، ترس، ناراحتی و عصبانیت نسبت به خود می شوند و خود را از درون مواخذه می کنند.

«حدود یک سال پیش به دفعه مثلاً حدود ساعت ده دقیقه به هفت اینا صبح زود که کوچه ها زیاد شلوغ نیست داشتم می رفتم واسه مسیر دانشگاه. بعد به تقریباً پسر بیست و هفت هشت ساله بود این و ایساده بود. بعد به لحظه منو دید شروع کرد همینطوری به حرف زدن. بعد من همین طوری سرمو انداختم پایین رفتم. بعد این همین طوری دنبال من میومد با چرخ بود. بعد دیدم مثلاً ایساده جلوتر از من. من هر چی می رفتم عوض می کردم، دوباره دنبال من میومد. بعد دیدم و ایساده اونجا. بعد نمی دونم داشت چیکار می کرد. با خودش دیگه از من اینقد ترسیدم کل مسیر و دیدم دیگه هیچ وقتم از اون مسیر نرفتم هیچ وقت. چون صبح خلوت بود دیگه از اونجا نرفتم خیلی ترسیده بودم.» (مصاحبه گروهی شماره ۲)

۲- مضمون اصلی: تاثیر مولفه های بیرونی

باید در نظر داشت که مناطق مختلف شهر از نظر ایجاد مزاحمت و نوع آن با هم متفاوت هستند؛ به این معنی که بیشتر مزاحمت ها در پایین شهر با نوع پوشش زنان شدت گرفته و حتی شکل مزاحمت ها نیز به دلیل ازدحام جمعیت و شلوغی متفاوت هستند- مزاحمت ها از نوع لفظی و کلامی به صورت لمس بدن، تعقیب با پای پیاده، پیشنهاد رابطه جنسی و الفاظ خیلی رکیک تغییر پیدا می کند. مردان مزاحم در مکان های شلوغ و پر تردد راحت تر به رفتارهای مزاحمت آمیز خود دست می زنند، چرا که در شلوغی و همهمه کمتر مشخص می شود که چه کسی این مزاحمت را انجام داده است و فرد خیلی راحت تر از این فرصت استفاده می کند و پس از انجام کارش از فضا دور می شود و در میان جمعیت خود را مخفی می کند. در حالی که در فضاهایی که آنچنان شلوغ نیستند فرد مزاحم نمی تواند در میان جمعیت خود را پنهان کند و امکان مانور زیادی ندارد. از طرف دیگر، در مکان های خیلی خلوت و یا متروکه که از روشنایی خوبی هم برخوردار نباشد، امکان ایجاد مزاحمت وجود دارد و زنان در این اماکن هم احساس امنیت نمی کنند. همچنین ساعات شبانه روز نیز از نظر ایجاد مزاحمت دارای اهمیت است و زنان در ساعات خلوت صبح گاه یا در انتهای شب احساس امنیت کمتری می کنند. در کنار این دو مولفه می توان به تاثیر نوع پوشش نیز اشاره کرد که در وقوع مزاحمت بی تاثیر نیست و عامل موثری محسوب می شود. از این رو و براساس نظریه سبک زندگی روزمره، برخی از سبک های زندگی زنان خطر قربانی شدن را افزایش می دهند مانند حضور بی واهمه در فضاهای شهری، نوع رفتار زنان در اماکن عمومی، نوع پوشش، ساعات رفت و آمد و غیره.

جدول ۲: مضمون اصلی تاثیر مولفه های بیرونی

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدها
تاثیر مولفه های بیرونی	تاثیر مکان	شلوغی جمعیت (عدم امکان آشنایی)
		خلوتی (در مکان های خاصی که امکان مساعدت از طرف دیگران کم است)
		فضاهای بی دفاع شهری
	تاثیر زمان	تاریکی فضاهای شهری
		خلوت بودن معابر و کوچه ها
		ازدحام جمعیت
	تاثیر نوع پوشش	پوشش تحریک کننده
		پوشش موجه (عدم اعتراض به دلیل ترس از آبرو)

اگرچه بیشترین مزاحمت در گمنامی اتفاق می افتد، اما زنان مورد مصاحبه در همه محیط ها از جمله محیط دانشگاه، محیط کار و غیره رفتار خود را مدیریت می کردند. دلایل متعددی همچون آشنا بودن افراد در محیط کار و دانشگاه، بسته و محدود بودن محیط کار و دانشگاه، رو به رو شدن و تعامل زیاد افراد در محیط های کاری و دانشگاه، نظارت زیاد در این محیط ها، ترس از دست دادن آبرو در بین همکلاسی ها، دوستان و غیره، وجود نیروی حراست به عنوان مانع در محیط های خاص مثل دانشگاه یا ادارات سبب می شوند مردان حتی با داشتن سابقه مزاحمت یا قصد انجام آن دچار محدودیت شوند و کنترل بیشتری بر رفتار خود اعمال کنند. زنان نیز در محیط های کاری و آموزشی احساس امنیت بیشتری می کنند و در صورت وجود مزاحمت راحت تر می توانند آن را گزارش یا پیگیری کنند و در نتیجه وجود همین نظارت ها کمتر دچار ترس، دلهره و انزوا می شوند- اگرچه بیشتر مشارکت کنندگان نوع رفتار خود را بسیار تاثیرگذار توصیف می کردند و یکی از مولفه هایی می دانستند که در صورت رعایت آن احتمال بروز مزاحمت پایین خواهد آمد. اغلب مشارکت کنندگان بیان کردند که در محیط کار و دانشگاه مزاحمتی نداشته اند، اما در مواردی هم که مزاحمت به صورت شدید بوده از ترس مقصر شناخته شدن، فرد آن را نادیده گرفته و حرفی از مزاحمت ایجاد شده به دلیل نگرانی از اینکه خود مقصر جلوه کند به میان نیاورده اند: «صد درصد، بستگی به فرهنگ اون منطقه داره، آدمایی که اونجا هستند همگی تاثیر می گذاره. چون فرهنگای مناطق مختلف فرق می کنه. حالا از خود شهر بگیر تا خود شهرشم لول بندی (level) داره اینکه کجاش باشیو اینا... نمی توئم مطلقاً بگم که مثلاً بالا شهر همچین چیزی اتفاق نمی افته. نه اینجوری نیستش، ولی خب درصدی که می خواد اتفاق بیافته صد درصد کمتر از اینکه مثلاً جاهای پایین شهره از فرهنگای مختلف هست.» (شرکت کننده شماره ۹)

۲-۲- تاثیر زمان

ایجاد مزاحمت ها در ساعات مشخصی در روز دچار تغییر شده و زنان در این ساعات از احساس امنیت کمتری برخوردار هستند. به عنوان مثال، هنگام ظهر که افراد در منزل در حال استراحت هستند، شب ها به دلیل اینکه اغلب حضور مردان پر رنگ تر است و صبح زود که هنوز تردد و رفت و آمدها شروع نشده است، احتمال وقوع حادثه و ایجاد مزاحمت ها افزایش پیدا می کند. از جمله دلایل آن می توان به خلوت بودن اماکن عمومی، کم تردد بودن، تاریکی فضاهای شهری و غیره و در مقابل آن اماکن عمومی پر جمعیت و شلوغ اشاره کرد که افراد مزاحم از این شرایط استفاده می کنند و کار خود را عملی می نمایند. بنابراین اگرچه در ساعات معینی از شبانه روز این مزاحمت ها افزایش پیدا می کند، اما شلوغی و خلوتی اماکن عمومی هر دو از جهاتی برای زنان تهدید کننده هستند و هیچ یک افزایش امنیت زنان را تضمین نمی کنند. اغلب مصاحبه شوندگان از وسایل رفت و آمد در سطح شهر راضی نبوده، بیان داشته اند که این وسایل مانند مترو، تاکسی، بی آر تی، اتوبوس به علت شلوغی و تردد بالا امنیت خوبی ندارند و همین سبب می شود که مزاحمین به راحتی از این شلوغی و ازدحام جمعیت سوء استفاده کنند و زنان را مورد اذیت و آزار قرار دهند. در ادامه، نقل قول هایی در این زمینه بیان می شود:

«خب مسلماً ساعتایی که مثلاً شبه آدم حس می کنه که داره بهش یه جورایی آسیبی میرسه. نه انگار تو شب

آدم به جورایی بی پناهه. ولی خب طول روز این طوری نیست یا ساعتایی که مثلاً سر ظهره ترسناکه واقعا. برا همین سعی می کنم همون ساعتایی که عموماً بازار شلوغه، مسیرا پر رفت و آمدن نه اینی که به زمانی باشه که جمعیت کمی تو خیابون باشه برم. من مدام اطرافمو نگاه کنم که نکنه کسی بیاد، مدام پشت سر مو نگاه می کنم که کسی دنبالم نباشه یا اینی که همیشه سعی می کنم پل هوایی که می خوام استفاده کنم نگاه می کنم ببینم اگه کسی داخل پل هوایی باشه نمیرم ولی اگه کسی نباشه استفاده می کنم، چون پیش اومده که تو پل هوایی خیلی اتفاقات افتاده.» (شرکت کننده شماره ۵)

۲-۳- تاثیر نوع پوشش

اغلب مصاحبه شوندگان مولفه پوشش را در بروز و شدت مزاحمت بسیار تاثیر گذار دانسته و به نوعی معرفی کننده شخصیت زنان در جامعه معرفی کرده اند و معتقدند زنانی که پوشش نامناسب یا تحریک کننده داشته باشند، بیشتر دچار مزاحمت می شوند. به عبارت دیگر، در جامعه ایران نوع پوشش به مثابه نمادی برای مردان تلقی می شود که اگر زنی از پوشش غیر موجه استفاده کند یعنی خواستار برقراری رابطه است و مردان به این وسیله درصدد ایجاد رابطه بر می آیند و در صورت عدم پذیرش زنان، مزاحمت ایجاد خواهند کرد. از طرفی برخی از زنان نوع پوشش را مولفه ای تاثیرگذار نمی دانند و معتقدند که مردان مزاحم به این مسئله توجهی ندارند و تنها خواهان ایجاد مزاحمت برای زنان هستند:

«من نمیگم کامل پوشیده باشن. ولی خب خودمونم زنیم دیگه. بعضی وقتا واقعا بعضی تپیا اصن قابل قبول نیست. یعنی حتی مثلاً آدم تو کشورای خارجیم میره میبینه که خب حجاب ندارن ولی حجابشون اونقد قابل توجه نیست که همه برگردن نگاش کنن. زنای ما اکثرنشون بدن نما لباس می پوشن یعنی خودنمایی خیلی می خوان بکنن.» (شرکت کننده شماره ۳)

۳- مضمون اصلی: احساس ناامنی

مزاحمت های جنسی اثرات مخرب بسیاری را در پی دارند که از جمله آن ها می توان به احساس ناخوشی، احساس حقارت، خشم، از دست دادن اعتماد به نفس، کاهش کارایی و رضایت و رنج روانی اشاره کرد. این اثرات موجب احساس ناامنی بسیاری در زنان می شود. برخی از این زنان که مورد آزار قرار گرفته اند مجبور به ترک محل کار یا زندگی خود می شوند و یا از رفتن مجدد به این مکان ها خودداری می کنند؛ به این معنی که این زنان قربانی هستند که مجبور به تغییر شرایط خود می شوند و خود را محدود می کنند نه فرد متجاوز و خاطی. همچنین باید در نظر داشت که این نوع از رفتارها در سطح جامعه موجب بی اعتمادی زنان می شود. بر این اساس و با توجه به نظریه فمینیستی، این نوع از مزاحمت ها که مصادیق بارز خشونت علیه زنان هستند موجب کنترل و اعمال سلطه بر رفتار زنان می شوند و حضور موثر زنان را در جامعه تحت تاثیر خود قرار می دهند.

جدول ۳: مضمون اصلی احساس ناامنی

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدها
احساس ناامنی	بی اعتمادی	ترس از برچسب خوردن و بی آبرویی
		اضطراب و شوکه شدن
		انزوا و افسردگی
		نگرش منفی نسبت به جنس مخالف
		بدبینی و بی اعتمادی به جامعه
	تصویر منفی از خود	احساس گناه
		خود سرزنش
		نفرت از زنانگی

۳-۱- بی اعتمادی

ایجاد مزاحمت پیامدهای مخرب و تاثیرگذاری بر روی جسم و روان زنان دارد و اغلب روح و روان زنان را تا مدت ها تحت تاثیر خود قرار می دهد و باعث می شود که در انجام امور روزمره خود دچار اختلال شوند، حتی تا مدت ها نتوانند از پس کارهای معمولی زندگی خود برآیند، خانه نشینی و انزوا را بر رفتن به درون اجتماع ترجیح دهند تا مبادا مجددا دچار تعرض و آزار شوند و از ترس وقوع حادثه بدتر خود را ایزوله می کنند. بسیاری از زنان شوکه و دچار رعب و وحشت می شوند و کاری در همان لحظه از آن ها بر نمی آید. به همین دلیل پس از مدتی که به خود می آیند، دائما خود را به دلیل عدم انجام عکس العمل درست و به موقع یا حتی نوع پوشش و رفتارشان سرزنش می کنند و دچار تنش می شوند. به جز یکی دو مورد از زنان مورد مصاحبه که مزاحمت ها از نوع شدید نبوده و تغییری در شرایط زندگی شان ایجاد نکرده بود، در بقیه موارد احساس ترس، یاس، افسردگی و غیره قابل مشاهده بود. گفتنی است که با افزایش سن، به تدریج وجود مزاحمت ها در جامعه برای زنان پذیرفته شده است و به نوعی با آن کنار می آیند و سعی می کنند که نسبت به موارد معمولی مزاحمت ها توجهی نشان ندهند:

«یه بار دبیرستانی بودم داشتم بر می گشتم خونه. تو کوچه یه پسر افتاد دنبالم و حرفای خیلی بدی زد. این خیلی تاثیر داشت رو من. به طوری که یک ماه می ترسیدم از این خیابون رد بشم. چون از نظر فکری دچار واقعا تجاوز فکری شده بودم. من در خونه فقط گریه می کردم و حالم خیلی بد بود.» (شرکت کننده شماره ۱۰)

۳-۲- تصویر منفی از خود

از آنجا که افراد در جامعه و از طریق ارتباط با دیگر انسان ها جامعه پذیر می شوند و قدرت ابراز خود و فرصت شکوفایی و کشف استعداد هایشان فراهم می آید، زنان نیز به اندازه مردان حق استفاده سالم همراه با آسودگی خاطر از فضاهای شهری را دارند. زنان دنیای امروز دیگر مانند گذشته خانه نشین نیستند و حوزه

فعالیت شان به درون جامعه نیز گسترده شده است. از طرف دیگر، پیچیده تر شدن زندگی و مشکلات اقتصادی، حضور دوشادوش زنان با مردان را می طلبد. بنابراین یکی از عوامل تاثیرگذار در ذهن زنان نسبت به زنانگی و الگوهای پیشرفت زنانه یا مردانه، بر پایه فرآیند جامعه پذیری تعریف می شود و خود تحت تاثیر چگونگی تربیت فرد در درون خانواده است. بر این اساس، تاثیر این مزاحمت ها را بر درک زنان نسبت به زنانگی شان مورد سوال قرار دادیم.

براساس صحبت های مشارکت کنندگان، پیامدها متناسب با نگاه زنان متفاوت بود است؛ به این معنا که اگر خودشان را مقصر می دانستند، دچار احساس گناه و اعتماد به نفس پایین و غیره می شدند؛ ولی اگر مردان را مقصر می دانستند، تاثیر چندانی در روحیه آن ها نگذاشته بود. در برخی موارد هم زنان به دلیل نگاه ابزاری و شیء گونه در جامعه از جانب مردان، از اینکه زن هستند و مورد ظلم، نابرابری و تبعیض واقع شده اند احساس ناراحتی کرده اند. با آن که در مواقع وقوع مزاحمت اغلب زنان خود را به علت نوع پوشش، بیرون بودن در زمان نامناسب، رفتن به اماکن ناآشنا و غریبه و غیره سرزنش کرده بودند و به دلیل عصبانیت، ناامیدی، یاس و غیره تقصیر را به گردن خود می انداختند، اما به طور کلی مشکل را در زن بودن خود نمی دیدند:

«بعضی موقع ها ... یعنی اون لحظه احساس می کنم که مثلاً زن برای این اومده که اینا لذت ببرن. حتماً بعضیا اینجوری به زن نگاه می کنن فقط برای لذت شون. خب، بعد حالا من خودم اون لحظه می مونم که حالا چرا بعضیا اجازه میدن که بعضیا از شون سو استفاده کنن. چون اگه یه متلک می شنوم این حس بهم دست میده که مثلاً فقط میخواد با من یه حالی بکنه و بره. خب بعضی موقع ها میگم زنم خیلی این وسط ضعیفه، مظلوم واقع شده و این حس که کاش زن نبودم برام به وجود میاد.» (شرکت کننده شماره ۶)

۴- مضمون اصلی: نحوه مواجهه

از آنجا که حرف زدن از مزاحمت های جنسی و عملی کردن مخالفت با آن در جامعه به دو نوع فعالانه و منفعلانه تقسیم می شود، اغلب زنان از ترس برچسب خوردن و انگ زنی های جامعه، ترس از وقوع حادثه غیرقابل جبران و غیره ترجیح می دهند که رفتاری منفعلانه داشته باشند. به عنوان مثال، با وانمود کردن به ندیدن و به راه خود ادامه دادن، فرار، بی توجهی و تغییر مسیر و غیره سعی در مقابله با مزاحمت ها دارند. اما در کنار این راهکارها از اقدامات پیشگیرانه ای نیز به صورت فعالانه برای مقابله با مزاحمت ها استفاده می کنند؛ از جمله می توان به استفاده از پوشش و آرایش مناسب، معقول رفتار کردن در جامعه، برنامه ریزی برای انجام کارها در ساعات مناسب روز، تردد نکردن در مکان های نا امن و غیر آشنا، وانمود کردن به رسیدن کمک، تماس با پلیس. به علاوه، برخی راه حل ها نیز مربوط به زنان نیست و تنها در موارد غیر قابل تحمل و بسیار شدید ایجاد مزاحمت مانند لمس بدن، استفاده از الفاظ رکیک جنسی و غیره از خود عکس العمل نشان می دهند و سکوت را می شکنند یا درصدد پیدا کردن راه حلی برای آن بر می آیند.

جدول ۴: مضمون اصلی نحوه مواجهه

کدها	مضامین فرعی	مضمون اصلی
داد و فریاد	واکنش فعالانه	نحوه مواجهه
تقاضای کمک		
زنگ زدن به خانواده یا نیروی انتظامی		
مقابله فیزیکی		
عدم عکس العمل	واکنش منفعلانه	
تظاهر به نفهمیدن		
سکوت		
تغییر مسیر		

۴-۱- واکنش فعالانه

یکی از مولفه های تاثیرگذار در درک از محیط اطراف هر فرد به تجربه زیسته فرد بر می گردد. براین اساس می توان بیان داشت که زنان و مردان تجربه زیسته متفاوتی را به واسطه نوع جنسیت شان که خود تحت تاثیر فرهنگ است از سر می گذرانند. از طرف دیگر، زنان با وجود همجنس بودن، به دلیل بودن از طبقه، نژاد و قومیت متفاوت، تجارب متفاوتی دارند که خود موجب بروز عکس العمل های مختلفی در آن ها می شود. برای مثال، زنانی هستند که در برخورد با مزاحمت های جنسی به صورت فعالانه عمل می کنند و پاسخ فرد متجاوز را می دهند:

"بسیار، لمس بدن تو اتوبوس توی تهران، به مزاحمت لفظی دیگه همه عادت دارند. توی قم یکی اومد. حتی چادرم پاره شد تا این حد زیاد بود و دستم زخم شده بود. منو می کشوند با خودش ببره. مال خیلی سال پیش و دیگه دعوامون شد با همدیگه. من زدمش که فرار کنم از دستش. تا این حد ول نمی کرد. من زدمش. خورد زمین. من تا سر کوچه رفتم. هنوز نتونسته بود بلند شه. نمی دونم که بلایی سرش اومده یا نه؟! چونکه موتورشم پرت کردم روش. فک کنم پاش شکست، فقط دویدم در رفتم." (مصاحبه گروهی شماره ۱).

۴-۲- واکنش منفعلانه

برخی از زنان در هنگام مواجهه با مزاحمت های جنسی به صورت منفعلانه رفتار می کنند که خود می تواند دلایل متفاوتی از جمله ترس از بی آبرویی، ترس از وقوع حادثه ای غیر قابل جبران، ترس از برچسب خوردن و غیره داشته باشد:

"یه بار دیگه ام اتفاقی شد. دوباره سوار ماشین شدم. دوباره مثلاً همینجوری هی سر بحثو باز می کنه که..

این دفعه دیگه هیچی نگفتم. فقط به حرفش گوش دادم و هر چی گفت هیچی سکوت کردم. دیگه پیاده شدم. اومدم.. هیچوقت راجع به اینکه چه کار کنیم فک نکردیم. شاید فقط در حد همین اعصاب خوردیو قصه تعریف کردیم. هیشکی راجع به راهکار فکری نکرده. خب خیلیا میگن بحث نکن. به روی خودت نیار همین تو همه مشترکه. ولی این راهکار که نیست. این از سر اجباره که تو ترجیح میدی هیچی نگی و خودتو اذیت نکنی و بری.» (شرکت کننده شماره ۱)

بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر نشان می دهد که برخی از فضاها ی شهری از جمله مکان های کم تردد و خلوت، فضاهایی که به صورت نیمه ساخته و یا متروک در شهر هستند، احساس عدم امنیت را در زنان تشدید می کنند. به علاوه، ساعاتی از رفت و آمد که این مکان ها دارای حجم کمتری از افراد هستند و یا در زمان های خلوتی از شبانه روز مانند ظهر هنگام، شب ها یا صبح زود که تردد افراد کمتر است یا فقط مردان حضور دارند هراس را در وجود زنان افزایش می دهند. همچنین همه زنان دارای تجربه یکسانی از این نظر نیستند و برای بسیاری از زنان مزاحمت های لفظی، نگاه های خیره شهوانی، بوق زدن اتومبیل ها و غیره به صورت روزانه وجود داشته و در مواردی نیز زنان شاهد تعقیب با پای پیاده، تلاش برای ربودن و غیره بوده اند. در این تحقیق، زنان یا دوستان و نزدیکان آن ها شاهد عورت نمایی و ارضا در ملا عام توسط مردان میان سال و مسن بوده اند و این مسئله به وفور توسط مصاحبه شوندگان بیان شده است. همچنین زنان به مولفه پوشش به عنوان عاملی محرک جهت مزاحمت مردان اشاره کرده اند و اظهار داشته اند که مردان به زنان دارای پوشش نامناسب به نوع دیگری نگاه می کنند و این خود سبب ایجاد مزاحمت می شود. اگرچه در مواردی نیز مولفه پوشش زیر سوال می رود، چرا که زنان دارای پوشش کامل نیز از مزاحمت ها در امان نبوده اند.

به علاوه، در سن مزاحمان خیابانی تغییر ایجاد شده است؛ به طوری که از رده سنی پسران و مردان جوان به مردان میان سال و پیر مردان نیز گسترش پیدا کرده است و شاهد بروز مزاحمت ها برای همه زنان در تمام رده های سنی هستیم. مزاحمت های صورت گرفته برای زنان در سنین جوانی ایجاد تنش و ناراحتی می کنند، اما بسیاری از زنان در جامعه ایران به دلیل دائمی بودن موضوع مزاحمت به تدریج با آن خو گرفته و آن را به عنوان بخشی از زندگی در جامعه پذیرفته اند، چرا که معتقدند این مسئله قسمتی از فرهنگ مردسالار موجود است که نیاز به فرهنگ سازی و راه حل های عمیق و ریشه ای دارد و نه راهکارهای مقطعی و غیر سازنده. اغلب زنان با افزایش سن از دردناک بودن این مسئله برایشان کاسته می شود و می پذیرند که دیگر جنگیدن برای حل آن به تنهایی فایده ای ندارد. بنابراین کمتر ذهن خود را معطوف این موضوع می کنند و در صورت وقوع مزاحمت با بی اعتنایی از کنار آن رد می شوند. به علاوه، این مزاحمت ها تغییری بر روی درک زنان نسبت به زنانگی و زن بودنشان ایجاد نکرده و کمتر شاهد ناراحتی از زن بودن در میان مصاحبه شوندگان بودیم و بیشتر زنان این مزاحمت ها را ناشی از ضعف شخصیتی و اخلاقی مردان و نه ضعیف بودن و ناتوانی زنان می دانستند.

زمانی که زنان وارد حوزه عمومی هم می شوند به دلیل عدم حمایت های قانونی همیشه در ترس و وحشت

به سر می برند و زندگی شان دچار تنش همیشگی خواهد بود و در صورت وجود این نوع از مزاحمت ها زنان با نادیده گرفتن مسئله آن را حل نشده باقی می گذارند. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست و این نوع از مزاحمت ها چنان با زندگی روزانه زنان در هم تنیده شده است که بسیاری از زنان آن را جزئی لاینفک از زندگی تلقی می کنند و حتی با آن خو گرفته اند. بنابراین باید برای حل این مشکل راه حل های ریشه ای، کارساز و پایدار در نظر گرفت که این خود مستلزم فرهنگ سازی در جامعه و درون خانواده، همچنین تصویب و اجرای قوانین توسط دولت و نیروهای حاکم بر جامعه می باشد.

بررسی مطالعات خارجی و داخلی انجام شده در این زمینه نشان می دهد که مزاحمت های خیابانی برای زنان مورد آزار قرار گرفته پیامدهای بسیاری را در بر دارد. به عنوان مثال می توان به اضطراب، افسردگی، ترس از جنس مخالف و دلهره جهت حضور در جامعه، بی خوابی، خود شیء پنداری زنان و غیره اشاره کرد. همچنین بسیاری از زنان در هنگام استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی دچار مزاحمت می شوند، چرا که فرد مزاحم خود را در میان جمعیت پنهان و از این شلوغی سوء استفاده می کند. از این رو، زنان به دلیل این تجارب تلخ در هنگام استفاده از وسایل نقلیه عمومی دچار اضطراب و ترس می شوند و این خود بر حضور مفید آن ها در جامعه تأثیرات منفی بسیاری دارد. به علاوه، برخی از نقاط شهری و یا ساعات رفت و آمد نیز در وقوع مزاحمت ها تأثیرگذار هستند.

براساس نظر فمینیست ها، وجود جایگاه فرو دست زنان و نظام سلطه و کنترل فرهنگ مردسالارانه است که موجب آزار و مزاحمت زنان و بروز این نوع از خشونت ها می شود. بعلاوه فمینیست ها معتقدند که جامعه مردسالار نه تنها برای این مسئله راه حل مناسبی ارائه نمی دهد، بلکه زنان مورد آزار قرار گرفته را نشانه می رود و بر نوع پوشش و رفتار و یا ساعات و محل رفت و آمد زنان دست گذاشته و زنان را به عنوان عاملان تحریک مردان در نظر می گیرد- فمینیست ها وجود مزاحمت های خیابانی را به مردسالاری گسترده در بطن جامعه نسبت می دهند (ریاحی و خاچکی، ۱۳۹۵: ۷۵). همچنین در نظریه کلیشه ها باز شاهد این هستیم که زنان را مقصر وقوع مزاحمت ها می دانند. براساس این نظریه، کلیشه های از پیش تعریف شده ای در مورد حوزه عمومی و خصوصی وجود دارد که زمانی که زنان از قلمرو خصوصی که برای آن ها تعریف شده است پا را فراتر نهاده و وارد قلمرو عمومی و جامعه شوند، در واقع شرایط را برای وقوع مزاحمت ایجاد می کنند (صفاریان و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲۸). نظریه سبک زندگی روزمره نیز بر این نکته تأکید دارد که نوع فعالیت های فرد قربانی دارای اهمیت بیشتری نسبت به فرد مجرم هستند. از این رو، زنانی که در ساعات خلوت رفت و آمد می کنند یا از نوع پوشش مناسب جامعه برخوردار نیستند و یا رفتارهای موجهی ندارند، بیشتر مورد مزاحمت قرار می گیرند (صادقی فسائی و همکاران، ۱۳۹۲).

پیشنهادهای

ناهنجاری های موجود در جامعه تنها معلول یک علت نیست و دلایل متفاوتی برای رخ دادن آن ها وجود دارد. از این رو پرداختن به تک تک عوامل دخیل موجود و ارائه راهکارهای مفید و سازنده است که می تواند

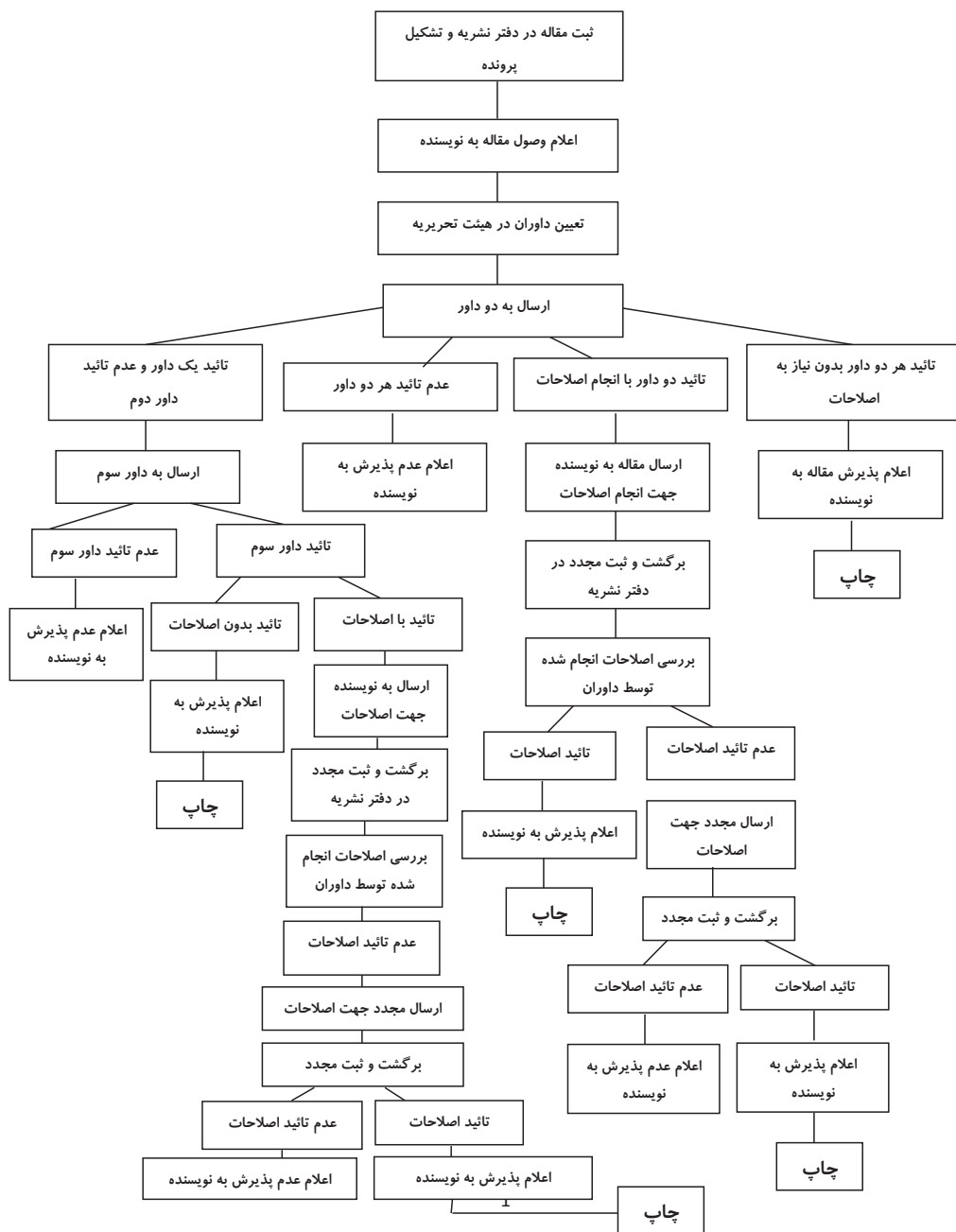
در رفع آن ها تاثیرگذار باشد و در صورت عدم پرداختن به مشکلات اجتماع باید منتظر فروپاشی و اضمحلال جامعه در گذر زمان بود. از این رو، برای حل معضل مزاحمت های خیابانی جنسی که روح و روان زنان را به خطر می اندازد باید درصدد یافتن راهکارهای فردی، خانوادگی، اجتماعی و غیره در کنار نقش دولت و سیاست گذاری های کارآمد، نقش نهادهای دینی، فرهنگی و آموزشی، هنرمندان و رسانه ها، مدارس و غیره بود. برخی پیشنهادات عبارت اند از:

- ارتقای مسئولیت و نظارت اجتماعی شهروندان تا در صورت مشاهده مزاحمت های مردان علیه زنان، قاطعانه و مسئولانه برخورد نمایند؛
- انجام اقدامات لازم توسط شهرداری برای کاهش فضاهای بی دفاع شهری مانند نصب روشنایی کافی در معابر تاریک؛
- آموزش مهارت های جرات ورزی به زنان برای مقابله با مزاحمت های مردان؛
- گسترش خدمات مشاوره تلفنی رایگان و اطلاع رسانی در این زمینه تا در صورت نیاز تماس بگیرند و عوارض روحی و روانی این مزاحمت ها کاهش یابد؛
- استفاده از پلیس مخفی برای برخورد با مزاحمت های مردان علیه زنان و اطلاع رسانی در این زمینه؛
- جریمه خودروهایی که برای زنان مزاحمت ایجاد می کنند و برخورد قاطع با متخلفان.

منابع

- اکبری، حسین و میر محمدتبار، احمد. (۱۳۹۶). «احساس ناامنی زنان در فضاهای شهری در شهر مشهد». مجله جامعه شناسی ایران. دوره ۱۸، شماره ۱، صص ۷۱-۸۲.
- جهانی دولت آباد، اسماعیل. (۱۳۹۸). «واکاوی پدیده مزاحمت های خیابانی فیزیکی با رویکرد مردم نگاری». فصلنامه پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. شماره ۲.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۹۳). جوان، شهر و زندگی روزمره. تهران: انتشارات تیسرا
- ریاحی، محمد اسماعیل و لطفی خاچکی، طاهره. (۱۳۹۵). «تحلیل اجتماعی عوامل موثر بر میزان مزاحمت خیابانی قرار گرفتن زنان و دختران (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه مازندران)». پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. سال ۵. شماره ۲.
- سقایی، محسن، فتاح، فاطمه و پاک نژاد، میترا. (۱۳۹۶). «تحلیلی بر تاثیر فضاهای شهری بر امنیت اجتماعی زنان (مطالعه موردی: شاهین شهر)». فصلنامه پژوهش های مکانی - فضایی. شماره ۵.
- صادقی فسانی، سهیلا؛ آهنگر سله بنی، اعظم؛ دانش، پروانه و قاضی نژاد، مریم. (۱۳۹۲). «درک و تصور زنان از قربانی شدن (مطالعه کیفی در شهر تهران)». فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۲، شماره ۳.
- صفاریان، محسن؛ مردای، گلمراد و نریمانی، مریم. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل جامعه شناختی موثر بر میزان مزاحمت های خیابانی (مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)». فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه. سال ۷، شماره ۱.
- گلی، علی. (۱۳۹۰). «زنان و امنیت در فضاهای عمومی شیراز (مطالعه موردی: پارک آزادی شیراز)». جامعه شناسی تاریخی. دوره ۳، شماره ۲.
- محمدی، جمال؛ جهانگیری، امید و پاکدامن، یوسف. (۱۳۹۵). «تجربه احساس ناامنی زنان در فضاهای شهری». مطالعات فرهنگ- ارتباطات. سال ۱۷، شماره ۳۳.
- هاشمیان فر، علی؛ حقیقتیان، منصور و گلستان، زهرا. (۱۳۹۳). «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر پدیده مزاحمت جنسی زنان در شهر اصفهان». فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر. سال ۸، شماره ۲.
- DelGreco, M. & Christensen, J. (2019). "Effects of Street Harassment on Anxiety, Depression, and Sleep Quality of College Women". Sex Roles, No 82, 473-481.
- Sanchez-Diaz L. (2018). "Street harassment perception and it relations with self-objectification of women". Inter disciplina Journal, No 17, Volume 7.
- Rosenbaum, S. M. & L. Edwards, K. & Bnayak, M. & Regmi Adhikary, J. & Contreras Ramirez, G. (2020). "Street harassment is marketplace discrimination: The impact of street harassment on young female consumers' marketplace experiences". Journal of Retailing and Consumer Services, Volume 57.

فرآیند چاپ مقاله در فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان



An Analysis of the Experiences of Young Girls of Sexual Harassment in Public Places

Raha Pooresmaeili

Master Degree in Women's Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Mansour Fathi

Ph.D., Associate Professor in Social Work, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Received: 6 Feb. 2021

Accepted: 6 Apr. 2021

26

One of the most prevalent forms of violence against women in public places is street harassment, especially in sexual form. This kind of harassment is common in public places such as streets, parks, cinemas and ... and they have irreparable consequences including physical and mental harm to women. The study is to analyze the hidden sides of this kind of sexual harassment in public places from women's perspective among those who are of that kind of experience. 18 students aged 23 to 37 years old in Tehran universities were picked through a targeted sampling method (snowball). The methodology of the study is qualitative with in-depth interviews and focused group discussion.

The findings were classified into 4 main categories including harassment patterns, the impacts of outside elements, how to cope with, and insecure feelings. The results showed that isolated city spaces alongside crowded spots are places where the possibility of happening street harassments are high and both are the same equally dangerous and will impact anxiety, fear, presentiment and etc. According to the findings, rubbing, masturbating in public and exhibitionism are new forms of harassment that are so common between middle-aged and old men.

Key Words: Public Places, Street Harassment, Sexual Harassment and Violence against Women

Effect of Socio-Economic Factors of Modernity on Silent Violence between Young Couples

Sheida Rostami

Ph.D. Student in Sociology, Dehaghan branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

Mehrdad Navabakhsh

Ph.D., Full Professor, Department of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mansour Haghighatian

Ph.D., Associate Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

Received: 26 Jan. 2021

Accepted: 23 Feb. 2021

In today's world, modernity as an effective current in the evolution of social structures has affected the institution of the family and relationships between couples and the consequences that by their hidden function have influenced the silent violence between couples. This article examines the sociological impact of socio-economic factors of modernity on silent violence between young educated couples. The research method is survey and the data collection tool is a questionnaire. The statistical population was the young educated couples in the University of Science and Research who were between 22 and 35 years old. The data collection tool was a researcher-made questionnaire and the data were analyzed based on descriptive and inferential statistics using SPSS22 software and Lisrel structural equation modeling software. The data analysis showed that there is a significant relationship between individualism, materialism, the growth of rationalism, freedom and equality with silent violence. Also, using the structural equation model, the effect of socio-economic factors of modernity on each of the indicators of silent violence between educated couples are: individualism (0/72), materialism (0/69), intellect growth, respectively. Orientation (0/66), Freedom (0/53), Equality (0/42). As a result, the silent violence between educated couples is influenced by the developments of modernity.

Key Words: Silent Violence, Modernity, Individualism, Rationalism and Freedom

A Comparative Study on the Impact of Socially Accepting Institutions on the Political Culture of Youth (Case study: Students of Shahid Chamran University of Ahvaz)

Sara Najaf Pour

Ph.D. Assistant Professor, Department of Political Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Ali Tadayon Rad

Ph.D. Assistant Professor, Department of Political Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 13Feb. 2021

Accepted: 8 May 2021

24

In a democracy, as a desirable model for political order, political culture with a focus on political participation is of an identifying role. One of the most important factors shaping and constructing the political culture is the accepting institutions of society. This study tries to investigate the role of socially accepting institutions in the political culture of Iranian youth by studying the students of Shahid Chamran University in Ahvaz.

In this regard, the main question of the research is: what kind of the political culture teachings would be transmitted to the youth by the institutions of social acceptance in Iran (“Parochial”, “subordinate” or “participatory”)? The hypothesis of the article is that socializing institutions in Iran are more concerned with transmitting the teachings of “subordinate” political culture.

This study has tried to answer the main question and test the article hypothesis by using the survey method and questionnaire tools. In this regard, a researcher-made questionnaire was distributed among a group of students of Shahid Chamran University of Ahvaz and the data were analyzed by using SPSS software.

The findings showed that “families”, “peer groups” and “universities” transmit the teachings of “subordinate” political culture and “mass media” and “religious institutions” more than other institutions teach the teachings of “participatory” political culture, although their main tendency is still to strengthen the “subordinate” political culture.

Key Words: Political Culture, Political Socialization, Political Participation and Youth

Factors Affecting the Delays in Sports Construction Projects by Analytic Hierarchy Process (AHP)

Fahimeh Ebrahimi

Ph.D. in Sport Management, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Zinat Nikaeen

Ph.D., Assistant Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Seyyed Hamid Sadjadi Hezaveh

Ph.D., Assistant Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 27 Feb. 2021

Accepted: 14 Apr. 2021

Increasing the duration of sports Construction projects can cause negative effects for the development of sports and consequently, the development of the country. Therefore, the study is to evaluate the factors affecting the delays in sports construction projects by using AHP analysis. The statistical population of the study included experts in the field of sports construction projects, 30 of whom were selected as a sample by available sampling method. In the qualitative section, 13 of these experts (4 university professors, 4 managers and engineers of Sports Facilities Development and Equipping Company and 5 managers and experts of the technical office and supervision of projects and sports facilities of the Ministry of Sports and Youth) were selected by targeted sampling method and snowball technique. The factors affecting the reduction of delays in sports development projects were identified by conducting semi-structured interview. Then, these factors were provided to the research samples in the form of a hierarchical analysis questionnaire and analyzed by using Expert Choice software based on the AHP method. The results showed that managerial (0/298), engineering (0/219), supervising (0/202) and financial (0/117) factors are the most important factors. Therefore, managers and planners of sports construction projects can reduce delays in sports construction projects by considering these factors.

Key Words: Sports Construction Projects, Financial Factors, Managerial Factors and delay

A Model to Predict the Success of Countries Participating in the 2018 FIFA World Cup Russia Using Intelligent Method of Multilayer Perceptron Networks (MLP)

Fahimeh Mirzaee

Ph.D. in Sport Management, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran

Majid Jalali Farahani

Ph.D., Associate Professor, University of Tehran, Tehran, Iran

Amin Ghazi Zahedi

Ph.D. in Artificial Intelligence, Shahrood University, Shahrood, Iran

Ghodratollah Bagheri

Ph.D., Associate Professor, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran

22

Received: 18 Oct. 2017

Accepted: 30 Dec. 2017

The study is to designing a model to predict the success of countries participating in the 2018 FIFA World Cup Russia. This study was conducted on two qualitative (setting indices) and quantitative (collecting data from selected countries) steps. Semi-structured qualitative and depth interviews was conducted with 24 elites that aware of the issue of study with non-randomly and purposeful procedure.

After identifying indexes, information of selected Indexes (26 Indexes of the political, economic, social, cultural, technological and sporting as theoretical model (PEST+ S)) was collected for 38 countries that were selected with non-randomly and Available procedure since 1978 Argentina FIFA World Cup to 2014 Brazil.

On the next step, the predicted 26 indexes were compared with actual values in 2010 and 2014 to test the conceptual model. The results showed that MLP method was of less error at predicting the 26 indexes. In final step, 26 indexes in 2018 were estimated and position of selected countries was predicted in 2018 FIFA World Cup Russia.

According to MLP results, Islamic Republic of Iran, Japan and South Korea, with position of 1 from the Asian continent will qualify to FIFA World Cup. Also, Belgium and Portugal will ascend to the semifinals, according the predicted position of 4.

Key Words: FIFA World Cup, Multilayer Perceptron Networks and Prediction

Determination of Capacity of Sport Tourism in Darband Mountains with Sustainable Sports Management Approach

Mohammad Taheri Hossein Abadi

Ph.D. Student in Sport Management, Department of Physical Education and Sport Sciences, Faculty of Humanities, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran

Seyed Mostafa Tayebi Sani

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Faculty of Humanities, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran

Ali Fahiminejad

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Faculty of Humanities, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran

Hooman Bahmanpour

Ph.D., Assistant Professor, Department of Environment, Faculty of Engineering, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran

Received: 6 Mar. 2019

Accepted: 17 Jun. 2019

Establishing a favorable balance between the tourism potential of a resource and the extent to which customers are using them is very important and forms the basis of tourism system planning for the development of sports activities. The study is to determine the capacity of sportswear for mountain tourism. In this regard, by identifying three types of physical, real and effective bearing capacity, efforts have been made to planners and designers of such spaces to provide a very reliable basis for decision making and planning for sustainable development. Initially, by using the registration of ground points and preparing land use map using the GIS tool, 165 hectares of the area were selected as useful and usable areas. In the next step, the required parameters were extracted and calculated by examining the records, obtaining the users' votes and the theoretical foundations of the research. Five limiting factors and eleven subsample parameters were used as the coefficient for calculating the actual bearing capacity of the study site. In order to rank the site management capability parameters, a researcher-made questionnaire (Likert spectrum) was provided to users with a history of 384 people. Meanwhile, the highest percentage belonged to the drinking water parameter (4/4) and the lowest point belonged to the parking parameter (1.93). Finally, the physical, real and effective bearing capacity of the study site was estimated (660000, 70686 and 40291) per day.

Key Words: Mountainous Regions, Carrying Capacity, Tourism and Sport

Causative Conditions Affecting Recognition of Sports Talents in SAMA Schools in Iran (A Study Based on Grounded Theory)

Jamshid Vaziri

Ph.D. Student in Sport Management, Physical Education Department, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ali Mohammad Safania

Ph.D., Professor, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Reza Nikbakhsh

Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ali Asghar Doroudian

Ph.D., Assistant Professor, Physical Education Department, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 8 Jul. 2019

Accepted: 8 Sep. 2019

The study is to identify the causative conditions which affect the recognition of the athletic talents in Sama Schools in Iran. The method of the research was a qualitative type (grounded theory) and the data collection was done via interviewing and literature review. The statistical population was included the experts of the field of talent finder and some of the senior managers and decision makers of Sama schools. The research sample was determined theoretically and after the 15 interviews, the framework of the theory was formed. The data analysis was performed using three open, axial and selective coding steps and using Atlas.Ti software version 5/2. Based on the results, the causal conditions affecting the recognition of these needs can be categorized in seven indicators: identification of Sama organization structure, facilities and resources, Sama policies, comprehensive monitoring system, identification of effective communication, motivational issues and different look at strategies.

In order to understand the educational skills as well as the development of schools for this purpose, it is necessary to identify some of the causal conditions for satisfying and facilitating conditions in the same way in all Sama units throughout the country. These conditions can be influenced by the recognition of the exact needs of schools and students in this regard, leading to the development of progress in identifying talent and gaining its success in schools and, of course, the development of the entire country's sport To make.

Key Words: Causal Conditions, Sports Talent, Sama Schools and Grounded Theory

Effect of Perceived Quality on Brand Image and Team Brand Loyalty among Football Fans in Pro League of Iran

Akbar Jabeti

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Faculty of Sport Sciences, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Mohammad Sarreshtehdari

Ph.D. in Sport Marketing, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran

Mehdi Moradi

Ph.D. in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Korosh Ghahreman Tabrizi

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Sport Sciences, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Received: 13 Aug. 2017

Accepted: 1 Oct. 2017

The study is to examine the effect of perceived quality on brand image and brand loyalty among football fans in pro league of Iran. According to research purpose, the study was a descriptive and a practical one, that was conducted based on structural equation modeling. The research population involved the fans of popular football teams in pro league of Iran and a sample of 341 football fans were selected through random sampling in stadiums that were selected purposefully. Standard questionnaires of brand image, brand loyalty and perceived quality have been applied as research tool. The questionnaires validity were verified by sport marketing experts and the reliability of brand image, Brand loyalty and perceived quality questionnaire were respectively found to be 0/89, 0/86, and 0/83 according to Chronbach's alpha. SPSS18 and Amos18 and structural equation modeling were applied for data analysis.

The results indicated that perceived quality was effective on brand image, brand image was effective on brand loyalty and perceived quality was effective on brand loyalty.

Key Words: Perceived Quality, Brand Image, Fans, Brand Loyalty and Pro League

Performance Evaluation of Sports Boards Based on Combinatory Model of BSC-MEA with Negative Data

Khatereh Karami

Ph.D. in Sport Management, Faculty of Physical Education, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Mehdi Salimi

Ph.D., Associate professor in Sport Management, Faculty of Sport Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Mohammad Soltan Hosseini

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Sport Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran

18

Received: 2 Mar. 2019

Accepted: 19 Jun. 2019

The study is to assess the performance evaluation of sports boards based on combinatory model of BSC-MEA with negative data. The study extent was limited to the Isfahan City's active sport boards in 2018. Twelve of these boards were selected as the sample based on the formula, $DMUs \geq 3 \times (\text{input} + \text{output})$. In order to determine the indices, some interviews have been done with the experts. The 19 total indices were compiled and was given to 20 research experts at this field in the form of a questionnaire in two parts. In the first part, the indices were determined in 4 prospective of balanced scorecards and in the second part, they were designed using in a 5-scale phase spectrum to clarify the importance of each index. Those indices that were present in the processes of the growth, and learning, internal prospective, were considered as the model's input (empowerments), determined indices in and customer and financial prospective as the model's output (results). Instrument validity have been done based on the agreement with Lawshe's model. After implementing BSC-MEA model, track and field, Taechvandoo and Karate boards have the highest rank based on their effectiveness. Therefore, BSC-MEA model can be efficient and useful in performance evaluation and ranking of the sport boards.

Key Words: Performance Evaluation, Balanced Score Card (BSC), Sport Boards and Multi Directional Efficiency Analysis (MEA)

A Qualitative Model for Developing Adventure Sports Tourism in Khuzestan Province

Mehdi Zendehboodi

Ph.D. Student in Sport Management, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Nahid Shetab Bushehri

Ph.D., Associate Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Science, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Amin Katibi

Ph.D., Assistant Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Science, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 19 Feb. 2019

Accepted: 9 Mar. 2019

The study is to achieve a theoretical model for developing adventure tourism in Khuzestan province. According to the purpose, this research was an applied research and according to the nature was a qualitative research. To collect the data, reviewing the research literature and interview were used. The research population consisted of sport management professors and faculty members, managers of related sport organizations and experts in sport tourism industry. That sampling done by using targeted referral chain or snowball method, and ultimately for achieve to saturation, 16 direct interviews were conducted. Then, the collected data of interviews were coded and analyzed by using the Grounded Theory (the systematic method of Strauss and Corbin and the paradigm model). Gained results of analyzing the data that obtained of interviews during the open, axial and selective coding process and recognizing the effective components indicated that adventure tourism development in Khuzestan province requires attention to various factors in three levels of underlying (environmental mechanisms), organizational (management mechanisms) and behavioral mechanisms.

Key Words: Tourism Industry, Adventure Sports, Tourism Development, Khuzestan Province and Grounded Theory

Challenges to Develop Sport for All, Professional and Vocational, Women's and Educational Sports in Yazd Province

Javad Yousefian

Ph.D., Assistant Professor, Department of Humanities, Technical and Vocational University (TVU), Yazd, Iran

Received: 29 Dec. 2018

Accepted: 30 Jan. 2019

16

The study is to identify the challenges to physical education and sports development in Yazd province. Therefore, sport in the province was divided into four categories: sport for all, professional and vocational, women's and educational sports. The research samples were 70 executives of Sports and Youth Offices and Education Organizations and their informant colleagues throughout Yazd Province.

To collect the data, at first 53 Unstructured (In-depth) Interviews and then Structured Interviews were done. A face-to-face questionnaire was used to have more precise information. So, the method of the study was a qualitative one. Content analysis and comparison of both parts of interviews were used to interpret findings.

The findings indicated that financial, socio-cultural, human resources, patronage, sport for special groups, talent identification, and inequity in sports and planning are the most important challenges in order to develop the sport and physical education in Yazd province. In addition, a number of suggestions are proposed to handle the mentioned challenges.

Key Words: Challenge, Sport for All, Professional and Vocational Sport, Women's Sport and Educational Sport

Exploratory Analysis of Factors Affecting A Successful Strategic Plan in Olympic Sports Federations

Marzieh Bahador

Master Degree in Marketing Management in Sports, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mostafa Afshari

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sport Management, Sport Sciences Research Institute, Tehran, Iran

Mohsen Bagherian Farah Abadi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sport Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 21 Nov. 2018

Accepted: 7 Feb. 2019

In recent decades, there has been an increase in awareness about the value of the success of championship and Olympic sports among countries and governments. Therefore, the present study was developed by PCA method with the aim of identifying the factors affecting a successful strategic plan in Olympic sports federations. The method of the study was a survey and the statistical population included all managers, employees, officials, chiefs, secretary general, vice president and staff experts of the Iranian Olympic sports federations that 143 people were randomly selected as a sample. The research tool was a researcher-made questionnaire of 31 questions that was designed based on interviews with experts and theoretical foundations based on qualitative analysis. Its face and content validity were examined by sports management professors. The construct validity of the questionnaire was $KMO = 0/792$ and the reliability was calculated to be $0/89$ by Cronbach's alpha method. Descriptive test (mean, standard deviation) and inferential test (Friedman, confirmatory and exploratory factor analysis) were used to analyze the data using SPSS and AMOS software version 24.

The results of factor analysis showed 5 factors were identified as effective indicators on a successful strategic plan in the Olympic sports federations, which is about 54/096% of the variances were included: 1- Development of operational plan (23/275), 2- Correct evaluation of the internal environment of the organization (9/445), 3- Correct evaluation of the external environment of the organization (8/365), 4- Development Strategies, instructions and processes (6/924), 5 - method without missions, goals, plans (6/086). According to the obtained results, in order to succeed and continue the strategic plan, the factors identified in this study should be examined and considered by managers and officials.

Key Words: Successful Strategic Plan, Olympic Federations and Exploratory Analysis

A Succession Management Model in the Ministry of Sport and Youth: Grounded Theory

Maryam Karimi

Ph.D. Student in Sport Management, Faculty of Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Sedigheh Heydarinejad

Ph.D., Professor, Sport Management Department, Faculty of Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Yadollah Mehralizadeh

Ph.D., Professor, Educational Sciences Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

14

Received: 29 Dec. 2018

Accepted: 20 Apr. 2019

Succession is considered as a planning to identify, appoint and replace competent people in key positions to advance the goals of the organization. The study is to design a native model of succession management in the Ministry of Sport and Youth through qualitative and exploratory-fundamental research method. The research data were collected through the purposive sampling with snow ball technique and by semi-structured interviews with 19 academic experts and individuals with managerial experiences in the Ministry of Sport and Youth. The data which were analyzed in two stages of real coding and theoretical coding, designed the grounded model. The results showed that for implementation of succession for initial context, a set of requirements, including culture, support and commitment of senior managers, transparency in affairs of management of human resources, legal requirements, economic support, establishment of a meritocracy system is required. In addition, the necessary executive measures were classified in six stages, respectively, including identification of the promoters, the determination of succession committee, the identification of key posts, the determination of the entering of individuals to the succession plan, assessment and selection of candidates, and enablers of candidates. Finally, it has been found that the talented employees can be identified by deployment of succession planning.

Key Words: Ministry of Sport and Youth, Succession Management, Grounded Theory and Snow Ball Techniqu

Effective Factors in the Development of Chess in Iran: An International Approach

Ehsan Ghaem Maghami

Ph.D. Assistant Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Habib Honari

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Gholam Ali Karegar

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Javad Shahlaei Bagheri

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Received: 19 Feb. 2019

Accepted: 9 Mar. 2019

Understanding issues and problems of sport requires a scientific, experimental and developmental viewpoint. The study is to explore the effective factors in the development of chess in Iran with international approach. The used research method was survey and exploratory and the required information was obtained using documentary studies and interviews with experts. The statistical population of the study contained university professors with specialization in chess in different levels and national and international levels. The sampling method was theoretical and the interview protocol tool was used to reach the theoretical saturation with experts (17 interviews with 14 people). Also, the reliability of the interviews was obtained by re-test method (0/83). In total, the data were identified and categorized using open, pivot and selective coding, which includes 22 open codes, 7 pivot codes and 4 selective codes. In general, there were 4 main concepts of development of chess in Iran with international approach including implementing a desirable model of development, globalization, technology and sport diplomacy which attention to the above factors would lead to the development of chess in international level.

Key Words: Chess Development, Technology and Globalization

Effective Factors on Stabilizing the Position of Wrestling in the Olympics

Akbar Behtari

Ph.D. Student in Sport Management, Sport Management Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Farideh Ashraf Ganjoei

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Sport Management Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammad Reza Esmaeili

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Sport Management Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 27 May 2020

Accepted: 19 Oct. 2020

The study is to identify the factors affecting the stabilization of wrestling in the Olympic Games. The present research is based on the applied purpose, in terms of qualitative methodology using data foundation theory, based on the emerging method. The statistical population of this study was the published documents on the topic of factors affecting the stabilization of wrestling in the Olympic Games and views of 19 experts (university faculty members, vice president of the Wrestling Federation, secretary of the Wrestling Federation, coaches of the Iranian national wrestling team and experts Ship). The sampling was done purposefully and continued until the interviews reached the theoretical saturation stage. The data was collected through in-depth and semi-structured interviews. The validity of the study was confirmed based on the criteria of “acceptability”, “transferability” and “verifiability”. Also, 85% reliability was reported. The data analysis was performed using Max Kyoda software version 2018.

The results showed that three factors can be effective in stabilizing the position of wrestling in the Olympic Games: 1) stabilization barriers, 2) facilitators and 3) developers were identified. It can be said that with a view such as raising the excitement of competitions, passing new rules and regulations, the development of this sport among children and adolescents and the development of wrestling in emerging countries by the World Wrestling Federation can minimize these obstacles and facilitate the way for agents. Provided to eventually lead to development factors and pave the way for the consolidation of the position of wrestling in the Olympic Games.

Key Words: Olympic Games, Facilitating Factors, Developing Factors, Stabilization Barriers and Wrestling

Factors Affecting the Formation of Corruption in Iran Professional Sports

Mehdi Sadatolhosseini

Ph.D. Student in Sport Management, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ali Zarei

Ph.D., Associate Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Zahra Haji Anzehaee

Ph.D., Assistant Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 9 Jan. 2021

Accepted: 30 Jan. 2021

The study is to identify the factors affecting the formation of corruption in Iran professional sports. The research method was qualitative (Grounded Theory). The data was collected and analyzed through in-depth and semi-structured interviews with 19 experts (university professors, sports club managers, deputies of the Ministry of Sports and Youth, presidents of sports federations, athletes and members of the media) and performed by coding process (Open coding, Axial and Selective). After theoretical saturation and completing the findings, the model was designed with a systematic approach. The results showed that after step-by-step coding, 254 non-duplicate initial codes were obtained which were classified into 40 categories. It can be said that the formation of corruption in Iranian professional sports is based on various factors. Therefore, when the mechanism of action of these factors is properly identified and diagnosed, we can reach to scientific growth and prevent the formation of corruption in professional sports in Iran. According to the results, it is suggested that federations and even sports clubs establish a clear monitoring system on the performance of coaches, referees, athletes and managers. Also, considering some causes of corruption in professional sports in Iran like existence of legal grounds, complex regulations, ambiguous laws and other similar cases, it is recommended to formulate professional sports laws and policies based on existing international laws.

Key Words: Professional Sports, Corruption in Sports, Corruption in Sports Teams, Brokerage in Sports and Betting

Challenges of Inter-Organizational Partnership in Sports in order to implement Sports Programs for Development and Peace

Mahshid Gholi Pour

Master Degree in Sport Management, Sport Management Department, Faculty of Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Sedighe Heydari Nejad

Ph.D., Professor in Sport Management, Sport Management Department, Faculty of Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Tahereh Azmsha

Ph.D., Assistance Professor in Sport Management, Sport Management Department, Faculty of Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 8 Feb. 2020

Accepted: 13 Jun. 2020

The study is to identify the challenges of inter-organizational partnership in sports in order to implement sports programs for development and peace. The research method was descriptive-analytical and applied in terms of purpose and Delphi technique was used to collect the data. 25 experts with executive positions in sports organizations were selected by targeted non-random methods, and Delphi's technique continued for up to 3 rounds to establish a theoretical agreement between them. Descriptive statistics were used to analyze the data and Kendall's W nonparametric test was used to examine the theoretical agreement between the experts. Finally, the research findings identified 22 challenges related to inter-organizational partnership in the implementation of sports programs for development and peace, the most important of which are the lack of a coherent organization for development and peace programs, costly and time consuming projects, Sports for development and peace, officials' distrust of the impact of sport on development and peace, lack of recognition of development and peace programs and lack of awareness among officials and employees of sports organizations about sports programs for development and peace. It is hoped that the country's sports authorities, using the results of this research, will provide the ground for the partnership of sports organizations in the implementation of sports programs for development and peace.

Key Words: Inter-Organizational Partnership, Sports, Development and Peace, Empowerment and Delphi Method

Locating the Microsystems of Entrepreneurship Ecosystem in Sport

Abbass Farahmand Mehr

Ph.D. in Sport Management, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Farideh Sharifi Far

Ph.D., Assistant Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Reza Nikbakhsh

Ph.D., Associate Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 4 Nov. 2018

Accepted: 3 Apr. 2019

The study is to identify and locating the ecosystem microsystems of entrepreneurship in the country's sports industry. The research method was qualitative and carried out in five stages. In the first stage, documentary research method was used to identify the current status of entrepreneurship in sport as well as to identify the influential factors in the sports entrepreneurship ecosystem. In the second phase, the other ecosystems of entrepreneurship (startup ecosystems, agriculture and tourism) were adapted. In the third phase, a Semi-structured interview was conducted with 20 experts, and analyzed by the Grounded Theory of data from the interviews. In the fourth stage, based on the information of the three preceding stages, effective micro-systems were identified in the entrepreneurship ecosystem in sport and the proposed framework of the entrepreneurship ecosystem in sport was developed along with the micro-systems. In the final stage, with using the two-step Delphi method, the designed model of entrepreneurship ecosystem was validated in the sport and the position and role of each of the micro-systems was confirmed with respect to the subsystems and main elements. The ecosystem of entrepreneurship in the country has faced many challenges and it is only in the case of all-round attention to all factors involved in the ecosystem within a comprehensive framework that we can provide suitable conditions for the development of entrepreneurial activities in the sports industry. Therefore, the framework outlined in this study can be used as a roadmap for creating an optimal ecosystem of sports entrepreneurship.

Key Words: Sports Industry, Sports Entrepreneurship, Microsystem and Entrepreneurship Ecosystem

Preparing Entrepreneurship Human Resources Management System Algorithm in Ministry of Sport and Youth

Habibollah Gorbani

Ph.D. Student in Strategic Management in Sports Organizations, Urmia University, Urmia, Iran

Mir Hassan Seyyed Ameri

Ph.D., Professor in Sport Management, Urmia University, Urmia, Iran

Mahdi Bashiri

Ph.D., Assistant Professor, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Received: 26 Feb. 2020

Accepted: 4 Jul. 2020

8

The study is to design and prepare entrepreneurship human resources management system algorithm in Ministry of Sport and Youth, which it implemented with qualitative method and basic- discovering nature according to data-based pattern and constructivist survey. The statistical society included all managers of sport and Youth ministry, sport and Youth head offices and university masters, who were selected by snowball sampling and based on depth interviews with 28 persons. The data analysis was done in Open Coding, Axial Coding and Selective Coding. Then, the study qualitative model was designed. In this research to design an entrepreneurial human resource management system, 11 main categories and 29 subcategories was identified. 4 causal conditions (organizational capability, value creation and resource-based entrepreneurial human resource, feeling distrustful of traditional human resource management, necessity logistical management), 7 context conditions (positive attitude of managers towards entrepreneurship, threats and opportunities, coordination between HRM strategies with the grand strategies of the Ministry of Sport and Youth, Strengths and weaknesses, Ministry focus on entrepreneurial variables, dynamics and competitiveness of the environment, personality traits and individual factors), 5 intervening conditions (structural barriers, contextual barriers, behavioral barriers, criterion conversion to rationalism, Anti-motivational factors), 4 strategies (redesign the overall organizational structure to be agile and meet the needs of entrepreneurial employees, redesign the structure of human resource management, development of organizational processes to support human resource entrepreneurship, take advantage of identified opportunities and operational plans) were identified in the form of a paradigm model. So, it is proper utilization of human resources in order to create and develop entrepreneurship improves in the Ministry of Sports and Youth, improving the performance of the organization, human resource development and improvement of customers.

Key Words: Human Resources Management, Entrepreneurship Survey and Ministry of Sport and Youth

Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Ali Asghar Doroudian:** Ph.D., Assistant Professor, Physical Education Department, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran **20**

Determination of Capacity of Sport Tourism in Darband Mountains with Sustainable Sports Management Approach

Mohammad Taheri Hossein Abadi: Ph.D. Student in Sport Management, Department of Physical Education and Sport Sciences, Faculty of Humanities, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran / **Seyed Mostafa Tayebi Sani:** Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Faculty of Humanities, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran / **Ali Fahiminejad:** Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Faculty of Humanities, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran / **Hooman Bahmanpour:** Ph.D., Assistant Professor, Department of Environment, Faculty of Engineering, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran **21**

Model to Predict the Success of Countries Participating in the 2018 FIFA World Cup Russia Using Intelligent Method of Multilayer Perceptron Networks (MLP)

Fahimeh Mirzaee: Ph.D. in Sport Management, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran / **Majid Jalali Farahani:** Ph.D., Associate Professor, University of Tehran, Tehran, Iran / **Amin Ghazi Zahedi:** Ph.D. in Artificial Intelligence, Shahrood University, Shahrood, Iran / **Ghodratollah Bagheri:** Ph.D., Associate Professor, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran **22**

Factors Affecting the Delays in Sports Construction Projects by Analytic Hierarchy Process (AHP)

Fahimeh Ebrahimi: Ph.D. in Sport Management, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Zinat Nikaeen:** Ph.D., Assistant Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Seyyed Hamid Sadjadi Hezaveh:** Ph.D., Assistant Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran **23**

A Comparative Study on the Impact of Socially Accepting Institutions on the Political Culture of Youth (Case study: Students of Shahid Chamran University of Ahvaz)

Sara Najaf Pour: Ph.D. Assistant Professor, Department of Political Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran / **Ali Tadayon Rad:** Ph.D. Assistant Professor, Department of Political Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran **24**

Effect of Socio-Economic Factors of Modernity on Silent Violence between Young Couples

Sheida Rostami: Ph.D. Student in Sociology, Dehaghan branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran / **Mehrdad Navabakhsh:** Ph.D., Full Professor, Department of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Mansour Haghighatian:** Ph.D., Associate Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran **25**

An Analysis of the Experiences of Young Girls of Sexual Harassment in Public Places

Raha Poorestmaeili: Master Degree in Women's Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran / **Mansour Fathi:** Ph.D., Associate Professor in Social Work, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran **26**

A Succession Management Model in the Ministry of Sport and Youth: Grounded Theory

Maryam Karimi: Ph.D. Student in Sport Management, Faculty of Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran / **Sedigheh Heydarinejad:** Ph.D., Professor, Sport Management Department, Faculty of Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran / **Yadollah Mehralizadeh:** Ph.D., Professor, Educational Sciences Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran **14**

Exploratory Analysis of Factors Affecting A Successful Strategic Plan in Olympic Sports Federations

Marzieh Bahador: Master Degree in Marketing Management in Sports, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Mostafa Afshari:** Ph.D., Assistant Professor, Department of Sport Management, Sport Sciences Research Institute, Tehran, Iran / **Mohsen Bagherian Farah Abadi:** Ph.D., Assistant Professor, Department of Sport Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. **15**

Challenges to Develop Sport for All, Professional and Vocational, Women's and Educational Sports in Yazd Province

Javad Yousefian: Ph.D., Assistant Professor, Department of Humanities, Technical and Vocational University (TVU), Yazd, Iran **16**

A Qualitative Model for Developing Adventure Sports Tourism in Khuzestan Province

Mehdi Zendeboodi: Ph.D. Student in Sport Management, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran / **Nahid Shetab Bushehri:** Ph.D., Associate Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Science, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran / **Amin Katibi:** Ph.D., Assistant Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Science, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran **17**

Performance Evaluation of Sports Boards Based on Combinatory Model of BSC-MEA with Negative Data

Khatereh Karami: Ph.D. in Sport Management, Faculty of Physical Education, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran / **Mehdi Salimi:** Ph.D., Associate professor in Sport Management, Faculty of Sport Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran / **Mohammad Soltan Hosseini:** Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Sport Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran **18**

Effect of Perceived Quality on Brand Image and Team Brand Loyalty among Football Fans in Pro League of Iran

Akbar Jaberri: Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Faculty of Sport Sciences, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran / **Mohammad Sarreshtehdari:** Ph.D. in Sport Marketing, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran / **Mehdi Moradi:** Ph.D. in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran / **Korosh Ghahreman Tabrizi:** Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Sport Sciences, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran **19**

Causative Conditions Affecting Recognition of Sports Talents in SAMA Schools in Iran (A Study Based on Grounded Theory)

Jamshid Vaziri: Ph.D. Student in Sport Management, Physical Education Department, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Ali Mohammad Safania:** Ph.D., Professor, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Reza Nikbakhsh:** Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, South Tehran

CONTENTS

Preparing Entrepreneurship Human Resources Management System Algorithm in Ministry of Sport and Youth

Habibollah Gorbani: Ph.D. Student in Strategic Management in Sports Organizations, Urmia University, Urmia, Iran / **Mir Hassan Seyyed Ameri:** Ph.D., Professor in Sport Management, Urmia University, Urmia, Iran / **Mahdi Bashiri:** Ph.D., Assistant Professor, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran **8**

Locating the Microsystems of Entrepreneurship Ecosystem in Sport

Abbass Farahmand Mehr: Ph.D. in Sport Management, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Farideh Sharifi Far:** Ph.D., Assistant Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Reza Nikbakhsh:** Ph.D., Associate Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran **9**

Challenges of Inter-Organizational Partnership in Sports in order to implement Sports Programs for Development and Peace

Mahshid Gholi Pour: Master Degree in Sport Management, Sport Management Department, Faculty of Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran / **Sedighe Heydari Nejad:** Ph.D., Professor in Sport Management, Sport Management Department, Faculty of Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran / **Tahereh Azmsha:** Ph.D., Assistance Professor in Sport Management, Sport Management Department, Faculty of Sport Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran **10**

Factors Affecting the Formation of Corruption in Iran Professional Sports

Mehdi Sadatolhosseini: Ph.D. Student in Sport Management, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Ali Zarei:** Ph.D., Associate Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Zahra Haji Anzehaee:** Ph.D., Assistant Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran **11**

Effective Factors on Stabilizing the Position of Wrestling in the Olympics

Akbar Behtari: Ph.D. Student in Sport Management, Sport Management Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Farideh Ashraf Ganjoei:** Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Sport Management Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Mohammad Reza Esmaili:** Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Sport Management Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran **12**

Effective Factors in the Development of Chess in Iran: An International Approach

Ehsan Ghaem Maghami: Ph.D. Assistant Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran / **Habib Honari:** Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran / **Gholam Ali Karegar:** Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran / **Javad Shahlaei Bagheri:** Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran **13**

Editorial Board:

Seyyed Abdol Hamid Ahmadi

Associate Professor in Physical Education (Sport Physiology) Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR)

Mohammad Javadipour

Associate Professor in Educational Planning Curriculum Development & Instruction Methods Department Faculty of Psychology and Educational Sciences University of Tehran

Seyyed Nasrollah Sajjadi

Full Professor in Physical Education (Management and Planning) Sport Management Department Faculty of Physical Education and Sport Sciences University of Tehran

Gholam Reza Shabani Bahar

Full Professor in Physical Education (Management and Planning) Management and Planning in Physical Education Department Physical Education and Sport Sciences Department Allameh Tabatabai University

Rasoul Sadeghi

Associate Professor in Sociology Demography Department Faculty of Social Sciences University of Tehran

Farzad Ghafouri

Associate Professor in Physical Education (Management and Planning) Management and Planning in Physical Education Department Faculty of Physical Education and Sport Sciences Allameh Tabatabai University

Kourosh Fathi Vajargah

Full Professor in Educational Planning Higher Education Department Faculty of Education and Psychology Shahid Beheshti University

Reza Gharakhanlou

Full Professor in Physical Education (Sport Physiology) Physical Education Department Faculty of Humanities Tarbiat Modares University

Shahla Kazemipour

Associate Professor in Sociology Demography Department Faculty of Social Sciences University of Tehran

Abbass Ali Gaeini

Full Professor in Physical Education (Sport Physiology) Sport Physiology Department Faculty of Physical Education and Sport Sciences University of Tehran



QUARTERLY OF STRATEGIC STUDIES ON YOUTH AND SPORTS

● **No.54** ● **Winter 2022** ●

● **Concessionaire:** Ministry Of Sports and Youth ●

● **Director:** Reza Nikbakhsh ●

● **Editor-in-Chief:** Seyyed Nasrollah Sadjadi ●

● **Office Manager:** Zahra Kamalian ●

● **Typist:** Jafar Khodady ●

● **Publication:** Iranian Student Book Agency ●

**MINISTRY OF SPORTS AND YOUTH
STRATEGIC STUDIES AND RESEARCHES CENTER**

● **Add:** No.4. Sayeh St. Afriqa Blvd. Tehran, Iran ●

● **Tel:**+98(21)22662369 ●

● **Fax:** +98(21)22662260 ●

● **<http://faslname.msy.gov.ir>** ●

*In The Name Of Allah
The Beneficent and the
Merciful*